

سیرک کارمل

سحکم حزب و سوند آن با خلق

مجموعه بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها

(۱۳۶۰-۱۳۶۱)

بازتاب و تدوین دیجیتال: قاسم آسالی

بازنسخ: انتشارات راه پرچم

ببرک کارمل

سبحکم حزب و سوزد آن با خلق

مجموعه بیانیہ و مصاحبہ

(۱۳۶۰-۱۳۶۱)

شناسنامه کتاب:

عنوان: ببرک کارمل، تحکیم حزب و پیوند آن با خلق (مجموعه بیانیه‌ها
و مصاحبه‌ها ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱)

چاپ نخست: جدی ۱۳۶۲ موسسه نشراتی ح.د.خ.ا، کابل

بازتایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

بازبخش: انتشارات راه پرچم ۱۳۹۷ / جنوری ۲۰۱۹

<http://rahparcham.org/>



تذکر کوتاه

صفحهٔ اینترنتی راه پرچم افتخار دارد که در راستای باز نشر و پخش اسناد، مدارک و نشرات بیانگر کار و پیکار جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بار دیگر مجموعهٔ بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و گذارش‌های رفیق ببرک کارمل در پلینوم‌های کمیته مرکزی و نخستین کنفرانس حزبی را با عنوان «تحکیم حزب و پیوند آن با خلق» در دنیای اینترنت همگانی میسازد.

قابل یادآوری است که صفحهٔ اینترنتی راه پرچم، چندی قبل این مجموعه را از طریق وبسایت راه پرچم در اختیار هموطنان قرار داد که متأسفانه کیفیت سکن مطلوب نبود؛ برای رفع این معضله و بنابر خواست هموطنان، به بازتایپ آن اقدام و اینک متن تازه در اختیار شما قرار داده میشود.

در پیداکردن و همگانی ساختن اسناد، مدارک و نشرات دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ما را یاری رسانید. همگانی ساختن چنین مدارک و نشرات یک دین و مکلفیت ما است.

گردانندگان صفحهٔ انتر نیتی راه پرچم

ایمیل:

rahparcham@gmail.com

آدرس ما در اینترنت:

<http://rahparcham1.org>

درباره این مجموعه

با سقوط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، خصومت و عناد دشمنان و مخالفین بین‌المللی، منطوقی و داخلی آن با مردم وطن و حزب ما، تنها فروکش نکرد بلکه برای تخریب آرمان‌ها، اهداف و دستاوردهای دولت دموکراتیک و ویرانی وطن و کشتن مردم، شیوه‌های به مراتب ویرانگری را بکار بردند. جهاد‌های پایین شده از کوه، همانند نیروهای ویرانگر چنگیزی با غصب موسسات دولتی و عامه آنچه را که قابل انتقال بود "غنیمت دانسته" به تصرف شخصی و تنظیمی خویش درآوردند و آنچه را که غیرقابل انتقال بود؛ شکستند و نابود ساختند. بزرگترین جفای تنظیم‌های جهادی، تسلیم دادن اسناد محرم ادارات دولتی به کشورهای پاکستان و ایران بود.

حامیان بین‌المللی "مجاهدین"، در آغاز خواستند با برجسته ساختن موجودیت قوای شوروی، مسئولیت جنگ و ویرانی کشور را متوجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ساخته و برهمه دستاوردهای بیش از یک دهه دولت دموکراتیک خط بطلان بکشند و پیروزی دست پرورده‌های خویش را جشن بگیرند.

در مرحله بعدی وسایل ارتباط جمعی وابسته به آنها بشمول نویسندگان، تحلیل‌گران و ژورنالیستان مخالف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواستند با سکوت و خاموشی در مورد اقدامات آبادانی و سازندگی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، آنرا از انهان مردم محو سازند. آنان حین نوشتن مطالب و تحلیل‌ها، پیرامون وضع و حوادث افغانستان تلاش داشتند تا از جمهوری داوود به دولت اسلامی ساخته شده از جانب آنها، خیز برزند و چنین تلقین نمایند که گویا در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۹۲ هیچ کاری مثبتی در افغانستان صورت نگرفته است و تنها دوره سیاه بگیر و ببند حفیظ الله امین را سمبول و نمونه همه این مدت دانسته اند.

خوشبختانه گذشت زمان و دآوری تاریخ، بی‌طرفانه است و با سپری شدن هر ماه و هر سال، رویدادهای دهه هشتاد میلادی قرن گذشته از جنگ تا آبادانی و سازندگی، بیشتر و خوبتر وضاحت یافته و می‌یابد و مردم طی بیست و شش سال گذشته با چشم خویش می‌بینند و با پوست و گوشت خود احساس میکنند که همسایه‌های به ظاهر دوست و مدعی داشتن تاریخ، فرهنگ، زبان و دین مشترک، چرا و برای کدام منظور تنظیم‌های جهادی را ایجاد کرده و ارتجاع عرب و جهان‌خواران بین‌المللی، روی کدام انگیزه‌ها و اهداف، بر آنها سرمایه‌گذاری کرده و امکانات بی‌حساب پول، سلاح و اطلاعات را در اختیار آنها قرار داده و در

سطح بین‌المللی از آنها حمایه سیاسی و تبلیغاتی میکردند و مدعیان "اسلام و آزادی" چه جنایاتی را در مقابل مردم و وطن مرتکب شده و میشوند؟

در راستای توضیح اهداف، خواسته‌ها و عملکرد جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در عرصه‌های گوناگون، بازپخش مجموعه‌ای از سخنرانیها، مصاحبه‌ها و گذارشهای رفیق ببرک کارمل رئیس شورای انقلابی و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کمک مینماید تا تصویر از کار و پیکار یک دوره از تاریخ کشور بدست آید و زمینه دسترسی را برای مشتقان بررسی بی طرف حوادث کشور فراهم گردد. قاسم آسمایی

فهرست

۱. بیانیه شفاهی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی ۲۴ فبروری ۱۹۸۱
۱
۲. بیانیه شفاهی در اجتماع افسران، سربازان و فعالین حزبی فرقه ۱۱ ننگرهار ۳۰ حمل ۱۳۶۰
۱۹
۳. بیانیه در جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سومین سالگرد انقلاب ثور ۶ ثور ۱۳۶۰
۲۳
۴. بیانیه در کنگره مؤسس جبهه ملی پدروطن جوزای ۱۳۶۰
۳۱
۵. بیانیه در ضیافت پراگ ۲ سرطان ۱۳۶۰
۴۷
۶. بیانیه در ضیافت براتیسلاوا ۴ سرطان ۱۳۶۰
۵۵
۷. بیانیه در جلسه فعالین حزبی قوای مسلح ۲۵ اسد ۱۳۶۰
۵۸
۸. بیانیه به مناسبت شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور ۲۷ اسد ۱۳۶۰
۶۸
۹. بیانیه در جلسه فعالین س.د.ج.ا در قوای مسلح ۱۷ سنبله ۱۳۶۰
۷۲
۱۰. بیانیه شفاهی هنگام توزیع مدال‌ها برای افسران و سربازان خارندوی ۲۳ سنبله ۱۳۶۰
۸۱
۱۱. بیانیه در محفل تقویض دیپلوم‌ها و مدال‌ها برای فارغان موسسات تعلیمی نظامی ۱۷ عقرب ۱۳۶۰
۸۶
۱۲. بیانیه هنگام افتتاح دهمین اجلاس هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و افریقا در کابل ۲۷ عقرب ۱۳۶۰
۹۵
۱۳. گزارش به پلینوم هفتم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ۱۶ قوس ۱۳۶۰
۱۰۳
۱۴. بیانیه هنگام اهدای نشان «خورشید آزادی» به ل. بریژنف ۲۰ قوس ۱۳۶۰
۱۱۶
۱۵. بیانیه در ضیافت صوفیه ۲۵ قوس ۱۳۶۰
۱۱۹
۱۶. بیانیه در ضیافت وارانای بلغاریا ۲۸ قوس ۱۳۶۰
۱۲۸
۱۷. بیانیه هنگام دریافت کارت عضویت نمبریک ح.د.خ.ا
۱۳۴
۱۸. بیانیه هنگام توزیع کارت‌های عضویت حزب به اعضای کمیته مرکزی و یک تعداد نمایندگان زحمتکشان ۲۰ جدی ۱۳۶۰
۱۳۷

۱۹. بیانیه در کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل ۲۹ دلو ۱۳۶۰ ۱۳۹
۲۰. بیانیه در جلسه مسوولین وزارت‌ها و ارگان‌های محلی حزبی و دولتی ج.د.ا. درباره ادامه اصلاحات ارضی دموکراتیک در ج.د.ا. ۴ حوت ۱۴۷۱۳۶۰
۲۱. بیانیه هنگام برداشتن پرده از روی بنای یادگاری قهرمانان انقلاب
۲۲ حوت ۱۳۶۰ ۱۵۳
۲۲. بیانیه افتتاحیه کنفرانس سرتاسری ج.د.خ. ۲۳ حوت ۱۳۶۰ ۱۵۵
۲۳. بیانیه در مراسم اختتام کار کنفرانس سرتاسری ج.د.خ. ۲۴ حوت ۱۳۶۰
۱۸۸
۲۴. بیانیه به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۱ ۲۹ حوت ۱۳۶۰ ۱۹۱
۲۵. بیانیه هنگام دریافت نشان «خورشید آزادی» ۵ ثور ۱۳۶۱ ۲۰۲
۲۶. بیانیه هنگام افتتاح «پل دوستی» ۲۲ ثور ۱۳۶۱ ۲۰۵
۲۷. بیانیه در جلسه سراسری کارمندان خدمات اطلاعاتی دولتی ۲۶ ثور ۱۳۶۱
۲۰۹
۲۸. بیانیه در ضیافتی که به افتخار هیات عالی‌رتبه حزبی و دولتی ج.د. افغانستان از جانب اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی سوسیالیست متحده آلمان ترتیب شده بود ۲۹ ثور ۱۳۶۱ ۲۱۷
۲۹. بیانیه هنگام ملاقات با محصلان افغانی مکتب حزبی شهر پوتسدام ج.د. آلمان ۳۰ ثور ۱۳۶۱ ۲۲۲
۳۰. بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج.د. آلمان ۳ جوزای ۱۳۶۱ ۲۲۵
۳۱. در باره وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها ۵
اسد ۱۳۶۱ ۲۲۹
۳۲. بیانیه در جلسه وسیع هیات سوق و اداره اردوی ج. د افغانستان ۲۱ اسد
۲۵۴ ۱۳۶۱
۳۳. بیانیه به مناسبت ۶۳ مین سالگرد استرداد استقلال کشور ۳۷ اسد ۱۳۶۱
۲۶۵
۳۴. پیام به هموطنان مقیم در خارج از کشور ۲ سنبله ۱۳۶۱ ۲۷۱
۳۵. بیانیه هنگام ملاقات با سربازان و افسران فرقه ۱۸ پیاده ۲۵ سنبله ۱۳۹۱
۲۷۴
۳۶. بیانیه در فابریکه کود و برق مزار شریف ۲۵ سنبله ۱۳۶۱ ۲۸۰
۳۷. بیانیه در ضیافت بوداپست ۱۲ میزان ۱۳۶۱ ۲۸۳

۳۸. بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج. م. مجارستان ۱۳ میزان ۱۳۶۱
۲۸۶
۳۹. بیانیه در جلسه سراسری فعالین حزبی خاندوی ۲۵ میزان ۱۳۶۱ ۲۹۰
۴۰. خطاب به سربازان و افسران فرقه ۱۷ هرات ۲۹ میزان ۱۳۶۱ ۲۹۸
۴۱. بیانیه در گردهمایی وسیع زحمتکشان شهر هرات ۲۹ میزان ۱۳۶۱ ۳۰۴
۴۲. بیانیه در جلسه وسیع کارمندان عالیرتبه حزبی و دولتی برای بررسی مسئله
کادرها ۸ عقرب ۱۳۶۱ ۳۱۲
۴۳. بیانیه شفاهی هنگام ملاقات با مضمولین سیمینار وسیع تشکیلاتی و تبلیغ،
ترویج و آموزش و کنترول حزبی ۱۲ عقرب ۱۳۶۱ ۳۱۶
۴۴. بیانیه در مراسم افتتاح کنفرانس بین‌المللی انکشاف اقتصادی، اجتماعی و
علیه خطر جنگ ۲۰ عقرب ۱۳۶۱ ۳۲۳
۴۵. بیانیه هنگام ملاقات با مضمولین کنفرانس بین‌المللی انکشاف اقتصادی
و علیه خطر جنگ ۲۲ عقرب ۱۳۶۱ ۳۳۲
۴۶. گزارش در پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در
باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب ۳۳۶
۴۷. مصاحبه مطبوعاتی با ژورنالیستان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه
داری ۲۹ قوس ۱۳۶۱ ۳۵۴
۴۸. بیانیه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دولت شوروی، کرملین اول
جدی ۱۳۶۱ ۳۶۹
۴۹. مصاحبه با خبرنگار روزنامه «پاتریات» هند دلو ۱۳۶۱ ۳۷۲
۵۰. بیانیه شفاهی هنگام پذیرش سرکردهگان گروه‌های مسلح پیوسته به دولت
جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ حوت ۱۳۶۱ ۳۸۷
۵۱. گزارش در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در باره وظایف تأخیر ناپذیر حزب در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی
مطروحه در برنامه عمل ح.د.خ.ا ۳۹۶

بیانیه شفاهی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی ۲۴ فروری ۱۹۸۱

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خانواده

احزاب طراز نوین طبقه کارگر است

رفقا، جوانان مبارز و انقلابی!

افتخار داریم که خود را در یکی از کانون‌های انترناسیونالیستی، در میان نسل بالنده و سازنده دنیای جدید می‌یابیم. نخست اجازه دهید از صمیم قلب سپاسگزاری عمیق و برادرانه، افتخار و سپاس بی پایان خود، حزب، مردم و دولت ج.د.ا را به پیشگاه بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی که تحت رهبری شخصیت برجسته لنینیست کبیر ل. ای. بریژنف گشایش یافت و برای اولین بار هیئت نمایندگان افغانستان انقلابی در آن شرکت ورزیده اند، ابراز بدارم.

کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی در تاریخ بشری ریشه‌های مستحکم رهایی‌بخش و آزادی بخش بر اساس اندیشه‌های پرنیوغ بنیانگذاران ایدیولوژی طبقه کارگر دارد و هر مرحله از کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی در واقعیت امر نه تنها پله‌های عالیتر نردبان تکامل شگوفان، عظیم و انسانی خلق‌های بزرگ اتحاد شوروی است، بلکه مراحل تکامل تمام بشریت زحمکش جهان به شمار می‌آید.

امروز تمام جهان و بشریت سیاره ما تفکر و اندیشه همه جهان آینده را در مسکو می‌بینند. بعد از انقلاب کبیر اکتوبر، کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی در لنینگراد و بعد در مسکو دایر شده است. هر کنگره در واقعیت امر در گنجینه عظیم جهان‌بینی علمی انقلابی غنای بزرگتری به وجود آورده است. گزارش رفیق گرامی ل. ای. بریژنف با تمام عمق همه جانبه، خلاق از لحاظ نیوریک و پراتیک علمی، مظهر عالیترین تجارب شگوفان خلق کبیر شوراهاست. طوری که رفیق بریژنف در گزارش خود فرموده: در جهان معاصر دو راه و دو خطمشی وجود دارد یکطرف راه اهریمنی، راه جنگ، بدبختی، تحریکات، تجاوزات و راه کهنه و عقب مانده است؛ طرف دیگر و مشی دیگر، راه صلح، سعادت و خوشبختی، دیتانت، خلع سلاح و آینده پرسعدت و شگوفان بشریت و نسل آینده است. درفش این راه نجات‌بخش امروز در وجود بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در اهزاز بوده است و خواهد بود. طوری که در گزارش آمده: راه طی شده راه پر پیچ و خم و پر از دشواری‌ها، پر از مشکلات، راه خونین برای سعادت بشریت بوده است و این راه مخصوص اتحاد شوروی کبیر است که بعد از انقلاب کبیر اکتوبر سرنوشت

بشریت را تغییر داد.

ما به اوپتومسیم انقلابی ایمان راسخ داریم که انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضدامپریالیستی برگشت‌ناپذیر است و گام به گام در راه پیروزی، سعادت و خوشبختی مردم ما به پیش می‌رود.

من فکر می‌کنم که هنوز وقت است که در پشت تریبون قرار بگیرم و صحبت‌های وسیع و همه‌جانبه‌نمایم؛ وقت است یعنی چه؟ یعنی اینکه دیروز در بدو امر ابراز داشتیم، یک گزارش خلاق علمی و همه‌جانبه‌نه‌تنها برای خلق کبیر اتحاد شوروی بلکه برای بشریت داده شد. اکنون وقت آن است که کلمه به کلمه، جمله به جمله گزارش را عمیق‌مورد مطالعه، غور و دقت قرار بدهیم بعد از آنکه از آن آموختیم یا باید بیاموزیم، بعد می‌توانیم در اندیشه و تفکر جدید و بر اساس ابتکارات جدید در ساحه کار ایدیولوژیک، تربیت سیاسی و در راه مبارزه انقلابی گام‌های قویتر و مطمئن‌تر و دقیقتر برداریم.

در آخرین قسمت گزارشی که از طرف رفیق ل. ای بریژنف به‌کنگره ارائه شد بالای تربیت ایدیولوژی و سیاسی تأکید به عمل آمد و یکی از وظایف مهم انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خواهد بود تا رفقایی را که جهت تحصیل به این انستیتوت اعزام می‌شوند از لحاظ دانش، تعلیم و پرورش ایدیولوژی و سیاسی بر اساس جهان‌بینی علمی و انقلابی قویاً مسلح گرداند که وقتی این رفاقا به کشورهای انقلابی خود می‌روند در آنجا بتوانند خلق‌های میلیونی را در راه انقلاب‌های رهایی‌بخش مسلح و نیرومند بسازند.

چقدر آرزو داشتیم که اگر من هم مثل شما افتخار می‌داشتم که در انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش تحصیل می‌کردم. ولی اکنون وظایف عملی، وظایف انقلابی در کشور ما چنان عظیم و بزرگ است که افتخار تشستن درین کرسی‌های سرشار از علم و دانش برای من میسر نیست. شما و دیگر انقلابیون جهان که فرصت گرانمایه تحصیل را درین کانون‌های دانش و تربیت سیاسی و ایدیولوژیک که یکی از نمونه‌های بزرگ آن انستیتوت علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش به دست آورده‌اید باید با تمام نیرو و جدیت از آن استفاده نمایید.

امروز با شما نسل جدید انقلابیون که به حیث نمونه درین انستیتوت به فراگیری تحصیل انقلابی مشغولید یک بار به گذشته مراجعه می‌کنیم و یک نکته دقیق را می‌بینیم: پدران ما با چه مشکلات طاقت‌فرسا علوم و دانش انقلابی و سیاسی را فرا می‌گرفتند به طور مثال در روسیه طی قرن نوزده و اوایل قرن بیست هنوز آثار بنیانگذاران جهان‌بینی علمی و انقلابی و دیگر نویسندگان بزرگ و انقلابی به زبان روسی ترجمه نشده بود ولی پرولتاریای قهرمان و بزرگ روس نویسندگان بزرگ

دموکرات در قرن نوزدهم داشتند، لیکن تا آن زمان که پلخانوف و مکتش و بعد از آن ولادیمیر ایلیچ لنین آثارشان به زبان روسی پخش نشده بود، برای انقلابیون آن زمان مشکل بود که تمام جهان‌بینی انقلابی را به زبان خود فرا گیرند. به این جهت لنین همیشه توصیه می‌کرد که باید یکی از زبان‌های که آثار بنیانگذاران جهان‌بینی علمی و دیگر انقلابیون و تئوریسین‌ها به آن نوشته شده باشد، فرا گرفته شود. پرولتاریای روس در زیرزمینی‌ها با کاغذهای کهنه سعی می‌کردند که بعضی آثار و نوشته‌ها را مطالعه کنند. لیکن اکنون می‌بینیم بزرگترین، بهترین عمیق‌ترین و همه‌جانبه‌ترین علوم بشریت علم نو در اتحاد شوروی شگوفان است و حالا برای نسل موجود تمام آثار وسیع با استادان، معلمین و دانشمندان محرب نه تنها در خدمت نسل انقلابی فرزندان اتحاد شوروی، بلکه به مثابه یک امر با اهمیت انترناسیونالیستی در خدمت همه مردم جهان قرار گرفته است که ساده‌ترین نمونه آن درین محفل دیده می‌شود.

نتیجه اینکه وظیفه با اهمیت و قاطع یک انقلابی مقدم تر از همه، فراگرفتن جهان‌بینی علمی انقلابی است. اما نه جهان‌بینی دگم، بلکه جهان‌بینی خلاق. با فراگرفتن چنان دانش خلاق که بتوان آنرا در شرایط خاص جامعه و کشور خود تطبیق کرد. در گزارش جدید و ابتکاری که در بیست و ششمین کنگره ارائه گردید تصریح شده که بر اساس قوانین عمومی و احکام عام جهان‌بینی علمی انقلابی در شرایط هر کشور و جامعه راه‌های انقلاب، تاکتیک و استراتژی انقلاب تفاوت می‌کند. در حالی که باید ما از لحاظ تیوری انقلابی و ایدیولوژیک قویاً مسلح شویم، باید توانایی آنرا هم فرا بگیریم که چگونه تیوری انقلابی را با استفاده از نجارب تمام احزاب انقلابی، مترقی، احزاب کمونیستی و کارگری و انقلاب‌های آزادی بخش می‌توان در کشور خود و در جامعه خود درفش سرخ انقلاب را برافراشت و همچنین بر مبنای تیوری انقلابی و مترقی باید جامعه خود را همه‌جانبه و عمیق از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خصوصیات، عنعنات، سنن، مذهب، ملیت‌ها، اقوام و قبایل و سوآبق تاریخی، کرکتر و خصوصیات مردم درک کرد و شناخت. همچنان نسل پرچمدار و انقلابی هر کشور بر اساس تیوری انقلابی نکته مهمی را باید در نظر داشته باشد و آن عبارت است از ایجاد یک حزب طراز نوین، حزب انقلابی مسلح به ایدیولوژی طبقه کارگر، به جهان‌بینی علمی انقلابی، بدون موجودیت و تکامل چنین حزبی پیروزی انقلاب امکان پذیر نیست. این یکی از اصول و احکام لنینی است که ولو تمام شرایط عینی در یک جامعه آماده باشد بدون سلاح بران یعنی یک سازمان انقلابی پیروزی انقلاب ممکن نیست. در شرایط کشور ما با استفاده از تیوری انقلابی و ایدیولوژی طبقه کارگر، مردم افغانستان عناصر آگاه و پیشاهنگ طبقه کارگر جوان، حزب طراز نوین خود را شانزده سال قبل ایجاد کرد و علی‌الرغم یک سلسله اشتباهات، مد و جزرها و شکست‌ها باز هم در یک کشور فوق‌العاده عقب‌مانده فیودالی و ماقبل فیودالی توانست درفش انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی را تحت رهبری حزب طراز نوین یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برافرازد. اینجاست که

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خانواده احرار طراز نوین طبقه کارگر است.

انقلاب افغانستان، بیکار مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان و حزب ما به منزله یکی از نجارب نوینی است که کشورهای مشابه و رفقای هم‌رزم ما آنرا نیز می‌توانند مورد توجه و مطالعه خود قرار بدهند و از نجارب آن استفاده نمایند. با در نظر داشت اشتباهاتی که صورت گرفت، در آخرین تحلیل حزب ما با سایر نیروهای ملی و وطنپرست موفق شد که در پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک به پیش رود ولی اگر نیروهای مترقی جهان و بخصوص هرگاه کمک عظیم اتحاد شوروی نمی‌بود با وجود اراده قاطع خلق ما با وصف اینکه مردم ما دارای یک حزب طراز نوین و جوان مجهز با ایدئولوژی علمی بود باز هم انقلاب ما نه تنها با شکست مواجه می‌شد بلکه بر اساس پلان شوم و رذیلانه ارتجاع و امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا، شو و نیزم چین، انقلاب ما سرکوب و استقلال و آزادی کشور ما نیز از میان می‌رفت و مورد تجزیه دشمنان قرار می‌گرفت. به این جهت یک بار دیگر به نام مردم افغانستان و از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر نیروهای ملی و دموکراتیک سپاسگزاری عمیق خود را به خلق کبیر اتحاد شوروی، دولت اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتحاد شوروی، کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش و بیروی سیاسی کمیته مرکزی در رأس به رفیق بزرگ ل.ای. بریژنف ابراز میدارم.

رفقا، دوستان مبارز و انقلابی، رفقای انترناسیونالیست!

کانون گرم انترناسیونالیستی شما برای من الهامبخش است. برای اینکه وقت زیاد شما را نگرفته باشم و مسایل به صورت مشخص و کانکریت مطرح گردد هر رفیق می‌تواند آزادانه هر سوالی را که داشته باشد مطرح نماید، من حاضرم به پاسخ آن بپردازم.

بخش سوالات:

پاسخ به سوال رفیق هندی:

به اطلاع رفقا و دوستان رسانیده می‌شود که هم‌زمان با تدویر بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی درین روزها ما جشن شصتمین سالگرد دوستی و قرارداد دوستی افغان - شوروی را تجلیل می‌کنیم.

رفیق ما سوال کرد که نقش و تأثیر کمک‌های اتحاد شوروی و خصوصیاتش به افغانستان چیست؟ برای توضیح این مسئله زمان کوناهای که ما داریم کافی نیست. توضیح کمک، یاری و همکاری اتحاد شوروی در تمام شئون زندگی مردم ما آنقدر بیکران و بزرگ است که نوشتن آن کتاب‌های قطوری را ایجاب می‌کند.

کافی خواهد بود اگر اعلان بکنم که سنگی مستحکم دوستی، کمک و همکاری اتحاد شوروی را با افغانستان ولادیمیر ایلیچ لنین گذاشت فکر می‌کنم بیشتر ازین کدام نرم و اصطلاح از کمک و دوستی افغان شوروی وجود نخواهد داشت.

اگر کمک همزمان اتحاد شوروی و پشتیبانی آن در سال ۱۹۱۹ نمی بود، یعنی هنگامی که مردم افغانستان علیه بزرگترین قدرت امپریالیستی وقت یعنی انگلیس قیام کرده بود موفقیت و پیروزی قابل سوال جدی بود. در تاریخ افغانستان برای نخستین بار قرارداد دوستی و برادری با یک قدرت بزرگ که در آن وقت جمهوری روسیه جوان بود به امضا رسید، و این امر به استقلال سیاسی و اقتصادی ما کمک رسانید.

فهرست کمک‌های اتحاد شوروی در تمام شئون زندگی مردم افغانستان اعم از اقتصادی، سیاسی، علمی، تکنیکی، فرهنگی و نظامی بسیار وسیع است. هرگاه در کشور ما حرفی از صنایع مدرن به میان می‌آید، اگر شاهراه مطرح بحث قرار می‌گیرد، اگر فارم‌های زراعتی، مکاتب، پوهنخی‌های علمی و تکنیکی، تکنیک‌ها، آرت و هنر و حتی پرورش انسان مطرح بحث قرار می‌گیرد کمک‌های اتحاد شوروی جای نخستین را داراست. همان طوری که نخستین بار استقلال افغانستان از جانب اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد، انقلاب ایریل نیز برای اولین بار از طرف اتحاد شوروی به رسمیت شناخته شد. همچنان از طرف اتحاد شوروی در حساسترین لحظات مرگ و زنده‌گی، بود و نبود، هستی و نیستی، کمک به موقع به مردم افغانستان، به دولت قانونی افغانستان رسید؛ به همین ترتیب همه در افغانستان کمک اتحاد شوروی را در تمام شئون به چشم سر خواهند دید و با پوست و گوشت لمس خواهند کرد مردم ما چنین احساس دارند.

در آغاز صحبت با صراحت اعلام داشتیم که اگر کمک به هنگام اتحاد شوروی نمی‌بود امروز نه تنها دستاوردهای انقلاب ما از میان می‌رفت بلکه آزادی و استقلال ما نیز برهم می‌خورد. گمان می‌کنم این قاطعترین حرف برای دوستان و حتی کوبنده‌ترین پاسخ برای دشمنان ما، ارتجاع و امپریالیزم است و خواهد بود.

یقین داریم که امروز رفقا و دوستان از امواج رادیو، تلویزیون و جراید راجع به گزارش رفیق ل. ای بریژنف در مورد افغانستان عطف توجه کرده باشند، یک بار دیگر موقف افغانستان به مثابه یک کشور قهرمان و انقلابی در گزارش ارائه شد که جواب دندان شکن و قاطع برای ارتجاع بین‌المللی و امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا، شو ونیزم چین و کشورهای مرتجع که علیه افغانستان به تحریکات و تجاوزات دست می‌زنند، می‌باشد.

در مورد سوال دیگر پرسنده:

موقف امپریالیزم در خلیج، در بحیره عرب، بحر هند، بحیره احمر، شرق میانه، شاخ افریقا بخصوص در خلیج فارس، چنانکه ل. ای بریژنف طی سفر خود نیز در پارلمان هند و همچنین در گزارش دیروز که به کنگره بیست و شش ارائه نمود با صراحت، علمی، همه جانبه، عمیق و خلاق پاسخ داده شده است.

به همگان معلوم است که انحصارات امپریالیستی با اتکاء به تکنورین کارتر زیر عنوان «حفظ مناطق حیاتی» قوای عکس‌العمل سریع را با استفاده از این دکتورین‌های ضد دیتانت متمرکز ساخته و در پی تحریکات جنگی است و همه اطلاع دارند که بحریه و قوای بحری امریکا و کشورهای ناتو در خلیج موضع گیری کرده اند. اگر دیروز موضوع گروگان‌های امریکایی در تهران برای شان بهانه بود اما اکنون که گروگان‌ها نیز نجات یافته اند باز هم در بحر هندی، خلیج عرب، خلیج فارس، بحیره احمر و همچنان بر اساس توطئه کمپ دیوید در مصر، عربستان سعودی، عمان، سو مالی، کینیا پایگاه‌های تجاوزکارانه امپریالیستی موجود است. این قدرت صلح و سوسیالیزم و اتحاد شوروی است که این‌ها را از لحاظ تحریکات جنگی لگام زده صلح را دفاع می‌کند.

سوال دیگر (هند):

موجودیت هیات نماینده‌گی امریکا که در کنگره دعوت شده و ارزیابی شما از سیاست امریکا چیست؟

سیاست اداره ریاست جمهوری امریکا چه ریگن که حالا روی صحنه آمده و چه کارتر در حقیقت دو روی یک سکه اند؛ سیاست انحصارات امپریالیستی و اینان نمایندگان انحصارات جهانخوار امپریالیزم امریکا هستند. نباید فراموش کرد که برای عناصری که انقلابیون اصیل و واقعی هستند مرز مشخص و روشن بین طبقات ستمگر و استثمارگر و طبقات استثمار شونده و ستمدیده وجود دارد. باید توجه کرد که اکثریت خلق امریکا کارگر است و در تحت استثمار و ستم قرار دارند. از آنجای که وسایل ارتباط جمعی در انحصار انحصارات بزرگ است برای خلق کارگر امریکا مشکل است که حقایق را درک کنند و تشخیص بدهند.

شرکت هیات نماینده‌گی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا خود نشان‌دهنده و بیانگر اینست که خلق کارگر امریکا، طبقه کارگر امریکا از خود پیشاهنگ و حزبی دارد. طبقه کارگر امریکا و عناصر آگاه آن در وجود حزب مبارز، دلاور و شجاع خود یعنی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا می‌رزمند. علی‌الرغم دشواری‌ها، مشکلات و موانعی که از طرف اداره امریکا ایجاد می‌شود باز هم هیات نماینده‌گی در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت می‌کند و این خود نشان‌دهنده اینست که حزب کمونیست اتحاد شوروی از اعتبار و پرستیژ عظیم در کره زمین برخوردار است حتی در ایالات متحده امریکا. لذا شرکت هیات نماینده‌گی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خود از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک بالای طبقه کارگر امریکا تأثیر مثبت و مثر بخش دارد.

سوالات رفقای آفریقای جنوبی:

۱- جهات اصلی سیاست دولت در راه ایجاد شرایط مادی برای تأمین نیازمندی‌های دهقانان کدام است؟

باید تأکید کرد که انقلاب اپریل از لحاظ کرکتر و ماهیت خود یک انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی است. از لحاظ اصول مرامی و تیوری انقلابی و پرائیک انقلابی وظیفه اولین، اساسی و عمده انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی را محور تمام بقایای مناسبات فیودالی در دهات تشکیل می‌دهد. نفوس افغانستان در حدود پانزده و نیم میلیون است که در حدود دومیلیون در شهرها زنده‌گی می‌کنند و در حدود دونیم الی سه میلیون زنده‌گی قبیلوی، کوچی و نیمه کوچی دارند و ده الی یازده میلیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به دهات و در ارتباط با زمین و زراعت زنده‌گی می‌کنند. به این ترتیب دهقانان نیروی عمده انقلاب ماست، لذا به اساس حکم و قانونمندی انقلاب ماست که باید نگرگونی در حیات دهات یا احای مناسبات فیودالی به وجود آید و این امر صرفاً از طریق اصلاحات دموکراتیک ارضی عملی شده می‌تواند. البته مسئله اصلاحات ارضی مسئله ساده نیست.

رهنر کارگران جهان در مورد اصلاحات ارضی تأکید می‌کرد که اصلاحات ارضی با توجه و احتیاط و دقت و بعد از مطالعه عمیق صورت گیرد.

بعد از انقلاب اپریل علی‌الرغم اشتباهات بزرگ که در زمینه اصلاحات ارضی صورت گرفت بازهم حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان موفق شدند که در حدود هفتصد هزار هکتار زمین را به سه صد هزار خانواده توزیع نماید. از یکسو اشتباهات بسیار جدی در می‌تود و برخورد اصلاحات ارضی در افغانستان صورت گرفت و از جانب دیگر باندیت‌های صادر شده از خارج کشور مخصوصاً از پاکستان و چین و تهدیدی که در برابر دهقانان صورت گرفته، رعب، خوف، وحشت و دهشت در دهاقین به وجود آورد، سبب شد که اصلاحات ارضی ما آن طوری که مطابق به پلان بود تحقق نیابد. بعد از مرحله نوین انقلاب ثور است که پروگرام مرحله دوم اصلاحات ارضی را با توجه و بر اساس استفاده از تجارب بخصوص اتحاد شوروی و دیگر کشورها و مطابق به پلان علماً تنظیم شده و تحلیل شده طرح کردیم، توأم با نهضت کوپراتیفی و به صورت آگاهانه و داوطلبانه توأم با ارتقای شعور سیاسی و طبقاتی دهقانان و جرگه‌های دهقانی. من امیدوار هستم که در مرحله دوم با رفع اشتباهات، ما بتوانیم نیازمندی‌های استراتژییک دهقانان افغانستان را تأمین کنیم.

حزب و دولت پس از مرحله نوین انقلاب به خاطر به سر رسانی وظایف مبرم برای رفع نیازمندی‌ها و بهبود شرایط مادی دهقانان توانست با استفاده از کمک معادل صد

میلیون روبل اتحاد شوروی برای رفع احتیاجات اولیه دهقانان از لحاظ رسانیدن تخم بذری، کود و ماشین آلات زراعتی کمک بکنند و از جانب دیگر کوپراتیف‌ها را تقویه نمایند. کوپراتیف‌های جدید را ایجاد کنند و قیم حبو بات و محصولات زراعتی را طوری تنظیم کنند که بتوانند از لحاظ شرایط مادی به دهقانان کمک برسانند و رفع نیازمندی‌های عاجل آنانرا بنمایند. حکومت قیم خرید محصولات زراعتی را از دهاقین بالا برد بخصوص در ساحه پخته و لبلبو، قیمت تخم بذری، کود، ماشین آلات زراعتی را پایین آورد تا تسهیلات مشخص به دهاقین صورت بگیرد.

سوال دیگر: خلق افغانستان در مبارزه علیه ضدانقلاب داخلی و خارجی چه اقدامی نموده است؟

در مرحله نوین انقلاب که از آن در حدود پانزده ماه میگذرد باندهای بزرگ ضد انقلاب صادر شده از خارج بخصوص از پاکستان کاملاً محو شده و از بین رفته است. نیروهای ضدانقلاب داخلی و خارجی با قوای مسلح و قوای امنیتی افغانستان روبرو شده نمی‌توانند. زمانی که اشرار می گوئیم یعنی باندهای صادر شده از پاکستان به شکل گروپ‌های کوچک پنج نفری و ده نفری که در دهات، در شهرها و شاهراه ما با قطاع‌الطریقی، ترور، آدمکشی منفجر ساختن پل‌ها، شفاخانه‌ها، مکاتب، مساجد و حریق کردن مزارع دست می‌زنند. علیه این شیوه تروریستی و آدمکشی باندهای ضد انقلاب، پلیوم سوم کمیته مرکزی، شورای وزیران و قرارگاه عمومی مبارزه با ضدانقلاب تدابیری اتخاذ کرده اند تا آخرین بقایای تروریست‌ها و باندها را به کلی محو و نابودسازند لیکن مشکل ما در کجاست؟ اگر این مشکل نمی‌بود ما می‌توانستیم که آخرین فیر تفنگ و آخرین تروریست را از کشور در کمترین زمان از بین ببریم. از آنجایی که مشکل اساسی ما در بازبودن طبیعی سرحدات کشور ماست باندیت‌ها، اشرار و عناصر ضدانقلاب و اجیر و مزدور به کمک امریکا، چین، مصر، پاکستان یا مریبون و معلمین و با سلاح‌های امریکایی، مصری، پاکستانی و چینیایی و با استفاده از پترودالر کشورهای مرتجع عربی، در کمپ‌ها تربیت و پرورش می‌شوند و هرروز از سرحدات باز افغانستان داخل کشور ما می‌گردند یعنی در حقیقت ما با تجاوزات خارجی با یک جنگ اعلان نشده مواجه بوده ایم و تا کتون هستیم نه اینکه مواجه با نبردهای ضدانقلاب در داخل کشور.

سوال:

آیا به علت موجودیت پیروان سابق امین در حزب دو جریان وجود دارد؟

از لحاظ پر نسیب یک نقطه باید به رفقا تصریح شود تا زمانی که طبقات در جامعه است حتی در حزب طبقه کارگر و حزب طراز نوین هم اختلافات و تفاوت‌های نظر وجود می داشته باشد.

اصل سنترالیزم دموکراتیک به حیث یک اصل زرین، عمده و اساسی در واقعیت امر کلید حل اختلافات درونی حزبی است، درین شک نیست که حزب ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همان روز اول ایجاد کنگره مؤسس یا کنگره اول بنابر عقبماندگی جامعه و فقر تیوری و تجربه انقلابی سلسله اختلافات وجود داشت. ولی آنچه جداً موجب بحران در حزب ما شد و انشعاب صورت گرفت؛ نفوذ یک عنصر خاین و یک باند منحرف ضدسوسیالیزم علمی، ضدایدیولوژی طبقه کارگر در ماسک دروغین سوسیالیزم در ماهیت امر به حیث عمال و اجنت دشمن در داخل حزب است که حفیظ الله «امین» و باند وی بود. با مرحله نوین انقلاب عمال امین و خود آواز بین رفت و وحدت حزب از لحاظ رهبری، ایدیولوژیکی، سیاسی، تکنیک و ستراتیژیک و سازمانی تأمین شد. لذا ما در داخل حزب مواجه با دو جریان و یا جریانات نیستیم اما بعضاً وجود بقایای باند خاین امین در حزب درک می‌شود و از بین می‌رود. لذا به رفقا و دوستان خود اطمینان می‌دهیم که پروسه وحدت اصولی و ارگانیک حزب ما با گام‌های متین و استوار به پیش می‌رود.

سوال رفقای اثری‌شی:

دشمنان انقلاب افغانستان مدعی هستند که انقلاب ثور خصلت شورشی را داشته است، در سال‌های اخیر زیربنای انقلاب و تأثیر نیروهای مترقی چگونه توسعه داده، وجود دو فرکسیون در حزب چگونه نقش داشت و چگونه وحدت در حزب ایجاد شد؟

-رفقا یکی حرف دشمنان است طوری که رفقای اثری‌شی ما گفتند که دشمنان انقلاب افغانستان مدعی هستند که انقلاب ثور خصلت شورشی داشت، مادنبال حرف دشمنان نمی‌رویم.

دکتورین جدید ریگن بسیار عجیب است که شما درین روزها می‌شنوید. یکی تروریزم بین‌المللی که آقای ریگن تمام جنس‌های ملی و آزادی بخش اجتماعی را همدریف به تروریزم بین‌المللی قرار می‌دهد. آیا ما و شما به این ادعای دشمن موافق هستیم؟ طبعاً نه

به هر حال انقلاب اپریل بر اساس اصول عمومی قانون اساسی انقلاب در شرایط

مشخص اجتماعی، سیاسی و کلتوری افغانستان علماً به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر اساس اراده بالقوه و بالفعل مردم زحمتکش افغانستان و به تأیید و پشتیبانی مردم زحمتکش افغانستان که از طرف تمام جهان به رسمیت شناخته شده، به وجود آمد. یکی از اصول اساسی و تعیین کننده هر انقلاب رهایی‌بخش اینست که توده‌های عظیم مردم تا کدام حدود و پیمان‌ها از انقلاب و حزبی که انقلاب را رهبری می‌کنند پشتیبانی می‌نمایند. وقتی که انقلاب اپریل در افغانستان اعلان شد بدون اینکه

جنبه مبالغه داشته باشد ما به جرأت گفته می‌توانیم در همان اوضاع و احوال مردم ما خود گویا و یا شاهد هستند و جهان نیز شاهد است که بیش از نودونهم فیصد مردم افغانستان از انقلاب اپریل یعنی انقلاب ثور قاطعانه و جدی پشتیبانی میکردند. باید اعتراف کرد که بنابر اثبات‌ها رهبری سابق و تفتین حفیظ الله امین بعد از مدت زمانی اکثریت مردم ضدحکومت استبدادی امین قرار گرفتند و بعد از مرحله نوین یا مرحله دوم انقلاب اپریل در مدت بالنسبه کوتاه در مدت پانزده ماهی که سپری می‌شود حزب و حکومت توانست که زیربنای اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی انقلاب را تا حدودی که امکان میسر بود تأمین نماید. دهها هزار از مردم ما گروه، گروه میتنگ‌ها و جلسات تشکیل می‌دهند از خطمشی جدید حزب، دولت و جبهه ملی پدروطن تأیید و پشتیبانی می‌کنند. درین شک نیست که در حزب ما در طی شانزده سال وقتاً فوقتاً فرکسیون‌های متعددی به وجود نیامده باشد، روی همین دلیل لنین علیه فرکسیون‌ها همیشه در داخل حزب مبارزه کرد تا آخرین لحظه‌های زندگی نوشته‌ها و آثارش علیه فرکسیون‌ها بوده است. در حزب ما دو فرکسیون عمده واقعاً وجود داشت ولی با این تفاوت که این دو فرکسیون از لحاظ اهداف، مرامنامه، اساسنامه، ایدئولوژی استراتژی عملاً با هم در وحدت بود اگر عمال امین و باند او را عامل ذهنی تثبیت کنیم و کردیم پس عامل اختلاف تاکتیکی بوده و سرانجام با حل اختلافات تاکتیکی وحدت بعد از ده سال در ۱۹۷۷ در حزب تأمین گردید. محصول خلاق و بزرگ این وحدت پیروزی انقلاب اپریل در افغانستان است. ولی باز هم بنابر تفتین امین وحدت در داخل حزب برهم می‌خورد، انشعاب و فرکسیون‌ها به برهم زدن وحدت یعنی لطمه زدن به انقلاب، به مردم به حزب تأثیر می‌گذارد ما تجربه تلخ را گذشتانیم.

علی‌الوصف نرژیدی بزرگ و غم‌انگیز اداره، حکومت و رژیم امین، بازهم وحدت حزب دوباره به وجود آمد و انقلاب ما را نجات داد و آنرا وارد مرحله نوین ساخت. اینست رمز پیروزی در وحدت. اما چگونه وحدت صورت گرفت؟ روی حکم و دستور قانونمندی انقلاب با درک رفقای رهبری حزبی و کادرهای ما. این تجربه تلخ و شیرین شکست و پیروزی حزب ماست. هرگاه وحدت در حزب ما می‌بود. ما پیروزی بودیم و همینکه وحدت بر هم می‌خورد ما شکست می‌خوریم.

رفقا و دوستان!

همه شما جوان و کادرهای حزب طبقه کارگر و جنبش کارگری هستید این تجربه را به حضور شما تقدیم کردم که اصل زرین لنینی وحدت طبقه کارگر، اتحاد نیروهای ملی و مترقی و وطنپرست و دموکراتیک، وحدت نیروهای صلحجو، وحدت طبقه کارگر از اعم مسائل است تا در داخل احزاب خود از صداقت و راستی و بر اساس روح لنینیسم در راه وحدت سعی و مجاهدت بی‌امان نماییم.

سوال رفقای کانگو:

در افغانستان نود فیصد مردم مسلمان هستند و اسلام به مواضع مستحکم محافظه کارانه استوار است، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر پایه جهان‌بینی علمی چه نوع فعالیت دارد؟

جواب:

رفقا دیروز گزارش رفیق ل.ای بریژنف پاسخ بسیار خلاق بر مسئله دین و مذهب داد. حزب ما عمیقاً با تمام عنعنات و سنن و بخصوص دین اسلام احترام فراوان قایل است و این اصل در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که چندماه بعد از مرحله نوین انقلاب از طرف شورای انقلابی تدوین شده صریحاً گفته شده است. در حدود نودونه فیصد بلکه بیشتر در افغانستان مسلمانان زندگی می‌کنند و باید اعتراف کرد که باز هم بنابر اشتباهات رهبری سابق در حزب و دولت در برابر معتقدات دینی مردم افغانستان بی احترامی زیاد صورت گرفت که این مسئله یکی از عوامل دیگر تجرید شدن حزب و دولت از مردم بود.

در مرحله نوین انقلاب اپریل حزب و دولت سعی و مجاهدت فراوان به عمل آورد تا این سوء تفاهم را در میان توده‌های مردم از بین بردارد. درین راه پیروز و موفق هم شد و تمام رهبران، کادرها و صفوف حزب در تمام اماکن مقدسه در مساجد، تکیه خانه‌ها در هنگام مراسم و مناسک دینی و مذهبی صادقانه شرکت کردند و احترام عمیق به معتقدات دینی مردم زحمتکش افغانستان به عمل آوردند. از طرف حزب و دولت جلسات و کنفرانس‌های بزرگ روحانیون دایر گردید؛ ریاست شئون اسلامی در چارچوب شورای وزیران ایجاد شد. درین روزها مقدمات و تدارکات ایجاد شورای روحانیون، علماً و ملاحی افغانستان گرفته می‌شود. شورای روحانیون جزء جبهه ملی پدروطن خواهد بود.

سوال دوم:

مسئله بی‌سوادی یکی از جدی‌ترین مسائل است در افغانستان تا جایی که اطلاع داریم در بعضی از مناطق افغانستان آموزگاران به قتل می‌رسند و فامیل‌ها می‌ترسند تا فرزندان شان را در مکاتب شامل کنند آیا به نظر شما اقدامات دولت برای اعزام معلمین به این مناطق به مشکلات مواجه است و یاخیر؟ حزب و دولت چه نوع اقداماتی را برای تشویق، علاقه‌مندی و امنیت معلمین اتخاذ نموده؟

جواب:

رفقا! نهضت ایجاد کورس‌های سوادآموزی در افغانستان بعد از انقلاب اپریل آغاز شده و همچنین بسط و توسعه یافته است البته ما به مشکلات تروریزم از طرف

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خان‌آباد احراب طراز بوی طبقه کارگر است

باند‌های ضدانقلاب بخصوص در برابر پسران و دختران، شاگردان و معلمین مواجه هستیم به آن پیمان‌ه دشمن موفق نیست که حیات معارف ما را یعنی از حالت نورمال کاملاً برهم زند، نود الی نود و پنج فیصد حیات معارف در کشور فعال است.

سوالات رفقای دنمارک:

در زمینه آموزش زنان و بهبود وضع آنان در جامعه چه اقدامات مشخص اتخاذ می‌گردد؟

مسئله نهضت زنان در کشور ما از خود تاریخچه‌ی دارد مگر آنچه واضح و روشن است که حزب طبقه کارگر و همه رَحمتکشان افغانستان نقش برجستہ‌ی در نهضت زنان داشته است. اکنون کورس‌های سوادآموزی داوطلبانه برای زنان ایجاد شده است. در فاکولته‌ها «کواردنشین» یعنی مردان با زنان یکجا آموزش می‌گیرند همچنان‌که صنوف هشت آموزش یکجایی پسران و دختران موجود است. تساوی حقوق زنان با مردان در تمام شئون زندگی در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلان شده است.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان همزمان با تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان با سابقه شانزده ساله تحت رهبری رفیق دکتورس اناهیتا راتیزاد عضو بیروی سیاسی ایجاد شده فعالیت‌های وسیع توده‌ی خود را تعقیب می‌کند.

سوال دوم: برخورد محصلان در برابر اهداف انقلاب چیست؟

جواب: اگر خلاصه بکنم اکثریت محصلان افغانستان یا در سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان شرکت دارند که یک سازمان جنبی حزب ماست و یا اکثریت آنها عضو حزب اند و در مقابل تمام فعالیت‌های ضدانقلاب شجاعانه در سنگر حزب، دولت و انقلاب قرار دارند.

سوالات رفقای سوریه:

۱- اخیراً در عربستان سعودی کنفرانس کشورهای اسلامی به کار خود پایان داد نظر شما درین مورد چیست؟

تصامیم این کنفرانس در مورد فعالیت ارتجاع داخلی و خارجی ضد افغانستان چه تأثیری گذاشته است؟

جواب :

نخست از کشور برادر سوریه متشکریم که در کنفرانس کشورهای اسلامی طایف موضع‌گیری قاطع در دفاع از انقلاب افغانستان داشت. البته تا جایی که موضع‌گیری اسلامی در طایف برضد صهیونیسم در دفاع از خلق‌های فلسطین و سازمان آزادی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خانواده احزاب طراز نوین طبقه کارگر است

بخش فلسطین و ضدامپریالیزم و ضد توطئه کمپ دیوید و ضد سادات و تاحدی به نفع صلح در منطقه و ضدیت با پایگاه‌های نظامی در منطقه داده شده باشد این جهتی است که ما مثبت ارزیابی می‌کنیم. ولی عده از کشورهای اسلامی در واقعیت امر وابسته به امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا با میتود بخصوص به اصطلاح "مسئله افغانستان" عامل نفاق در جوامع اسلامی اند. ما "مسئله افغانستان" را از بیخ و بن مورد تردید قرار می‌دهیم.

سوال دوم:

ما برای نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارزش فراوان قایل هستیم چگونه حزب شما نفوذ و اعتبار خود را میان توده‌ها تقویت می‌دهد درین راه با چگونه مشکلات مواجه هستید؟

جواب:

این یک اصل لنینی است. مهم اینست که از انقلاب چگونه دفاع صورت می‌گیرد و انقلاب چطور از خود دفاع می‌کند. ما از تیوری لنینی در شکل افغانی استفاده می‌کنیم.

سوال سوم: درجه مقاومت ضدانقلاب چیست و در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب تا کدام اندازه ضدانقلاب سرکوب می‌گردند؟

جواب :

فکر می‌کنم که این سوال را قبلاً پاسخ داده باشم.

سوال رفقای پرتغال:

کوچیان در افغانستان در روند انقلابی چه صدمه وارد می‌کنند و برای جلب کوچی‌ها در حیات اجتماعی چه امکاناتی وجود دارد؟

جواب :

ما در شرایط کشور خود از لحاظ کوچی‌ها در روند انقلاب خود به کدام مشکلی جدی مواجه نشده ایم مشکل ناشی از یک موضوع تاریخی و ملی است که همیشه کوچی‌های افغانستان بنابر تغییر فصل به آنطرف (به طرف پاکستان) بنابر آب و هوای هر سال مهاجرت می‌کنند. اکنون زیر عنوان به اصطلاح مهاجرین، پاکستانی‌ها به واسطه قوای نظامی، کوچی‌ها را محاصره کرده و نمی‌گذارند به صورت صلح‌آمیز به وطن خود عودت کنند. البته رفقا و دوستان می‌دانند که تغییر خصوصیات زنده‌گی کوچی‌ها یک امر ساده و آسان نیست و در زمان کوتاه حل شده نمی‌تواند. لذا مسئله کوچی را یکجا با اصلاحات ارضی و صنعتی ساختن کشور

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خانواده احزاب طراز نوین طبقه کارگر است

می‌توان حل کرد. بخصوص با استفاده از تجارب آسیای مرکزی اتحاد شوروی، می‌توانیم پرابلم کوچی‌ها را حل کنیم. پروسه حل مسئله کوچی‌ها بعد از انقلاب ثور آغاز گردیده است و ما توانسته ایم که در اصلاحات ارضی یک عده از کوچی‌ها را ساکن بسازیم و متوطن نماییم البته رشد و انکشاف کوچی‌ها در شئون مختلف زمان را ایجاب می‌کند.

سوالات رفقای لبنان:

۱- در باره جبهه ملی پدروطن و تشکیل آن در افغانستان معلومات دهید؟

جواب: از لحاظ پر نسبی جبهه، جبهه ملی و دموکراتیک، جبهه ملی پدروطن و یا هر نام دیگری که باشد ناشی از خصلت و کرکتر سیاسی، تاریخی و ملی هر کشور است قبل از انقلاب ثور چه در مرانامه حزب و چه در مشی جاری و عمومی حزب و همچنان بعد از انقلاب برای خطمشی حزب و دولت ما بخصوص بعد از مرحله نوین انقلاب ثور بالای تشکیل جبهه ملی پدروطن که تمام نیروهای ملی و دموکراتیک، مرقی و وطنپرست را متحد می‌سازد به کرات تأکید شده است. چندی قبل اولین کنفرانس نیروهای ملی، دموکراتیک و وطنپرست در کابل دایر گردید که در آن نمایندگان تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و وطنپرست، طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی کشور، نماینده‌گان ملیت‌ها، اقوام و قبایل، روحانیون، کارگران و دهقانان، پیشه‌وران، اهل کسبه، خرده بورژوازی یعنی بورژوازی ملی شرکت داشتند.

همچنان سازمان‌های اجتماعی، کلتوری اعم از اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه‌های کارگری، کوپراتیف‌های زراعتی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه ژورنالیستانان، اتحادیه هنرمندان، اتحادیه نویسندگان همه درین کنفرانس اشتراک داشتند و کنفرانس کمیسیونی (کمیسیون تدارکات کنگره جبهه ملی پدروطن) را انتخاب کرد که شاید در بهار سال آینده کنگره جبهه ملی پدروطن در کابل دایر گردد از رفقاً، دوستان و مهمانان کشورهای دوست دعوت به عمل می‌آید.

سوال سوم:

نقش نیروهای مسلح اتحاد شوروی در امر دفاع از منافع دولتی افغانستان و نقش

نیروهای ملی و وطنپرست در مبارزه علیه باندیتیزم سیاسی کدام است؟

جواب :

قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به حیث یک نیروی احتیاطی علیه تجاوزات خارجی در افغانستان قرار دارد این اردوی قهرمان، خاندوی، نیروهای حزبی و

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جزء جدایی‌ناپذیر خانواده احزاب طرازبویز طبقاً کارگر است

سایر نیروهای ملی و وطنپرست و خود مردم افغانستان هستند که علیه تروریست‌ها، باندهای کوچک صابر شده و باندیتیزم مبارزه می‌کنند.

سوال سوم: جریان جلب محافل مذهبی و رهبران آن در مبارزه عمومی ملی و وطنپرستی چگونه است؟

جواب :

باوصف اینکه به این سوال قبلاً به طور موجز پاسخ داده شده باید نکته خاصی را به شما روشن کنم!

در افغانستان در حدود بیش از دوصدهزار روحانی و ملا وجود دارد ولی از تمام گروه روحانیون قرار اطلاعات دقیقی که ما به دست داریم بیش از یک الی دو فیصد آنها با ضدانقلاب، شعوری و آگاهانه و آنهم در خارج از کشور مخصوص پاکستان و ایران قرار دارند و آنان همیشه مزدوران سنتی امپریالیستان بوده و اکثریت ملاحا یا در سیاست بیطرف بوده و یک عده‌یی از آنان از حزب و حکومت بخصوص از مرحله نوین پشتیبانی می‌کنند و شماری از آنان از طرف تروریست‌ها شهید شده اند.

سوالات رفقای ایتالیا:

کشورهای مختلف پیشنهادهای ارائه کردند مبنی بر اینکه موضوع افغانستان از راه مذاکرات حل شود به نظر شما آیا این ابتکارات می‌تواند در حل سیاسی این موضوع سهمی داشته باشد که در نتیجه نیروهای مسلح اتحادشوروی بیرون کشیده شود. به هرگونه دخالت از سوی کشور های همجوار و امپریالیزم خاتمه داده شود؟

جواب :

بهترین جواب در برابر این سوال باز هم در گزارش خلاق رفیق ال.ای بریزنف در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی داده شده است. این تنها از طرف افغانستان بر اساس ابتکار افغانستان، تأیید و پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای دیگر برادر سوسیالیستی و دوست بوده که ما پیشنهاد کردیم بخصوصی (اعلامیه ماه می ۱۹۸۰) که افغانستان حاضر و آماده است در پشت میز مذاکرات بنشیند و بر اساس حل صلح‌آمیز سیاسی، مسایل مورد اختلاف را مطرح بحث قرار داده حل و فصل کند. لذا افغانستان هر وقت حاضر و آماده است تنها و تنها با پاکستان و ایران پشت میز مذاکره بنشیند و تمام مسایل را از لحاظ سیاسی حل و فصل کند.

در مورد عودت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به وطن صلحجوی شان باید گفت تا زمانی که تمام انواع و اشکال مداخلات و تجاوزات از خارج در امور داخلی کشور ما از بیخ و بن قطع نگردد و تضمین قوی و نیرومند در میان نیاید، موضوع

حزب دموکراتیک خلق افغانستان جز: جدایی‌ناپذیر خاندان اعراب طرازبویز طبقه کارگر است

خروج قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی مورد بحث شده نمی‌تواند.

سوالات رفقای ترکیه:

لطفاً ماهیت نیروهای ضدانقلاب را که در افغانستان زیر نقاب اسلام عمل می‌کنند توضیح دهید!

جواب:

ماهیت نیروهای ضدانقلاب را که زیر ماسک اسلام علیه افغانستان مبارزه می‌کنند چگونه باید شناخت! اکنون ببینیم که ازین به اصطلاح مجاهدین اسلامی یا به عباره دیگر که ماسک اسلام را به رخ کشیده کدام کشورها دفاع می‌کند. این کلید شناخت ماهیت نیروهای ضدانقلاب که زیر ماسک اسلام فعالیت می‌کنند می‌باشد. مسلماً این امپریالیزم امریکاست، سادات خاین به امر اعراب، در پشت پرده اسرائیل و شو ونیزم توسعه طلب چین در وجود رژیم نظامیگر پاکستان، بقایای ساواک و شاهنشاه ایران و ارتجاع وابسته به امپریالیزم اعراب، اینست ماهیت و خصوصیتی که زیر ماسک اسلام در افغانستان نیروهای ضدانقلاب مبارزه می‌کنند. اگر اینها دوست اسلام اند و اینها در موضع حق قرار دارند، نیروهای که در بالا شمرده شد نیرو هاست که از اسرائیل پشتیبانی می‌کنند، اسرائیلی که محل مقدس مسلمانان را میخوهد پایتخت خود بسازد و اعراب فلسطین را سرکوب کند، سازمان آزادی بخش فلسطین را به رسمیت نمی‌شناسند، این نیروها ضد اسلام و ضد مسلمانان هستند. مدافعین این به اصطلاح مجاهدین، زیر نام اسلام فعالیت می‌کنند در واقعیت امر این شیطان است که ماسک اسلام را پوشیده است.

سوال دوم:

لطفاً در مورد ساختمان و ترکیب جامعه افغانستان معلومات دهید آیا نیروهای ضد انقلابی پایگاه‌های اجتماعی دارند؟

جامعه افغانستان از لحاظ طبقاتی و اجتماعی مرکب است از طبقه جوان کارگر، افشار دهقانان، پیشه‌وران، اهل کسبه، افشار روشنفکران، بورژوازی قسم کوچک صنعتی ملی، بورژوازی کوچک، متوسط و این نیروهاست که متحدین طبقه کارگر در اوضاع و احوال انقلاب ملی و دموکراتیک بوده که عبارت از خلق افغانستان می‌باشد و اینها اند که از حزب، دولت و انقلاب پشتیبانی می‌نمایند.

در داخل در برابر خلق نیروهای دشمن شامل بقایای نظام فیودالی، ملاکان فیودال و سران مرتجع قبایل و بعضی از روحانیون مرتجع و قشر کمبراندور و بیروکرات‌های سابقه دار، ارسنوکرات‌های سابقه می‌باشد. اینان ضدانقلاب و ضدخلق و در نیانی با ارتجاع منطقه و امپریالیزم و شو ونیزم اند. باید گفت که در داخل کشور آنها پایگاه

حزب دمکراتیک خلق افغانستان جز: جدایی‌ناپذیر خان ادا احزاب طراز نوین طبقاً کارگر است

اجتماعی لازم ن دارند مگر پایگاه شان در پاکستان، مصر، چین امریکا و سایر کشور های مرتجع عربی است. یعنی دشمن در داخل پایگاه اجتماعی ندارد در خارج کشور آنان حامیان نظامیگر و تجاوزگر دارند.

سوال سوم:

در روند انقلاب در رابطه با موجودیت قبایل و ملیت های مختلف که زبان های مختلف دارند به چه مشکلات مواجه هستید آیا حزب برای حل چنین مشکلات راه حل اتخاذ کرده است!

جواب :

البته تا طبقات و ناسیونالیزم است، مشکلات هم می باشد. نمونه زنده حل مسئله ملی را شما در اتحاد شوروی می بینید که از طریق راه حل لنینی می توان به این مشکلات فایق آمد. ما در افغانستان با استفاده از تجارب اتحاد شوروی گام های عملی و سریع روشن بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین در راه حل مسئله ملی گذاشتیم. انعکاس تساوی حقوق زبان ها و ملیت های افغانستان که در اصول اساسی، در اساسنامه حزب در جبهه و دیگر قوانین و چه در عمل، اخبار، زبان، تعلیم و تربیه همه در نظر گرفته شده است، قدم به قدم در ساحه تطبیق آن پیش می رویم.

سوال چهارم:

چگونه و به کمک کی نیروهای ارتجاعی امپریالیستی پروپاگند ضدانقلابی خود را علیه خلق افغانستان به راه می اندازند وظایف حزب در برابر این پروپاگند های ضدانقلابی چیست؟

جواب: رفقا و دوستان می دانند که جنگ ایدیولوژیک و جنگ پروپاگندی امروز در جهان بخصوص طی دو سه سال اخیر یا دامن زدن جنگ سرد بیش از پیش تقویت یافته است. ارتجاع، امپریالیزم و شو ونیزم از تمام وسایل رذیلانه تبلیغاتی، رادیویی، تلویزیونی، اخبار و جراید وسایل مادی، پول و اسلحه و از هر نیرو علیه انقلاب افغانستان استفاده می کنند و تمام ارواح خبیثه ارتجاع بین المللی را بسیج کرده اند، ولی هر گامی را که با ماشین های دروغ پراگنی به تبلیغات خود می گذارند در لجنزار عمیقتر فرو می روند و افکار عمومی جهانیان به این امر پی می برد که همه این تبلیغات دروغ، اتهام و جعل بیش نیست. البته ما هم با کمک دوستان بین المللی خود در رأس اتحاد شوروی بزرگ علیه تبلیغات دروغین دشمنان بر اساس حقایق و ارقام بر مبنای حقیقت و سیاست راستین بی امان و دلاورانه می رزمیم و تمام افسونگری های آنانرا فلج می سازیم.

سوالات رفقای کاناذا:

۱- تأثیر انقلاب ثور در برابر ملیت‌های افغانستان چه نوع است آیا حزب جهت حل این مسئله برنامه‌ی دارد؟

جواب :

تأثیر انقلاب اپریل در سرنوشت ملیت‌های افغانستان تأثیر يك انقلاب رهایی‌بخش ملی را دارد. برای حل مسئله ملی برنامه نظری و عملی داریم آن برنامه لنینی حل مسئله ملی است.

سوال دوم:

برخورد کشورهای غیرمتعهد در زمان کنونی با افغانستان چه نوع است؟ آیا برخورد این کشورها با جمهوری دموکراتیک افغانستان تغییر کرده یا خیر؟

البته رفقا از اصول و پرنسیپ کشورهای غیرمتعهد آگاهی دارند که بیست سال قبل در بلگراد ریخته شد و مقدمات آن در کنفرانسی باندونگ که اصول آن استوار است در مبارزه علیه امپریالیزم، استعمار کهنه و نو، راسیزم، صهیونیزم به خاطر ایجاد نظم جدید و عادلانه اقتصادی و در دفاع از دینتانت و صلح پرنسیپ‌های کشورهای غیرمتعهد را تشکیل می‌دهد. افغانستان کشور آزاد، مستقل و غیرمتعهد و از پرنسیپ‌های کشورهای غیرمتعهد در جنبش قاطعانه دفاع می‌نماید. البته در کشورهای غیرمتعهد سیستم‌های مختلف سیاسی و اجتماعی وجود دارد که برخوردشان با پرنسیپ‌های جنبش غیرمتعهد تفاوت می‌کند. لذا آن کشورهایی که در امر غیرمتعهد بودن وفادار و در موضع دفاع ازین پرنسیپ‌ها صادق نیستند ضد افغانستان اند ولی آن کشورهایی که در امر متعهد بودن خود وفادار اند دوست نزدیک و صدیق افغانستان اند و این مایه افتخار و سربلندی افغانستان انقلابی می‌باشد.

بیانیه شفاهی در اجتماع افسران، سربازان و فعالین حزبی فرقه ۱۱ ننگرهار ۳۰
حمل ۱۳۶۰

اردوی طراز نوین و آزادی بخش خلق‌های افغانستان در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد

رفقا، دوستان، نمایندگان سربازان و افسران و خردضابطان قهرمان قوای مسلح
آزادی بخش افغانستان انقلابی، قهرمان، آزاد و مستقل!

شما با قلب‌ها و وجدان‌های پاک تان مرا در فضایی قرار داده اید که نمی‌توانم بیش از
یک احساسی عمیق، سپاسگزاری به شما تقدیم بدارم (کف زدن‌های پرشور یا هو
راها) با مشاهدات نمونه‌ی غندتوچی از لحاظ دسپلین، انضباط، تعلیم و تربیت، از
لحاظ استقبال واقعاً گرم و انقلابی تمام سربازان، خردضابطان و افسران، برای من
سرور بی‌نهایت عظیم دست داد.

فرزندان قهرمان وطن!

هر روز و هر لحظه در کابل، کمیته مرکزی حزب قهرمانان و شهیدان ما، حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت و شورای انقلابی از پیکار قهرمانانه شما در
دشوارترین لحظات دفاع از سرحدات و خاک مقدس مان افغانستان، از شرف و
ناموس وطن خود اطلاع دقیق و کافی دارند و شما را برای لحظی هم فراموش
نمی‌کنند.

من، خود را موظف میدانم که از جانب حزب، حکومت و شورای انقلابی عمیق‌ترین
سپاسگزاری خود را به پیشواز سومین جشن انقلاب شکوهمند ثور به شما تقدیم بدارم
(هو راهای پرشور)

رفقا و دوستان قهرمان!

البته ما به پیشگاه وطن و خلق خود سرتعظیم فرود می‌آوریم مگر فراموش نکنیم که
امروز افغانستان با نیروهای شیطانی و اهریمنی ضدانقلاب داخلی، ارتجاع منطقه،
امپریالیزم، هژمونیزم و کشورهای مرتجع عربی مواجه است. پس بگذار افغانستان
قهرمان یک بار دیگر سیاس عمیق افغانی، مترقی و انقلابی خود را به پیشگاه دوست
بزرگ، همیشه‌گی و جاویدانی خود اتحاد شوروی نیز تقدیم بدارد. (کف زدن‌های
ممتد و هوراها)

رفقا سربازان قهرمان!

با فهم این نکته که هر افسر، سرباز نیز است، به یک نکته عمیق باید بارها بیندیشیم که افغانستان علی‌الرغم عقبماندگی به اساس اراده مردم آزاد افغانستان، به قدرت بازوان فولادین قوای مسلح افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رستاخیز عظیمی را در آسیا برپا داشت. (هو راها و کف زدن‌ها) این رستاخیز عظیم در قلب آسیا در وجود انقلاب ظفر آفرین ثور و بخصوص مرحله نوین آن به صورت برجسته و درخشان تبارز یافت. علی‌الوصف اینکه این تذکرات را من بارها ارانه کرده ام لیکن آنرا از جمله آن اصول اساسی می‌پندارم که باید بارها و بارها تکرار گردد.

بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین آن به صراحت تکرار می‌کنم و تأکید می‌نمایم که هرگاه کمک بهنگام اتحاد شوروی نمی‌بود امروز افغانستان انقلابی، آزاد و مستقل وجود نمی‌داشت. این مطلب را من در بزرگترین تریبیون بین‌المللی، در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره حزب لنین یا بانگ رسا و با صراحت به نام مردم افغانستان اعلام داشته‌ام. (کف زدن‌ها و هو راها)

رفقا، دوستان و افسران قهرمان!

چرا این نکته را باید تأکید کرد و آنرا بر اساس عشق و وطنپرستی عشق خدمتگزاری به مردم مظلوم و رنجکشیده افغانستان عمیقاً در عقل و خرد خود تشخیص داد؟ برای اینکه امروز تمام ارتجاع بین‌المللی، امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا، هرژمونیزم مرند چین، رژیم نظامیگر پاکستان و محافل ارنجاعی پاکستان، این دشمنان کهنه کار مردم افغانستان، وارث استعمار و امپریالیزم انگلیس، ارتجاع اعراب، ارتجاع ایران، ارتجاع داخلی و ضدانقلاب سعی می‌کنند که انقلاب افغانستان را سرکوب کنند، از کدام طریق؟

ازین طریق که دوستی مستحکم افغانستان و اتحاد شوروی را در گام اول بر هم بزنند و از احساسات مردم افغانستان بنابر عقبماندگی و بنابر بی‌سوادی سوءاستفاده نمایند در حالی که امر مسلم است که افغانستان کشور زحمتکشان مسلمان است، مگر علی‌الوصف آن ما به خاطر داریم یک مرحله غم انگیز و تراژیدی کشور خود را که در وقت نهضت غازی امان‌الله به وجود آمد و در آن وقت دشمنان ما، استعمار کهنه کار انگریز، زیر همین نام‌ها و با سوءاستفاده از عقبماندگی افغانستان به کمک یک سلسله خانواده‌های ایجت و اجیر خود توانست که نهضت جوان انقلابی افغانستان را در نطفه خف سازد.

علی‌الرغم تمام فشارهایی که ضدانقلاب وارد کرد و سال گذشته از لحاظ اقتصادیدر کشور شرایط مساعد بود. ما در پلان‌های اقتصادی خود، می‌توان گفت که موفق و

پیروز بودیم.

درین روزهایی که جبهه ملی پدروطن هم تشکیل خواهد شد، با اتکاء به اردوی قهرمان افغانستان، ما تا آخر در مبارزه علیه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور به پیش خواهیم رفت و انقلاب ما ادامه خواهد داشت.

مگر از آنجایی که پاکستان آله و وسیله امپریالیزم و هژمونیزم قرار گرفته است و یک رژیم نظامیگر در آنجا حاکم است یعنی یک رژیم ترور و کودتا، به این مناسبت از خود اختیار و صلاحیت ندارد که بر میز مذاکره بنشیند و ما مسایل را از لحاظ سیاسی حل فصل کنیم. مگر رفقای گرامی، باید به اطلاع شما رسانیده شود که رژیم نظامیگر پاکستان بالای انبار باروت نشسته است.

روز به روز نیروهای وطنپرست، ملی، دموکراتیک و تحول طلب پاکستان با هم متشکل تر شده، مبارزات خود را علیه رژیم نظامیگر پاکستان تقویت و بیش از پیش تحکیم می‌بخشد. همچنین به اطلاع شما باید رسانیده شود که در ایران هم وضع بر وفق مرام نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی نیست، نیروهای ملی و وطنپرست ایران روز به روز رشد و تکامل می‌یابد. همچنین رژیم مانویستی پیکنگ به یک بحران سیاسی و نارضابتی مرتب دچار و مواجه است. تضادهای کشور های امپریالیستی و بحران در کشورهای غرب روز افزون است، تناسب قوا روز به روز به نفع نیروهای صلح، آزادی و ترقی رشد و تکامل می‌کند. به این ترتیب در مبارزات انقلابی ما، از یک طرف تناسب قوا به نفع ماست از جانب دیگر ما دوستان بزرگ داریم، در رأس اتحاد شوروی بزرگ، که پیروزی انقلاب ثور و آرمان‌های آن را، برگشتناپذیر می‌سازد.

رفقا!

نکته دقیق و مهم دیگر اینست که: هیچ طبقه، حزب و حتی نایب‌ها پیشینی کرده نمی‌توانند که انقلاب در یک کشور به چه شکل، از کجا شروع و آغاز می‌گردد؟

انقلاب افغانستان بر اساس پروسه رشد و تکامل جنبش آزادی بخش ملی افغانستان که ابتکار انقلابی را حزب دموکراتیک خلق افغانستان به دست گرفت، در واقعیت امر از کانون پر قدرت، شجاع و وطنپرست اردوی افغانستان آغاز یافت.

رفقای عزیز، افسران هم‌رزم، دوستان محترم! از آنجایی که با اتکاء به نیروی اردوی افغانستان، مردم افغانستان تحت رهبری حزب ما، انقلاب آزادی بخش را آغاز کرد، باز هم وظیفه سنگین درجه اول تاریخ به عهده قوای مسلح افغانستان، به عهده شما جوانان قهرمان افغانستان است تا که انقلاب ملی و دموکراتیک ضدفئودالی

و ضد امپریالیستی، به پیروزی نهایی برسد.

پس توجه کنید رفقای عزیز که اردوی آزادی بخش ما دیگر اردوی طراز کهن نیست، اردوی ما اکنون یک اردوی آزادی بخش مردم افغانستان است و در جای یک اردوی طراز نوین در جبهه وسیع جهانی صلح، آزادی و ترقی قرار دارد.

حرف من این است که اردوی ما تنها و تجرید شده در زیر یونیفورم‌های نظامی خود نمی‌تواند زندگی کند. اردوی ما چون یک قدرت پر تحرک در اعماق توده‌های مردم یکجا و دوش به دوش باید از دستاوردهای انقلاب و از خاک مقدس خود علیه جنگ اعلان نشده خارجی برزمد و از وطن و آزادی دفاع کند. توجه فرمایید، هدف من این است که اکنون اردوی ما از جنرال تا سرباز باید چنان آزموده و آندیده گردد، چنان تحرک پیدا کند، چنان با مردم بیامیزد که با اتکاء به مردم و دوش به دوش با مردم به حیث قدرت عظیم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از یکسو تمام دشمنان افغانستان را که در خاک ما صلح و آرامش را برهم می‌زنند باید از بیخ و بن محو و نابود سازد و از طرف دیگر قوای مسلح آزادی بخش افغانستان دوش به دوش با مردم افغانستان زندگی نوین، سعادت‌مند و خوشبخت را مطابق به اهداف انقلاب به پیش برد.

قوماندانان شرافتمند اردوی قهرمان افغانستان! در این جای شک نیست که در جهان دیروز و امروز بخصوص در اوضاع و احوال جنبش‌های انقلابی و آزادی بخش مردمان جهان، احترام گذاشتن، تقدیر معنوی و مادی از شهیدان و قهرمانان مرسوم است.

تمام سربازان، خردضابطان و افسران افغانستان که در سنگرهای پیکار انقلابی تا کنون از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع کرده اند، معنا قهرمانان خلق افغانستان هستند. و لیکن قهرمانی جاویدانی عبارت از آن قهرمانی است که همیشه از یک پیروزی به پیروزی دیگر، از یک سنگر به سنگر دیگر و به قله‌های شامخ ترقی و آزادی کشور خود نایل آییم.

ببینیم قهرمانان جاویدان کیانند؟ کسانی اند که بدون آنکه لحظی به خود بیندیشند، همیشه در اعماق وجدان، روح، قلب و شرف خود درباره نسل‌های آینده کشور خود، درباره سعادت و خوشبختی مادی و معنوی و رفاه فرزندان، کودکان، پسران و دختران آینده وطن مقدس خود می‌اندیشند، اینان قهرمانان جاویدان اند.

زنده باد چنین قهرمانان!

بیانیه در جلسه فوق العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سومین سالگرد انقلاب ثور ۶ ثور ۱۳۶۰

خلق زحمتکش و مسلمان افغانستان تکیه گاه خلل ناپذیر دفاع از دستاوردهای انقلاب ماست

رفقا و دوستان!

به نمایندگی از کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، شورای انقلابی و حکومت ج.د.ا و از جانب خود صمیمانه‌ترین شادباش‌ها و تریکات را به مناسبت سومین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور به پیشگاه مردم زحمتکش و شرافتمند افغانستان انقلابی و قهرمان تقدیم می‌دارم.

سه سال از سرنگونی قدرت فعال مایشانی استعمارگران و از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور، از ایجاد قدرت حاکمه انقلابی متعلق به توده‌های مردم در افغانستان می‌گذرد. پیروزی انقلاب ثور به مثابه نقطه عطف عظیم در تاریخ کهن سرزمین ما، جامعه ما را در مسیر دگرگونی‌های عمیق انقلابی قرار داده، راه نجات از عقب‌ماندگی، راه ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت واقعی اجتماعی را در کشور ما هموار نمود.

تجربه انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن نشان داد که ما با گام‌های بلند به سوی هدف عالی ساختمان جامعه نوین نزدیکتر می‌شویم و به پیروزی‌های عظیمی دست می‌یابیم.

خصوصاً بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب، مرحله نجات انقلاب، مردم و وطن که بر همه اشتباهات و خیانت‌های گذشته ناشی از انحرافات، انقلاب از مسیر اصلی آن در اثر نفوذ عمال و جواسیس دشمن در وجود امین و امینی‌ها در درون حزب، داغ باطله زده شد اما توانستیم انقلاب را با وجود دشواری‌ها و ناهمواری‌ها، باوجود جنگ اعلان نشده و تجاوزکارانه امپریالیستی علیه افغانستان انقلابی در تمام جهات به پیش ببریم و به آن وسعت و عمق بیشتری ببخشیم.

سیر تحولات انقلابی کشور ما نشان دهنده این واقعیت سرسخت است که انقلاب افغانستان شکست ناپذیر است. انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن تأثیرات عمیق خود را در همه عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی در کشور ما وارد نموده است. احیای اعتماد توده‌های مردم به حزب و انقلاب، سهم‌گیری روزافزون نیروهای ملی و ترقی‌خواه در دفاع از انقلاب ثور و دستاوردهای آن،

اسنحکام بیشتر پایه‌های اجتماعی حزب و دولت انقلابی ما روی آوری کتله‌های وسیع خلق به سوی انقلاب، تثبیت نقش رهبری کننده و سازنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پروسه تحولات انقلابی و در کلیه عرصه‌های زندگی جامعه، اعتلای رو به تزاید پرستیژ و اعتبار بین‌المللی ج.د.ا همه و همه عناصری اند که قویاً نمودار تحکیم پایه‌های اجتماعی انقلاب ما می‌باشد. این پدیده‌های جدید در پروسه انقلاب ما از اهمیت بزرگ برخوردار اند.

این پیروزی‌ها هنوز پیروزی نهایی نیست. هنوز بسیار مسایل حل نشده در برابر ماست که با اطمینان، انقلاب از عهده حل آنها طوری که زمان و تجربه نشان می‌دهد، به خوبی بیرون خواهد شد.

امر رشد و تکامل انقلاب ما و تحقق وظایف عظیم تاریخی آن با شرایط مساعد بین‌المللی رشدعمومی و چگونگی اوضاع در منطقه و جهان ارتباط ناگسستی دارد. به این جهت ما توجه جدی به مسایل سیاست خارجی را جزء وظایف تاریخی و انقلابی خود می‌دانیم.

سیاست خارجی اصولی ح.د.خ.ا و دولت ج.د.ا بر اساس اصول صلح و دوستی، همزیستی مسالمت آمیز میان خلق‌ها و بنای همکاری و حسن تفاهم با کشورهای منطقه و جهان منکی بر تساوی حقوق، احترام متقابله میان کشورها، احترام به حق حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به حقوق ملل در امر تعیین سرنوشت خویش، عدم انسلاک، رعایت منشور ملل متحد و پشتیبانی بی‌دریغ از جنبش‌های انقلابی و ضدامپریالیستی در سراسر جهان استوار است.

ما در اوضاع و احوال کنونی جهان که در اثر تعمیل سیاست‌های ماجراجویانه ارنجاج و امپریالیزم، ابرهای تیره تشنج، مسابقات تسلیحاتی و خطر جنگ بر کرفزمین سایه افکننده است، مبارزه در راه خلع سلاح و تحدید مسابقات تسلیحاتی را به عنوان وظیفه عمده همه بشریت تلقی می‌نماییم.

ما معتقدیم که در اوضاع بغرنج کنونی جهان و مبارزه در راه پیروزی پروگرام صلح در دهه جاری که در گزارش لیونید بریزنف دوست صدیق مردم افغانستان به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردید، می‌تواند اقدام کلیدی در مبارزه به خاطر صلح عمومی در سال‌های هشتاد باشد. ما از این پروگرام حمایت می‌نماییم و در راه تحقق آن همراه با همه نیروهای صلح طلب جهان به نبرد خود ادامه خواهیم داد.

هموطنان گرامی، دوستان!

با تکيه بر سياست خارجي اصولی و صلح‌جویانه جمهوری دموکراتیک افغانستان، ما طی یک سال گذشته در مناسبات با کشورهای همسایه به اقدامات و ابتکارات مهمی متوسل گردیدیم. در ۲۴ ثور ۱۳۵۹ (مطابق ۱۴ می ۱۹۸۰) حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پروگرام مشخصی را جهت عادی ساختن اوضاع در منطقه مطرح ساخت، ما به ادامه این ابتکارات، پیشنهادهای سازنده و تکمیل‌کننده دیگری راچه در مطبوعات و نشرات و چه در تمام پیام‌های رسمی به کنفرانس کشورهای اسلامی منعقد در طایف و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد منعقد در دهلی نیز مطرح نمودیم ما آماده‌گی کامل خود را برای حل اختلافات از طریق مذاکره و آغاز گفتگوهای دوجانبه بیان نمودیم و می‌توان گفت که حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام امکانات، تلاش‌های گسترده‌یی را به خاطر عادی شدن اوضاع در منطقه به خرج داده است، تلاش‌هایی که مبین سیاست روشن صلح‌جویانه خارجی ماست؛ ما گام‌های لازم را برداشته ایم. اما اکنون به زمامداران کشورهای همسایه، پاکستان و ایران مربوط است که تا چه حدی با عقل سلیم به مسؤولیت خود در قبال عادی شدن اوضاع در منطقه می‌اندیشند و چگونه اوضاع را برک می‌نمایند و به پیشنهادهای سازنده ما چه پاسخ عملی ارائه می‌نمایند.

دوستی و برادری مردم افغانستان با خلق‌های زحمتکش عالم اسلام همیشه ادامه دارد، بسط و توسعه می‌یابد. توده‌های عظیم مسلمانان جهان از انقلاب افغانستان قاطعانه دفاع و پشتیبانی می‌کنند. فقط حلقه‌های مزدور ارتجاع و امپریالیزم است که مذبحانه و بی‌شرمانه علیه مردم زحمتکش افغانستان توطئه می‌نمایند.

ما استوار و بدون انحراف، مشی اصولی سیاست خارجی خود را در منطقه و جهان تعقیب خواهیم کرد و همچنین به کسی اجازه نخواهیم داد تا در مورد مقدرات جامعه ما و در مورد راهی که مردم ما انتخاب نموده اند، مداخله نماید.

ما یک بار دیگر تلاش‌های امپریالیزم، در رأس امپریالیزم جنایتکار امریکا را در جهت ایجاد تشنج و تشدید مسابقات تسلیحاتی ایجاد و توسعه پایگاه‌های نظامی، گسیل نیروهای جدید نظامی علیه جنبش آزادی بخش ملی و در مجموع اقدامات تروریستی بین‌المللی که به وسیله نیروهای امپریالیستی علیه خلق‌های جهان سازمان داده می‌شود و لیه تیز آن متوجه نیروهای انقلابی است، به شدت محکوم می‌نماییم.

خلق‌های جهان با صدای پرتوان، قاطعانه اعلام می‌دارند که: امپریالیزم بین‌المللی و جنگ طلب در رأس امپریالیزم امریکا از شرق میانه، از خلیج فارس، از بحر هند، خارج شوید! ارسال اسلحه به پاکستان را قطع کنید! به صدور مزدوران نمکش و ضدانقلاب به تجاوز علیه افغانستان انقلابی خاتمه دهید!

ح.د.خ.ا و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به روابط با همه کشورهایی که از انقلاب نجات‌بخش مردم ما پشتیبانی می‌نمایند، بخصوص کشورهای سوسیالیستی در رأس اتحاد شوروی صلح‌دوست ارج فراوان قایل اند ما در آینده نیز این مناسبات را که عامل مهمی در راه طرد و دفع تجاوز خارجی و حفظ آزادی، استقلال و ترقی اجتماعی در کشور ماست بسط و گسترش خواهیم داد.

هموطنان عزیز!

در برابر نسل باوجدان و رسالتمند کنونی، وظایف انقلابی عظیمی قرار دارد. مضمون عمده این وظایف را ایجاد تحولات عمومی دموکراتیک و تصفیه مناسبات اقتصادی و اجتماعی از آثار قرون وسطایی فئودالی و ماقبل فئودالی به منظور ایجاد پایه‌های جامعه نوین، در کشور، بهبود سطح رفاه مردم، تحکیم پایه‌های اقتصاد مستقل ملی، از بین بردن گرسنگی، جهالت، بی‌سوادی و مرض از طریق عملی ساختن تحولات اجتماعی - اقتصادی و تأمین دموکراسی در همه سطوح جامعه ما با رعایت سنن و عنعنات ملی، فرهنگی و مذهبی ملیت‌ها، اقوام، قبایل و گروه‌های ملی ساکن کشور ما تشکیل می‌دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور اعم در عرصه وظایف داخلی در ساحه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امر دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور و حاکمیت دولتی زحمتکشان و استقلال وطن محبوب مان افغانستان، تحکیم دوستی و برادری میان اقوام، قبایل و ملیت‌های افغانستان، تقویت هرچه بیشتر قوای مسلح پرافتخار افغانستان به مثابه پاسداران وطن و انقلاب، دموکراتیک کردن حیات اقتصادی و اجتماعی، تعمیل قانونیت دموکراتیک و مبارزه با خودسری‌ها و بی‌قانونی‌ها، ارتقای سطح رفاه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان کشور و بهبود شرایط کار آنان، تأمین کار برای بیکاران، تکمیل و تحکیم ارگان‌های امنیت دولتی و ارگان‌های نظم اجتماعی، تحکیم وحدت صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جلب توده‌های وسیع زحمتکشان از طریق سازمان‌های اجتماعی آنان در چهارچوب جبهه ملی پدروطن، بالا بردن سطح آموزش، فرهنگی و تربیت فنی و حرفوی مردم و حفظ و رشد گنجینه‌های فرهنگی خلق‌های وطن محبوب مان افغانستان را به مثابه خطوط اصلی وظایف خود قرار داده است.

مطابق به اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید صدراعظم به حیث رئیس شورای وزیران تعیین گردد و باید تحولی در دستگاه حکومت و اداره به مثابه خدمتگار واقعی مردم زحمتکش افغانستان رونما گردد. البته وظیفه کمیته مرکزی حزب و شورای انقلابی است که در زمینه تصمیم اتخاذ نمایند.

هموطنان گرامی!

ما در شرایط دشواری قرار داریم. میراث‌های سنگینی از گذشته به جا مانده است. از جانب دیگر دشمنان انقلاب افغانستان اعم از ضدانقلاب داخلی، ارتجاع منطقه، امپریالیزم و در رأس امپریالیزم امریکا در تئانی با هژمونیست‌های مرتد پیکنگ هنوز به سنگ اندازی در راه انقلاب ما ادامه می‌دهند. اینها همه عواملی اند که بر دشواری‌های ما می‌افزاید. با آنهم پیروزی‌هایی را که در جریان بیکارانقلابی به دست آورده ایم، مثبت و عظیم است.

جریان مبارزه با ضدانقلاب گواه بر پیشروی نیروهای انقلابی و موفقیت‌های چشمگیر ماست، ضدانقلاب و دشمنان مردم افغانستان مغلوب گردیده، اما آنچه را که نباید پنهان کرد اینست که هنوز به هیچ وجه نابود نگردیده است و باید نابود گردد. هنوز مبارزه ما برای پاک کردن دامن مقدس وطن از وجود ناپاک باند‌های جنایتکار ضدانقلابی دزدان و غارتگران ادامه دارد.

طی یک سال گذشته ما به اقدامات جدی توفیق یافتیم. ما توانستیم ستون‌های منظم انقلابی را در کشور علیه نیروهای ضدانقلابی بسیج سازیم. در این نبرد عظیم کلیه نیروهای ملی و مترقی کشور و بیش از همه و مقدم بر همه اعضای حزب ما، به شیوه رزمی کمر بستند و در راه دفاع از انقلاب به سوی جهات نبرد جهت نابودی کامل دشمنان انقلاب شتافتند. این امر تجربه با اهمیتی برای حزب ما و در مجموع برای جنبش انقلابی کشور ماست.

طی یک سال گذشته اردوی قهرمانان افغانستان، خارتدوی و قوای امنیتی انقلابی ما توانست به خوبی، مهارت کافی و لیاقت انقلابی را در مبارزه با نیروهای ضدانقلاب از خود نشان دهند.

نیروهای وطنپرست قوای مسلح که نقش برجسته‌یی را در پیروزی انقلاب ثور و سرنگونی رژیم ضد مردمی ایفا نمود، در مرحله کنونی آمادگی کامل خود را برای دفاع مطمئن و قاطع از انقلاب، حفظ استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان در برابر توطئه‌های خارجی به اثبات رسانیده است.

هزاران هموطن زحمتکش ما همین اکنون در گروه‌های مدافعین انقلاب به خاطر تأمین امنیت ساحات و مناطق شان به خاطر مبارزه با اشراک متشکل گردیده اند و قهرمانانه در دفاع از دستاوردهای انقلابی دوشادوش اردوی قهرمان ما، خارتدوی، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سازمان‌های اجتماعی می‌رزمند. ما امر گسترش صفوف نیروهای مدافع انقلاب را که نمایشگر سهم‌گیری فعال مردم در پروسه دفاع از انقلاب است بسیار عالی و مثبت ارزیابی می‌نماییم.

طی یک سال گذشته وحدت صفوف ح.د.ح.ا تعمیق بیشتر یافت. نقش رهبری کننده حزب تقویت گردید. پایگاه اجتماعی حزب استحکام و گسترش بیشتر کسب نمود. در ترکیب اجتماعی حزب تغییراتی قابل ملاحظه به وقوع پیوست که در مجموع ۲۵ تا ۳۰ فیصد اعضای جدید حزب را کارگران، دهقانان، سربازان و دیگر زحمتکشان تشکیل می دهند. حزب از لحاظ کمی کتله‌های وسیع زحمتکشان را در صفوف خود تنظیم نمود. اتورینه سازمان‌های حزبی قرونی گرفته و در مجموع می‌توان طی یک سال گذشته از تکامل هرچه بیشتر حزب از روند تحکیم آن به مثابه مسئله مرکزی کار و پیکار انقلابی، یادآوری نمود.

طی یک سال گذشته زمینه‌های بهم پیوستگی و اتحاد وسیع نیروهای ملی و دموکراتیک تحت در فاش جبهه ملی بدروطن مساعد گردید.

زحمتکشان کشور ما برای بهم پیوسته گی بیشتر در صفوف سازمان‌های صنفی و اجتماعی گرد می آیند و به اینگونه تعهد خود را در برابر انقلاب و مردم ادا می‌نمایند.

ما طی یک سال گذشته توانستیم در جهت تحکیم اقتصاد ملی کشور گام‌های استوار برداریم. علی‌الرغم دشواری‌ها و فعالیت‌های خرابکارانه نیروهای ضدانقلاب در سال ۱۳۵۹ حاصلات زراعتی ما مطلوب بود و حجم تولیدات عمدی از مؤسسات دولتی و مختلط به مقیاس سال ۱۳۵۸ افزایش یافت و بعضی از این مؤسسات صنعتی توانستند بیشتر از پلان پیشینی شده، کار خود را انجام دهند.

برای نخستین بار بودجه سال ۱۳۵۹ بدون کسر تحقق یافت و استفاده حداکثر از منابع مالی کشور صورت گرفت. رونق تجارت و بازار را علی‌الرغم دشواری‌ها می‌توان بسیار خوب ارزیابی کرد.

در سال ۱۳۵۹ زمینه‌های رشد سریعتر اقتصاد ملی، کلنور، معارف و صحت شرایط بهتر برای رشد همه جانبه کشور مساعد گردید.

بر پایه همین امکانات و با تکیه بر کمک‌های بی‌غرضانه و بی‌شایبه کشور دوست ما اتحاد شوروی توانستیم طرح پلان رشد اقتصادی - اجتماعی سال ۱۳۶۰ را تنظیم نماییم که با تطبیق آن دگرگونی‌های با اهمیتی در زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم و در سیمای جامعه ما وارد خواهد گردید. بر پایه همین امکانات توانستیم از آغاز سال جاری دستمزد کارگران و مستخدمان را بالا ببریم.

باید به اطلاع برسانم که همین امروز هیات رئیس شورای انقلابی تصمیم مهمی اتخاذ نمود. به خاطر کمک بیشتر به زارعان کشور جرایم مالیّه اراضی سال‌های ۵۷ - ۵۸ و ۱۳۵۹ آنان که بالغ بر هفتصد و بیست و دو میلیون افغانی می‌شود، مورد عفو قرار گرفت. از این کمک دولت (۸۶۰) هزار خانواده دهقان که مجموعاً ۴،۳ میلیون نفر را احتوا می‌کند، مستفید خواهند گردید.

همچنان هیأت رنيسه شورای انقلابی ۷۰۶ تن زندانی سیاسی را مورد عفو قرار داد و بارديگر اعلام می‌نماید که آغوش مادروطن پرافتخار برای فرزندان واقعی کشور باز است. کسانی که سلاح را به زمین بگذارند، صلح و امنیت کشور را بر هم نزنند مطابق به عدالت به آنان برخورد صورت خواهد گرفت.

هموطنان عزیز!

با جرأت اذعان می‌کنیم که مسایل حل نشده فراوان در برابر ما قرار دارد ولی انقلاب توانایی آنرا دارد که در جریان عمل مسایل حل نشده را حل نماید.

ما به نبرد صادقانه و اصولی خود در راه عملی نمودن اهداف انقلاب و تأمین دگرگونی عمیق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ادامه می‌دهیم. ولی مقدم بر همه باید به وظیفه بلاواسطه طرد و دفع تجاوز خارجی که مانع عمده تکامل سریع انقلاب ماست پرداخت. حل بسیاری از مسایل انقلاب با تأمین امنیت عام و تام در کشور و جلوگیری از تجاوز جنایتکارانه امپریالیستی ارتباط دارد. ما نبرد با ضدانقلاب را تا سرحد نابودی کامل آن ادامه خواهیم داد. با اطمینان کامل می‌توانیم بگوییم که پیروزی در مبارزه از آن ماست، از آن مردم افغانستان است!

نیروهای ضدانقلاب باید بدانند که شرایط کنونی با دوران نهضت امانی که با توطئه‌های نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی سرکوب گردید، تفاوت عمیق دارد. اگر دیروز نیروهای سیاه ارتجاعی در زیر چتر حمایت استعمار و امپریالیزم توانستند نهضت امانی را سرکوب کنند امروز نمی‌توانند تجارب ده‌ها سال پیش را در شکل دیگر آن علیه نیروهای انقلابی کشور عملی نمایند. اکنون حزب انقلابی نیرومند به مثابه عامل ذهنی آگاه، رهبری جامعه ما را به دست دارد. قوای مسلح آزادی بخش افغانستان و مردم آزاده ما چون یک مشت فولادین از انقلاب دفاع می‌کنند. اکنون ذهنیت جامعه ما ذهنیت نیم قرن پیش از امروز نیست. اکنون اردوگاه نیرومند سوسیالیستی در رأس کشور کبیر شوراها وجود دارد که تکيه گاه استوار و مطمئن صلح و ترقی را در جهان تشکیل می‌دهند. اکنون عوامل فراوانی وجود دارد که شرایط کنونی را از دوران نهضت امانی تفاوت می‌بخشد.

سیر تحولات انقلابی، تأییدی است بر این واقعیت روشن جامعه ما که انقلاب افغانستان دیگر شکست ناپذیر است.

نیروی این شکست ناپذیری را اراده خلل ناپذیر اکثریت مردم زحمتکش و مسلمان افغانستان در جهت دفاع از دستاوردهای نجاتبخش انقلاب و پشتیبانی بی‌دریغ نیروهای صلح و ترقی در جهان تشکیل می‌دهد اما علی‌الرغم تمام ناهمواری‌ها و سختی‌ها از راه مبارزه بی‌که حزب ما انتخاب نموده است، درست از این راه، به پیروزی نهایی گام به گام نزدیکتر می‌شویم.

ما با دشواری‌ها عادت کرده ایم و نه تنها با دشواری‌ها، بلکه با تجربه علیه بر دشواری‌ها به این امر مربوط به این واقعیت روشن است که تنها با اعمال سیاست اصولی به مثابه یگانه سیاست درست می‌توان به پیچیده‌ترین پرابلم‌ها پاسخ داد. اینست رمز پیروزی ما!

در پایان می‌خواهم بگویم بهترین شیوه برگزاری سالگرد انقلاب ثور عبارت است از:

تمرکز تمام دقت و توجه کار و عمل برای مسایل حل نشده انقلاب.

باید دقت و توجه را به روی این مسایل حل نشده که هنوز فراوان است تمرکز داد و از یک پیروزی به پیروزی دیگر دلیرانه و قهرمانانه به پیش رفت. دست ارتجاع و امپریالیزم از کشور ما کوتاه مردم افغانستان جد آخواهان صلح و امنیت در داخل کشور و منطقه اند!

زنده باد انقلاب، مردم و وطن پرافتخار مان افغانستان انقلابی و بازهم پرافتخار، آزاد و مستقل!

جبهه ملی پدروطن، مظهر عملی وحدت نیروهای سازنده جامعه نوین افغانستان است

نمایندگان محترم، برادران و خواهران!

به نمایندگی از کمیسیون عالی که از طرف نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان به تاریخ (۶) جدی برای تدارک و تدویر کنگره مؤسس انتخاب شده بود به شما به مناسبت آغاز کار، تبریک و شادباش میگویم.

حزب ما و تمام مردم نجیب و آزاده ما اهمیت استثنایی و فوق‌العاده بی‌را برای این کنگره قایل اند. نتیجه عمده کار کنگره باید تشکیل جبهه ملی پدروطن باشد که برای نخستین بار در تاریخ پرافتخار و باستانی وطن محبوب و انقلابی ما افغانستان ایجاد می‌گردد. این جبهه عبارت از سیستم پراعتبار و فعال سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و تودمیی و متشکل از نمایندگان تمام طبقات و اقشار دموکراتیک و ملی جامعه ما خواهد بود که امکان خواهد داد تا انرژی، شور و شوق، انقلابی و مساعی تمام وطنپرستان کشور در امر مشترک اعمار افغانستان نوین و شگوفان باهم متحد و منسجم گردد.

جبهه ملی پدروطن مظهر عملی وحدت نیروها و گروه‌های اجتماعی، ملیت‌ها و اقوام، قبایل و پیروان مذاهب مختلف ساکن وطن و احدمان افغانستان عزیز است.

اساس طبقاتی چنین وحدت را اتحاد کارگران و دهقانان به مثابه پایه اجتماعی و سیاسی دولت انقلابی ما تشکیل می‌دهد. بر اساس این یگانه مبنای مطمئن و استوار، اتحاد واقعی تمام نیروهای ملی و وطنپرست وطن ما تأمین می‌گردد.

به این ترتیب گام نوین در امر بسط و تعمیق انقلاب پرافتخار ثور برداشته می‌شود و انقلاب وسعت و دامنه گسترده تر می‌یابد.

ما با رضایت و سپاس، خاطر نشان می‌سازیم که دوستان ما در خارج از کشور در جایی که مدت هاست سیستم‌ها و اتحادهای سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و تودمیی وجود داشته و با موفقیت عمل می‌کنند، تدویر کنگره و تمام امور مربوط به ایجاد جبهه ملی پدروطن در جمهوری دموکراتیک افغانستان را به درستی و به طور شایسته ارزیابی و قردادانی نموده اند. شاهد زنده این امر پیام‌ها و شادباش‌های دوستانه و برادرانه‌یی است که از طرف سازمان‌های اجتماعی و تودمیی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای غیرمتسلک فرستاده شده است.

اجازه بدهید از جانب نماینده‌گان کنگره، امتنان قلبی و صمیمانه خود را به این سازمان‌ها ابراز داشته اطمینان دهم که نجارب گران‌بها و ارزشمند آنها را در امر همبستگی و یکپارچه ساختن توده‌های وسیع مردم به خاطر ترقی همه جانبه جامعه با دقت مورد مطالعه و آموزش قرار داده با ابتکار و خلاقیت مطابق به شرایط خاص افغانستان از آن استفاده خواهیم کرد.

رفع عقب‌ماندگی و حصول ترقی ملی و اجتماعی ضرورت عام، میرم و حکم جامعه است. همچنان واضح است که تحقق عملی این امر مستلزم و خواهان اتحاد همه طرفداران ترقی همه وطنپرستان کشور یعنی وسیعترین توده‌های مردم و اکثریت قاطع هموطنان می‌باشد.

وطن محبوب ما افغانستان به چنین اتحادی به خاطر حل پروبلم‌های حیاتی ضرورت میرم دارد و ما به همین مفهوم با استفاده از تجربه دوستان ما در جهت حصول وحدت توده‌های وسیع و تأمین شکل معین سازمانی این وحدت صحبت می‌کنیم.

نمایندگان محترم!

تدویر کنگره و ایجاد جبهه ملی بدروطن در کشور ما پایان منطقی کار بزرگ است که کمیسیون عالی تدارک و تمام وطنپرستان انجام دادند و ابتکار نمایندگان کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست را با گرمی استقبال نمودند.

در عین زمان ایجاد جبهه، نه تنها حاکی از انجام موفقانه کارسازمانی مربوط می‌باشد، بلکه نمایانگر نتایج و افعه بزرگ و وسیعی است که انقلاب ما، دولت ما و تمام جامعه ما تحت رهبری مطمئن حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین آن به دست آورده است.

انعکاس وسیع تصامیم کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست مبنی بر ایجاد جبهه ملی بدروطن در میان توده‌های مردم و محافل اجتماعی کشور ما شاهد این امر است. این تصامیم در سراسر کشور پخش گردید. در همه جا از آن با خیر شدند و با عکس‌العمل وسیع، گرم، فعال و مثبت مواجه شد. صدها هزار فرزند نجیب و شرافتمند وطن ما از ایجاد جبهه پشتیبانی نمودند و بعد از (۶) جدی سال گذشته که کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست کمیسیون تدارک کنگره جبهه را انتخاب نمود، ده‌ها مینتگ بزرگ و تودمی تشکیل گردید، که اشتراک کنندگان آن به طرفداری از ابتکار ایجاد جبهه ملی بدروطن قطعنامه‌هایی به تصویب رسانیده و آماده‌گی عام و تام خود را برای شرکت در فعالیت آن و متحد شدن به خاطر خوشبختی و ترقی مردم و وطن ابراز داشتند.

به این ترتیب وسیعترین محافل و افشار اجتماعی افغانستان آماده‌گی خود را برای شکل نو و عالیتر اتحاد به دور پروگرام تحولات ملی و دموکراتیک که از طرف

حزب ما برای اعمار جامعه شگوفان و پرسعادت پیش گردیده است، اظهار نمودند.

نمایندگان محترم!

ایجاد جبهه ملی بدروطن در جمهوری دموکراتیک افغانستان ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور ما بوده و ضرورت اجرای موفقانه اهداف و وظایف انقلاب آنرا می‌طلبد.

برای درک بهتر این مطلب باید دید که انقلاب ثور به مثابه انقلاب ملی و دموکراتیک چگونه انقلابی است؟ اهداف و وظایف آن کدام است؟ به خاطر چه و برای چه انقلاب به وقوع پیوست؟

برای پاسخ به این سوالات به اسناد و مدارک اساسی حزب و دولت مراجعه می‌کنیم. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تزه‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان می‌گردد که انقلاب ثور به مثابه نتیجه طبیعی مبارزه طولانی زحمتکشان افغانستان به خاطر آزادی واقعی از ظلم استعمارگران، جانب، استثمارگران بیرحم و عقب‌ماندگی، وظایف عمومی دموکراتیک را در برابر خود قرار می‌دهد. یعنی محو تمام بقایای فئودالی و ماقبل فئودالی در مناسبات ملی و اجتماعی، تحدید زمینداری بزرگ ملاکی، توزیع زمین به دهقانان بی‌زمین و کم زمین و کارگران زراعتی، اعتلای اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم و رشد فرهنگ ملی مردمان ساکن افغانستان، دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی و در عین زمان انقلاب ما دارای خصلت ملی ضدامپریالیستی می‌باشد و خصوصیات ملی، احساسات عمیق مذهبی، تفاوت‌ها در سنن و عنعنات مردم، اقوام و قبایل مختلف افغانستان را منعکس می‌سازد. حصول این اهداف پاسخگوی منافع وسیعترین قشرهای جامعه و اکثریت قاطع مردم است.

به این ترتیب ترقی ملی کشور به یرکت تحقق کامل و پیگیر تحولات وسیع دموکراتیک، به مثابه چنان تحولاتی که زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم مستقیماً در آن ذینفع بوده و از آن مستفید می‌گردند حاصل می‌شود.

خصلت انقلاب ملی و دموکراتیک ما نوع و شکل دولتی را که در نتیجه آن به وجود آمده است، نیز معین می‌سازد. پایه این دولت را اتحاد کارگران و دهقانان، پشتیبانی وسیع و اشتراک تمام زحمتکشان، تمام وطنپرستان واقعی و فرزندان شایسته وطن محبوب ما، روشنفکران، سربازان و افسران نیروهای مسلح انقلابی، پیشه‌وران، کوچیان، روحانیون و طنپیرست، صاحبان صنایع ملی و نجار ملی تشکیل می‌دهد.

به این ترتیب دولتی که در نتیجه انقلاب ثور به وجود آمده است بالای اتحاد طبقات، اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست اتکاء دارد. چنین اتحادی ناشی از خواست و تمایل تمام وطنپرستان افغانستان برای تأمین ترقی همه جانبه وطن، رفع عقب‌ماندگی و

درهم شکستن مقاومت نیروهای کهنه یعنی مشتکی از استثماریان فیودال، سودخوران، سیاه پرستان، مزدوران اجیر، بیروکراتان عالیترتبه مرتجع نظامی و ملکی سابق که به وسیله امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه پشتیبانی می‌کردند، می‌باشد. شکل و مظهر سیاسی و سازمانی چنین اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست عبارت است از جبهه ملی پدروطن که ما امروز آنرا ایجاد می‌نماییم.

اهداف و وظایف اساسی جبهه کدام است؟ مقام جبهه در ساختار اجتماعی - سیاسی انقلابی ما کدام است؟

کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست منعقد (۶) جدی ۱۳۵۹ با اکتفاء بر تحلیل علمی راه‌ها و اشکال ایجاد اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست چنین نتیجه‌گیری نمود: **جبهه ملی پدروطن** عبارت از سیستم وسیع و توده‌یی سازمان‌های اجتماعی - سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد، طبقات، اقشار و گروه‌های ملی و دموکراتیک، تمام وطنپرستان، نیروهای اجتماعی، ملی و مذهبی را برای همکاری به خاطر وطن محبوب مان متحد می‌سازد.

به این ترتیب وظیفه عمده جبهه ملی پدروطن عبارت است از متحد ساختن وطنپرستان کشور و اراده آنان به انرژی و مساعی آنان در امر مشترک اعمار جامعه نوین و شگوفان، دموکراتیک و مترقی در افغانستان.

همچنان وظیفه آن است تا مشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سیاست شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را تبلیغ و توضیح نماید. توده‌های عضو جبهه و تمام مردم نجیب و شریف افغانستان برای اشتراک آگاهانه و فعال در امر ساختمان جامعه عدالت اجتماعی با احترام و رعایت اصول دین مقدس اسلام و در نظر داشت سنن بخصوص تاریخی، ملی، روحی و معنوی مردم ما بسیج و متشکل شوند.

جبهه ملی پدروطن پایه حاکمیت رحمنکشان را در جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل خواهد داد.

جبهه وظیفه دارد تا وحدت مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان را به منظور فعالیت مشترک در راه تحقق پیگیر و کامل رشد انقلاب ملی و دموکراتیک نامین نماید و به امر تربیت و پرورش و جلب وسیع اتباع افغانستان در اداره امور دولت و جامعه کمک رساند.

در چارچوب جبهه تمام وطنپرستان کشور برای کار و پیکار مشترک در راه آینده پرفروغ و درخشان متحد می‌گردند. بدینگونه، جبهه که مولود انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین تکاملی آن است خود به عامل تعمیق و رشد بیشتر آن مبدل می‌گردد.

فعالیت جبهه به جلب نیروهای جدید و توده‌های وسیع مردم در امر ساختمان اقتصادی و فرهنگی، رشد ابتکارات اجتماعی به نفع مردم و دولت ما مساعدت خواهد کرد و در راه خوشبختی فرزندان امروز و آینده وطن تلاش خواهد ورزید.

فعالیت جبهه به امر تحکیم قدرت دفاعی کشور و بسیج هموطنان دلاور و آزادی خواه وطن در مبارزه به خاطر سرکوب کامل و قطعی ضدانقلاب که تلاش می‌ورزد چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و پیشرفت بیشتر افغانستان را به سوی پیشرفت و ترقی اجتماعی همه جانبه مانع شود، کمک خواهد کرد. این فعالیت به عرصه همبستگی انترناسیونالیستی مردم ما با تمام نیروهای ترقی، دموکراسی و صلح نیز گسترش خواهد یافت. زیرا جبهه مناسبات دوستی و همکاری را با سازمان‌های اجتماعی - سیاسی مشابه در خارج از کشور برقرار نموده توسعه خواهد داد.

به این ترتیب، ماهیت و مفهوم فعالیت جبهه را رفع تدریجی عواقب و بقایای عادات منسوخ، عدم اعتماد و عدم همکاری میان نیروها، قشرها و گروه‌هایی که در مجموع خلق افغانستان را می‌سازد و جلب تمام هموطنان شرافتمند و وطنپرست برای اشتراک فعال در امر ساختمان افغانستان نوین و سربلند و دفاع از آن در برابر نوظنه‌ها، دسائیس و تجاوزات دشمنان انقلاب ثور، تشکیل می‌دهد.

به همین سبب نیز ما ترکیب جبهه را تنها به سازمان‌های اجتماعی تودمیی که به حیث مؤسسان جبهه می‌باشد، محدود نمی‌سازیم.

آغوش جبهه برای همه وطنپرستان کشور باز است. درهای جبهه برای تمام قبایل و اقوام افغانستان، پیروان مذاهب و جریان‌های مختلف مذهبی و به یک کلمه، برای همه کسانی که صادقانه سعی می‌ورزند وطن محبوب ما، به کشور شگوفان و مترقی، آباد و نیرومند مبدل گردد، باز می‌باشد.

نمایندگان محترم!

حزب ما و حکومت انقلابی خدمتگزار مردم، مسوولیت تاریخی رسیدن به این هدف نجیبانه را قاطعانه و بدون اندکترین تزلزل قبول نمودند. ما تمام مساعی و نیرو را در راه رفاه و آسایش مردم و خدمت به آن صرف خواهیم نمود.

ما در سیاست خود در مرحله نوین انقلاب ثور، منافع حیاتی و مهم تمام نیروهای ملی و اجتماعی و وطنپرست را به شکل لازم آن مد نظر می‌گیریم.

ما درین جهت با استواری و جدیت کار خواهیم کرد تا برای طبقه کارگر افغانستان مقامی در جامعه و دولت تأمین شود که شایسته و در خور رسالت تاریخی آن باشد و اشتغال کامل و بهبود دایمی شرایط زنده‌گی این طبقه بر مبنای ترقی تخنیکی و رشد نیروهای مولده میسر گردد.

ما تمام تدابیر لازم را اتخاذ خواهیم نمود تا مهمترین مسئله برای دهقانان افغانستان یعنی مسئله زمین و آب بر اساس تحولات جدی، مؤثر و سنجیده شده که بقایای فیودالیزم، سودخوری و بی‌عدالتی تاریخی نسبت به میلیون‌ها دهقان را مطابق به اصول دین مقدس اسلام رفع می‌کند، به شکل عاقلانه، عادلانه و دموکراتیک حل گردد.

یکی از جهات مهم کار ما در آینده نیز تأمین امکانات کامل به پیشموران، کسبه کاران، دکانداران، تجار کوچک، صاحبان صنایع ملی و تاجران ملی خواهد بود، تا نیرو، قدرت و وسایل خود را برای فعالیت مفید و پرثمر بر اساس قوانین مطمئن و عادلانه در شرایط نظم و ثبات که همه به آن ضرورت دارند، به کار اندازند. ما به روشنفکران و وطنپرست خود اطمینان می‌دهیم که در افغانستان نوین که هم اکنون به کار اعمار آن آغاز نموده ایم، این تمام اقدامات لازم برای شگوفانی ملت، فرهنگی و فعالیت پرثمر معنوی به خاطر ترقی وطن محبوب انجام خواهد یافت.

ما به روحانیون نجیب اعم از عالمان، خطیبان، مؤذنان و ملایان وطنپرست، به تمام مؤمنان اعم از سنی و شیعه اطمینان می‌دهیم، که در کشور ما همیشه با احترام و دقت تمام شرایط لازم جهت تعمیل و اجرای آزاد و بلامانع اصول و مناسک دین مقدس اسلام رعایت خواهد گردید.

ما از تمام اقوام و ملیت‌ها و قبیایل دعوت به همکاری وسیع و مؤثر به خاطر آینده تابناک و رفاه همگانی می‌نماییم. سیاست حزب و دولت انقلابی و مردمی ما متوجه آن است تا برای تمام مردم نجیب افغانستان شرایط ترقی را فراهم آورد. این سیاست بر اساس احترام صمیمانه و برخورد دقیق و با مسؤلیت نسبت به اصول و سنن تاریخی، معنوی و فرهنگی اقوام، ملیت‌ها و قبیایل پایه گذاری شده است. ما اطمینان داریم قبیایل آزاده پشتون که حق دارند به تاریخ پرافتخار و قهرمانانه خود ببالند، از جبهه ملی بدو وطن پشتیبانی می‌نمایند و تمام ملیت‌ها، اقوام و قبیایل کشور ما اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، بلوچ، نورستانی و غیره در امر مشترک وطنپرستانه، بدون تبعیض و تمایز سهم لازم و شایسته خواهند گرفت.

به این ترتیب وحدت وسیع و وطنپرستانه مردم شرط ضروری تحکیم و تعمیق انقلاب ملی و دموکراتیک و پیشروی پیروزمندان جامعه ما به شمار می‌رود. اما این وحدت، غیرآگاهانه و خود به خودی نه بلکه در نتیجه همکاری حکومت مردمی و تمام وطنپرستان افغانستان به دور حزب و دولت انقلابی پایه گذاری و ایجاد می‌شود. ما بر درس‌های که از تاریخ خویش آموخته ایم و بر تجارب عظیم تاریخی که از مبارزات مردم خود، به خاطر آزادی، استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و ترقی، اندوخته ایم اتکاء داریم.

با اطمینان کامل می‌توان گفت: یکی از درس‌های عمده سیاسی تاریخ ما عبارت از آن است که وطنپرستان افغانستان تنها در صورت اتحاد، وحدت و همکاری به پیروزی رسیده و به اهداف مطروحه دست یافته اند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه شایسته‌ترین وارث بهترین سنن مبارزات آزادی بخش و ضدامپریالیستی نیروهای وطنپرست کشور با طرح و حل مسئله نیروهای ملی و دموکراتیک آرمان‌های نوده‌های عظیم را منعکس می‌سازد.

این مبارزات ریشه‌های عمیق تاریخی مخصوصاً در آنزمانی دارد که مردم ما با تجاوز استعماری بریتانیا مواجه شده، آنرا دفع نمودند. این پیروزی بر استعمارگران انگلیس نه تنها ناشی از قهرمانی پدران و نیاکان ما بود، بلکه مقاومت مشترک و قاطع آنان در برابر تجاوزگران بر مبنای وفاداری به وطن محبوب و همکاری و تفاهم آنان به خاطر امر مشترک نقش عمده را ایفا نمود.

در همین زمان آرزوی شایسته‌ترین فرزندان افغانستان برای یکپارچگی و اتحاد ملی وطنپرستانه و وحدت به خاطر استقلال و آینده بهتر و درخشان نصیح گرفت و بعد به طور مداوم رشد و تحکیم یافت.

این اندیشه و آرمان در مرحله جنبش اول و دوم مشروطیت، تحقق ریفورم‌های مترقی امان‌الله خان، در مبارزات ضد رژیم ترور و اختناق نادرشاه و جنبش دوره هفت شورای ملی و نهضت سال‌های قبل از انقلاب ثور با قوت هرچه بیشتر تبارز و تجلی یافت. اندیشه اتحاد و وحدت در طرح‌های برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس و رشد شایسته یافت.

بدیهی است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان این اندیشه‌ها را به شکل میکانیکی در اسناد و پروگرام خود اقتباس ننمود، بلکه برای نخستین بار آنرا با صراحت و روشنی به مثابه طرح علم تنظیم شده و عملاً قابل تحقق در جهت حصول نه تنها آزادی ملی، بلکه آزادی اجتماعی نیز ارائه داشته است. در برنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبه سال ۱۳۴۴ آمده است:

«پایه سیاسی حکومت دموکراتیک ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جبهه متحد ملی عمومی قدرت‌های ترقی‌خواه، دموکراتیک و وطنپرست یعنی کارگران، دهقانان و منورین مترقی، اهل حرفه، خرده بورژوازی مالکین خرد و متوسط و بورژوازی ملی (سرمایه دار ملی) که در راه استقلال ملی، تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و به پایان رساندن جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی، مجاهده ملی و دموکراتیک می‌نمایند.»

مسائل مربوط به ایجاد جبهه ملی بدروطن به مثابه اتحاد تمام وطن پرستان افغانستان به خاطر ترقی اجتماعی و ملی کشور همیشه در مرکز توجه حزب قرار داشته، بحث

وسیع روی آن صورت می‌گرفت. حزب ما یا رسیدن به قدرت دولتی نه تنها طرح و نظریه علمای مستدل شده و واقع‌بینانه جبهه ملی بدروطن را با خود داشت، بلکه پلان مشخص عملی ایجاد آنرا نیز پیش کشید.

بر همین اساس مسایل مربوط به ایجاد جبهه در (خطوط اساسی وظایف انقلابی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان) منتشره ۱۹ ثور ۱۳۵۷ طرح و انعکاس یافت. مناسبانه ترین عرصه نیز در مرحله تسلط امین انحراف از اصول صورت گرفت. طرح اتحاد نیروهای وطنپرست و ملی افغانستان که در گذشته نیز وجود داشت، در عمل به تحقق نپیوست.

شرایط برای ایجاد و شکل‌گیری سازمانی چنین اتحادی فقط امروز در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور هنگامی که تمام توجه حزب به وحدت صفوف آن معطوف شده است و روزتاروز این وحدت به برکت کار و بی‌کار مشترک تحکیم می‌یابد، مساعد گردید. تدویر کارکنگره مؤسس جبهه با صراحت نشان دهنده این واقعیت است.

ماهمه با حقانیت، احساس غرور و سربلندی می‌نماییم که تنها حکومت انقلابی و مردمی ما قادر به تأمین اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه طبقات، اقشار، گروه‌های ملی و دموکراتیک، قبایل و تمام نیروهای اجتماعی، ملی، مذهبی و وطنپرست می‌باشد.

اکنون سوالی را طرح می‌کنیم: کدام شرایط مشخص تاریخی و خصوصیات افغانستان وحدت وطنپرستانه و ملی اکثریت قاطع مردم ما را عملاً ممکن می‌سازد؟

پاسخ این سوال را می‌توان در خصوصیات ساختار جامعه ما و تاریخ آن جستجو کرد. نخست باید خاطر نشان کرد که کشور ما از لحاظ جمعیت و باشندگان خود متجانس نیست. ده‌ها قبیله بزرگ، تعداد زیادی از ملیت‌ها و اقوام، ساکنان شهر و ده، باشندگان کشور ما را تشکیل می‌دهند.

بالتجربه برای آنکه وطنپرستان کشور از تمام بخش‌های مردم افغانستان باهم یکجا کار و بی‌کار نمایند و به خاطر آینده شگوفان و درخشان کشور برزمنند، اتحاد آنان ضروری است.

نباید فراموش کرد که ده‌ها سال امپریالیزم و ارتجاع بین بخش‌ها و گروه‌های مختلف ساکنان کشور ما تخم نفاق کاشته و آتش عدم اعتماد و همکاری و حتی دشمنی و خصومت را دامن زده است. در نتیجه وطنپرستان افغانستان تنها با کار، مبارزه مشترک، وحدت عمل و اتحاد می‌توانند این میراث شوم گذشته را رفع نموده و نیروی خود را به خاطر تأمین ترقی همه جاتبه افغانستان تقویت و تحکیم بخشند.

دشمنان انقلاب ثور و دشمنان وطن محبوب ما امروز نیز از تلاش‌های مذبحانه خود به غرضی ایجاد تفرقه میان بخش‌های مختلف مردم، قراردادن آنها در برابر

یکدیگر، دامن زدن اختلافات میان اقوام و قباایل و بالاخره تضعیف آزادی مردم در جهت دفاع از انقلاب و مبارزه به خاطر رشد کشور، ایا نمی‌ورزند. لهذا شکست و در هم کوبیدن قطعی آنها بدون اتحاد و وحدت نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان ممکن نیست.

بالاخره، اتحاد وطنپرستان از این جهت نیز ضرور است که مسایل مبرم و جاری کشور چون تحکیم و تقویت حکومت مردم در محلات، تأمین سرکوبی قطعی ضدانقلاب و رشد تولید صنعتی و زراعتی، تجارت و ترانسپورت را با سرعت و موفقیت حل نماییم. تنها بر چنین پاییمی می‌توان زندگی هر خانواده زحمتکش و تمام مردم را در مجموع بهبود بخشید.

درین رابطه ما با صراحت تمام اعلام می‌داریم که کشور ما و مردم ما به صلح و آرامش سراسری وطنی یعنی صلح برای فرد فرد هموطنان ضرورت دارد. ما این طرح را برای آن پیش می‌کشیم که الترناتیف معقول دیگری وجود ندارد و راه دیگری برای حل معضلات و مسایل مبرم و حیاتی جامعه ما دیده نمی‌شود.

صلح سراسری وطنی چیست و ما آنرا چگونه درک می‌نماییم؟

پیش از همه به معنای تأمین شرایط عادی صلح‌آمیز و آرام برای غور، بحث و بررسی مسایل موجود و حل و فصل آنهاست، این به معنای قطع تلاش‌ها برای استفاده از سلاح و زور جهت حل اختلافاتی که هنوز در جامعه ما وجود دارد و می‌باشد. البته تنها فاکت موجودیت تفاوت نظرها موجب تشویش نمی‌گردد.

زیرا ما برای نخستین بار در طول تاریخ متمدنی کشور در راه اعمار جامعه نوین و عادلانه گام گذاشته ایم، جوانب مشخص این یا آن اقدامی که حین رفتن به این راه اتخاذ می‌شود، می‌تواند و باید هم مورد تبادل نظر، جر و بحث قرار گیرد و در نتیجه موجب تفاوت نظر معین گردد. بیهوده نیست که می‌گویند و اقعیت در نتیجه مناقشه و مباحثه تبارز می‌کند و عیان می‌شود و ما به هیچ وجه از این مناقشات و مباحثات خود را کنار نخواهیم کشید.

برعکس حزب ما و حکومت انقلابی مردم، بعد از این هم از تمام امکانات موجود استفاده خواهند کرد تا حقیقت سیاست ما و هدف ما یعنی خوشبخت و شگوفان ساختن وطن و مردم در همه سطوح، در همه جا و همه وقت توضیح و روشن گردد.

اما تلاش‌ها به منظور تحمیل اراده امپریالیزم و ارتجاع به زور اسلحه بالای مردم ما و تبدیل دیالوگ صلح‌آمیز دموکراتیک بین افغانان به جنگ خونین و برادر کشی با پاسخ دندان شکن و قاطع تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان مواجه می‌گردد و چنین تلاش‌ها محکوم به شکست کامل و ننگین است.

ما هیچ‌گاهی از توضیح حقایق به آنانی که بنا بر فریب، جور و ستم اجنت‌های امپریالیزم و ارتجاع از راه درست منحرف شده‌اند، باز نخواهیم ایستاد. از همین رو نیز به منظور اتحاد هرچه کاملاً همه ساکنان سرزمین باستانی و مقس‌ما جهت تأمین شرایط عادی صلح‌آمیز و آرام برای دیالوگ دموکراتیک میان آنان، ما صلح سراسر وطنی را پیشنهاد می‌کنیم و تنها به این ترتیب ما می‌توانیم مسایل امروز و فردا را به نفع هر فرد و همگان حل نماییم.

همه اینها به معنای حل و اجرای وظایف اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک در پراکتیک بر مبنای عمل و فعالیت مشترک نیروهای ملی و وطنپرست است. این وظایف با توسعه و تحکیم وحدت عمل این نیروها همراهی می‌شود. اینها یکی با دیگری ارتباط دارد، زیرا منطق رندمگی، منطق تکامل انقلاب و پیشروی عمومی ما به سوی افغانستان پرسعادت و شگوفان، به سوی فردای درخشان چنین حکم می‌کند.

نمایندگان محترم!

ما ضرورت اصولی و امکانات عملی ایجاد وحدت ملی و وطنپرستانه را به خوبی درک نموده با روشنی می‌بینیم. ما همچنان از مشکلاتی که در این راه وجود دارد کاملاً آگاه هستیم، فکر می‌کنیم وظیفه عمده، ضرورت رفع جدایی تاریخی است که به وسیله امپریالیزم، ارتجاع داخلی و منطقه در رابطه میان نیروهای ملی و اجتماعی کشور ما ایجاد گردیده است. اجرای این امر از طریق تأمین یکپارچه‌گی واقعی این نیروها بر مبنای اصول انقلاب ثور و به نفع رشد و تعمیق آن امکان پذیر است.

در حصول این امر ما بر یک سلسله عوامل عینی و ذهنی اتکاء داریم که به حل وظیفه تاریخی ما مساعدت می‌کند:

نخست این که ساختار اجتماعی جامعه ما نسبتاً کمتر مورد تأثیر مناسبات سرمایه سالاری قرار گرفته است. ما با ایجاد اتحاد ملی و وطنپرستانه در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک از امکاناتی که ناشی از این وضع است، استفاده نموده و از صاحبان وطنپرست صنایع، تجار، پیشه‌وران و همچنان از سران و رؤسای قبایل، علماء، ملایان، روحانیون و از همه کسانی که علاقه‌مندی دارند و حاضر اند درین کار نجیبانه سهم خود را ادا نمایند، به خاطر اعمار افغانستان شگوفان و سعادت‌مند در اجرای امر مشترک دعوت می‌نماییم.

در واقعیت هم باید گفت که حتی در مرحله اول انقلاب ثور ضربات مرگبار به طبقه اساسی استثمارگر، فئودالان، ملاکان فئودال استثمارگر و سودخوران بزرگ وارد گردید. اکنون ما وظیفه سرکوبی کامل باندهای ضدانقلابیون و اجنت‌های امپریالیزم و ارتجاع منطقه را با موفقیت انجام می‌دهیم.

ما به رشد تحولات ارضی انقلابی به نفع اکثریت قاطع مردم افغانستان یعنی دهقانان زحمتکش ادامه می‌دهیم. از بین رفتن کامل فئودالان، سودخواران و بقایای مناسبات فئودالی در زندگی ما فقط مربوط به زمان است و ضمناً باید گفت که این زمان از لحاظ تاریخی کوتاه خواهد بود.

اما درباره سرمایه ملی باید خاطر نشان کرد که در افغانستان به آن درجه رشد خود نرسیده است که انحصارات و خانواده‌های کمبرادور بزرگ و طفیلی ایجاد گردند و پیوند وابستگی سرمایه ملی بزرگ با انحصارات بین‌المللی امپریالیستی در شرایط تسلط این انحصارات رخ دهد.

سرمایه ملی افغانستان عمدتاً مربوط به صاحبان صنایع و تجار متوسط و کوچک است که در ترقی کشور، رفع عقب‌ماندگی و حصول سطح شایسته رشد اقتصادی، تکنیکی و فرهنگی دینفع می‌باشند.

همه اینها به آن معنی نیست که ما موجودیت و درجه حدت تضادهای اجتماعی را که در جامعه ما وجود دارد، به درستی و به طور شایده باید ارزیابی نمی‌کنیم، بیشتر از آن ما هرگز فکر نمی‌کنیم که با رفتن جامعه به پیش این تضادها خود به خود از میان می‌روند و هموار میشوند.

اما خصوصیات ساختار جامعه کنونی افغانستان اجازه می‌دهد که در مرحله تحولات ملی و موکراتیک تمام نیروهای ملی و وطنپرست متحد شوند زیرا این دگرگونی‌ها با منافع اساسی و طویل‌مدت آنها مطابقت دارد.

دوم - علی‌الرغم آنکه دشمنان همیشه به دامن زدن سنت منفور دوری، جدایی، عدم همکاری و عدم اعتماد در مناسبات بین اقشار مختلف مردم، گروه‌های ملی و اجتماعی، اقوام و قبایل کشور پرداخته اند، اما همواره در هنگام تهدیدات دشمنان برای استقلال وطن سنت نجیبانه مبارزه مشترک و وطنپرستان افغانستان به خاطر سعادت وطن و آینده پر فروغ آن نیز وجود داشته و بارها این سنت پرافتخار پیروز شده است. حکم تاریخ است که این سنت پر بها امروز در مرحله نوین انقلاب ثور به طور قطعی پیروز گردد.

ما باید ضمن ایجاد و تحکیم اتحاد ملی و وطنپرستانه ازین عامل مساعد و سنت شریفانه کاملاً استفاده نموده بران اتکاء نماییم.

سوم - اگر در گذشته‌ها جریان اتحاد وطنپرستان افغانستان راه خود را علی‌الرغم مخالفت و سیاست محافل حاکمه می‌گشود و با مقاومت این محافل مواجه می‌شد، اما اکنون همه چیز به طور قاطع و برگشت‌ناپذیر در جهت مساعدت با این جریان تغییر یافته است، زیرا سیاست حزب موکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی ما شرایط لازم و ضروری را ایجاد می‌نماید تا چنین اتحادی در عمل تحقق پذیرد و به

نیروی فعال حرکت ما به پیش مبدل گردد. اجازه بدهید پیرامون این مطلب با تفصیل بیشتر صحبت نمایم

کار ایجادگر حزب و توده‌های وسیع مردم در مدت هفده ماهی که از پیروزی مرحله نوین انقلاب ثور میگذرد نتایج بینظیری را در جهات عمده تحولات ملی و دموکراتیک به بار آورده است.

این امر اجازه داد تا اوضاع عمومی در کشور عادی و با ثبات گردد و نخستین تدابیر محسوسی در جهت بهبود وضع طبقه کارگر و تحکیم و تقویت سیستم تأمین مردم از لحاظ مواد خوراکی، مواد سوخت و کالاهای مورد نیاز اولیه اتخاذ گردد.

حکومت انقلابی به مثابه ارگان بیانگر منافع طبقه کارگر، دهقانان، تمام زحمتکشان و تمام وطنپرستان افغانستان، بالای تحقق پروگرام وسیع تدابیر و اقدامات در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت تأمین هرچه بیشتر ترقی مادی و معنوی کشور ما و بهبود زندگی و معیشت هر خانواده زحمتکش و تمام مردم نجیب ما با شدت و حرارت کار می‌نماید.

درین ضمن ایجاد فضای قانونیت، احترام به حقوق و آزادی‌های اتباع بر اساس رعایت قوانین عادلانه دولت ما و احترام به دین مقدس اسلام در ضمن تأمین شرایط لازم برای مؤمنان جهت اجرای مناسک مذهبی اهمیت خاصی را دارا می‌باشد.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوانین و فرمان‌های شورای انقلابی که بر اساس آن تصویب شده است، حقوق، شرف و کرامت همه فرزندان مردم قهرمان ما را احیا و تضمین نموده و دموکراتیزه ساختن تدریجی و پیگیر همه جهات زندگی دولت و جامعه، تأمین این دموکراتیزه ساختن را در عمل پیش‌بینی می‌نماید. نتیجه کار انجام شده را استقرار مناسبات نوین، احترام، اعتماد، همکاری و برادری میان تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان در فعالیت مشترک و شریفانه شان به خاطر وطن محبوب تشکیل می‌دهد. وطنپرستان افغانستان در عمل به حقانیت و درستی سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی معتقد گشته و به این سیاست به مثابه تجلی و بیان آرمان‌ها و آرزوهای خود و یگانه امکان واقعی اعمار جامعه عدالت اجتماعی و ترقی همه جانبه در سر زمین باستانی ما می‌نگرند.

واضح است که مساعی زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم در جهت ایجاد جامعه نوین و شگوفان افغانستان باید سازمان یافته، منظم و توحید گردد، در صف مشترک به سوی هدف واحد. این است یکی از مهمترین شرایط حصول آن. این است یکی از مهمترین مسائل لحظه جاری.

وطنپرستان افغانستان وظایف خود را در اوضاع و احوال موجود به روشنی می‌بینند و به خوبی درک می‌نمایند. آنان هرچه فشرده تر به دور حزب دموکراتیک خلق

افغانستان این پیشاهنگ شناخته شده طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان، نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه و دولت ما، متحد و یکپارچه می‌گردند. آنان به طور دایمی سطح آگاهی خود، سازماندهی و دسیلین را بلند می‌برند. در ظرف اندک زمانی کنگره‌ها و کنفرانس‌های اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌ها و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اتحادیه‌های نویسندگان، ژورنالیستان و هنرمندان تشکیل گردید و موفقاته پایان یافت در جریان این گردهمایی‌های وسیع و توده‌یی وفاداری و وطنپرستان افغانستان به امر ترقی ملی و اجتماعی، پشتیبانی کامل آنان از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی به روشنی و صراحت کامل متبارز گشت.

جرگه‌های قبایل افغانستان مظهر قانع کننده بی از وحدت نیروهای ملی و وطنپرست کشور بوده درین جرگه‌های پر اعتبار، سران، رهبران و افراد قبایل که در تاریخ کشور نقش مهم و پرافتخار داشته اند، تفاهم کامل خود را نسبت به سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی، نسبت به مساعی که به منظور تحکیم و توسعه تحولات در جهت تأمین ترقی همه جانبه وطن صورت می‌گیرد، با صراحت و روشنی بیان داشتند. شکی نیست که اقوام و قبایل افغانستان مقام شایسته و سزاوار خود را در اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست احراز خواهند کرد.

انقلاب عمیقاً ملی و دموکراتیک ثور مظهر پرتوانی از اراده مسلمانان زحمتکش افغانستان برای استقرار عدالت واقعی اجتماعی است. علمای دینی، ملایان، و روحانیون نجیب و وطنپرست از طریق شورای عالی علماء و روحانیون افغانستان سهم شایسته خود را در امر مشترک اعمار افغانستان نوین و شگوفان و اتحاد مسلمانان و وطنپرست که اکثریت قاطع مردم ما را می‌سازند، ادا می‌نمایند.

همکاری سودمند، ثمربخش و سازنده به نفع ترقی کشور بین ارگان‌های حکومتی و صاحبان وطنپرست صنایع ملی در چارچوب شورای مشورتی اقتصادی مربوطه و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، موفقاته رشد می‌یابد.

در کشور فعال شدن عمومی حیات اجتماعی سیاسی بر مبنای قانونیت، اعتماد و همکاری مطمئن بین وطنپرستان، نیروهای اجتماعی ملی و مذهبی عملاً به مشاهده میرسد. همین نیروها هستند که اکثریت قاطع مردم افغانستان را می‌سازند و به طور قاطع در راه آینده، راه عدالت اجتماعی و ترقی همه جانبه قرار گرفته اند.

بر همین پایه است که در برابر دیده گان ما وحدت وسیع مردم، اتحاد واقعی و همکاری مؤثر این نیروها به وجود می‌آید. به این ترتیب آرمان تاریخی بهترین فرزندان مردم درباره اتحاد عمیق و صمیمانه تمام وطنپرستان کشور جامه عمل میبوشد.

اکنون مسئله تشکیل سازمانی این اتحاد مطرح است زیرا تمام اجزای اساسی متشکله آن یعنی سازمان‌های اجتماعی توده‌یی به وجود آمده است.

اجازه دهید، در رابطه با این موضوع فهرست مؤسسين دسته‌جمعی جبهه را که ارگان‌های رهبری آنها به نمایندگی از توده‌های عضو سازمان‌های خود به کمیسیون عالی تدارک‌کنگره مؤسس جبهه ملی بدروطن درخواست تحریری مبنی بر آماده‌گی عضویت در جبهه و همکاری همه جانبه جهت رشد و تحکیم آن تقدیم داشته اند، اعلام بدارم.

اعضای دسته‌جمعی مؤسس جبهه ملی بدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارتند از:

- حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
 - اتحادیه‌های صنفی افغانستان.
 - اتحادیه‌های کوپراتیوی افغانستان.
 - سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان.
 - سازمان دموکراتیک زنان افغانستان.
 - اتحادیه نویسندگان افغانستان.
 - اتحادیه ژورنالیستان افغانستان.
 - اتحادیه هنرمندان افغانستان.
 - سازمان صلح، همبستگی و دوستی افغانستان.
 - شورای مشورتی اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان.
 - شورای علما و روحانیون افغانستان.
 - جرگه نمایندگان قبایل.
- اجازه دهید از طرف کمیسیون عالی تدارک و از جانب شما نمایندگان محترم به همه اعضای مؤسس جبهه ملی بدروطن ابراز امتنان عمیق نموده اظهار یقین نمایم که ابتکار نجیبانه آنها در فعالیت عملی مستقیم شان در چارچوب کنگره، تجلی شایسته و رشد لازم خواهد یافت.

به این ترتیب وظیفه ایجاد اتحاد وسیع و وطنپرستان افغانستان در عمل ناشی از مجموع شرایط نوین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. تنها واقعیت تدویر کنگره مؤسس جبهه ملی بدروطن در مرحله نوین انقلاب ملی و دموکراتیک ثور امکانات عظیم و مساعد و دورنمای حصول چنین وحدتی را به خوبی و به روشنی متجلی می‌سازد.

اکنون باید به تحقق این امکانات پرداخت. جبهه ملی بدروطن را بر مبنای درک روشن و صریح از اهداف و وظایف آن ایجاد می‌کنیم.

نمایندگان محترم! اکنون به آخرین مسئله یعنی اینکه اهمیت سیاسی ایجاد جبهه ملی

پدروطن در چیست؟ می‌پردازیم.

اگر آنچه را که گفتیم جمع‌بندی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که ایجاد جبهه ملی پدروطن تنها یک ازدیاد ساده تعداد سازمان‌های اجتماعی - سیاسی که قبلاً تشکیل و فعال شده اند، نیست، گرچه این سازمان بزرگترین آنها خواهد بود. اهمیت اصولی تشکیل جبهه ملی پدروطن جمهوری مومکراتیک افغانستان بسیار بزرگ است.

پیش از همه باید گفت که این حادثه شاهد جدید وقایع‌کننده بی از عادی شدن عمومی اوضاع در کشور ما، استحکام دولت انقلابی ما، اعتماد و احترام توده‌های وسیع و در واقعیت امر تمام مردم نجیب و آزاده ما به آن می‌باشد.

دوم اینکه: تشکیل جبهه تجلی و بیان نیرومند وحدت استحکام یابنده و رشدیابنده نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان بر مبنای اصول انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مساعی وطنپرستان و مبارزان راه اعمار افغانستان سعادت‌مند و شگوفان می‌باشد.

سوم اینکه: تشکیل جبهه به معنی گام جدی در امر یکپارچگی و برادری وسیع‌ترین نیروهای اجتماعی و ملی افغانستان بر مبنای دموکراتیک و بر پایه احترام و تحکیم حقوق و آزادی‌های اجتماعی آنان است.

با این اقدام امکانات هر وطنپرست افغانستان برای گرفتن سهم شایسته در امر شگوفانی وطن توسعه یافته و با فعالیت در چارچوب سازمان وسیع توده‌یی و دموکراتیک جبهه ملی پدروطن این سهم افزایش خواهد یافت.

چهارم اینکه: تشکیل جبهه با روشنی و وضاحت نشان می‌دهد که انقلاب پرافتخار ثور درین مرحله قادر است مسایل اجتماعی بزرگ و پیچیده را حل نماید و اشکال کاملاً نوین اتحاد تمام نیروهای ملی و وطنپرست را به وجود آورد.

ما وطنپرستان افغانستان با حل این مسایل، خود را برای انجام وظایف آینده در رابطه با حصول هدف عمده ما، یعنی اعمار جامعه عدالت اجتماعی، ترقی و شگوفانی در افغانستان آماده می‌سازیم.

نمایندگان محترم!

ما با ایجاد جبهه ملی پدروطن در افغانستان گام فوق‌العاده مهم را در امر اتحاد و یکپارچگی ملی و اجتماعی کشور برداشته ایم.

اما این یکی از نخستین گام‌های آغاز بزرگ تاریخی درین جهت است. البته تشکیل سازمانی و ساختمان عملی جبهه بسیار مهم است. لیکن تأمین مؤثریت فعالیت آن یعنی تبدیل جبهه به جزء متشکله و ضروری سیستم اجتماعی و سیاسی کشور نیز

اهمیت کمتر ندارد.

جبهه باید به آنچه ضرور است یعنی اتحاد مؤثر وطنپرستان کشور به خاطر سعادت و ترقی وطن مبدل گردد. به این ترتیب ما با ایجاد جبهه، تعیین اهداف، وظایف و ساختار آن، همه با هم باید متوجه باشیم تا کار جبهه از محتوای واقعی و لازم برخوردار باشد. جبهه که مطابق به خواست زندهگی تشکیل گردیده است باید وسیله اصولی و مؤثر تغییر و تحول این زندهگی به طرف بهبود و پیروزی باشد.

زنده باد وحدت نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان!

زنده باد جبهه ملی بدروطن!

ما پیروز می‌شویم!

روابط برادرانه بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا به نفع صلح در جهان و تحکیم مواضع جنبش جهانی کارگری می‌باشد

رفیق محترم گوستاف هوساک، رفقای عزیز!

اجازه بدهید مراتب امتنان عمیق و صادقانه قلبی خود را به مناسبت پذیرایی گرم و صمیمانه‌یی که از ما در کشور زیبا و پرافتخار شما به عمل آمد و به خاطر کلمات گرم و رفیقانه‌یی که به استقبال از ما بیان شد، به شما رفیق محترم گوستاف هوساک، شما رفقای عزیز حاضر درین ضیافت و همه کمونیست‌ها و مردم رحمتکش و با شهامت چکوسلوواکیا تقدیم بدارم من خصوصاً از اقامت خود درین سرزمین مسرورم که قبلاً نیز درینجا بوده‌ام و موقع آنرا یافتم تا با خلق شما و کشور تان از نزدیک تجدید دیدار کنم.

ما به این دعوت حزب کمونیست و دولت چکوسلوواکیا به مثابه مظهر عالی و درخشان دوستی بزرگ که خلق‌ها، احزاب و دولت‌های ما را به هم پیوند می‌دهد ارج می‌گذاریم ما یقین داریم که بازدید هیات افغانی از کشور برادر چکوسلوواکیا گام مهمی است در راه تحکیم بازهم بیشتر رشته‌های نیرومند دوستی و برادری بین خلق‌های هر دو کشور. دوستی بزرگ موجود بین کشور‌های ما یک حادثه جدید نبوده، بلکه به مثابه یک عنعنه ریشه دار در تاریخ معاصر کشور ما روابط دوستانه بین کشور‌های ما وجود داشته است. لیکن بعد از پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین تکاملی آن این دوستی در سطح کیفی نوینی قرار گرفت.

کمک‌های برادرانه و سیاست انترناسیونالیستی چکوسلوواکیای سوسیالیستی در قبال مردم افغانستان سنگپایه نیرومند این دوستی را در همه حال و هر نوع شرایطی تشکیل داده است.

ما از رکود و عقب‌ماندگی به سوی تحولات اساسی انقلابی به پیش می‌رویم. درین پیکار عظیم و همه جانبه، کشور پرافتخار شما در کار ساختمان پایه‌های مادی و فنی جامعه نوین وسیع با روحیه عمیق انترناسیونالیستی، مردم ما را یاری می‌رساند. کمک‌های برادرانه چکوسلوواکیای سوسیالیستی همچنان و بخصوص کمک‌های عظیم و نجات‌بخش اتحاد شوروی بزرگ و دیگر کشور‌های برادر، نه تنها در رفع مشکلات میرم کنونی، ما را کمک می‌کند، بلکه پایه‌های مطمئن رشد عمومی کشور

ما را تحکیم و تکمیل می‌نماید. همه این کمک‌های برادرانه جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا باعث امتنان عمیق مردم ما نسبت به خلق برادر چکوسلواکیا می‌گردد.
رفقا!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور که نتیجه قانونمند و طبیعی مبارزات طولانی و خستگی‌ناپذیر مردم ما و پاسخ طبیعی به ضروریات تکامل جامعه ما می‌باشد، با الهام از مبارزات عنعنوی آزادی خواهانه مردم ما، در نتیجه اراده راسخ و پشتیبانی بی‌دریغ توده‌های وسیع مردم و مساعدت تناسب نیروها در سطح جهانی به نفع صلح، ترقی و سوسیالیزم، به همت افسران و سربازان دلیر اردوی افغانستان تحت رهبری مستقیم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید. مردم ما این پیروزی بزرگ را سرآغاز تحقق آرمان‌های شریفانه خویش در جهت تأمین عدالت اجتماعی، رفاه همگانی، ترقی کشور و تعمیل دموکراسی به نفع توده‌های عذاب‌دیده مردم و یک فکتور عمده تحکیم صلح و آرامش در منطقه و جهان می‌دانستند به همین جهت موج عظیمی از پشتیبانی و حمایت از انقلاب، سراسر جامعه درد کشیده و ستمدیده ما را فراگرفت. در نتیجه پیروزی انقلاب، قدرت برای اولین بار در تاریخ کهنسال کشور به زحمتکشان و به نمایندگی از آنها به حزب دموکراتیک خلق افغانستان این پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تعلق گرفت.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور با جهت‌گیری قاطع به نفع زحمتکشان کشور وظایف پرافتخار حفظ استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، انجام نگرگونی‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی، تحقق آرمان‌های دموکراتیک توده‌های مردم و تعمیل دموکراسی به نفع توده‌ها را با در نظر داشت و مراعات جدی عنعنات، رسوم و سنن پسندیده ملی تمام ملیت‌ها، اقوام، قبایل و گروه‌های ملی ساکن کشور کثیرالمله ما به عهده دارد.

انقلاب ملی و دموکراتیک کشور ما بخصوص پس از مرحله نوین تکاملی خویش با دستاوردهای عظیمی که در پی دارد مردم ما را از عقب‌مانده‌گی کنونی نجات داده و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان راه پیشرفت ملی اجتماعی کشور ما را از طریق تطبیق میتودهای سالم و اصولی و انجام ریفورم‌های دموکراتیک با در نظر داشت مرحله کنونی رشد جامعه ما با درک منطقی و با قدم‌های مناسب بدون عجله بدون کوتاهی از انجام وظایف، می‌گشاید. انقلاب ما از رژیم‌های گذشته، عقب‌مانده‌گی‌های فراوانی را به میراث برده است. ما نخواهیم توانست همه این مشکلات را در مرحله کنونی حل نماییم. هدف ما آنست تا پروبلم‌های موجود را بررسی نموده، تشخیص بدهیم و با حل بخشی از آنها بنای حل مجموع این پروبلم‌ها را پی ریزی نماییم.

وظایفی که امروز در برابر حزب و دولت انقلابی ما قرار دارد بی‌نهایت سنگین، بغرنج و پرمسئولیت می‌باشد. ما مصمم هستیم وظایف انقلابی خود را تا سرحد

پیروزی نهایی به پیش ببریم. افغانستان انقلابی در سطح جهانی در یک جنبه وسیع و همبستگی انقلابی و ضدامپریالیستی، همه وظایف خویش را ادا خواهد نمود.

ما در همه عرصه‌های حیات اجتماعی و زندگی حزبی خویش در جهت پایان بخشیدن به عملکرد شیوه‌های بیروکراتیک، استبدادی و غیراصولی تلاش‌های بزرگ به کار برده ایم و در جهت تجدید ساختمان سازمان‌های حزبی و تجدید حیات حزبی به پیروزی‌های معینی دست یافته ایم. ما عمیقاً معتقد هستیم که پیروزی انقلاب تنها و تنها تحت رهبری دقیق یک حزب نیرومند و واحد اصولی امکان پذیر است. ما بعد از گذشتادن شش پلینوم با اهمیت کمیته مرکزی چنین حزب واحد نیرومند را ایجاد نموده ایم، حزب ما هرروز با سرعتی فزاینده فعالیت‌های خود را در جهت تطابق کامل با نورم‌های اصول زرین تشکیلاتی طراز نوین عیار می‌سازد و وظایف خود را به مثابه رهبر واقعی جامعه انجام می‌دهد.

عمده‌ترین وظیفه کنونی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارتست از استفاده از همه امکانات به خاطر تأمین امنیت در کشور. دشمنان ما زندگی عادی مردم ما را بر هم می‌زنند تا به زعم خود عدم قابلیت حزب ما را در امر اداره امور نشان بدهند. دشمنان ما در تلاش هستند تا با ایجاد بی‌نظمی‌های وحشیانه، فضای عدم اعتماد، ناآرامی و اخلال را در جریان مرادات روزمره مردم به وجود بیاورند. ولی ما به اتکای اراده مردم خود و نیروی عظیم حزب خود به شکست نهایی ضدانقلاب ایمان داریم. این ایمان ناشی از قانونمندی جریان تحول پروسه انقلابی، واقعات جامعه ما، نادرستی راه ضدانقلاب و حقانیت راه ماست. برخورد ما در قبال کسانی که متأسفانه امروز فریب دشمنان وطن و انقلاب ما را خورده اند، با نرمش و انعطاف است و در برابر دشمنان سوگند خورده انقلاب قاطع و برگشت‌ناپذیر و مردم ما حتی بخش‌های فریب خورده آن بیشتر از پیش متقاعد می‌گردند که هدف عمده و نهایی حزب ما عبارتست از بهبود وضع زندگی زحمتکشان، رهایی از چنگال مناسبات غیر عادلانه و فرتوت فیودالی و مافیل فیودالی و ایجاد جامعه آزاد، آباد، مترقی و شگوفان، جامعه‌یی که در آن انسان‌های آزاد، صحتمند، آگاه، متعهد و شرافتمند زندگی خواهند کرد.

بعد از پیروزی مرحله نوین انقلاب ما، انقلاب در مسیر اصولی تکامل خویش قرار گرفت و از نظر ستراتیژی و تاکتیک اسناد مهمی از قبیل اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تزه‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت دومین سالگرد انقلاب شور نافذ گردید که اهداف نزدیک و دورنماهای تکامل جامعه ما را انعکاس می‌دهد. راه‌های پیروزی انقلاب ما را گشوده اشتباهات گذشته را تصحیح می‌نماید.

ما در جهت احیای مجدد فضای آرامش زندگی عادی مردم خود به نحو مثبت گام

برداشته و برمی‌داریم، ما در راه تأمین عدالت اجتماعی مبنی بر قانون و قانونیت به اقدامات لازم متوسل شده ایم. تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه قانون اساسی مؤقت کشور ما رکن مهمی را در امر پروسه ایجاد پایه‌های حقوقی و قانونیت دموکراتیک در کشور ما تشکیل می‌دهد. درین سند پراعتبار ملی اصل مساوات در حقوق، ایجاد زمینه‌های لازم جهت انجام وظایف، آزادی‌های دموکراتیک برای همه ملیت‌ها، اقوام، قباایل و گروه‌های ملی ساکن کشور ما، تضمین شده است.

رفقای عزیز!

درین مرحله از تکامل جامعه ما تحت درفش انقلاب ملی و دموکراتیک طیف وسیعی از اقشار و طبقات جامعه ما از ثمرات انقلاب مستفید گردیده اند. چنانچه افزایش در دستمزدهای کارگران، اجیران و ماموران پایین رتبه، تدابیر مشخص جهت کمک به دهقانان از قبیل بالا بردن قیمت مواد تولیدی عمده آنان، به راه انداختن بیکار وسیع علیه بی‌سوادی، کوشش در جهت تأمین امکانات وسیع به خاطر دسترسی مردم به ارزش‌های فرهنگی و تأمین خدمات صحی به بیمانه وسیع و غیره مؤید این امر است.

رفقا!

انقلاب ما در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد و کشور ما يك کشور نئیبیک زراعتی می‌باشد. بنابراین ما توجه عمیق و همه جانبه به دهقانان و مسئله ارضی معطوف می‌داریم. علی‌الرغم اینکه مرحله اول اصلاحات ارضی در شرایط مغشوشی عملی گردید. صاحب زمین شدن ۲۹۶ هزار خانوار دهقانی و در مجموع یازده ملیون دهقان را در پی داشت. ما در مرحله کنونی با اصلاح اشتباهات سنگین گذشته و تکمیل پروگرام اصلاحات ارضی با دقت و احتیاط فراوان ولی بدون از دست دادن فرصت، حرکت می‌کنیم. اگر ما تا کنون نتوانسته ایم در زمینه حل همه مشکلات مبرم مردم خود به طور کامل به موفقیت برسیم، در درجه اول ناشی از جنگ اعلان نشده امپریالیستی بر علیه کشور ما می‌باشد این جنگ اعلان نشده دارای ابعاد و جوانب وسیعی بوده و زندگی عادی مردم ما را برهم زده است. دشمنان افغانستان انقلابی در تلاش هستند تا با تطبیق نقشه‌های شوم حیوانی خویش مانع تطبیق پلان‌های انکشافی و رشد جامعه ما گردند. ولی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با به دست گرفتن ابتکار عمل به بسیج وسیع نیروهای حزب و مردم در جهت نابودی ضدانقلاب و تأمین شرایط لازم جهت رشد آتیه کشور پرداخت.

ما در جهت احیای مجدد حیات اجتماعی و ایجاد سازمان‌های متناسب در همه سطوح جامعه به ابتکارات مقتضی دست زده ایم. هم اکنون سازمان‌های اجتماعی نیرومندی در کشور ما بر علاوه انجام وظایف معمول، صفوف نیرومندی را در جهت دفاع از

انقلاب و دستاوردهای انقلابی تشکیل می‌دهند، سازمان‌های دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه‌های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان، اتحادیه کوپراتیف‌های زراعتی، اتحادیه‌های هنرمندان، شعرا و نویسندگان و ژورنالیست‌ها و غیره توده‌های وسیعی از مردم ما را در صفوف خود متحد ساخته اند.

رفقا!

ما به حل پرابلم‌های حاد و مبرم کنونی از قبیل انجام اصلاحات ارضی، حل مسئله ملی، دموکراتیزه ساختن وسیع زندگی اجتماعی و تأمین وحدت عمل نیروهای ملی و وطنپرست کشور، در ارتباط بهم و با در نظر داشت این امر که حل یکی به حل دیگری یاری می‌رساند، می‌پردازیم.

در زمینه همه مسایل مبرم کنونی، ما در حدود امکانات به ابتکارات و اقدامات لازم دست زده ایم. ما همواره معتقد بوده ایم که بدون سهم‌گیری توده‌های مردم در امر تعیین سرنوشت جامعه، تطبیق پروگرام‌های انکشافی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. ما در جهت اعتلای درجه سهم‌گیری نمایندگان تمام طبقات، اقشار، گروه‌ها، محافل و نیروهای مردمی از هیچ‌گونه کوششی دریغ نورزیده ایم. ما بعد از زحمات فراوان شباروزی و ایجاد زمینه‌های لازم بالاخره توانستیم جبهه ملی پدروطن را به مثابه مرکز تجمع تمام نیروهای ملی و وطنپرست و شخصیت‌های با وجهه اجتماعی در جامعه و منهد در برابر مردم خود، ایجاد نماییم.

در کشور ما از گذشته‌های دور به اینسو عنعنه جرگه‌ها وجود داشته است. ما به این شیوه عنعنوی حل مسایل مبرم اهمیت زیادی قایل هستیم و استفاده معقول از آنها را یکی از مراحل نوین شکل سازماندهی توده‌ها می‌دانیم. این جبهه یکی از عالیترین مظاهر تعمیل دموکراسی به نفع توده‌ها و سهم‌گیری آنان در امور اداره دولت و جامعه می‌باشد. تأسیس جبهه ملی پدروطن با در نظر داشت سنن پسندیده ملی و تاریخی کشور ما به معنای آن است که مردم ما در وحدت گسست ناپذیر به خاطر ترقی، شگوفانی و خوشبختی وطن خود وارد مرحله نوینی از کار و بیکار پرثمر می‌گردند. تشکیل این جبهه نشان‌دهنده این امر است که استقرار نظام نوین انقلابی از پشتیبانی توده‌های وسیع مردم برخوردار بوده از منافع آنها نمایندگی و دفاع می‌نماید.

ما تشکیل این جبهه را گام مهمی در راه تحکیم پایه‌های عدالت اجتماعی و تأمین امکانات بیشتر و سریعتر در جهت اعتلا، شگوفانی و خوشبختی مردم خود می‌دانیم. این حادثه مهم حیات سیاسی و اجتماعی کشور ما، امکانات و شرایط جدیدی را جهت همکاری‌های صادقانه، همه جانبه و مؤثر تمام وطنپرستان در تفاهم متقابل به خاطر ترقی کشور تأمین صلح در منطقه به وجود می‌آورد و تمام تلاش‌های حیل‌گرانه دشمنان وطن و انقلاب ما را بیشتر از پیش به ناکامی مواجه می‌سازد. مؤجر اینکه

تشکیل جبهه ملی پدروطن به مثابه نیروی محرکه با اهمیتی به توسعه و تشدید فعالیت‌های همه جانبه مردم ما نه تنها در مقیاس کشور ما به خاطر حل پرابلم‌های موجود، بلکه در سطح منطقه و جهان، بخصوص در جهت تأمین صلح پایدار، پایان بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی، لگام زدن به محافل جنگ طلب و توسعه و تحکیم دیتانت کمک می‌کند.

تشکیل جبهه ملی پدروطن مبارزه نشوار ما را در برابر جنگ اعلان نشده ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم نیروی بیشتر می‌بخشد.

به همگان می‌رهن است که کشور ما در معرض چنین جنگ غیر عادلانه قرار دارد. اعزام مزدوران اجیر آتمکش حرفوی خارجی و باندهای ضدانقلابی مسلح به کشور ما به منظور ترور افراد بیگناه، به آتش کشیدن مکاتب، شفاخانه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه و تخریب پل‌ها، سرک‌ها و غیره و برهم زدن فضای آرامش اجتماعی جهت جلوگیری از جمع توده‌ها و مردم به دور دولت انقلابی و کوشش در جهت بازگرداندن نظم منسوخ اجتماعی و اهداف عمده این جنگ بی‌رحمانه را که باهمه موازین و حقوق بین‌المللی مغایرت دارد، تشکیل می‌دهد. از پیروزی نظامی درین جنگ که بگنیم به صراحت باید گفت: که پیروزی نهایی با ماست. این پیروزی بر پایه تجرید کامل ضدانقلاب و توسعه حمایت توده‌ها از رژیم ما بی‌نیاز از اثبات است. تشکیل جبهه ملی پدروطن نشان می‌دهد که ما حمایت وسیع مردم را با خود داریم. علی‌الزعم پیروزی‌های فراوانی که فرا راه ما قرار دارد، باید گفت که دشمنان ما در ضدیت با انقلاب ملی و دموکراتیک کشور ما میکوشند فعالیت‌های ضدانقلابی خود را انسجام دهند. این امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی است که در برابر ما صف می‌بندد. بنابراین ما باید مساعی خود را در جهت جلب بیشتر و اصولی حمایت دوستان بین‌المللی یعنی نیروهای مترقی و انقلابی از افغانستان سوق دهیم.

مردم افغانستان درین مبارزه مقدس تنها نوده و همه کشورهای صلح‌دوست جهان و همه نیروهای مترقی و انقلابی عصر ما، جامعه کشورهای سوسیالیستی، چک و سلواکیای برادر و وطن کبیر لنین اتحاد شوروی و این دوست صدیق ملی و تاریخی ما، در کنار افغانستان انقلابی قرار دارند. ما می‌رزمیم تا صلح و امنیت پایدار در کشور و منطقه ما تأمین گردد. سیاست خارجی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبتنی بر اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، حسن همجواری، مبارزه در راه پایان بخشیدن به مسابقات تسلیحاتی و به پیروزی رسانیدن دیتانت می‌باشد. ما از پیشنهاد‌های مشخص عملی و صادقانه دولت اتحاد جماهیر شوروی که توسط رفیق لیونید ایلچ بریژنف شخصیت برجسته انقلابی معاصر و شامپوون صلح، به منظور کاهش مسابقه تسلیحاتی ذرووی، تحکیم دیتانت و امنیت بین‌المللی و صلح جهانی مطرح شده است، پشتیبانی نموده تطبیق آنها را گام‌های اساسی در جهت تخفیف تشنجات بین‌المللی تأمین فضای صلح‌آمیز در جهان

می‌دانیم. دولت انقلابی افغانستان در زمینه حل اوضاع پیرامون افغانستان که در نتیجه مداخلات و تجاوزات ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم در امور داخلی کشور ما به وجود آمده است، به ابتکارات لازم و مشخص دست زده است که از آن جمله می‌توان از اعلامیه مؤرخ ۱۴ ماه می ۱۹۸۰ و تأکید مجدد آن در اعلامیه ۱۳ می ۱۹۸۱ دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نام برد. ما پیشنهادهای مشخص و واقعینانه‌یی را جلو گذاشته ایم که هدف از آن حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همجوار یعنی پاکستان و ایران بر اساس احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر، مساوات و منافع متقابل می‌باشد. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد کرد تا تمام مسایل مربوط به حل سیاسی از طریق مذاکرات مستقیم مطرح گردد، ما حتی موافقه کردیم تا از مساعی جمیله سرمتشی سازمان ملل متحد استفاده نماییم.

مع‌الأسف حلقه‌های حاکمه پاکستان در حالی که در برابر ضرورت یک حل سیاسی سکوت اختیار کردند، نه تنها از دادن جواب مثبت به ابتکارات ما خودداری ورزیدند، بلکه کاملاً راه دیگری را در پیش گرفتند: راه تسلیح پاکستان از بنجه یا تا دندان به آنها داخل يك معامله وسیع تسلیحات با ایالات متحده امریکا شدند که هدف از آن پیشبرد نقشه‌های تجاوزکارانه علیه افغانستان است.

ولی ما حکمرانان پاکستانی را از ضرب‌المثلی یادآور می‌شویم که می‌گوید: «آنچه می‌کاری درو خواهی کرد». این نکته را باید بدانند که تمام نقشه‌های آنها که برای تخریب انقلاب افغانستان در همدستی با ضد انقلابیون کشیده اند، محکوم به شکست است.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان یک بار دیگر از حلقه‌های حاکمه پاکستان می‌خواهد تا از جهت گیری ماجراجویانه ضدافغانی دست بردارند و مداخلات خود را در امور داخلی افغانستان قطع نموده برای حل صلح‌آمیز و سازنده معضلات منطقه به میز مذاکره بیایند.

افغانستان يك عضو فعال جنبش عدم انسلاک بوده و همراه با سایر اعضای مترقی این جنبش، مبارزات مستدام خود را فعالانه علیه پالیسی‌های امپریالیستی که مبتنی بر دکتاد می‌باشد به خاطر محو کامل همه بقایای کلونیالیزم، نیوکولونیالیزم و نژادپرستی ادامه خواهد داد.

رفقا!

خو شو قتیتم از اینکه روابط برادرانه بین کشورهای ما در سطح عالی قرار داشته و به نفع صلح در جهان و تحکیم مواضع جنبش جهانی کارگری به طور روز افزون رشد می‌نماید. ما حمایت انترناسیونالیستی را که توسط شما رفیق گوستاف هوساک،

در شانزدهمین کنگرس حزب کمونیست چکوسلوواکیا تاکید گردید، به نظر امتنان مینگریم و به نوبه خود برای مردم چکوسلوواکیا همه پیروزی‌ها را در تطبیق پروگرام انکشاف اجتماعی و اقتصادی مصوبه این کنگرس آرزو می‌کنیم.

روابط موجود میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا با معیارهای دقیق روابط انترناسیونالیستی احزاب برادر تطابق داشته مسیر تکامل خود را به نحو مطلوب می‌پیماید.

ما یک بار دیگر مراتب سیاس عمیق و امتنان بیکران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت و مردم افغانستان را از کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلوواکیا که شما رفیق گرامی، گوستاف هوساک شخصیت شناخته شده جنبش جهانی کارگری در رأس آن قرار دارید، حکومت چکوسلوواکیا و مردم زحمتکش، با شهامت و دلیر چکوسلوواکیا که درین روزگار دشوار مردم ما را با کمک‌های برادرانه و بی‌شایبه خود یاری می‌رسانند، ابراز می‌داریم.

بگذار دوستی بزرگ و برادرانه موجود بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا به نفع مردمان هر دو کشور، صلح، ترقی و عدالت اجتماعی بیشتر وسعت و رشد یابد.

اجازه دهید جام خود را به صحت منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلوواکیا، رئیس جمهوریت سوسیالیستی چکوسلوواکیا رفیق گوستاف هوساک، به صحت رفقای چکوسلواکی، به خاطر دوستی برادرانه و بزرگ افغان چکوسلوواکیا، به خاطر جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا، به خاطر همبستگی انترناسیونالیستی همه نیروهای انقلابی جهان و به خاطر استقرار صلح جاودان در سیاره ما، بلند کنیم.

ما به دوستی بزرگ که با خلق چکوسلواکیا داریم، ارج فراوان قایلیم

رفقا و دوستان گرامی!

اجازه بدهید، اولتر از همه به مثابه حامل بهترین پیام‌ها و نیات نیک رفیقانه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان مردم افغانستان انقلابی بهترین دروهای گرم و پرشور برادرانه را نثار شما نمایم و مراتب امتنان عمیق خود را به خاطر پذیرایی گرم و دوستانه‌یی که از هیأت افغانی در سرزمین زیبا، باستانی و پرافتخار سلواک‌های قهرمان به عمل آمد به شما و از طریق شما به همه مردم دلیر و مهمان‌نواز سلواک تقدیم بدارم. بخصوص در این لحظات، روزهای دشواری را به یاد می‌آورم که در سرزمین زیبای شما به حالت تبعید به سر می‌بردم و یک لحظه هم از مهمان‌نوازی، محبت و صمیمیت رفیقانه شما و دوستان شخصی عزیز سلواکی خود بی‌نصیب نبودم. همواره بهترین احساسات سیاست‌گذاری را نسبت به حزب کمونیست سلواکی و شما سلواک‌های قهرمان به مثابه جزء لاینفک چکوسلواکیای شگوفان سوسیالیستی و دوست پرافتخار افغانستان انقلابی در اعماق قلب خود حفظ خواهم نمود.

اعضای هیأت حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان که بنابر دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا و حکومت جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به کشور پرافتخار شما سفر می‌نمایند، در هر قدم با موجی از احساسات گرم مهمان‌نوازی و صمیمیت انقلابی مواجه می‌باشند که خاطرات گرم پرشور این مسافرت را همواره در قلب خود حفظ خواهند نمود.

ما به دوستی بزرگ که میان کشورهای ما، در همه ساحات زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود داشته و بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور ما به مرحله کیفی نوینی ارتقا یافته است، ارج بی‌پایان قایل هستیم. این دوستی بزرگ بعد از پیروزی مرحله نوین تکاملی انقلاب ما و پایان بخشیدن به دوران انحراف ننگین در مسیر پرورسه انقلابی در کشور ما، به دوستی برادرانه و طراز عالی مبدل گردیده است. دوستی افغانستان و چکوسلواکیا برپایه‌های مستحکم اصول انترناسیونالیستی و همکاری‌های همه‌جانبه اقتصادی، فنی و فرهنگی استوار بوده به صورت مستدام توسعه و تحکیم می‌یابد.

مردم کشور ما به اعتقاد نیرومند و خدشه‌ناپذیر به این دوستی بزرگ و با علاقه مندی فراوان از پیشرفت‌های کشور چکوسلواکیای برادر خشنود میشوند.

مردم افغانستان با غرور و سربلندی تمام در افتخارات عظیم بین‌المللی کشور شما خود را به مثابه برادر و دوست جدایی‌ناپذیر کشور شما شریک می‌دانند.

مردم افغانستان به گذشته قهرمانانه مردم سلواک افتخار می‌نمایند. قیام قهرمانانه ضدفاشیستی سال ۱۹۴۴ سلواک‌ها با شرکت رفیق ارجمند گوستاف هوساک در مقام رهبری آن، نه تنها برای مردم سلواک و در مجموع کشور پرافتخار چکوسلواکیا مایه سربلندی است، بلکه تمام مردم آزاد، ترقی‌خواه و ضدفاشیستی جهان منجمله مردم عذاب‌دیده کشور انقلابی ما آنرا جزء گنجینه افتخارات بزرگ بین‌المللی مشترک برای همه انقلابیون جهان می‌دانند. به شما دوستان ارجمند مبرهن است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان از بدو تأسیس خود همواره و بلاانقطاع در راه انجام وظایف انترناسیونالیستی خویش رزمیده است. هریک از اعضای حزب ما روحیه عمیقاً عجیب با روح انترناسیونالیزم دارد. وفاداری ما به امر انترناسیونالیزم که ناشی از اعتقاد راسخ ما به اصولیت و ضرورت این اصل می‌باشد، در جریان عمل و تجربه انقلاب ما به سان صخره‌های کوه‌های کشورمان استحکام یافته است.

با وفاداری به همین اصل زرین روابط احزاب طرازنویں طبقه کارگر و احزاب مترقی و انقلابی جهان است که همه احزاب حاکم کشورهای برادر سوسیالیستی، احزاب طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، در صدر همه، کشور کبیر شورواها در ردیف مدافعین انقلاب رهایی‌بخش کشور ماقرار دارند.

مردم ما سیاس بیکران نسبت به اردوی قهرمان شوروی در قلب خود دارند. موجودیت قطعات محدود نظامی شوروی در کشور ما نقشه سیاه و شوم دشمنان انقلاب، مردم و وطن ما را مبنی بر تبدیل نمودن افغانستان به گورستان نیروهای انقلابی و در درجه اول حزب قهرمان ما و مرکز توطئه و تجاوز علیه جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه ما، مواجه به شکست قطعی ساخت.

از اینجاست که تمام نیروهای اهریمنی ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم همه امکانات خود را در جهت ضدیت با انقلاب ما و دساوردهای نجات‌بخش آن معطوف داشته اند. امروز کشور ما در معرض يك جنگ اعلان نشده بسیار بی‌رحمانه ارتجاع و امپریالیزم که با رهبران مرتد پیکن در تبنانی اند، قرار دارد. این جنگ اعلان نشده علیه کشور ما که از لحاظ قوانین بین‌المللی جنایتکارانه و ضد انسانی است، دارای ابعاد بسیار گسترده و جهات گوناگون می‌باشد. از اعزام گروه‌های مزدور، آدمکش خارجی و باندهای فراری ضدانقلابی گرفته تا ارسال سیل سلاح‌ها و اسعار خارجی و به راه انداختن توطئه‌های شیطانی و تبلیغاتی دروغین و اتهامات خاینانه به خاطر اخلال نظم اجتماعی و گشتار بی‌رحمانه کودکان و سالخورده گان بیگناه کشور و تخریب پل‌ها، سرک‌ها و شفاخانه‌ها، به آتش کشیدن مکاتب، مساجد و غیره. ولی مردم ما با دراک ماهیت عمیقاً وحشیانه باندهای ضدانقلابی به صورت فزاینده‌یی علیه آنها دست به مبارزه بی‌امان می‌زنند.

ما به دوستی بزرگ که با خلق چکوسلواکیا داریم، ارج فراوان قایلید.

انقلاب ما به صورت مستدام قابلیت حیاتی و نیروی عظیم ابتکاری خود را در جهت این امر که یگانه‌ترین تئوری ممکن و منطقی برای کشور ما می‌باشد، به اثبات می‌رساند. انقلاب ما در مرحله‌ی نوین تکاملی خویش توانست همه نیروهای سالم، اصولی، ملی و وطنپرست کشور را در چارچوب جبهه‌ی ملی پدروطن به مثابه تکیه‌گاه اساسی دولت انقلابی گردآورده و نیروی عظیمی را در جهت دفاع از دستاوردهای انقلابی مردم ما تشکیل بدهد.

به شما دوستان ارجمند اطمینان می‌دهم که مردم ما از یکسو به سرکوبی باندهای ضدانقلابی می‌پردازند و از جانب دیگر ویرانی‌های ناشی از رژیم‌های مستبد سلطنتی، اشرافی و خاین گذشته را ترمیم نموده به ساختمان پایه‌های مستحکم جامعه نوین در کشور ما مشغولند. ما در این کار بزرگ و پیکار دشوار، همواره کمک‌های بی‌شائبه و بزرگ کشورهای دوست و منجمله کمک‌های وسیع و برادرانه چکوسلواکیای برادر را با خود داشته و همسنگی وسیع خلق برادر چکوسلواکیا را در کنار خویش احساس می‌کنیم.

دوستان ارجمند، رفقای عزیز!

ما به کشور خویش با خاطرات گران‌بها و شورانگیزی از سفر کنونی چکوسلواکیای برادر که اقامت در سلواکی ریبا، بخش دیگر آنرا تشکیل می‌دهد، برمی‌گردیم. اجازه بدهید مراتب سپاس و امانت بی پایان خود را به کمیته مرکزی حزب کمونیست سلواکی و مردم سلواکی به مناسبت استقبال گرم و مهم آن‌نوازی برادرانه آنان به نمایندگی از هیات همراهانم ابراز بدارم.

به پیروزی باز هم بیشتر و بیشتر حزب کمونیست سلواک!

به خاطر چکوسلواکیای نیرومند و شگوفان سوسیالیستی!

به خاطر دوستی پایدار، همیشگی، بزرگ و برادرانه بین احزاب، دولت‌ها و مردمان ما!

به خاطر همبستگی انترناسیونالیستی!

به خاطر صلح و دوستی ملل در سیاره ما!

تبدیل قوای مسلح به قوای مسلح توده‌یی، مدرن و دارای قابلیت عالی محاربوی از وظایف اساسی ما در عرصه نظامی است

رفقای عزیز!

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ملاقات امروزی را با فعالین حزبی اردوی ح.د.ا، خاد و خاندوی، رهبری حزبی و نظامی ولایات، زون‌ها و گروپ‌های نفاع از انقلاب نهایت مهم و حیاتی میدانند.

در اوضاع و احوال کنونی کشور عمدترین، حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، شورای انقلابی ح.د.ا، تمام ارگان‌های حزبی، دولتی و نظامی عبارتست از دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ثور، شکست کامل عناصر ضد انقلاب داخلی و خارجی و فراهم‌آوری شرایط صلح‌آمیز برای کارسازنده مردم قهرمان افغانستان.

برای تحقق این امر بسیج تمام نیروها در جهت سرکوبی نهایی دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان از اهم مسایل است. حوادثی که بعد از انقلاب ثور گذشته است، صحت و درستی مشی را که توسط پلینوم‌های کمیته مرکزی ح.د.خ.ا تدوین شده به اثبات رسانیده است. زحمتکشان کشور ما با وجود مشکلات فراوان تحت رهبری پیشاهنگ رزمنده خویش ح.د.خ.ا در اعمار زندگی نوین به پیروزی‌های انکارناپذیر نایل گردیده اند. اقتصاد ملی کشور به صورت عموم مطابق به مشی که توسط کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در جهت رفع عقب‌ماندگی اقتصادی، ثبات و تحکیم سکاتور دولتی و بهبود سطح زندگی مردم تدوین شده بود، انکشاف و تکامل می‌یابد. تدابیر در زمینه تشویق و رشد تولید، ارتقای عواید زحمتکشان و تدوین سیستم واحد شاخص‌های پلان شده اتخاذ گردیده است.

تحکیم بازهم بیشتر همبستگی تمام اقشار جامعه ما صورت گرفته، پایه اجتماعی انقلاب بسط و توسعه می‌یابد. در کشور جبهه ملی پدروطن به مثابه معتبرترین سازمان تودمیی و سیاسی که میلیون‌ها وطنپرست را در جهت اشتراک در اعمار افغانستان نوین، متحد می‌سازد تاسیس گردید.

تاسیس جبهه ملی پدروطن یکی از شواهد دیگر نقش برآب ساختن تلاش‌های دشمنان برای تحمیل نظام‌های منفور سابق از طریق توسل به اسلحه، ترور و زورگویی بالای مردم می‌باشد. اکثریت جمعیت کشور و بخصوص طبقه کارگر، دهقانان،

پیشه‌وران و دیگر اقشار زحمتکشان، تحولات اجتماعی و اقتصادی را که در کشور صورت گرفته حمایت و پشتیبانی می‌نمایند. اعتبار و حیثیت جمهوری مومکر اتیک افغانستان در عرصه بین‌المللی رشد می‌یابد.

موفقیت‌های مهم در ساحه نظامی نیز رونما گردیده و قوای مسلح ج.د.ا از دسنادورهای انقلاب ثور به نحو شایسته‌ی دفاع می‌نمایند. پرسونل قوای مسلح در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان مردم زحمتکش ما قهرمانی‌ها و از خودگذری‌ها را تبارز داده صدها افسر، خردضابط و سرباز اردو و خارندوی به اخذ نشان‌ها و مدال‌های دولتی مفتخر گردیده اند و می‌گردند.

در نتیجه تدابیر نظامی که در جریان یک سال بعد از پلینوم سوم کمیته مرکزی ج.د.خ. اتخاذ شده است انسیاتیف ستراتیژیکی کاملاً به دست حکومت و قوای مسلح کشور انتقال یافته است. باندهای بزرگ ضدانقلاب سرکوب گردیده، بقایای آنها در چارچوب گروپ‌های خرد و کوچک پراکنده شده، قسماً در بین اهالی منحل گردیده اند.

خاد و خارندوی در مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب نقش بزرگ ایفا نموده و فعالیت آنها هدفمندتر گردیده است. کارکنان خاد و پرسونل خارندوی روز به روز لانه‌های عناصر ضدانقلاب را کشف نموده مردانه‌گی، شهامت و صداقت به امر حزب و انقلاب از خود نشان می‌دهند. انکشاف و تکامل اوضاع در افغانستان به صورت مفتح نشان می‌دهد که مردم ما ثابت قدم و بدون انحراف، زندمگی نوین را اعمار می‌نمایند.

آنچه در ساحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کلتوری و دیگر رشته‌های زندمگی انجام یافته و یا می‌یابد جوابگوی منافع اساسی زحمتکشان کشور می‌باشد. ما راه تکامل خود را، راه از بین بردن سیستم فرئوت فیودالی، راه اعمار جامعه عادلانه نوین، راه انقلاب ثور انتخاب نموده ایم و بی‌هراس و بی‌امان در این راه شریفانه و انسانی به پیش می‌زویم.

هیچ نیرویی در جهان، هیچ دسیسه و نوطنه امپریالیستی و هژمونیست، هیچ افترا، تهمت و پروباگند امپریالیستی، ما را ازین راه منحرف ساخته نمی‌تواند. ما در مبارزه عادلانه خویش پیوسته همبستگی دوستان مطمئن و وفادار و از همه اولتر دوست بزرگ و حقیقی ما اتحاد شوروی را احساس کرده و می‌کنیم.

ملاقات اخیر اینجانب با رفیق ل.ا. بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صدرهیات رنیمه شورای عالی اتحاد شوروی و دوست بزرگ مردم افغانستان مثال گویای دوستی خلل ناپذیر افغان شوروی می‌باشد.

امروز ما یک بار دیگر سیاست عمیق خود را به مردم قهرمان شوروی به پاس کمک‌های برادرانه انترناسیونالیستی که در لحظات مشکل و حساس تاریخ ما، لحظاتی که مسئله مرگ و زنده‌گی انقلاب و وطن ما، لحظاتی که مسئله عقیم ساختن توطئه‌ها و مفکوره‌های جنایتکارانه امپریالیزم امریکا و متحدین چینی آن مطرح می‌باشد، به عمل می‌آید ابراز می‌داریم.

نیروهای وطنپرست افغانستان و همه کسانی که استقلال و آزادی کشور را گرامی می‌دارند هرگز این کمک‌های برادرانه را فراموشی نخواهند کرد. انقلاب ما شکست ناپذیر است و موفقانه به پیش می‌رود، ولی باید به صراحت گفت که مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان به خاطر اعمار زنده‌گی نوین در شرایط دشواری ادامه دارد. امپریالیزم جهانی در رأس ایالات متحده امریکا، نیروهای هژمونیستی و ارتجاعی که از موفقیت‌های مردم ما خشمگین گردیده اند کما فی السابق به فعالیت‌های تجاوزگرانه و وحشیانه خود در برابر انقلاب ثور ادامه می‌دهند و دخالت‌های آشکار آنها در امور کشور ما قطع نگردیده و این نیروهای سیاه، جنگ پلید را بر ضد ما به راه انداخته و باندهای ضدانقلاب را تربیه و مسلح نموده به کشور ما صادر می‌کنند.

اجیران و اشننگن و بیکن به کشتار صدها انسان دست زده و به سوختن اماکن، مکاتب حاصلات و ربودن مواشی دوام می‌دهند. از سلاح‌هایی که برای رهنان داده شده بر ضد شاگردان، زنان، پیرمردان و اطفال استفاده می‌نمایند.

دشمن در پهلوی اعمال رهنانه خویش، پروپاگند زهرآگین ضدانقلابی را به پیش می‌برد و با استفاده سوء از ناسیونالیزم ارتجاعی فیودالی کوشش می‌کند تا دوستی افغان شوروی را بدنام ساخته و اعتماد مردم و منسوبین عسکری را نسبت به ح.د.خ.ا و حکومت جمهوری نموکر ائیک افغانستان از بین برده و شرایط ترس و بی‌اعتمادی را در کشور ایجاد نماید.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ارتقای نقش و نفوذ حزب را در حل مسایل نظامی، بالا بردن سطح رهبری حزبی در تمام پروسه مبارزه علیه ضد انقلاب، گام نخستین جهت نابودی دشمنان انقلاب ثور ارزیابی می‌کند مسایل بنیادی تکامل اردو، خارتدوی، ارگان‌های امنیتی و فعالیت آنها در جهت برقراری نظم انقلابی در کشور در آینده نیز باید مطابق به سیاست حزب و برپایه اسناد مرامی، رهنمودها و دستورهای آن حل و فصل گردد. توجه خاص باید به تکامل تمام حلقه‌های سازمان نظامی و انکشاف اردو، خارتدوی، خاد، انتخاب و تعیین کادرها، ارتقای شعور و بیداری انقلابی آنها، هماهنگ ساختن فعالیت سریع تمام سازمان‌های دولتی، اجتماعی و نظامی جهت شکستن مقاومت دشمنان طبقاتی ما معطوف گردد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا مبارزه پیگیر را به خاطر وحدت اصولی،

ارگانیک و کامل صفوف حزب جهت حل و فصل مؤثر مسایل اصولی مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب موضوع حیاتی می‌دانند. تأمین وحدت حزبی، مشی اساسی فعالیت تمام ارگان‌های حزبی اساس انکشاف موفقاته دولت و تمام حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. یک بار دیگر می‌خواهیم خاطر نشان سازیم که سرنوشت وطن ما و انقلاب ثور به وحدت و کارهماهنگ شده همه اعضای ح.د.خ.ا وابستگی دارد. فراموشی این پرنسیپ اساسی یعنی فراموشی اصل تقویه روز افزون وحدت حزب به معنای خیانت به آرمان‌های والای انقلاب می‌باشد.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا کراراً تقاضا نموده است که از فرکسیون‌بازی و گروه بندی در سازمان‌های حزبی به صورت قاطعانه جلوگیری به عمل آید و مخالفین وحدت، دهشت افگان و جامطلبان از عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان اخراج گردند. در ضمن در بعضی از سازمان‌های حزبی این خواست‌های حزب مراعات نگردیده و یک تعداد از اعضای ح.د.خ.ا بنا بر خواست خویش به جناح‌های قبلی از اتهامات متقابل، دروغ‌گویی و افترا منصرف نگردیده اند. لذا وقت آن رسیده است که فعالین حزبی تمام ارگان‌های حزبی و سیاسی باید از گفتار به کردار پرداخته و قاطعانه از فرکسیون‌بازی و گروه بندی جلوگیری نمایند.

ریاست عمومی امور سیاسی اردوی ج.د.ا ارگان‌های سیاسی خاندنوی و قوای امنیتی در استقرار فضای مساعد اخلاقی در داخل کلکتیف‌های حزبی و مناسبات رفیقانه بین اعضای ح.د.خ.ا که سابقاً به گروه‌های مختلف تعلق داشتند، باید نمونه مثال بوده و مطابق به خواست زمان سازمان‌های حزبی را در جهت تحقق خطمشی حزب مبنی بر تحکیم همه جانبه وحدت و فشرده‌گی صفوف خویش رهبری نمایند و بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا به مقصد توحید مساعی سازمان‌های حزبی و دولتی تمام نیروهای وطنپرست و بسیج امکانات مادی و معنوی کشور در جهت سرکوبی کامل دشمن، ایجاد شورای دفاع ج.د.ا را ضروری دانست. همچنان شورای دفاع ایجاد قرارگاه‌های محلی ولایات و ولسوالی‌ها را لازمی می‌شمارد.

در صلاحیت شورای دفاع ج.د.ا تحت رهبری بیروی سیاسی تمام قدرت دولتی و رهبری نظامی و اقتصادی داده شده است و شورای مذکور فعالیت تمام مؤسسات دولتی، نظامی، سازمان‌های حزبی، صنفی و جوانان را در جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور منسجم خواهد کرد.

رفقا! دفاع مطمئن از انقلاب همچنان با تقویت و تحکیم هرچه بیشتر اردو ارتباط دارد. قوای مسلح ج.د.ا است که در ثبات اوضاع در کشور نقش عمده را بازی نموده و تکیه گاه مستحکم حزب و دولت ج.د.ا در جلوگیری از توطئه‌های دشمنان و دفاع از دستاوردهای مقدس زحمکشانشان کشور می‌باشد.

تبدیل قوای مسلح به قوای مسلح توده‌ی مدرن و دارای قابلیت عالی محاربه‌ی از وظایف اساسی ما در عرصه نظامی است

تبدیل اردو به اردوی توده‌ی، مدرن، تعلیم یافته و دارای قابلیت عالی محاربه‌ی، اینست و وظیفه عمده ما!

باید توجه خاص به تحکیم ارتباط توده‌های وسیع زحمتکش با اردو مبذول گردد و باید هر تبعه کشور ما در وجود اردو، دوست و مدافع مطمئن خود را ببیند. وحدت اردو و مردم ضامن تمام پیروزی‌های ما بر دشمنان انقلاب می‌باشد.

رفقا!

اداره سیاسی اردو در سیستم تعلیم و تربیه سیاسی حزبی اعضای اصلی و آزمایشی ح.د.خ.ا. اینکار پراهمیت از خود نشان داده است. تقریباً در پنجمد گروپ درسی اساس‌های ایدیولوژی علمی، مسایل مربوط به دفاع از انقلاب و اعمار جامعه نوین در ج.د.ا. تدریس می‌گردد. هیات قوماندانی سیاسی قوای مسلح باید به صورت جدی در بهبود امور پرورشی در قطعات و جزوات‌های بزرگ اقدام نماید و توجه اصلی درین ساحه جهت تحکیم همه جانبه وضع مورال به سیاسی پرسونل و ارتقای آگاهی انقلابی در بین منسوبین و انزجار نسبت به دشمنان طبقاتی معطوف گردد. باید تبلیغ قهرمانی‌های سربازان، خردضابطان و افسران در امر دفاع از انقلاب در امور ایدیولوژیکی، سیاسی و پرورشی اردو به بیمانه وسیع‌تر صورت گیرد.

ما قانون مدال‌ها و نشان‌ها را نافذ کردیم. ممکن است که ما لقب قهرمان ج.د.ا. را برای اعطا به وطنپرستانی که در مبارزه علیه دشمنان انقلاب از خود شهادت بسیار عالی نشان داده اند، تثبیت نماییم. اتباع کشور ما مخصوصاً جوانان باید قهرمانان ملی و وطنپرستان راشناخته، از آنها آموخته و از نمونه‌های شان در کار و پیکار انقلابی سرمشق بگیرند.

در تربیت نظامی و وطنپرستانه جوانان نقش س.د.ج.ا. باید ارتقا یابد. قوماندانان ارگان‌های سیاسی و ارگان‌های محلی حزبی اینکار سازمان‌های س.د.ج.ا. را در جهت تشکیل گروه‌های داوطلب جوانان همه جانبه حمایت و پشتیبانی نموده و از آنها مواظبت نمایند.

لازم است یادآور شویم که دشمن امروزی مانند دشمن سال گذشته نیست. نابودی باندهای بزرگ اشرار در جریان یک سلسله عملیات آنها را مجبور ساخت تا تاکتیک خود را تغییر داده و به ترور و خرابکاری ایدیولوژیکی، اقتصادی و نظامی بپردازد.

دشمن دست به پرویگاندهای حیل‌گرانه و مکارانه میزند، از احساسات مذهبی مردم سوءاستفاده کرده و با تهمت‌های خصمانه علیه انقلاب ثور عمل می‌کند، روحیه ضد شوروی را خلق می‌نماید و دروغ‌های زیادی را علیه دوست صدیق ما اتحاد شوروی می‌بندد.

حیات روزمره خواستار تقویه کارایدیولوژیکی ما می‌باشد. لازم است مبارزه تعرضی را علیه پروپاگنده‌های دشمن به پیش ببریم، اهداف ارتجاعی و چهره حقیقی آنها را افشا کنیم. باید حقیقت درباره انقلاب ثور و کمک‌های برادرانه اتحاد شوروی در امر تأمین امنیت ج.د.ا عمیقتر و وسیع‌تر تشریح و توضیح گردد.

وظایف تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب و شکست قطعی آنها خواستار ارتقای بازهم بیشتر فعالیت مثبت ارگان‌های امنیتی و خاندنوی می‌باشد. آنها باید به طور قاطعانه، شجاعانه و فعالانه عمل کرده و در دفاع از دستاوردهای انقلاب بیداری کامل داشته باشند و به وقت و زمانش پلان‌ها و اندیشه‌های عناصر ضد انقلاب را افشا و خنثی نمایند.

قوای خاندنوی در عمل باید به حیث قطان‌های تکمیل شده و محارب حزب تبدیل گردد و با افتخار وظایف تأمین آرامش و امنیت زحمتکشان را در کشور انجام دهد.

حل مسائل پرمسئولیت مربوط به تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب زیادتز مربوط به شکل بهتر کار با کادرهاست. پوشیده نیست که سیاست توسط اشخاص در عمل پیاده می‌گردد، به این جهت تقویه بعدی کادرهای حزبی، دولتی و نظامی شرط قطعی پیاده کردن سیاست نظامی ج.د.خ.ا در عمل می‌باشد.

ما توانستیم برین ساحه به نتایج معین برسیم. تا اندازیمی ثبات کادرها در اردو و خاندنوی صورت گرفته است، مهارت مسلکی و سیاسی آنها ارتقا یافته است و پروسه تکمیل افسران وفادار به وظایف انقلابی در قوای مسلح به پایان میرسد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی، ارگان‌های حزبی و دولتی، ریاست‌های وزارتخانه‌ها و دوایر را مؤظف می‌سازد تا قاطعانه خطمشی اصولی را در مسایل مربوط به کادرها تطبیق نمایند، یعنی کادرهای حزبی، دولتی و نظامی را نظر به خصوصیات سیاسی، کارهای عملی و وفاداری شان به انقلاب ثور و قابلیت سازمان دادن مبارزه اکتیف علیه دشمنان طبقاتی، مورد ارزیابی قرار دهند. در شرایط نظامی توجه اصلی ارگان‌های حزبی و دولتی باید در جهت مسئله تعلیم و تربیه و پرورش کادرهای افسران از موده سیاسی، پیکار جو، لایق، جدی، فعال و وفادار به امر انقلاب، وحدت حزب اصولیت و دولت معطوف گردد.

کمیته مرکزی ج.د.خ.ا و دولت انقلابی مواظبت دایمی را نسبت به کادرهای افسران در جهت بهبود وضع مادی، معنوی، شرایط زندگی و ارتقای آموزش و پرورش شان در فضای وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور نشان داده و می‌دهد. در پهلوی آن، حزب و دولت از وزارت دفاع ملی، ستر درستیز و ریاست عمومی امور سیاسی، بلند بردن حس مسئولیت کادرهای افسران را در تطبیق وظایف محوله شان در حل

و فصل مسایل مشخص مربوط به تحکیم قابلیت محاربه‌ی قطعات و جزو نام‌های بزرگ می‌طلبد.

لازم است مبارزه قطعی و بدون سازش علیه سستی و سهل انگاری در مقابل وظایف محاربه‌ی، مبارزه علیه میتودکار داخل اطاق و کاغذپرانی صورت گیرد. سعی شود تا هر افسر، هر قوماندان و هر کارکن سیاسی باید وضع حقیقی امور را در قطعات و جزء‌تام‌ها بداند. همیشه در بین کتله‌های سربازان بوده، به مادونان عطف توجه کرده طبیعت و حالت‌شان را مطالعه نموده و انسیاتیف آنها را در امر دفاع از انقلاب و نابودی دشمنان طبقاتی انکشاف دهد.

رفقا!

تمام کارها هنگامی موفقیت بار می‌آورد که ما کتله‌های وسیع زحمتکشان را به خاطر مبارزه علیه دشمنان بسیج نماییم. اما برای رسیدن به این مقصد لازم است که کار سیاسی در میان توده‌ها و بالخاصه در میان دهقانان به صورت فوق‌العاده تقویه گردد. به همین اساس مرکز ثقل تمام امور حزبی و سازماندهی حزب باید به ولسوالی‌ها، علاقه داری‌ها، قرا، دهات و مناطق قبیلوی انتقال یابد.

ما باید در مقابل خود وظیفه قرار بدهیم که هر قریه و هر ده به دژ و قلعه غیر قابل تسخیر برای دشمنان تبدیل گردد. به همین مقصد باید به طور سریع و بدون وقفه به تأسیس سازمان‌های دفاع از انقلاب در محلات مسکونی و در مؤسسات و به تشکیل سیستم دفاع خود به خود منطوقی پردازیم و قرارگاه‌های هماهنگی کننده و لاینی و ولسوالی باید نقش مهم را ایفا نماید و وظیفه اصلی آنها عبارت از تأمین اشتراک مساعی دایمی یا کمیته‌های حزبی ارگان‌های قدرت دولتی، جزو نام‌های خارندوی، خاد و گروه‌های دفاع از انقلاب جهت کشف و از بین بردن مستقلانه گروپ‌های تخریبکار و رهزن می‌باشد.

در آن مناطقی که از وجود اشرار پاک گردیده است باید طور پیگیر وظایف مربوط به اصلاحات ارضی و آبیاری حل و فصل گردد و به تطبیق عملی مصوبه کمیته مرکزی و شورای وزیران ج.د.ا در مورد ادامه اصلاحات ارضی و تقسیم بندی جدید و عادلانه زمین و سهمیه آب به دهقانان اقدام به عمل آید.

در جریان پیشبرد اصلاحات ارضی، در قدم اول زمین‌ها به فامیل‌های منسوبین اردو و خارندوی داده شود. مهم است که تمام وزارتخانه‌ها، دوایر، کمیته‌های و لاینی و ولسوالی و ارگان‌های دولتی در بین مردم نفوذ کرده و از نزدیک مواظب تأمین مواد ضرورت اولیه برای اهالی باشند. لازم است کار با اقوام بهتر و بهتر شود. به عنعنات، رسوم و رواج‌های قومی، احترام زیادتز به عمل آید. اشکال میتودهای

پیشبرد کار سیاسی در بین اقوام وسیع‌تر انکشاف یابد و به این مقصد به طور وسیع از جرگه‌های قومی در محلات استفاده گردد.

لازم است شکل اساسی کار حزبی و سیاسی جهت تحکیم ارتباط ح.د.خ.ا با توده‌های مردم بهتر ساخته شود. باید به صورت قابل ملاحظه فعالیت گروپ‌های تبلیغ و ترویج در میان مردم بخصوص از طریق ارتباط با ملایان، قریه داران، ریش سفیدان و مشران قبایل بسط و توسعه داده شود.

رفقا!

بالاخره بیرونی سیاسی کمیته مرکزی به سازمان‌های اجتماعی و تودمی که بیانگر منافع تمام طبقات و اقشار و وطنپرست افغانستان محسوب می‌گردند و نقش بزرگ را در مبارزه علیه باندهای مزدور ایفا می‌کنند، اهمیت بزرگ قایل است. در کشور سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و تودمی تأسیس شده است. تأسیس جبهه ملی پدر وطن که در آن تحت رهبری ح.د.خ.ا تمام نیروهای مترقی جامعه ما جهت اعمار حیات نوین و دفاع از دستاوردهای انقلاب متحد شده اند، پدیده افتخار آمیز در زندگی مردم ماست. در شرایط حملات مسلحانه بلاانقطاع عناصر ضد انقلاب، سازمان‌های اجتماعی و تودمی باید متوجه ایجابات و مقتضیات زمان نظامی و حل و فصل آن مسائل سیاسی و نظامی باشند. اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های نموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه‌های روشنفکران مترقی نباید از مبارزه خسته‌گی ناپذیر جهت نفاع از قدرت مردمی دور باشند. باید زیادتیر از عنعنات پسندیده خلق‌ها و قبایل کشور ما و مقدسات دین اسلام حسن استفاده کرده، در افشای کسانی که تحت شعارهای دروغین مدافعین اسلام ماسک به رو میکشند، اما در عمل به مقابل اتباع صادق کشور، بر علیه اراده و منافع مردم زحمتکشما تعرض می‌نمایند، مساعی به خرج دهند.

حزب در شرایط کنونی و وظیفه مهم سازمان‌های اجتماعی را در بسیج ده‌ها و صدها هزار زحمتکش به مبارزه آگاهانه علیه باندهای جنایتکار و در پرورش وطنپرستی جوانان و اتباع کشور می‌بیند. کار آنها باید توسط شعار «همه برای دفاع از انقلاب و محو ضدانقلاب» تعیین گردد.

این وظیفه خصلت اصولی دارد که باید سازمان‌های اجتماعی، در حدود امکانات خود فعالانه به اردو، خاد و خاردنوی در مبارزه علیه دشمنان طبقاتی کمک نمایند. لیکن از این امکانات به صورت کامل استفاده به عمل نیامده است. نقص مهم درین است که فعالیت‌های سازمان‌های اجتماعی فقط در شهر کابل و یک عده از شهرهای بزرگ مربوط می‌شود. در ولایات و محلات این کار به طور ضعیف پیش برده می‌شود و بالای توده‌های وسیع زحمتکش کم مؤثر است. باید این نواقص و ضعف

در کار سازمان‌های اجتماعی هرچه زودتر بر طرف گردد. همچنان در مبارزه عمومی علیه عناصر ضدانقلاب نقش فعال را وسایل اطلاعات جمعی ایفا می‌کند. این وسایل یک سلاح قوی حزب در بسیج توده‌ها، منسوبین اردو، خاد و خارتدوی غرض‌نابودی باندهای اجیران به شمار می‌رود. قابل یادآوری است که روزنامه‌های مرکزی، رادیو و تلویزیون موضوعات نظامی را پخش نموده و کارنامه‌های قهرمانان منسوبین عسکری را در راه دفاع از انقلاب در معرض نمایش می‌گذارند.

رفقا!

نکات و نتایج اساسی و فورمولبندی شدیدی که توضیح گردید همه و همه ناشی از تجزیه و تحلیل اوضاع، احوال و حقایق نظامی و سیاسی در کشور و استقامت‌های مشخص کار ما جهت امحای قاطع و کامل نیروهای ضدانقلاب می‌باشد که انعکاس دهنده و نظر بیرونی سیاسی حزب ما به شمار می‌رود.

اجرای وظایف داده شده از طرف حزب جهت تحکیم بازهم بیشتر اردو، خارتدوی و خاد در مورد تشکیل و سازماندهی مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب خواستار کار خستگی‌ناپذیر سازمان‌های حزبی، دولتی، اجتماعی، مؤسسات نظامی و بسیج همه نیروهای اقتصادی سیاسی کشور می‌باشد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای انقلابی ج.د.ا عقیده راسخ دارد که اردوی قهرمان ما، خارتدوی و ارگان‌های امنیتی دولتی ما و تمام نیروهای وطنپرست، با احساسی مسؤولیت عالی با شرافت و وجدان وطنپرستانه در مقابل انقلاب و مردم آزاد افغانستان، استقلال ملی کشور را حفظ و امنیت وطن خود را تأمین می‌نمایند. این امر جوایگوی منافع عالی و آرمان‌های دیرینه زحمتکشان جدا می‌باشد.

ما یک بار دیگر سیاستگزاری عمیق خود را به کمیته مرکزی حزب لنینی و دولت اتحاد شوروی که با درک عمیق پرابلم‌های ما، در امر اعمار زندگی نوین، دفاع از انقلاب ثور و کمک‌های همه جانبه و بی غرضانه جهت پیروزی نهایی انقلاب ما سهم گرفته اند، اظهار می‌نماییم.

زنده باد انقلاب پرافتخار ثور و حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبر و الهامبخش آن!

زنده باد دوستی جاودانه و خلل‌ناپذیر افغانستان و اتحاد شوروی!

زنده باد قوای مسلح قهرمان ما، مدافع پرافتخار دستاوردهای انقلاب ثور!

پیروزی کامل، قاطع و نهایی بر عناصر ضدانقلاب حتمی است!

بیانیه به مناسبت شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال کشور ۲۷ اسد ۱۳۶۰

پیروزی مرحله نوین انقلاب، یکبار دیگر استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ما را از خطر نابودی نجات داد

هموطنان شریف، خواهران و برادران عزیز!

فردا ما یکی از بزرگترین و شورانگیزترین حوادث تاریخ سرزمین مقدس خود را تجلیل می‌نماییم و اجازه بدهید به مناسبت شصت و دومین سالگرد پیروزی بزرگ تاریخی مردم افغانستان، یعنی استرداد استقلال کشور را از تحت سلطه امپراتوری استعماری انگلیس از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب خود به همه شما از صمیم قلب شاد باش بگویم.

ما شصت و دومین سالگرد استقلال وطن پدری خویش را در شرایطی برگزار می‌کنیم که مردم ما یک بار دیگر در معرض آزمایش نوین تاریخی قرار دارند. امروز مردم آزاده وطن انقلابی ما به خاطر دفاع از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور و دستاوردهای نجاتبخش انقلابی خویش دلیرانه و برگشتناپذیر در برابر تجاوزات و مداخلات بی‌شرمانه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم به نبرد نهایی برخاسته‌اند. استقلال افغانستان در شرایطی به دست آمد که قاره آسیا تازه راه بیداری و پیکار ضد استعماری را در پیش گرفته بود. حوادث انقلابی در برخی از کشورهای قاره آسیا در تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر اکتوب، تناسب نیروها را به نفع آزادی خلق‌ها و اضمحلال تدریجی سیستم مستعمراتی امپریالیزم تغییر داده بود. در چنین شرایطی وطنپرستان افغانستان با الهام از مبارزات دلیرانه مشروطه خواهان اول برای بار نخست درفش آزادی را در آسیا برافراشته و درین جاده پیکار مقدس به سرمشقی و نمونه برای مبارزات استقلال طلبانه خلق‌های قاره آسیا بخصوص خلق‌های مسلمان مبدل گردید.

استقلال افغانستان ساده و آسان به دست نیامده بلکه بهترین فرزندان رشید وطن با شور و عشق سوزان به آزادی و دل‌های پر از مهر وطن، با دادن جان‌های شیرین و ریختن خون‌های پاک خود در یک نبرد عادلانه و حماسه آفرین، بزرگترین قدرت استعماری آن وقت را به شکست افتضاح آمیز واداشتند و در قلب آسیا زنگ پرتوان آزادی را به صدا در آوردند. مردم قهرمان و آزادی وطن باستانی ما با دفاع از استقلال، حاکمیت و شرف ملی خود در برابر تجاوزگران امپریالیستی سهم شایسته‌ی را در راه مبارزه به خاطر در هم کوبیدن سیستم سلطه استعماری قاره آسیا ادا کردند.

هموطنان شرافتمند و انقلابی!

مردم سلحشور و با شهامت افغانستان در طول تاریخ باستانی کشور خود همواره از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش، چون مردمک چشم دفاع نموده و درین راه مقدس از دادن هیچ نوع قربانی دریغ نورزیده اند.

اتحاد و وحدت عمل همه نیروهای نحول طلب، آزادی خواه، انقلابی و وطنپرست کشور یکی از سنن مبارزات آزادی خواهانه مردم ما را و رمز پیروزی آنان را در مبارزه علیه استعمار امپریالیستی انگلیس، تشکیل می دهد. دشمن در هرگونه شرایطی با حیل و نیرنگ های گوناگون وحدت عمل وطنپرستان یعنی وثیقه پراعتبار مبارزه و پیروزی آنها را مورد حمله قرار داده است.

استقلال افغانستان که به قیمت خون های پاک فرزندان خلف خلق تحت رهبری فرزند وطن غازی امان الله به دست آمد مدتی بعد، در اثر توطئه ها، دسایس و مداخلات امپریالیزم انگلیس در امور داخلی کشور ما در معرض خطر نابودی قرار گرفت.

امپریالیزم انگلیس به کمک ایجننت ها و عمال خویش و با استفاده از عقب مانده گی کشور و نعمیم خرافات و تعصبات، با حبله، نیرنگ، عوام فریبی، ایجاد تفرقه و در اثر توطئه های شیطانی خویش، اغتشاشات و بی نظمی ها را در کشور ما سازمان داد و سرانجام چاکر شناخته شده خویش یعنی نادر مستبد را بر اریکه سلطنت نشاند و عملاً استقلال کشور ما را در معرض نابودی قرار داد.

نیرو های سیاه ارتجاعی وابسته به انگلیس با استفاده نامشروع از دین مقدس اسلام، اذهان توده های مردم را درباره ماهیت دولت امانی مغشوش ساخت و در نتیجه فضای بی اعتمادی و خصومت را نسبت به آن ایجاد نمود. هموطنان ما به یاد دارند که چگونه عمال امپریالیزم انگلیس چون لارنس، در میان مردم با دیانت، صادق و شریف ما به تحریکات خاینانه دست زدند.

هموطنان عزیز!

امروز نیز ارتجاع، امپریالیزم، مزدوران و عمال بی شرم آنها، علیه استقلال و آزادی مردم ما خاینانه توطئه می نمایند و باز هم از همان سلاح های شناخته شده پیروزی استفاده نموده امیدهای بوج و بی پایه یی را به خاطر برگرداندن جریان تاریخ کشور ما با روح شیطانی خود پخش می کنند. ولی عاقل ازینکه به حکم زمان و به اراده مردم ما انقلاب ما برگشتناپذیر است. اما امروز در شرایطی به سر می بریم که موجودیت جنبش های آزادی بخش ملی، جنبش عظیم کارگری جهانی و اردوگاه صلح به مثابه تکیه گاه شکست ناپذیر و عظیم همه نیروهای انقلابی جهان تغییر برگشت ناپذیری را به نفع نیروهای آزادی و استقلال ملی، نموکراسی و ترقی اجتماعی در

جهان پدید آورده اند. ما امروز در شرایطی به سر می‌بریم که اندیشه‌های پیشرو عصر ما با نفوذ وسیع در میان توده‌های مردم به نیروی بزرگ مادی انقلابی مبدل گردیده است.

مبارزات دلیرانه مردم ما در سال‌های بعد از حصول استقلال و تسلط خانواده مستبد سلطنتی، اشرافی و وابسته به استعمار، هرگز به سردی نگرایید و پایان نپذیرفت. در ادامه همین مبارزات دشوار مردم ما بود که انقلاب ثور به پیروزی رسید و راه تحقق استقلال واقعی کشور ما گشوده شد. با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور مبارزات ترقی‌خواهانه مردم ما ابعاد گسترده و نوینی کسب کرد و توده‌های وسیع مردم ما به سوی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن جلب شدند. با تکیه بر همین سنن شریفانه مبارزه انقلابی مردم ما، به انحراف ننگینی که در مسیر انقلاب سازمان داده شده بود، خاتمه داده شد. پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب یک بار دیگر استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلابی ما را از خطر نابودی نجات داد و فصل نوینی را در برابر مردم ما در جهت تحکیم استقلال ملی و اعمار جامعه نوین، شگوفان و انسانی گشود.

دشمنان دیرینه سعادت و آزادی مردم ما امروز هم با غلتیدن در دامان کثیف و آلوده به ننگ و جنایت امپریالیزم می‌خواهند کشور ما را در لجنزار بدبختی، تباهی و و آسنةگی به استعمار و امپریالیزم بکشانند. جنگ اعلان نشده علیه مردم ما که به صورت مستدام از طریق پاکستان به وسیله امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و دستیاران چینی آن تغذیه می‌گردد، هدف دیگری را جز نابودی استقلال و حاکمیت ملی کشور ما، تجزیه سرزمینی پرافتخار باستانی ما و نابودی دستاوردهای انقلابی مردم ما تعقیب نمی‌نماید.

مردم ما با اتحاد برادرانه و وحدت عمل انقلابی در برابر این تجاوز خاینانه ارتجاع، هژمونیزم و امپریالیزم به پا خاسته و از وطن محبوب و دستاوردهای انقلاب نفاع می‌نمایند. ما درین نبرد برحق و دشوار تنها نیستیم. همانسان که جمهوری جوان شوروی در تحت رهبری ولادیمیر ایلچ لنین دوست بزرگ ملل شرق و مسلمانان زحمتکش، اولین کشوری بود که استقلال و حاکمیت کشور ما را بلافاصله بعد از حصول آن به رسمیت شناخت و دست دوستی را به سوی مردم ما دراز نمود، امروز هم اتحاد شوروی بزرگ، ما را درمبارزه عادلانه ما علیه مداخلات و تجاوزات امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هژمونیزم یاری می‌رساند.

اتحاد شوروی با اعطای کمک بموقع در جواب درخواست مقامات قانونی و ذیصلاح دولتی و حزبی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در دشوارترین لحظات تاریخ کشور ما، مردم ما را در امر دفاع قاطع از استقلال و حاکمیت ملی یاری نموده و بزرگترین خدمت تاریخی را به مردم ما انجام داده است. اگر کمک بموقع و برادرانه

تبدیل قوای مسلح به قوای مسلح توده بین مدرن و دارای قابلیت عالی محاربه‌ی از وظایف اساسی ما در عرصه نظامی است

اتحاد شوروی نمی‌بود امروز به طور قطع از استقلال افغانستان چیزی بجا نمانده بود. این واقعیت سرسخت تاریخی را دشمنان و ارونه جلوه داده در زمینه با بی‌شرمی تمام قلب و اقیانوس می‌نمایند. ولی تاریخ شاهد خواهد بود که استقلال وطن ما از گزند تجاوزات بیگانگان، به اراده مردم قهرمان افغانستان و به کمک برادران شوروی محافظ گردید و اکنون تحکیم می‌گردد.

هموطنان عزیز!

اکنون در مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور، درفش استقلال واقعی، انقلاب و کار و بیکار سازنده و شورآفرین انقلابی بر فراز کشور کهن و محبوب ما با غرور و افتخار آفرینی در اهتزاز است.

زحمتکشان افغانستان تحت بیرق اندیشه‌ها اهداف انسانی انقلاب ثور در صفوف جبهه ملی پیروطن به رهبری حزب پیشتان و یکپارچه خویش، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلابی خویش، در راه حفظ و تحکیم استقلال و حاکمیت ملی کشور و در راه اعمار جامعه نوین می‌ریزید. درین نبرد زندگی ساز و دشمن سوز، قهرمانی‌های مردم ما، اردوی پرافتخار، خاندوی و ارگان‌های امنیتی کشور در تحت رهبری کمیته مرکزی حزب ما ضامن پیروزی ماست.

ما، در این لحظاتی که شصت و دومین سالگرد استرداد استقلال سرزمین مقدس خود را تجلیل می‌نماییم، دروهای آتشین و پرشور خود را نثار آن رادردانی می‌نماییم که در راه حصول شرف، آزادی و استقلال وطن جام شهادت نوشیده اند.

درد پرشور به روان پاک شهدای راه آزادی!

زنده باد مردم آزاده و شرافتمند افغانستان!

زنده باد وطن محبوب ما افغانستان آزاد، مستقل، انقلابی، سربلند و پرافتخار!

زنده باد صلح و آزادی خلق‌های جهان!

جوانان دلیر میهن، مدافعین سر سپرده انقلاب، و طن و منافع زحمتکشان افغانستان

جوانان سرباز، رفقای ارجمند و گرامی!

مایه خوشی است که امروز با شما نمایندگان جوانان دلیر و شجاع، با آنانی که جوانی خود را به مبارزه در صفوف اردوی قهرمان ما به خاطر سعادت و آزادی مردم نجیب وطن عزیز ما وقف نموده اند، فرصت ملاقات دست داد. امروز وظیفه مقدستر و مهمتر از دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور، نابودی کامل ضدانقلاب و فراهم ساختن شرایط مسالمت آمیز برای کار صلح آمیز و سازنده مردم زحمتکش افغانستان وجود ندارد. این صدا و فریاد سهمگین و توفنده مردمان انقلابی و زحمتکش افغانستان است.

به نمایندگی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیات رنپسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود حضور شما را در اولین جلسه فعالین سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در قوای مسلح خوشی آمدید میگویم و مراتب خوشنودی و رضایت عمیق خویش را به خاطر آنکه شما در چنین لحظه نهایت حساس انقلاب با چنین علاقه مندی قلبی، با شور و هیجان انقلابی نقش و مقام خویش را در حل و فصل این وظیفه تاریخی تعیین می نمایید، اظهار نمایم. درین اواخر در زندگی مردم زحمتکش افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان تغییرات و تحولاتی بسی مهم رخ داده است.

به مقصد بسیج ساختن همه نیروهای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم کشور جهت امحای ضدانقلاب با تصویب بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل شد، که در صلاحیت آن تمام قدرت دولتی کشور متمرکز گردیده است. در این اواخر از طرف شورای دفاع، تصمیم مهمی در زمینه تقویة قوای مسلح و ارگانهای محلی دولتی، جهت تأمین فعالیت اتخاذ گردیده است.

همچنان برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور جلسه فعالین حزبی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در قوای مسلح دایر گردید. در این جلسه در محیط نهایت صمیمانه و برادرانه وظایف اردو، خدمات اطلاعات دولتی، خاوندی، ارگانهای حزبی و دولتی جهت تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب مورد غور و بررسی قرار گرفت. تدویر جلسه فعالین حزبی يك گام مهم در سازماندهی مبارزه علیه

دشمنان طبقاتی بوده است. این جلسه تحت شعار مبدل ساختن کشور به یک اردوگاه محاربوی آزادی بخش، بسیج همه نیروهای حزب، دولت و مردم به خاطر دفاع از انقلاب صورت گرفت.

همه اجراءات مطروحه در زمینه استقرار ثبات اوضاع در کشور مورد قبول تأیید همه اشتراک کنندگان جلسه واقع گردید.

ضمناً در کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ملاقات‌های مهم با پرسونل اداری قوای مسلح، قوماندانان و کارکنان سیاسی عالی‌رتبه، نمایندگان نصاب صلاح کمیته مرکزی در زون‌ها، منشی‌های کمیته‌های ولایتی و والیان صورت گرفت. این ملاقات‌ها تشخیصی نکات ضعیف در فعالیت ما و تعیین وظایف مبرم و دورنماهای این وظایف را میسر ساخت.

نتایج این ملاقات‌ها بدون شک و تردید، محرک جدید در مبارزه ما علیه دشمنان طبقاتی خواهد بود. یقین کامل دارم که جلسه شما عامل مهم دیگری در امر ارتقای درجه فعالیت سازمان‌های جوانان اردو جهت متحد ساختن سپاهیان جوان و وطنپرست در اطراف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگی رزمنده و پرورنده ایمان تزلزل ناپذیر به حقانیت مبارزه و آمادگی برای وقف همه نیروها جهت نیل به پیروزی نهایی بر دشمن، خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین‌المللی هم یک سلسله ابتکارات صلح‌آمیز را مطرح نموده اند. از آنجای که تجاوزات مسلحانه به خاک مقدس کشور عزیز ما افغانستان مانند گذشته عمدتاً از قلمرو پاکستان صورت می‌گیرد، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان یک بار دیگر پیشنهاد نمود که با دولت پاکستان مسایل مربوط به عادی ساختن روابط جانبین مورد غور و بررسی قرار داده شود. همچنان به مقصد برقرار نمودن روابط دوستانه با کشور ایران، ما آمادگی خویش را برای پیشبرد مذاکرات در زمینه تأکید نموده ایم. این همه ابتکارات صلح‌آمیز متوجه قطع مداخله مسلحانه ارجاع سیاه امپریالیستی در امور داخلی افغانستان، کسب تضمین بین‌المللی برای امنیت جمهوری جوان ماست.

رفقا!

مدت زمانی که از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور مخصوصاً مرحله نوین آن گذشته است، به صورت عام و تام صحت خطمشی را که از طرف پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح و تدوین شده به اثبات رسانیده است. علی‌الرغم مشکلات متعدد زحمتکشان کشور عزیز ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان به

موفقیت‌های چشمگیری در جریان اعمار زندگی نوین نایل آمده اند.

اقتصاد کشور به صورت عموم بر طبق خط‌مشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبنی بر احیای هرچه زودتر اقتصاد ملی، تقویه و تحکیم سکتور دولتی و بهبود سویه زندگی مردم انکشاف می‌یابد.

در زمینه تشویق از دیاد تولیدات، افزایش عاید زحمتکشان و در مورد به وجود آوردن سیستم واحد مشخصات پلان، اقدامات مهمی اتخاذ گردیده است. در حصه انکشاف فرهنگ، صحت عامه و معارف گام‌های مهمی برداشته شده است و ما اکنون با مباحث خاطر نشان می‌سازیم که جوانان وطنپرست کشور با شور، هیجان و شوق آگاهانه، با شهامت و دلیری باطنی شان به اجرای مشکلترین وظایف پرداخته و در ضمن نمونه‌های حیرت آور و درخشان زحمتکشی و رزمجویی از خود نشان می‌دهند.

مادر وطن، جوانان خود را با مناطقی می‌فرستد که آنها تحت رگبار آتش دشمنان، به استخراج نمک و زغال سنگ ادامه می‌دهند، افتخار باد به چنین جوانان افغان!

این جوانان زمانی که اوضاع ایجاب نماید در نبرد دلاورانه و شجاعانه، وفاداری خویش را به آرمان‌های والای انقلاب و آمادگی دایمی برای فدا نمودن جان‌های عزیز و جوان خویش به خاطر پیروزی عدالت و حق بر باطل در خاک پاک وطن محبوب خود به اثبات می‌رسانند.

بعضاً مر می‌دشمن شور و هیجان انقلابی، جوانی و زندگی شیرین مبارز جوان را قطع می‌نماید، با آنهم صفوف شان روز تاروز وسیعتر، روح رزمنده آنها توفنده تر می‌گردد، دست‌های توانای شان سلاح به کف داشته را باز هم محکمتر می‌فشارد.

نسل ارشد انقلابیون ما از جوانان قهرمان خود، از تمایل و کارنامه‌های قهرمانانه شان، از آمادگی دایمی آنان برای پیروی راه حزب و انقلاب شکوهمند شور افتخار و مباحث می‌نماید و این امر مهم‌ترین منبع تزلزل ناپذیر ما را در امر پیروزی نهایی می‌سازد.

رفقا!

قانون تکامل جامعه بشری، قانون انقلاب‌های آزادی‌بخش جهان این امر را به اثبات رسانیده است که این جوانان استند که در صف مقدم مبارزه در راه آزادی و عدالت جان‌های شیرین خود را فدا می‌کنند.

علی‌الرغم کوشش‌های عظیمی که از طرف حزب ما به عمل آورده می‌شود، در اثر فعالیت‌های امپریالیست‌های ایالات متحده و سایر دشمنان مردم نجیب افغانستان در خاک کشور محبوب ما خونریزی ادامه دارد. گذشته از آن مزدوران ضدانقلابی که

توسط ایالات متحده و هندستان چینیایی شان تحریر یک می‌گردند، کوشش می‌نمایند که مساعی خود را متحد ساخته، نیروهای خود را متمرکز نموده و ذخایر سلاح و اعاشه باند‌های اشرار را در آمادگی برای توطئه و دسایس جدید تأسیس کنند. جنایت‌های وحشیانه دشمنان ادامه دارد.

اشرار مسلح، مکاتب، مساجد، خانه‌ها و حاصلات زراعتی را طعمه حریق ساخته، اطفال و موسفیدان را به قتل رسانیده، اموال و دارایی‌های مردم را چور و چپاول کرده و وحشتناکترین جنایات را اجرا می‌نمایند تا مردم را تهدید کرده، آنها را از مزایای انقلاب بی‌بهره ساخته و تمایل مردم نجیب افغانستان را به آزادی و خوشبختی در خون غرقه کنند. دشمن نهایت مزورانه و حیله‌گرانه عمل می‌نماید. آنان نه فقط به اجرای اعمال تروریستی و دهشت افگنی دست می‌زنند بلکه می‌خواهند از طریق تخریبکاری ایدئولوژیک، دروغافی و تضعیف و گمراه نمودن آگاهی طبقات، اراده متین مردم افغانستان را شکسته ایمان به آینده درخشان را در وجود آنها متزلزل سازد.

دشمنان تلاش می‌ورزند که بین اقوام و قبایل و ملیت‌های ساکن وطن نفاق انداخته بر علیه پربهترین دستاوردهای ما یعنی دوستی افغان و شوروی افترا نمایند. این دوستی بی‌شایبه و انترناسیونالیستی که اکنون به شکل همبستگی بیکارجویانه در آمده و در مبارزه علیه دشمنان جمهوری دموکراتیک افغانستان آبدیده گردیده است، دسناورد ذی قیمت و گران‌بهای مردم ما می‌باشد.

ملاقات اینجانب با رفیق لیونید ایلچ بریژنف، دوست بزرگ مردم افغانستان، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رنیه شورای عالی اتحاد شوروی که در این اواخر صورت گرفت، بیانگر درخشان تزلزل ناپذیری این دوستی بوده است. ما مراتب تشکرات عمیق و سپاسگزاری خویش را به کمیته مرکزی حزب و دولت شوروی اظهار می‌نماییم که با درک عمیق مشکلات و پرابلم‌های ما در امر اعمار زندهگی نوین و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و از دسناوردهای انقلاب شکوهمند ثور برخوردار کرده کمک‌های همه جانبه و بی‌شایبه را در نیل به پیروزی نهایی انقلاب اجرا می‌نمایند.

این کمک‌ها از قلوب پاک فرد فرد مردم شوروی، سپاهیان اردوی قهرمان شوروی که وطنپرست و انترناسیونالیست هستند، ناشی می‌شود.

ناگفته نماند، هر خلقی که به راه تحولات انقلابی گام می‌گذارد یعنی هر خلقی که برای نجات و رهایی از یوغ استثمارگران و اجانب به پامی خیزد با مقاومت سرسختانه دشمنان طبقاتی مواجه می‌گردد.

این قانونمندی انقلاب‌های اصیل طبقاتی است، زحمتکشان، یک طبقه و یا طبقات و

یا افسار ستمگر و استثمارگر را از کشور خود محو می‌سازند، طبعاً دشمنان طبقاتی زحمتکشان به سهولت و آسانی جا را از لحاظ قدرت حاکمه، از لحاظ نظام اقتصادی اجتماعی به زحمتکشان نمی‌گذارند، درک این اصل يك درك علمی است.

طوری که تاریخ شاهد است انقلاب، یعنی انقلاب اجتماعی همیشه باضدانقلاب برخورد می‌نماید. تاریخ این حقیقت را به اثبات رسانیده است. مصایب و مشکلات عظیم، محرومیت‌ها و قربانی‌های بزرگ را مردم قهرمان اتحاد شوروی بعد از انقلاب کبیر اکتوبر متحمل گردیده اند، ولی خلق‌های آن از طریق مبارزه در طول زمان کوتاه راه صدها ساله را پیموده و به مثابه پیشاهنگ مبارز به خاطر صلح و امنیت جهان و دوست‌ی‌شایبه همه خلق‌های کرزمین که در عرصه مبارزه به خاطر عدالت، آزادی و ترقی به پا خاسته اند، مبدل گردیده است.

همچنان شهامت و دلاوری مردم قهرمان ویتنام بی‌نظیر بوده است. امپریالیست‌های غربی در طول ده‌ها سال می‌خواستند ویتنام انقلابی را به زانو در آورند، مگر خود به زانو در آورده شدند.

امپریالیزم امریکا این دشمن حیل‌گر و نیرومند، خاک این کشور قهرمان را به آتش کشیده، میلیون‌ها نفر مبارز را از بین برده ولی بر مردم ویتنام و اراده آهنین آنان برای کسب آزادی فایق آمده نتوانست.

خلق‌های انگولا، نیکاراگوا و حبشه، مردم قهرمان فلسطین با ایستاده‌گی، پایداری و مقاومت قهرمانانه علیه نیروهای امپریالیستی به خاطر آینده شگوفان مبارزه می‌نمایند.

این گونه مثال‌ها حاکی از آنست که زندگی نوین فارغ از ستم و بی‌عدالتی به سهولت به دست نمی‌آید و باید در مبارزه سرسختانه حاصل گردد. این مبارزه مستلزم کار و پیکار همه نیروها و فداکاری به خاطر آزادی و سعادت انسان زحمتکش می‌باشد. هر جوان شرافتمند و عاشق به وطن و مردم باید این حقیقت را به خوبی درک نماید.

در تاریخ کشور ما و در خاطره نسل‌های آینده تا ابد اسامی آنهایی که امروز در صفوف مبارزین انقلابی قهرمان می‌جنگند و اسامی آنهایی که به خاطر فردای درخشان جان خود را فدا می‌نمایند، جاویدان حفظ خواهد گردید. نسل‌های آینده کشور ما این قهرمانی و کارنامه‌های امروزه وطنپرستان جوان را به مثابه معیار زنده‌گی قبول نموده در قلوب خود آنها را مجسم ساخته و به حیث سنگ محک وفاداری به ما در وطن، حزب و مردم نجیب افغان از آن استفاده خواهند نمود.

وطن‌آنانی را که درین لحظه حساس کناره جویی بسته و به دفاع از آینده درخشان وطن جانبداری ننمایند، نخواهد بخشید. تاریخ ایشان را به نست فراموشی سپرده و مانند دشمنان خونخوار آنان را تقبیح خواهد نمود.

همه شما حضار گرامی در این کارنامه‌ها و تحولات عظیم سپیم بوده و با کار، پیکار، خون و زندگی خویش صفحات پرشکوه تاریخ وطن ما را می‌نویسید. انقلاب شکوهمند ثور و حقیقت جریان انقلاب یک بار دیگر حقانیت گفتار رهبر بزرگ پرولتاریای جهان را مبنی بر اینکه، تسخیر قدرت سیاسی از حفظ آن آسانتر است، به ثبوت می‌رساند.

تمام نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع منطقه که توسط امپریالیست‌های امریکایی و هژمون‌های چینی حمایت می‌گردند، با شدت نام کوشش می‌نمایند تا ستم، فقر، جهل و بی‌سوادی را که در طول قرون متمادی روح آزاده مردم شریف افغانستان را تعجیز و تعدیب مینمود، حفظ کنند.

انسانی که فکر می‌کنند پیروزی در مبارزه به خاطر آینده شگوفان خود به خود، بدون کار و پیکار قهرمانانه ده‌ها و صدها هزار وطنپرست به دست می‌آید، سخت در اشتباه هستند.

شما باید به خوبی بدانید که دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور امریست که بیش از همه به خود مردم نجیب افغانستان متعلق می‌باشد. بنابراین این مساعی هر فرد افغان در این مبارزه باید روز افزون گردد. و باید خود مردم افغانستان از انقلاب آزادی‌بخش خود قهرمانانه دفاع کنند و این حکم پدر وطن ماست. باید به صراحت به شما جوانان اعلام بدارم و همچنان به جهانیان اعلام می‌داریم که قطعات محدود اتحاد شوروی به حیث یک نیروی ریزرف و ذخیره در برابر تجاوزات ارتجاع خارجی امپریالیستی در افغانستان می‌باشد. لیکن امر دفاع از انقلاب، مبارزه علیه اشراک و دزدان و دهشت افکنان و ساختمان جامعه اقتصادی - اجتماعی نوین به عهده شما جوانان افغانستان می‌باشد.

چنین تمایل اکثریت اهالی کشور، منجر به تأسیس جبهه ملی پدر وطن شده است که تأسیس این سازمان یک بار دیگر گواه به شکست کوشش‌های دشمنان برای احیا و تحمیل نظام منقر گذشته با استفاده از زور سلاح و ترور می‌باشد.

ما خوشبین هستیم، بنابراین عقیده داریم که مردم نجیب کشور ما توانایی آنرا پیدا خواهند نمود که همه بارهای سنگین ستم گذشته را از دوش خود بر کنار نموده با روح سرشار از کار و پیکار و مطمئن به فرادی شگوفان، به اعمار زندگی نوین خواهند پرداخت.

بهترین دلیل این حقیقت عبارت از آنست که نسل جوان کشور ما روز به روز به صورت فعال تر در جریان تطبیق وظایف حیاتی قرار گرفته و ضمناً خواص و صفات عالی از قبیل قاطعیت، شجاعت، مردانگی و قهرمانی را از خود نشان داده اند. جوانان کشور با تشکیل سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان پخته‌گی سیاسی

خویش را تبارز داده نشان دادند که بهترین نماینده‌گان جوانان از عهده اجرای وظایف کبیر و پرمسئولیت عاجز نخواهند ماند.

آمادگی و طنپږستان جوان برای پیروی از مسیر انقلابیون نسل ارشد و برای مبارزه به خاطر شگوفانی آرمان‌های والای انقلاب شکوهمند نور بیش از همه در ایفای موفتانه و وظیفه سباهیان جوان در قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان تبارز می‌نماید.

نقش عمده در دفاع از انقلاب در مبارزه علیه دشمنان انقلاب به جوانان و طنپږست تعلق می‌گیرد. صرف اردوی مجهز به سلاح و وسایط مدرن که پرسونل آن متشکل و از نظر سیاسی دارای آگاهی عالی باشد قادر است تا نیروهای اهریمنی دشمنان را شکست داده آنها را کاملاً نابودسازد.

اردو، خدمات اطلاعات دولتی و څارندوی از جمله آن نیروهایی در جمهوری جوان ما به شمار می‌روند که مردم به آنها چشم امید دوخته آنها را منحصیث نیروی رهایی‌بخش و مدافعین راستین خود تلقی می‌نمایند.

قوای مسلح ما وفاداری و ایمان خویش را به اهداف و آرمان‌های والای انقلاب شکوهمند نور به ثبوت رسانیده و در حال حاضر از دستاورهای آن شجاعانه دفاع کرده دشمنان انقلاب را نابود می‌نمایند. سربازان و طنپږست و شجاع ما در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان مردم زحمتکش افغانستان از خود قهرمانی و از خودگذری نشان می‌دهند. صدها تن از افسران، خردضابطان و سربازان اردو، کارکنان خاد و څارندوی به اخذ نشان‌ها و مدال‌های دولتی مفتخر گردیده اند.

ابتکار ستراتیژیکی کاملاً در دست دولت و قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد. باندهای بزرگ ضدانقلابی از بین برده شده و بقایای این باندها به گروپ‌های خرد و کوچک پراکنده شده اند. دشمن به ترور، تخریب راه‌ها، تهدید اهالی و ایجاد اوضاع وخیم و متشنج در کشور مبادرت ورزیده است. لیکن به مقصد نیل به پیروزی نهایی مردم نجیب کشور و قوای مسلح قهرمان ما باید اجرات خستگی‌ناپذیر دیگری را تکمیل ب دارند و ساحه فعالیت سازمان‌های جوانان اردو در این زمینه واقعاً بی پایان است.

در شرایط مبارزه حاد طبقاتی، ما به تسپلین متین نظامی ضرورت داریم که به حد اعظمی بر آگاهی انقلابی استوار باشد. تعمیل این آگاهی به توده‌های وسیع منسوبین اردو از وظایف مهم شما کادرها و فعالین جوان در قوای مسلح می‌باشد.

شما باید در واقعیت امر به مثابه معاون و همکار نزدیک قوماندانان، کارکنان سیاسی و سازمان‌های حزبی بوده اردوی ما را به یک ارگانیزم یکپارچه و پرفدرت مبدل ساخته، آنرا تابع یک اراده واحد نموده و مساعی ده‌ها، صدها و هزارها نفر را جهت

به دست آوردن هدف مورد نظر یعنی امحای نیروهای ضدانقلاب جلب نمایید. شما وظیفه دارید که در نهاد هر سرباز جوان حس مسؤولیت به خاطر سرنوشت انقلاب شکوهمند شور و مردم زحمتکش افغانستان را پرورش داده با نمونه‌های از مردانه‌گی و شجاعت شخصی تان توده‌های سربازان را به قهرمانی و فداکاری تشویق نمایید.

اردوی جمهوری مموکراتیک افغانستان بر اساس ایدیالوژی طبقه‌کارگر استوار بوده و از منافع کارگران و دهقانان زحمتکش و روشنفکران مترقی و سایر وطنپرستان دفاع می‌نماید. هیچکس نباید این واقعیت را فراموش کند و شما فعالین جوان باید نزدیکترین همکار حزب در تربیه و پرورش نظریات و عقاید انقلابی سربازان باشید تا آنان بتوانند از مواضع طبقه‌دردک نمایند که دوستان آنها و دشمنان شان کی‌ها می‌باشند و علیه کی‌ها باید به خاطر آینده درخشان مبارزه نمود. نیروهای ما به اندازه زیادی افزایش خواهد یافت به شرطی که هر وطنپرست جوان اردو از دل و جان آرمان‌های والای انقلاب شکوهمند شور را قبول نماید.

تطبیق این ضرورت، مستلزم بلند بردن درجه پرورش سیاسی و سواد می‌باشد. مبارزه علیه بی‌سوادی، ساحه مسؤولیت کار سازمان‌های جوانان و فعالین آنها را در اردو تشکیل می‌دهد. اردو بهترین مکتب پرورش سیاسی و آموزش سواد می‌باشد. درس بخوان، کارکن و از انقلاب دفاع کن! اینست شعار هر سرباز وطنپرست جوان افغان. سرباز باسواد، یک مبارز آگاه بوده و وظایف و اهداف انقلاب را زودتر درک نموده و موقف خویش را در این مبارزه به طور درست تشخیص می‌دهد. سرباز بی‌سواد خارج از سیاست و دور از تحولات انقلابی قرار دارد و نمی‌فهمد که این مبارزه سرسختانه برای کدام هدف صورت می‌گیرد. ازین نقیصه نیروهای سیاه ارتجاع وسیع استفاده سوء می‌نمایند.

رفقای جوان ارجمند!

وطن، سلاح و وسایط محاروبی مدرن را به دست شما سپرده است و آنکس و وطنپرست آگاه بوده می‌تواند که با فراگرفتن تخنیک این سلاح و وسایط از آن در محاربه به طور ماهرانه استفاده نماید. استعمال ماهرانه سلاح دست داشته با اندوخته آگاهی سیاسی، سرباز جوان و وطنپرست ما را شکست ناپذیر می‌سازد.

رفقای سرتیر و جوان افغان! باید دشمنان انقلاب از نیروی شما، از قدرت شما، از غرش طوفانزای شما در هراس و وحشت بیفتند و شما را به مثابه نیروی ضربتی قوی و قاطع در همه نقاط کشور تصور نمایند.

به شما اخپوری‌ها، تانکیست‌ها، استحکام‌چی‌ها، توپچی‌ها و هو آبازان شجاع خطاب مینمایم، دشمن باید مهارت محاروبی و قدرت ضربتی عالی شما را با گوشت، پوست و استخوان خود احساس نماید و از صحنه زندگی مردم افغانستان برای ابد محو

گردد.

قدرت اردوی ما در وحدت با مردم نهفته است. اردو از علاقه و پشتیبانی مردم برخوردار است بهترین فرزندان مردم سلاح در دست به خاطر آینده روشن و تابناک افغانستان مبارزه می‌نمایند. ما باید روز به روز این وحدت را مستحکم ترسازیم. مردم و اردوی که متحداً به سوی هدف واحد به پیش می‌روند، شکست ناپذیرند. هر یک از شما جوانان باید همیشه و به صورت پیگیر دوستی افغان و شوروی و همکاری محاروبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان را در دفاع از آزادی، استقلال و انقلاب با سربازان قطعاً محدود قوت‌های شوروی توسعه داده، این دوستی را مانند مردمک چشم محافظه و به این وسیله سهم شایستگی را در امر تحکیم مزید این دوستی ادا نمایید.

رفقا!

در حال حاضر وظیفه مهمتر از نابودی هرچه زودتر و کاملتر نیروهای ضدانقلاب و فراهم ساختن شرایط صلح، آرامش و مهیا نمودن کار مسالمت آمیز به مردم زحمتکش افغانستان وجود ندارد.

زنده باد انقلاب شکوهمند ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبر و الهامبخش انقلاب ما، حزب پرافتخار ما، حزب و افعاً قهرمانان و شهیدان راه نجات زحمتکشان افغانستان!

زنده باد دوستی جاویدان و خلل ناپذیر افغان شوروی!

زنده باد قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان این پاسدار صدیق و مدافع مطمئن انقلاب شکوهمند ثور، پاسدار صدیق و مدافع مطمئن آزادی و استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغان‌ها و کشور افغان‌ها!

زنده سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان همکار رزمنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کارنامه‌های حماسه آفرین، قهرمانانه و وطنپرستانه تاریخی آن!

رفقا!

جوانان سر باز و قهرمان افغان! همه با حزب، با دولت با مردم خود با انقلاب خود با تمام نیروهای خود بازو به بازو و شانه به شانه محکم و فشرده به پیش به سوی محو کامل و قاطعانه دشمنان انقلاب آزادی‌بخش زحمتکشان افغانستان!

بیانیه شفاهی هنگام توزیع مدال‌ها برای افسران و سربازان خارتدوی که از خود قهرمانی نشان داده اند. ۲۳ سنبله ۱۳۶۰

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق خارتدوی افغانستان قهرمان و نمونه را در جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهیم ساخت

رفقا دوستان سرباز، منسوبین خارتدوی قهرمان افغانستان انقلابی!

نخست درودهای گرم و سلام‌های رفیقانه کمیته مرکزی حزب پرافتخار ما ح.د.ح.ا، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و درودها و شادباش‌های خود را حضور شما رفقای قهرمان و فداکار وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان تقدیم میدارم.

جای افتخار تمام است که شما منسوب به وزارت داخله نوین افغانستان استید. با اظهار تأسف، اگر به خاطرات عم انگیز وزارت داخله کهنه افغانستان مراجعه کنیم دیده می‌شود که مردم رنجکشیده افغانستان، چه شکنجه‌های طاقت فرسایی را از طرف وزارت داخله، زیر نام ژاندارم و پولیس، بخصوص بعد از استقرار سلطنت سلسله مسنبد نادرشاه، کشیده اند.

ظلم و استبداد وزارت داخله دیروز، که به وسیله ژاندارم و پولیس، علاقه دارها، والیان و تحت امر صدراعظم‌های خونخواری چون هاشم خان و دیگران بر مردم افغانستان تعمیم شده است، فراموش ناشدنی است. مردم کشور از ظلم عاملین زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، در کوچه‌ها و بازار، در خانه، در ده، در شهر، مزارع و دفاتر، نه احساس مصنونیت شرف و زندگی میکردند، نه می‌توانستند مصنونیت ناموسی، ملکیت و آزادی داشته باشند. این خصوصیت وزارت داخله کهنه، خود یک لکه درشت ننگی بردامن طبقات حاکم ستمگر افغانستان بود. تا قبل از انقلاب ثور، به شمول دوره استبداد، ترور و اختناق «امین»، وزارت داخله افغانستان آله و وسیله شکنجه مردم بود. شرف، ناموس و آزادی مردم تحت پاشنه‌های آهنین وزارت داخله قرار داشت.

وزارت داخله کهنه، نه تنها حافظ و نگهبان منافع طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر فیودالی، متنفذین مستبد محلی و سلاطین خونخوار مرتجع بود بلکه کارمندان آن خود جلادان سنگدلی برای زحمتکشان کشور بودند.

پس از مرحله نوین انقلاب ثور، اگر فردی از کارمندان وزارت داخله بدون درک عمیق وجدانی، بدون درک فجایع گذشته وزارت داخله بخواهد به میتود، محتوا و

شکل قدیم وظایف خود را اجرا نماید متوجه باشد که در واقعیت امر، ادامه دهنده کار همان وزارت داخله ضد خلق و ضد دموکراسی باقی خواهد ماند. من ایمان راسخ دارم که چنین افرادی بعد از این در وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان راه نخواهند داشت.

من اطمینان کامل دارم که تمام شما رفقای فداکار، شریف و وطنپرست، دست به دست هم داده، چنین کسانی را که نصادفی در وزارت داخله نوین ما باقی مانده باشند، و یا داخل شوند، از وزارت داخله بیرون خواهید ریخت.

دیگر درباره سو ابقی ننگین ماشین اداره دولتی کهنه کشور و بخصوص وزارت داخله آن نمی پردازم. وظیفه ارگان‌های سیاسی و ایدئولوژیک وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان است که در این زمینه رساله‌ها تدوین نمایند و به پیشگاه مردم افغانستان ارائه دارند و در مقابل وزارت داخله نوین وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان را که تحت رهبری ج.د.خ.ا، حزبی که عقل، شرف و وجدان ماست، حزبی که پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان است، کار می‌کند، به صورت نمونه مترقی و طراز نوین به پیشگاه زحمتکشان در نظر و عمل ثابت نمایند. وزارت داخله جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب شهیدان، تحت رهبری حکومت جمهوری دموکراتیک، افغانستان، حکومت واقعاً دموکراتیک و انقلابی مردم ما، وظایف دموکراتیک، ملی و انقلابی خویش را نه تنها در نظر، بلکه در عمل و به صورت مشخص در سنگرها، کوچه، قریه‌ها و جاده‌ها به مردم کشور به انجام رسانند. خاندنوی باید با افتخار، چون سلاح نیرومند، در دست حزب و دولت باشد.

رفقای عزیز به مناسبت صحبت امروزی، القاب نظامی معمول وزارت داخله را مرور کردم، دیده می‌شود که ریشه این القاب در افعال «ساتل»، «خارل» و «سمول» پستو نهفته است و «خارل» یعنی نظارت کردن و دیده بانی کردن و «خاندنوی»، یعنی پیش فراولی که دیده بانی می‌کند، «ساتل»، یعنی نگهداری کردن و «سمول»، یعنی تنظیم کردن و سازمان دادن. ببینید رفقا، که کلمات دارای مفهوم وسیع پستو چگونه در القاب نظامی وزارت داخله وارد شده است، که فهم واقعی مفهوم هر کلمه کافی است که وظایف مقدس و عالی فرد، فرد کارمندان وزارت داخله ج.د.ا را صریح و روشن سازد.

دیروز، محتوای وظایفی که از معنای این کلمات منجلی بود به نفع طبقات ستمگر و استثمارگر، یعنی برای حفظ منافع سلاطین، اربابان فیودال، سرمایه داران و بیروکراتان فاسد آن دستگاه به کار برده می‌شد و این وظایف علیه توده‌های زحمتکش مردم قرار می‌گرفت. ولی امروز، به برکت انقلاب ملی و دموکراتیک مان که در آن ج.د.خ.ا به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن قدرت سیاسی را به

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق خاندنوی افغانستان قهرسان و نمونه را در جمهوری
دموکراتیک افغانستان خواهیم ساخت

دست دارد، خاندنوی موظف به دیده بانی و نظارت از حفظ منافع و مصالح نوده‌های
میلیونی زحمتکشان است. بالاتر از این شرف و افتخار، برای انسان جامعه ما وجود
ندارد که او در راه حفظ منافع نوده‌ها زحمتکش وطن خود، به حیث یک انسان بیدار،
دیده بان و نگهبان شجاع قرار داشته باشد.

همچنان این نیز افتخاری بزرگ است که خاندنوی ما محافظ نیرومند، هوشیار و
فداکار برای حفظ منافع و مصالح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نوده‌های
مردم کشور می‌باشد.

یکی از رهبران دوران انقلاب کبیر «درژنسکی» می‌گفت: قوای امنیتی کشور که
خاندنوی را هم احتوا می‌کند، باید مغز سرد، قلب گرم و دست پاک داشته باشد. مغز
سرد یعنی، هوشیار، خردمند، با درک سلیم برای درست و صحیح سازمان دادن و
دشمن را درست تشخیص کردن. قلب گرم یعنی قلب انسانی، قلب باعاطفه، قلب
وطنپرست توأم با عشق به مردم و انقلاب. در شرایط کنونی جمعیت این صفات در
وفاداری به انقلاب و دستاوردهای آن، آمادگی برای دفاع از آن تحت رهبری و
وفاداری به حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک
افغانستان منعکس است. برای خاندنوی انقلابی، حکم مغز یعنی خرد و دانش، قلب
و وجدان به مثابه دستور و فرمان است. لیکن در پهلوی مغز سرد و هوشیار و قلب
گرم، باید دست پاک نیز داشت. در برابر فرد فرد اتباع کشور، در برابر یک گل و
یک درخت میهن، در برابر ثروت‌های مادر وطن و در برابر یک وجب خاک جمهوری
دموکراتیک افغانستان نباید ذهن ما، قلب ما و دست ما ناپاک باشد. این است خصلت
وطنپرستانه و انقلابی که خاندنوی طراز نوین ما باید آنرا دارا باشد.

اکنون ما بایک جنگ اعلان نشده امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و ارتجاع
منطقه باهدستی هژمونیزم چین مواجه هستیم. علی‌الوصف اینکه ما سیاست
صلح‌جویانه و نجیبانه را دنبال می‌کنیم، باز هم دشمنان انقلاب و وطن، به تحریکات
و تجاوزات علیه انقلاب ما و دستاوردهای آن ادامه می‌دهند. اینجاست که امر بزرگتر
و عظیم‌تر یعنی حفظ استقلال ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ما مطرح می‌گردد.
اینجاست که وظیفه سنگین خاندنوی نبارزمی‌نماید، که وظیفه نه تنها دفاع از
مصنوعیت مریم زحمتکشی ماست؛ بلکه ما باید از شرف، ناموس و خاک مقدس خود
دفاع کنیم.

امروز مبارزان و مدافعان انقلاب و میهن، مایه افتخار انقلاب ما جمهوری
دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان اند. از آنجمله خاندنوی
که علی‌الرغم دشواری‌ها، کجروی‌ها ناملايمات و کمبودی‌ها، باز هم قهرمانانه
وظایف خود را اجرا می‌کنند و از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می‌نمایند. در
شرایطی که هر چه زودتر، سریعتر، قویتر و پرتوان‌تر باید بقایای تروریست‌ها،

باندیت‌ها، قطاع‌الطریقان و آدمکشان را از کشور محو و نابود سازیم. بخش عمده وظایف به عهده کارمندان قوای قهرمان خاندنوی ماست. همچنان یقین داریم که رفقا این مسئله را نیز درک کرده اند، که در شرایط کار صلح‌آمیز در کشور نیز، تأمین امنیت و مصنونیت کشور و مردم از دهات تا قریه‌ها و شهرها تا فابریک‌ها و مزارع، به عهده خاندنوی طراز نوین، خواهد بود. البته از کمک‌های سازنده اتحاد شوروی بزرگ سپاسگزاریم، که یاری رسان ما در خدمت ما به مردم، در حفظ آزادی و استقلال و در دفاع از خاک مقدس ما و مصنونیت و امنیت کشور ما، بوده اند.

رفقا، کارمندان عزیز خاندنوی ببینید، هموطنان ما که روزها سوی کار می‌روند و شب‌ها برای استراحت به خانه بر می‌گردند و میخو آند، تأمین مصنونیت شان را چه کسی به عهده دارد؟ آنان با اطمینان به کی باید احساس مصنونیت نمایند؟ آنان فقط و فقط به اطمینان به خاندنوی و وزارت داخله کشور، با آرامش زندگی می‌کنند و احساس مصنونیت می‌نمایند. زهی بدبختی زهی بدبختی یک کشور، که وزارت داخله و خاندنوی آن خو آب باشد، یا خود ضد مردم باشد. دشمنان انقلاب چرا از لباس خاندنوی برای مقاصد شوم و ننگین استفاده کرده به خانه‌های مردم جهت دستبرد به مال و جان آنها حمله می‌نمایند. واضح است: برای آنکه خاندنوی به پیشگاه مردم بدنام و بی اعتماد گردد.

وقتی که خاندنوی و وزارت داخله نزد مردم اعتماد خود را از دست می‌دهد، تأمین امنیت و مصنونیت مردم بی‌نهایت مشکل می‌گردد و حتی شاید ناممکن شود تا حدی که باید نام و تشکیلات خاندنوی و وزارت داخله را از تشکیلات کشور خارج ساخت

این خاندنوی است که هم در شرایط جنگ با ضدانقلاب و هم در شرایط کار صلح‌آمیز، وظیفه از بین بردن دزدان، شرارت پیشه‌گان و او باشان را که شیرازه نظم جامعه را بر هم می‌زنند، به عهده دارد.

رفقا! توجه کنید که چه وظایف سنگین و بس مهم در برابر خاندنوی قرار دارد. ولی دیده می‌شود که در زمینه وظایف، سهل‌انگاری‌هایی صورت می‌گیرد و جای امور جدی انقلابی را حرکت روی هوا، هوس‌ها و آمال شخصی می‌گیرد و لباس مقدس خاندنوی لکه دار می‌شود. رفقا، برای انسان‌های که وجدان بیدار انقلابی داشته باشند، شما احساس کرده باشید که این امر چه درد سنگینی در بر دارد در این مسائل از لحاظ اخلاق و کرکتر خاندنوی، امری مهم است. در پهلوی فراگیری ایدیولوژی طبقه کارگر، با دید سطح‌تریبیت، شعور، درک سیاسی، شناخت منافع زحمتکشان و شناخت جامعه و وطن را بالا برد. خاندنوی باید دارای شخصیت طراز عالی نسبت به تمام اتباع کشور، نسبت به تمام کارمندان حزبی و دولتی و هم خود دارای کرکتر

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق خاندوی افغانستان قهرمان و نمونه را در جمهوری
دموکراتیک افغانستان خواهیم ساخت

پاک و والا باشد. انقلاب ما، زحمتکشان ما، دولت و حزب ما، چنین خاندوی را
آرزومند است.

رفقا! آیا حاضرید چنین خاندوی را برای آینده به وجود آرید و رشد دهید؟ یقیناً
حاضر استید علی‌الرعم میراث بدی که برای ما باقی مانده است، شما بخصوص پس
از مرحله نوین انقلاب کارهای بزرگ قهرمانانه انجام داده اید. قهرمانی‌های بزرگتر
و فداکاری‌های زیادتیر لازم است تا بتوان در قلوب و عقول مردم جای گرفت و این
امر در طی سال‌ها میسر می‌شود.

به صورت قطع اطمینان می‌دهم که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و
به کمک دوستان ما، خاندوی قهرمان و نمونه را در ج.د.ا خواهیم ساخت.

رفقا، باهم به مثابه یک مشت آهنین، بادسیلین آهنین و آگاهانه با هوشیاری و پیگیری،
پاک و نجیب، تحت درفش و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت و
حکومت ج.د.ا گام به گام در راه ایجاد افغانستان نوین، مترقی و شگوفان، افغانستان
که دیگر در آن ستم و استثمار وجود نخواهد داشت، پیش می‌رویم و خاندوی ما در
جهت خدمت به منافع حزب و انقلاب و در جهت حفظ وحدت پولادین حزبی خود
قرار خواهد داشت.

بیانیه در محفل تقویض دیپلوم‌ها و مدال‌ها برای فارغان مؤسسات تعلیمی نظامی
۱۷ عقرب ۱۳۶۰

افسران جوان و انقلابی ما نقش عمده‌یی در توده‌یی ساختن اردوی قهرمان ما دارند

رفقا، افسران و محصلان مبارز و جوان!

امروز در زندگی قوای مسلح پرافتخار ما، روز باشکوه و سرورانگیز است. مؤسسات تعلیمی نظامی ما، یک گروه کادریهای جدید افسران جوان و تحصیل کرده را به اردوی انقلابی و پرافتخار، اردوی آزادی‌بخش مردم افغانستان تقدیم می‌نمایند.

برای من جای مسرت است که به نمایندگی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. هیات رئیسه شورای انقلابی و از جانب خود به مناسبت موفقیت‌های شما در امر به سر رسانیدن پیروزمندانه تحصیلات عسکری از صمیم قلب تبریک و شادباش گفته موفقیت‌های بیشتر شما را در خدمت پرافتخار عسکری تان آرزو کنم.

رفقای دوستان گرمی!

شما در لحظه حساس تاریخی در صف فعالترین و وفادارترین مدافعین انقلاب پرافتخار ثور جاهای خود را خواهید گرفت. وظیفه مبارزه مسلحانه برضد دشمنان انقلاب، نابودی کامل باندهای عناصر ضدانقلاب، اشرا و ایجاد شرایط صلح‌آمیز برای کار خلاق مردم افغانستان از همه چیز مهمتر است.

اگر تاریخ به قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش قاطعی در این امر مقدس سپرده است، پس واضح و روشن است که وظیفه افسر چنین اردوی انقلابی به چه اندازه عظیم و پرافتخار می‌باشد و چه مکلفیت‌های پر مسؤولیت به دوش شما دوستان عزیز محول شده است.

جای مسرت و خوشی است که جشن افسران جوان که به طور عنعنوی از آن همه ساله تجلیل می‌نماییم، امسال با جشن بزرگ تمام زحمتکشان جهان یعنی تجلیل از شصت و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتوبر مصانف شده است.

اجازه دهید که به نمایندگی از شما رفقای عزیز که در این تالار باشکوه حضور دارید، به دوستان شوروی ما تبریکات گرم و صمیمانه را تقدیم نموده به نمایندگان دوست کبیر و صمیمی ما اتحاد جماهیر شوروی، وطن اکتوبر کبیر، وطن رهبر پرنبوغ آن ولادیمیر ایلیچ لنین، احساسات عظیم، محبت و احترام بی پایان را ابراز

بدارم.

اکتوبر کبیر، آغاز عصر جدید تاریخ بشریت و عصر تجدید انقلابی تمام جهان را بنیان گذاشت. اگر چه این مدت از نگاه تاریخ کوتاه است، لیکن به طور واضح و آشکار نیروی حیاتی عظیم اندیشه‌های انقلابی را که بر مردم جهان نفوذ کرده است، به اثبات رساند. برای مردم قهرمان افغانستان، اهمیت اکتوبر نه تنها در آن است که برای ما سیر بیکار و مبارزه، راه آینده تابناک را روشن ساخته است، بلکه اکتوبر کبیر به طور قانع کننده نشان داد: مردمی که از یوغ و زنجیر اسارت نجات یافته، شکست ناپذیر است.

دشمنان افغانستان ازاد باید بدانند که تمام دسایس خصم آلود و توطئه‌های شان نقش بر آب گردیده و انقلاب پرافتخار شور ما شکست ناپذیر است.

علی‌الرغم مقابله سرسختانه دشمنان طبقاتی ما، سال چهارم است که کشور ما، به طور پیگیر زنده‌گی نوین را اعمار می‌نماید. زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری پیشاهنگ خود یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به موفقیت‌های چشمگیر در حل وظایف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نایل آمده‌اند. در دشوارترین شرایط وضع داخلی و بین‌المللی، نظر به خطمشی تعیین شده از طرف حزب و دولت، اقتصاد ملی کشور بسط و توسعه می‌یابد.

اصلاحات ارضی دموکراتیک دوام دارد. حقوق و معاش بسیاری از کارگران و ماموران افزایش یافته است، پایه و اساس اجتماعی انقلاب مستحکمتر گردیده و رو به تکامل است. متحد شدن نیروهای مترقی و وطنپرست تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان در چارچوب جبهه ملی پدروطن جریان دارد حیثیت و اعتبار جمهوری دموکراتیک افغانستان در صحنه بین‌المللی از دیداد می‌یابد.

با اطمینان کامل می‌توان گفت که سیاست داخلی و خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد قبول و پشتیبانی گرم قشرهای وسیع کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون، تاجران و طندوست، کوچی‌ها و تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان عزیز ما گردیده است. در عین زمان این سال‌ها، سال‌های سرشار از مبارزه سرسخت در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب شور بوده است.

نیروهای وطنپرست کشور و تمام مردم زحمتکش ما، در مقابل اعمال تجاوزگرانه عناصر ضدانقلاب که از طرف امپریالیزم امریکا و تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و جهان حمایت میشوند، به خاطر جنگ انقلابی به پا خاسته‌اند. در این مبارزه مسلحانه، حقیقت تاریخی به طرف مردم ماست. این مبارزه عادلانه ما مورد پشتیبانی وسیع تمام نیروهای مترقی جهان قرار گرفته است. هرچند که دشمنان و تخریبکاران

انقلاب به صورت جنون آمیز به هیجان آمده اند، باز هم موفقیت و پیروزی کامل و نهایی ما حتمی است.

می‌خواهم خاطر نشان سازم که در مبارزه مسلحانه مردم ما علیه دشمنان انقلاب، نقش قاطع به عهده قوای مسلح قهرمان ماست. آنها با افتخار نام عظیم اردوی انقلابی را به اثبات رسانیده و به موفقیت‌های بیشتر و بیشتر، نایل گردیده اند. با عملیات فعال محاربوی قطعات و جزوات‌های بزرگ اردو به دشمنان ضربات قابل ملاحظه وارد شده و باندهای بی‌شمار اشرار از بین برده شده است. عناصر ضدانقلاب جای پای خود را از دست داده اند. آنها مجبور به تغییر تکتیک و مانور شده اند، در بین اهالی پنهان میشوند، مگر بسیاری از باندهای اشرار مقاومت خود را بیهوده دانسته با درک ضعف خود، سلاح خود را به ارگان‌های دولتی تسلیم می‌نمایند. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب، هیات رئیسه شورای انقلابی و دولت جمهوری نموکراتیک افغانستان سهم قوای مسلح را در حل وظایف دفاع از انقلاب به طور عالی ارزیابی می‌کنند. سربازان خردضابطان و افسران ما در مبارزه علیه دشمنان از خود شجاعت و قهرمانی نشان می‌دهند.

بیش از یک‌هزار از منسوبین اردو به اخذ مدال‌های عالی دولتی نایل شده اند. برای من جای مسرت است یادآور شوم که بسیاری از افسران فارغ التحصیل ماه حمل سال جاری موفق به اخذ مدال شده اند و افسران جوانی که در این تالار باشکوه حضور دارند، در دوره تحصیلات خود، آن وقت که شرایط ایجاب کرده اسلحه به دست، دلیرانه در مقابل اشرار رزمیدهند.

در این مبارزه برحق و فداکارانه، بسیاری از سربازان و افسران، به نام سعادت و خوشبختی آینده مردم ما، سعادت و خوشبختی نسل‌های آینده افغانستان از نیرو و حتی از جان شیرین خویش دریغ نورزیده اند، افتخار به قهرمانان و مدافعان شجاع انقلاب!

مردم قدر شناس و نسل جوان ماهیچگاه قهرمانی‌های آنان را فرامو نخواهند کرد.

رفقا! باوجود موفقیت‌های بی پایان در امر مبارزه با عناصر ضدانقلاب، وضع در کشور به حالت وخیم تا کنون باقی مانده است. دشمن هنوز به صورت کامل از بین نرفته است، علاوه بر نیروهای امپریالیستی جهان و ارتجاع که در رأس آن ایالات متحده آمریکا، چین، پاکستان، ایران، مصر، عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های ارتجاعی قرار دارند، کمک‌های خود را به دشمنان مردم ما زیاد ترساخته اند. آنها به صورت بی‌شرمانه و به پیمان‌ه وسیع دشمنان ما را با اسلحه مدرن و جدید تسلیح نموده، در اردوگاه‌های متعدد، باندهای مزدوران جدید را تربیه کرده به سرزمین مقدس ما میفرستند. این ناپکاران در خاک مقدس ما اعمال وحشیانه را انجام داده، پیران و کودکان ما را به قتل رسانیده، شفاخانه‌ها و مکاتب را آتش زده و به اقتصاد

ملی خسارات بیشمار وارد آورده اند. باید به جنایات خون آشام دشمن خاتمه داد. هیچ يك وطنپرست صادق وطن ما نباید که با اعمال وحشیانه این آدمکشان و دزدان سابقه دار که مزدوران اجیر امپریالیزم بوده مانع اعمار رندمگی با سعادت ما میشوند، خونسردانه نگاه کند. طوری که معلوم است بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب ما در این اواخر یک سلسله تدابیر بس بزرگ سیاسی اتخاذ کرده است. شورای دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان که دارای اختیارات عام و تام است، به مقصد بسیج کلیه نیروهای جمهوری دموکراتیک افغانستان غرض سرکوبی قاطعانه عناصر ضد انقلاب تأسیس شده است. وظایف تشدید مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب در جلسه فعالین حزبی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد بحث و پشتیبانی عام و تام قرار گرفته و برای تطبیق پلانحراف آن، از طرف تمام سازمانهای حزبی، ملکی و نظامی تصمیم لازم اتخاذ شده است. در کمیته مرکزی حزب ما ملاقات پراهمیت و مهم با هیات اداری، قوماندانان و کارکنان سیاسی اردو، خاد، خاندوی، آمرین زونها، منشیهای کمیتههای حزبی ولایتی، والیها و کارکنان سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در قوای مسلح صورت گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان توجه خاصی و مواظبت دایمی نسبت به اردوی ما منحیث نیروی اصلی در مبارزه علیه دشمنان انقلاب شور میزدول میدارد و به برکت کمک اتحاد شوروی، اردوی ما با اسلحه و تخنیک محاربوی مدرن و عصری مجهز شده و می شود. به طور دوامدار نقش و نفوذ سازمانهای حزبی و سازمانهای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در اردو افزایش یافته است. در بین افسران، خردضابطان و سربازان تعداد اعضای آزمایشی اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان زیاد می گردد و کارهای عظیم جهت پختهگی ایدئولوژیکی پرسونل و محو بی سوادی جریان دارد. یک سلسله اقدامات مهم جهت بلند بردن حیثیت کادرهای افسران و تأمینات مادی آنها اتخاذ شده است و تقریباً سوم حصه افسران به ترفیع نوبتی خویش نایل شده در حدود پنج صد نفر که تعداد بیشتر شان افسران جوان استند به صورت فوق العاده ترفیع کرده اند.

سهمیه توزیع زمین به افسران و فامیلهای شان محدود نگردیده، زمین و آب به نوبت اول به کسانی داده می شود که علیه دشمنان می رزمند.

امید بزرگ مردم، حزب و دولت ما به افسران بوده، کارهای باارهم مؤثرتر و فعالتر کادرهای افسران را انتظار دارند. یکی از مقتضیات مهم امروزی ما که کادرهای افسران در آن نقش عمده دارند عبارت از تأسیس اردوی تودهمی است که در مفهوم عام آن باید ماهیتاً مردمی، عصری، خوب تعلیم و تربیه دیده و دارای قابلیت محاربوی عالی باشد.

قبل از همه لازم است که اردو طبق تشکیل اکمال شده تعلیم و تربیه عالی، سیاسی و

محاربوی که به ایجابات پیشبرد عملیات محاربوی موفقانه جواب بدهد، ترتیب و تنظیم یابد. و از همه زیادتیر متوجه تعلیم و تربیه سیاسی و محاربوی مجلوبین جدید احتیاط گردیده، کوشش شود که از جمله سربازان و خردضابطان که امسال ترخیص میشوند، تعداد زیادشان داوطلبانه ادامه خدمت را قبول نمایند و از فرار سربازان جداً جلوگیری به عمل آید.

منافع دفاع از دستاوردهای انقلاب ما، خواستار ارتقای همه جانبه و مؤثر پیشبرد عملیات محاربوی علیه باندهای ضدانقلاب می‌باشد.

حزب و دولت اعتقاد کامل دارد که کادرهای افسران از خود ابتکار و فعالیت بیشتر نشان داده و تمام معلومات عسکری و تجارب عملی خویش را متوجه پیشبرد عملیات محاربوی باز هم مؤثرتر و نابودی هرچه زودتر باندها و عناصر ضدانقلاب در هر محل و زمانی که پیدا شوند، می‌سازند.

در شرایط کنونی، مسدود کردن سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان یا پاکستان و ایران نقش عظیمی را داراست، زیرا دشمنان انقلاب ثور از ناتوانی و عدم موجودیت نجارب قوای سرحدی ما سوءاستفاده نموده بدون هیچ نوع ممانعت از سرحدات ما باندهای مسلح و کاروان‌های اسلحه و مرمی عبور کرده و بقایای باندهای اشرار شکست خورده به مقصد نجات جان خود از محو و نابودی کامل، دوباره به خارج می‌روند.

وظیفه پرافتخار و مقدس ما، عبارت از تبدیل قوای سرحدی به نیروی قاطع و مطمئن و مدافع شجاع سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد. شرط حتمی بلند بردن قابلیت محاربوی اردو و نابودی کامل عناصر ضدانقلاب، عبارت از تأمین وحدت و یکپارچه‌گی سازمان‌های حزبی در اردوست.

افسرانی که اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشند، موظف اند در صف اول مبارزه تأمین وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان علیه فرکسیون‌جازی و گروپ بندی قرار بگیرند. البته غیرحزبی‌های نظامی ما داوطلبانه اعضای جبهه ملی پدروطن محسوب می‌گردند.

رفقای عزیز! لازم میدانم که در زمینه وحدت ارگانیک و واقعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان چند حرفی علاوه کنم:

از اینجا و آنجا بعضی از رفقا ناگفته، در حقیقت امر، فریب تبلیغات دشمنان را که از رادیوهای خارج صورت می‌گیرد، می‌خورند. اینجاست که باید رفقای جوان ما، خون تازه اردوی ما، متوجه امر بی‌نهایت عظیم و سهمگینی در زمینه وحدت اردوی افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تحت رهبری دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در پیوند با مردم باشند و باید وحدت اصیل

خود را، وحدت واقعی خود را، تأمین نمایند.

طوری که حفیظ الله امین ناامین میگفت که وحدت ما تاکتیکی است، نه، بلکه اکنون باید تمام رفقا این اصل را درک و تشخیص بدهند که وحدت، اصل اساسی، قانون اساسی، همیشگی و جاودانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان به شمار می‌رود.

رفقا! کسانی که وحدت را به مثابه تاکتیک تلقی می‌کنند، جای شان همانجایی است که امین و امینی‌ها قرار گرفته اند.

رفقا من با تمام مسؤولیت، به پیشگاه شما اعلام میدارم که پروسه وحدت ازگانیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام به گام با منانت و با اطمینان کامل به پیش می‌رود و پرورش، رشد و تکامل خود را درست و اصولی طی می‌نماید.

چهار اصل وحدت در حزب ما روز به روز رشد و تکامل عالی می‌نماید:

وحدت ایدیولوژیکی ما، یعنی وحدت از لحاظ تنوری مترقی و تیوری انقلابی، رفقا، آیا کسی درینجا پیدا می‌شود یا در خارج ازین تالار که یا تیوری انقلابی و ایدیولوژی طبقه کارگری به حزب طراز نوین، موافقت نداشته باشد و تا اکنون ما چنین صدایی را نشنیده ایم، پس وحدت ایدیولوژیک حزب ما برقرار و مستقر است.

اصل دوم، وحدت سیاسی و معنی وحدت در خطمشی جاری و خطمشی عمومی، یعنی وحدت از لحاظ تکتیک و استراتیژی، تا کنون هیچکس در حزب پیدا نشده که از لحاظ خطمشی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مخالفت خود را رسماً یا شفاهی در جلسات حزبی انتقال داده باشد، لهذا ما می‌بینیم که وحدت سیاسی موجود است، یعنی وحدت از لحاظ تکتیک و استراتیژی، یعنی خطمشی سیاسی جاری و عمومی کاملاً در وحدت است.

- اصل دیگر وحدت سازمانی است. ما به خوبی می‌بینیم که تمام رفقای ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالانه در سازمان‌های اولیه خود اشتراک می‌ورزند، و از تصامیم و فیصله‌های مقامات بالایی حزب اطاعت می‌کنند، همچنان به این ترتیب به ملاحظه میرسد که وحدت سازمانی در حزب پروسه تکامل خود را درک و اصولاً تعقیب می‌نماید.

همچنان وحدت رهبری، من به پیشگاه رفقا، بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور ابلاغ میدارم که تمام فیصله‌ها، تمام تصاویب، در پلینوم‌های کمیته مرکزی و چه در بیروی سیاسی، چه در دارالانشا چه در هیات رنسه و شورای انقلابی، چه در شورای وزیران، به اتفاق آراء تصویب، حل و فصل گردیده است.

به این ترتیب با وضاحت دیده می‌شود که وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در عرصه نظامی و ملکی پیروسه واقعی، ارگانیک، اصولی و لنینی خود را طی می‌نماید. ولی اینجا و آنجا بنا بر نفوذ دشمن، و بنا بر شرایط عینی عقب‌ماندگی جامعه، که هنوز شرایط فیودالی و ماقبل فیودالی بر روحیه اش نفوذ دارد، بعضی از عناصر در داخل حزب پیدا می‌شوند که انضباط و دیسپلین حزبی را رعایت نمی‌کنند و دست به خرده‌گیری، خرده کاری و محفل بازی می‌زنند.

حزب آگاه است. رهبری تمام این عناصر را می‌شناسد و لیکن موقتاً بنا بر اصولیت برای چنین اشخاص مجال و فرصت داده می‌شود که خود را تجدید تربیت نمایند. خود را تصحیح کنند در غیر آن با شهرت نیرومند حزب ما از عرصه زندگی سیاسی خارج خواهند شد.

به این ترتیب کسانی که به وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان جفا می‌کنند، آگاهانه و یا ناآگاهانه خیانت می‌کنند و اینها در پیشگاه مادر وطن غیر قابل عفو هستند، لذا اول وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هم در عرصه نظامی و ملکی و هم بسیج تمام نیروهای متحد در جبهه ملی پدر وطن، با قدرت و اتکای اردوی قهرمان افغانستان، در پیوند نزدیک با توده‌های مردم برای محو و نابودی کامل ضدانقلاب و اشرار و باندهای صادر شده از خارج، اینست راه ما!

هرگاه فرزندان افغان این اصل را تماماً به صورت دیالکتیکی پیوند ندهند و به خرده کاری و خرده گیری دست بزنند و به خود خواهی‌ها و جاه طلبی‌ها و مقام پرستی‌ها بپردازند این امر دیگر برای رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان قابل تحمل بوده نمی‌تواند

رفقا، دوستان!

دوستی و همکاری برادرانه با اتحاد شوروی کبیر ضامن پیروزی انقلاب ثور می‌باشد. این اصل را هم به موازات وحدت حزب، بسط و توسعه جبهه ملی پدر وطن، وحدت اردوی قهرمان افغانستان، با انضباط آهنین، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، همه با دوستی برادرانه با اتحاد شوروی، ناگسستنی است.

مردم ما از کمک‌های انترناسیونالیستی و بی‌غرضانه قطعات محدود اتحاد شوروی در امر دفع دشمنان افغانستان به طور شایان، قدردانی می‌نمایند. وظیفه ملی و بین‌المللی تمام افسران است که این دوستی را حفظ کنند. همبستگی محاروبی قوت‌های افغان شوروی را تحکیم بخشند و تمام پرسونل اردو را با روحیه وطنپرستی و انترناسیونالیستی، برادری تمام اقوام و ملیت‌ها و قبایل جمهوری دموکراتیک افغانستان و وفاداری به دوستی افغان شوروی، پرورش نمایند. موفقیت در جنگ انقلابی بدون سرباز مبتکر و آگاه امکان پذیر نیست.

به این سبب یکی از مهمترین وظایف افسران آن است که رزمندگان وفادار در راه سعادت و خوشبختی مردم و مدافعان فعال و آگاه را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب تربیه و پرورش نمایند. و همچنان لازم است که خردضابطان و سربازان را با روحیه انزجار و نفرت عمیق نسبت به دشمنان تربیه نموده به دشمنان طنقاتی رحم نکنند.

زمان ایجاب می‌نماید که هر سرباز، خردضابط و افسر با روحیه عالی و فعالانه انقلابی دارای دسیلین متین و اطاعت کامل باشد.

ما باید با روحیه انقلابی کار کنیم. همه چیز برای نابودی دشمنان است. اینست دستور، حکم و مقتضیات زمان ما!

رفقای گرامی، افسران، فارغ‌التحصیلان عزیز!

در پوهنتون‌های عسکری، شما معلومات سیاسی عسکری، مسلکی و پخته‌گی ایدئولوژیکی را کسب نموده اید، اما فعلاً خود زنده‌گی، قهرمانی‌های روزمره اردوی ما و کارهای محاروبی آن، معلم اصلی و ممتحن سختگیر شما می‌باشد. هریک از شما به وظیفه مشخص قوماندانی سیاسی و تخنیکی تعیین می‌شوید. در هر جایی که خدمت می‌نمایید در هر شرایطی که قرار می‌گیرید، باید همیشه به خاطر داشته باشید که شما مربوط به سپاه افسران اردوی انقلابی جدید که هدف یگانه آن دفاع از منافع مردم زحمتکش است، می‌باشید و خود خصلت چنین اردو خصوصیت عالی مسلکی و سیاسی را که هریک از شما داشته باشد، تعیین می‌نماید.

شما باید در عمل انتقال دهنده‌گان سیاست حزب در اردو شوید! به طور مصرانه سعی نمایید تا در جزو نام‌های شما جمعیت‌های واحد و یکپارچه تأسیس شود که در هر نوع وضع جهت امحای باندهای ضدانقلاب قادر به اجرای وظایف محاروبی باشد.

می‌خواهم خاطر نشان سازم که مهمترین فعالیت افسران، کار با پرسونل است. افسرانی که دارای پخته‌گی ایدئولوژیکی و دارای وفاداری بی پایان به حزب و مردم بوده به طور ماهرانه از تخنیک محاروبی استفاده می‌نمایند و موفقیت در هر نوع عمل را به دست می‌آورند. هیچگاه این امر را فراموش نکنید که باید امرین سختگیر و دلسوز باشید. دایماً به ضروریات و خواست‌های مادونان خویش توجه و مواظبت نمایید. نزدیکی و احترام به شخص سرباز باید نیاز طبیعی هریک از شما باشد.

شدت مبارزه مسلحانه، اسلوب و مینوذهای ابلیسانه‌یی که دشمن از آن استفاده می‌نماید و خواستار آنست که بر معلومات نظامی تخنیکی موجوده خویش قناعت نکرده آنرا هر لحظه بسط و توسعه بخشید. لازم است تا به طور کامل از نیرو و قدرت سلاح خود استفاده کرده و عملیات محاروبی را به طور ماهرانه سوق و اداره نموده،

دشمنان را حتماً از بین ببرید. همیشه به خاطر داشته باشید که موفقیت‌ها در مبارزه علیه دشمنان زمانی امکان پذیر است که شما دارای اراده متین، نیروی ابتکار، استقلال داوری، تسلیین عالی شخصی، اطاعت، دلاوری، جدیت، شجاعت و قهرمانی بی پایان در محاربه باشید. من اطمینان کامل دارم که هر یک از شما روز به روز این خصوصیات فوق‌العاده عالی را به طور مؤثر توسعه و تحکیم خواهید داد. افتخار انقلابی، شایسته‌گی افسر اردوی طرارنویین را باید به طور عالی حفظ کرد، اجرای وظیفه عسکری را مقنس شمرد.

رفقا!

فارغ شدن از پوهنتون عسکری، نه تنها رویداد مجلل و پرافتخار برای فارغ‌التحصیلان است، بلکه برای قوماندانان و کارکنان سیاسی، هیات محصلان و استادان و مؤسسات عسکری نیز می‌باشد. آنها برای شما نه تنها معلومات خود را بلکه برای هر یک شما دل و جان خود را داده اند و همچنان برای آموزش و آگاهی طبقاتی و ایمان راسخ به آرمان‌های انقلاب شور، کار عظیمی انجام داده اند. اجازه دهید، از طرف شما، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب ما و شورای انقلابی به معلمان و استادان شما نسبت فراغت گروپ جدید افسران تیریک گفته از کار نجیبانه و افتخارآمیز شان از صمیم قلب تشکر کنم.

هیچ تردیدی نیست که آنها در آینده هم کیفیت پروسه تعلیمی و آموزشی را ارتقا داده به طور مصرانه خصوصیات محاربوی مورال عالی افسران آینده اردوی قهرمان ما را تکمیل می‌نمایند.

در حالی که شما را به راه نیک مشایعت میکنم، اجازه دهید که با اطمینان کامل ابراز بدارم که شما فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌های عسکری و شو ونخی عسکری، با افتخار اعتماد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مردم قهرمان افغان را با خود دارید. لذا باید مقام شایسته‌یی را در صف عسکری اخذ نمایید و سهم قابل ملاحظه‌یی را در امر ارتقای احضارات محاربوی قوای مسلح پر افتخار ما و جهت نابودی سریع عناصر ضدانقلاب بگیرید.

به آرزوی موفقیت‌های بزرگ و سعادت شخصی‌تان!

زنده باد انقلاب پرافتخار شور و حزب دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی رهبری کننده و الهام‌بخش آن!

زنده باد دوستی خلل ناپذیر و جاودان افغان شوروی!

زنده باد قوای مسلح قهرمان ج.د.ا این پاسدار وفادار و مدافع مطمئن و شجاع انقلاب شور!

رفقا، دوستان همه یکجا دست به دست، به پیش در راه نابودی قاطع و کامل عناصر ضدانقلاب!

بیانیه هنگام افتتاح دهمین اجلاس هیات رنیه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و
افریقا در کابل ۲۷ عقرب ۱۳۶۰

مردم ما، سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و افریقا را مظهر اتحاد تمام جنبش‌های انقلابی و رهایی‌بخش این قاره میدانند

مهماتان گرامی، دوستان، نمایندگان محترم و رفقای عزیز!

مقدم بر همه، اجازه دهید ورود شما نمایندگان پراعتبار مبارز در راه صلح، ترقی
اجتماعی، آزادی، عدالت و حقوق بشری را که به خاطر ابراز همبستگی پیکارجویانه
بافغانستان انقلابی که هم اکنون آماج ننگینترین دسایس تجاوزات و مداخلات
مسلحانه امپریالیزم و شو و نیزم قرار دارد به وطن انقلابی را به نمایندگی از کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و مردم افغانستان و از
طرف خود شادباش بگویم و گرمترین درودهای انقلابی را به همبستگی تقدیم بدارم.

زحمتکشان افغانستان انقلابی به کار این کنفرانس که نمودار همبستگی پایدار
خلق‌های برادر با مردم ما در مبارزه آن علیه جنگ اعلان ناشد امپریالیزم بین‌المللی
به سرکردگی امپریالیزم جهانخوار ایالات متحده آمریکا، هژمونیت‌های خاین چین،
ارتجاع عرب و منطقه، به خاطر صیانت از تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی
کشور ما می‌باشد، به دیده قدر نگرسته ایمان کامل دارند که این کنفرانس ضربه گیج
کننده بی دیگری به امپریالیزم هار ایالات متحده آمریکا، رهبران چین مانویست،
ارتجاع منطقه و ارتجاع عرب وارد خواهد نمود.

جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم علیه افغانستان دموکراتیک و انقلابی بگ پدیده
مجرد نبوده، بلکه بخشی از تهاجم وسیع امپریالیزم بین‌المللی علیه نیروهای صلح و
ترقی اجتماعی جهان است. کلید پیروزی در این نبرد عظیم تاریخی فقط و فقط تحکیم
و توسعه هرچه بیشتر همبستگی رزمجویانه سه نیروی انقلابی دوران ما، سیستم
جهانی سوسیالیزم، جنبش نجات‌بخشی طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و
جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در سراسر جهان به اتکای مبارزه دلیرانه مردم قهرمان
کشور ما به خاطر آزادی، سعادت و بهروزی نوده‌های مردم می‌باشد.

سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و افریقا که امروز جهت پشتیبانی از مبارزه برحق
مردم ما در کانل، مرکز کشور انقلابی ما به نذکار بیستمین سالگرد ایجاد جنبش عدم
انسلاک، گردهمایی کنونی را تشکیل داده است، از آغاز فعالیت خود در دفاع از
مبارزه خلق‌های مظلوم برای رهایی از سلطه خونین استعماری قرار داشته و به
مبارزه کشورهای جوانی که به کسب استقلال سیاسی نایل گردیده اند، کمک نموده

است.

زحمتکشان افغانستان انقلابی سهم بزرگ سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا را در تحکیم، توسعه و گسترش پیوندهای پیکارجویانه میان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و جنبش عدم انسلاک با کشورهای سوسیالیستی ارج گذاشته بر آن است که این جنبش همبستگی نوع بخصوصی از همکاری و تأثیر متقابل سه نیروی انقلابی عصر ماست که در پیشاپیش آن سیستم جهانی سوسیالیزم و در صدر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار دارد.

تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین‌المللی به طور روزافزون به سود تعمیق دینانت، صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیزم و نه زیان جنگ و امپریالیزم، راسیزم، آپارتاید، فاشیسم و صهیونیسم در تغییر است. امپریالیزم ایالات متحده آمریکا با اینکه با شکست‌های شدیدی رو به رو گردیده است از ختمش ماجراجویانه ضد صلح روگردان نیست. امپریالیزم آمریکا با برنامه‌های نظامی تولید اسلحه نیوترونی و طرح جنگ هستوی محدود در قاره اروپا که اخیراً ریگن رئیس جمهور این کشور پیرامون آن تذکراتی داد، تروریسم بین‌المللی، تدارکات و آمادگی‌های نظامی، مسابقه لجام گسیخته تسلیحاتی و سیاست احیای جنگ سرد که در اثر آن پیچیده‌گی‌ها و تشنجاتی در مناسبات بین‌المللی پدید آمده است نگرانی جدی تمام نیروهای صلح‌دوست جهان را برانگیخته است. اما از برکت سیاست صلح اتحاد شوروی، سیاستی که با ماهیت جامعه سوسیالیستی پیوند ارگانیک دارد، نقشه‌های امپریالیزم نقش بر آب گردیده و برطرف کردن و دورساختن فاجعه خطر يك جنگ هستوی و تثبیت استوار اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در مناسبات بین‌المللی به پیمانته زیاد پیروز گردیده است.

دوستان عزیز، رفقا!

امپریالیزم ایالات متحده آمریکا و کلیه نیروهای هار ارتجاع بین‌المللی و هژمونیست‌های پیکنگ از بدو پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی شور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن با تلاش‌های مذبحانه در راه پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور ما سنگ اندازی نموده و با سازمان دادن و ایجاد اردوگاه‌های آموزش جنگی و تربیه اجیران مزدور ضدانقلابی افغانستان در سرزمین پاکستان که این کشور به مثابه تخته خیز تجاوز و مداخله نظامی امپریالیزم بین‌المللی علیه کشور ما عمل می‌کند، سبوتاژ و تخریب را به راه می‌اندازند. اما علی‌الرغم تمام دسایس بی‌شرمانه امپریالیزم و هژمونیسم، مردم ما در راه ساختمان جامعه نوین به کار و پیکار انسانی خویش ادامه می‌دهند. هم اکنون رشته‌های اقتصاد ملی کشور به صورت هماهنگ رشد می‌کند، کار تولید بسیاری از رشته‌های صنایع که به کمک برادرانه کشورهای سوسیالیستی اعمار گردیده اطمینان بخش است. به

همین ترتیب آهنگ رشد تولیدات زراعتی يك میزان قابل ملاحظه رشد را نشان می‌دهد.

پروژه اجرای وظایف عمومی انقلاب ملی و دموکراتیک ما در مرحله کنونی بخصوص با تحقق اصلاحات ارضی که هم اکنون وارد دومین مرحله خود گردیده باعث تحکیم پایه‌های اقتصاد ملی و بالاتر ارتقای سطح زندگی زحمتکشان متناسب به قوانین تکامل اجتماعی گردیده است. جمع‌بندی کار خلاقه پرتلاش و خستگی‌ناپذیر که حزب دولت انقلابی ما در عرصه رشد اجتماعی و اقتصادی انجام داده است و طرح و تدوین پلان‌های انکشافی نشان می‌دهد که اثرات عظیم کمک‌های انترناسیونالیستی و بی‌شایبه کشور بزرگ شوراهای در آن برجسته می‌باشد.

از برکت سیاست خردمندانه و سنجیده حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان اطمینان و اعتقاد زحمتکشان کشور به انقلاب به صورت روز افزون بارور می‌گردد. درین میان برگشت هزاران هموطن عذاب‌دیده ما به وطن انقلابی شان نمودار منطقی وضع است. یکی از دستاوردهای بزرگ کار خستگی‌ناپذیر حزب و دولت انقلابی ما توسعه پایگاه‌های اجتماعی انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان است که در وجود جبهه ملی پدر وطن تجسم مادی یافته و به صورت مستدام دامنه و گسترش بی‌سابقه می‌یابد. پیامد منطقی مساعی حزب و دولت در مجموع جامعه ما هما نا تأمین قانونیت دموکراتیک و انقلابی در کشور ماست.

دوستان عزیز و رفقا!

اقدامات پیروزمندانه کنونی ما در جهت اعتلای اقتصادی و اجتماعی به عنصر پر اهمیت استحکام تشکیلاتی و ایدئولوژیک حزب ما ارتباط منطقی دارد. حزب ما از لحاظ استحکام سازمانی به یک حزب رزمنده و بانضباط مبدل گردیده است. در دوران‌های دشوار نبرد انقلابی که تا کنون حزب ما از سر گذرانده است، همه اعضای حزب به خوبی پخته‌گی سیاسی، آبدیده‌گی انقلابی، وفاداری به آرمان حزب و وطنپرستی را از خود تبارز داده‌اند. اعضای حزب ما با درک دقیق از شرایط کشور، منطقه و جهان و از دشواری برای نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما واقف اند. مسلماً این وضع سطح عالی سازماندهی، دسپلین و وحدت را از ما مطالبه دارد ما با بسیج تمام نیروها در يك صف واحد با استحکام بخشیدن پیهم حزب و یگانگی آن و وظایف دشواری را که در برابر ما قرار دارد، بدون شك باشایسته‌گی انقلابی به سرانجام آن خواهیم رساند، وحدت آهنگین حزب ما تأمین گردیده و دیگر گرایش‌های ناسالم و زیانبخش نمی‌تواند در آن رخنه کند. این پروژه در حال تکامل دائمی است و توقف دريك نقطه اندیشه ما نیست و باید رشد کرد. برای ما این یک قانون عام است که به صورت قطع استئنا نمی‌پذیرد.

دوستان عزیز و رفقا!

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه اصول همزیستی مسالمت
آمیز میان سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت، وفاداری به اصل عدم انسلاک و
همبستگی رزمجویانه بین‌المللی ما، پیوسته به مثابه یک کشور صلح‌دوست برای
حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر کشورها بخصوص کشورهای همسایه
بربنای احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در
امور داخلی یکدیگر به طور خسته‌گی ناپذیر سعی کرده به صورت پیگیر از
تلاش‌های مشترک تمام کشورها و خلق‌های صلح‌دوست جهان در جهت تأمین صلح،
خلع سلاح، آزادی، ترقی اجتماعی و همکاری‌های متقابلاً سودمند بین‌المللی بین
ایشان پشتیبانی نموده از هیچگونه مساعدت درین راه دریغ نمی‌کند.

دوستان گرامی و رفقا!

پراتیک روزمره میلیون‌ها انسان زحمتکش سیاره ما نشان می‌دهد که صلح، از
میرمترین نیازهای عصر ماست و با منافع آئیه تکامل تمدن بشریت انطباق کامل
دارد. تاریخ نه چندان دور، تاریخ خود ما، تاریخ قرن بیست نشان می‌دهد: آوانی که
دشمنان انسان، جنگ را بر بشریت تحمیل نموده اند، در آتش مصیبت زنا و غم انگیز
آن کودکان معصوم نیز بی‌رحمانه سوخته اند. نباید به جنگ افزوزان اجازه داده شود
تا فجایع ننگین گذشته را تکرار کنند. باید به تمام کانون‌های جنگ و تشنج امپریالیستی
در سیاره ما، که نسل حاضر و کودکان ما را در کام خود بی‌رحمانه فرومیبرد، پایان
داده شود.

بر پایه درک این واقعیت است که میلیون‌ها انسان زحمتکش سرزمین ما خواستار
صلح و همبستگی با همه مردمان صلح‌دوست جهان اند و پیگیرانه در راه تأمین
امنیت بین‌المللی و خلع سلاح و صلح در منطقه و جهان بیکار می‌کنند. امر صلح
باوصف فتنه‌گری دشمنان آن پیروز شدنی است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بر آن است که برانلم‌های گرهی در روابط بین‌المللی
تنها و تنها می‌تواند از طریق مذاکرات سودمند و توأم با حسن نیت حل و فصل گردد.
حزب و دولت انقلابی ما عمیقاً معتقدند که شرق میانه، جنوب و جنوب غرب آسیا،
شرق دور، بحر هند و خلیج فارس نباید به مثابه مراکز تشنج و منبع خطرات جنگ
برای خلق‌های منطقه و بشریت در مجموع باقی بمانند و باید تمام پایگاه‌های نظامی
امپریالیزم ایالات متحده آمریکا درین مناطق منحل و برچیده شود ما از تبدیل بحر
هند به منطقه عاری از اسلحه هستوی جداً حمایت می‌کنیم. راه بیرون رفت از معضله
شرق میانه را تنها در صورت بیرون رفتن عساکر اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی
اعراب و تأمین حقوق حقه خلق فلسطین به شمول تشکیل دولت مستقل فلسطین

می‌دانیم :

افغانستان انقلابی همواره از داعیه برحق خلق عرب فلسطین پشتیبانی نموده و خواهد نمود. باید تذکر داد که پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی در پارلمان هند که از طریق بیانیه رفیق لیونید ایلچ بریژنف انعکاس یافت، یگانه الترنا تیف برای برگشت بحر هند به حوزه صلح است. پیشنهادهای مطروحه در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد تأیید همه جانبه ماست. در این ارتباط باید خاطر نشان گردد که پروگرام صلح دهه هشتاد که در گزارش رفیق لیونید بریژنف فورمول بندی شده، یگانه الترنا تیف در برابر سیاست مسابقه تسلیحاتی و سیاست احیای جنگ سرد امپریالیزم است. ما در فعالیت در سیاست خارجی خویش محتویات این پروگرام جامع صلح دهه هشتاد را کاملاً تأیید پشتیبانی نموده در زمینه با اتحاد شوروی و تمام نیروهای صلح دوست جهان مساعی همه جانبه خویش را متمرکز می‌سازیم. این پیشنهادها و ابتکارات با منافع روند سیاست صلح و امنیت بین‌المللی در مطابقت کامل بوده به نیروهای جنگ طلب و تجاوز کار لگام می‌زنند.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان این پرنسیپ را در تمام مجامع بین‌المللی از جمله در سی و ششمین جلسه نوبتی اسامبله عمومی ملل متحد طرح کرده و مورد حمایت جدی قرار داده است. افغانستان انقلابی حمایت کامل خود را از خلق‌های کشورهای آفریقا، آسیا و امریکای لاتین که به خاطر آزادی، ترقی و صلح به پا خاسته اند، ابراز داشته و فعالیت‌های شیطان‌ی امپریالیزم را در جهت توطئه‌گری علیه این خلق‌ها با نفرت و غیظ محکوم نموده و آنها را خطر جدی در راه صلح جهانی تلقی کرده است همین اکنون جهانیان شاهد یکی از بیش‌مانع‌ترین توطئه‌های تجاوزگرانه امپریالیزم امریکا در قنال کیوبای قهرمان، این جزیره پرافتخار صلح و آزادی در امریکای لاتین میباشند. ما در حالی که تهدید علیه کیوبای قهرمان را با نفرت محکوم نموده و آنها را تهدید جدی علیه صلح جهانی و در درجه اول تهدید مستقیم علیه استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای امریکای لاتین می‌دانیم، از جهانیان می‌طلبیم تا علیه این بازی خطرناک ضد انسانی به پا خیزند.

دوستان عزیز ورفقا!

به صورت مشخص و فورمول بندی شده باید یادآور شوم که افغانستان پیشنهاد سازمان ملل متحد را در زمینه تدویر یک کنفرانس بین‌المللی درباره بحر هند در اواخر سال ۱۹۸۱ در کولمبو که هدف آن اعلام بحر هند به منطقه صلح است و همچنان پیشنهاد سه کشور هند و چین، ویتنام سوسیالیستی، جمهوری مردم کمبوچیا و جمهوری دموکراتیک مردم لاوس را در مورد اعلام منطقه هندوچین، آسیا و بحر هند به مثابه منطقه صلح جدا پشتیبانی و حمایت می‌نماید.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه سیاست خارجی صلح‌جویانه خود برای حل و فصل مسألت آمیز اوضاع اطراف افغانستان که در اثر تجاوز و مداخله نظامی ارتجاع بین‌المللی منتشر گردیده است و برای برگرداندن مجموع اوضاع منطقه به حالت عادی که امپریالیزم تشنج‌زا آنرا دامن می‌زند، پیشنهادهای مشخص طرح نموده است. اعلامیه تاریخی چهارده می ۱۹۸۰ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان حاوی اقدامات و تدابیر مشخص برای عادی ساختن اوضاع و مناسبات میان کشورهای همسایه جمهوری دموکراتیک افغانستان، پاکستان و ایران است که مناسفانه با حسن نیت متقابل مواجه نگردیدیم.

اعلامیه بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیرامون حل و فصل سیاسی و ابتکارات صلح‌آمیز مورد استقبال کشورها و نیروهای مترقی در سراسر جهان قرار گرفت. این اعلامیه که حاوی ابتکارات جدید عملی و مشخص حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است به مثابه یک سند یا اعتبار که انعطاف لازم برای حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون کشور ما در آن برجسته است و آمادگی صادقانه ما را در جهت رفع پرابلم‌ها نشان می‌دهد ارزیابی گردید.

باوجود پیشنهادهای جدی و عملی ما حکومت پاکستان برای انجام مذاکرات در زمینه حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و بهبود مناسبات میان دو کشور از جانب خود دست به هیچ اقدام عملی نزده است. اوضاع در منطقه نه تنها بهبودی کسب ننموده بلکه بیشتر به وخامت گراییده است و فعالیت‌های تخریبی و تجاوزگرانه علیه کشور ما همچنان ادامه دارد. در حالی که حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز آمادگی نموده است تا در هر زمان در مذاکرات دو جانبه و یا سه جانبه در حضور و غیاب سرمنشی ملل متحد و یا نماینده آن با کشورهای همسایه پاکستان و ایران برای حل و فصل سیاسی معضلات وارد مذاکره شود.

مبارزه پیگیر و مداوم حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت بیرون رفتن از اوضاع و احوال موجوده در منطقه که ناشی از وجود توطئه‌ها، مداخلات و تجاوزات امپریالیزم، ارتجاع و هژمونیزم علیه کشور ما می‌باشد و رفع تمام معضلات نشانه از سیاست خارجی صلح‌جویانه ماست. این امر به پرستیز بین‌المللی دولت انقلابی ما افزوده است. اعلامیه بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ حتی دشمنان ما را واداشته است تا اعتراف کنند که این پیشنهادهای انعطاف لازم راه‌ها و وسایل عملی حل پرابلم‌ها را به صورت جامع و مشخص در خود گنجانیده است.

دوستان و رفقا!

جمهوری دموکراتیک افغانستان که خود یکی از بنیادگذاران جنبش عدم انسلاک بوده است، عقیده دارد که جنبش عدم انسلاک به مثابه یک جریان عمده در سیاست‌های

مریم ما سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا را مظهر اتحاد تمام جنبش‌های انقلابی و رهایی‌بخش این قاره میدانم

بین‌المللی بر پایه موضع‌گیری و اقدامات ضدامپریالیستی آن و بیکار در راه صلح و امنیت بین‌المللی از حیثیت و پرستیژ عالی در سطح جهانی برخوردار است. تکامل اوضاع بین‌المللی و اقدامات خطرناک اردوگاه جنگ و امپریالیزم از جنبش عدم انسلاک می‌طلبد تا در جبهه جهانی مبارزه برضد امپریالیزم در کنار متحد طبیعی خود اردوگاه صلح و سوسیالیزم قرار گرفته و اشتباه‌های سیری ناپذیر جنگی، تشنج و مسابقه تسلیحاتی امپریالیزم را لگام زنند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان درین روز تاریخی اعلام همبستگی بیکارجویانه بین‌المللی سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا را با مردم و انقلاب افغانستان صمیمانه آرزومند است تا همه ملل صلح‌دوست جهان تمام مردمان کشورهای غیرمنسلك، زحمتکشان کشور ما را که در مبارزه دشوار علیه مداخلات و تجاوزات امپریالیزم بین‌المللی و در رأس آن امپریالیزم جنایت پیشه امریکا و برتری جویان خاین چین و در راه تحولات بنیادی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جانبازانانه می‌رزمند، پشتیبانی نمایند. ما به پشتیبانی عظیم خلق‌ها از انقلاب خود ارج می‌نهم و برآنیم که این پشتیبانی می‌تواند به نیروی عظیم مادی در مبارزه عادلانه ما علیه امپریالیزم مبدل گردد.

حزب و دولت انقلابی ما در تجربه تاریخی و مشخص خویش دریافته است که همبستگی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر سوسیالیستی و تمام نیروهای ضدامپریالیستی که نه تنها افغانستان انقلابی، بلکه تمام جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در سه قاره آسیا، آفریقا و امریکای لاتین از آن به صورت همه جانبه برخوردار اند، نقش عظیمی را در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر تجاوز و مداخله خارجی ایفا نموده است.

تاریخ جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در قرن ما پیوسته پشتیبانی همه جانبه اتحاد شوروی را در مبارزه ضد امپریالیستی و به خاطر آزادی ملی و ترقی اجتماعی یا خود داشته است و هم اکنون این بخش عظیم جنبش انقلابی دوران معاصر با اطمینان به پشتیبانی بی‌دریغ کشور بزرگ شوراها اتکاء دارد.

افغانستان انقلابی کمک‌های بی‌شایبه و عظیم دوست تاریخی خود اتحاد شوروی را از زمان تحصیل استقلال وطن ما تا کنون بخصوص در حساسترین دوره تاریخ کشور ما که دستاوردهای انقلاب ثور تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی ما در معرض خطر قرار گرفته بود، پیوسته گرامی میدارد.

رفقا و دوستان عزیز!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

مریم ما سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا را مظهر اتحاد تمام جنبش‌های انقلابی و
رهایی‌بخش این قاره میدانم

تدویر اجلاس هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا را در کشور
ما بسیار با ارزش ارزیابی نموده معتقد اند که همبستگی رزمجویانه خلق‌های آزاد
شده در مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی، امریست ضروری.

ما معتقد هستیم که تدویر این کنفرانس در کشور انقلابی مادر اوضاع و احوال کنونی
گام بسیار بااهمیتی را در جهت تشکیل و بسیج هرچه وسیع‌تر تمام نیروهای
ترقی‌خواه، صلح‌پسند منطقه و جهان و تشدید مبارزات برحق ضد امپریالیستی آنها
به خاطر صلح و ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد.

مردم کشور ما با وضاحت احساس می‌نمایند که تدویر این کنفرانس یکی از عالیترین
مظاهر زنده و گویای همبستگی بی‌دریغ انقلابی و برادرانه سازمان همبستگی
خلق‌های آفریقا و آسیا با مردم عذاب‌دیده ما در مبارزه عادلانه ولی دشوار و ذوجوانب
آن می‌باشد. ما سیاست بیکران انقلابی را به این مناسبت نسبت به همه اعضای این
سازمان برادر در اعماق قلب خود زنده نگه می‌داریم.

نسل‌های خوشبخت و سعادت‌مند آینده کشور ما به این کنفرانس به مثابه يك تلاش مقدس
انسانی در جهت کمک به مبارزه ترقی‌خواهانه مردم ما با سپاس خواهند نگرست.

سپاس بیکران به سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا!

زنده باد همبستگی انقلابی بین‌المللی!

زنده باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی!

مرگ بر امپریالیزم جنگ طلب و تجاوزگر!

روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان رشد و تعمیق می‌یابد

رفقای عزیز!

هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روی مسایل فوق العاده مهمی بحث می‌نماید. ما باید با در نظر داشت وضع موجود کشور، وظایف نوبتی حزب را در عرصه بهبود هرچه بیشتر امور کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی و همه سازمان‌های اجتماعی معین سازیم و در مورد پیشنهاد داور بردعوت کنفرانس سرتاسری حزبی تصمیم اتخاذ نماییم.

تجربه کار و مبارزه ما گواه آنست که پروسه انقلابی در افغانستان به اوجگیری خویش ادامه می‌دهد. اندیشه‌های انقلاب شکوهمند نور، پشتیبانی بیشتری را در بین هموطنان ما کسب نموده است. پایه اجتماعی انقلاب رشد و توسعه می‌یابد. پشتیبانی از مبارزه بر حق مردمان افغانستان از جانب نیروهای مترقی نیز رو به تزاید است. برگزاری جلسه هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا در کشور ما، مظهر درخشان و تازه این امر است.

امروز حزب و دولت انقلابی ما، در چنان مرحله‌یی از تکامل خویش قرار دارد که به ما امکان می‌دهد تا همه مسایل مربوط به تحکیم حزب و ارگان‌های قدرت دولتی و جلب توده‌ها در جهت انقلاب، اداره اقتصاد و غیره را مسؤولانتر و ماهرانتر حل نماییم. ما با حفظ احترام نسبت به کادرهای خویش وظیفه داریم تا انضباط و دسیپلین در قسمت کارهای محوله‌شان را بالا ببریم. ما مبارزه واقعی را علیه هرگونه بی‌مسئولیتی، بی‌دسیپلینی، مظاهر فرکسیون‌بازی و عدم ابتکار اعلام می‌داریم. ما مسؤولیت عظیمی را به خاطر سرنوشت وطن متقبل گردیده ایم این امریست پرزحمت و سنگین، مگر شریفانه. همانا این امر باید معیار انضباط ما را نسبت به کادرها و مسؤولیت‌های شان در برابر چگونگی کارها تعیین نماید. باید ما در روشنایی همین امر در پلینوم وظایفی را که در برابر حزب و دولت قرار دارد، بررسی نماییم.

در ساحه سیاسی مهمترین وظیفه عبارت است از استحکام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور که پروسه مثبت تحکیم و یکپارچگی صفوف آن جریان دارد.

در جریان شش ماه اول سال جاری در حدود ده هزار عضو آزمایشی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان پذیرفته شده اند و همچنان در طی همین مدت یک عده

اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنابر دلایل گوناگون از تشکیل حزب بیرون شده اند.

بخشی از این رفقا در راه وطن، انقلاب و حزب قهرمانانه جان‌های شیرین و پاک خویش را فدا نموده اند. مردم، وطن و حزب هیچگاه قهرمانی و جانبازی این سرسپرده گان راه انقلاب را فراموشی نمی‌کنند. روان شان شاد باد!

عدیمی هم نسبت اعمالی که معایر اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مرتکب شده بودند از عضویت حزب اخراج گردیدند.

بالاخص این امر مهم است که تعداد نماینده‌گان و طبقات پیشرو جامعه ما در حزب زیاد گردیده است. چهل فیصد کسانی را که در تیمه اول امسال به صفوف حزب قبول گردیده اند، کارگران، پیشموران و دهقانان تشکیل می‌دهند. در ولایاتی که از نگاه صنعت و زراعت پیشرفته اند، این رقم از پنجاه فیصد تا هفتاد و پنج فیصد بالا می‌رود. ضرور است تا کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه در آینده نیز کار در جهت رشد صفوف حزب و بهبود ترکیب کیفی آنرا با توجه خاص به پذیرش کارگران و دهقانان و پیشموران تکمیل نمایند و بهبود بخشند. در اردو و خاندوی صفوف حزب باید عمده‌تاً به حساب پذیرش سربازان و خردصاحبان رشد یابد. در موقع پذیرش اعضای جدید به صفوف حزب، کمیته‌های حزبی و ادارات امور سیاسی کار را به خاطر برگزیدن اشخاص وفادار به امر انقلاب ثورانهایی که در مبارزه به خاطر استقرار قدرت مردمی از خود پامردی نشان داده، مکتب تربیه سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه‌های صنفی و کوپراتیف‌ها را گذرانده اند، شدت بخشند.

مبارزه به خاطر وحدت حزب بخش مهم کار حزبی را تشکیل می‌دهد. متأسفانه عناصر و مظاهر فرکسیون‌بازی و محفل‌بازی هنوز هم به نظر می‌خورد، که همیشه از جانب حزب بررسی و ارزیابی اصولی نمی‌گردد.

ما همه در راه امر مشترک و واحد بیکار می‌نماییم. به خاطر خوشبختی خلق افغانستان و ترقی وطن می‌رزمیم و باید این کار را با صفوف یکپارچه انجام دهیم. لازم می‌افتد تا باز هم متذکر شویم که فعالیت فرکسیون و تخریبی با بودن در حزب توافق ندارد و این قانون را باید به صورت جدی و حتمی تطبیق کرد.

همزمان بر ماست تا کار تربیت، پخته‌گی سیاسی و ورزیده گی ایدیولوژیک اعضای حزب را شدت بخشیم. این کار از آنجا ضرور است که اولاً: حزب دموکراتیک خلق افغانستان هم از لحاظ تجربه تاریخی و هم از لحاظ تجربه سن اعضای خویش جوان است. ثانیاً: از جهتی که صفوف حزب سریع رشد می‌یابد ضرورت است تا اعضای جوان اصلی و آزمایشی حزب را به صورت فعالتر به کار روزمره حزبی و اجتماعی

جلب نمود، کیفیت پیکار جویانه شان را در امر اجرای وظائف و دستورهای مشخص ارتقا بخشید و این کیفیت را در وجود شان پروراند.

رفقا!

در این اواخر کار زیادی به خاطر بالا بردن سطح امور سازماندهی سازمان‌های حزبی، تقویت رهبری کمیته‌های حزبی ولسوالی، ناحیه‌وی، شهری، ولایتی و تکمیل ساختار ارگان‌های حزبی صورت گرفته است. نفوذ و اعتبار کمیته‌های حزبی رو به افزایش است و اکنون مسایل مربوط به تثبیت و تحکیم قدرت دولتی، عملی ساختن جلب و احضار به قوای مسلح، بهبود کار مؤسسات و ادارات را به صورت عینی تر بررسی می‌گردد و فعالین حزبی در همه تدابیر و اقدامات مربوط مبارزه با ضدانقلاب نقش پیشاهنگ را ایفا می‌کنند.

به برکت تدابیر اتخاذ شده، طی مدت اخیر ثبات کادرها تقویت یافته، اما کار بزرگی، دقیق و پررحمتی در جهت توسعه کنترل کمیته‌های حزبی در امر انتخاب، تقرر و تربیه کادرها در همه حلقه‌های حزب و دستگاه دولتی پیش روست.

مصوبه بیروی سیاسی، حلقه کارمندان رهبری را که شامل مقامات مورد منظوری کمیته مرکزی اند معین می‌سازد. کمیته‌های حزبی ولایتی، شهری، ناحیه‌وی و ولسوالی نیز چنین کاری را باید انجام دهند. این کارمندان صرف با فیصله ارگان‌های حزبی تعبیر و تبدیل شده می‌توانند. همچنان بسیار مهم است، تا آن‌های که در کمیته مرکزی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته‌های ولایتی چنین مسؤلیتی را در این بخش عمده فعالیت، به عهده دارند، از خود مهارت و پشتکار در برقراری نظم واقعی در امر انتخاب و تقرر کادرها نشان دهند. در موقع انتصاب در این یا آن مقام رهبری، تنها و تنها کیفیت سیاسی و جدیت در کار کارمندان را و همچنین سعی و کوشش آنانرا در جهت انجام کارها در راه خیر خلق و حزب به وجه شرافتمندانه و درست، ملاک قضاوت خویش قرار دهند.

بیروی سیاسی ضرور میدانند که به منظور دموکراتیزه ساختن هرچه بیشتر کار کمیته‌های حزبی، بالا بردن سطح کار دسته‌جمعی اعتبار و صلاحیت ترکیب کمیته‌های ولایتی، شهری، ناحیه‌وی و ولسوالی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را توسعه بخشید. پیش کشیدن امران مؤسسات و سازمان‌ها، نمایندگان صدیق طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران، قوای مسلح اعم از اردو، خاندوی و خاد، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که خود را کارمندان خوبی نشان داده اند، ترکیب ارگان‌های رهبری ما را از لحاظ کیفیت عنا بخشیده اند، تحریک جدیدی را در کار کمیته‌های حزبی به وجود آورده و ارتباطات با مردم را وسیع‌تر ساخته اند. برای بالا بردن جدیت و پشتکار در امور، مناسب است تا در یک سلسله کمیته‌های ولایتی و شهری حزب، سازمان‌های اولیه‌یی که تعداد

اعضای زیاد دارند، از جمله اعضای کمیته‌های حزبی يك بیرو یا کمیته اجراییه به تعداد پنج تا هفت نفر انتخاب گردند. بیروی سیاسی در مورد این مسایل فیصله‌ها و تصامیم بخصوص صادر می‌نماید.

جبهه ملی پدروطن و سازمان‌های اجتماعی که با حقوق اعضای دسته‌جمعی جبهه شامل آن می‌باشند و تحت رهبری حزب کار می‌کنند، جای بس مهمی را در سیستم موزون سیاسی ایجاد شده در کشور ما، اشغال می‌کند. کمیته‌های حزبی باید توجه دائمی به فعالیت شان نمایند و از آنان بخواهند تا سطح جدید و فعالیت خویش را بالا ببرند. ارتباطات یا توده‌های وسیع زحمتکشان، جوانان، زنان و با همه اهالی کشور را عملی سازند. حزب و دولت را در به سر رساندن تحولات اجتماعی یاری رسانند و صلح سراسری ملی پایدار را برای اهالی وطن مشترک ما تأمین نمایند.

رفقا!

در شرایطی که تبلیغات خصمانه به کمک دروغ‌ها و افتراها متوجه گمراه ساختن محافل اجتماعی افغانستان و جهان نسبت به ماهیت تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد و سعی دارد وحدت صفوف حزب و ارتباط آنرا با توده‌های مردم ضعیف سازد، کار ایدیولوژیک در زمینه سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت فوق‌العاده عظیمی کسب می‌نماید.

وظیفه آنست که تا ندای حزب و انقلاب را به گوش هر باشنده افغانستان، تا هر نقطه مسکونی رسانید. همه اقشار مردم، هر شخص مسلمان را در جهت زنده‌گی آگاهانه فعال و بیدار ساخت. در حال حاضر کار فعال سیاسی حزب در میان توده‌های دهقان و در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان اهمیت به سزایی کسب نموده است و موجودیت و عدم موجودیت دولت دموکراتیک منوط به کسب اعتماد توده‌هاست. به این منظور اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مقامات رهبری حزبی، سازمان‌های اجتماعی، همه اعضای حزب باید به کار سیاسی در میان توده‌ها جلب شوند. بر ماست تا در این امر ابتکارات زیادی از خود نشان داده و سرانجام دشمن را به شکست کامل ایدیولوژیکی مواجه سازیم.

ورزیدمگی فکری اعضای حزب در این شرایط اهمیت به سزایی دارد. کمیته مرکزی حزب چندی قبل مصوبه‌یی راجع به بالا بردن آمادگی ایدیولوژیک و تیوریک اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان صادر کرد و در نظر گرفته شد تا در حلقه‌ها و سیمینارهای تیوریک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ساختمان حزب و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی عمیقاً فراگرفته شود. هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید خوب درک کند که وی بعد از آموزش، این مسایل موظف است تا به صورت روزمره اندیشه‌های تیوری علمی و سیاست حزب و دولت را به گوش جمعیت زحمتکشان وساکنان اطراف خویش

برسانند. حال لحظه‌ای فرا رسیده که این خواست به پیمان‌نامه کامل توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعم از رهبری تا صفوف، انجام داده شود.

رفقا!

ما تجربه کار گروه‌های تبلیغاتی را مثبت بررسی می‌نماییم. نظر به فیصله کمیته مرکزی قرارگاه رهبری آنها تحت ریاست رفیق زیری منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردید. سه گروه تبلیغاتی سرتاسری کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی، تشکیل شده است. اما کار این گروه‌ها هنوز برنامه و ترتیب لازم ندارد و همیشه به صورت مؤثر عمل نمی‌کند. برما لازم است تا نقش کمیته‌های حزبی را در ارتقای مؤثریت این زاده‌های انقلاب که عملاً نقش بخش‌های حزب را عهده دارند بالا ببریم و برای رهبری آنها کادرهای حزبی تحصیل یافته و دارای فهم سیاسی را گسیل نماییم. چنین گروه‌ها در چارچوب وزارت دفاع و وزارت امورداخله جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد گردیده اند. وظیفه ماست تا آنها را کمک نماییم و فعالیت شان را با پلان مشترک و موافق با پلان کمیته‌های حزبی جهت دهیم.

حزب باید همه سازمان‌ها و کمیته‌های خود را، سازمان‌های دولتی و اجتماعی را برای بهبود کار ایدیو لورژیک سیاسی و تربیه وی بسیج نماید.

سخنرانان کمیته‌های حزبی کارهای زیادی در این جهت می‌توانستند انجام دهند و ما چنین تجربه‌ی داریم، به طور مثال: بیانیه‌های سخنرانان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته شهری کابل در هنگام ایجاد جبهه ملی پدروطن، انعکاس وسیعی به وجود آورد. اما با صراحت باید گفت که سخنرانی‌های ایشان جنبه موقتی داشت. برخی از مقامات رهبری حزبی و دولتی لجوجانه نمی‌خواهند در میان توده‌ها بروند و کمیته‌های حزبی نیز اصولیت لازم را درین مسئله از خود نشان نمی‌دهند. باید کار سیاسی دامنه دار در میان توده‌ها، معیار زنده‌گی، خصلت و سبک حزبی هر عضو و مقام حزبی گردد. ضرورت مبرم به امر تشدید تبلیغ و ترویج به وجود آمده است. لازم است تا بهترین کادرهای حزبی به این کار سوق داده شوند.

باید با تمام اشکال و میثودهای کار سیاسی فیصله‌های حزب را در مورد منافع مبرم و حیاتی زحمتکشان منجمله در مورد اصلاحات ارضی، مذهب، پشتیبانی دولت از روحانیون وطنپرست برابری واقعی همه ملیت‌ها و اقوام در میان توده‌ها هرچه وسیع‌تر توضیح نمود. باید ماهیت ضد مردمی امپریالیزم، هژمونیزم چین، ارتجاع بین‌المللی و ضدانقلابیون داخلی را به صورت فعال و جدی برملا ساخت. لازم است تا تربیه وطنپرستانه و انترناسیونالیستی توده‌های زحمتکش و خصوصاً جوانان را از ریشه بهتر ساخت.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی وظایف فوق‌العاده پرمسئولیتی دارد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در این ساحه کار هرچه بیشتر را در جهت افزایش نقش مطبوعات، رادیو و تلویزیون در تعمیق پروسه انقلابی به پیش برده و خواهد برد. درین مورد نیز کار بسیار باید صورت گیرد. در آینده نزدیک اژانس باختر به حیث یک بخش مستقل در سطح وزارت و با حقوق وزارت مبدل خواهد شد که تحت رهبری مستقیم کمیته مرکزی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان کار خواهد کرد. در نظر است تا شعبات آن در داخل و در خارج کشور توسعه یابد. ما در نظر داریم تا اداره نشرات رادیو-تلویزیون را چون کمیته دولتی مستقل جدا ساخته و امور اداره آنرا بهبود بخشیم.

اکنون در این ساحه عمده آنست تا حزبیته عالی در مطبوعات، نشرات رادیو و تلویزیون تأمین گردد. لازم است کار بسیار صورت گیرد تا کیفیت عالی فعالیت همه وسایل اطلاعات جمعی ارتقا یابد.

کمیته‌های ولایتی حزبی به طور قابل ملاحظه‌ای رهبری مطبوعات و نشرات رادیویی محل را که طی یک سال ونیم ارگان‌های مستقیم ایشانست و مستقیماً جوابگوی کار آن نزد کمیته مرکزی حزب می‌باشد، بهبود بخشند.

رفقا!

پروسه احیا و رشد مطبوعات نوین انقلابی آنقدرها ساده نیست. این پروسه در آینده نیز خواستار تمرکز مساعی کمیته‌های حزبی و همه کارمندان ایدیولوژیک می‌باشد. برای اینکه در کشور سیستم واحد دولتی رساندن و پخش مطبوعات که چندی قبل ایجاد شده، بتواند به صورت منظم وظایف را انجام دهد، هنوز کار بسیار باید صورت گیرد. این امریست سیاسی و ما تحمل آنرا نداریم که سخنان پیکارجویانه حزب ما با تأخیر زیاد برای توده‌ها برسد و گاهی هم به کلی نرسد. نظر به فیصله کمیته مرکزی، وزارت خانه‌ها و اداراتی که رساندن و پخش مطبوعات را تأمین می‌کنند، باید به صورت فوری تدابیر عملی را جهت از بین بردن نارسایی‌ها و کمبودی‌ها در این امر فوق‌العاده مهم، اتخاذ کنند.

رفقا! به این ترتیب طوری که در اسناد رهبری کننده حزب ما تذکر یافته است، همه

کار ایدیولوژیک باید جهت به انجام رساندن مبارزه با ضدانقلاب و مداخلات خارجی تقویت و تشدید گردند. این کار باید موجب اوج شور و شوق انقلابی در وجود توده‌ها شود و در آخرین تحلیل، پشتیبانی اکثریت باشندگان کشور را از قدرت انقلابی در افغانستان تأمین نماید. باید سطح آگاهی ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ارتقا بخشید و نقش سازمان‌های حزبی را در

کار ایندیولوژیک و تربیوی بالا برد.

رفقا!

درین اواخر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت یک سلسله تدابیری را جهت تحکیم و بالابردن قدرت محاربوی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در ساختن تشکیلات نظامی اتخاذ نمودند. به خاطر هماهنگی مساعی ارگان‌های حزبی، دولتی، اردو، خاندنوی و خدمات اطلاعات دولتی در مبارزه با ضدانقلاب، شورای دفاع تشکیل گردید.

فیصله نامه در مورد جلب و احضار دوره های احتیاط به خدمت عسکری عملی می‌گردد. به منظور تکمیل کادرهای صاحبمنصبان پایین رتبه، ضمیمه‌یی در مورد اعطای رتبه های دریم بریدمن، دو هم بریدمن و لومری بریدمن به کارمندان نظامی و اشخاصی که در عملیات جنگی با اشرار پایمردی وجدیت به خرج داده اند بدون در نظر داشت در چه تحصیل شان، به تصویب رسیده است، کار در جهت باقیماندن داوطلبانه سربازان و خردضابطان برای مدت اضافه تر از موعد و همچنان جلب و جذب شان جهت خدمت در خاندنوی گسترش یافته است. جلسه فعالین حزبی و قوماندانی عالی قوای مسلح با اشتراک رهبران حزب و دولت دایر گردید. برگزاری جلسات فعالین حزبی به خاطر شدت بخشیدن مبارزه با ضدانقلاب در همه ساحات صورت گرفته است.

وظیفه دیگر ما در امر تحکیم قوای مسلح عبارت است از بالا بردن آمادگی پیکار جوانه و سیاسی همه کتگوری های نظامیان، بالا بردن مهارت و ابتکار حربی افسران، بهبود همه جانبه کار حزبی و سیاسی با افراد اردو و خاندنوی. این است مسئله مرکزی در امر بالا بردن قدرت محاربوی قوای مسلح. این مسئله خواستار مساعی مشخص، پیگیر و بایستکار نه تنها مقامات فرماندهی، سیاسی سازمان‌های اولیه قوای مسلح، بلکه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، همه کمیته‌های محلی و ارگان‌های قدرت اداری می‌باشد.

ریاست عمومی امورسیاسی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ادارات و شعبات سیاسی موظف اند تا توجه بخصوص خویش را به ایجاد نزدیکی روحی و فکری افسران، خردضابطان و سربازان معطوف سازند. باید همه روزه کار سیاسی فعال و پیشرونده میان همه طبقات و اقشار جامعه و همه مردمان و اقوام ساکن جمهوری دموکراتیک افغانستان با روحیه وطنپرستی و برادری، بادر نظر داشت موازین دین مقدس اسلام و کار در جهت مبارزه با بی‌سوادی پیش برده شود.

رقعا!

در ارتباط با وضع اقتصادی کشور باید گفت که با وجود مقاومت شدید از طرف ارنجاع داخلی و خارجی، تحولات معین اجتماعی و سیاسی در کشور تحقق می‌پذیرد.

با عملی نمودن فیصله‌های پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد برابلم‌های ساختمان اقتصادی در سیاست اقتصادی خصوصاً در ساحه سیاست ارضی و در رابطه با سکتور خصوصی یک سلسله اصلاحات وارد گردید. مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسید. تدابیر و اقدامات جهت تحکیم سکتورهای دولتی و کوپراتیوی در زراعت اتخاذ گردید. کمک‌ها به شکل دادن تخم‌های بذری، کودکیمیای و وسایل طور قرضه به دهقانان صورت می‌گیرد. دستمزد کارگران و کارمندان کم درآمد بالا برده شد، ماکولات کارگران و مامورین سکتور دولتی از دیاد حاصل نمود. تدابیر جهت ساختمان منازل مسکونی مجهز، بهبود خدمات صحی کارگران، تدارک مواد خوراکی و دیگر مواد مورد ضرورت اولیه، اخذ می‌گردند، تجدید و تعویض سیستم اداره دولتی عملی می‌گردند. قانون شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب شده و یک سلسله فعالیت‌های قانون‌گذاری در مورد کمیته دولتی پلان‌گذاری، بعضی وزارت‌ها و ادارات صورت گرفته است. همچنان قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی به معرض قضاوت افکار عامه گذاشته شده است.

طی سال جاری حاصلات خوب مواد عمده زراعتی جمع‌آوری شد. وضع مالداری به حال استقرار حفظ گردید. طی نیمه سال اول پلان استخراج زغال سنگ، تولید کود، مواد آهن کانکریت، ترمیم موتر و وسایل تخنیکی راه‌سازی، تولید انساج پنبه، گوشت، روغن نباتی و طبع کتب عملی گردید. از مقدار بارهای حمل‌ناشده از بندرحیرتان به طور قابل ملاحظه کاسته شد. حجم خدمات وسایل مخابراتی کمی فزونی یافت یک سلسله پروژه‌های اقتصادی به کار آغاز کرد.

در پهلوی آن، مشکلات زیادی در اقتصاد موجود است. صدمات مادی که توسط اعمال ضدانقلاب به صنعت، زراعت، ترانسپورت و مخابرات وارد گردیده زیاد می‌باشد. عوامل عینی چون تفوق سکتور خصوصی در تولیدات ملی، عدم موجودیت تجربه رهبری در شرایط جدید، کمبود کادریهای ماهر نیز نقش خود را دارد. وظایف عمده در ساحه اقتصاد امروز از نیازمندی‌های مبرم کشور در مرحله فعلی تکامل آن ناشی می‌گردند. بر ماست تا در زمینه اعتلای تولیدات صنعتی ملی و تولید محصولات در سکتور دولتی و مختلط موفق گردیم. ضرورت است تا توسعه تولید محصولات

صنعتی که اقتصاد ملی سخت به آن نیازمند است، افزایش منابع صادراتی و حصول اسعار خارجی و همچنان افزایش درآمدهای بودجه دولتی به حساب ارتقای مؤثریت اقتصادی و از ثبات سود مؤسسات صنعتی تأمین گردد. در یک، یک و نیم سال آینده ضرور است تا تمرکز اعظمی منابع مالی، مادی و نیروی کار در مهمترین رشته‌ها و مؤسسات اقتصادی دولت و عمدتاً در پروژه‌های تحت ساختمان و تجدید ساختمان صورت گیرد.

در ساحه ترانسپورت وظایف اساسی را کار نورمال جاده‌های بزرگ مواصلاتی، ساختمان و ترمیم سربك‌ها، اعمار مؤسسات دولتی خدمات تخنیکي برای موترها تشکیل می‌دهد. لازم است تا تدابیر مشخص جهت جلب و وسیع ترانسپورت خصوصی در امر انتقال بارهای دولتی اتخاذ گردد.

مطابق به اوضاع واقعی باید مسئله از نو آغاز نمودن و توسعه حجم کارهای جیولوژیکی و انکشاف گاز، نفت و معادن جامد، احیا و رشد بیشتر مؤسسات استخراج زغال، نفت، نمک، مواد ساختمانی، تولید سمنت و اعمار مؤسسات جدید تولید انرژی و تصفیه نفت مدنظر گرفته شود.

پرابلم مهم رشد صنایع ماشینی و دستی را در سکتور خصوصی که نقش قابل ملاحظه در رفع نیازمندی‌های مردم کشور به کالاهای مورد مصرف وسیع و تأمین اشتغال اهالی دارد، نباید فراموش کرد. به این منظور باید از تخفیف‌ها مزایایی که بنابر تصمیم دولت برای رشد سکتور خصوصی داده می‌شود، استفاده وسیع به عمل آید.

رقا!

طوری که شما می‌دانید کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت یک سلسله اقدامات به منظور تسریع اجرای اصلاحات ارضی نموده، پروگرام تحقق عملی آن تصویب شده و مراحل کار و وظایف وزارت‌ها و ادارات مشخص گردیده است. همراه با آن نتایج حاصله هنوز کم است. اوضاع موجود خواهان فعالیت بیشتر ساختن این کار و اجرای هدفمند و سیستماتیک آنست. لازم است تا توجه خود را معطوف به آن سازیم که تاخیر سال ۱۳۶۰ اشتباهاتی که در مرحله اول سر زده بود، تصحیح گردد.

آهنگ و مؤثریت اصلاحات ارضی تا حد قابل ملاحظه‌ای مربوط به قانون توزیع آب و استفاده از آن، تنظیم مناسبات اجاره داری زمین است که تنظیم آن تا کنون مطابق به سنن قدیمی صورت می‌گیرد باید تکمیل طرح و تصویب این قانون را سرعت بخشید.

در حال حاضر کمیته دولتی پلان‌گذاری طرح پلان رشد اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال ۱۳۶۱ تهیه می‌نماید. این امر مهمی در زنده‌گی اقتصادی کشور است و وزارت‌ها و ادارات باید حین طرح مسوده‌های پلان‌ها تصامیم و فیصله‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان را در مورد رشد اقتصاد، رهنمای عمل خویش قرار دهند. وظایف پرشدت ولی واقعی را در ساحه تولید محصولات صنعتی و زراعتی مطرح نمایند.

رفقا!

کاملاً بدیهی است که تکامل بعدی انقلاب ثور، جلب هر چه بیشتر توده‌های زحمتکش به سوی آن تا حد زیادی مربوط به حل موفقانه مسایل اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. حزب سیاست خود را در سمت رفع نیازمندی‌های مردم به مسکن، مؤسسات فرهنگی و تنویری، امحای بی‌سوادی، رشد علوم، صحت عامه و ورزش به صورت پلان شده تحقق خواهد بخشید.

چنانکه روشن است امحای بی‌سوادی و بالا بردن سطح تعلیمات عمومی مردم اهمیت فراوانی برای اعمار موفقان جامعه نوین در افغانستان دارد. کار بزرگ برای تجدید بنای سیستم تعلیم و تربیه ملی در پیش روست. باید این سیستم واحد، دموکراتیک برای همه اقشار و طبقات اجتماعی و ملیت‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان یکسان قابل دسترسی باشد.

در عرصه فرهنگی لازم است ایجاد و توسعه بیشتر شبکه مؤسسات فرهنگی و هنری که تأمین کننده اعتلای دایمی سطح سیاسی و فرهنگی مردم باشد، ادامه داده شود. یکی از مهمترین وظایف در سطح عمومی دولت عبارت از بهبود خدمات طبیبی و تنویر اهالی از لحاظ حفظ الصحه می‌باشد. باید به تدریج شبکه وسیع و گسترده مؤسسات تداوی، معاینه، وقایه، حفظ الصحه، مؤسسات ضد اپیدمی و ادویه فروشی‌های دولتی مخصوصاً در دهات، ایجاد گردد.

رفقا!

در مرحله کنونی تکامل انقلاب مناسبات ملی و قبیله‌وی اهمیت بخصوص کسب می‌نماید. حزب و حکومت انقلابی مشی مینی بر رشد مساویانه همه ملیت‌ها و اقوام و قبایل و جلب اقلیت‌های ملی را به تحولات انقلابی کشور به طور پیگیر تحقق می‌بخشند. حزب در ساحه سیاست ملی خود را موظف دانسته تا اصول عمده این سیاست را طی سند جداگانه‌یی طرح کند و اعلام بدارد. این امر برای استقرار اوضاع سیاسی در داخل کشور و تکامل جامعه نوین اهمیت به سزای سیاسی خواهد داشت. با در نظر داشت اهمیت این مسئله مسودات اعلامیه‌های خطاب به ملیت‌ها و اقوام و قبایل کشور طرح گردیده به پلینوم حاضر جهت بررسی ارائه می‌گردد.

حزب در فعالیت عملی خود بعد از این نیز تدابیر مشخص عملی را در جهت تأمین احترام و دفاع از دین مقدس اسلام و آزادی تضمین شد، اجرای مناسب مذهبی که در «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» اعلام شده است و اتخاذ خواهد کرد. در عین زمان حزب از هرگونه تلاش به غرض سوءاستفاده از مذهب را به مقصد اهداف غرض آلود ضد دولت و ضدمردم، جلوگیری می‌نماید.

ما باید ضمن تحقق پیگیری و مصرانه مشی استراتژیک حزب در اجرای وظایف تاکتیکی، انعطاف پذیری نشان دهیم. در این امر می‌توان و حتی باید هم به مصالحه، البته در حدود مجاز و معقول با حفظ وفاداری به اصول پرداخت. این امر با همه بخش‌های فعالیت ما منجمله مسایل ملی و قبیله‌ای و مخصوصاً با ارتباطات و تماس‌های ما با گروه‌های مختلف که وظایف مترقی را در برابر خویش قرار داده‌اند، رابطه دارد.

علی‌الرغم اختلافات در اشکال و میتودهای مبارزه، ما باید نقاط مشترک را دریابیم و آنها را در اجرای وظایفی که در برابر وطن واحد ما قرار دارد و در مبارزه به خاطر صلح سراسری ملی فعالیت جلب نماییم. تمایلات و مساعی ما در راه جلب به خاطر انجام وظایف مترقی به یک مسیر مبارزه به خاطر آینده تا بناک مردم ما از طرف آنها به درستی درک و قبول خواهد شد و امکان خواهد داد تا ماسک «مدافعین مردم و اسلام» از چهره دشمنان واقعی، کینه توز و مکار انقلاب و وطن محبوب ما برداشته و بریده شود.

رفقا!

طوری که می‌بینید در برابر ما وظایف بسیار بزرگ و پرمسئولیت در جهت تحکیم هرچه بیشتر حزب، یکپارچه‌گی صفوف آن، تحکیم و ارتقای اونورینه ارگان‌های محلی دولت، افزایش مسئولیت‌های شان به خاطر همه امور در جمهوری دموکراتیک ما، موجود است. باید کوشش جدی تری به خاطر جلب افشار وسیع مردم خصوصاً دهقانان، در جهت انقلاب، در کشور به خرج داد. این امر اساسیست که به ما اجازه می‌دهد تا به صورت هرچه مؤثرتر به حل پروبلم‌های اقتصادی و تأمین تدریجی شرایط بهتر زندگی برای مردم بپردازیم.

خود زندگی، پروسه رشد انقلاب شکوهمند ما، اجراءات و فعالیت‌های حزب و دولت ضرورت تدویر کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در دستور روز قرار می‌دهد.

از زمان تدویر نخستین کنگره حزب دموکراتیک خلق افغانستان تقریباً هفده سال می‌گذرد. در طول این مدت حزب راه طولانی، پیچیده و دشوار و پیکار جویانه تشکیل، رشد و تحکیم را پیمود. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کشور ما

انقلاب شکوهمند ثور به پیروزی رسید، که امکانات وسیعی را برای خلق‌های وطن ما در امر دموکراتیزه ساختن پیگیر زنده‌گی اجتماعی و اداره دولتی رشد و توسعه سریع اقتصاد و فرهنگ ملی به میان آورد و وظیفه عمده ستراتیژیک پروگرام اول حزب یعنی به دست گرفتن قدرت سیاسی و انتخاب راه رشد دموکراتیک و ملی کشور به انجام رسید. در طرف سال‌های که از کنگره اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان گذشت، حزب از حالت یک سازمان اپوزیسیونی و نسبتاً محدود برآمد و به حزب برسر اقتدار، پیشاهنگ سیاسی شناخته شده طبقه کارگر و همه زحمتکشان، نیروی رهبری کننده سیستم جدید سیاسی جامعه و دولت ما، مبدل گردید.

طی این سال‌های مبارزه بی‌امان به خاطر آینده تابناک وطن ما، حزب در فعالیت عملی خویش مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سند مصوبه سال ۱۳۵۹ یعنی «تزهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» را که حیثیت برنامه را دارا بوده، ملاک عمل قرار داده است. این اسناد نقش عظیم و مثبتی را در رشد درک تیوریک و فعالیت عملی حزب ایفا کرد. بر مبنای این اسناد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان سیاست خویش را استوار ساخته، فیصله‌های مهمی صادر کرد. کار عملی را به خاطر ساختمان و تحکیم حزب، رهبری سازمان‌های اجتماعی و ارگان‌های اداری دولتی سازمان داده و تحولات اقتصادی و اجتماعی را در کشور انجام داد. محتوای اساسی این اسناد همین حال نیز در دستور روز قرار دارد.

در عین حال زنده‌گی و تجربه مبارزه انقلابی، وظایف جدیدی را در مقابل حزب قرار داده، خواستار حل اصولی و دسته‌جمعی سلسله مکمل مسایل مهمی که تعیین کننده ختمشوی سیاسی و فعالیت عملی حزب در مرحله کنونی انقلاب است، می‌باشد. طی زمانی که از تصویب «تزهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» گذشت، حزب ما تجربه جدید و پرارزشی در امر رهبری امور اجتماعی و دولتی کسب نموده است. همه می‌دانیم که همراه با آن ما مشکلات بزرگ، مسایل حل نشده زیادی در کار سازماندهی و سیاسی میان توده‌ها، در راه تأمین ارتباط ناگسستنی حزب با اقشار وسیع مردم و تکمیل روابط اجتماعی و اقتصادی در کشور داریم. اینها همه با هم به بحث و فیصله دسته‌جمعی ضرورت دارد. مسئله عمده برای حزب و دولت انقلابی در شرایط کنونی همانا فعالیت سازنده کار سازماندهی و سیاسی پرنحروک و زنده در میان توده‌ها، جهت بهبود زنده‌گی مردم و دستیابی به پیشرفت و ترقی همه جانبه وطن می‌باشد.

در این ارتباط ضرورت عینی برای تدویر کنفرانس سرناسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آمده است، تا «برنامه عمل» آینده نزدیک را طرح نماید. همچو برنامه که با تفکر دسته‌جمعی آماده می‌گردد، اساسیست برای یکپارچه‌گی هرچه بیشتر صفوف حزب به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و

تحکیم وحدت حزب همچنان این برنامه امکان آنرا می‌دهد تا شعارهای مشخص و روشن طرح و اهداف طویل‌مدت و جهات کار حزب با اقشار مختلف اجتماعی کشور ما تعیین گردد تا بر اساس آن همه اقشار جامعه برای حل پلان شده و پیشرونده وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک در مرحله کنونی و تکامل آن، متحد ساخته شوند.

از این جهت بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای حل اینهمه مسایل پیشنهاد می‌نماید، تا در ماه‌های نزدیک کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر گردد. لازم است در این کنفرانس روی تحکیم سازمانی و سیاسی هرچه بیشتر حزب و تأمین ارتباط ناگسستی آن با توده‌های وسیع مردم بحث صورت گرفته وظایف معین گردند. تصویب برنامه عمل برای آینده نزدیک در کار کنفرانس جای مرکزی را خواهد داشت.

طی مدتی که از تدویر پلینوم دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصویب اساسنامه حزب ما گذشت، حزب ما تجربه معینی اندوخته، در سازمان‌های حزبی اشکال و میتودهای جدید کار نمایان گردیده است. پروسه تکمیل ستروکتور سازمان‌های حزبی ادامه دارد. کمیته‌های ولایتی و در شهرهای بزرگ کمیته‌های ناحیه‌ای حزب ایجاد شده است، تغییرات در حقوق و وظایف کمیته‌های حزبی دارای صلاحیت‌های مختلف به وجود آمده است. ضرورت می‌افتد تا این همه در سند اساسی حزب که تنظیم کننده زندگی داخل حزبی یعنی اساسنامه حزب است، تجسم یابد. به این منظور به نظر ما مفید است تا در این کنفرانسی یک سلسله تعدیلات و تکمیلات در اساسنامه موجود حزب، وارد آید.

در این کنفرانس اسناد دیگری که اهمیت بزرگ برای کشور ما و حزب ما دارد، می‌تواند به تصویب برسند. آمادگی برای کنفرانس سرتاسری و برگزاری آن باید به تبلیغات وسیع سیاسی که وظیفه دارد هرچه فشرده تر صفوف حزب را یکپارچه سازد، بهترین نمایندگان وطن ما و توده‌های وسیع زحمتکش را به دور آن متحد نموده و اوج جدید پایداری انقلابی را در وجود اعضای اصلی و آزمایشی حزب برانگیزد، مبدل گردد. به سررساندن این امر وظیفه اساسی همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و همه اعضای حزب می‌باشد.

رفقا!

در اخیر لازم می‌افتد، تا بار دیگر تذکر داده شود که برگزاری این مجمع مهم سیاسی که در مورد آن امروز باید تصمیم بگیریم، باید رشد هرچه بیشتر سطح همه امور را در حزب و دولت تأمین نماید و به تحکیم وحدت حزب و ارتقای نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت کمک نماید و وسیله نیرومندی برای یکپارچه‌سازی حزب و مردم به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باشد.

بیانیه هنگام اهدای نشان «خورشید آزادی» به ل. بریژنف ۲۰ قوس ۱۳۶۰

اهدای نشان «خورشید آزادی» مظهر سپاسگزاری عمیق مردم افغانستان به خلق‌های اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی است

رفیق گرامی لیونید ایلیچ بریژنف! رفقا و دوستان نهایت محترم!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم افغانستان وظیفه نهایت پر مسؤولیت و بسیار پرافتخاری را به عهده من گذاشته اند که انجام آن باعث سرور بی حد من است و آن اینکه به مناسبت جشن پرافتخار (سالگرد) شما نشان عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان «خورشید آزادی» را به شما تقویض کنم و احساس گرم دوستی برادرانه، احترام عمیق و سپاس صمیمانه ابراز نمایم.

اعطای این نشان مظهر سپاسگزاری بیکران مردم افغانستان به همسایه و دوست خود، مردم بزرگ اتحاد شوروی، حزب کمونیست لنینی و شخصاً به شما رفیق منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی لیونید ایلیچ بریژنف گرامی است.

شما را رفیق گرامی بریژنف، در همه گوشه‌های دور افتاده کشور ما به عنوان دوست بزرگ، صمیمی و مطمئن مردم افغانستان میشناسند.

در شرق ما میگویند «آهن را آتش و دوستی را زمان می آزماید»، زمان نشان داد که دوستی خلق‌های افغانستان و اتحاد شوروی که دارای ریشه‌های عمیق تاریخی می‌باشد برای همیشه مستحکم و خپل ناپذیر است.

چنانکه تاریخ مبارزه افغانستان به خاطر آزادی ملی و ترقی اجتماعی شواهد است، اتحاد شوروی همیشه در اولین فرصت دست برادری و همکاری را در دشوارترین مراحل تکامل کشور ما پیش نموده است.

مبارزه قهرمانانه مردم افغانستان علیه استعمار بریتانیا به ظهور افغانستان مستقل، دارای حاکمیت ملی، سربلند و پیرغرور در صحنه بین‌المللی منتج شد. حکومت اتحاد شوروی به رهبری لنین بزرگ پیش از دیگران و برای نخستین بار این استقلال را به رسمیت شناخت.

بعد از آن استقرار مناسبات دیپلماتیک افغان شوروی و همچنان انعقاد قرارداد دوستی، نه تنها تلاش‌های دیوانه وار امپریالیست‌ها را به غرض تجرید افغانستان در

اهدای نشان «خورشید آزادی» مظهر سیاسگزاری عمیق مردم افغانستان به خلق‌های اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی است

عرضه سیاست خارجی خنثی ساخت، بلکه تا حد زیادی باعث شناسایی بین‌المللی، استقلال دولتی و حاکمیت ملی کشور ما گردید.

در تعداد زیادی از مناطق افغانستان می‌توان پروژه‌ها و ساختمان‌های مختلف را که سمبول واضح کمک بی‌شایبه همسایه شمالی و برادر به مردم افغانستان و سمبول نزدیکترین همکاری اقتصادی اتحاد شوروی و افغانستان به شمار می‌رود، مشاهده نمود.

اتحاد شوروی با پیروی از اندیشه‌های جنبش مترقی و کارگری و با تعقیب اصول انترناسیونالیزم واقعی، کمک وسیعی را به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از پیروزی انقلاب ثور ۱۳۵۷ مبدول داشته است.

پشتیبانی اتحاد شوروی نیرومند از مبارزه قهرمانانه مردم آزادی دوست افغانستان در آن هنگامی که نیروهای سیاه امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع منطقه جنگ اعلان نشده بی‌را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به راه انداختند، واقع‌گرا نیهست. ما بارها اعلام داشته ایم و اعلام می‌داریم که بدون این پشتیبانی، دیگر افغانستان انقلابی، آزاد، مستقل و غیرمنسلك وجود نمی‌داشت.

این پشتیبانی نتیجه سیاست واقعا علمی و دورنگر حزب کمونیست اتحاد شوروی به رهبری لنینست آمده، انترناسیونالیست وفادار، سیاستمدار مدبر و شخصیت دولتی بزرگ معاصر رفیق لیونید ایلیچ برژنف است.

شما رفیق گرامی لیونید ایلیچ برژنف ضمن قرار داشتن در مقام رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و در راس دولت نیرومند جهان با تمام فعالیت خود سهم عظیم و بیکران در تیوری و پراتیک جنبشی جهانی کمونیستی و کارگری و مبارزه آزادی‌بخش ملی خلق‌ها ادا می‌نماید.

روشن است که شما به چه انرژی، اعتقاد و هدفمندی، اندیشه‌های جاویدان مارکسیزم لنینیزم را به خاطر صلح در سراسر جهان، استقرار همزیستی مسالمت امیر کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی مختلف، تحکیم وحدت و همکاری نزدیک احزاب کمونیستی و کارگری، پشتیبانی وسیع از خلق‌های که به خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه می‌نمایند، به خاطر سوسیالیزم و کمونیزم، سعادت و رفاه نسل حال و آینده انسان‌های سیاره ما عملی می‌سازید.

در سال‌های پرمشقت و دشوار جنگ با آلمان فاشیستی شما از همان آغاز در صفوف مدافعان نخستین کشور سوسیالیستی در جهان قرار گرفتند و تا آخرین روز جنگ همیشه در سنگر مقدم نبرد قرار داشتید.

در سال‌های جنگی قابلیت شما به حیث قوماندان عسکری، کارمند سیاسی پرشور و شخصیت دارای شجاعت بزرگ با وضاحت نمودار گردید. در جهات جنگی، با سهم شایسته‌یی را در شکست کامل اشغالگران فاشیستی ادا نمودید.

نام شما رفیق گرامی بریژنف در تمام قاره‌های کره زمین بسیار مشهور است و دایماً با کلمات صلح، آزادی، برابری و عدالت ارتباط داده می‌شود و سمبول ایمان به آینده بهتر محسوب می‌گردد.

تمام زنده‌گی آگاهانه شما با حزب لنینی ارتباط گسست ناپذیر دارد و نمونه درخشان خدمت به امر بزرگ لنین، به مردم خود، به نفع اعمار کاملترین جامعه مترقی است.

جشن سالگرد شما رفیق گرامی بریژنف نه تنها برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی بلکه برای همه بشریت مترقی سیاره ما گرامی و میمون است. شما شخصیت شناخته شده و برجسته جنبش بین‌المللی کمونیستی و طبقه کارگر بین‌المللی هستید و در رأس نخستین دولت سوسیالیستی که همه افراد باوجدان روی زمین با امید بزرگ برای آینده صلح‌آمیز و سعادت‌مند به آن می‌نگرند، قرار دارید.

کارخسته‌گی ناپذیر شما متوجه تحقق بخشیدن به اندیشه‌های عالی و اهداف شریفانه‌یی است که محتوای اساسی سیاست لنینی صلح، سیاست دوستی، برادری و همبستگی با تمام نیروهای مترقی را می‌سازد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تحت رهبری مدیرانه شما، مردم شوروی را به سوی پیروزی‌های نوین، در راه اعمار جامعه کمونیستی هدایت می‌کند. فعالیت این حزب ستاره قطب نمای روشنی برای مردمان مترقی شرق است که به خاطر آزادی ملی و اجتماعی خود می‌رززند.

ما، رفیق گرامی بریژنف همیشه توجه دقیقی را که شما به سرنوشت مردم افغانستان دارید، احساس می‌نماییم. این توجه برای ما پشتوانه عظیمی در مبارزه به خاطر اعمار جامعه نوین، عادلانه و شگوفان بوده احساس امتنان صادقانه و سیاسگزاری عمیق را در قلب هر فرد کشور ما بر می‌انگیزد.

رفیق گرامی لیونید ایلیچ بریژنف برای من جای رضایت بزرگ و واقعی است که یک بار دیگر به نام مردم افغانستان، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب شخص خود درین روز پرشکوه نسبت این جشن فرخنده به شما تبریک گفته از ته قلب صحت کامل تانرا برای سال‌های طولانی آرزو نمایم.

پیوندهای دوستی و برادری میان مردم افغانستان و مردم بلغاریای سوسیالیستی هرچه بیشتر گسترش و تحکیم می‌یابد

رفیق محترم تودور ژیکوف، رفقای عزیز!

اجازه می‌خواهیم سیاس و امتنان صمیمانه خود را به مناسبت پذیرایی گرمی که از ما در کشور پرافتخار و زیبایی شما به عمل آمد و به خاطر سخنان رفیقانه بی‌که در پذیرایی از ما ادا شد به شما رفیق تودور ژیکوف، رفقای عزیز حاضر درین ضیافت، همه کمونیست‌ها و مردم زحمتکش بلغاریای سوسیالیستی تقدیم بدارم. مسرورم از اینکه این بازدید فرصتی را مساعده ساخت تا با کشور بلغاریای سوسیالیستی که تحت رهبری خردمندانانه حزب کمونیست بلغاریا به رهبری شمارفیق گرامی به پیشرفت‌های عظیم تاریخی جهانی در امر ساختمان بنیادهای مادی و تخنیکی جامعه پیشرفته سوسیالیستی نایل گردیده است و با زحمتکشان کشور شما از نزدیک آشنا شدم.

ما به این دعوت رفیقانه که مظهر نابترین همبستگی رزمجویانه و خدشه‌ناپذیر حزب کمونیست و دولت مردمی بلغاریا با حزب مردم و کشور ماست ارج می‌گذاریم. ما برآنیم که بازدید هیات عالی‌رتبه حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از کشور برادر بلغاریای سوسیالیستی گام مهم تاریخی در جهت تحکیم و گسترش پیوندهای دوستی و برادری میان خلق‌های دو کشور است. مسلماً دوستی کشور‌های ما یک پدیده نوین نبوده بلکه به مثابه سنت دیرین وریشه دار در تاریخ کشور ما درخشش خاص داشته است که این امر پس از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی انقلاب در عالیترین سطح تکامل کیفی نوین آن ارتقا نموده است.

کمک‌های بی‌شایبه و سیاست انترناسیونالیستی بلغاریای سوسیالیستی در دوران‌های دشوار زندگی زحمتکشان کشور ما آن شالوده‌تزلزل‌ناپذیری است که این دوستی بزرگ کشور‌های ما بر آن پایه استوار است و ما را در امر غلبه بر عقب‌ماندگی دیرینه که میراث شوم و نکبت بار گذشته است و در کار ساختمان جامعه نوین کمک می‌کند. امروز سیستم جهانی سوسیالیزم به نیروی عظیم جاذبه و منبع الهامبخش برای دگرگونی‌های زندگی اجتماعی بر مبنای نوین مبدل گردیده است که اثرات تعیین‌گر در مجموعه پروسه تکامل تاریخی جهانی جامعه بشری می‌گذارد. از برکت موجودیت سیستم جهانی سوسیالیزم و در رأس آن کشور بزرگ شوراهاست که کشورهایی که سمت تحولات انقلابی را انتخاب نموده اند در امر ساختمان جامعه

نوین و تحکیم دستاوردهای ناشی از آن به پیشرفت‌های چشمگیر نایل گردیده اند.

رفقای گرامی!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور پیامد منطقی عملکرد قوانین تکامل اجتماعی و پاسخ طبیعی به نیاز تکامل جامعه ماست. مسلماً درین پیروزی عظیم تاریخی زحمتکشان وطن ما که به رهبری خلاقه حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان انجام یافت، عوامل مساعد خارجی یعنی تعیین روزافزون تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین‌المللی به نفع نیروهای صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیزم نقش عظیمی را ایفا نمود، زیرا امروز اردوگاه صلح و سوسیالیزم است که سمت اساسی تکامل تاریخی بشریت را معین می‌کند. هموطنان زحمتکش و عذاب‌دیده ما این تحول عظیم کیفی را در تاریخ سالمند سیاسی کشور خود که برای نخستین بار حاکمیت سیاسی زحمتکشان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان این پیشوای آبدیده سیاسی طبقه کارگر کشور ما و همه زحمتکشان استقرار یافت، با صمیمیت شادباش گفتند. انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب که ره آورد منطقی آن رهایی زحمتکشان کشور ما از زیر یوغ استبداد طراز فاشیستی است با توجه به سنن ملی و رسوم تمام ملیت‌ها، اقوام و گروه‌های ملی کشور کثیر‌المله ما گام‌های مطمئن و استوار در جهت ترقی و اعتلای وطن برداشته و با به کار بستن شیوه‌های دموکراتیک متناسب به آهنگ رشد اجتماعی و وظایف انقلابی را تحقق می‌بخشد. ساختمان جامعه نوین در کشور ما با دشواری‌ها و مسایل بحرانی که از منن زندگی پدید می‌آید، همراه است که حل آنها بر خورد سنجش‌مند، علمی و خلاقانه را از ما می‌طلبد، زیرا در روند بازسازی جامعه اکثریت زحمتکشان سهم می‌گیرند و برخورد ذهنی نادرست و مجرد از زندگی اثرات ناگوار و منفی در پیرویه تکامل جامعه می‌گذارد.

حزب ما بر پایه در این واقعیت است که در تعیین اهداف و شیوه‌های ساختمان جامعه نوین با تمام قدرت می‌کوشد از تکرار اشتباهات زیانبخش پیش از مرحله نوین تکاملی انقلاب که متأسفانه هنوز نتایج تلخ آن بار دوش این مرحله انقلاب است، جداً اجتناب شود.

حزب ما درین زمینه به پیروزی‌های معین که می‌توان آنرا اطمینانبخش ارزیابی نمود نایل آمده است و از برکت سیاست علم تنظیم شده حزب ما که مسؤولیت خطیر رهبری ساختمان جامعه نوین را به عهده دارد پروگرام‌های کنونی و آینده ما در مورد تحکیم حاکمیت زحمتکشان و حزب ما به مثابه رهبر آن تنظیم گردیده است. این اقدامات حزب و دولت انقلابی ما در جهت ساختمان جامعه نوین بر پایه کار بست خلاق اندیشه‌های پیشرو عصر ما یا شرایط مشخص جامعه ما بنیان دارد و از تجارب غنی و پر بار تاریخی جهانی سیستم جهانی سوسیالیزم و در پیشاپیش آن اتحاد

جماهير شوروی سوسیالیستی و مجموعه جنبشی انقلابی دوران معاصر فیض گرفته است.

پروگرام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما در مرحله نوین تکاملی انقلاب که بر پایه محاسبه دقیق شرایط اویژکتیف و سوبژکتیف جامعه ما تنظیم شده است می‌تواند نمونه عالی از تأمین پیوند منطقی این برنامه‌ها با پراتیک اجتماعی باشد و توانسته است نیروی سازنده بخش‌های عمده زحمتکشان را در ساختمان جامعه نوین بسیج و رهبری کند.

هدف اساسی پروگرام‌های انکشاف اقتصاد ملی و اجتماعی ما ارتقای سطح مادی و فرهنگی زندگی زحمتکشان بر پایه آهنگی رشد در تولیدات صنعتی و زراعتی، بالابردن مؤثریت کار در تمامی عرصه‌های تولیدی است. با اینکه تحقق این پروگرام‌ها در اثر خرابکاری‌های ضدانقلاب صادر شده از آنسوی سرحدات ما بعضاً با موانع مواجه می‌گردند با آنهم یک آهنگ رشد بالنسبه مطمئن افزایش درین زمینه‌ها وجود دارد. تجارب مشخص حزب ما نشان می‌دهد که وارد کردن اراده فردی و تمایلات ذهنی در مسائل میرم اقتصادی تا چه حد زیان آور و گران تمام می‌شود. سیاست حزب ما با منافع تمام زحمتکشان کشور ما انطباق کامل دارد و به همین جهت است که روزتاروز سهم‌گیری توده‌های وسیع زحمتکشان در امر تحقق پروگرام‌های انقلابی ما برای بازسازی کشور ابعاد گسترده تر کسب می‌کند.

تمامی این اقدامات از برکت قدرت رزمنده گی حزب ما از نیروی ایمان خدشه ناپذیر آن در امر خدمت به زحمتکشان و سیاست اصولی ما که یگانه سیاست درست است و سرچشمه می‌گیرد. حزب ما اکنون از لحاظ تشکیلاتی و ایدیولوژیک يك حزب یکپارچه و با انضباط فولادین، رسالت تاریخی خود را به مثابه رهبر آگاه جامعه به شایسته‌گی و وجه احسن انجام می‌دهد.

یکی از عمده‌ترین وظایف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان تأمین امنیت عام و تام در کشور است. ما درین زمینه علی‌الرغم تلاش جنایتکارانه ضدانقلاب که وحشیانه و دزدانه زندگی آرام ما را بر هم می‌زنند به پیروزی بزرگ دست یافته ایم، ضدانقلاب به شکست قطعی محکوم است، این حکم امراته زمان ماست.

پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شرایط را برای تحقق اصول قانونیت دموکراتیک و تحکیم آن مساعد ساخت. در این مرحله انقلاب اسناد مهمی از جمله اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب گردید که گام بزرگ در زندگی سیاسی کشور ماست.

رفقای عزیز!

در مرحله کنونی تکامل جامعه ما یکی از بزرگترین دستاوردهای آن تشکیل جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان است که به عنوان یک ضرورت، به ابتکار حزب ما و تحت رهبری آن تحقق پذیرفت. تشکیل این جبهه رویداد پراهمیتی در تاریخ کهنسال کشور ماست که برای نخستین بار تمام نیروهای ملی، وطنپرست و ترقی خواه کشور ما را تحت درفش واحد ملی به خاطر دفاع از شرف و ناموس و وطن برای طرد و دفع تجاوز و مداخله مسلحانه امپریالیزم و ارتجاع و به خاطر سهمگیری در امر ساختمان جامعه نوین به هم پیوند داد.

تشکیل این جبهه عالیترین مظهر تحقق دموکراسی، گام مهم در تحکیم عدالت اجتماعی و ضربه کوبنده به ضدانقلاب است. جبهه ملی پدروطن افغانستان با اینکه از مدت تاسیس آن زمان کمی سپری گردیده است، توانسته با جبهه پدروطن بلغاریای سوسیالیستی و دیگر کشورهای برادر سوسیالیستی ارتباط محکم و برادرانه برقرار سازد و از نجارب آنان در امر رسالت عظیم تاریخیست استفاده برد.

رفقای عزیز!

جهانیان امروز ناظر جنگ وحشیانه اعلان شده امپریالیزم بین المللی به سرکردگی امپریالیزم جهانخوار ایالات متحده امریکا، هژمونیزم چین، ارتجاع عرب و ارتجاع منطقه علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان است که پاکستان درین میان نقش تخته خیز تجاوز و مداخله نظامی را علیه کشورها ایفا می کند. این امر، صلح و امنیت را در منطقه ما و بالتبجه در جهان جداً با خطر مواجه می سازد. جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاسی از اصول سیاست خارجی صلحجویانه خویش که مبنی بر سیاست همزیستی مسالمت آمیز، حسن همجواری با کشورهای همسایه، احترام به حق حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور یکدیگر و عدم انسلاک و همبستگی رزمجویانه بین المللی و برضد امپریالیزم و جنگ و مبارزه در راه صلح، خلع سلاح و دیتانت استوار است برای حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان به ابتکارات بزرگ تاریخی که با منافع روند صلح در منطقه و جهان مطابقت کامل دارد، مبادرت ورزید، پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و پیشنهادهای دوازده اگست سال ۱۹۸۱ و پیشنهادهای اخیر ما که با استقبال وسیع محافل اجتماعی و سیاسی واقعبین جهان روبرو گردید از انعطاف لازم و تدابیر مشخص حل و فصل سیاسی پراپلم برخوردار بوده دربرگیرنده حل علمی این اختلافات است که مناسفانه با حسن استقبال از جانب همسایگان مواجه نگر دیدیم.

ما یک بار دیگر از رژیم نظامیگر ضیاء الحق که کشور پاکستان را به پایگاه تجاوز و مداخله نظامی علیه افغانستان انقلابی و ازاد تبدیل کرده می طلبیم تا از آن اقداماتی

که به طور قطع با صلح و امنیت در منطقه ما و جهان وفق نمی‌کند دست برداشته و به ندای صادقانه ما برای حل و فصل سیاسی پرابلم‌های منطقه پاسخ مثبت دهد. ادامه وضع موجود در منطقه تنها به نفع امپریالیزم و هژمونیزم است که سیاست تشنج و جنگی را دنبال می‌کند. افغانستان انقلابی به مثابه یک کشور غیرمنسلك همراه با سایر کشورهای غیرمنسلك در جبهه جهانی مبارزه علیه سیاست جنگی و تشنج امپریالیستی قاطعانه می‌رزمند. جهان ما شاهد هماهنگی مبارزه جنبش عدم انسلاک با اردوگاه صلح و ترقی اجتماعی متحد طبیعی این نهضت است که علیه امپریالیزم و برای صلح و امنیت بین‌المللی، کاهش تشنج، خلع سلاح و دینانت مبارزه می‌کند، دورنمای تکامل این پروسه بسیار زیاد نوید بخش است.

اوضاع بین‌المللی در اثر سیاست احیای جنگ سرد، تدارکات جنگی، مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته هسته‌وی، برنامه‌های تولید بم نیوترونی که ماهیت ضدبشری آن کاملاً مشهود است، اسلحه‌کیمیای و بیولوژیکی، اعمار سیستم‌های نوین اسلحه کشتارجمعی، تجاوز و شانتناژ امپریالیزم ایالات متحده امریکا به وخامت انفجار آمیزی کشانیده شده است. سیاست امپریالیزم امریکا آشکارا به پایه تقابل نظامی یا اردوگاه صلح و سوسیالیزم و سرکوب مسلحانه جنبش خلق‌ها بنیاد دارد. طفره روی از مذاکرات سازنده پیرامون تحدید اسلحه استراتژیکی هستوی، حل سیاسی منازعات بین‌المللی، برجیدن پایگاه‌های نظامی از کشورهای خارجی و برطرف کردن علل موجودیت بسترهای داغ تشنج علایم مشخصه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا است. این کشور با تکیه بر سیاست از موضع زور و سیاست چماق بزرگ نیروی و واکنش سریع دوصدوسی هزار نفری را تشکیل داده است تا در امر سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و حفظ آن نواحی که مناطق «منافع حیاتی» ایالات متحده گردیده است مداخله کند.

مرحله موجود در عملکرد سیاست احیای جنگ سرد ایالات متحده امریکا به صورت فراینده خطر جنگ گرم را افزایش داده است.

شایان توجه است که اخیراً رونالد ریگن از احتمال جنگ محدود هستوی در اروپا بدون آنکه این کشور تجاوزگر از آن متأثر گردد، سخن گفت و بدون تردید بر پایه این محاسبه ضد بشری است که ایالات متحده امریکا در صدد استقرار ششصد راکت هستوی با برد متوسط و وسایل هستوی پایگاه‌های مقدم امریکا در اروپا برآمده است.

اروپا تنها آماج سیاست ضدسلاخ ایالات متحده امریکا نیست. این کشور همراه با چین هژمونیت که بر بنیاد اظهارات رسمی رهبران این دو کشور، هیچگاه تا این حد پیرامون مسایل عمده بین‌المللی نزدیک نبوده اند اوضاع را در مناطق مختلف آسیا به وخامت انفجاری کشانیده اند. ایالات متحده امریکا با ایجاد شبکه‌های وسیعی از پایگاه‌های نظامی در مصر، صومال، کینیا، عمان و اسرائیل و کسب امتیازات برای

تأسیس پایگاه‌های نوین برای جایجا کردن نیروی و اکنش سریع برای سرکوبی جنبش آزادی‌بخش ملی عرب و جنبش مقاومت عرب فلسطین و نسیمه کمپ دیوید وضع را در شرق میانه به بن بست کشانیده اند.

در بخش جنوب غرب و جنوب شرق آسیا تلاش‌های گسترده امپریالیزم امریکا، اروپای غرب و متحد استراتژیک آنها، شوونیست‌ها، برای کشاندن هرچه بیشتر کشورهای انجمن ملل جنوب شرق آسیا (آسیان) به سازمان سیاسی نظامی مشهود است تا ازین سازمان به مثابه وسیله برای مقابله با روند انقلابی درین منطقه جهان استفاده کنند. درین مورد ما قاطعانه از پیشنهاد‌های سه کشور هندوچین، ویتنام سوسیالیستی، جمهوری مردم کمپوچیا و جمهوری دموکراتیک مردم لاوس دفاع می‌کنیم و آنرا یگانه الترناتیف برای صلح و آرامش در منطقه جنوب شرق آسیا می‌دانیم ما بر آنیم که وحدت کوریا از طریق مسالمت آمیز باید تأمین گردد و تمام پایگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا در جنوب کوریا منحل شود و عساکر این کشور بخش جنوب کوریا را ترک گویند.

ایالات متحده امریکا یکدست با رژیم نژادپرست پرتوریا کشورهای جبهه مقدم را پیوسنه مورد تهاجم قرار داده است و از ادامه اشغال غیرقانونی نامیبیا توسط نژادپرستان افریقای جنوبی حمایت می‌کند از نفویض استقلال به نامیبیا به رهبری سوابو ممانعت به عمل می‌آورد. تلاش‌های ایالات متحده امریکا در جهت کشاندن جامعه کشورهای افریقای غربی به یک سازمان سیاسی نظامی ادامه دارد. به همین گونه امپریالیزم ایالات متحده امریکا تمام دسایس جهنمی را علیه قبرس به کار انداخته است. هدف عمده امریکا برگرداندن کامل این جزیره به پایگاه عمده راکتی و هوایی ناتو و کشاندن آن به این پیمان تجاوزگر است.

این تلاش‌های امپریالیستی خطر فزاینده را برای تمام کشورهای این منطقه به بار آورده است، ما برآنیم که باید وحدت قبرس، حاکمیت و استقلال ملی این کشور احترام شود و تمام پایگاه‌های نظامی خارجی منحل و عساکر خارجی از این کشور اخراج گردند.

پایگاه دیگوگارسیا در بحر هند و پایگاه امریکا در اوکیناوا جاپان صلح و امنیت را در بحر هند و بحر الکاهل وسیع سبوتاژ می‌کند، باید این پایگاه هما منحل گردند.

وضع در امریکای لاتین در اثر تهدید امریکا به استعمال نیروی نظامی علیه کیوبای قهرمان و مداخله در امور داخلی السلوادور، نیکاراگرای گرینادا و کشورهای حوزه کارابین به وخامت کشانیده شده است. ایالات متحده امریکا باید به تمام تهدیدات نظامی در امریکای مرکزی و لاتین پایان داده و حق کشورها را در تعیین سرنوشت شان احترام گذارد.

حزب ما که از مدت ها به اینسو با علاقه مندی خاص اوضاع پولند را تعقیب نموده با رعایت آن اقدامات اخیر شورای دولتی جمهوری پولند را به خاطر پایان بخشیدن به حوادث ایجاد شده در اثر تحریکات و توطئه های عناصر راستگرای افراطی ارزیابی می نماید. ما اقدامات آتی شورای دولتی پولند را به رهبری یاروزلسکی به منظور در تحت نظم آوردن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پولند که به قیمت خون میلیون ها تن از بهترین فرزندان آن کشور به دست آمده است و به یقین حفظ قانونیت و اداره نظم اجتماعی را به همراه خواهد داشت به موقع، عادلانه و قانونی می دانیم.

این اقدامات صرفاً مربوط به امور داخلی کشور مستقل پولند بوده، آنهایی که در ماورای سرحدات پولند، در عرب به فکر توطئه علیه مردم پولند هستند به هدف شوم خویش دست نخواهند یافت.

مردم پولند قادر خواهد بود از این آزمون جدید تاریخی سرفراز به در آمده و به شایسته گی در قبال وضع کنونی که دارای اهمیت خاص تاریخی برای سرنوشت آنها می باشد، برخورد نموده با قاطعیت به راه برگشتناپذیر خود در جهت صلح و سوسیالیزم به پیش خواهند رفت.

منافع حیاتی مردم پولند به موجودیت آن کشور در پیمان وارسا و در میان خانواده مشترک همه کشورهای سوسیالیستی از تباط ناگسستگی دارد. مستحکمترین تضمین برای خوشبختی تاریخی و حیاتی مردم پولند را دوستی خلل ناپذیر برادرانه با همه کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی که این دوستی در مبارزه علیه فاشیسم نصیح یافته است، تشکیل می دهد.

همه انسان های شرافتمند روی زمین اقدامات اخیر رهبری پولند سوسیالیستی را تأیید و پشتیبانی می نمایند.

رفقای عزیز!

تکامل اوضاع بین المللی ضرورت مبرم مبارزه مشترک تمام کشورها و مردمان صلح دوست جهان را در مبارزه علیه سیاست جنگی و تجاوز امپریالیستی و برای صلح و امنیت بین المللی می طلبد. ما جداً معتقد هستیم که می توان از برکت موجودیت سیستم جهانی سوسیالیزم و در رأس کشور بزرگ شوراه که از همان بدو پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر از نخستین فرمان صلح تا پیشنهاد های صلح مطروحه در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی نیروهای امپریالیزم را مهار کرد و صلح پایدار را که با منافع بشریت پیوند سرشتی دارد تأمین نمود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بیوسته در فعالیت های سیاست خارجی خود از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی در مورد اعلام دهه هشتماد به نام دهه صلح که در

کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیانیه رفیق لیونید ایلچ برژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انعکاس یافت قاطعانه پشتیبانی نموده در راه تحقق آن در جنبه جهانی مبارزه برای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی تعمیق روند دیتانت، کاهش تنش و تقابل نظامی و خلع سلاح می‌رزد.

ما همچنان عمیقاً معتقد هستیم که تقاضانامه بیست و هشت جون سال ۱۹۸۱ شورای عالی اتحاد شوروی به پارلمانها و مردمان جهان می‌تواند اثرات بزرگ در جهت تأمین صلح بگذارد.

حزب و حکومت انقلابی ما پیشنهادهای پنج فقره‌ی رفیق بریژنف را که در پارلمان هند ارائه شد، یگانه‌ترین تأیید برای تأمین صلح و ثبات در بحر هند و حوزه خلیج فارس میدانند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان از تدویر کنفرانس بین‌المللی برای حل پرابلم خاورمیانه به شرکت اتحاد شوروی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین این یگانه نماینده قانونی مردم عرب فلسطین پشتیبانی نموده معامله ننگین کمپ دیوید و طرح به اصطلاح خودمختاری فلسطین را که توطئه‌ی علیه موجودیت فلسطین مبارز و قهرمان است، تقبیح می‌کند.

اما بر آنیم که بدون حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی فلسطینی، اخراج عساکر اشغالگر اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی عرب و احترام به حق حاکمیت و استقلال کشور لبنان که پیوسته سرحدات پذیرفته شده بین‌المللی این کشور مستقل مورد تهاجم نظامی اشغالگران اسرائیل قرار می‌گیرد، صلح نمی‌تواند در شرق‌میانه به میان آید.

درین میان اشغالگران مجاوز اسرائیلی به تشویق و با برخورداری از حمایت همه جانبه امپریالیزم ایالات متحده امریکا دست به الحاق ارتفاعات جولان زده است که این اعمال و حرکات توسعه طلبانه و جنگ افروزانه وسیع به وخامت اوضاع در شرق میانه دامن می‌زند. اما این عمل مجاوزگران، سیاستمداران ماجراجوی اسرائیل را با قاطعیت محکوم نموده خواهان اخراج عساکر اسرائیلی نه تنها از ارتفاعات جولان بلکه از همه سرزمین‌های اشغالی عرب می‌باشیم.

بدون تردید کنفرانس بین‌المللی در کولمبو که باید تدویر گردد گام بزرگ در تبدیل بحر هند به حوزه صلح بوده و از پشتیبانی قاطع ما برخوردار است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه یک کشور صلح‌دوست همراه با اردوگاه صلح و سوسیالیزم، جنبش عدم انسلاک و تمام مردمان صلح‌دوست جهان علیه سیاست

بیوندهای دوستی و برادری میان مردم افغانستان و مردم بلغاریا، سوسیالیستی هرچه بیشتر گسترش و تحکیم مریابد.

تجاوزگرانه و ضد صلح امپریالیزم و علیه استعمار، استعمار نو، فاشیسم، نژاد پرستی و آپارتاید و برای صلح خلع سلاح، کاهش تشنج بین‌المللی در این مبارزه عظیم رهایی‌بخش با نیروهای صلح‌دوست جهان است.

رفقا! مسرورم از اینکه روابط برادرانه دو کشور ما در سطح عالی از دوستی خدشه ناپذیر و پایدار به نفع صلح و ترقی اجتماعی ارتقا نموده است، ما حمایت بزرگ انترناسیونالیستی را که در کنگره دو ازدهم حزب کمونیست بلغاریا در سخنرانی رفیق تودور ژیکوف بازتاب یافت به دیدهٔ سپاس و قدر نگریسته و به نوبهٔ خود پیروزی‌های مزیدی را برای زحمتکشان جمهوری مردم بلغاریا در امر تحقق پروگرام‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی مصوب دوازدهمین کنگره حزب کمونیست پرافتخار بلغاریا آرزو می‌کنیم.

ما یقین کامل داریم که دوستی دو کشور به نفع مردمان ما و صلح و ترقی اجتماعی بیشتر رشد می‌کند.

روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی بلغاریا بر مبنای انترناسیونالیزم پرولتری رشد و تقویت می‌یابد

رفقا و دوستان! اجازه بدهید، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت، مردم زحمتکش و قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان صمیمانه‌ترین شادباش و درودهای گرم انقلابی را به شما رفقا و از طریق شما به مردم زحمتکش بلغاریا سوسیالیستی تقدیم نمایم.

دیدار از کشور زیبا، پیشرفته و شگوفان جمهوری سوسیالیستی بلغاریا از زادگاه شخصیت بزرگ انقلابی گیورگی دیمتروف برای ما نهایت جالب، مسرتبخش و با اهمیت است. می‌خواهم یک بار دیگر از مهمان‌نوازی های گرم و صمیمانه رفقای بلغاری اظهار تشکر نموده، پیروزی‌های عظیم مردم قهرمان بلغاریا را در امر تکوین جامعه رشد یافته سوسیالیستی آرزو نمایم.

رفقا!

انقلاب ثور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به انکای اراده اکثریت مردم زحمتکش کشور ما به پیروزی رسید، آغاز فصل نوینی در تاریخ چند هزارساله سرزمین ما و در زندگی مردمان رنج‌دیده و بلاکشیده افغانستان به حساب می‌رود. با پیروزی انقلاب ثور، افغانستان راه رشد مستقلانه را در جهت براندازی کلیه عقف ماندگی های قرون وسطایی و پایه گذاری جامعه نوین عدالت اجتماعی که در آن برای همیشه به ستم و استثمار پایان داده شده و انسان زحمتکش به سرنوشت خویش حاکم گردیده است در پیش گرفت. انقلاب افغانستان راه ایجاد دگرگونی‌های عمیق و بنیادی را در کشور ما هموار نمود.

اما اندکی پس از پیروزی انقلاب افغانستان، ارتجاع و امپریالیزم در ثبانی با کلیه همدستان خاین خویش طریق مقابله با انقلاب ثور و نابودی دستاوردهای انقلابی را در افغانستان در پیش گرفتند و تمام نیرو را به کار بستند تا از رشد پیروزمندانه انقلاب ما جلوگیری به عمل آورند.

امپریالیزم و در رأس امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده امریکا در چارچوب ستراتیژی تجاوزکارانه مقابله با انقلاب ما نه تنها جنگ اعلان نشده راعلیه افغانستان انقلابی آغاز نهاد و با ارسال باندهای ضدانقلابی این جنگ تجاوزکارانه اعلان نشده را مداوماً وسعت داد، بلکه کوشید تا با نفوذ جواسیس خطرناک خود در حزب ما

مانند حفیظ الله امین که در چهره ماورای انقلابی تبارز مینمود، ضربات سنگینی را بر پیکر انقلاب ما وارد نموده و به اینگونه انقلاب ثور را از مسیر اصلی آن منحرف و دچار وقفه و شکست سازد.

نقشی را که منحرفان به سردمداری حفیظ الله امین به سود منافع سترائیزیک امپریالیزم و در رأس امپریالیزم ایالات متحده آمریکا ایفا نمودند یکی از تجارب تلخ در روند جنبش‌های انقلابی، درس آموزنده برای رونده گان راه انقلاب در کشور است.

اما سترائیزی امپریالیزم در رأس امپریالیزم آمریکا در مقابله با انقلاب افغانستان سرانجام تحقق نیافت و به شکست فزاینده باری انجامید. دیکتاتوری خونین امین در بیست و هفت دسامبر ۱۹۷۹ از هم فروپاشید و انقلاب ثور وارد مرحله نوین تکاملی آن گردید که این خود ضربت مرگبار و شکننده‌یی بود که بر فرق امپریالیزم آمریکا این دشمن اصلی مردم افغانستان وارد آمد.

پیروزی‌های عظیم نیروهای ترقی‌خواه و وطنپرست کشور ما در برابر تجاوزات و مداخلات بیگانگان بعد از سرنگونی رژیم جنایتکار امین با کمک بی‌شائبه، بی‌عرضانه، برادرانه و رفیقانه اتحاد شوروی کبیر که به خواست قانونی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق به قرارداد دوستی و همکاری دسامبر ۱۹۷۸ میان افغانستان و اتحاد شوروی و ماده (۵۱) منشور سازمان ملل متحد پاسخ مثبت داد، ارتباط ناگسستگی دارد. کمک اتحاد شوروی به افغانستان انقلابی آنهم در شرایط دشواری که دستاوردهای انقلاب، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان در خطر جدی قرار گرفته بود به حیث یکی از نمونه‌های برجسته همبستگی رزمجویانه بین‌المللی در عمل می‌باشد.

دوستان محترم!

هنوز تجاوز امپریالیستی علیه افغانستان انقلابی ادامه دارد. هنوز صدور ضدانقلاب از ماورای مرزهای کشور ما صورت می‌گیرد و بالآخر اینجا و آنجا نظم و آرامش زندگی مردم ما مختل می‌گردد. هنوز کلیه هرم‌های امپریالیستی در منطقه ما به خاطر ناکامی انقلاب افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنوز توطئه وسیع تجاوزگرانه در منطقه ما صلح و امنیت را به مخاطره افکنده است.

حزب و دولت انقلابی ما با وجود فشارسنگین تحریکات ضدانقلابی که به رهبری امپریالیزم، هژمونیزم و ارتجاع صورت می‌گیرد، توانسته است در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی همگام‌های بلندی بردارد.

در این زمینه اجمالاً می‌توان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از پایان کلیه ناسامانی‌ها و میراث‌های شوم و دوران دیکتاتوری گذشته، احیای آزادی‌ها و

حقوق دموکراتیک، تطبیق قانونیت انقلابی، تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه قانون اساسی موقت در کشور، احترام به عقاید دینی و مذهبی و رسوم و عینات پسنیده ملی، رعایت اصل کانون خانواده، تأمین امنیت و مصونیت شخصی افراد، تحکیم روند وحدت نیروهای ملی و اجتماعی تحت درفش جبهه ملی پدروطن که زحمتکشان کشور ما را اعم از نیروهایی که در چارچوب سازمان‌های مختلف مشتمل بر اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌های زراعتی، سازمان‌های دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه‌های روشنفکران خلاق، شورای علما و روحانیون، جرگه‌های اقوام و قبایل انجمن‌های صلح، دوستی و همبستگی، اعضای کمیسیون‌های مشورنی اقتصادی مشتمل شده و سایر نیروهای ملی و دموکراتیک را در بر می‌گیرد و از پیروزی‌های وسیع در مبارزه با ضدانقلاب و حکیم قدرت مردمی در کشور یادآوری نمود.

حزب و دولت انقلابی ما همچنان قادر گردیده است تا اقدامات مشخص را به سود توده‌های زحمتکش مردم و اعتلا و رشد جامعه به میدان عمل بگشاند. هم اکنون مرحله نوین اصلاحات دموکراتیک ارضی در جهت تصحیح و ادامه مرحله اول در کشور ادامه دارد. پیروزی‌های ما در زمینه حل مسایل کشاورزی، جنبش کوپراتیفی را متحد می‌سازد. رشد تولیدات زراعتی و کمک به دهقانان در زمینه فروش مساعد محصولات تولیدی مربوط آنان قابل یادآوری است. همچنان باید از تدابیر مهم در زمینه تشکل زحمتکشان کشور در چارچوب اتحادیه‌های صنفی، افزایش دستمزد کارگران از بیست و چهار الی پنجاه فیصد و عقد قراردادهای جمعی میان کلکتیف‌های زحمتکشان و مؤسسات تولیدی که بر پایه آن نقش کارگر آن در رهبری پروسه‌های تولیدی تثبیت می‌گردد و تدوین قوانین عادلانه و دموکراتیک در زمینه کار و حقوق کارگران در ساحة جنبش کارگری افغانستان تذکر داد.

پلان‌هایی رویدست گرفته شده است که در نتیجه آن ما خواهیم توانست به عقب‌مانده‌گی دیرپای سده‌ها در افغانستان پایان دهیم و مقدمات ایجاد جامعه نوین عدالت اجتماعی را در کشور فراهم سازیم. آنچه تا کنون عملی گردیده از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا در کشور ما نمی‌توان به دگرگونی‌های انجام شده در سمت تأمین حقوق مردم، پایان دادن به کلیه اشکال ستم و بی‌عدالتی، گسترش معارف و فرهنگ نوین، ایجاد اقتصاد مستقل ملی و تأمین وحدت نیروهای مردم کم‌بهاداد. کاری که تا کنون در کشور ما انجام یافته تنها و تنها در نتیجه پیروزی انقلاب و رهبری حزب انقلابی میسر بوده است و بس.

رفقای گرامی! سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز، تعهد همبستگی رزمجویانه بین‌المللی و صلح استوار است

پيشنهادهای چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ جمهوری مملوكراتيك افغانستان مبنی بر حل سياسى اوضاع پيرامون افغانستان به خوبی نشان دهنده سياست صلحدو دستى حزب و دولت انقلابی ما می باشد.

ما از همسایهگان خود درخواست نموده ایم تا با عقل و خرد به حوائث بیندیشند و نگذارند تا تشنج در منطقه ما ادامه یابد.

ما با انعطاف پذیری کامل آمادگی خود را برای مذاکرات دوجانبه و یا سه جانبه نشان داده ایم. ما ابراز داشته ایم که در مذاکرات میان افغانستان و همسایهگان آن می تواند سرمنشی سازمان ملل متحد و یا نماینده وی شرکت نماید. هیچکس نمی تواند از آمادگی اصولی ما به خاطر حل سياسى اوضاع اطراف افغانستان و استقرار صلح در منطقه انکار نماید. اما آمادگی ما برای مذاکرات به هیچ وجه مبین ضعف ما نیست. ما نیروی کافی برای دفاع از خود داریم و مردم ما به نیروی حزب و دولت خود با اطمینان، اتکاء دارند.

رفقا!

ما در عرصه سياست خارجى معتقدیم که تناسب نیروها در عرصه جهان به سود جنبه ضد امپریالیستى و به زیان امپریالیزم تغییر نموده است. پیروزی خلق ها در مبارزه علیه امپریالیزم طی ده سال گذشته بهترین شاهد ادعای ماست. پس از شکست مفتضحانه امپریالیزم امریکا در ویتنام، شاهد برچیدن تسلط غارتگرانه امپریالیزم و پیروزی انقلابها در دوازده کشور جهان منجمله در ویتنام جنوبی، نیکاراگوا، زیمبابوی و افغانستان هستیم و این خود نشان می دهد که مبارزه خلق های محروم در مقابل امپریالیزم و استعمار از قوت بیشتری برخوردار گردیده است.

سقوط رژیم های فاشیستى در اسپانیا، پرتغال و یونان، سمنگیری سوسیالیستى در بیست کشور جهان با یکصد و پنجاه میلیون نفوس و از هم گسستن زنجیرهای استبداد و ستم در کشورهای مختلف جهان همه و همه نمونه های عمده پیروزی خلق ها در مقابله با ارتجاع و امپریالیزم می باشند. در برابر شکست های پیهم امپریالیزم، این کشورهای سوسیالیستى، جنبش طبقه کارگر بین المللى و جنبش های آزادى بخش خلق هاست که نیرو می گیرد و پیروزی های عظیمی را کسب می نماید. متناسب با پیروزی های عظیم خلق ها، امپریالیزم اینک یک بار دیگر تلاش می نماید تا بنا به گفته یی پس از شفايى زخم های کهن تجاوز علیه نیروهای پیشرو و انقلابی را شنت بخشد و به گفت شیطان بزرگ سياست تجاوزکارانه امپریالیستى دالس، اتموسفیر هیجان انگیز اوضاع روانی دوران جنگ را به وجود آورد.

خصوصیت مهم لحظه کنونی سياست جهانی را تلاش های مذبحخانه امپریالیزم در

جهت مقابله با دستاوردهای صلح و تشدید تشنج تشکیل می‌دهد. امپریالیزم و در پیشاپیش آن امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده می‌کوشد با دامن زدن به تشنج سیاسی از پیشروی روند دینانت جلوگیری نماید جهان را به دوران جنگ سرد و مسابقات تسلیحاتی بکشاند. پیروزی‌های جنبش‌های رهایی‌بخش ملی را سد شده زمینه‌های ناکامی این جنبش‌ها را مساعد سازد. از پیروزی‌های کشورهای که راه رشد مستقل ملی را در پیش گرفته اند جلوگیری نماید و از نزدیکی آنان با کشورهای سوسیالیستی ممانعت به عمل آورد.

امپریالیزم هم اکنون برای مقابله با خلق‌ها، نیروی وسیعتری را در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی به کار انداخته است.

در منطقه ما وضع وخامت بیشتری کسب نموده است. تلاش‌های امپریالیزم در زمینه ادامه جنگ میان عراق و ایران، بسیج بیش از پیش رژیم‌های ارتجاعی عرب، کمک نظامی بلاعوض و فوری پنجصد میلیون دلاری به پاکستان و قرضه ۲،۵ میلیارد دلاری بانک جهانی به پاکستان، کمک آشکار به ضدانقلاب افغانستان در پاکستان، تبدیل دیگوارسیا به بزرگترین پایگاه تجاوز نظامی امریکا در منطقه بحر هند، آمادگی انگلیس برای در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی عظیم آن کشور در قبرس برای ارتشی تجاوزی ایالات متحده، مذاکرات میان امریکا و مصر، امریکا و پاکستان برای ایجاد دو پایگاه نظامی جدید درین دو کشور و بخصوص کمک‌های نظامی اخیر عربستان سعودی به پاکستان در مورد خرید چهل طیاره اف-۱۶ جنگنده ایالات متحده و غیره همه و همه نشان می‌دهد که نقشه جهانی تجاوزگرانه توسط امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا بخصوص علیه انقلاب ما و جنبش‌های آزادی‌بخش در منطقه در کار است. در مناطق دیگر نیز وضع به همین منوال است.

اما ما معتقدیم که امپریالیزم در شرایط کنونی نه با تهدید جنگ محدود اتمی، نه با تولید بم نیوترون، نه با ایجاد پایگاه‌ها و نیروگاه‌های جدید نظامی، نه با افزایش ژاندارم‌های منطوقی و نه با محاصره‌های اقتصادی و جنگ روانی، نمی‌تواند نیروی عظیم خلق‌های جهان را از پا در بیاورد.

سیل عظیم نبرد در جریان است و این نبرد هر روز منسجم تر، متحد تر و نیرومندتر می‌گردد. ما در برابر کلیه تلاش‌های تجاوزگرانه امپریالیزم به نیروی میلیونی توده‌های مردم باور داریم و مطمئنیم که می‌توان به این تلاش‌ها لگام زد.

در اوضاع و احوال کنونی جهان باید جبهه صلح را نیرومند تر ساخت. توجه جدی به پیشنهاد صلح اتحاد شوروی که در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط رفیق لیونید بریژنف مطرح گردید تنها و تنها راهی است که می‌تواند زمینه‌های نیل به پیروزی را در مقابله با توحه سرایان جنگی امپریالیستی

روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری سوسیالیستی بلغاریا بر مبنای
انترناسیونالیزم پرولتاری رشد و تقویت می‌یابد

میسرز سازد. ما به آینده خوشبینیم و با اعتقاد صریح اعلان می‌داریم که تلاش‌های تب
آلودامپریالیزم مننی بر جلوگیری از مبارزه خلق‌ها در راه ترقی، عدالت، دموکراسی
و صلح محکوم به شکست حتمی است.

رفقا و دوستان عزیز!

ما به پیروزی‌های خلق قهرمان بلغاریا تحت رهبری حزب کمونیست بلغاریا ارج
فراوان قابلیم، معتقدیم که پیروزی‌های مردم بلغاریا به رهبری خردمندانانه حزب
کمونیست و مجموعه اقدامات آگاهانه‌ی وابسته است که از همان سپیده دم انقلاب
سوسیالیستی ۱۹۴۴ در کشور شما آغاز گردید.

ما در شرایطی که روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری
سوسیالیستی بلغاریا، غنای کیفی و وسیعی کسب نموده بیش از پیش بر مبنای
انترناسیونالیزم پرولتاری تقویت می‌یابد امر استحکام بیشتر دوستی و همکاری میان
احزاب، حکومت و مردمان هر دو کشور را مفید و سازنده تلقی می‌نماییم. استفاده
از تجارب حزب کمونیست بلغاریا راهی که مردم بلغاریا به خاطر ایجاد جامعه نوین
طی نموده اند برای ما از اهمیت و سببی برخوردار است.

رفقای گرامی!

اجازه بدهید، در پایان یک بار دیگر از مهمان‌نوازی گرم و صمیمانه شما تشکر
نموده پیروزی‌های عظیم تان را در راه شگوفانی هرچه بیشتر جامعه سوسیالیستی
پیشرفته در کشور تان آرزو نمایم.

ما معتقدیم که مردم قهرمان بلغاریا خواهند توانست در پرتو مصوبات دوازدهمین
کنگره حزب کمونیست بلغاریا به پیروزی‌های باز هم عظیم و عظیمتری نایل گردند.

زنده باد دوستی میان خلق‌های افغانستان و بلغاریا!

زنده باد انترناسیونالیزم پرولتاری!

بیانیه هنگام دریافت کارت عضویت نمبریک ح.د.خ.ا.

۱۲ جدی ۱۳۶۰

اعضای محترم بیروی سیاسی، اعضای محترم اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی!

قبل از همه می‌خواهم به بیروی سیاسی نسبت افتخاری که بخشیده‌اند و کارت نمبریک عضویت حزب محبوب، حزب قهرمانان و شهیدان ما را به من اعطا نموده‌اند، صمیمانه و از ته قلب سیاسی‌گزاری عمیق ابراز نمایم. این امر مرا در مبارزه به خاطر تکامل بیشتر انقلاب ثور، تحکیم حزب سرکوبی قطعی نیروهای ضدانقلاب، نیروی نوین و قدرت بیشتر می‌دهد. امروز برای من واقعاً یکی از پرشکوه‌ترین و مسعودترین روزهای فراموشی‌ناشدنی زنده‌گی است.

من همیشه هدف زنده‌گی خود را در خدمت به حزب و مردم دیده‌ام و می‌بینم و هیچ‌گاهی برای یک لحظه نیز از این هدف دور نمی‌شوم. با حصول کارت حزبی، من می‌خواهم به کمیته مرکزی و بیروی سیاسی آن، همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان دهم که بعد ازین نیز همه نیرو و توانایی خود را در راه امر بزرگ حزب و اعمار جامعه عدالت اجتماعی، ترقی و شگوفانی در افغانستان به خرج خواهم داد.

رفقای گرامی! آغاز توزیع کارت عضویت در حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصادف با هفدهمین سالگرد تأسیس حزب ماست. ما این جشن و این سالگرد را در شرایط غیرعادی استقبال می‌نماییم. نیروهای سیاه امپریالیزم، ارتجاع بین‌المللی و منطقه با فرستادن آدمکشان حرفوی و باندیت‌ها به کشور ما به جنگ اعلان‌ناشده علیه ما دوام می‌دهند. آنها می‌خواهند بدینترتیب چرخ تاریخ را به عقب بازگردانند. ولی این هوس را به گورستان خواهند برد. مردم افغانستان با وضاحت هرچه بیشتر می‌دانند که این به اصطلاح «مبارزان راه ایمان» در عمل اهداف شوم، ننگین و پلیدی دارند به همین سبب نیز دهقانان، کارگران، روشنفکران و جوانان هرچه بیشتر به صفوف مدافعین انقلاب پیوسته و سلاح به دست از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع می‌نمایند.

تعداد هرچه بیشتر افراد به این امر معتقد می‌شوند که سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان واقعاً بیانگر منافع مردم است.

تعداد هرچه بیشتر افراد شریف و نجیب سرنوشت خود را با حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند می‌دهند تا در صفوف آن به خاطر آینده شگوفان و تابناک، به خاطر سعادت مردم و ایجاد افغانستان نیرومند مبارزه نمایند. تصادفی نیست که در ظرف مدت زمان کمتر از یک و نیم سال تعداد اعضای حزب ما بیشتر از دو چند شده است.

کارت عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را چون شرف خود حفظ می‌کنیم و آنرا مظهر وحدت خدشه ناپذیر حزب قهرمان خود می‌دانیم

تعدادی قابل ملاحظه اعضای جدید را کارگران و دهقانان می‌سازند. این امر شاهد افزایش اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، ما باید در آینده نیز رابطه حزب را با مردم تحکیم بخشیم.

توزیع کارت‌های عضویت حزبی نمونه سال ۱۳۶۰ که امروز آغاز می‌گردد، حادثه مهمی در تاریخ حزب ما به شمار می‌رود. این واقعه بزرگ سیاسی بیانگر نیروی رشد یابنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و استحکام سازمانی آن است. به نوبه خود این امر باید به یکپارچگی و وحدت بیشتر صفوف حزبی، ارتقای مسؤلیت هر عضو اصلی و آزمایشی حزب، تحکیم دسپلین، رعایت و اجرای جدی‌تر مطالبات اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مساعدت نماید. امر ثبت اعضای حزب نیز بهبود می‌یابد.

من باز هم سال‌هایی را به خاطر می‌آورم که حزب محبوب ما تأسیس گردید. در آن وقت در شرایط مخفی و تعقیب رژیم‌های ارنجایی ما می‌توانستیم در باره کارت عضویت حزبی فقط آرزو نماییم. مرحله نوین انقلاب ثور امکان داد تا این آرزو و خواست تحقق یابد و در عمل پیاده گردد. اعتقاد راسخ داریم، همه کسانی که افتخار دریافت این سندعالی و پراعتبار را می‌یابند، آنرا با شایستگی و شرافتمندی با وقار و اعتبار در طول زندگی حفظ خواهند کرد و نام عالی عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان را بلند نگه خواهند داشت و اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کارت‌های عضویت اصلی و آزمایشی را بر اساس برخورد عادلانه، عینی و ارزیابی همه جانبه فعالیت و اشتراک شان در سازمان‌های حزبی دریافت خواهند داشت. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور خاص خاطر نشان می‌سازد که در این کار نباید به هیچگونه تخلف از اصول و موازین اساسنامه و به هیچ نوع اعمال نادرست اجازه داده شود. به یک کلمه توزیع کارت‌های حزبی یک عمل تخنیکی نه، بلکه مجموعی از تدابیر و اقدامات در جهت تحکیم بیشتر سازمانی صفوف حزبی است. امروز باید در این باره با صراحت سخن گفت تا تمام سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی وظایفی را که در برابر شان قرار دارد هرچه روشنتر درک کنند.

رفقای گرامی، هم‌زمان عزیز مبارزه انقلابی!

امروز شما نخستین کسانی هستید که کارت عضویت حزب پرافتخار ما را دریافت می‌دارید، مسلماً مستحق این افتخار بزرگ هستید در این امر شناسایی خدمات شما در برابر حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اشتراک فعال شما در ایجاد قوام و تکامل حزب و کار بزرگ که اکنون هر کدام شما در زهبری حزب و دولت انجام می‌دهید، تجلی می‌یابد. من قلباً به شما نسبت این حادثه پرشکوه تبریک گفته اظهار اطمینان

کارت عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را چون شرف خود حفظ میکنیم و آنرا مظهر وحدت خدشه ناپذیر حزب قهرمان خود میدانیم

کامل مینمایم که شما بر خدمات و فعالیت خود به نفع حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت ما و مردم ما چندین برابر خواهید افزود.

با سرور و خرسندی بی پایان و با احساس مسئولیت کامل من این وظیفه پرافتخار را که بیروی سیاسی سپرده است، انجام میدهم.

بیانیه هنگام توزیع کارت‌های عضویت حزب به اعضای کمیته مرکزی و یک تعداد نمایندگان زحمتکشان ۲۰ جدی ۱۳۶۰

دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصلی و صدیق آن حادثه پر اهمیت است و افتخار والایی به شمار می‌رود

رفقای گرامی!

جای مسرت است که این اندک زمان بعد از توزیع کارت‌های عضویت حزب به رفقای اعضای بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طبق پلان مرتبه به توزیع کارت‌های عضویت به اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی و یک تعداد از نمایندگان زحمتکشان می‌پردازیم. از بیروی سیاسی حزب ما که باز هم انجام این کار مطبوع و مسرتبخش را به من سپرده است صمیمانه ابراز امتنان مینمایم. دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصولی و صدیق آن حادثه بزرگ و پر اهمیت است. توزیع کارت‌های حزبی که سلسله آن با تفویض کارت‌ها به اعضای بیروی سیاسی، این قرارگاه پیکارجوی رهبری حزب قهرمانان و شهیدان ما آغاز گردید، حائثه بسیار با اهمیت در حیات حزبی بوده نتایج ثمربخش و مفیدی برای تحکیم صفوف حزب و بهبودی کار سازمانی خواهد داشت.

من درین باره که توزیع کارت‌های عضویت حزب یک عمل تخنیکی نه بلکه مجموعی از تدابیر و اقدامات دارای اهمیت فوق‌العاده سیاسی و سازمانیست سخن گفتم. اکنون می‌خواهم بار دیگر تأکید نمایم که این اقدام باید به ارتقای قابلیت رزمنده گی حزب و در مجموع تربیت سیاسی و سازمانی اعضای آن و افزایش اعتبار حزب و تقویت هرچه بیشتر در وحدت ارگانیکی آن مساعدت نماید و صفوف حزب را هرچه منزله تر و پاکیزه‌تر سازد.

رفقای محترم!

در امر نیل به این خواست‌ها، کمیته مرکزی حزب به مثابه ارگان با صلاحیت و عالی رهبری آن نقش بخصوص و فوق‌العاده دارد. کمیته مرکزی باید همیشه هسته یکپارچه و فشرده‌یی باشد که تمام اعضای حزب به دور آن به خاطر انجام وظایف تاریخی خویش حلقه زده و وحدت و به هم پیوسته گی صفوف خود را استحکام بخشند. کمیته مرکزی باید همیشه نمونه و سمبول وحدت و رعایت دسپلین عالی حزبی باشد. روابط میان اعضای کمیته مرکزی حزب باید نمونه و بیانگر آن مناسبات طراز عالی نوین باشد که در نهایت حزب ما بر اساس جهان‌بینی خود برای استقرار

دریافت کارت عضویت حزب محبوب مان برای هر عضو اصلی و صدیق آن حادثه پر اهمیت است و افتخار و الایی به شمار می‌رود

آن در سراسر جامعه مبارزه می‌نماید. خلاصه کمیته مرکزی باید نمونه برجسته و پراعتباری از رعایت بلانحراف موازین اساسنامه و اصول ایدیولوژیک حزب و مثال بارز وحدت ایدیولوژیک، سازمانی و سیاسی آن باشد.

به آرزوی بسط و تکامل چنین خصوصیات و ممیزات در کمیته مرکزی پیکارجوی حزب محبوب مان، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به همه اعضای اصلی و علی‌البدل آن به مناسبت حصول کارت عضویت حزب صمیمانه تبریک می‌گویم و موفقیت‌های بزرگ شان را در فعالیت شریفانه به خاطر امر برحق حزب، مردم، وطن و اعمار جامعه نوین و شگوفان در کشور باستانی ما افغانستان عزیز می‌خواهم و همچنان بر فقایی که بنابر فعالیت نمونه وار حزبی افتخار حصول کارت عضویت حزبی را در صف کمیته مرکزی در یافته اند قلباً تبریک می‌گویم. اکنون اجازه دهید توزیع کارت‌های عضویت حزبی را به اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ترتیب الفبا آغاز نمایم.

بیانیه در کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل ۲۹ دلو ۱۳۶۰

انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خود طرح می‌کنند، به سر می‌رسانند

رفقای گرامی!

نمایندگان محترم نخستین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل!

قبل از همه به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بیروی سیاسی آن و از جانب شخص خود بهترین درودها و شادباش‌ها را به شما شایسته‌ترین رفقای انتخاب شده از طرف بزرگترین سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به شما نمایندگان نخستین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل تقدیم می‌دارم و نسبت اینکه از من دعوت به عمل آمده است تا در کار کنفرانس شما اشتراک نمایم، امتنان قلبی و صمیمانه خود را ابراز مینمایم.

با رضایت عمیق خاطر نشان می‌سازم که در این سالون، در بین شایسته‌ترین نمایندگان حزب، رفقای دیده می‌شوند که سال‌هاست از همان بدو بنیانگذاری حزب محبوب در صفوف آن رزمیده‌اند و از خم و پیچ‌های طولانی مبارزه گذشته‌اند. برای من جای نهایت مسرت است که با عده زیادی ازین رفقا شخصاً آشنایی دارم و مدت قابل ملاحظه‌یی باهم در سنگرهای مختلف کار نموده ایم. همراه با رفقای نسل پیشین حزب، تعداد زیادی از رفقای جوان، نمایندگان نسل بالنده از میان کارگران، پیشموران، روشنفکران به حیث نمایندگان کنفرانس انتخاب شده‌اند و اینجا حاضرند. این باهم بودن نسل‌های کهن‌سال و نو جوان در حزب ما شاهد انکارناپذیر وحدت و نیروی آن، رابطه آن با مردم و منبع پایان‌ناپذیر تکمیل صفوف آن است.

رفقای گرامی!

این مدت تقریباً چهار سال از آنروز تاریخی می‌گذرد که بنا بر اراده مردم و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انقلاب ظفرمند ثور به پیروزی رسید و به حیث رژیم‌های فرتوت و ننگین استثمارگران خاتمه داده شد.

چه چیزی را مدت تقریباً چهار سال به اثبات رسانید؟

در این مدت حزب ما و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان گام‌های مؤثری را در جهت تحقق تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی به نفع زحمتکشان کشور برداشتند. مدت زمان سپری شده نشان داده که علی‌الرغم مشکلات و دشواری‌ها، علی‌الرغم مقاومت دیوانه وار و کارشکنی دامنه دار ضدانقلاب اعم از داخلی و خارجی، با وجود جنگ اعلان‌ناشده ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم علیه افغانستان،

انقلاب ما به رشد پیروزمندانه خود ادامه می‌دهد و سنگرها و مواضع نوین را فتح می‌کند. اینست نتیجه‌گیری عمده سیاسی از جریان چهار سال بعد از پیروزی انقلاب ثور.

باید خاطر نشان ساخت که حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوسته به رشد خویش ادامه داده، صفوف آن توسعه یافته و وحدت و به هم فشردمگی آن تحکیم پذیرفته است.

باید به اطلاع رفقا، نمایندگان کنفرانس برسانم که در سال جاری در عرصه‌های مبارزه با ضدانقلاب، رشد اقتصاد ملی و تحقق تحولات اجتماعی موفقیت‌های قابل ملاحظه به دست آمده است، نیروهای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان به کمک و پشتیبانی هرچه فزونتر اهالی، ضربات سنگین و هلاکت‌بار را به باند‌های صادر شده ضدانقلاب وارد نموده اند که با استقبال گرم مردم افغانستان و دوسان ما در عرصه بین‌المللی و سراسیمگی و خشم ارتجاع و امپریالیزم مواجه شده است.

چنانکه تحلیل مقدماتی نتایج رشد اقتصادی سال جاری نشان می‌دهد تولید محصولات ناخالص ملی و عاید ملی نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و در تولید یک عده زیادی از محصولات مهم صنعتی چون زغال سنگ، انرژی برق، سمنت، مواد تعمیراتی، محصولات آهنی و غیره از دیاد به عمل آمده است. مخصوصاً این امر اهمیت زیاد دارد که سهم زراعت و مالداری در رشد محصولات ناخالص ملی افزایش یافته است. مثلاً تولید گندم، جو، جواری، برنج، گوشت و شیر بالا رفته، تعداد حیوانات مانند گاو و گوسفند بیشتر شده و مقدار زیاد تر پشم تولید گردیده است. در نتیجه تدابیر مشخص حزب و دولت افزایش تولید پخته و لبلبو در سال جاری بالترتیب رقم بیست و سه اعشاریه یک و بیست و هشت اعشاریه شش فیصد را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. اینها تنها به معنی افزایش تولید مواد غذایی برای مردم و نباتات صنعتی نیست، بلکه ازین وضع نتیجه‌گیری مهم سیاسی به دست می‌آید به این معنی که قسمت اساسی اهالی کشور یعنی توده‌های دهقانی به صورت فعالتر از گذشته از حزب و دولت انقلابی خود پشتیبانی می‌نمایند زمینه‌های بیشتر کار صلح‌آمیز و پرثمر مهیا گردیده است. علی‌الرغم تلاش‌های دشمنان انقلاب و باندهای اجیر مسلح که میکوشند محصولات دهقانان را از بین ببرند و از زرع نباتات به صورت تخنیکی جلوگیری نمایند، باز هم دهقانان ما تولید محصولات زراعتی را بالا برده و به این ترتیب پایه‌های اقتصادی کشور را تحکیم بخشیده اند.

باز هم می‌خواهم تأکید نمایم که این وضع حاکی از آنست که دهقانان به اهداف و مقاصد شریفانه و نجاتبخش انقلاب ثور بیشتر و بهتر از پیش پی‌برده به صراحت بیشتر می‌دانند که حزب و دولت از منافع شان دفاع می‌نمایند و به خاطر آرامش و بهبود زندگی شان مبارزه می‌کنند. این امر تصادفی نیست که در محلات دهقانی و

دهات هر چه بیشتر گروه‌های مدافعین انقلاب و گروه‌های مقاومت تشکیل می‌گردد، دهقانان مسلح به اردو و خاردنوی در سرکوبی ضدانقلاب و دادن پاسخ دندان شکن به آنها فعالتر کمک می‌نمایند.

باید تأکید نمود که در همه پیروزی‌های ما، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور پشتیبانی و کمک‌های بی‌شایبه و فراوان دوست بزرگ ما اتحاد شوروی سوسیالیستی مانند گذشته، نقش بزرگی، ارزشمند و استثنایی داشته است. یک بار دیگر به نام مردم افغانستان، به نام اعضای حزب ما از حزب کمونیست اتحاد شوروی، دولت شوروی و مردم برادر شوروی ابراز سپاس و امتنان بی‌پایان می‌نماییم.

حزب همه اقدامات و تدابیر لازم را جهت بهبود شرایط زنده‌گی کارگران، دهقانان و پیشه‌وران و دیگر اقشار زحمتکش‌ان انجام داده و می‌دهد. روند اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی با در نظر داشت اوضاع احوال مشخص کشور ادامه دارد. از آغاز سال جاری دستمزد کارگران و مستخدمان در سکتور دولتی و مختلط افزایش یافته است. به این ترتیب حزب و دولت به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند وفادار بوده در تحقق آنها صادقانه سعی می‌ورزند.

البته ما هنوز دشواری‌ها و پروبلم‌های فراوانی پیشرو داریم و وظایف سنگین و بیشماری وجود دارد که باید انجام شود.

اگر تا کنون نتوانسته ایم همه آنچه را در این فرصت آرزو داریم انجام دهیم، علت آن خرابکاری ضدانقلاب، ارتجاع، هرژمونیزم و امپریالیزم در رأس امپریالیزم جهانخواار امریکاست که با ادامه جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و صدور باندهای مسلح به قلمرو کشور ما از آنسوی سرحدات، صلح و آرامش را برهم می‌زنند و کار صلح‌آمیز مردم ما را مختل می‌سازند.

ما به آینده با باور، اعتماد، خوشبینی و روحیه انقلابی مینگریم، زیرا حق و عدالت در جهت ماست، زیر احزاب به خاطر آنچه که با زندگی فرد فرد جامعه ما ارتباط دارد یعنی به خاطر تأمین صلح و آرامش سراسری ملی و همه‌گانی، رفع عقب ماندگی، محو بی‌سوادی، بیکاری و بیماری و اعمار جامعه نوین و شگوفان در افغانستان مبارزه می‌نماید.

رفقای عزیز! سازمان حزبی پایتخت زیبای کشور ما، شهر باستانی کابل که چندین هزار عضو اصلی و آزمایشی را در صفوف خود دارد، بزرگترین بخش حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل می‌دهد. تاریخ سازمان حزبی شهر کابل سرشار از سنن عنعنات پرافتخار انقلابی است.

در کابل حزب ما تاسیس گردید و نخستین کنگره آن دایر شد. خلاصه می‌توان گفت که همه حوادث و وقایع مهم در زنده‌گی حزب ما با کابل ارتباط دارد. کابل مرکز حوادث انقلابی کشور بوده و است.

انقلاب ثور و مرحله نوین تکامل آن از کابل آغاز گردید. همه اینها مسوولیت بخصوص را به عهده کمیته حزبی شهر، کمیته‌های نواحی، سازمان‌های اولیه حزبی و اعضای اصلی و آزمایشی حزب در شهر کابل می‌گذارند. خوشبختانه سازمان حزبی شهر کابل در همه فعالیت‌های خود نقش پیشرونده بی‌را که داشته و دارد به اثبات رسانیده است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالیت سازمان حزبی شهر کابل و کمیته حزبی شهر کابل را، ارزیابی شایسته می‌نماید.

در تحت رهبری کمیته حزبی شهر کابل در مرحله نوین انقلاب ثور کارهای زیادی در امر مبارزه با ضدانقلاب، تحکیم صفوف حزب، پذیرش اعضای جدید به آن از میان کارگران و حل مسایل اجتماعی - اقتصادی صورت گرفته است. مخصوصاً باید یادآور شد که در پذیرش اعضای جدید آزمایشی در سازمان‌های حزبی شهر کابل تعداد کارگران رو به افزایش است. کمیته مرکزی حزب این روش را تأیید و تقدیر می‌نماید.

اعضای اصلی و آزمایشی مربوط سازمان حزبی شهرکابل در امر مبارزه با ضدانقلاب فعالانه سهم می‌گیرند. در ظرف شش ماه اخیر سازمان حزبی شهر کابل دوهزار نفر از اعضای خود را برای خدمت در اردو و خارتدوی فرستاده است. صدها نفر از اعضای اصلی و آزمایشی حزب هرروز در کار حفاظت از مؤسسات دولتی و مؤسسات اقتصادی و تأمین نظم اجتماعی اشتراک می‌ورزند.

سازمان حزبی شهر کابل به سازمان‌های حزبی ولایات کشور نیز کمک فعال می‌نماید. در حال حاضر بیش از پنجمصد نفر از اعضای حزب مربوط سازمان حزبی شهر کابل به حیث سپاهیان انقلاب مصروف کار و بیکار انقلابی در ولایات میباشند. ما همین امروز در کنفرانس راجع به مبارزه قهرمانانه گروه سپاهیان انقلاب که در حال حاضر در کندهار باشجاعت و مردانه‌گی به کار تبلیغی و کمک در امر تحکیم ارگان‌های محلی مصروف اند گزارشی را استماع نمودیم. موفقیت‌ها و پیروزی‌های هرچه بیشتر این رفقا را در امر شریفانه شان آرزو می‌کنیم.

اکنون در کمیته حزبی شهر کابل اشکال جدید کار در امر اجرای تحولات اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده است. باید در آینده نیز این سمت کار را رشد داد، زیرا بعد از گرفتن قدرت سیاسی در برابر حزب وظایف نوین اقتصادی و اجتماعی که در گذشته وجود نداشت، مطرح شده است. هر عضو حزب باید در اجرای این تحولات

مسئولیت بیشتری احساس نماید.

چندی قبل همه ما شاهد حادثه برآزنده و برجسته‌یی بودیم. به تاریخ هجده جدی بنا بر ابتکار کمیته حزبی شهر کابل روز دوستی و همکاری برگزار شد و در این روز عنعنه قدیم و پر ارزش مردم ما حشر با محتوای نوین انقلابی عنی گردید. هزاران همشهری کابل که در این روز از کمک‌های مادی و طبی مستفید شدند و کسانی که در کار هموارسازی، جغله اندازی و ترمیم ده‌ها کیلومتر سرك، پاك كاری و ترمیم مساجد و غیره سهم گرفتند، مواظبت غمخواری واقعی حزب و دولت را احساس نمودند. این ابتکار وطنپرستانه باید در سراسر کشور تعمیم یابد و از جانب همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی مورد پشتیبانی قرار گیرد.

ضمن خاطر نشان ساختن اهمیت کار سازمان‌های حزبی شهر کابل در سلحه اجرای وظایف اقتصادی باید گفت که در کابل همه وزارت‌ها و ادارات مرکزی بزرگ جمهوری دموکراتیک افغانستان تمرکز یافته است و کار درست این ادارات بالای تمام کشور تأثیر می‌اندازد. از اینرو سازمان‌های اولیه وزارت خانه‌ها و ادارات مرکزی مسؤولیت بزرگ را در تنظیم بهتر امور و بهبودکار، مبارزه علیه بقایای گذشته از جمله بیروکراسی، بی‌نظمی و کندی در کار و غیره به عهده دارند. در عین زمان نباید اجازه داد که سازمان‌های حزبی جانشین دستگاه اداره دولتی گردند و به جای آن کار نمایند، بلکه اثر رهبری و بهبود و تکمیل فعالیت آن کمک نمایند و با میتود تأثیر حزبی در بهتر شدن امور سهم فعال بگیرند. هر عضو حزب مکلفیت دارد که نه تنها خودش بهتر کار نماید، بلکه سعی ورزد تا اطرافیان و همکاران خود را نیز به کار درست و مؤثر سوق دهد.

در رابطه با این امر تجارب مثبت و مفیدی مخصوصاً در کار نواحی سوم، پنجم و هفتم و یک عده سازمان‌های اولیه وجود دارد. کمیته شهر کابل حزب باید توجه خود را معطوف به آن سازد که این تجارب مثبت و ثمر تعمیم یابد و از طرف نواحی و سازمان‌های اولیه دیگر نیز به کار برده شود.

رفقا! آخرین موضوعی را که می‌خواهم مطرح نمایم، صحبت روی مسئله تحکیم صفوف حزب و وحدت آن است.

با تدویر کنفرانس حزبی شهر کابل کار بررسی نتایج هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انتخاب نماینده‌گان برای کنفرانس سرناسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پایان میرسد. جلسات عمومی سازمان‌های اولیه، کنفرانس‌های سازمان‌های حزبی نواحی، ولسوالی‌ها، شهرها و ولایات نه تنها حادثه بزرگ در زندگی حزب بود، بلکه مدرسه تربیت واقعی اعضا و کادرهای حزب به

شمار می‌رود، زیرا در تاریخ حزب چنین افتخایات و کار عظیم سازمانی و آمادگی مربوط به آن برای نخستین بار صورت گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دقت تمام نتایج این کمپاین عظیم سیاسی را مطالعه و ارزیابی می‌کند و تعمیم می‌بخشد و عنقریب جمع‌بندی خواهد نمود. اما همین اکنون نیز می‌توان بعضی نتایجگیری‌ها را بیان نمود:

۱- در اکثریت قاطع سازمان‌های حزبی کار جلسات و انتخاب نمایندگان مطابق رهنمودهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، باسطح عالی سازمان دهی، وحدت، حاضری و فعال بودن اعضای حزب صورت گرفت. این امر بدان معنی است که وحدت حزب ما تحکیم می‌یابد. پختگی سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی آن ارتقا حاصل می‌نماید و اعضای حزب فعالیت کمیته مرکزی خود را تأیید و پشتیبانی می‌نمایند.

۲- اما علی‌الرغم شرایط دشوار کنونی به توسعه و رشد دموکراسی داخل حزبی دست زدیم که بر حق بودن و درست بودن این تصمیم حزب نیز به اثبات رسید، زیرا جریان انتخاباتی جهات مثبت و منفی قوی و ضعیف فعالیت ما را برملا ساخت.

۳- جریان جلسات و انتخاباتی با صراحت نشان داد که هنوز هم ضعف‌ها، نقایص و کمبودهای در کار تربیتی با اعضای اصلی آزمایشی حزب موجود می‌باشد و در وجود بعضی از اعضاگرچه خوشبختانه تعدادشان اندک است ولی هنوز هم امراض سابق یعنی فرکسیون‌بازی و محفل‌پرستی به مشاهده می‌رسد. اعمال نادرست این افراد منحصراً مجموع عبارت بود از آنکه می‌خواستند در جلسات، پرآگنده‌گی، فضای متشنج و نامطمئن را ایجاد نمایند و تلاش می‌ورزیدند نظر شخصی خود را در برابر آرای اکثریت قرار دهند. بعضی از این افراد تا سرحد فعالیت‌های ضدحزبی پیش رفتند و به اعمال ناجایز مانند شانناژ و تحت فشار قرار دادن رفقا دست زدند. فکر می‌شود که چنین اعمالی نباید بدون بررسی و رسیده‌گی از جانب کمیته‌ها و کمیسیون‌های کنترول و نظارت حزبی باقی ماند.

درباره چنین افرادی چه می‌توان گفت؟

صرف نظر از مفاصد و انگیزه‌های این افراد، فعالیت آنها آگاهانه و یا غیرآگاهانه، لطمه عینی به منافع حزب وارد می‌نماید. اکنون وظیفه جدی کمیته‌های حزبی است تا برای رفع نقایص و کمبودها، تحکیم انضباط، دسپلین و وحدت حزبی، ارتقای سطح آمادگی و پختگی سیاسی و ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی و تقویت کار تربیتی سعی بیش از پیش نمایند.

البته حزب مصمم است که دامان خود را از وجود اشخاصی که منافع حزب را مدنظر نمی‌گیرند، خلاف مشی آن عمل می‌نمایند، انضباط و مقررات حزب را

رعایت نمی‌کنند و نمی‌خواهند اشتباهات خود را رفع و از زیربار اشتباهات گذشته بیرون آیند، پاك سازد.

باید با صراحت گفت که علی‌الرغم هرگونه طوفان شدید، ما کشتی مقصود خویش را به ساحل امید خواهیم رسانید.

در امر تحکیم صفوف و سازمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نقش مهمی را توزیع کارت‌های حزبی که در سازمان حزبی شهر کابل آغاز شده و تا اخیر سال آینده به پایان خواهد رسید، ایفا می‌نماید.

انجام این امر مهم از تمام سازمان‌های اولیه، کمیته‌های نواحی و کمیته شهری حزب توجه جدی و همه‌جانبه را تقاضا دارد و باید منتج به نتایج پراهمیتی در ساحه بهبود امور مربوط به ثبت اعضای حزب، تقویت فعالیت و ارتقای مسؤولیت هر عضو حزب گردد.

کارت عضویت حزب عزیزترین و پراعتبارترین سند برای هر عضو حزب قهرمانان و شهیدان ماست و من یقین دارم هر عضو با دریافت آن بر فعالیت خود در جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان به نفع توده‌های زحمتکش و ارتقای حیثیت و اعتبار حزب خواهد افزود.

رفقای عزیز، هم‌زمان گرامی مبارزه انقلابی!

در آینده بسیار نزدیک کنفرانس سرناسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر می‌گردد. در این کنفرانس پر اهمیت‌ترین مسایل ارشد حزب ما مورد بررسی قرار می‌گیرد و سند حایز اهمیت فوق‌العاده یعنی برنامه عمل تصویب می‌شود که سمت فعالیت حزب را برای سال‌های متمادی تعیین خواهد کرد. در برابر هر کدام از ما و شما وظایف بزرگ، پیچیده و مهم قرار می‌گیرد. از هر کدام ما صرف انرژی عظیم و نیروی بزرگ تقاضا برده می‌شود تا حزب بتواند وظایف مطروحه را با موفقیت و سربلندی انجام دهد. ولی ما می‌دانیم که مشکلات و دشواری‌های غیرقابل عبور وجود ندارد و انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خویش طرح می‌نمایند، به سر می‌رسانند و هیچ چیزی سد راه شان شده نمی‌تواند. من اطمینان کامل دارم که حزب ما و مردم ما علی‌الرغم تلاش‌های منبوحانه دشمنان، زنده‌گی نوین و مرفه را در کشور اعمار می‌نمایند. یقین دارم که سازمان حزبی شهر کابل سهم شایسته خود را در این امر بزرگ و تاریخی ایفا خواهد کرد.

در پایان برای همه رفقای نماینده کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل، تمام اعضای اصلی و آزمایشی آن، برای هریک از شما رفقای عزیز همسنگر موفقیت‌ها و پیروزی‌های بازم بیشتر و بزرگتر را در امر مبارزه شریفان، ثان، در راه خدمتگزاری به وطن و به مردم، در راه تحقق آرمان‌های کبیر حزب قهرمانان

انقلابیون واقعی آنچه را که در برابر خود طرح می‌کنند به سر می‌رسانند

ارزو میکنم.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت رهبری آن مردم سربلند و غرور آفرین ما ضدانقلاب را کاملاً محو می‌سازند و زندگی سعادت‌مند و شگوفان را ایجاد می‌نمایند

بیانیه در جلسه مسوولین وزارت‌ها و ارگان‌های محلی حزبی و دولتی ج.د.ا درباره
ادامه اصلاحات ارضی دموکراتیک در ج.د.ا ۴ حوت ۱۳۶۰

اتحاد کارگران و دهقانان ضامن رشد انقلاب ثور، تا آخرین مراحل تکاملی آن می‌باشد

رفقای گرامی!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور که در تحت رهبری حزب ما به پیروزی رسید، انجام
اصلاحات دموکراتیک ارضی را به مثابه يك هدف اساسی و ضرورت عمده به پیش
کشید.

حزب ما بر ضرورت انجام این اصلاحات قبل از پیروزی انقلاب نیز پیوسته تأکید
می‌ورزید و مبارزات دامنه داری را درین عرصه سازمان داد، زیرا نظام‌های
فیودالی و ماقبل آن برای سالیان متمادی از رشد سریع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
جامعه ما جلوگیری مینمود و اکثریت نفوس کشور را که دهقانان تشکیل می‌دهد به
فقر و تنگدستی مشقت بار و به ورشکستگی و افلاس شدیدی مواجه کرده بود.

اکنون نیز امپریالیزم و ارتجاع فیودالی زیر پرده به اصطلاح دفاع از دین اسلام و
اطمینان‌های دروغین تلاش می‌ورزند که دهقانان زحمتکش ما را فریب بدهند و
کماکان بی‌رحمانه استثمار نمایند. ولی ضربات کمرشکنی بر مناسبات عقب‌مانده
اجتماعی و اقتصادی در دهات کشور وارد آمده است و دهقانان زحمتکش دیگر
نمی‌توانند بار مشقت‌های زندگی را که از جانب باندهای جنا پنگار و دهشت افکن
ضدانقلابی بر آنان تحمیل می‌گردد، تحمل نمایند.

پس از پیروزی مرحله نوین انقلاب، کشور ما وارد مرحله تحولات مهمی گردیده
است. میلیون‌ها انسان جامعه ما زنجیرهای برده گی چندین هزارساله را بر می
اندازند و در شاهره اعتلای اجتماعی و ملی قرار می‌گیرند. یکی از عمدمترین
پدیده‌های کنونی کشور ما را خواست اساسی دهقانان زحمتکش برای زمین و آب که
با مجموع مبارزات طبقاتی در کشور در آمیخته شده است، تشکیل می‌دهد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مبتنی بر ماهیت طبقاتی و مبنی بر سیاست
مترقی خویش در راه برآورده شدن آرزوهای دیرینه تمام زحمتکشان کشور مبارزه
می‌نماید، ادامه تطبیق اصلاحات دموکراتیک و عادلانه ارضی را به نفع دهقانان
زحمتکش کشور به مثابه یکی از اساسی‌ترین، عمده‌ترین و مبرمترین وظایف انقلابی
خود تلقی می‌کند.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم اتخاذ نمودند که جلسه کنونی را دایر نمایند تا نتایج فعالیت‌های مربوط به آماده‌گی برای ادامه اصلاحات ارضی ارزیابی گردد و وظایف عمدینی که در جهت تطبیق عملی آن در پیش است طرح و تعیین شود.

از آغاز مرحله تکاملی انقلاب که مرحله نوین کیفی و مهم در تاریخ مبارزه حزب و مردم ما محسوب می‌شود بیش از دو سال می‌گذرد و پروسه انقلابی در افغانستان نیرومندتر شده است. اکنون دیگر امر جاودانی بودن و به پیروزی رسیدن نهایی انقلاب ثور برای همه ثابت گردیده است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان یک سلسله اسناد مرامی، رهنمودها، فرمان‌ها و قوانین مهم را درباره اصلاحات ارضی و آب در کشور مورد تصویب قرار داده اند.

به تاریخ سی جوزای سال ۱۳۶۰ کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران مصوبی را درباره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسانیدند که در آن سیاست ارضی و زراعتی حزب در مرحله کنونی فورمولبندی گردید. وظایف اساسی در عرصه اصلاحات ارضی و آب تشخیص و تعیین شد و کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران در زمینه ادامه اصلاحات عادلانه و دموکراتیک ارضی تأسیس گردید.

به منظور تحقق مصوبه متذکره و تطبیق تدابیر پیشبینی شده، شورای انقلابی و حکومت ضمیمه نمبر (یک) فرمان نمبر (هشت) قانون آب و مقرر استفاده از آب در زراعت را به تصویب رسانید.

کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران تا کنون چهار جلسه دایر نموده و طی آنها، پروگرام تدابیر عملی ادامه اصلاحات ارضی، که تطبیق چهار پلان عملیاتی را پیشبینی می‌نماید به تصویب رسیده و نتایج بازرسی وضع زمینداری و استفاده از زمین و آب در ده ولسوالی مربوط به نه ولایت کشور تحلیل و ارزیابی گردیده و تصامیم لازم در زمینه اتخاذ شده است.

رفقا!

به این ترتیب اسنادی که جهت تطبیق عملی اصلاحات ارضی و آب ضروری است آماده گردیده و کارهای مقدماتی انجام یافته است. با شناسایی و پشتیبانی حقوق مشروع کلیه دهقانان و زمینداران برای زمین و آب، حزب و حکومت جدا مصمم اند تا اهداف عمده انقلاب ملی و دموکراتیک را به طور قاطعانه تحقق بخشند و دهقانان بی‌زمین، کارگران زراعتی و کوچیان نیازمند را با دادن زمین و آب از حقوق شان بهره مند سازند و تا حدودی که امکان پذیر باشد در چارچوب قانون،

سه‌میه زمین دهقانان کم زمین را افزایش دهند.

ولی با ابراز تأسف باید خاطر نشان ساخت که هنوز تعدادی از وزارتخانه‌ها و دوایر مربوط و ارگان‌های محلی حزبی و دولتی حدود مسؤلیت‌های خود را به درستی درک نکرده‌اند و امکانات موجوده را به منظور تحقق تدابیری که جهت انجام اصلاحات ارضی و آب اتخاذ گردیده است مورد استفاده قرار نداده‌اند.

چنانکه در عده‌یی از ولایات جهت تحقق مصوبه تاریخی سی جوزای ۱۳۶۰ کمیته مرکزی و حکومت در باره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان و مصوبه کمیسیون کمیته مرکزی و شورای وزیران مورخ چهارده سنبله سال جاری تدابیر لازم اتخاذ نگردیده است. کمیته‌های حزبی بعضی از ولایات موضوع استفاده از زمین وزمیندارای و رویهمرفته وضع زراعت را در مجموع مورد ارزیابی و تحلیل عمیق قرار نمی‌دهند و فعالیت کمیته‌های ولسوالی، مدیریت‌های عمومی زراعت و اصلاحات ارضی ولایات و هم اجراءات گروپ‌های عملیاتی را که از کابل اعزام می‌شوند به صورت سطحی و ضعیف رهبری و کنترول می‌مایند. عده‌یی از کمیته‌های حزبی ولایات مسئله مربوط به تطبیق اصلاحات ارضی را جزء فعالیت‌های فرعی و کم اهمیت می‌شمارند.

به طور مثال در ولایات وردک، کاپیسا، لعمان، پکتیکا، جوزجان و نیمروز نا همین اکنون کمیسیون‌های ولایتی انجام تطبیق اصلاحات ارضی ایجاد نگردیده است. در یازده ولایت کشور تاکنون دو، دو ولسوالی مورد نظر را جهت اجرای پالان عملیاتی نمبریک تعیین و تشخیص نکرده‌اند. دوازده ولایت از پذیرفتن گروپ‌های عملیاتی ایا ورزیده و یا اینکه به خواست‌های مقتضی وزارت زراعت و اصلاحات ارضی جواب مثبت ارائه نداشته‌اند. در بعضی موارد مسؤولان رهبری در تعدادی از ولایات به شرایط و اوضاع ولایات مربوط خویش اشاره نموده سعی می‌ورزند تا خود را از فقدان ابتکار و سستی در فعالیت تیرنه نمایند. چنین بهانه تراضی‌ها جداً بی‌اساس می‌باشد. اشتراک و سهم‌گیری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در زمینه اجرای تدابیر مربوط به اصلاحات ارضی کاملاً غیر کافی است. لازم است که اینها چنین روش‌ها و شیوه‌های برخورد غیرمسؤولانه را اصولاً تغییر دهند و مسئله اصلاحات ارضی و آب را به مثابه یکی از مهمترین و عمده‌ترین کارهای حزبی و دولتی تلقی نمایند و برای اجرای موفقیت آمیز آن از تمام امکانات موجود استفاده مؤثر با عمل آورند.

فعالیت‌های توضیحی، تبلیغی و تربیتی در میان دهقانان درباره اهداف سیاست ارضی حزب و وظایف اصلاحات ارضی و آب نیز کاملاً قناعت‌بخش نمی‌باشد. کمیته‌های تبلیغ و توضیح درباره اصلاحات ارضی صرف در برخی از ولایات و ولسوالی‌ها موجود است. کمیته مرکزی حزب اکیداً لازم به تذکر می‌داند که در اجرای این امر

بسیار مهم کلیه سازمان‌های حزبی در مراکز ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند سازمان هموکراتیک جوانان افغانستان، اتحادیه‌های صنفی افغانستان و بخصوص شورای مرکزی کوپراتیف‌های زراعتی افغانستان باید سهم بارز و بسیار فعال بگیرند.

همچنان وسایل اطلاعات جمعی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون باید به امر مهم اصلاحات ارضی توجه خاص و دایمی مبذول نمایند. مواد تبلیغاتی باید طوری تهیه و ترتیب شود و موضوع اصلاحات ارضی و آب و سایر تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور برای دهقانان و کلیه زحمتکش‌ها باید طوری قابل فهم و واضح عرضه و تشریح گردد تا آنان با شور و شوق در راه تحقق اهداف تعیین شده تهبیح و بسیج گردند. وسایل اطلاعات جمعی باید به مثابه تربیون واقعی و انعکاس دهنده تجارب مترقی در عرصه اجرای دگرگونی‌های انقلابی خدمت نمایند.

قوای مسلح پرافتخار ما این پاسدار راستین دستاوردهای انقلاب ثور که بر ضد دشمنان حاکمیت مردمی ما، قهرمانانه می‌رزمند باید در امر تأمین امنیت جهت اجرای تدابیر عملی اصلاحات ارضی و آب فعالانه شرکت ورزند. قطعات نظامی خاوندوی، نیروهای امنیتی و گروه‌های مدافعین انقلاب در محلات در حالی که وظیفه اجرای فعالیت‌های امنیتی و پاک‌سازی قرا و دهات را از وجود کثیف باندهای جنایت کار برعهده دارند باید به کارمندان حزبی و دولتی که مسؤول انجام وظایف اصلاحات ارضی و آب هستند پیگیرانه و دوامدار کمک و همکاری نمایند.

به منظور اجرای وظیفه بسیار مهم و میرم ادامه تطبیق اصلاحات عادلانه و دموکراتیک ارضی که در برابر ما قرار دارد باید:

۱- در ولایات و محلاتی که تا کنون کمیته‌های انسجام برای تطبیق اصلاحات ارضی و آب، کمیته‌های انقلابی دهقانی و کمیسیون‌های توضیحی و تبلیغی اهداف و وظایف اصلاحات ارضی و آب ایجاد نگردیده است، به عنوان یک وظیفه فوری و عاجل تدابیر برای تأسیس آنها اتخاذ گردد.

۲- بر اساس ارزیابی وضع استفاده از زمین و آب که هم اکنون در جریان است به تقسیم و توزیع زمین و سهمیه آب که تثبیت و تشخیص گردیده است اقدام به عمل آید.

۳- اشتباهات و نواقصی که در حین تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی رخ داده است، رفع و اصلاح گردد و معضلات و اختلافاتی که در بین دهقانان و زمینداران در مورد تقسیم زمین و آب به وجود آمده است به نحو عادلانه و دموکراتیک حل و فصل گردد.

۴- توزیع اسناد ملکیت زمین برای همه زمینداران آغاز شود.

۵ - برای تشدید فعالیت تولیدی، تدارکاتی و عرضه محصولات کوپراتیف‌های زراعتی موجود تدابیر مؤثر اتخاذ و به طور تأخیر ناپذیر در عمل تطبیق گردد و در محلاتی که شرایط مساعد موجود است با رعایت جدی پرنسیپ‌های داوطلبانه کوپراتیف‌های جدید تأسیس شود و دهقانان در آنها جلب و شامل گردند.

۶- برای دهقانان و زمینداران اعم از اینکه در کوپراتیف‌های زراعتی متشکل گردیده اند و یا به صورت انفرادی به کشت و زرع، اشتغال دارند باید کمک‌های همه جانبه مالی، مادی و تخنیکی فراهم گردد.

در آینده نزدیک پروگرام کشت بهاری در سراسر کشور که اخیراً از جانب شورای وزیران مورد تصویب قرار گرفته است آغاز می‌گردد. کلیه ارگان‌های محلی حزبی و دولتی، وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و سایر وزارتخانه‌ها و دوایر باید برای تطبیق این پروگرام احساس مسؤلیت نموده توجهات لازم را مبذول بدارند و بدون قید و شرط و بهانه جویی وظایف محوله خویش را انجام دهند تا اینکه حتی یک جریب زمین قابل زرع هم بدون کشت و بلااستفاده باقی نماند.

رفقا!

وظایف عمده‌ای که در عرصه تطبیق اصلاحات ارضی و آب در برابر ما قرار دارد، تمام اعضای کمیته مرکزی، کلیه وزراء، همه مسؤولین زون‌ها، کارمندان مسؤول حزبی و دستگاه‌های دولتی را چه در مرکز و چه در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها موظف می‌سازد تا به منظور انجام موفقیت آمیز این وظایف، مسؤولانه کار و فعالیت نمایند. هریک از مسؤولان مربوط حزبی در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها در زمینه اجرای اصلاحات ارضی و آب مسؤولیت فردی دارند و مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

حزب و حکومت در برابر هر نوع عدم ابتکار، بی‌کارمگی و لاقیدی جداً باز پرس به عمل خواهند آورد و چنین اعمال را به مثابه تخلف از انضباط و دسپلین حزبی و دولتی و بی‌اعتنایی در برابر وظایف حزبی و اداری تلقی نموده و به حیث گریز از وظایف خویش در برابر مردم ارزیابی خواهند کرد.

ما به کارگران رزمنده خویش خطاب می‌نماییم و اظهار می‌داریم تا اتحاد خود را با دهقانان زحمتکش تقویت بخشند که این امر ضامن رشد و توسعه پروسه انقلاب در کشور ماست. دهقانان تنها می‌توانند در اتحاد با کارگران، تحت رهبری حزب پرولتری به اهداف مشترک طبقاتی خویش نایل آیند. وحدت کارگران و دهقانان پیروزی انقلاب افغانستان را آخرین مراحل تکاملی آن می‌تواند تضمین نماید.

ما به دهقانان زحمتکش خویش اعلام می‌داریم که اکنون دیگر شما از آینده محروم نیستید. سیاست مترقی ارضی حزب، سیاست شماسات اصلاحات ارضی و آب قبل

از همه به خاطر تأمین عدالت اجتماعی و به خاطر برآورده شدن آرمان‌ها و آرزوهای دیرینه شما عملی می‌گردد.

ما مرحله اول مسئله ارضی را در شرایط کنونی فقط از طریق اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک و عادلانه با روحیه ضد فئودالی و امحای مالکیت بزرگ بر زمین می‌توانیم حل نماییم و حزب درین مرحله می‌تواند بر تمام دهقانان و زمینداران به صورت مجموعی اتکاء نماید. حل کامل مسئله ارضی خواهان شرایط پیشرفته دیگری است که در دستور روز ما قرار ندارد. ولی در هر حال فعال ساختن خود دهقانان زحمتکش و اتکاء به نیروی انقلابی آنان به رشد مَمادای خودآگاهی آنها مسئله اساسی است. بنابراین حزب باید در میان دهقانان کار وسیع تبلیغی، توضیحی، سیاسی و تربیتی را سازمان بدهد و هر گاه حزب متناسب با اوضاع و احوال مشخص در میان دهقانان با در نظر داشت خصوصیات محلی و سایکولوژی دهقانان هر محل به شکل سیستماتیک تبلیغ نماید و حکومت انقلابی با تمام وسایل دست داشته خویش به آنها کمک برساند می‌توان نتایج بزرگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از انجام اصلاحات ارضی به دست آورد.

هدف اساسی ما از ادامه تطبیق و تعمیق اصلاحات دموکراتیک ارضی در کشور عبارت است از امحای مناسبات عقب مانده فئودالی و ماقبل فئودالی، تأمین زمین و آب برای دهقانان زحمتکش، رشد تولید محصولات رراعتی و هموار کردن راه برای رشد و توسعه مبارزات طبقاتی در دهات و توأم ساختن آن به مبارزه همه زحمتکشان کشور در راه ساختمان پایه‌های اساسی جامعه نوین فارغ از استثمار انسان از انسان.

ساختمان جامعه نوین مبتنی بر عدالت اجتماعی و وظیفه مقدسی است که در برابر همه وطنپرستان و همه مردم قرار دارد. ما از کارگران دهقانان، روشنفکران و وطنپرست، تاجران و سرمایه داران ملی، روحانیون و پیشوایان مذهبی، بزرگان قبایل، افسران و سربازان قوای مسلح، اعضای حزبی و عناصر غیرحزبی و همه وطنپرستان حقیقی وطن عزیز ما افغانستان دعوت می‌نماییم که بیاوید برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، برای تحقق بخشیدن به دگرگونی‌های مترقی اجتماعی و اقتصادی در کشور، به خاطر رشد اقتصاد و کلتور وطن، به خاطر ارتقای سطح زندگی مردم و برای ایجاد افغانستان شگوفان، تمام نیرو و توانایی خویش را به خرج دهیم.

بیانیه هنگام برداشتن پرده از روی بنای یادگاری قهرمانان انقلاب ۲۲ حوت ۱۳۶۰

رزمندگان سرسپرده راه توده‌ها، راه فرزندان گلگون کفن حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان را ادامه می‌دهند

رفقا!

امروز در استانهٔ تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان این رویداد تاریخی در زندگی مردم و حزب ما، از روی بنای یادگاری که به خاطر گرامی‌داشتن خاطره قهرمانان و رزمندگان که با خون خود سنگ‌های نبرد را لاله‌گون ساخته‌اند و در پای سوگند انقلابی خود جان داده‌اند اعمار گردیده، پرده برمی‌داریم.

خاطره قلب‌هایی که با تبیین خود نبض زمان را سیراب ساختند، سینه‌هایی که با هوای آتشین خود آماج رگبار مسلسل شدند، قامت‌های افراشته‌یی که رو به خورشید ظفر به خاک علنیدند تا راه سپیده‌ها را به روی خلق‌های ما باز سازند، همیشه، تا ابد، در قلب ما، در روان ما، در ایمان و وجدان ما زنده و جاوید است.

ما به این فرزندان گلگون کفن خود می‌گوییم: انقلابیون جان به کف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رزمندگان سرسپردهٔ راه توده‌ها، راه تان راه، راه سرخ و شریف تان راه، راه آرمان‌های نجیب تان را با پیگیری و صداقت بی‌هراس و بیبک ادامه می‌دهند و افغانستان انقلابی را سرزمین شگوفه‌ها و سناره‌ها می‌سازند.

رفقای انقلابی!

انقلاب ثور که به بهای جان‌های پاک هزاران هزار فرزند سرافراشته مردم ما به پیروزی رسیده است، چرخش‌گاه تاریخ پرافتخار سرزمین آزاده ماست، با انقلاب ثور دولت طراز جدید که پاسخگو و بیانگر آرمان‌های دیرین سال خلق‌های زحمتکش جامعه ماست، به وجود آمد و زمینه‌های تحقق خواست‌های مردمان ما فراهم گردید.

خلق‌های به پا خاسته افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر دشواری‌ها، توطئه‌ها، خیانت‌ها و تجاوزات امپریالیزم و ارتجاع منطقه، دلیرانه رزمیدند و با به پیروزی رساندن مرحلهٔ نوین تکاملی انقلاب ثور، مردم، انقلاب و وطن را نجات دادند.

مردم ما باعزم راسخ وارادهٔ خلل ناپذیر، راه تحولات اجتماعی و اقتصادی را

رزمندگان گان سرسپرده راه توده‌ها راه فرزندان گلگون کفن حزب پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان را ادامه میدهند.

برگزیده و در راه اعمار جامعه نوین که شالوده آنرا آزادی، عدالت، برادری و برابری تشکیل می‌دهد، پیگیرانه و قهرمانانه می‌رزمند.

پروسه تحقق آرمان‌هایی که در پای آنها خون هزاران هزار جوان ما ریخته شده است و بهترین فرزندان مردم ما به خاطر آنها با ترانه ظفر به لب در آغوش خاک خوابیده اند، پیروزمندانه به پیش می‌رود، خاطره بیکار قهرمانان قرن‌ها در قلب و روان مردمان ما جا خواهد داشت و نام آنها ترانه‌های همیشه‌گی و ماندگار نسل‌های بعدی خواهد بود.

بنایی را که امروز اساس گذاشته ایم، نماد سیاست‌گذاری خلق‌های افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان از دلیری انقلابی و عشق بیکران قهرمانان راه توده‌ها و پیروزی انقلاب بوده، بزرگداشتی است از جان فشانی همه شهیدان گلگون کفن انقلاب ثور و مرحله نوین آن.

با احترام بیکران به قهرمانی شهیدان راه آزادی و انقلاب، سوگند می‌خوریم که به آرمان‌های بزرگ انقلاب ثور وفادار خواهیم بود و همه هستی خود را به خاطر تحقق این آرمان‌ها و خوشبختی رَحمنکشان افغانستان خواهیم داد.

افتخار جاویدان به سرسپرده گان و شهیدان راه انقلاب!

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

رفقای نماینده!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کار خود آغاز می‌نماید. اوضاع تاریخی طوری جریان یافت که فقط امروز، زیاده از هفده سال بعد از نخستین کنگره حزب، این گردهمایی بزرگ و عالی سرتاسری حزب ممکن گردید. خود واقعیت تدویر کنفرانس حزبی اهمیت تاریخی را برای تمام حزب و مردم ما دارد. کنفرانس باید راهی را که حزب طی نموده است، عمیقاً مورد تحلیل قرار دهد و به مسایل اساسی، حیاتی و مهمی که حال و آینده وطن محبوب ما به آن وابستگی دارد، پاسخ علمی ارائه کند.

تصمیم کنفرانس، مشی عمومی، ستراتیژی و تاکتیک مبارزه حزب را به خاطر نوسازی انقلابی افغانستان معین خواهد نمود.

کنفرانس ما، نتیجه پرافتخار مبارزات قهرمانانه بهترین و شایسته‌ترین فرزندان مردم نجیب و آزادمش ما به خاطر آینده درخشان و سعادت‌مند است. بسیاری از آنان جان‌های شیرین خود را در راه این مبارزات از دست داده اند که خاطره تابناک آنان برای ما همیشه گرامی و عزیز است و در صفحه تاریخ مبارزات و پیروزی‌های حزب ما در امر اعمار افغانستان نوین و شگوفان، آباد و سربلند زنده و جاوید خواهد ماند. پیشنهاد مینمایم که به خاطر بزرگداشت روان این سرسپرده گان و قهرمانان راه وطن، مردم و انقلاب به پا خاسته یک لحظه سکوت نماییم.

رفقا!

امروز در این تالار شایسته‌ترین فرزندان و گل‌های سرسبد حزب ما، بهترین نمایندگان که در جلسات و کنفرانس‌های حزبی انتخاب شده اند حضور دارند. اینان کسانی اند که به امر حزب، انقلاب و مردم وفاداری بی پایان دارند. حزب به برکت مساعی آنان کار و بیکار قهرمانانه و خستگی‌ناپذیر و از خود گذری ده‌ها هزار عضو خود، با اتکاء بر پشتیبانی و کمک همه وطنپرستان کشور با اطمینان و سربلندی، رسالت تاریخی خویشرا انجام داده و مردم ما را در راه ترقی ملی و اجتماعی رهبری می‌کند. تدویر کنفرانس سرتاسری حزب انعکاسی روشن و قانع

کنفرانس سراسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

کننده رشد ایدئولوژی سیاسی و سازمانی حزب، تحکیم بیشتر وحدت صفوف آن و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است.

اجازه دهید، بنابر سفارش بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین شادباش‌ها را به شما رفقای عزیز و گرامی برسایم و کار پرثمر و موفقانه تانرا آرزو کنیم.

رفقا!

در طول سال‌های متمادی، ما در مبارزات و پیروزی‌های خود تنها نبوده ایم. حزب ما بخش انفکاک ناپذیر روند نوسازی انقلابی جامعه است که در مقیاس سراسری جهان گسترش می‌یابد. دوستان واقعی ما قبل از همه دوست و برادر بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی همیشه و در همه حالات به طور بلا تغییر و انحراف ناپذیر از کمک نجیبانه و شریفانه انترناسیونالیستی خود به ما دریغ نکرده اند. توجه آنها به مبارزات ما پشتیبانی و مساعدت مادی و معنوی آنها به ما کمک می‌نماید تا در برابر نیروهای متحد دشمنان که جنگ اعلان نشده بی را علیه ما به راه انداخته اند و می‌خواهند وطن ما را به گذشته و نظام قرون وسطایی عقب رانند و مردم ما را از مهمترین حق اجتماعی یعنی حق انتخاب آزادانه طرز زندگی محروم سازند مقدمات کنیم و پیروز شویم.

تعداد زیادی از پیام‌های شادباش احزاب انقلابی، دوستان واقعی و مطمئن ما عنوان کنفرانس رسیده است. اجازه دهید، پیام شادباش حزب بزرگ لنین و حزب کمونیست اتحاد شوروی را قرأنت نمایم.

همچنان پیام‌های کمیته‌های مرکزی احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری احزاب و جنبش‌های انقلابی دموکراتیک، کنفرانس‌های سازمان‌های حزب خود ما، جبهه ملی پدروطن و تمام سازمان‌های شامل آن نیز عنوانی کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان مواصلت نموده است. همه اینها به ما در امر مبارزه انقلابی نیرو، شور شوق نوین انقلابی می‌بخشند. اجازه دهید، از جانب شما به مناسبت این پیام‌ها و ایراز همبستگی انترناسیونالیستی شان با کار و پیکار انقلابی و شریفانه ما، مراتب امتنان عمیق را ابراز نمایم. ما از صرف هیچ گونه مساعی و انرژی دریغ نخواهیم کرد تا تمنیات نیک دوستان را در عمل پیاده کنیم.

گزارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۳ حوت ۱۳۶۰

رفقای نماینده! در مدت زمانی که بعد از کنگره اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان سپری شده، حزب ما راه طولانی و پیچیده، افتخار آمیز و پر خم و پیچ را طی نموده است. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انقلاب ظفرنمون ثور به پیروزی رسید که وطن محبوب مان افغانستان باستانی و سربلند را در شاهره رشد ملی - موکراتیک قرار داد.

بعد از هفتم ثور در مدت زمان کوتاه از لحاظ تاریخی تغییرات و تحولات عمیق در کشور رخ داده، رشد این پروسه ادامه دارد. به تسلط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فیودالان و سودخوران بزرگ پایان داده شد. اصلاحات ارضی و آب به نفع توده‌های اساسی دهقانان و کوچیان تحقق می‌پذیرد. سکتور دولتی در صنایع و ترانسپورت توسعه و تحکیم می‌یابد. حزب و حکومت با پیگیری و استواری برای تحکیم و تثبیت فضای قانونیت، احترام به حقوق و آزادی‌های اتباع کشور کار می‌نمایند. همه زمینه‌های لازم جهت اجرای آزاد و بلا مانع مناسک مقدس مذهبی برای مؤمنان فراهم و تأمین می‌گردد.

اکنون دیگر مردم بیشتر از هر وقت دیگر معتقد گردیده اند که سیاست ما واقعاً در مسیر حل پروبلیم‌های اقتصادی، اجتماعی و معنوی به نفع آنان متوجه است. نتیجه کار انجام شده در همه عرصه‌ها عبارتست از استقرار مناسبات نوین، احترام، اعتقاد، همکاری و برادری بین تمام نیروهای ملی و وطنپرست افغانستان در فعالیت نجیبانه و مشترک شان به خاطر وطن عزیز ما افغانستان انقلابی.

به این ترتیب یک بار دیگر این حقیقت به اثبات رسیده است که سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان یگانه سیاست درستی است که بیانگر منافع اساسی، نیازمندی‌ها و آرمان‌های خلق ما می‌باشد.

چرخش انقلابی از عقب‌ماندگی به سوی ترقی همه جانبه در افغانستان خشم و غضب و حشیانه و مقاومت دیوانه وار امپریالیزم و ارتجاع را برانگیخته است. آنها به مداخله وسیع در امور داخلی ما نسبت زده و ترور، آدمکشی و قتل و قتال را به راه انداخته اند و جنگ برادر کشی را تحریک می‌نمایند و از هیچ وسیله‌ی برای استقرار مجدد حاکمیت استثمارگران و محروم ساختن مردم ما از مزایای خوشبختی و ترقی دریغ نمی‌کنند. بنابر همین جنایات و مداخلات دشمنان انقلاب افغانستان است که تحولات

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

اجتماعی و اقتصادی با سرعت کمتر از آنچه که پیشبینی شده بود رخ می‌دهد و دشواری‌های جدی در کار صنایع، زراعت، امور انرژی و ترانسپورت به وجود می‌آید.

بنابر همین جنایات و مداخلات هنوز هم خونریزی دوام دارد و هموطنان ما رنج و عذاب میکشند. اوضاع و احوال کنونی از حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب انقلابی حاکم، صراحت هدف، قاطعیت عمل و کار عظیم سازمانی را می‌طلبد. به همین سبب نیز تصویب برنامه عمل که باید پایه وحدت و یکپارچگی بیشتر و نزدیکتر صفوف حزب و بسیج تمام نیروهای ما را برای اجرای وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک و حراست از دستاوردهای آن تشکیل دهد، لازم است.

سند مرامی جدید از آنرو نیز ضرور است که وظیفه عمده ستراتیژیک برنامه اول، مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی کسب قدرت سیاسی، انجام یافته است. اکنون در برابر حزب وظایف نوین قرار دارد. بنابراین هدف عمومی کنفرانس سرتاسری حزب ما را طرح فورمولبندی این وظایف و تعیین طرق مشخص پیشروی جنبش ما تشکیل می‌دهد.

در مدتی که از تدویر دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصویب اساسنامه فعلی حزب می‌گذرد تجارب معینی در کار درون حزبی اندوخته شده و اشکال و مینوذهای نوین کار در سازمان‌های حزبی به وجود آمده است. ساختار سازمان‌های حزبی تکمیل می‌گردد و بهبودی حاصل می‌نماید. کمیته‌های ولایتی و در شهرهای بزرگ کمیته‌های ناحیه‌وی ایجاد شده است. در حقوق و وجایب کمیته‌های حزبی واجد صلاحیت‌های مختلف تغییرات رخ داده است. همه اینها باید در سند اساسی که زندهگی درون حزبی را تنظیم می‌نماید یعنی در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یابد. بنابراین به نظر مامفید است که بعض تغییرات و تعدیلات در اساسنامه کنونی حزب آورده شود. در کنفرانس اسناد دیگری که برای کشور و حزب اهمیت خواهد داشت، نیز به تصویب خواهد رسید.

رفقا!

آمادگی برای کنفرانس سرتاسری حزب به کمپاین عظیم سیاسی مبدل شد که حزب ما را نیرومندتر و به هم فشرده تر نمود. رابطه آنرا با توده‌های وسیع مردم توسعه و تحکیم بخشید و باعث شور و شوق انقلابی جدید اعضای اصلی و آزمایشی حزب گردید و حزب را با تجربه نوین غنی ساخت. از آنجایی که مسوده برنامه عمل قبلاً تکثیر شده و رفقای نماینده آنرا در نزد خود دارند اجازه دهید، به ارزیابی نکات اساسی آن و جهات اساسی فعالیت عملی حزب ناشی از محتوای برنامه بپردازیم.

ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان و خطوط اساسی تکامل آن:

رفقا!

ما ضمن طرح فورمولبندی برنامه عمل حزب و سیاست عملی ناشی از آن هدف ساده و روشن را در برابر خویش قرار داده ایم تا مردم خود را سعادتمند و کشور خود را شگوفان سازیم. ماهیت انقلاب ثور و همه فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز همین امر روشن و صریح تشکیل می‌دهد اما حصول این هدف عالی به یک باره‌گی و فوری ممکن نیست. گذار از عقب‌ماندگی شدید به سوی ترقی همه جانبه مستلزم زمان و مساعی آگاهانه و پلان شده تمام مردم، تحت رهبری پیشاهنگ سیاسی شان یعنی حزب انقلابی حاکم یعنی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. مرحله‌ی از لحاظ تاریخی ضروری و ناگزیر این پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک می‌باشد. انقلاب ما پاسخ به نارضایتی و نفرت افزایش یابنده تاریخی از جانب وسیعترین نیروهای اجتماعی زحمتکشان، روشنفکران و افسران مترقی، سربازان، قبایل، اقوام و ملیت‌ها علیه سیاست‌های ارتجاعی و خودخواهانه رژیم‌های ضد مردمی بود. این انقلاب ملی دموکراتیک است که دارای خصلت ضد امپریالیستی می‌باشد.

انقلاب ما وظایف عمومی دموکراتیک ذیل را در برابر خود قرار می‌دهد:

محو تمام بقایای فیودالی و ماقبل فیودالی، تحدید مالکیت بزرگ زمینداری و توزیع زمین به دهقانان کم زمین و بی‌زمین و کارگران زراعتی، اعتلای سطح اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم، رشد فرهنگ‌های ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان و دموکراتیزه ساختن عمیق و پیگیر حیات اجتماعی و سیاسی.

در عین زمان انقلاب ما خصلت ملی دارد زیرا خصوصیات ملی، احساسات عمیق مذهبی، سنن تاریخی و فرهنگی و ارزش‌های معنوی خلق‌های ساکن کشور و احدمان افغانستان انقلابی را منعکس می‌سازد. ما نسبت به این سنن و ارزش‌ها با احترام برخورد می‌کنیم و همه آنچه را که نسل‌های پیشین به وجود آورده اند و خوب و مترقی است با دقت تمام حفظ می‌نماییم و بسط و تکامل می‌دهیم.

من باید یک بار دیگر خاطر نشان سازم که انقلاب ما وارث تاریخی مبارزات طولانی گذشته و طنیرستان افغانستان به خاطر آینده بهتر و سعادتمند است. این مبارزات مخصوصاً تحت تأثیر تغییرات ریشه‌یی که در سراسر جهان و در منطقه ما به برکت پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر تقریباً شصت و پنج سال قبل و تغییر بعدی تناسب نیروها در عرصه جهانی به نفع صلح و ترقی همه جانبه رونما گردید، تقویت و تشدید یافت. در کشور عزیز ما افغانستان در همین وقت جریانات نوین پدید آمد و سریعاً رشد نموده نیروهای ترقی و آزادی تقویت یافت. هنوز در آغاز قرن ما دموکرات‌های برجسته افغان چون جلال آبادی، طرزی و دیگران به مثابه طرفداران معتقد ترقی واقعی و طن، مردم را دعوت به وحدت ملی به نام آینده

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

بهتر و تابناک مینمودند. جنگ سوم افغان و انگلیس وحدت و وطنپرستانه را تقویت بخشید و باعث اعتلای نیرومند جنبش دموکراتیک گردید و همه نیروهای مترقی کشور را فعال ساخت.

ادامه و رشد بعدی این جریانات را نهضت مشروطه خواهی اول، اصلاحات مترقی امیرامان الله، نهضت دوم مشروطه خواهی، نهضت دوره هفتم شورای ملی و جنبش مردم افغانستان به خاطر اصلاحات دموکراتیک علیه سیاست مستبدانه رژیم‌های ارتجاعی تشکیل می‌دهد.

همه اینها شاهد گویای موجودیت نیازمندی عظیم تاریخی مردم ما به ترقی واقعی و همه جانبه بود. در نتیجه رشد نیرومند همین نیازمندی‌های جامعه، حزب ما به وجود آمد که مبارزات پیگیر، استوار و قهرمانانه آن به پشتیبانی تمام نیروهای ملی و وطنپرست سرانجام منتج به پیروزی انقلاب ظفرنمون ثور گردید.

رفقا!

انقلاب ثور به صورت خود به خودی نه، بلکه بر اساس تیوری علمی و انقلابی و قانونمندی‌های عام انقلابات اجتماعی و تلفیق خلاقانه این قانونمندی‌ها با خصوصیات اقتصادی، تاریخی، ملی و معنوی افغانستان محبوب به وسیله حزب به پیروزی رسید. این خصوصیات که مشخصه روند انقلابی کشور ما را می‌سازد، کدامها اند؟

قبل از همه باید خاطر نشان نمود که انقلاب افغانستان نه تنها در شرایط عقبماندگی شدید رخ داد، بلکه در اوضاع و احوالی گسترش می‌یابد که باید دایره وسیعتری از پروبلم‌ها نسبت به بعض کشورهای دیگر حل گردد. یعنی بر علاوه معضلات عام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید پروبلم‌های ملی، مذهبی و قبیله‌ای و غیره را نیز حل نماید. حل همه این مسایل برخورد متعادل و انعطاف پذیر را از جانب حزب و حکومت انقلابی می‌طلبد.

علاوه بر آن انقلاب ثور هم به شکل مسالمت آمیز و هم به شکل غیرمسالمت آمیز یعنی به شکل مبارزات مسلحانه حزب و مردم علیه تجاوز امپریالیزم، هژمونیزم، بیکنگ، ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی آغاز شده رشد می‌یابد.

همچنان باید خاطر نشان نمود که تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک بعد از پیروزی آن هموار و یکنواخت نبوده است. انقلاب نه تنها با انحرافات و اشتباهاتی که در آغاز صورت گرفت، بلکه با مداخلات و تجاوزات سازمان یافته از خارج نیز مواجه گردید. در نتیجه بسیاری از وظایف مطروحه اجرا نگردید و تحولاتی که آغاز شده بود به انجام نرسید. بنابراین در مرحله کنونی انقلاب ما باید برنامه اقدامات وسیع در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب، بهبود وضع مادی زحمتکشان، ادامه اصلاحات

ارضی و آب، بهبود امور مربوط به تأمین مردم از لحاظ کالاهای مورد ضرورت اولیه، رشد تجارت، فرهنگ و معارف تحقق پذیرد.

نکته مهم قابل یادآوری اینست که انقلاب ثور در کشوری رشد می‌یابد که اکثریت مردم آنرا پیروان دین مقدس اسلام تشکیل می‌دهند. ارتجاع در داخل افغانستان و خارج از مرزهای آن همه تلاش‌ها را نموده و می‌نماید تا در میان مسلمانان متدین احساس نفرت را نسبت به انقلاب و حزب دموکراتیک خلق افغانستان برانگیزد. بنابراین حزب مساعی جدی را به خرج خواهد داد تا آرمان‌ها و اهداف عالی و شریفانه آن به مسلمانان متدین و به درجه اول به زحمتکشانشان به درستی و به طور عمیق تفهیم گردد.

خصوصیت قابل ملاحظه دیگر هم اینست که انقلاب ما در کشوری دارای ترکیب مغلق ملی و قبیله‌ای رشد و گسترش می‌یابد. در گذشته‌ها، رژیم‌های استبدادی و ارتجاعی از این خصوصیت به عرض تفتین، تفرقه اندازی و ایجاد دشمنی‌ها میان قبایل، ملیت‌ها و اقوام مختلف استفاده می‌نمودند تا مواضع همه آنها را تضعیف نمایند و به این ترتیب به عمر ننگین و تسلط جابرانه خود بر آنها ادامه دهند. حزب و حکومت انقلابی جدی‌ترین توجه را به حل درست و معقول این پروبلم پیچیده که از گذشته به میراث مانده است، معطوف خواهد داشت.

رفقا!

فهم درست خصوصیات انقلاب ما و تلفیق خلاق آنها با قانونمندی‌های عام تحولات انقلابی در سیاست حزب اهمیت بزرگ اصولی دارد. موفقیت سیاست عملی و پیروزی این امر را بسته به چنین در درست است.

حزب بر اساس تحلیل از واقعیت‌های جامعه ما چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که پروبلم‌های موجود کشور و انقلاب نه به یک بارمگی و فوری بلکه مرحله به مرحله قابل حل میباشند، تکامل انقلاب باید پیشرونده پیگیر و بر طبق پلان باشد. هر مرحله‌ای از تکامل آن فقط بعد از اجرای وظایف مرحله قبلی آغاز شده می‌تواند.

حزب در عین زمان که به فراجبهیدن از مراحل، گسست از واقعیت و شتاب بی‌مورد را اجازه نمی‌دهد، هیچگونه وقفه را نیز در تحولات انقلابی افغانستان تحمل نمی‌تواند. به توقف دریک نقطه و تعویض عمل انقلابی به گفتار انقلابی اجازه داده نمی‌شود. حزب متکی بر این تصمیم خلل ناپذیر است که به تدریج، وضع مادی مردم را بهبود بخشد، بی‌سوادی را محو کند، معارف، صحت عامه و فرهنگ را رشد دهد و در کشور آرامش، قانونیت و نظم انقلابی را تأمین نماید.

حزب ضمن تأمین گذار پیگیر از مراحل انقلاب ملی و دموکراتیک، علیه هرگونه تلاش به غرض قرار دادن یک مرحله در برابر مرحله دیگر است. بعد از پیروزی

انقلاب ثور سمت عمومی حرکت به پیش تعیین شده بود. در مرحله نوین و کنونی انقلاب این حرکت از سوپرکتیویزم و انحراف مربوط به آن آزاد گردیده، محرکه‌های نیرومند نوین یافته و قاطعانه در جهت تعیین شده به پیش می‌رود. ایجاد اساس‌های سیستم نوین سیاسی که بیانگر ماهیت دموکراتیک انقلاب می‌باشد، از دستاوردهای انقلاب ثور است. این سیستم علاوه بر ارگان‌های قدرت دولتی، جبهه ملی پدروطن را به مثابه پایه قدرت زحمتکشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان یکجا با تمام سازمان‌های اجتماعی، تودمیی شامل آن یعنی اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، کوپراتیف‌های دهقانی، اتحادیه‌های روشنفکران مبنکر، شورای علما و روحانیون، جرگه‌های قبایل و غیره نیز در بر می‌گیرد.

سیستم نوین سیاسی ایجاد شده عمل می‌کند. حزب در آینده نیز به بهبود، دموکراتیزه ساختن و تحکیم ارتباطات آن با مردم توجه جدی خواهد داشت.

حزب همیشه معتقد بوده و معتقد است که مسئله قدرت سیاسی مسئله عمده و اساسی انقلاب است. انقلاب ثور قدرت دولتی طراز نوین را که عبارت از حاکمیت زحمتکشان و تمام وطنپرستان کشور می‌باشد به وجود آورد. پایه و اساس این حاکمیت را که بیانگر منافع اساسی و آرمان‌های توده‌های وسیع مردم است، اتحاد نیروهای عمده اجتماعی جامعه ما یعنی کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد. این اتحاد راهمه زحمتکشان، همه وطنپرستان واقعی و تمام فرزندان شایسته وطن ما، روشنفکران و سربازان قوای مسلح انقلابی، پیشه‌وران، تاجران و کارفرمایان ملی، شخصیت‌های مذهبی، قبایل، اقوام و ملیت‌های افغانستان پشتیبانی می‌نمایند و عملاً در آن اشتراک دارند.

اعمار افغانستان نوین را در شرایط جنگی اعلان نشده و تحمیلی امپریالیزم و ارتجاع ادامه می‌دهیم. به همین سبب نیز، ما به امر تأمین و تقویت بیشتر قدرت و قابلیت دفاع از وطن و دستاوردهای انقلابی، تحکیم و مستون ساختن این دستاوردها، جلوگیری و خنثی نمودن موفقانه و قاطعانه تلاش‌های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی برای استقرار مجدد تسلط استثمارگران، اهمیت درجه یک را قایل هستیم. در رابطه با این امر طرح برنامه عمل حاوی سیستمی از تدابیر مؤثر و سنجیده شده است که قبل از همه تحکیم بیشتر اردو، خازندوی، ارتقای سطح آمادگی رزمی و سیاسی آنها و تحکیم و توسعه رابطه آنها را با مردم به مثابه امر حیاتی برای انقلاب پیش‌بینی می‌نماید.

حاکمیت انقلابی مردم دستاورد عمده انقلاب پیروزمند ثور است. در عین زمان این حاکمیت ابزار عمده سیاسی برای تعمیق و تکامل بیشتر انقلاب، بسط و توسعه تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع توده‌های وسیع مردم و سپهر مطمئن

دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر دسائیس و توطئه‌های ارجاع خارجی و داخلی است.

بنابراین مهمترین و مبرمترین وظیفه حزب و قدرت انقلابی را به انجام رساندن سرکوبی ضدانقلاب مسلح، استقرار و تحکیم بیشتر و مطمئن‌تر حاکمیت انقلابی در ساحاتی که هنوز «جنگ اعلان نشده» نیروهای ارجاعی دوام دارد و تأمین صلح پایدار سراسری ملی در کشور تشکیل می‌دهد. نظریه صلح پایدار سراسری ملی که از جانب حزب ما طرح گردیده است بیش از همه به معنی تأمین شرایط عادی، صلح‌آمیز و آرام جهت شور و بحث مشترک روی پروبلم‌های موجود و حل این پروبلم‌ها می‌باشد. فقط چنین شرایطی می‌تواند راه را برای تحقق کامل تمام مجموع تحولات اجتماعی اقتصادی مطروحه در برنامه عمل باز نماید.

برخورد ما نسبت به مسئله ماهیت و اهداف انقلاب ثور چنین است ما باید همیشه به یاد داشته باشیم که آرزوها و آرمان‌های بسیاری از نسل‌های مردم ما و بهترین و شایسته‌ترین فرزندان آن که با دلاوری و شجاعت، مردانگی و سرسپردگی به خاطر آزادی و شگوفانی وطن محبوب ماں پیکار نموده اند، در جریان تحولات انقلاب ما تحقق می‌پذیرد. برای همه اعضای حزب و وطنپرستان کشور افتخار عظیم است که به خاطر این امر زنده‌گی و کار و پیکار دایمی و پیگیر نمایند. این سال‌های پرافتخار و مشحون از قهرمانی‌ها در تاریخ کشور مقام براننده را خواهند داشت و نسل‌های شرافتمند آینده قهرمانان و سرسپرده گانی را که سنگ بنای اعمار حیات نوین را در کشور گذاشته اند هیچگاه فراموش نخواهند کرد.

رفقا!

حزب ما قدرت سیاسی را بنابر اراده و به خاطر منافع مردم به دست گرفت. همین امر هم خصلت، جهات و اهداف سیاست حزب را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معین می‌سازد. تحقق این سیاست در عمل بر بهبود زندگی مردم ما و هر خانواده افغان تأثیر عظیم خواهد نمود.

ما در طرح این سیاست بر نتایج واقعی که بعد از پیروزی انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین آن به دست آمده است، متکی بودیم. این نتایج در طرح برنامه عمل به طور مفصل تشریح شده است. بنابراین من فقط می‌خواهم نکات ذیل را که برخورد اصولی حزب و حاکمیت انقلابی را به مسایل رشد اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌سازد، خاطر نشان کنم.

قبل از همه باید در نظر داشت که در کشور ما اشکال و سیستم‌های مختلف اقتصادی چون سکتور دولتی در صنایع و زراعت سکتور کوپراتیوی در ده و در شهر، سیستم سرمایه‌داری دولتی خصوصی (سکتور مختلط) سرمایه‌داری خصوصی در صنایع،

کنفرانس سراسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

ترانسپورت، زراعت و تجارت، تولید کالای کوچک در شهر و ده (دهقانان و پیشه‌وران)، اقتصاد سنتی دهقانان به شکل طبیعی و نیمه طبیعی و اقتصاد قبیله‌ای از لحاظ عینی به وجود آمده و وجود دارند.

در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک این شکل چندین سیستمی اقتصاد حفظ می‌شود. ما تصمیم نداریم که بدون نیازمندی و به شکل مصنوعی روند از بین رفتن این سیستم‌ها را که از لحاظ تاریخی به وجود آمده است، تشدید بخشیم. برعکس ما در سیاست اقتصادی و اجتماعی خود با پیگیری و حوصله، در آن جهت کار خواهیم کرد که از امکانات همه اشکال و سیستم‌ها به نفع رشد نیروهای مولده کشور و رفاه مردم استفاده کامل نماییم. به این ترتیب پروبلم مهم اجتماعی نیز حل می‌گردد: یعنی ما به هم نزدیک شدن اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و ملی را که در عقب این سیستم‌ها قرار دارند، تقویت و تسریع می‌بخشیم. بالاخره رشد نیروهای مولده، معمول ساختن تکنیک و تکنالوژی معاصر، رشد معارف و فرهنگ اجازه می‌دهد تا این وضع چندین سیستم رافع نماییم. نقش عمده را در این روند سکتور دولتی خواهد داشت.

به برکت افزایش پلان شده و تدریجی نقش و اهمیت سکتور دولتی و پلان‌گذاری در اقتصاد کشور و دادن رجحان به سکتور دولتی همه منابع اقتصادی به طور کاملتر و مؤثرتر در امر عمومی ترقی، ارتقای سطح رفاه مادی زحمتکشان و تحکیم قدرت دفاعی کشور مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اما حزب و دولت آن تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد که تجدید بنای اقتصاد چند سیستمی به ضرر انسان زحمتکش نه بلکه بر اساس بهبود شرایط زندگی و کار و ارتقای سطح مادی و فرهنگی وی صورت گیرد.

رفقا!

برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی حزب ما برنامه‌هایی اند، ریالیستی و به هم پیوند یافته که بر اساس شرایط و امکانات موجود متکی می‌باشند. به همین سبب نیز است که حزب ما توجه دائمی را به پروبلم‌های اقتصادی کشور معطوف داشته و همه کارهای ممکن را برای تحکیم اقتصاد، افزایش تولیدات صنعتی، پیشه‌وری و زراعتی و بهبود تجارت انجام می‌دهد، طبقاً اجرای همه این وظایف بزرگ در مدت کوتاه ممکن نیست. بر علاوه شرایط و اوضاع و احوال کنونی یعنی ادامه جنگ اعلان نشده امپریالیزم و ارتجاع منطقه اجرای آنرا دشوارتر می‌سازد. اما حزب و حکومت انقلابی اعلام می‌دارند که: ما آرزو نداریم و نخواهیم گذاشت آنچه که امروز ممکن است به نفع مردم انجام شود به آینده نامعین موکول گردد.

عقب‌مانده‌گی و عدم رشد افغانستان خصلت موقتی و گذرا دارد. کشور ما افغانستان دارای منابع و ثروت‌های سرشار طبیعی، مقدار کافی زمین حاصلخیز که از جمله

اکنون کمتر از نصف آن تحت زراعت قرار دارد و دارای مردم زحمتکش، با استعداد، شرافتمندون آزاده می‌باشد. حزب مطمئن و معتقد است که در آینده نزدیک وطن ما به کشور رشد یافته از لحاظ اقتصادی مبدل خواهد شد که دارای صنایع پیشرفته و متنوع، زراعت پر بهره و قوی و مردم مرفه، سعادتمند، توانا، باسواد و باصحت، تأمین شده از لحاظ مادی و رشد یافته از لحاظ سیاسی، خواهد بود.

رفقا!

در برنامه عمل با در نظر داشت خصوصیات اقتصاد افغانستان توجه بخصوص نسبت به پروبلم‌های رشد زراعت و بهبود وضع دهقانان معطوف شده است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سیاست ارضی خود متکی بر این نتیجه‌گیری است که تنها از طریق محو سیستم فئودالی می‌توان دورنمای وسیع را برای تولید زراعتی باز نمود و از امکانات بزرگ در این عرصه استفاده کرد. حزب و دولت، مرام و مثنی مبتنی بر حل دموکراتیک مسئله ارضی را به اشترک مستقیم دهقانان و افزایش نقش آنان در این امر حیاتی با پیگیری و استواری تعقیب خواهند کرد.

به نظر ما مناسبات نوین ارضی باید چگونه باشد؟ بدیهی است که این مناسبات دربر گیرنده تحدید معقول اندازه زمین یک فرد خواهد بود تا به منافع دیگران که نیازمندی طبیعی به زمین دارند، ضرر نرسد. ملکیت هر شخصی که به طور میراثی و یا در نتیجه اصلاحات ارضی صاحب زمین می‌شود در هر حالت به اندازه‌ی که قانون پیشینی می‌نماید، تضمین می‌گردد. این مناسبات نوین یک هدف خواهد داشت و آنهم ایجاد چنان شرایطی در زراعت است که مطابق به عدالت اجتماعی و اصول دین مقدس اسلام بوده، دهقانان زحمتکش صاحب مقدار کافی زمین برای زندگی شایسته خود و خانواده‌های شان و افزایش تولیدات زراعتی باشند. به این منظور به دهقانان در امر دریافت قرضه‌ها و کمک‌های فنی آگرونومی و ورتنری مساعدت خواهد شد. همچنان کود کیمیاوی، تخم بذری و ابزار زراعتی با شرایط سهل در اختیارشان گذاشته خواهد شد. به دهقانان در امر امحای بی‌سوادی و رشد خدمات فرهنگی و غیره کمک‌های وسیع صورت خواهد گرفت.

دولت انقلابی ما چنانکه بارها اشاره نموده ایم، منافع مولدین محصولات و اموال موردنیاز مردم را در نظر گرفته، احترام می‌کند و به افزایش و رشد آن هرگونه کمک را می‌نماید. ما همچنان وظیفه خود می‌شماریم تا کار عظیمی را در جهت آباد ساختن، آبیاری و تحت زرع قرار دادن زمین‌های جدید، استفاده از تخنیک معاصر به مقیاس وسیع، استفاده از میتودهای پیشرفته سازماندهی کار، زرع و جمع‌آوری حاصلات انجام دهیم و مؤسسات زراعتی نولتی را به حیث مراکز تعمیل این میتودهای پیشرفته ایجاد نماییم و رشد دهیم. تنها با این ترتیب می‌توان مسئله تشدید

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

آهنگ رشد زراعت، تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و صنایع از لحاظ مواد خام را به مطمئنترین و مؤثرترین شکل حل نمود.

حزب و دولت انقلابی به رشد انواع مختلف کوپراتیف‌های دهقانی اعم از کوپراتیف‌های تولیدی، تهیه خدمات و فروش محصولات، مساعدت خواهند کرد. ضمن تحقق این سیاست اصل داوطلبانه بودن عضویت در کوپراتیف‌ها اکیداً مراعات می‌شود. به هیچگونه اجبار اجازه داده نخواهد شد. زندگی و تجربه خود دهقان به وی خواهد آموخت که در کوپراتیف منافع وی بهتر و کاملتر از کار تنهایی و خارج از کوپراتیف تأمین می‌گردد. هیچکس از امکان بهتر زیستن امتناع نخواهد ورزید و همین امکان در کوپراتیف برای دهقانان میسر می‌گردد.

حزب ضمن طرح سیاست ارضی خود، سنن و عنعنات مردم و احکام دین مقدس اسلام را در نظر دارد. انقلاب با توزیع زمین و آب که قبلاً به استعمارگران و سود خوران تعلق داشت، به نیازمندان، تهی‌دستان و خانواده‌های دهقانی کثیرالعدده به طور عاقلانه و مطابق به اصول، ضمن تعیین اندازه زمین افراد و آرزوی تاریخی همه دهقانان یعنی آرزوی تأمین عدالت و به دست آوردن زمین و آب را برآورده می‌سازد. به این ترتیب، برای نخستین بار در تاریخ کشور ما، دهقانان امکان می‌یابند تا آزادانه برای خود و به نفع جامعه که عضو کامل حقوق و قابل احترام آن شمرده می‌شوند، رحمت بکشند.

رفقا!

اعمار افغانستان نوین و شگوفان به طور گسست ناپذیر با رشد صنایع، ترانسپورت و مواصلات ارتباط دارد. صنایع پایه مادی ترقی وطن، رفع عقب‌ماندگی ایجاد اقتصاد پیشرفته، هماهنگی و متوازن را می‌سازد. بدون دستگاه‌ها، ماشین‌ها و برق پیشرفت و ترقی واقعی وجود نخواهد داشت و نیازمندی‌های خانواده‌های مردم ما برای رنده‌گی عادی و شایسته انسانی مرفوع نخواهد شد. به همین سبب نیز حزب و حکومت انقلابی تأمین رشد و توسعه متداوم و پیشرونده صنایع، امور انرژی، ترانسپورت، مواصلات و مخابرات را به حیث پایه و عرصه اساسی اقتصاد کشور ما بخش انفکاک ناپذیر و مهم برنامه عمل و سیاست ناشی از آن می‌شمارند.

ما وضع و امکانات خود را با واقعینی و به طور ریالیستی ارزیابی می‌نماییم. به همین اساس هم پلان‌های مطروحه رشد اقتصادی ما خصلت ریالیستی و قابل تطبیق را دارند. بر مبنای همین پلان‌ها در آینده ما می‌توانیم به تحقق برنامه وسیع‌تر اقتصادی آغاز نماییم تا تبدیل افغانستان به کشور دارای صنایع و زراعت معاصر، پر بهره و بارآورد تأمین گردد.

رفقا!

درینجا باید با صراحت تمام بگویم که اهداف برنامه‌ی و دورنمایی و اشتیاق تحقق آن نباید مانع دیدن و پی بردن به وظایف عاجل و روزمره گردد و آنچه را که امروز به طور بلاوقفه باید انجام دهیم از نظر پنهان نماید. ضرور است که تمام فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و معادن به صورت نورمال کار نمایند. این وضع نباید دیگر تکرار گردد که مؤسسات علی‌الرغم موجودیت موادخام و نیروی کار باز هم متوقف مانده و یا به قدرت تولیدی کامل کار نکنند. نیروی حاکمیت انقلابی در قابلیت آن برای حل سریع حادثین، مبرمترین و حیاتی‌ترین مسایل است.

رشد نیروهای مولده کشور که به وسیله حزب و حکومت انقلابی پیشبینی می‌شود و تحقق می‌یابد تغییرات مثبت را در ساختار اجتماعی کشور ما به وجود خواهد آورد. سیاست اجتماعی حزب ما این تغییرات را منعکس می‌سازد و به این امر کمک می‌نماید که دستاوردهای انقلاب به همه زحمتکشان و تمام نیروهای وطنپرست تعلق داشته باشد و به متحد شدن آنان بر مبنای خواست ترقی جامعه مساعدت کند.

به برکت پیروزی انقلاب ثور و سیاست اجتماعی معقول حزب، نقش و اهمیت طبقه کارگر افغانستان در زنده‌گی جامعه به تدریج ولی به صورت مداوم افزایش می‌یابد. کارگران ما از طبقه مورد استثمار رژیم‌های فیودالی، بورژوازی و سرمایه داران بزرگ به طبقه بی مالک دستجمعی وسایل تولید در سکتور دولتی مبدل گردیده اند. حزب و دولت انقلابی در آینده نیز سعی خواهند کرد که کارگران مصروف در سکتور دولتی در شرایط انقلاب ملی و هموکراتیک نیروی سریعاً رشد یابنده و به بهترین وجه سازمان یافته را تشکیل دهند و سیاست اقتصادی حزب و دولت که متوجه ایجاد پایه صنعتی استوار، دینامیک و رشد یابنده و تقویت و توسعه سکتور دولتی است، به این امر مساعدت خواهد کرد. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر افغانستان که در نتیجه تعقیب چنین سیاستی عاید می‌گردد، بر همه عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی تأثیر فزاینده خواهد داشت و نقش رهبری کننده حزب را تقویت خواهد بخشید.

ما معتقدیم که زنده‌گی، کار و پیکار مشترک و باهمی همه نیروهایی را که منافع وطن محبوب ما برای شان عزیز و ارزشمند است، می‌طلبد.

يك سوال مطرح می‌کنم: کی و چه نیروهایی در ترقی وطن ذینفع نیستند؟ آیا کارفرمایان ملی و تاجران ملی در رشد و ترقی واقعی وطن ذینفع نیستند؟ آیا قبایل، اقوام و ملیت‌های مختلف کشور در این امر ذینفع نیستند؛ البته که همه شان ذینفع می‌باشند. به این ترتیب رشد و تکامل در شرایط صلح سراسری ملی به همه ما، به تمام مردم نجیب افغانستان امکان می‌دهد تا بهتر از امروز زنده‌گی نماییم. اما حزب و حکومت به خوبی می‌دانند: برای اینکه وحدت ملی و وطنپرستانه واقع استوار و خلل ناپذیر باشد به اساس و پایه مستحکم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضرورت دارد. چنین اساسی در طرح برنامه عمل در نظر گرفته شده است. در این طرح همه

طبقات، اقتدار، گروه ها، قبایل، اقوام و ملیت هما بیان و انعکاس شایسته منافع اساسی خود و طرق درست، معقول و مشخصی تأمین پلان شده و تدریجی آنرا خواهند یافت.

در رابطه با این مطلب لازم است که به موازات ایجاد مؤسسات بزرگ دولتی که اساس و منای صنعتی افغانستان نوین را تشکیل می‌دهد، از امکانات سکتور مختلط و خصوصی قبل از همه برای توسعه تولید امنعه مورد مصرف مردم استفاده هرچه کاملتر صورت گیرد.

دولت انقلابی جهت همکاری طویل‌المدت مؤثر و در عین حال مفید سکتور خصوصی و سرمایه داران ملی با دولت هم در چارچوب سکتور مختلط و هم به شکل طرف معامله انفرادی اساس‌های اقتصادی و حقوقی لازم را به وجود آورد. دولت از سکتور خصوصی ملی، نه تنها رعایت کامل و بلاشرط قوانین کشور را انتظار دارد، بلکه خواهان برخورد آگاهانه به معضلات و نیازمندی‌های دولت و جامعه و اشتراک در حل و رفع آنها از طریق به کار انداختن منابع و سرمایه گذاری در پروژه‌های ضروری بر اساس شرایط متقابلاً مفید نیز می‌باشد. مؤثریت چنین همکاری در آخرین تحلیل باید در اعمار مشترک و بهره برداری مشترک از مؤسسات صنعتی، خطوط مواصلاتی، منازل مسکونی، ترانسپورت و در ایجاد محلات جدید کار، بهبود زندگی مردم، استقرار قیمت و بالاخره در ترقی عمومی اقتصاد ملی کشور انعکاس یابد.

حزب و دولت در سیاست اجتماعی خود به سازماندهی و تنظیم همکاری مؤثر و طویل‌المدت با تاجران کوچک و پیشه‌وران توجه بزرگ معطوف داشته و نقش حیاتی و مهم آنانرا در امر رفع نیازمندی مردم به محصولات و کالاهای مورد ضرورت اولیه به درستی درک نموده در عمل به اجرای این نقش مساعدت می‌کنند.

دولت اشکال گوناگون تعاون و همکاری میان پیشه‌وران و تاجران کوچک را بر اساس جدأ داوطلبانه، به منظور افزایش سهم آنها در تولید کالا های مورد ضرورت و رشد تجارت و به نفع توده‌های مصرف کننده و خود پیشه‌وران و تاجران کوچک تشویق خواهد کرد. به منظور رشد سکتور خصوصی، اشکال همکاری مفید چون شرکت های سهامی مختلط و سیستم دریافت قروض با شرایط سهل تشویق خواهد شد. رشد دینامیک همه سکتورهای اقتصادی ملی که یکدیگر را تکمیل نمایند باید به امر رفع عقب‌ماندگی کشور و ایجاد اقتصاد ملی مؤثر و با ثبات مساعدت کند.

من یک بار دیگر تأکید مینمایم که ما از جانب دولت خود به سرمایه داران ملی، تاجران کوچک و پیشه‌وران همکاری مستدام، طویل‌المدت و شرافتمندانه را پیشنهاد می‌کنیم و ما از آنها نیز چنین همکاری را که در سهم‌گیری لازم و به خرج دادن مساعی در جهت آبادانی وطن و رفاه مردم انعکاس می‌یابد، انتظار داریم. به این

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

ترتیب و با چنین شکل آنها به اشتراک کنندگان روند تحولات ملی و دموکراتیک در افغانستان مبدل گشته و در تمام طول این مرحله این موقف را حفظ خواهند کرد.

رفقا! سیاست اجتماعی و اقتصادی ما که ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک است منوجه تحکیم و تقویت وحدت و همکاری تمام طبقات، اقشار و گروه‌های ملی و دموکراتیک مردم افغانستان می‌باشد. این سیاست اساس‌های لازم را برای تقویت و افزایش مؤثریت همکاری دولت انقلابی با روشنفکران به منظور توسعه سهم‌گیری آنان در رشد علوم، تخنیک، ادبیات، هنر و بالاخره در تأمین ترقی همه جانبه وطن، به وجود می‌آورد. ما به این واقعیت که بهترین نمایندگان و بخش قابل ملاحظه روشنفکران در مواضع نیوری پیشرو انقلابی قرار گرفتند، با قدردانی می‌نگریم. حزب و دولت انقلابی در آینده نیز مساعی پیگیر و هدفمند را به خرج خواهند داد تا اهمیت و کمیت روشنفکران انقلابی در نتیجه پیوستن بهترین نمایندگان زحمتکشانشان به صفوف آنان افزایش یابد.

رفقا!

اکنون بعضی از جوانب و مسایل سیاست ملی را بررسی می‌نماییم. این سیاست موقتی و گذرا نبوده بلکه ناشی از ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک شور است.

در طول تاریخ متمدنی وطن ما جمهوری دموکراتیک افغانستان نخستین دولتی می‌باشد که ترقی واقعی مادی و معنوی همه اهالی کشور، تأمین برابری کامل و واقعی حقوق و فراهم‌آوری امکانات رشد همه جانبه برای همه ملیت‌ها و اقوام و قبایل کشور را هدف خود قرار داده است. برای همه آنان امکانات مساویانه جهت اشتراک در امور اجتماعی و دولتی، در تحقق تحولات انقلابی و دفاع از وطن محبوب مان تأمین و تضمین می‌گردد، ضرورت عینی مشترک برای همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان یعنی تأمین رشد و ترقی مادی و معنوی روند نزدیکی، همکاری، تفاهم متقابل، دوستی و برادری آنان را ایجاد و تقویت می‌نماید. سیاست حزب و دولت انقلابی ما نیز منوجه همین هدف است.

ضمناً باید خاطر نشان کرد که حزب و دولت انقلابی هم در حال حاضر و هم در آینده سنن، عنعنات و رسوم تاریخی، مذهبی و فرهنگی ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان را رعایت و احترام نموده و خواهند نمود. حفظ و رشد جهات پسندیده و با ارزش در میراث فرهنگی و سنن تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل تأمین و تضمین می‌گردد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با قدردانی و احترام به نقش و اهمیت قبایل پشتون در تاریخ وطن ما و نفاع از سرحدات آن و با احترام به سنن، عرف، عادات طرز زندگی شان در رابطه با قبایل مذکور از

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

سیاست اعتماد، صلح و همکاری که ناشی از ماهیت انقلاب ثور و مطابق به اصول و اندیشه‌های دین مقدس اسلام می‌باشد، پیروی می‌نمایند.

رفقا!

برخورد اصولی ما نسبت به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی مرحله کنونی انقلاب چنان است که در بالا تذکر رفت. تحقق و اجرای کامل این وظایف به جامعه ما امکان خواهد داد تا به مرحله عالینر تکامل مادی و معنوی دست یابد.

هموطنان ما زنده‌گی بهتر خواهند داشت. خودشان و اطفال شان از نعمت سواد بهره‌مند خواهند گردید و نسبت به حال حاضر از امکانات به مراتب بیشتر در ساحت تعلیم و تربیه و صحت استفاده خواهند نمود. دولت و جامعه خواهند توانست به تسل آینده، جوانان، نو جوانان، زنان و کهنسالان توجه، مواظبت و مساعدت بیشتر نمایند. تفاهم متقابل و همکاری میان نیروها، اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و ملی تقویت خواهد یافت و وحدت و نظیرستانه آنان و اتحاد شان به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحکیم حاصل خواهد نمود. بنابراین ما به آینده با خوشبینی، اعتماد و اطمینان دی‌نگریم و از همه وطنپرستان دعوت می‌نماییم که به خاطر این آینده تابناک و درخشان از صرف هیچ مساعی دریغ ننمایند.

رفقا! برای حزب ما، رشد معنوی مردم و تأمین ترقی فرهنگ و علوم کشور یکی از مهمترین ساحات به شمار می‌رود.

پیروزی انقلاب ثور شرایط و مقدمات ضروری را برای اینکه ثروت و ارزش‌های فرهنگی، علوم و هنر ملی و جهانی در اختیار توده‌های وسیع مردم قرار گیرد، فراهم آورد. روشن است که برای به در رساندن این امر زمان طولانی و مساعی بزرگ و هدفمند حزب و تمام جامعه لازم است. در کشورها دشواری‌ها و پروبلم‌های خاصی در عرصه کار ایدیولوژیک وجود دارد که ناشی از کثیرالشکل بودن اقتصاد ما، عدم تجانس جامعه ما، ساختار پیچیده ملی و قبیله‌یی، بقایا و مظاهر هنوز هم قوی نظرات و اندیشه‌های مختلف استثمار و ارتجاعی و تأثیرات ناسیونالیزم و نفاق ملی گذشته، می‌باشد. اکثریت مردم ما بی‌سواد و یا کم‌سواد می‌باشند. همه این دشواری‌ها و پروبلم‌ها در نتیجه تجاوز ایدیولوژیک امپریالیزم و ارتجاع منطقه علیه افغانستان تقویت شده و پیچیده تر می‌گردد.

کار همه وسایل رسوخ ایدیولوژیک بر توده‌های مردم باید مطابق به مطالبات مرحله کنونی و مراحل بعدی انقلاب تقویت یابد و فعالتر گردد. کار ایدیولوژیک سیاسی، تعلیمی و تربیتی باید به طور پلان شده و مجموعی گسترش یابد و به امر تثبیت و رشد نظرات و اندیشه‌های انقلابی، نورم‌ها و اصول اخلاق مترقی، رابطه نوین نسبت

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

به کار، رشد همه جانبه ابتکارات زحمتکشان به مقیاس وسیع و اشتراك فعال مردم در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب مساعدت نماید.

نخستین گام‌های موفقانه در این جهت برداشته شده است. بر مبنای تحولات انجام شده ضربات محکمی بر مواضع ریشه‌های ایدئولوژی فیودالی، بقایای پراگندگی ملی و خرابکاری‌های ایدئولوژیک امپریالیزم وارد آمده است. سطح آگاهی زحمتکشان با سرعت ارتقا می‌یابد و وحدت وطنپرستانه شان تحکیم حاصل می‌کند. بنابر ابتکار حزب مبارزه همگانی ملی جهت امحای بی‌سوادى آغاز یافته گسترش می‌یابد.

رفقا!

امحای تدریجی بی‌سوادى برای دولت و آینده آن اهمیت استثنایی دارد. ضرورت است در آینده نیز معارف و تعلیمات به طور پیگیر رشد یابد. در عین زمان اینکار را نباید منحصر به کسب يك مجموع معین دانستی‌ها و معلومات ثمره حزب و دولت انقلابی و وظیفه خود می‌دانند که انسان‌ها را با درک درست از پروسه‌ها، پدیده‌ها و حوادثی که در جهان و در داخل کشور رخ می‌دهد مجهز ساخته سمگیری درست سیاسی آنان را تأمین نمایند. بنابرین معارف و تعلیمات عمومی مردم باید به طور گسست‌ناپذیر به امر فراگرفتن و دانستن اساس‌های تیوری انقلابی پیشرو ارتباط داشته باشد.

یکی از مهمترین وظایف را تربیت زحمتکشان با روحیه عشق به وطن، وحدت ملی و وطنپرستانه، وفاداری به اندیشه‌های مترقی اجتماعی و همبستگی انترناسیونالیستی و با روحیه آشتی‌ناپذیری با بقایای فیودالی و جدایی طلبی، ایدئولوژی بورژوازی و ناسیونالیستی تشکیل می‌دهد، به همه این آمال فقط بر اساس اشتراك وسیع زحمتکشان در امر تحقق و تحکیم تحولات ملی، دموکراتیک و دفاع از آن می‌توان نایل آمد.

رفقا!

در طرح برنامه عمل، سیاست حزب در رابطه با دین مقدس اسلام با وضاحت و صراحت فورمولبندی شده است.

همه ما می‌بینیم و می‌دانیم که این مسئله توجه بخصوص دشمنان وطن و انقلاب را جلب نموده است. آنها تلاش‌های زیادی به خرج می‌دهند تا ماهیت سیاست ما را نسبت به اسلام و مسلمانان متدین و ارونه جلوه دهند و مسخ کنند. دروغ پراگنی بی‌حد و حدود، شیوه‌های ردیالنه و زهر آگین، سلاح دشمنان است. آیا اسلام ترقی را رد می‌نماید؟ آیا اسلام عدالت را نفی می‌کند؟ و آیا اسلام ریختن خون مسلمانان را تقبیح نمی‌کند؟ اما یک بار دیگر خاطر نشان می‌سازیم که انقلاب ثور به مثابه انقلاب عمیقاً ملی و دموکراتیک تمایل و خواست نیرومند توده‌های مسلمان افغانستان را برای

استقرار عدالت اجتماعی و برابری واقعی منعکس میسازد. همین تمایل هم یکی از بزرگترین ارزش‌ها و مهم‌ترین سنن دین مقدس اسلام را تشکیل می‌دهد.

تجربه کشورهای اسلامی چون جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر، سوریه، لیبیا، جمهوری دموکراتیک مردم یمن و بالاخره تجربه خود ما به اثبات می‌رساند که تحولات انقلابی نه تنها با محتوای اجتماعی اسلام و دعوت تاریخی آن به عدالت برابری و محو استثمار انسان به وسیله انسان در زندگی اجتماعی منافات ندارد، بلکه برعکس زمینه‌های لازم را برای تحقق عملی این احکام مطابق به آرزوهای تاریخی توده‌های وسیع مردمان مسلمان و با درک درست و استفاده درست از ارزش‌های اسلام، فراهم می‌سازد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر مبنای اصول و اهداف انقلاب ثور یک بار دیگر رسماً اعلام می‌دارند که در جمهوری دموکراتیک افغانستان تمام حقوق و آزادی‌های مسلمانان و روحانیون و علمای شریف و وطنپرست تضمین شده است. پشتیبانی دولت از تمام موسسات و شخصیت‌های مذهبی و تمام مؤمنان در رابطه با فعالیت‌های مذهبی و مساعی شان در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برابری تمام مسلمانان در حیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تأمین گردیده است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان از وضع مساجد و مؤسسات مذهبی، زیارتگاه‌ها و سایر اماکن مقدسه مسلمانان مواظبت دایمی نموده و برای متولیان و روحانیون، آزادی فعالیت را تأمین می‌کند. به امر ادای فریضه حج مسلمانان مساعدت صورت گرفته احترام به اعیاد و ایام مذهبی رعایت می‌گردد.

در کشور ما مطابق به اصول مقدس دین اسلام آزادی کامل اجرای مناسک مذهبی برای پیروان سایر ادیان که مخالف اصول انساندوستی و هومانیزم نباشد و به امنیت و مصونیت جامعه لطمه وارد نکند، نیز تأمین می‌شود.

اما حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی هیچگاه با تلاش‌های دشمنان انقلاب و مردم‌ها که می‌خواهند از دین مقدس اسلام به غرض انحراف افغانستان از راه انتخاب شده استفاده نمایند سازش نخواهند کرد. ما در عمل ثابت می‌سازیم که ترقی اجتماعی و ملی با اسلام تضاد ندارد، بلکه فعالیت جنایتکارانه عناصری که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند اسلام را درست درک کنند، مخالف اسلام و علیه آن می‌باشد.

حزب بعد از این نیز به طور پیگیر و صادقانه از سیاست خود مبنی بر احترام به احساسات مذهبی مردم مسلمان ما پیروی خواهد کرد. حزب در آینده نیز برنامه تحولات در جهت بهبود شرایط زندگی را به خاطر ایجاد جامعه عادلانه و شگوفان در سرزمین باستانی ما تحقق خواهد بخشید.

رفقا!

حزب ما کار خود را در عرصه ایدیولوژیک، معارف، تعلیم و تربیه، علوم و فرهنگي مانند دیگر عرصه‌ها به خاطر تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه مردم افغانستان، به خاطر ترقی همه جانبه وطن و به نفع مردم و آینده سعادت‌مند دنبال می‌نماید. تمام فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر همین هدف عالی و شریفانه صورت می‌گیرد. حزب ما به خاطر همین هدف، رنده‌گی و مبارزه می‌نماید.

رفقا!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان هسته مرکزی سیستم اجتماعی، سیاسی افغانستان و نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه ما می‌باشد، زیرا با تیوری پیشرو انقلابی مجهز بوده و منافع کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان کشور را منعکس می‌یازد و مشی سیاسی و استراتژی و تاکتیک مبارزه به خاطر آینده سعادت‌مند کشور ما را طرح و عملی می‌نماید. حزب ما سازمان یافته‌ترین نیروی از لحاظ ایدیولوژیک، به هم فشرده‌ترین گردان پیشرو جامعه ماست که با وسیعترین توده‌های مردم ارتباط گسست ناپذیر دارد.

با رشد نیروهای مولده جامعه و تغییر مناسبات اجتماعی، نقش رهبری کننده حزب و نفوذ و تأثیر آن بر توده‌های وسیع دایم ارتقا و افزایش خواهد یافت. بنابر این مهمترین جهت در کار سیاسی حزب عبارت از تأمین رابطه گسست ناپذیر با مردم می‌باشد که منبع نیروی حزب و قابلیت حیات آنرا منعکس می‌سازد. کار سیاسی حزب، در مجموع همه کمیته‌ها و سازمان‌های اولیه حزبی، هر عضو اصلی و آزمایشی حزب باید متوجه آن باشد تا توده‌های وسیع مردم را در جهت تحکیم و دفاع از دستاوردهای انقلاب، استقرار صلح سراسری ملی در کشور و اجرای بعدی تحولات ملی و دموکراتیک به نفع وطن و مردم به دور حزب متحد ساخته بدنبال آن کشاند.

امر عمده توسعه پایگاه اجتماعی انقلاب و جلب نیروها، گروه‌ها و سازمان‌های مترقی برای اشتراک فعال در تحقق تحولات انقلابی می‌باشد. امروز مسئله اتحاد حادثتر از همیشه عرض وجود نموده است. در این امر باید قادر به مصالحه بود، البته در حدود معقول و بر اساس اصول، علی‌الرغم تفاوت‌های معین در نظرات، ما باید نقاط مشترک را در یابیم و نیروها را در امر اجرای وظایفی که در برابر ما قرار دارد و در راه مبارزه به خاطر استقرار صلح سراسری ملی فعالتز جلب نماییم.

باید خاطر نشان کرد که بعد از تبدیل شدن حزب به حزب حاکم اهمیت کار ایدیولوژیک شدیداً بالا رفته است. قبل از همه فقط حزب ماست که مسؤولیت اساسی را در جهت تعمیم تیوریک مرحله کنونی انقلاب و دورنمای آن به عهده دارد. حزب با اتکاء بر

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

نیروی پیشرو انقلابی و تجربه خود، با درک عمیق از زندگی جامعه مراحل نزدیک و دور تکامل جامعه و دولت را روشن می‌سازد و پیشبینی می‌کند.

مهمترین جهت کار ایدئولوژی ما را تشکیل آگاهی انقلابی توده‌ها تحکیم اعتقاد آنان به برحق بودن اندیشه‌ها و سیاست حزب تشکیل می‌دهد. این کار کمک می‌کند تا توده‌های مردم به مبارزان فعال به خاطر امر انقلاب مبدل گردند.

دولت به وسیله آگاهی توده‌ها نیرومند است. دولت آن وقت نیرومند است که توده‌ها همه چیز را بدانند، درباره همه چیز قضاوت نمایند و به راه هر کار آگاهانه بروند، در عین زمان، ما باید مبارزه با ایدئولوژی خصمانه را فعالتر و متعرض‌تر سازیم. همیشه به یاد باید داشت که در آنجایی که حرف حق به صدا در نمی‌آید، ممکن است حرف دروغ به گوش رسد.

رفقا!

نیروی حزب انقلابی در سازمان آن و وحدت و یکپارچگی آن است. راه تاریخی و تجربه سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با صراحت و وضاحت به اثبات می‌رساند که پیروزی و موفقیت تنها و تنها در وحدت عمل تأمین می‌گردند. هنگامی که وحدت مختل گردد، حزب دچار ضعف و شکست می‌شود و حتی وجود آن مواجه با خطر می‌گردد. در شرایط کنونی حزب ما بیشتر از هر وقت دیگر نیازمند وحدت گسست‌ناپذیر و ارگانیک است.

تنها به این شرط حزب می‌تواند نقش رهبری کنند خود را در تعمیق و دفاع از انقلاب ایفا نماید.

تنها به این شرط حزب می‌تواند مردم شریف و آزادی دوست ما را موفقانه و پیروزمندانه به دنبال خود، به سوی آینده سعادت‌مند بکشانند.

حزب معتقد است که هرگونه تلاش به غرض برهم زدن وحدت و یکپارچگی صفوف حزبی، مظاهر فرکسیونیزم و گروه پرستی در تضاد با نقش عالی حزب به مثابه پیشاهنگ سیاسی و نیروی رهبری کننده جامعه است. منافع اساسی و مسوولیت تاریخی حزب در برابر مردم هرگونه مظاهر فرکسیون‌بازی و گروه پرستی را مغایر نام پرافتخار عضو حزب شد مرده و موجودیت در صفوف آنرا غیرممکن می‌سازد.

رفقای نماینده حزب ما، پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان است. ما باید همیشه مواظب آن باشیم که صفوف حزب به وسیله بهترین، فعالترین و آگاهترین نمایندگان زحمتکشان تکمیل گردد. این امر منبع عمده حیات و سلامت حزب، نیرو و قابلیت کار و بیکار آنرا تشکیل می‌دهد. باید به یاد داشته باشیم که نگاهداشتن صفوف توجه

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

بخصوص معطوف گردد. باید در برابر نفوذ افراد تصادفی متمایل به آنارشیزم، سپلین ناپذیر و آلوده با ایدیولوژی بیگانه موانع مطمئن را ایجاد کرد.

یکی دیگر از مسایل کلیدی در فعالیت حزب را کار با کادرها تشکیل می‌دهد. وظیفه عمده کمیته‌های حزبی را در این زمینه جستجو تربیت و بالا کشیدن سازمان دهنده‌گان خوب و کادرهای عمیقاً وفادار به انقلاب و مردم می‌سازد. باید با تمایلات و بقایای مضر فرکسیون‌بازی عدم اعتماد، سکتاریستی نسبت به اعضای جدید حزب، انتخاب و انتصاب کادرها بر اساس خویشاوندی، محل پرستی و مشخصات سمنی و قومی، جداً و با قاطعیت بیشتر مبارزه نمود. خصوصیات سیاسی و عملی عمده‌ترین معیار برای انتخاب و انتصاب کادرهاست. یا بندی و وفاداری به این اصل، نیرومندی حزب را نشان داده اتوریته آنرا در میان مردم ارتقا می‌بخشد. همه اینها و بعضی مسایل دیگر حیات درون حزبی در طرح برنامه عمل انعکاس یافته است بعضی از آنها که زنده‌گی درون حزبی را تنظیم می‌نمایند باید در اساسنامه حزب نیز منعکس گردند.

حزب به مثابه پدیده اجتماعی مانند ارگانیسم زنده بی است که در رشد و تکامل دایمی بوده سکون و وقفه را نمی‌پذیرد. حزب نباید و حق ندارد به آنچه که به دست آورده است، اکتفا نماید. تحلیل انتقادی از دستاوردها، برخورد انتقادی از فعالیت خود علامت جدی بودن حزب و هر عضو آن، علامت قدرت و قابلیت حزب برای پیشاهنگی بودن است. بنابراین کمیته‌ها و سازمان‌های اولیه حزبی موظف اند که به منظور تکمیل و بهبود اشکال و میتوذهای فعالیت خود، افزایش دایمی مؤثریت و از تقای سطح عمومی کار و پیکار خود همه مساعی ممکن را به خرج دهند.

تصویب برنامه عمل بدون شك همه کار حزبی را به سطح نوین و عالیتر ارتقا خواهد بخشید. وظیفه ماست تا هرگام و هرپلان خود را با برنامه عمل مطابقت بخشیده و ظایف مشخص خود را در رابطه با آن انجام دهیم.

رفقا!

بررسی و تصویب برنامه عمل اهمیت اصولی را برای حزب، دولت و جامعه دارد. در برنامه، ارزیابی تیوریک و برخورد عملی حزب ما نسبت به پروبلم‌های مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان و دورنمای نزدیک آن بیان شده است.

این سند رهنمایی و تعمیمی، مطابق به شرایط و اوضاع و احوال کنونی در حزب، کشور و منطقه طرح گردیده، زیرا حزب ما، دولت انقلابی و محافل وسیع اجتماعی کشور ما راه بزرگ را طی نموده و تجربه نوین سیاسی، اجتماعی، ایدیولوژیک از اقتصادی را مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب ثور کسب کرده اند. طرح برنامه عمل کاملاً خصوصیات مرحله حاضر یعنی مرحله تحقق تحولات ملی و دموکراتیک

کنفرانس سراسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

و مبارزه در راه دفاع از آنرا منعکس می‌سازد. ما هنوز به اجرای مجموع تحولات ملی، دموکراتیک دست نیافته ایم. ولی ما با پیگیری و ثبات تحولاتی را انجام داده و می‌دهیم که یگانه اساس ضروری و درست برای اجرای مجموع وظایف ملی و دموکراتیک در آینده به شمار می‌رود. ما حتماً این وظایف را انجام می‌دهیم زیرا با اعتماد و اطمینان و موفقیت اساس آنرا گذاشته ایم. هنگامی که ما از مرحله کنونی یعنی مرحله‌ای که برنامه عمل برای تشخیص و اجرای وظایف مربوط به آن طرح گردیده است، سخن می‌گوییم، همین مطلب را در نظر داریم. مطابق به آن در طرح برنامه عمل توجه اساسی به این امر صورت گرفته است که چطور و چگونه ماهیت سیاست حزب در تدابیر مشخصی برای تحقق این سیاست انعکاس یابد زیرا ما به مثابه حزب حاکم در امر تحقق کامل وظایف مطروحه در سند مرامی خود مسؤولیت عام و نام در برابر تاریخ و مردم داریم، هیچگاه نباید فراموش کرد که تاریخ و مردم درباره ما نه تنها بر اساس اهداف و اصول ما هر قدر هم عالی و نجیبانه باشد، بلکه بر اساس قابلیت ما برای تحقق و اجرای عملی آنها به نفع همگان قضاوت خواهند کرد.

برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان با صراحت و به طور کامل منافع اساسی نیروهای محرکه عمده انقلاب یعنی طبقه کادگر، دهقانان، روشنفکران انقلابی، توده‌های وسیع زحمتکش را منعکس می‌سازد. در عین زمان راه‌ها و طرق واقعی، درست و ممکن افزایش نقش آنان را در حزب دولت و جامعه بیان می‌کند.

کشور ما آماج تجاوز بی‌شرمانه و غیرموجه از خارج که باعث بی‌نظمی و خونریزی می‌گردد، قرار گرفته است. انسان‌های کشور ما انتظار صلح سراسری ملی و اوضاع عادی را دارند و تشنه شرایط مساعد جهت کار صلح‌آمیز و سازنده میباشند. ما باید کار نماییم و باز هم کار نماییم. خسته‌گی و آرامشی، ترس و هراس را به خود راه ندهیم و هیچگاه کار امروز را به فردا نگذاریم. باید کار کنیم و پیروز شویم، برای همین منظور هم به برنامه عمل ضرورت داریم.

اهداف و مقاصد ما روشن و صریح است. ما آنچه را می‌خواهیم که اکثریت قاطع مردم سربلند و آزاده ما تقاضا دارد، یعنی ما حفظ آزادی و استقلال کشور، ترقی و شگوفانی وطن محبوب خود را آرزو داریم. ما به احساسات مذهبی هموطنان خود احترام می‌گذاریم و با تمام وسایل و امکانات سعی خواهیم کرد شرایطی تأمین گردد که در آن هر فرد شریف کشور بتواند آزادانه و سعادتمند زنده‌گی و کار کند، نان، لباس و سرپناه داشته باشد و از صلح در کشور و خوشبختی خانواده خود لذت ببرد.

اما مشتی از دشمنان حقیر پست، مزدوران و همدستان منفور و ناجیز قیودالان، سرداران و سودخواران و مرجعین سرنگون شده و امپریالیسم بین‌المللی، در راه تحقق آنچه که مردم به آن نیاز دارند، سنگ اندازی می‌کنند، آنها مساجد، مکاتب،

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

شفاخات‌ها را به آتش می‌کشند، مواد غذایی مردم را عارت می‌کنند، در کار مؤسسات و ترانسپورت اختلال وارد مینمایند، مانع کشت و زراعت مردم می‌شوند و اهالی ملکی و بی‌دفاع را ترور می‌کنند. همه این جنایات و اعمال کثیف را تحت نام دفاع از عقیده، ایمان و آزادی و وطن انجام می‌دهند. ننگ بر این روسیاهان و دروغ پردازان!

بگوئید کی و چگونه احساسات مقدس مسلمانان متدین ما را زیر پا می‌گذارد و کی آنها را در اجرای مناسک دینی ممانعت می‌کند؟ کی مردم رحمتکش ما را نمی‌گذارد که به آرامی و سعادت زندگی کنند؟ جواب روشن است. انتهایی که جنگ اعلان نشده علیه افغانستان را ادامه می‌دهند.

مناسفانه بخشی از اهالی بنابر اجبار و یا فریب و بعضی بنابر عدم درک اهداف و مقاصد حزب و دولت انقلابی هنوز هم در باندهای اشرار عصبیت دارند و به جنگ بر اندرکشی دست می‌زنند و به این ترتیب مرتکب گناه بزرگ در برابر اسلام و وطن می‌گردند. همه این اعمال نا آرامی و وخامت را در اوضاع نظامی و سیاسی کشور به وجود آورده باعث دشواری‌های جدی در کار صنایع، زراعت، ترانسپورت و تجارت می‌گردد.

برنامه عمل و هم اوضاع کشور ضرورت تمرکز توجه تمام حزب، ارگان‌های دولتی و همه سازمان‌های اجتماعی شامل جبهه ملی پدروطن را در حل و اجرای وظایف مبرم و درجه یک به وجود آورده است.

قبل از همه کمیته‌های حزبی و ارگان‌های قدرت دولتی هم در مرکز و هم در محلات موظف اند که مساعی خود را متوجه مبارزه با ضدانقلاب مسلح و اسنقرار و تحکیم پایدار حاکمیت مردم در محلات سراسر کشور سازند. این مهمترین امر همه حزب و تمام مردم است.

بنابراین ضرورت است تا سیستم واحد و مجموعی دفاع از انقلاب و مردم متشکل از اردو، خاندوی، گروه‌های مدافعین انقلاب، ملیشه‌های قبایلی، گروه‌های مقاومت محلی و قطعات دفاع منطقه‌ای ایجاد گردد. باید با قاطعیت، پیگیری و جسارت بیشتر گروه‌های وطنپرستان را ایجاد کرد و تحکیم بخشید تا در هر ولایت و هر ولسوالی فعال باشند. باید عملکرد مؤثر و مطمئن گروه‌های دفاع را در هر مؤسسه و قریه و دیگر محلات مسکونی تأمین نمود. مردم ما سنن پرافتخار دفاع از حیثیت و شرافت خود را دارند. بگذار زمین در زیر پاهای باندیت‌ها، مزدوران و همدستان ارتجاع بین‌المللی و همه کسانی که زندگی صلح‌آمیز و آرام را در وطن محبوب مان مختل می‌سازند، به آتش مبدل گردد. کمیته‌های حزبی در ولایات، شهرها و ولسوالی‌ها باید به این امر توجه جدی و قطعی نمایند تا توده‌های مردم هرچه پیگیرتر و هرچه قاطع‌تر امر دفاع از انقلاب را به دست خویش گیرند و آنرا تا پیروزی نهایی به سر

کنفرانس سراسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

رسانند. باید کنترل مؤثر حزبی بر عملکرد پر ثمر این سیستم در مجموع و بر تأمین ارتباط همکاری و کمک متقابل حلقه‌های مختلف آن تحقق پذیرد.

اردو، خارتدوی و خدمات اطلاعات دولتی، حلقه اساسی و قاطع را در تأمین پیروزی قطعی بر ضد انقلاب تشکیل می‌دهند. کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به تحکیم آنها توجه دایمی دارند.

سطح تجهیز نخنکی و آمادگی رزمی قطعات و جزواتم‌های اردو و خارتدوی به طور قابل ملاحظه ارتقا یافته است و اکثریت سربازان، خردصابان و افسران وظایف و مسؤلیت‌های خود را در برابر وطن و انقلاب به طور شرافتمندانه انجام می‌دهند. در عین حال در اكمال و آماده سازی قطعات و جزواتم‌های اردو، خارتدوی و ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی هنوز هم امر حل مسائل اعمار و تحکیم قوای مسلح و ارگان‌های امنیتی و حفظ نظم اجتماعی، مربوط به تمام حزب و همه سازمان‌های اجتماعی است. قوای مسلح را باید تحکیم بخشید. دایماً با کادر جدید تکمیل نمود و سطح آمادگی سیاسی و رزمی آنرا بالا برد، باید به آن توجه و مواظبت دایمی نشان داد و روابط آنرا با توده‌های وسیع مردم تحکیم بخشید.

ما همه در مدتی بعد از پیروزی انقلاب و مخصوصاً مرحله نوین آن چیزهای زیادی را آموختیم. اکنون باید با جسارت و قاطعیت مرکز ثقل کار و پیکار آگاهانه و روزمره را به ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها انتقال دهیم. وظیفه عمده ارگان‌های مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دولت انقلابی، وزارت‌ها، ادارات و جبهه ملی پدروطن باید تأمین همین امر باشد.

رفقا!

مساعی که حزب و مردم در راه دفاع از انقلاب و حصول پیروزی کامل بر دشمنان انقلاب به خرج می‌دهند باید به طور گسست ناپذیر با بهبود همه کارها در عرصه اقتصاد توأم باشد. ما همه باید به درستی و روشنی بدانیم و درک نماییم که موفقیت در امر رشد اقتصاد، در اجرای اصلاحات ارضی و آب، در حل پروبلم‌های حاد اجتماعی کلید جلب اعتماد توده‌ها و جذب آنان به سوی حزب و امر انقلابی به شمار می‌رود.

این امر را نباید موکول به سرکوبی کامل ضدانقلاب و استقرار صلح سراسری ملی نمود. مردم باید همین امروز مواظبت و غمخواری حزب و دولت انقلابی و مزایای نظام نوین اجتماعی را احساس نمایند. تا کنون ما توانسته ایم فقط دستمزد کارگران و مستخدمان و ماکولات کارمندان دولتی را بالا ببریم. مصارف عمومی دولت برای این کار مجموعاً یک میلیارد و پنجصد میلیون افغانی را در سال احتوا می‌کند. اما رای گام‌های بعدی در حل مسایل اجتماعی ضرورت به افزایش مؤثریت تولید در

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است همه عرصه‌ها و سکتورهای اقتصاد است.

در چه جهتی باید مساعی حزب و دولت انقلابی را تمرکز بخشید؟ نزدیکترین و وظیفه ما را تأمین با ثبات تولیدات در صنایع و زراعت با رفع دشواری‌های موجود تشکیل می‌دهد. حزب باید همین امر را وظیفه عمده خود بداند، زیرا همین امر یعنی حل مسایل حاد اقتصادی و اجتماعی جبهه عمده مبارزه را به خاطر افغانستان نوین و شگوفان تشکیل می‌دهد.

در حال حاضر کمیته‌های حزبی در ولایات و ولسوالی‌ها و ارگان‌های قدرت دولتی در محلات باید توجه خود را به امور مربوط به کشت بهاری معطوف دارند. باید تدابیری به منظور تأمین امنیت و مصنوعیت، بذل کمک به دهقانان و کوپراتیف‌ها به شکل تخم بذری، کود کیمیایی، ابزارکار و وسایل تخنیکی طرح و تحقق پذیرد.

همزمان با آن و در همه جایی که ممکن است باید اجرای اصلاحات ارضی و آب مطابق به تصاویر بیروی سیاسی، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه یابد. باید در تحقق این مهمترین امر برای دهقانان زحمتکش به صورت پیگیر و مصرانه کار نمود.

اکنون مسایل مربوط به کار صنایع، ترانسپورت، انرژی، مواصلات و مخابرات را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

کمیته‌های حزبی ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها، ارگان‌های دولتی و قبل از همه وزارت‌ها و ادارات مرکزی موظف اند در جهت تجدید فعالیت تمام مؤسسات و پروژه‌های اقتصادی که به وسیله دشمنان تخریب و یا زیانمند شده اند تمام مساعی خود را متمرکز و متوجه سازند. باید به زودترین فرصت فابریکه سمنت هرات، فابریکه‌های نساجی کندهار و هرات، فابریکه قند و بعضی از ناسیسات آبیاری یعنی آن مؤسساتی را که درجه بالاتر آماده‌گی دارند، فعال ساخت. این مؤسسات باید کار کنند و محصولات مورد ضرورت را در اختیار مردم بگذارند. کمیته مرکزی حزب و شورای وزیران باید کنترل را تشدید بخشیده از رهبران وزارت‌ها و ادارات مرکزی و ارگان‌های دولتی در محلات جداً بازپرس به عمل آورند. با صراحت حرف می‌زنیم: بسیاری رفقای حزبی هنوز در کار مؤسسات صنعتی، ترانسپورت، انرژی و مواصلات کمتر وارد هستند و به حل پروبلم‌های اقتصادی در ولایات، شهرها و ولسوالی‌ها کمتر توجه می‌نمایند، کمیته‌های حزبی مسایل مربوط به زندگی اقتصادی را به ندرت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند و به غلط چنین می‌پندارند که این امر فقط مربوط به ارگان‌های حکومتی است. اقتصاد عین سیاست است. ضمناً باید خاطر نشان کرد که این کار سازماندهی دایمی و خستگی‌ناپذیر همه اعضای حزب را می‌طلبد.

در رابطه با این امر فکر می‌شود که یکی از پلینوم‌های نوبتی کمیته مرکزی حزب باید به بررسی مسایل اقتصادی اختصاص یابد. درین پلینوم باید نه تنها تدابیر مشخص به منظور رشد و تقویت اقتصاد اتخاذ گردد، بلکه میثودها و اشکال رهبری فعالیت اقتصادی به وسیله حزب نیز معین شود. قرار معلوم در همین پلینوم باید مسایل مربوط به بهبود و تکمیل پلان‌گذاری اقتصاد نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، زیرا این امر مهمترین شرط رشد اقتصاد کشور در مجموع به شمار می‌رود.

رفقا! آمادگی برای کنفرانس سرتاسری حزبی از مایش جدی دستاوردهای ما در همه عرصه‌های زندگی و بدیهی است که در ساحه زندگی حزب نیز بود. این جریان نشان داد که حزب واقعاً هم هسته مرکزی تمام سیستم نوین اجتماعی و سیاسی را تشکیل می‌دهد. حزب از لحاظ کمیت رشد نموده، از لحاظ سازمانی تحکیم یافته و به حق نقش نیروی رهبری کننده جامعه ما را ایفا می‌نماید.

در اردو شصت فیصد کسانی که جدیداً به عضویت آزمایشی پذیرفته شده اند منشا کاری و دهقانی دارند. این نتایج بدی نیست. باید در آینده نیز توجه جدی به رشد کمی صفوف حزب نمود. اما بهبود ترکیب کیفی حزب نیز اهمیت کمتر ندارد چه کسانی باید به درجه اول به عضویت حزب پذیرفته شوند؟ پاسخ روشن و ساده است. آنانی که باسینه فراخ خود از انقلاب دفاع می‌نمایند، آنانی که با کار و خون خود پیروزی را به دست می‌آورند. باید کارگران، دهقانان و پیشوران، سربازان و خردضابطان اردو و خاندوی را بیشتر از همه به حزب پذیرفت. البته برای اینکار ضرورت است تا شرایط معین پذیرش در حزب طرح و مهیا گردد.

می‌خواهم در مورد یک پروبلم مهم دیگر که در مرحله کنونی اهمیت بخصوصی را در امر ساختمان حزبی کسب می‌نماید صحبت کنم.

اکنون کمیته‌های ولایتی، شهری، ناحیوی و ولسوالی حزب موظف اند کار پذیرش اعضای جدید و آرایش نیروهای حزبی را طوری سازمان دهند که در هر مؤسسه، در هر گروه تولیدی، در هر علاقه داری و قریه و در هر محل مسکونی شهرها سازمان حزبی وجود داشته باشد. همین حلقه‌ها هم اساس و پایه حزب را تشکیل می‌دهند. و کمیته‌های حزبی باید به سازمان‌های اولیه حزبی توجه دایمی و فرآینده داشته باشند.

تنها به این ترتیب می‌توان تأثیر و نفوذ دایمی و همه جانبه حزب را بر توده‌ها تأمین نمود.

قبل از کنفرانس سرتاسری حزب جلسات و کنفرانس‌های حزبی در سازمان‌های اولیه، ولسوالی‌ها، نواحی، شهرها و ولایات دایر گردید. چنین جلسات و کنفرانس‌ها در قطعات و جزوات‌های اردو، خاندوی و خاد نیز تشکیل گردید. در جریان این

کمیاین، حزب در کار سازمانی و سیاسی تجربه قابل ملاحظه کسب نمود، زیرا چنین جلسات و کنفرانس‌ها برای نخستین بار در حزب ما صورت گرفت. در اکثریت مطلق سازمان‌های حزبی جلسات و کنفرانس‌ها با نظم و دسپلین عالی و سطح بسیار بلند حاضر بودن و فعال بودن اعضای اصلی و آزمایشی حزب دایر گردید. این امر حزب را تحکیم و غنای تجربه بخشید.

البته این کار بدون دشواری‌ها و کمبودها نگذشت. در بعضی از سازمان‌ها حین بحث بر مسئله اول اجندا یعنی درباره نتایج هفتمین پلینوم کمیته مرکزی و وظایف سازمان‌های حزبی در رابطه به آن، جلسات و کنفرانس‌های حزبی در گزارش‌ها با واقعیت موجود و آنچه که باید سازمان حزبی انجام دهد، تفاوت داشت. اکثر این وضع ناشی از عدم تجربه فعالین حزبی بود، اما در این وضع ما باید متوجه آن نیز باشیم که بعضی از کمیته‌های حزبی به اجرای وظایفی که در برابر شان قرار دارد هنوز به طور مشخص و معین نمی‌پردازند.

به این ترتیب همه ما باید جدی‌ترین نتیجه‌گیری‌ها را نمایم و در جهت بهبود طرزها میثودهای فعالیت کمیته‌های حزبی هرچه پیگیر تر کار کنیم.

از جانب دیگر آمادگی برای کنفرانس سرتاسری حزب نشان داد که در مسایل مربوط به تحکیم سازمانی حزب، تربیت و پرورش ایدیولوژیک و اعتقاد حزبی و دسپلین حزبی در بین اعضای اصلی و آزمایشی حزب، هنوز هم نقایص جدی وجود دارد. در جریان بحث بر کاندیدهای نمایندگان برای کنفرانس‌های حزبی بالاتر، قتل از همه در اردو و خارتدوی و بعضی وزارت ما خود مرض کهنه و سابق یعنی فرکسیونیزم باز به مشاهده رسید. بعضی از اعضای حزب با به فراموشی سپردن دسپلین و انضباط حزبی تلاش ورزیدند که در جلسات، فضای منشنج را به وجود آورده جلسات را به سوی اعمال نادرست و ناشایسته و نادیده گرفتن رهنمودهای کمیته مرکزی در مورد طرز انتخاب نمایندگان سوق دهند. بعضی صریحاً تا سرحد موعظه و تبلیغ در راه تطبیق مقررات دموکراسی گنبدیده بورژوازی در حیات حزب انقلابی، پیش رفتند. از گلوی این افراد آواز بیگانه‌گان و دشمنان بیرون می‌آید. آنها تسلیم توطئه‌های دشمن گردیده اند که با اشتیاق تمام پراگندگی و اشاعه عدم اعتماد، عدم اطمینان، شکاکیت و خصومت را در صفوف حزب ما می‌خواهند.

چنانکه شما می‌دانید این پلان‌ها بار دیگر نقش بر آب شدند. کمیته مرکزی و همه اعضای سالم و اصولی حزب همیشه وحدت حزب را تحکیم و دسپلین و سطح سازمانی آنرا ارتقا می‌بخشند. ما با رضایت خاطر نشان می‌سازیم که اعمال نادرست بعضی از افراد از جانب اکثریت مطلق سازمان‌های حزبی رد گردید. فکر می‌کنیم باید در رابطه با این رفقا از حوصله و توجه کار گرفت و با ایشان صحبت نمود و اصول حیات حزب انقلابی و اهمیت دسپلین و سازمان پذیری را تفهیم و توضیح

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

کرد. اگر آن هم کمک نکرد در آن صورت جز اینکه تدابیر پیش‌بینی شده در اساسنامه در موردشان تطبیق گردد، راه دیگری باقی نمی‌ماند.

«افرادی که تابع دسپلین نمی‌گردند و تصامیم حزب را زیر پا می‌گذارند، نمی‌توانند متعلق به حزب باشند. حزب در نتیجه دسپلین، انضباط و سازمان‌پذیری اعضای خود نیرومند است.»

می‌خواهم یک بار دیگر خاطر نشان سازم که ما باید به خاطر تحکیم وحدت حزب حوصله فراخ داشته و بالاتر از رنجش‌های کوچک باشیم. به نیروی خود اعتماد داریم و به آن می‌بالیم. اما حوصله در برابر مرض کهنه فرکسیون‌بازی از هر جانی که تبارز نماید، حوصله در برابر دسپلین‌ناپذیری و سازمان‌شکنی نمی‌تواند بی‌حد و حدود باشد. هنگامی که این وضع حزب را منضرب می‌سازد و به اتوریته عالی آن لطمه وارد می‌کند، ما باید این افرادی مسئولیت را که در برابر سرنوشت حزبی بی‌تفاوت اند و تکبر شخصی‌شان را بالاتر و عزیزتر از اتوریته حزب می‌دانند، از دامن حزب به دور اندازیم. حزب فقط در نتیجه تصفیه عناصر دارای روحیه ماجراجویانه و بی‌مسئولیت، تقویت و تحکیم می‌یابد.

اکنون در حزب کار بزرگ تهیه و توزیع کارت‌های حزبی جریان دارد. این حادثه مهمی در زنده‌گی حزب است. وظیفه جدی کمیته‌های حزبی است تا از این کار وسیع جهت تحکیم وحدت و ایجاد نظم نمونه‌وار در امور حزبی استفاده کامل نمایند.

در فعالیت بیرونی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی حزب توجه زیادی به امر انتخاب، انتصاب و پرورش کادرها صورت می‌گیرد، زیرا کارمندی که شامل فهرست مقامات مورد منظوری کمیته‌های حزبی اند، سازمان‌دهندگان سیاسی توده‌ها و رهبران مهمترین بخش‌های کار به شمار می‌روند. درباره اهمیت کار با کادرها و ضرورت بهبود آماده‌گی آنان در پلینوم‌های کمیته مرکزی و مصوبات بیرونی سیاسی و دارالانشا بارها سخن گفته شده است. می‌خواهم یک بار دیگر خاطر نشان سازم که کمیته‌های حزبی موظف اند با هرگونه تحریف و انحراف از سیاست حزب در مورد کادرها قاطعانه مبارزه نمایند، زیرا محتوای همه کارها، مؤثریت آن و اتوریته خوب مربوط به این امر است و مهم‌ترین معیار برای ارزیابی کادرها خصوصیات عملی و سیاسی آنان است. ما باید ترکیب چندین ملیتی کشور را بیشتر و بهتر مدنظر گرفته و به امر انتصاب نمایندگان شایسته ملیت‌ها، اقوام و قبایل مختلف در پست‌های پر مسئولیت، در ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در ولایات مساعدت کنیم.

رفقای نماینده! موفقیت امر بزرگ ما، تکامل بیشتر انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن به طور قاطع مربوط اشتراک توده‌های وسیع مردم، فعالیت، پشتیبانی و آگاهی آنان است. به همین سبب نیز برای حزب و دولت انقلابی در عرصه ایدئولوژیک کار

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

تودمی و سیاسی به منزله وسیله عمده جلب زحمتکشان و نوده‌های وسیع مردم و قبل از همه کارگران و دهقانان به اشتراک فعال در اجرا و تحکیم تحولات انقلابی و دفاع از آن، در مقام نخست قرار دارد. در طرح برنامه عمل نیز توجه لازم به این امر منبذول شده است. در مصوبات پلینوم ها، بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی اصول و میبوده‌های اساسی کار تودمی، سیاسی، تبلیغی و ترویجی طرح و فورمولبندی گردیده است.

من درباره بعضی از مهمترین وظایف در این عرصه که با تصویب برنامه عمل و دیگر اسناد کنفرانس ارتباط دارد، صحبت می‌نمایم.

قبل از همه باید تمام سیستم آموزش حزبی به سطح بالاتر ارتقا یابد. هر عضو حزب باید اساس‌های تیوریک سیاست حزب را عمیقاً فرا گیرد و خوب بداند که چگونه این سیاست را در عمل پیاده نماید و به شکل قابل فهم به دیگران توضیح دهد. به آموزش حزبی و پخته‌گی ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی جوان حزب باید توجه بخصوصی صورت گیرد. بنابر شرایط ایجاد و رشد حزب ما جوانان و اعضای جدید بیش از نصف کمیت آن را تشکیل می دهند.

اکنون برای حزب وظیفه‌ی مهمتر از آن وجود ندارد که حرف انقلابی خود را به گوش هر فرد هموطن ما برساند و تمام اقشار مردم و هر فرد مسلمان را به کار و زندگی آگاهانه و فعالانه جلب نماید. برای این امر کار ایدیولوژیک را باید به طور مشخص و به اشکال گوناگون انجام داد تا حقایق مربوط به انقلاب ثور و سیاست حزب به همه اقشار و گروه‌های مردم با در نظر داشت خصوصیات، وضع سنن، نظرات و اندیشه‌ها، سطح تعلیمی و فرهنگی آنان برسد، این حقایق باید برای همه قابل فهم باشند. هم سرکوب هرچه سریعتر ضدانقلاب و هم موفقیت در امر اعمار افغانستان نوین وابسته به کسب اعتماد نوده‌هاست. بنابراین برای کار سیاسی در میان توده‌ها باید نیروی تمام حزب و رهبران حزب، سازمان‌های اجتماعی و ارگان‌های دولتی جلب گردد.

اکنون در این کار مرحله نوین آغاز می‌گردد. همه توجه باید به تبلیغ هدفمند و وسیع تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب معطوف و متمرکز گردد. ماهیت برنامه عمل، نتیجه گیری‌ها و احکام اساسی آن درباره راه‌های تکامل جامعه ما، سیاست حزب و دولت انقلابی باید به گوش هر فردی از هموطنان مارسانده شود. حرف زنده و پرجاذبه مبلغ و مروج حزبی سلاح عمده ماست. کمیته‌های حزبی موظف اند تمام فعالین حزبی را در این جهت بسیج نمایند و سعی به خرج دهند تا مردم، اسناد مرامی حزب را عمیقاً درک کنند و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کارنامه‌های فعالانه توده‌های وسیع تجلی یابد. ضمناً باید با جسارت، قاطعیت و وسعت بیشتر از اشکال تعرضی کار تبلیغی و ترویجی که مفیدیت آن در

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

عمل به اثبات رسیده است، استفاده نمود. این کار را در میان اهالی که در زیر ستم ضدانقلاب قرار داشتند و یا هنوز قرار دارند، به طور فعالتر باید انجام داد.

وسایل اطلاعات جمعی نقش بزرگ را در اجرای این وظیفه به عهده دارند. در این اواخر برای ارتقای مؤثریت نشرات، مطبوعات رادیو، تلویزیون و تقویت رهبری حزب بر آنها کار زیادی صورت گرفته است. اکنون زمان آن فرارسیده است که فعالیت آنها شدید افزایش یابد. آنها باید اندیشه‌های حزب و محتوای اسناد مرامی آنرا به شکل ساده و قابل فهم به همه اقشار جامعه ما برسانند. آنها باید به مفهوم کامل کلمه مبلغین، ترویج کننده‌گان و سازمان دهنده‌گان دسته‌جمعی باشند.

همزمان با آن اوضاع و احوال تقویت و تشدید مبارزه علیه خرابکاری‌های ایدئولوژیک دشمنان و افشای ماهرانه و به موقع دروغ پراگنی خصمانه آنان را که می‌خواهند سیاست حزب دولت ما را تحریف نمایند، می‌طلبید.

زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مصرانه خواهان آنست که کار ایدئولوژیک وقف وظیفه اساسی یعنی به پا خاستن توده‌ها در مبارزه علیه ضد انقلاب، اتحاد آنان به دور حزب و تقویت تصمیم آنان برای به انجام رساندن امر تحولات انقلابی گردد.

رفقا! حزب دموکراتیک خلق افغانستان معتقد به این امر است که رشد و تکامل موفقانه و پیشرونده تحولات انقلابی در کشور ما نه تنها با شرایط داخلی بلکه با شرایط خارجی نیز ارتباط دارد. بنابراین حزب و دولت انقلابی سعی می‌ورزند مساعدترین شرایط سیاسی خارجی را برای تحقق این تحولات و زنده‌گی مردم تأمین نمایند. اما برای اینکار صلح ضرور است. اراده خلل ناپذیر و عمل پیگیر در دفاع از تحکیم صلح در منطقه و سراسر جهان، جهت عمده و اساسی در برخورد حزب و دولت انقلابی ما نسبت به امور بین‌المللی است. این امر ماهیت سیاست خارجی ما را معین می‌سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در فعالیت سیاست خارجی خود معتقد به این واقعیت اند که حاکمیت و آزادی افغانستان، سعادت و شگوفانی مردم افغانستان تنها در صورت تحکیم و رشد دایمی دوستی برادرانه و همکاری ثمربخش با اتحاد شوروی بزرگ تأمین شده می‌تواند. این دوستی و همکاری سنگ بنای سیاست خارجی افغانستان نوین و عامل حیاتی مهم را در دفاع از وطن محبوب ما و تحولات جاری انقلاب ثور می‌سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به تعمیق و توسعه روابط برادرانه با احزاب حاکم، حکومتات و مردمان کشورهای سوسیالیستی، اهمیت فوق‌العاده‌ی را قایل اند و دستاوردهای این کشورها را در اعمار جامعه نوین با قدردانی ارزیابی می‌کنند. ما تصمیم کامل داریم که در آینده نیز

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

مناسبات دوستی برادرانه و همکاری سنتی را با اتحاد شوروی بزرگ و سایر کشورهای سوسیالیستی در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی، تکنیکی و غیره به مثابه شرط ضروری در راه پیشرفت وطن خود رشد و توسعه دهیم و تعمیق بخشیم.

کشور ما، اصول و منشور سازمان ملل متحد را به طور جدی و بلاانحراف احترام و رعایت می‌کند و تصمیم دارد با این موقف مناسبات خود را با تمام کشورهای صرف نظر از نظام سیاسی و اجتماعی آنها بر اساس اصول احترام به حاکمیت و استقلال ملی، تساوی حقوق، تمامیت ارضی، عدم تعرض و عدم مداخله در امور داخلی بنیاد گذارد.

در عین زمان ما به هیچ کسی اجازه نمی‌دهیم که در امور داخلی کشور آزاد و مستقل ما مداخله نماید. در رابطه با این موضوع می‌خواستم درباره یکی از آخرین اقدامات ریگن که مداخله صریح در امور داخلی کشور ماست، صحبت نمایم.

مردم افغانستان اقدام تقنین آمیز و توطئه گرانه اداره ریگن را در مورد اعلام به اصطلاح «روز افغانستان» در اول حمل، با شدت، خشم و نفرت بیکران تقبیح می‌نمایند. ما به خوبی می‌دانیم که از این به اصطلاح «روزها» برای کشورهای دیگری که در راه رشد مستقل از امریکا و در راه تحولات بنیادی قرار گرفته اند، مانند به اصطلاح «روز پولند»، «روز چکوسلواکیا»، و غیره و غیره، بسیار زیاد اعلام شده و اکنون هیچکس آنها را بیاد ندارد. در مورد به اصطلاح «روز افغانستان»، نیز چنان خواهد شد

مردم افغانستان با گذشت هر روز در امر دفاع از دستاوردهای انقلابی، در راه ارتقای سطح زندگی خود، در جهت محو بی‌سوادی، فقر، عقب‌ماندگی و اعمار زندگی شگوفان و عادلانه گام‌های متین و استوار بر می‌دارند و به پیروزی‌های بزرگ و بزرگتر دست می‌یابند. ما هر روز در مبارزات پرافتخار خویش سنگر های نوین را فتح می‌نماییم. با گذشت هر روز دشمنان افغانستان، به شکست‌های ننگینتر و شرم‌آورتر مواجه می‌شوند و مردم ما درفش مبارزات انقلابی را هر چه بلندتر و پر غرورتر به اهتزاز در می‌آورند.

اینست روزهای واقعی و پرافتخار مردم افغانستان و ما ضرورتی به «روز» دیگر و تحمیلی از جانب ریگن‌ها نداریم.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وفاداری و پابندی تغییر ناپذیر خود را به اصول جنبش عدم انسلاک که کشور ما از همان آغاز به مثابه یکی از بنیاد گذاران در آن اشتراک نموده است، تأیید و تأکید می‌نماید.

کشور ما و مردم ما در راه تحکیم، رشد و توسعه مناسبات مفید، دوستی و همکاری

با کشورها و مردمان برادر مسلمان در مبارزه مشترک به خاطر صلح جهانی، خلع سلاح، حقوق بشر و ترقی بشریت سعی پیگیر خواهند نمود. حزب، دولت و مردم افغانستان وحدت و همبستگی خود را با تمام مردمان جهان در امر مبارزه مشترک به خاطر صلح، دینانت بین‌المللی، خلع سلاح، منع و امحای سلاح هستوی، به خاطر دوستی خلق‌ها، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و ترقی اجتماعی علیه نیروهای امپریالیزم، تجاوز و ارتجاع به طور پیگیر و با ثبات تحکیم خواهند بخشید. ما از مبارزات شریفانه همه مردمان تحت ستم به خاطر آزادی، استقلال و ترقی ملی و اجتماعی همه جانبه پشتیبانی می‌نماییم.

رفقا! برخورد ما نسبت به مسائل بین‌المللی که در برنامه عمل بیان شد، طوری است که در بالا از آن ذکر رفت و چنانکه می‌بینید این موقف بر مبنای اصولی استوار است که حزب قبلاً نیز وفاداری و پابندی خود را به آن اعلام نموده بود. اینها اصول آزمون شده و مطمئن همبستگی انترناسیونالیستی، همزیستی مسالمت آمیز و عدم انسلاک اند. ما باحل پروبلم‌های بین‌المللی که امروز کشور ما مستقیماً با آن مواجه است، نیز از همین موقف برخورد می‌نماییم. ما به مساعی خود در جهت جستجوی طرق صلح‌آمیز حل این پروبلم‌ها و تدویر مذاکرات میان افغانستان و همسایه‌گان آن، پاکستان و ایران، ادامه می‌دهیم. این امر مطابق به منافع اساسی و طویل‌المدت مردمان کشورهای ما و هم منطقه است.

حکومت و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان احساسات عنعنوی، احترام و دوستی را نسبت به مردمان هند ابراز میدارند. جمهوری دموکراتیک افغانستان در آینده نیز برای تحکیم و رشد مناسبات حسن همجواری با هند سعی پیگیر خواهد کرد.

حکومت و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان به برقراری مناسبات با کشورها و مردمان برادر اسلامی توجه بزرگ مبذول خواهند داشت و در جهت بهبود بیشتر این مناسبات به نفع مردمان ما و همه مردمان مسلمان آسیا و صلح جهانی و ترقی بشریت سعی خواهند کرد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست معاملات مجزا تجریدی را در شرق میانه رد می‌کند و از مبارزات خلق‌های کشورهای عربی به خاطر محو عواقب تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی کاملاً پشتیبانی می‌نماید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در آینده نیز از همه امکانات در عرصه سیاست خارجی، در منطقه و در عرصه بین‌المللی برای مساعدت به دینانت بین‌المللی و تحکیم فضای همکاری و اعتماد در جهان استفاده به عمل خواهند آورد.

رفقا! تصویب برنامه عمل حادثه تاریخی در رندهگی حزب و کشور ماست. این

کنفرانس سرتاسری حزب، انعکاس روشن تکامل حزب و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است

برنامه که نتایج راه طی شده به وسیله حزب را تعمیم می‌بخشد، حاوی تحلیل تیوریک مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک می‌باشد و رشد و تعمیق انقلاب را روشن می‌سازد. برنامه عمل با اتکاء بر مواضع تیوری پیشرو انقلابی جهات کار عملی را نشان داده برای فهم و درک خلاق و اقیعیت‌های موجود جامعه ما و برای جستجوی اشکال، مینودها و طرق نوین و هرچه مؤثرتر اجرای وظایف مطروحه، مبنای علمی را به وجود می‌آورد.

تصویب و تحقق پیگیر و کامل برنامه عمل اهمیت بزرگ بین‌المللی نیز خواهد داشت. عادی شدن اوضاع در کشور ما، تحکیم نظام انقلابی بر اساس تحولات ملی و دموکراتیک انجام شده و سرکوبی ضد انقلاب مسلح به معنی گرفتن سهم قابل ملاحظه در استقرار اوضاع در منطقه، در قاره آسیا در عرصه بین‌المللی به طور مجموع است. این امر به ایجاد شرایط جهت تقویت و تحکیم همزیستی مسالمت آمیز و همکاری مفید که همه مردمان جهان در آن دینفع اند، مساعدت می‌کند.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ سیاسی مردم ما، نیروی سازمان دهنده و هدایت کننده نظام نوین اجتماعی در کشور ما!

همه دست به دست هم تحت درفش پرافتخار انقلاب ثور به پیش، به سوی پیروزی‌های نوین به پیش! در راه وحدت آهنین خدشه ناپذیر حزب ما به پیش!

ما پیروز می‌گردیم!

بیانیه در مراسم اختتام کار کنفرانس سرتاسری ح.د.خ. ۲۴۱ حوت ۱۳۶۰

کنفرانس سرتاسری، پخته‌گی و توانمندی حزب ما را در ارزیابی و تحلیل واقعیت‌های موجود و تبیین مشی اصولی نشان داد

رفقای نماینده!

مهمانان محترم!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پایان کار خود می‌رسد. همه ما و کسانی که در طی این دو روز واقعاً تاریخی در این تالار حاضر بودیم اکنون حق داریم احساس عرو و رضایت خاطر نماییم. جریان شور و بحث بر طرح برنامه عمل و تعدیلات و تکمیلات اساسنامه حزب علاقه‌مندی و دلچسپی عالی نماینده‌گان، وحدت نظر و تفکر آنان را در ارزیابی احکام و محتویات عمده و اصولی این مهمترین اسناد برای حزب و مردم نشان داد.

کنفرانس با وضاحت و روشنی خاصی پخته‌گی ایدئولوژیک، تیوریک حزب ما، قابلیت و قدرت آنرا برای ارزیابی عینی واقعیت‌های موجود و تعیین مشی عمومی جنبش و پیشرفت نشان داد. یقین کامل داریم که توده‌های وسیع مردم ما این امر را ارزیابی شایسته خواهند نمود و با رگ، پوست، گوشت و استخوان خود، با عقل و وجدان خود خواهند پذیرفت و در راه تحقق آن از صرف هیچ نیرویی دریغ نخواهد کرد.

تعداد زیادی از کمیته‌های حزبی، فعالین حزبی و نماینده‌گان کنفرانس پیشنهادها و نظریات خود را نسبت به مسوده اسناد مطروحه فرستاده اند. البته این نظریات و پیشنهادها در مورد ماهیت اسناد مذکور نیست و ماهیت آنها را تغییر نمی‌دهد. این امر یک بار دیگر سطح عالی وحدت نظر و وحدت ایدئولوژیکی را نشان داد که حزب ما به آن دست یافته است. من فکر می‌کنم که به بیروی سیاسی وظیفه داده شود این نظریات و پیشنهادها را دقیقاً مورد غور و ارزیابی قرار داده و حین تهیه متن نهایی اسنادی که از طرف کنفرانس تصویب می‌گردد، آن را حد اعظم مد نظر داشته باشد. این نظریات و پیشنهادها تجربه عملی را که سازمان‌های حزبی در محلات اندوخته اند منعکس می‌سازد و بنابراین قابل توجه و دقت می‌باشد. اجازه دهید از رفقای که در شور و بحث پیرامون این اسناد بسیار معتبر و با ارزش برای زندگی و فعالیت حزب اشتراک ورزیدند، صمیمانه ابراز امتنان نمایم.

رفقا!

کنفرانس ما سطح رشد یابنده و فزاینده وحدت حزب را با وضاحت نشان داد. فضای

کنفرانس و شور و شوق انقلابی که در طی دو روز در این تالار حکمفرما بود شاهد گویای این امر است. هر یک از بیانیه دهندگان درباره پروبلم‌ها و مسایلی که به همه حزب مربوط است سخن گفتند. این امر سبب سرور همه ما و ایجاد حسن اعتماد مبنی بر اینکه بعد از این نیز سراسر حزب ما متحدانه و یکپارچه به پیش خواهد رفت، می‌گردد. بگذار این قضای وحدت در سراسر حزب، در همه سازمان‌های حزبی ما حکمفرما باشد. رفقا تنها به این صورت حزب می‌تواند رسالت تاریخی خود را به مثابه پیشاهنگی واقعی مردم در مبارزه به خاطر آینده درخشان وطن به سر رساند.

رفقا!

در برابر ما وظایف عظیم و مبارزات وسیع قرار دارد. وحدت حزب و یکپارچگی مردم را به دور حزب، تنها با عمل می‌توان تحکیم بخشید. صحبت‌ها و گفتارهای عام در این امر کمک نمی‌کند. ما به خوبی می‌دانیم که تصویب برنامه عمل فقط آغاز حرکت ما در راه ترقی است. این فقط آغاز کار است اما بدون این امر نمی‌توان به مراحل بعدی گام گذاشت. بنابراین مساعی حزب، همه حلقه‌ها و سازمان‌های آن، حکومت و ارگان‌های قدرت دولتی در محلات در گام اول باید متوجه اجرای وظایف در جه یک در جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب و احیا و رشد اقتصاد و حل مسایل تأخیر ناپذیر اجتماعی گردد. برای حزب ما امر مهمتری از جلب توده‌های وسیع مردم زحمتکش ما به حل و اجرای این مسایل و وظایف وجود ندارد. این امر عمده است و جبهه اساسی مبارزه به خاطر سعادت وطن را تشکیل می‌دهد.

رفقای گرامی!

کنفرانس سرتاسری حزب ما با پشتیبانی وسیع نیروهای مترقی جهان مواجه شد. پیام‌ها و تبریکاتی که از جانب احزاب، جنبش‌ها و سازمان‌های برادر و دوست به ما مواصلت نموده است، جای هیچ شک و تردید را باقی نمی‌گذارد که نیروهای واقعی انقلابی و مترقی عصر با ما اند، دوستان واقعی با ما اند، همبستگی انترناسیونالیستی مردم جهان با ماست!

رفقای گرامی!

اجازه دهید تا به نام حزب و از جانب مردم نجیب و آزادی دوست افغانستان از این دوستان گرامی ابراز امتنان صمیمانه نمایم و اعلام دارم که:

دوستان عزیز! شما با پشتیبانی از ما، از انقلاب و از حزب ما به راه خطا نرفته اید، ما در آینده نیز دوستان شایسته شما خواهیم بود زیرا پیروزی از آن ماست.

رفقا!

در این روز پرافتخار و پرشکوه من به نام تمام اعضای حزب دموکراتیک خلق

افغانستان و همه وطنپرستان کشور به دوست و متحد بزرگ و مطمئن ما اتحاد شوروی، به حزب لنینی کمونیست اتحاد شوروی و قرارگاه پیکارجوی آن، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رأس شخصیت برجسته دولتی و سیاسی معاصر دوست بزرگ مردم افغانستان رفیق لیونید ایلیچ برژنف خطاب نموده میگوییم:

رفقای ارجمند! دوستان گرامی! برادران عزیز! امروز هر وطنپرست افغان عمیقاً میداند که بدون دوستی جاویدان و خدشه ناپذیر با اتحاد شوروی سعادت و آزادی افغانستان نامین شده نمی‌تواند. در قلب، عقل و وجدان هر وطنپرست واقعی افغانستان، هر عضو واقعی و وفادار حزب ما وطنپرستی و سوونیزم، جدایی‌ناپذیر اند. ما وعده می‌دهیم، هیچکس و هیچ چیز ما را از راهی که انتخاب نموده ایم نمی‌تواند برگرداند. افغانستان به سرزمین شگوفان و سعادت‌مند مبدل می‌گردد. کشور ما همیشه برادر، دوست و متحد

وفادار اتحاد شوروی بزرگ خواهد بود!

رفقا! با ختم کار ما از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود به همه شماررفقای نماینده و از طریق شما به همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب ما موفقیت و پیگیری را در راه تحقق کامل فیصله‌ها و تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب محبوب مان در همه عرصه‌ها و ساحات فعالیت شریفانه‌تان آرزو می‌نمایم.

به همه شما موفقیت‌ها و پیروزی‌های بزرگ را در این امر حیاتی و مهم برای همه حزب و تمام مردم شرافتمند افغانستان آرزو می‌نمایم.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

زنده باد انقلاب پرافتخار شور!

بیانیه به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۱ ۲۹ حوت ۱۳۶۰

بهار نو و سال نو، بهار زنده‌گی سعادتمند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود

هموطنان گرامی!

خواهران و برادران عزیز!

حلول سال نو، جشن باستان نوروز و میله دهقان را از صمیم قلب به همه مردم زحمتکش شرافتمند کشور شادباش می‌گویم. تجلیل از نوروز، در تاریخ دیرینه ما به منزله روز تاریخی و باستانی، به مثابه جشن کار و به عنوان آغاز بهار یکی از سنن و عنعنات شایسته و پسندیده مردم ماست.

نوروز و آغاز بهار که مردم ما به رسم نیاکان آزاد خویش آنرا گرامی می‌دارند امیدها و آرزوهای نو را به خاطر زنده‌گی بهتر و کار بیشتر در ذهن هر باشنده سرزمین باستانی ما بارور می‌سازد.

هموطنان عزیز!

یکسال دیگر از تاریخ نوین کشور ما که با پیروزی انقلاب شکوهمند ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردیده است، گذشت و ما اینک در آستانه سال دیگری قرار داریم. سالی که گذشت برای مردم زحمتکش کشور ما پیروزی‌ها، دساوردها و دورنماهای عظیم و پراهمینی را به همراه داشت. پیروزی‌ها و دساوردهای که بشارت دهنده سیر رشد یا بنده تحولات انقلابی و حرکت جامعه ما به سوی آینده‌های تابناک می‌باشد.

طی سالی که گذشت مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام‌های استواری به سوی آینده سعادتمند و شگوفان، به سوی ایجاد جامعه عادلانه نوین و به سوی ترقی و پیشرفت همه جانبه اجتماعی برداشتند. در سالی که گذشت ما توفیق یافتیم تا سلسله تدابیر و اقدامات وسیعی را در جهت گسترش پروسه تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تحکیم قدرت مردمی، تأمین وحدت و یکپارچه‌گی مردم زحمتکش کشور و در جهت ایجاد امکانات نوین به خاطر همکاری میان نیروهای مختلف اجتماعی و ملی به منصفه اجرا در آوریم. در نتیجه همین مساعی و فعالیت‌های همه جانبه که در یک سال صورت گرفته اوضاع در کشور ما ثبات بیشتر کسب نموده، نظم نوین اجتماعی استحکام و تقویت پذیرفت و دشمنان انقلاب،

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت‌مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

مردم و وطن ما به شکست‌های فضیحت باری مواجه شدند. می‌توان به صراحت اظهار داشت که کار انجام یافته طی یک سال گذشته با همه دشواری‌ها و ناهمواری‌ها، راه انقلاب، راه مردم، راه نیل به آینده شگوفان را هرچه بیشتر مشخص نموده و اکنون بیش از هر زمان دیگر حقانیت امر شکست ناپذیری انقلاب به همگان روشن گردیده است. به طور کلی در طرف یک سال می‌توان از عوامل مثبت نوینی در سمت تقویت پایه‌های انقلاب، تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلابی و حل بسیاری از مسایل فراوان حل نشده، در روند انقلاب سخن گفت.

هموطنان! شرفاقت‌مند!

در سال گذشته، جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه پیروزی عظیم حزب و دولت مبنی بر گردآوری کلیه نیروهای ملی و ترقی‌خواه تحت درفش انقلاب و یکی از دستاوردهای پر ارج انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان ایجاد گردید. بدین ترتیب حزب دموکراتیک خلق افغانستان موفق گردید به انجام یکی از تعهدات بسیار مهم خود یعنی ایجاد جبهه واحد ملی متشکل از کلیه نیروهای اجتماعی، ترقی‌خواه و وطنپرست کشور نوبت یافته باشد.

هم اکنون جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه پایه حاکمیت انقلابی زحمتکشان در کشور نقش عظیمی را تحت رهبری حزب دموکراتیک افغانستان در سمت تأمین سهم‌گیری عملی و واقعی نیروهای مترقی، دموکراتیک و وطنپرست در امر رهبری ساختمان جامعه عادلانه نوین ایفا نموده به خوبی منافع کلیه طبقات، اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه ما و منافع تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن وطن محبوب ما افغانستان انقلابی را منعکس می‌سازد.

هموطنان عزیز!

ما معتقدیم که مبارزه در راه رفع عقب‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی از طریق تأمین نگرگونی‌های انقلابی و وظیفه عمده حزب و دولت انقلابی را در اوضاع و احوال کنونی تشکیل می‌دهد. تأمین نگرگونی‌های انقلابی به عدم رشد طولانی و عقب ماندگی دیرپای قرن‌ها در کشور پایان خواهند داد.

در سال گذشته تلاش صورت گرفت تا جهت اعتلای سطح رشد نیروهای مولده و تسریع آهنگ رشد اقتصادی در کشور، اقدامات لازم عملی گردد، مکرراً اظهار می‌گردد اگر فعالیت‌های خرابکارانه دشمنان انقلاب افغانستان که می‌خواهند رشد اقتصادی کشور را فلج نمایند نمی‌بود و جنگ اعلان نشده امپریالیستی علیه انقلاب و مردم ما ادامه نمی‌داشت پیروزی‌های ما در عرصه رشد اقتصادی و اجتماعی به مراتب عظیم‌تر، مثبت‌تر و وسیع‌تر می‌بود. با آنهم ارزیابی وضع اقتصادی کشور

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

نشان‌دهنده آنست که با تطبیق پلان رشد اقتصادی و اجتماعی سال ۱۳۶۰ موفقیت‌هایی در عرصه انکشاف اقتصادی به وجود آمده و عملاً اقدامات اقتصادی به سود استحکام پایه‌های رشد اقتصاد ملی و ثبات نسبی اقتصاد در جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام پذیرفته است. شاخص‌های رشد اقتصادی در سال ۱۳۶۰ امیدوار کننده و مثبت تلقی می‌گردد به طور نمونه در سال ۱۳۶۰ محصول ناخالص داخلی به مقیاس سال ۱۳۵۹ به اندازه یک اعشاریه پنج فیصد و عاید ملی تولید شده به اندازه دو اعشاریه چار فیصد افزایش یافته است.

در ظرف سال ۱۳۶۰، هفده پروژه به بهره برداری آغاز نمود درین میان نه پروژه خارج از پلان شامل گردیده است. طی سال گذشته هشتاد و هفت اعشاریه هفت فیصد بودجه انکشافی از منابع داخلی تمویل گردید که به مقیاس سال ۱۳۶۰ چهارده اعشاریه پنج فیصد بیشتر است.

در سال گذشته به تعداد سی و دو پروژه از طرف شورای عالی اقتصادی منظور گردیده و در حجم دوران تجارت خارجی فزونی به عمل آمده است.

در سال ۱۳۶۰ محصول ناخالص بخش زراعت و مالداري به مقیاسی سال قبل به اندازه سه اعشاریه یک فیصد رشد نموده است و همچنان حجم تولیدات زراعتی در سال ۱۳۶۰ به تقریب تمام محصولات به استثنای پخته خام و لبلبو بالاتر از سطح تولید سال ۱۳۵۷ می‌باشد.

این ارقام نمونه‌ای به طور عمده بیانگر این امر می‌باشد که ما توانسته ایم گام‌های ممکن را در زمینه رشد اقتصادی کشور برداریم و زمینه‌های استقرار نظم ملی و دموکراتیک را در زندگی اجتماعی و اقتصادی مساعد نماییم.

هموطنان گرامی، دهقانان زحمتکش!

اقدامات حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در زمینه ادامه اصلاحات دموکراتیک ارضی و توزیع عادلانه آب برای دهقانان در جریان سال گذشته حایر اهمیت جدی است ما به خاطر حل مسئله زمین و تحولات ارضی و آب به سود دهقانان زحمتکش و توجه به نیازمندی‌های زراعت تدابیری را در معرض اجرا گذاشتیم که بدون شك تأثیرات وسیعی را در زندگی زحمتکشان دهات و رشد سکنتورزراعت در کشور وارد خواهد نمود. در سال ۱۳۶۰ علاوه بر سلسله مکمل اقدامات برای رفع اشکالات و نواقص مرحله اول اصلاحات ارضی توجه به عمل آمد تا کمک‌ها و مساعدت‌های دوامدار از لحاظ تهیه تخم بذری، کودکیمیای و ماشین آلات زراعتی به دهقانان ادامه یابد.

یکی از تدابیر مهم دیگر در سال ۱۳۶۰ به سود دهقانان زحمتکش کشور عبارت

است از عفو جرایم مالیاتی سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ که در نتیجه آن هفتصد و شصت هزار خانوار دهقانی از تأدیه هفتصد و بیست و دو میلیون افغانی جرایم مالیاتی معاف گردیدند. با صدور مصوبه بیرونی سیاسی و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، سعی به عمل آمد تا حق ملکیت دهقانان بر زمین تضمین و شرایط مساعدی برای استفاده مؤثر از زمین ایجاد گردد. بنابر اهمیت اصلاحات ارضی عادلانه دموکراتیک در کشور، کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد گردید که عملاً پروگرام اقدامات عملی در مورد ادا مه و تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی را تقویت کرد و به معرض اجرا در آورد.

در سال گذشته علاوه بر نشر ضمیمه نمبریک فرمان شماره هشت که خود اقدام ضرور و مؤثر دیگری بود، قانون آب و مقررہ استفاده از آب در زراعت نافذ گردید که به اساس آن حق لایفک دهقانان بر زمین و آب تثبیت گردید و چگونه گی توزیع آب برای آبیاری در زراعت به اشتراک خود دهقانان و با در نظر داشت رسوم و عنعنات محلی میان دهقانان صورت می‌گیرد.

در زمینه توجه حزب و دولت انقلابی به سرنوشت دهقانان زحمتکش و رشد سکتور زراعت در کشور باید از اقدامات وسیع عملی در سمت رشد جنبش کوپراتیوی در دهات، پروگرام ایجاد کوپراتیوهای نمونه‌وی زراعتی، ایجاد و تکمیل سنیشن‌های میکانیزه زراعتی و اقدامات دیگر نام برد.

دهقانان زحمتکش!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تلاش نموده و تلاش می‌نماید تا در دور دستترین محلات کشور آن چنان شرایطی را به وجود آورد که دهقانان زحمتکش و شرافتمند کشور ما بتوانند مرفه، آرام، سعادت‌مند و خوشبخت زنده‌گی نمایند.

به نواقص اشتباهات گذشته در زمینه حل مسئله آب و زمین پایان داده شده است. دیگر در جمهوری دموکراتیک افغانستان زمین و آب به دهقانان تعلق دارد. دیگر محصول کار دهقانان نه به فیودال‌های اربابان و سودخواران، بلکه به خود آنان تعلق دارد. حالا بر دهقانان زحمتکش کشور است تا در راه آبادانی وطن و شگوفانی آن سهم گیرند باز هم ما از دهقانان زحمتکش کشور دعوت به عمل می‌آوریم تا هیچ گوشه‌یی از زمین‌های خود را بدون زرع باقی نمانند محصولات زراعتی را به سود خود، مردم جامعه و دولت افزایش دهند و از زمین و محصولات خود شجاعانه و

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

دلیرانه دفاع نمایند.

دهقانان زحمتکش!

با پیوستن به گروه‌های مدافعین انقلاب از امنیت مناطق تان دفاع نمایید و نگذارید تا دشمنان جنایتکار انقلاب، با آتش زدن خرمنها، مساجد، مدارس، مکاتب و منازل تان زندگی آرام تان را برهم زنند.

هموطنان گرامی!

همچنان در سال ۱۳۶۰ معاش کارگران و اجیران بیست و شش تا پنجاه فیصد و ماکولات کارگران، مستخدمین و مامورین به پنجاه فیصد افزایش داده شد و سهم طبقه کارگر کشور در رهبری پروسه‌های تولیدی از طریق عقد قراردادهای دسته‌جمعی به مثابه یکی از عناصر پراهمیت نوین در عرصه تولید تأمین گردید. ما در سال گذشته شاهد پیدایش عناصر نوینی در عرصه کار و تولید بودیم. برای نخستین بار مسابقات کار در عرصه تولید صورت گرفت و در نتیجه دهها مؤسسه تولید توانستند پلان‌های تولیدی را تطبیق کنند و حتی بیشتر از آن، از پلان سبقت جستند علاوه بر مسابقات کار در طی سال گذشته طبقه کارگر جوان کشور با گسترش ابتکارات در فعالیت‌های تولیدی یک بار دیگر تعهد خود را در برابر آرمان‌های انقلاب تازه نمودند.

در سال گذشته به خاطر تأمین امنیت عام و نام در کشور و جلوگیری از جنگ اعلان نشده امپریالیستی که امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا در همدستی با ارتجاع منطقه و هژمونیت‌های پیکر هنور هم بی‌شرمانه آن را ادامه می‌دهد اقدامات گسترده‌یی صورت گرفته است. قوای مسلح قهرمان جمهوری مموکراتیک افغانستان اعم از اردو خاندوی و خدمات اطلاعات دولتی برای تأمین امنیت، مصنوعیت مردم و تأمین صلح سراسری ملی ضربات مرگباری به دشمنان انقلاب افغانستان وارد نموده اند.

در جریان سال گذشته در کنار قوای مسلح قهرمان ما ستون‌های دفاع از انقلاب یعنی سپاهیان انقلاب که به خوبی تلاش جانبازان اعضای قهرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در فعالیت کار و بیکار آنان دارد، گروه‌های مدافعین انقلاب و کتدایک های مستقل جوانان به شیوه رزمی کمر بستند و به پاسداری شجاعانه از دستاوردهای انقلابی حماسه‌های بزرگ آفرینند.

هم اکنون جبهه دفاع از انقلاب نیروهای مردمی وسیعی را که در پیشانی‌های اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار دارند دربر می‌گیرد و نشان‌دهنده آنست که انقلاب ما توانایی کافی برای دفاع از خود دارد و در اینجاست رمز شکست ناپذیری

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

آن پیروزی‌های ما در مبارزه با ضدانقلاب با ارزش و مثبت است، ولی ضدانقلاب شکست خورده هنوز هم اینجا و آنجا به تخریب، ترور و دهشت افگنی می‌پردازد و تلاش می‌نماید تا از گسترش دستاوردهای انقلابی جلوگیری نماید.

همچنان باید اضافه نمود که امپریالیزم با ادامه صدور ضدانقلاب هنوز دست از تلاش‌های فتنه‌گرانه ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان نکشیده است.

امپریالیزم می‌کوشد تا همه تشنج را در منطقه به وسیله دست نشاندهگان و افسانه خود دامن زند و به این ترتیب سیاست تجاوزکارانه ضدانقلابی، ضد افغانستان و ضد شوروی را در منطقه کماکان ادامه دهد. امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا در حالی که از شکست ناپذیری انقلاب افغانستان آگاهی دارد تنها و تنها جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی را به خاطر منافع طویل‌مدت تجاوزگرانه در منطقه ادامه می‌دهد.

هموطنان گرامی!

ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در این اواخر کوشیده است تا ستراتیژی تجاوز علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را با عنوان به اصطلاح روز افغانستان بعد نوینی بدهد.

این تلاش‌ها بخشی از سیاست تجاوز و مداخله در امور داخلی کشور آزاد و مستقل ما افغانستان انقلابی می‌باشد.

می‌خواهم یک بار دیگر تصریح نمایم که آقای ریگن و امثال او نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند بدانند که زندگی بر مجموعه تلاش‌های ضدانقلاب افغانستان، داغ باطله زده است. مردم ما درفش مقدس مبارزه به خاطر ایجاد جامعه نوین را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش خواهند برد و آنانی که می‌خواهند راه پیکار انسانی و مقدس ما را سد نمایند چیزی جز شکست و سرافکننده گی نصیب شان نخواهد شد.

در اینجا لازم است اظهار نمایم که پیروزی‌های به دست آمده در پاکسازی دامان پاک وطن از وجود ناپاک ضدانقلاب صادر شده از خارج نشان دهنده آنست که سیاست تجاوزکارانه و مداخله‌گرانه امپریالیزم در افغانستان به شکست قطعی انجامیده است.

در سال گذشته هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما شجاعانه به صفوف قوای مسلح پیوستند و هزاران هموطن فریب خورده ما به کشور عودت نمودند. در بسیاری از محلات دوردست کشور مردم خود در تأمین امنیت مناطق خود سهم گرفته و با ایجاد گروه‌های مدافعین انقلاب ضربات مدهشی بر دشمنان انقلاب، مردم و وطن وارد

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود.

آورده اند.

اینها همه عواملی هستند که به صورت واضح مبین افزایش و تقویت مداوم و فزاینده اعتماد برحق توده‌های میلیونی مردم به حزب و دولت انقلابی ما می‌باشد مردم زحمتکش کشور ما در تجربه روزمره خود یافته اند که سعادت و خوشبختی آنان وابسته به پیروزی‌های انقلاب و گسترش تحولات انقلابی بوده سرنوشت توده‌های مردم با سرنوشت انقلاب پیوند ناگسستنی دارد.

هموطنان گرامی!

در سال ۱۳۶۰ هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبه‌یی را در ارتباط با تساوی حقوق اقوام و ملیت‌های ساکن کشور اعلام نمود اهمیت تاریخی این مصوبه در آنست که برای نخستین بار ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور عملاً امکان آنرا می‌یابند تا در فضای برادری، برابری، وحدت و یکپارچگی بدون هیچگونه ستم و تبعیض و در پرتو همکاری و حسن تفاهم به کار و فعالیت آزادانه و برادرانه جهت ایجاد جامعه شگوفان و عادلانه نوین در جمهوری دموکراتیک افغانستان بپردازند.

همچنان باید یادآوری نمود که ما در آخرین روزهای سال ۱۳۶۰ شاهد پیروزی عظیم و پراهمیت دیگری یعنی تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودیم.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حادثه بس مهم و بزرگ در پروسه تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در امر گسترش تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد. کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظایف میرم کنونی در زمینه تحکیم حزب و تقویت روابط آن با مردم را به تصویب رسانید.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با اتخاذ تصامیم فوق‌العاده مهمی متکی بر تحلیل و ارزیابی همه جانبه و عمیق از مرحله کنونی تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک ثور، چگونگی تأمین پیروزی کامل بر ضد انقلاب و استقرار صلح سراسری ملی را به عنوان وظیفه عمده ما در اوضاع و احوال جاری تصریح می‌نماید.

برنامه عمل حزب ما راه پیشرفت همه جانبه اجتماعی و نیل به رشد اقتصادی و اجتماعی را در کشور مشخص نموده است. برنامه عمل حزب ما که به منظور تحقق پیگیر همه جانبه اجتماعی و نیل به رشد ملی و دموکراتیک در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسیده سند مرامی است که بر پایه آن جامعه عادلانه نوین در

کشور استقرار خواهد یافت و سایه فقر و بدبختی و هرگونه تیره روزی از زنده‌گی
زحمتکشان بلا کشیده وطن ما رخت بر خواهد بست.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در سطح عالی
وحدت و یکپارچه‌گی دایر گردید، پاسخ قاطع و دندان شکنی بود که بر مجموع
تبلیغات امپریالیستی که می‌خواهند اوضاع را در کشور ما دگرگونه جلوه دهند وارد
آورد. بار دیگر تیر نیات شوم و شیطنانی دشمنان ما به سنگ خورد. کنفرانس
سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان گام مهم نوین در جهت تحکیم نقش
رهبری کننده و سازمان دهنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جامعه ما
می‌باشد.

نمایندگان کنفرانس به صورت جدی با تایید عام و تام از مشی سیاسی و فعالیت
عملی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تأیید متفق الزامی برنامه عمل
و اسناد مطروحه در کنفرانس، آماده‌گی شان را برای عملی نمودن بلاوقفه وظایف
انقلابی ابراز داشتند و یک بار دیگر تعهد خود را در برابر حزب و مردم برای
شرکت فعال در تحولات انقلابی تأکید نمودند.

هموطنان گرامی!

سیاست خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک
افغانستان مبتنی بر اصول صلح، همزیستی مسالمت آمیز، کاهش تشنجات بین‌المللی،
عدم انسلاک و مناسبات دوستی و همکاری متقابل با خلق‌ها و کشورهای جهان مبتنی
بر احترام به استقلال ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها بوده که کماکان
ادامه خواهد یافت. این سیاست مورد استقبال نیروهای مترقی جهان قرار گرفته است.

ما بر پایه سیاست خارجی اصولی و صلح‌دوستانه جمهوری دموکراتیک افغانستان
آماده‌گی همیشگی خود را به خاطر تأمین صلح و آرامش در منطقه و جهان ابراز
داشته ایم. هم اکنون هیچ کسی نمی‌تواند از واقعیت انکارناپذیر تلاش‌های صلح‌جویانه
جمهوری دموکراتیک افغانستان معطوف بر ایجاد مناسبات دوستانه و همکاری
متقابل بر مبنای احترام به استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی با همسایگان
ما در منطقه چشم پوشی نماید. اعلامیه ۲۴ اگست ۱۹۸۱ حکومت جمهوری
دموکراتیک افغانستان به ادامه پیشنهادهای صلح‌آمیز ۱۴ می ۱۹۸۰ جمهوری
دموکراتیک افغانستان یک بار دیگر اصول صلح‌جویانه سیاست خارجی جمهوری
دموکراتیک افغانستان را به همه جهانیان ثابت ساخت. در اعلامیه بیست و چهار
اگست ما انعطاف پذیری بیشتر، برخورد واقعینانه حل مسایل از طرق صلح‌آمیز و
مؤثریت اقدامات به خاطر تأمین آرامش در منطقه به خرج داده شده و با خطوط
روشن به همگان واضح گردیده است.

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود.

مناسفانه هنوز همسایه‌گان ما آمادگی لازم را در جهت ایفای نقش شان در این مورد نشان نداده اند امیدواریم آن چنانکه بارها متذکر گردیده ایم همسایه‌گان ما بتوانند با عقل سالم، خونسردی و واقع بینی سیاسی حساسیت وضع را در منطقه درک نموده برای مذاکرات سالم و سازنده با جمهوری دموکراتیک افغانستان آماده گردند و گام‌های لازم در جهت تأمین همکاری و تفاهم متقابل بردارند.

رمز سرسختی و شکست ناپذیری حزب و انقلاب ما، نه تنها به پشتیبانی توده‌های میلیونی و مردم از انقلاب، بلکه به جبهه جهانی دفاع از انقلاب افغانستان بستگی دارد. اما با افتخار اعلام می‌داریم که جبهه جهانی دفاع از انقلاب افغانستان توانا تر از گذشته تقویت و و گسترش می‌یابد.

مردم ما طی سال گذشته شاهد برگزاری دهمین جلسه هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا در کابل پایتخت کشور آزادی مستقل و انقلابی ما بودند.

تدویر این جلسه یک بار دیگر به همگان نشان داد که کلیه نیروهای صلح و ترقی جهان با ما اند و پیگیرانه از انقلاب افغانستان دفاع می‌نمایند.

ما در سال گذشته پیروزی‌های مثبتی را در عرصه بین‌المللی به دست آوردیم. تلاش دشمنان ما که می‌خواهند افکار عامه جهانیان را در مورد انقلاب افغانستان مغشوش نمایند نتوانسته اند اراده مصمم و خلل ناپذیر بشریت مترقی را در مورد ادامه فعال پشتیبانی و همبستگی قاطعانه با انقلاب ما خدشه دار سازند.

ما یقین کامل داریم که روزتاروز و همراه با پیروزی تحولات انقلابی در افغانستان جهانیان اهداف شوم هیستری ضد افغانستان را که توسط امپریالیست‌ها دامن زده می‌شود به خوبی درک خواهند نمود.

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

فعالیت ما در یک سال گذشته ما را اطمینان می‌بخشد که در کشور محبوب و انقلابی مادیری نخواهد بود که درخت انقلاب ثمرات محسوس و ارزنده بی را برای مردم زحمتکشی وطن به بار آورد.

ما معتقدیم که پیروزی نهایی با مردمان زحمتکش خواهان صلح، آزادی و پیشرفت است نه با دشمنان خلق راهی که ما بر گزیده ایم راهیست بس دشوار، ناهموار و مشحون از فراز و نشیب ها و اما آنچه روشن است این واقعیت می‌باشد و زندگی خود به آن گواهی می‌دهد که پیروزی یا ماست و پیروزی با ما خواهد بود، زیرا انقلاب ما نتیجه منطقی یک ضرورت تاریخی است و بیانگر مدافع آن نیروهای اجتماعی می‌باشد که بالندترین نیروهای جامعه مانند و آینده بیگمان به آنان تعلق

بهار نو و سال نو، بهار زندگی سعادتمند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

دارد. ولی روشن است که هیچکس قادر نخواهد بود که مسائل فراتر از دستور تاریخ را حل نماید و ما تنها توانایی آنرا داریم که به حل مسائلی بپردازیم که تاریخ در مرحله کنونی رشد جامعه در برابر ما گذاشته است. ما تمام نیروی خود را به کار خواهیم بست تا به نیاز تاریخ و جامعه، به وظایفی که مرحله موجود تکامل در برابر ما قرار می‌دهد پاسخ شایسته و عملی ارائه نماییم.

ما هنوز در آغاز شاهراه دگرگونی‌های ملی و دموکراتیک قرار داریم. در برابر ما راه طولانی در پیش است ما با هرگامی که به سود مردم زحمتکش و شرافتمند کشور خودمی برداریم عملاً و به طور واقعی به سوی ایجاد جامعه نوین عدالت اجتماعی، به سوی ایجاد جامعه فارغ استثمار فرد از فرد نزدیک و نزدیکتر میگردیم.

ما یقین کامل داریم که مردم زحمتکش افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خواهند توانست به پیروزی‌های یازهم بیشتر و بهتر دست یابند و به کلیه عواملی که اسباب عقب‌ماندگی اجتماعی، فقر و بدبختی زحمتکشان را مساعد می‌نماید پایان دهند.

بهار نوی در پیش است. این بهار نو با اطمینان برای مردم ماکار صلح و امنیت را به ارمغان خواهد آورد زیرا حزب و دولت انقلابی ما مصمم اند در جریان سالی که فرامیرسد با تطبیق پروگرام‌های همه جانبه رشد اقتصادی و اجتماعی و مبارزه با دشمنان انقلاب صدای هر سانه بی را که زندگی باشندگان سرزمین مقدس ما را تهدید می‌نماید خفه سازند و امکانات و زمینه‌های بیشتری را برای کار، مبارزه و زندگی صلح‌آمیز فراهم آورند.

بهار نو و سال نو، بهار زندگی سعادتمند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود.

ما به آینده با خوشبینی مینگریم و اطمینان راسخ داریم که مردم ما در سال آینده در پرتو برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصامیم والای ح.د.خ.ا و دولت ج. دا به پیروزی‌ها و دستاوردهای نوینی دست خواهند یافت.

هموطنان زحمتکش، خواهران و برادران!

زمان آن فرا رسیده است تا امروز یک بار دیگر هنگامی که سال نو و بهار نوی را با همه امیدها و آرزوها استقبال می‌نماییم، بیشتر از پیش کمر ببندیم و هر یکی به سهم خود در پیکار عظیم و مقدسی که همین حالا در کشور ما جریان دارد. نقش خود را همه به طور شایسته و لازم ایفا نماییم. آینده به مردم زحمتکش وطن ما مربوط است و در اثر کار امروزی است که فردای خوشبخت و سعادتمند در افغانستان انقلابی و قهرمان بنیان گذارده می‌شود.

بهار نو و سال نو، بهار زندگی، سعادت مند خلق ما، بهار آبادانی وطن و بهار کار و افزایش محصولات
برای دهقانان زحمتکش کشور خواهد بود!

مردم وطن!

یکجا و یا هم به خاطر کار هرچه بیشتر، به خاطر پیروزی نهایی و کامل بر
ضدانقلاب و دشمنان وطن، به خاطر شگوفانی کشور محبوب و باستانی ما جمهوری
دموکراتیک افغانستان و به خاطر آرامش و رفاه مردم زحمتکش افغانستان، به پیش!

بیانیه هنگام در یافت نشان «خورشید آزادی» ۵ ثور ۱۳۶۱

ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زندگی خود را به طور ارگانیک و بهم پیوسته با حزب، انقلاب و مردم خویش می‌دانیم

رفقای بسیار عزیز و گرانقدر!

درین لحظاتی که شما رفقای عزیز اعتماد نموده نشان «د آزادی لمر» یا «خورشید آزادی» را به من اعطا می‌کنید، سراپا وجودم را احساس مسؤولیت عظیم در پیشگاه حزب مردم، انقلاب و وطن فرا گرفته است. فرا گرفته است.

می‌خواهم به پاس این اعتماد بزرگ شما از صمیم قلب تشکر نمایم.

با احساس مسؤولیت عظیم به شما اطمینان می‌دهم که تقدس این اعتماد بزرگ رفیقانه را که خود یکی از مظاهر وحدت حزب، دولت و مردم آزاد وطن محبوب مان افغانستان انقلابی است، با تمام وجود و توان چون عقل، شرف و وجدان خویش حفظ خواهیم کرد. تفویض نشان «خورشید آزادی» مرا در برابر مسؤولیت باز هم بزرگتری به خاطر انجام وظایف محوله قرار می‌دهد.

در زندگی انسان‌ها لحظاتی وجود دارد که بزرگترین خاطره حیات را ایجاد می‌نماید. برای من این اعتماد بزرگ شما یعنی تفویض نشان «خورشید آزادی» که ریباترین سمبول مبارزات پیگیر و فداکارانه بهترین فرزندان حزب و مردم و شهیدان قهرمان گلگون کفن حزب و مردم ما در طول سال‌های متمادی می‌باشد، یکی از شورانگیزترین خاطرات تمام عمرم خواهد بود.

من این افتخار بزرگ را اولتر از همه از آن حزب محبوب و دولت انقلابی ما میدانم. در تمام طول عمرم هدفی بزرگتر و شریفانه‌تر از خدمت واقعی به مردم عذاب‌دیده کشور ما نداشته‌ام.

تمام زندگی، توان، عقل و وجدان خود را از آن حزب محبوب ما دانسته و درین راه از هیچ‌گونه کوششی دریغ نورزیده در آینده نیز دریغ نخواهم کرد. ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زندگی خود را به طور ارگانیک و بهم پیوسته با حزب، انقلاب و مردم خویش می‌دانیم. جدایی از حزب و از منافع مردم در حکم سقوط و تباہی و در حکم نهبی شدن زندگی از محتوای زنده و اساسی آن می‌باشد.

ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زنده‌گی خود را به طور ارگانیک و بی‌دریغ پیوسته یا حزب انقلاب و مردم خویش می‌دانیم.

درین لحظات بیشتر از هر وقت دیگر یاد آن رفقای عزیز و زنده‌گی می‌شود که در راه وطن، انقلاب و مردم جان‌های پاک و شیرین خود را فدا کرده و راه خوشبختی مردم ما را هموار ساخته اند، «خورشید آزادی» این سمبول آزادی واقعی کشور ما، قهرمانی‌های آن دلیر مردان و شیر زنان شهید نیز می‌باشد، که با سیاس فراوان به روان پاک شان درود می‌فرستیم.

رفقای گرامی!

چهار سال از روزی می‌گذرد که انقلاب شکوهمند شور به مثابه سراغال تحولات ملی و دموکراتیک صفحه نوینی را در تاریخ مردم کشور محبوب ما افغانستان گشود. در طول این مدت ما توانستیم علی‌الرغم دشواری‌ها، گام‌های استواری برداریم.

حزب ما از لحاظ کمی و کیفی رشد و تحکیم یافته، اتورینه و نفوذ آن در میان توده‌های مردم ارتقا یافت. حاکمیت نوین انقلابی که منکی بر نیروی زحمتکشان می‌باشد در سراسر کشور استحکام یافت، دگرگونی‌های عمیق در ساحت اقتصاد، سیاست و فرهنگی رونما گردید.

قابل یاد آور است که اگر ضدانقلاب داخلی و خارجی جنگی اعلان نشده خویش را که درد و رنج بی‌پایانی را برای مردم ما به بار آورد به راه نمی‌انداخت، طبعاً پیروزی‌های ما بیشتر می‌بود.

دشمنان انقلاب ما علی‌الرغم توسل به شیوه‌های جنگی و سیاسی خرابکارانه، قادر نخواهند بود خورشید آزادی را که بر فراز سرزمین باستانی ما طلوع نموده، خاموش سازند.

اراده خلل‌ناپذیر حزب و مردم ما در امر دفاع از آزاد، استقلال و آینده‌آفتابی کشور محبوب ما افغانستان، کمک‌های بی‌شایبه و همه‌جانبه کشور برادر و همسایه بزرگ شمالی ما کشور کبیر شور اها و سایر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی جهان، ضامن پیروزی درین مبارزه بر حق ماست.

امروز با پذیرفتن این نشان عالی و پرافتخار می‌خواهم به شما رفقای گرامی و به حزب قهرمان و به همه مردم بی‌کار جوی ما اطمینان بدهم که در راه مبارزه به خاطر منافع زحمتکشان و به سر رسانیدن وظایف محوله برنامه عمل حزب از نیرو و قدرت خویش دریغ نخواهم کرد.

عمدمترین شرط حفظ شایستگی برای هر یک از انقلابیون عبارتست از کارخستگی، ناپذیر و مداوم در جهت منافع مردم، پاسخگویی به خواست‌های برحق آنان و اتخاذ شیوه‌های سالم مبارزه. ما انقلابیون افغانستان به اتکاء همین اصل توانسته ایم به مثابه

ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام افتخارات زندگی خود را به طور ارگانیک و بی‌پروا پیوسته با حزب انقلاب و مردم خویش می‌دانیم.

گردان پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما عمیقترین احساس اعتماد و اطمینان توده‌های زحمتکش را که در طول سال‌های متمادی در زیر بار ستم طبقاتی و ملی رژیم‌های گذشته رنج می‌کشیدند، حاصل نماییم.

بگذار، همه نیرو، انرژی، عقل و احساس ما در خدمت مردم باشد!

بگذار، حزب محبوب ما جاودانه در قلب ما جاداشته باشد!

در اخیر، عمیق‌ترین مراتب تبریکات و شادباش‌های گرم خود را به مناسبت حلول چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ثور به شما و به تمام مردم آزاد افغانستان انقلابی که خورشید آزادی در آن میدرخشد ابراز میدارم.

پل دوستی، قلب‌های مردمان افغانستان انقلابی و شوروی بزرگ را با رشته‌های محکمتر دوستی می‌پیوندد

رفیق محترم شرف رشیدوف عضو علی‌البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری ازبکستان، اعضای محترم هیات عالی‌رتبه اتحاد شوروی، دوستان گرامی شوروی و افغان، اشتراک‌کنندگان این گردهمایی فراموشی ناپذیر ما!

اجازه دهید، قبل از همه دروذهای گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما برسانم.

ما هیچگاه از راهی که انتخاب نموده ایم، بر نمی‌گردیم. با استواری از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع می‌نماییم و به طور پیگیر ثابت قدم در راه بهبود زندگی مردم خود سعی می‌ورزیم. ما همیشه به دوستی با اتحاد شوروی و فادار خواهیم بود.

رفقای محترم!

امروز ما شاهد یکی دیگر از حوادث پرشکوه در تاریخ مناسبات میان کشورهای خود و میان مردمان خود می‌باشیم. بهره برداری یکی از مهمترین پروژه‌های همکاری افغان شوروی، پل برای ترانسپورت مونتر و دارای خط آهن بالای دریای آمو قبل از موعد آغاز می‌گردد.

اهمیت پل بالای دریای آمو برای رشد اقتصاد ما در مجموع و برای بهبود سیستم ترانسپورت و تجارت، واقعه عظیم است. ولی ما اعمار این پل رانه تنها از نظر کمک اقتصادی و تخنیکی اتحاد شوروی به افغانستان می‌بینیم، بلکه حرف بر سر امر بزرگتر و مهمتر است. اعمار این پروژه و تکمیل آن یک سال قبل از موعد اولیه پیشبینی شده در سطح واقعه انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، مناسبات کاملاً نوین همسایه‌گی نیک و دوستی میان کشورها و مردمان ما را، که لینن بزرگ بنیان آن را گذاشت، منعکس می‌سازد.

بعد از انقلاب ثور و مخصوصاً بعد از مرحله نوین آن مناسبات ما دائماً توسعه و تعمیق یافته سرشار از محتوای نوین می‌گردد و عرصه‌ها و ساحات نوین سیاست، اقتصاد، همکاری نظامی، فرهنگ، معارف و غیره را در بر می‌گیرد. این است انترناسیونالیسم واقعی در عمل.

مردم افغانستان هیچ گاهی کمک بی شایبه و همه جانبه بی را که اتحاد شوروی به وطن محبوب ما در امر دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی ما منبذول داشته است فراموش نمی کنند. ما همیشه به یاد خواهیم داشت که نخستین دست محکم و مطمئن کمک و پشتیبانی، سوی ما، از جانب اتحاد شوروی بزرگ، کشوری که جامعه کمونیستی را اعمار می نماید، دراز شده است.

دوستان گرامی!

اجازه دهید، از حزب کمونیست اتحاد شوروی، حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و همه مردم شوروی به خاطر کمک عظیم و بی مانندی که کشور شما در جمهوری مومکرانیک افغانستان می کند، امتنان و سپاسگزاری عمیق و صمیمانه ابراز نمایم.

همچنان می خواهم از کار قهرمانانه تمام گروه ها، انجیران، تخنیکران، کارگران و همه آنانی که در طرح ریزی و اعمار پل، تهیه اجزا و قسمت های مختلف آن اشترک ورزیده اند، با مساعی مشترک خود در زیبایی آموی خروشان و کناره های آن افزوده اند اظهار سپاسگزاری و قدردانی نمایم. خلاصه می توان گفت این پل نه تنها سواحل آمورا به هم پیوند داد، بلکه قلب های ما را، قلب های مردمان ما را با رشته محکم تر به هم پیوست.

احترام و افتخار به انسان زحمتکش و کاران!

رفقای گرامی، برادران!

برای ما جای مسرت و خشنودی بزرگ است که ملاقات ما در آستانه شصتمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در این ماه در خاک اتحاد شوروی، در سرزمین باستانی ولی شگوفان و از نو اعمار یافته ازبکستان که مانند دیگر جمهوری های شوروی در مدت زمان کوتاه تاریخی به موفقیت های شگفت انگیز در همه عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نایل شده است، صورت می گیرد. باز دید اخیر رفیق لیونیدالیچ بریژنف از تاشکند برای همه مردمان، مخصوصاً برای مردمان شرق ثبوت روش و قانع کننده بی از توجه عظیمی است که حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی دایماً به رشد همه جمهوری های برادر سوسیالیستی اتحاد شوروی معطوف می دارند. آنچه جمهوری های آسیای میانه شوروی به دست آورده اند، مثال عالی و شایان تحسین برای همه کشورهایی است که در راه ترقی اجتماعی و اعمار جامعه فارغ از استئما را نسان به وسیله انسان گام نهاده اند.

یقین کامل داریم که زحمتکشان ازبکستان شوروی تحت رهبری حزب کمونیست

از یکستان به دستاوردهای نوین در رشد جمهوری خود نایل می گردند و همه دستورها و مشوره های رفیق لیونید ایلیچ بریژنف را که در تاشکند اظهار نموده اند، با موفقیت در عمل پیاده خواهند کرد.

رفقا و دوستان گرامی!

به تاریخ هفت ثور مطابق بیست و هفت اپریل سال جاری مردم افغانستان چهارمین سالگرد انقلاب ثور را جشن گرفتند. انقلاب ثور در کشور عقب مانده و فیودالی، در جایی که رژیم حاکم نمی توانست حداقل زندگی شایسته انسانی را برای مردم تأمین نماید، به وقوع پیوست.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک، حزب دموکراتیک خلق افغانستان پشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور ما اقدامات بسیاری را به منظور تحقق تحولات وسیع اجتماعی، اقتصادی و بهبود زندگی مردم به عمل آورد. اما چنانکه شما به خوبی می دانید پدیده کهنه ورو به زوال هیچ گاهی بدون مبارزه و مقاومت از عرصه زندگی خارج نمی شود و ایجاد نو پیشرو، روند دشوار و پیچیده است و هنگامی که بر مقاومت ارتجاع داخلی مداخلات ارتجاع خارجی علاوه گردد، این روند دشوار تر می گردد.

بیش از سه سال است که جنگ اعلان نشده نیروهای متحد ارتجاع داخلی و بین المللی، امپریالیزم امریکا، هژمونیزم چین و متحدین آنها علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه دارد. در نتیجه اعمال خرابکارانه آنها انسان ها به قتل میرسند و به اقتصاد ما صدمه وارد می شود. ولی ما با قاطعیت تمام می دانیم که نیروهای امپریالیزم قادر نیستند مردم افغانستان را درهم شکنند و چرخ تاریخ را به عقب برگردانند.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که چندی قبل دایر گردید، با روشنی و وضاحت خاص پخته گی رشد یابنده سازمانی و ایدئولوژیک حزب ما را، وحدت آن را به مردم و قابلیت آن را برای ارزیابی عینی واقعیت ها نشان داد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان در آینده نیز تمام مساعی لازم را به منظور بسیج همه نیروهای سالم کشور در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب به عمل خواهد آورد.

رفقای گرامی!

سیاست پیگیر و قاطع انترناسیو لیستی اتحاد شوروی به مردم افغانستان که مصروف اعمار حیات نوین اند، به ما نیرو و اعتماد می بخشد. چنانچه ضرب المثل افغانی می گوید: «دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست» ما با قاطعیت می دانیم که سعادت و آزادی افغانستان بدون دوستی خلل ناپذیر با اتحاد شوروی تأمین شده نمی تواند.

موفقیت های عظیم کشور شما در امر اجرای نصابیم بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و موفقیت های سایر کشورهای سوسیالیستی تأثیر عظیم و بزرگ بر سرنوشت تمام بشریت دارد. ما برای مردم اتحاد شوروی که در پیشاپیش بشریت متری قرار دارند تحکیم و نیرومندی بیشتر اقتصادی، تقویت قدرت دفاعی، شکوفائی بیشتر فرهنگی و زندهگی معنوی را آرزومندیم، ما برای مردم شوروی سعادت، رفاه کامل، پیروزی های نوین و پرشکوه را در امر اعمار کمونیزم آرزومی نماییم. برای این کار قیل از همه، صلح بر روی زمین ضرور است.

اتحاد شوروی همراه با همه نیروهای صلح دوست به طور پیگیر و استوار به خاطر جلوگیری از تهدید جنگ هستوی جهانی، جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی مبارزه می نماید. امروز یک بار دیگر می خواهیم اعلام داریم که جمهوری دموکراتیک افغانستان از سیاست صلح جویانه دولت شما پشتیبانی می نماید و ابتکارات جدید صلح آمیز را که به وسیله رفیق لیونید برژنف مطرح شده است، بسیار عالی ارزیابی می کند.

رفقای گرامی!

اجازه دهید، یک بار دیگر به نمایندگی از رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام مردم افغانستان به مردم شوروی، حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی در رأس شخصیت برجسته دولتی و سیاسی معاصر، دوست بزرگ مردم افغانستان رفیق لیونید برژنف به خاطر کمک های همه جانبه با افغانستان، سیاستگزاری عمیق خود را ابراز نمایم. ما به پیروزی کامل انقلاب افغانستان اعتقاد راسخ داریم، زیرا حقانیت این امر را احساس می کنیم و می دانیم که اتحاد شوروی و همه نیروهای متری جهان با ماست و به حزب ما و به مردم ما در میان عادلانه شان به خاطر سعادت مردم و شگوفائی وطن محبوب ما افغانستان دموکراتیک و مستقل، کمک می نمایند.

زنده یاد اتحاد شوروی بزرگ، این اتکای مطمئن خلق ها در مبارزه علیه امپریالیزم و به خاطر آزادی و استقلال شان!

زنده باد دوستی خدشه ناپذیر میان مردمان افغانستان و اتحاد شوروی!

بیانیه در جلسه سراسری کارمندان خدمات اطلاعاتی دولتی ۲۶ ثور ۱۳۶۱

**رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری
دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب نموده، سهم
شایسته خویش را در امر پیروزی نهایی انقلاب ایفا می‌کنند**

رفقای گرامی!

کارمندان محترم خدمات اطلاعات دولتی!

قبل از همه اجازه دهید شادباش‌های صمیمانه و قلبی خود را به شما اشتراک کنندگان
این جلسه باشکوه و از طریق شما به همه کارمندان خدمات اطلاعات دولتی این
رزمندگان بیباک و جسور، سر سپرده و فداکار برسانم.

جلسه شما در مرحله خاص زندگی حزب و کشور دایر می‌گردند که برای مردم و
وطن محبوب ما افغانستان انقلابی اهمیت تاریخی دارد. درست دو ماه قبل از امروز
کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه واقعه عظیم و
پراهمیت در زندگی حزب، دولت و مردم ما دایر گردید.

کنفرانس با تحلیل عمیق و همه جانبه واقعیت‌های موجود جامعه ما و بر مبنای
اندیشه‌های پیشرو عصر ما برنامه عمل حزب را برای مرحله کنونی انقلاب تصویب
نمود.

همه اسناد مصوب کنفرانس و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان، وظایف
جدی و پرمسئولیتی را در برابر قوای مسلح ما اعم از اردو، خارتدوی و ارگان‌های
خدمات اطلاعات دولتی قرار داده است. این وظایف ناشی از اوضاع و احوال کنونی
کشور و دورنمای تکامل بعدی جامعه می‌باشد.

اجازه دهید جهات عمومی این وظایف را در ارتباط با وضع کنونی بر شمارم.

علی‌الرغم آنکه تحول انقلابی افغانستان از عقب‌ماندگی به سوی شاهراه ترقی همه
جانبه باعث خشم شدید و مقاومت دیوانه وار و وحشیانه امپریالیزم و ارتجاع گردیده
است و آنان با استفاده از همه وسایل کثیف و غیرانسانی علیه انقلاب ما می‌جنگند،
در امور داخلی ما به طور وسیع و گسترده مداخله می‌نمایند، راه ترور و تجاوز را
برگزیده‌اند، جنگ و برادر کشی را تحریک می‌کنند و از هیچ اقدامی در تلاش خود
برای احیای حاکمیت استثمارگران و محروم ساختن مردم ما از حق سعادت و ترقی
آیا نمی‌ورزند، اما مردم افغانستان با کمک و پشتیبانی قاطع مردم برادر کشور

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد خالص حزب و مردم را کسب نموده...

بزرگ شوراها، مبارزه خود را بر ضد این نیروهای اهریمنی و تجاوزکار یعنی ارتجاع و امپریالیزم در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب، دفاع از آزادی، استقلال و حاکمیت ملی کشور با استواری و متانت به پیش می‌برند و سنگ‌های نوین را در مبارزه حماسه آفرین، هستی‌ساز و دشمن‌سوز فتح می‌نمایند.

از جانب دیگر ایالات متحده آمریکا و متحدین جنایتکار آن به دامن زدن آتش نشنخ در اطراف افغانستان ادامه می‌دهند. واشنگتن و بیکن با همکاری فعالانه پاکستان سلاح ابزار جنگی و اشرار تربیت شده را به خاک ما می‌فرستند تا به خونریزی و قتل و قتال ادامه دهند و آرامش مردم شریف و زحمتکش ما را برهم زنند. سی.ای.ای سازمان جهنمی جاسوسی ایالات متحده آمریکا این سردمدار جنایتکاران و وحشت آفرین جهان سرمایه و دشمن درجه یک خلق‌های سراسر گیتی، تنظیم به اصطلاح کمک بین‌المللی به افغانستان یعنی تهیه سلاح مرگ‌زا برای اشرار جنایت‌پیشه را به عهده گرفته است.

در عین زمان همین نیروهای سیه‌کار و جنگ طلب به غرض نیل به مقاصد شوم و غارتگرانه خویش در برابر حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان که بر اساس پیشنهادهای سازنده و ابتکاری جمهوری دموکراتیک افغانستان تنها از طریق مذاکرات صلح‌آمیز و قطع هرگونه مداخلات و تجاوزات امپریالیستی در امور داخلی کشور ما ممکن است و بس، سنگ اندازی و ممانعت می‌نمایند.

خلاصه اینکه ساختمان زندگی نوین در افغانستان در شرایط جنگ اعلان نشده‌بی که از جانب ضدانقلاب داخلی و خارجی بر ما تحمیل گردیده است، جریان دارد که خواهان کار و پیکار بی‌امان و خسته‌گی ناپذیر در همه عرصه‌ها و جهات مبارزه است.

چنین وضع از حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام ارگان‌های دولتی فعالیت قطعی را در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور میطلبد.

بنابراین برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان به امر تأمین دفاع قاطع و مؤثر از وطن و دستاوردهای انقلابی مردم، تحکیم مطمئن آن و قطع تلاش‌های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی که می‌خواهند نظام همه جانبه و استثماری را در کشور ما احیا نمایند، اهمیت درجه یک قایل شده است. در عین زمان درین برنامه سیستم تدابیر مؤثر جهت تحکیم همه جانبه اردوی انقلابی، خازندوی و ارگان‌های امنیتی، ارتقای سطح قابلیت محاربوی و مسلکی و درک سیاسی صفوف آنها پیشینی شده و بر تحکیم ارتباط آنها با توده‌های مردم تأکید صورت گرفته است.

در شرایط کنونی مسئله دفاع از انقلاب و سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب، جبهه

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد خالصی حزب و مردم را کسب نموده...

عمده و مقدم مبارزه ما را تشکیل می‌دهد.

این جبهه مبارزه علیه اعمال ضدانقلابی، ترور، مقاومت مسلحانه دشمن، علیه سیاست دشمنان داخلی و خارجی، نوکران ارتجاع و امپریالیزم و خلاصه علیه تمام نیروهایی که تلاش‌های مذبوحانه را جهت جلوگیری از پیشروی انقلاب به خرچ می‌دهند، می‌باشد. برای اجرای موفقانه این امر و پیروزی‌های بیشتر و حفظ و حراست این پیروزی‌ها، انقلاب ما به ارگان‌هایی ضرورت دارد که فعال، نیرومند، متحد، یکپارچه، با انضباط و خدمتگار مردم بوده و بتواند پلان‌های دشمن را به موقع افشا نموده در برابر تخریبات نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی از خود عکس‌العمل قاطع و سریع به اتکاء و پشتیبانی نوده‌ها نشان دهد.

رفقا!

خدمات اطلاعات دولتی باید چنین ارگانی باشد. اشکال مختلف تجاوز و تخریب ایدئولوژیک، ترور، تخریبات در ساحات اقتصادی، ترانسپورت، زراعت و دیگر اشکال فعالیت‌های ضدانقلابی علنی و مخفی یک بار دیگر این گفتار بزرگ را به اثبات می‌رساند که: «انقلابیون نه تنها باید قدرت دولتی را به دست گیرند بلکه آنرا حفظ و از آن دفاع نمایند و در برابر نیروهای ضدانقلاب نیروهای انقلابی را در یک سطح عالی متشکل سازند.»

به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور و تأمین امنیت جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر تخریبات و تجاوزات ارتجاعی و امپریالیستی ارگان‌های امنیتی به حیث ارگان‌های دولتی تأسیسی گردیده اند که در جریان مبارزه آگاهانه از میبوندها و وسایل تخصصی خود جهت برآوردن اهداف بالا استفاده می‌نمایند. از جانب دیگر خدمات اطلاعات دولتی و تمام بخش‌های آن تمام وظایف خود را تحت رهبری و کنترل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اجرا می‌نمایند.

خدمات اطلاعات دولتی در برابر حزب، دولت و مردم مسؤلیت عام و نام را در امر تأمین امنیت وطن عزیزمان افغانستان انقلابی دارد.

حزب به ارگان‌های امنیتی به حیث ارگان مهم و شمشیر بران انقلاب مینگرد که موظف است مطابق به اهداف و وظایف انقلاب که انعکاس آرمان‌های نوده‌های وسیع مردم می‌باشد، به نام مردم و به نفع مردم از انقلاب و دستاوردهای انقلابی مردم دفاع قاطع و مطمئن نماید. این موضع‌گیری روشن و انقلابی موجب اعتماد و پشتیبانی مردم می‌گردد.

خدمات اطلاعات دولتی حین فعالیت عملی خود منگی بر تصامیم و مصوبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بیروی سیاسی آن، برنامه عمل حزب و

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد خالص حزب و مردم را کسب نموده...

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوانین کشور، دایرکنیف‌ها و تصامیم شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده از آنها توأم با رعایت اکید قانونیت انقلابی پیروی کامل می‌نماید.

کمیته مرکزی معتقد است که ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی به آرمان‌های انقلاب و امر دفاع از منافع مردم کاملاً وفادار بوده می‌توانند در امر دفع و طرد حملات و دسیاسی دشمنان، شکست و محو کامل آنان و تأمین پیروزی کامل نظام دموکراتیک و مردمی در وطن ما به موفقیت‌های هرچه بیشتر دست یابند.

در شرایط تشدید فعالیت تخریبی امپریالیزم مسوولیت ارگان‌های امنیتی در امر دفاع از جامعه و وطن در برابر دسائیس و نوطنه‌های ارنجاع بین‌المللی و ضدانقلاب داخلی افزایش می‌یابد. کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید با تمام جدیت و احساس مسوولیت درک نمایند که فعالیت تخریبی دشمن علیه انقلاب ما از ورای مرزها، خود به خود خاتمه نخواهد یافت، بلکه باید فعالیت مذکور را طوری خنثی نمود که دشمن بیش از پیش به بی نتیجه بودن و مذبحخانه بودن تلاش‌های خود متقاعد گردد. پروسه انقلابی در کشور برگشت‌ناپذیر است و ما حاضریم مبارزه برحق خود را علیه دشمن تا پیروزی نهایی ادامه دهیم. اراده حزب و مردم برای خاتمه بخشیدن به فقر و عقب‌ماندگی که از گذشته به میراث مانده است و تأمین سعادت و رفاه تمام مردم ضامن پیروزی ماست.

کمک همه جانبه و برادرانه اتحاد شوروی بزرگی، همبستگی تمام کشورهای سوسیالیستی نیروهای مترقی جهان با افغانستان انقلابی، ضامن دیگر رشد موفقیت آمیز انقلاب شکوهمند ثور می‌باشد.

رفقا!

کارمندان ارگان‌های امنیتی که بنابر وظیفه و رسالت خویش در خط مقدم جبهه مبارزه با دشمنان انقلاب قرار دارند همیشه باید نام شریفانه پاسداران انقلاب، شرف، ناموس و حیثیت مردم را گرامی بدارند و حفظ نمایند. آنان باید هوشیاری سیاسی خود را ارتقا بخشیده و ظایف محوله را با قاطعیت و شجاعت، رزمجویی و عزم راسخ انجام دهند و خدمتگزار مردم و سپاهیان دلیر حزب خود باشند.

توأم با تقویت ارگان‌های امنیتی، کمیته مرکزی حزب و دولت انقلابی تدابیر لازم را جهت جلوگیری از وقوع حوادث ناشی از تخلف از قانون اتخاذ نموده و تضمین‌های محکم سیاسی و حقوقی را جهت تأمین قانونیت انقلابی به وجود آورده است.

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد خالصی حزب و مردم را کسب نموده...

رفقای محترم!

اصل اساسی موفقیت آمیز و سالم ارگان‌های امنیتی عبارت از رهبری آنها از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد. تطبیق بلاانحراف این اصل در عمل برای خدمات اطلاعات دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان شرایطی را فراهم می‌آورد که در امر مبارزه علیه باندهای اشرار، سازمان‌های مخفی ضدانقلابی و دسایس سرویس‌های جاسوسی کشورهای امپریالیستی و نوکران آنها، به موفقیت‌های قابل ملاحظه نایل گردد.

باید فعالیت وسیع‌تر سازمان داده شود و چهره کثیف امپریالیزم و نوکران آن در برابر مردم به طور گسترده و هرچه روشنتر رسوا گردد و به مردم هرچه بیشتر تفهیم گردد که چه کسانی برای باندهای قاتلان و دزدان سلاح و مهمات تهیه می‌نمایند.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید نمونه عالی در امر اجرای وظیفه حزبی و انقلابی بوده در امر ترتیب و تنظیم اشتراک مساعی و کوردانسیون با اردو، خاندوی، ارگان‌های دولتی و حزبی در مسایل مبارزه علیه باندیتیزم، تأمین قدرت دولتی در مناطق آزادشده از خود اینکار نشان دهند. ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی باید در امر تأسیس هسته‌های قدرت دولتی، کمیته‌های حزبی، ارگان‌های محلی، گروه‌های دفاع از انقلاب و نیز در تطبیق تصامیم حزب و دولت منجمه جلب و جذب در اردو، اشتراک مستقیم داشته باشند.

باید یادآور شد که برای پیروزی، پاک ساختن یک منطقه از وجود دشمن کافی نیست، بلکه پیروزی نهایی وقتی میسر شده می‌تواند که در آن مناطق اقدامات مؤثر در جهت تأمین حاکمیت دولتی به نفع توده‌های مردم و یا اشتراک فعال آنها در تطبیق و دفاع از این اقدامات صورت بگیرد. تنها درین صورت است که قدرت دولتی می‌تواند به طور برگشت‌ناپذیر تأمین گردد.

در چنین مناطق باید سیستم دفاع از انقلاب و مردم تأسیس گردد و در سیستم مذکور بر علاوه قطعات اردو و خاندوی باید گروه‌های دفاع از انقلاب، ملیشه و گروه‌های وطنپرست اشتراک داشته باشند. باید کار تأسیس و تقویت گروه‌های جدید و وطنپرستان و مدافعین انقلاب ادامه یابد. این گروه‌ها در تمام ولایات و لسوالی‌ها، و علاقهداری‌ها می‌توانند وظایف تأمین امنیت را به صورت موفقانه انجام دهند. گروه‌های مذکور طوری در تمام مؤسسات تولیدی و محلات مسکونی ایجاد گردند و فعالیت نمایند که زمین در زیر پای اشرار به آتش مبدل گردد.

تأمین پیروزی نهایی علیه ضدانقلاب توأم با فعالیت هماهنگ ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی، اردوی انقلابی افغانستان و خاندوی میسر شده می‌تواند. کمیته

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد خالصی حزب و مردم را کسب نموده...

مرکزی حزب، شورای انقلاب و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان توجه دایمی را به تقویت اردو و خارتدوی معطوف می‌نمایند، یکی از وظایف عمده خدمات اطلاعات دولتی و خارتدوی تأمین امنیت مؤسسات مهم تولیدی، ترانسپورتی و زراعتی می‌باشد. در سازماندهی این امر نقایصی به مشاهده میرسد که باید آنرا برطرف نمود. نیروی دولت انقلابی ما در آنست تا بتواند از امکانات موجود در جهت حل مسایل مهم سیاسی و اقتصادی به نفع توده‌های وسیع مردم استفاده هرچه کاملتر نماید، بنابراین ارگان‌های امنیتی باید در کمترین زمان ممکن تدابیر مکمل و مؤثر را جهت تأمین امنیت مطمئن و کار بلا انقطاع مؤسسات مهم صنعتی، ترانسپورتی و زراعتی اتخاذ و تطبیق نمایند. این امر به نفع تمام توده‌ها و دولت انقلابی ما می‌باشد.

رفقا!

ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی موظف اند تا از سعی و تلاش دشمنان که می‌خواهند دین اسلام را به غرض مقاصد شوم خویش مورد سوءاستفاده قرار دهند و انقلاب افغانستان را از مسیرش منحرف سازند جلوگیری به عمل آورند. ما باید در کار عملی به اثبات برسانیم که ترقی ملی و اجتماعی مخالف اسلام نبوده، برعکس فعالیت‌های جنایتکارانه انسانی که می‌خواهند از اسلام سوءاستفاده نمایند با دین اسلام مغایرت کامل دارد.

انکشاف موفقیت آمیز و تحولات بعدی در کشور ما از یکطرف به شرایط داخلی و از جانب دیگر به شرایط بین‌المللی وابسته می‌باشد. به این علت حزب و دولت ما کوشش می‌نماید تا شرایط هرچه مساعدتر بین‌المللی برای انجام چنین تحولات به نفع مردم ما میسر گردد و ارگان‌های امنیتی موظف می‌باشند که تمام تدابیر لازم را جهت مساعد نمودن تطبیق مشی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این زمینه اتخاذ نمایند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان امکان نخواهد داد که فعالیت ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی از مسیر مطابق به محتوای حقیقی آن منحرف گردد. در آینده نیز مشی رعایت و تقویت قانونیت انقلابی را به صورت پیگیر تعقیب خواهد نمود. متأسفانه حوادث ناشی از عدم رعایت قانون یکی نیست.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خواهان بازپرس و مجازات اشخاصی که از راه قانون عدول نموده اند، بدون توجه به خدمات، سابقه و مقام رسمی و دولتی شان می‌باشد.

تخطی از قانون برای کارمندان حزبی و دولتی منجمه و مخصوصاً کارمندان

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب نموده...

ارگان‌های امنیتی باید به حیث جرم ناشی از وظیفه انحراف از اصول و آرمان‌های انقلاب ثور شمرده شود. عمل مذکور با نام شریف عضو حزب و کارمند نجیب خدمات اطلاعات دولتی مطابقت ندارد.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید دایماً به یاد داشته باشند که آنان سربازان حزب خود بوده از این لحاظ باید وضع موجود را به خوبی بررسی و مطالعه کرده حقایق لازم را در نمایند و مطابق به آن تصمیم درست و به موقع اتخاذ کنند. برای اجرای موفقانه این امر آنان باید همیشه سطح دانش ایدیولوژیک و تخصصی خود را ارتقا بخشند، وفاداری به حزب و مردم، انترناسیونالیزم پرولتری، آشتی ناپذیری در مبارزه با دشمنان انقلاب، هوشیاری عالی سیاسی، قهرمانی، رعایت جدی قانونیت، انسان دوستی، رفاقت و کلکتویزم باید خصلت هر کارمند پرافتخار خدمات اطلاعات دولتی بوده صفات مذکور مشعل راه زندهگیشان باشد، هر کارمند خدمات اطلاعات دولتی باید تمام نیروی خود را و در صورت ضرورت جان خود را به خاطر اجرای وظیفه مقدس در برابر حزب و دولت به نفع سعادت، رفاه و آینده درخشان افغانستان مستقل و آزاد قربانی نماید.

اعضای خدمات اطلاعات دولتی نا کتون و قربانی‌های فدا کارانه، حماسه آفرین، جانبازانه و قهرمانانه داده اند. افتخار به چنین شهیدان و مبارزان اصیل خدمات اطلاعات دولتی!

ارگان‌های امنیتی در چنان جهاتی فعالیت می‌نمایند که در آنجا هیچگاه «آتش بس»، صورت نگرفته و وظیفه شان ختم نمی‌گردد. برعکس ما شاهد آنیم که دشمن روز به روز از میثودهای ماهرانه تر و حیل‌گرانه استفاده می‌نماید. این وضع از ما می‌طلبد که کار ما نیز به سطح عالیتر و منظم تر ارتقا یابد.

کارمندان خدمات اطلاعات دولتی موظفند حین اجرای وظایفی که حزب به ایشان می‌سپارد، در مقام خود، در حدود صلاحیت خود، مسایل را طوری تنظیم کنند و خودطوری رفتار نمایند که مردم افغانستان باروشنی و وضاحت احساس کنند که فعالیت ارگان‌های امنیتی به منظور دفاع از آرمان‌ها و منافع آنان است و کارمند خدمات اطلاعات دولتی یعنی خدمتگزار صدیق مردم و وطن.

وفاداری به حزب و وطن، شعور عمیق سیاسی، هوشیاری دایمی سیاسی و احضارات محاروبی دوامدار، سطح عالی دانش تخصصی، آشتی ناپذیری با دشمنان انقلاب، ایجاد روابط انسانی با مردم، اوصافی است که کارمندان خدمات اطلاعات دولتی باید روز به روز آنها را در وجود خود تقویت بخشند و پرورش دهند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به گردان رزمنده یعنی خدمات

رهبری حزب ما معتقد است که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب نموده...

اطلاعات دولتی اعتماد عمیق داشته و معتقد است که جلسه حاضر کارمندان خدمات اطلاعات دولتی یک بار دیگر ثابت می‌سازد که ارگان خدمات اطلاعات دولتی باز هم پیروزی‌های مهم را در امر اجرای وظیفه انقلابی به دست خواهند آورد.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقد هستند که ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتماد عالی حزب و مردم را کسب کرده سهم شایسته خویش را جهت از بین بردن دشمنان و پیروزی کامل انقلابی ایفا خواهند نمود.

احترام و افتخار به قوای مسلح قهرمان جمهوری دموکراتیک افغانستان اعم از اردوی قهرمان، خازندوی مبارز و خدمات اطلاعات دولتی قهرمان، خدمات اطلاعات دولتی مبارز و خدمات اطلاعات دولتی بیکار جو!

بیانیه در ضیافتی که به افتخار هیات عالیرتبه حزبی و دولتی ج.د. افغانستان از جانب اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی سوسیالیست متحده آلمان ترتیب شده بود ۲۹ ثور ۱۳۶۱

دوستی خدشه ناپذیر و برادرانه جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان روز تا روز استحکام می‌یابد

رفیق محترم اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان!

رفقای گرامی!

اجازه می‌خواهم به خاطر دعوت برای بازدید از کشور زیبای شما و به خاطر سخنان صمیمانه شما و پذیرایی گرمی که از ما نمایندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان به عمل آورده اید سپاسگزاری عمیق خود و هیات نماینده‌گی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را ابراز بدارم.

بازدید ما از کشور شما یک گام نوین در جهت بسط و توسعه مناسبات طراز عالی برادرانه میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان است که با پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن آغاز یافته است. احساسات و علاقه صمیمانه و دوستی برادرانه‌یی که نسبت به کشور ما، انقلاب ما و مردم ما در روزهای دشوار از جانب شما متجلی گردید، بیان عملی آن سنن و الایی است که بنیانگذاران داهی اندیشه‌های پیشرو عصر ما آنرا تاکید میکردند. این رشته‌های دوستی عمیق است که دو کشور ما را به صورت گسست ناپذیر باهم پیوند داده، سهم هر دو کشور را در امر عمومی بهبود مناسبات بین‌المللی افزایش داده و می‌دهد.

تغییر روز افزون تناسب نیروهای طبقاتی در عرصه بین‌المللی به نفع نیروهای صلح و سوسیالیزم و رشد ظفر نمون سوسیالیزم پیشرفته در کشور بزرگ شور اها شرایط عینی برگشت ناپذیری پروسه دگرگونی‌های عظیم انقلابی را که هم اکنون در جهان ادامه دارد، تأمین نموده است.

درست بر همین مبنا و به اتکای نیروی لایزال توده‌های مردم است که تحکیم، توسعه و تعمیق دستاوردهای انقلاب ثور میسر گردیده است. البته مشکلات و پروبلم‌های متعددی در راه پیشرفت اجتماعی کشور ما وجود دارد که ادامه جنگ اعلان نشده

امپریالیزم بین‌المللی به سرکردگی امپریالیزم ایالات متحده امریکا، هر مؤنیست‌های چین، ارتجاع منطقه و عرب در مرکز آن قرار دارد.

باوجود ادامه این وضع، پروسه نگرگونی‌های انقلابی در کشور ما ادامه دارد. کار کفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که «برنامه عمل» حزب را تصویب نمود، بیان دقیق و مشخص سیاست اصولی ما در عرصه تحولات ملی و دموکراتیک در کشور است. این امر نشان می‌دهد که پروسه برگشت مسیر زندگی به حالت عادی از میان دشواری‌ها راه خود را به پیش می‌گشاید. تجربه مشخص ما بیانگر آنست که حزب ما باچه توانایی شگرف و انعطاف پذیری لازم، اصول و موازین اندیشه‌های پیشرو عصر ما را که عظیمترین سلاح تغییر انقلابی جهان است، با نیازهای پراتیک جامعه ما تلفیق داده است. حزب و دولت انقلابی ما اکنون در پروسه عملی کردن «برنامه عمل» است و بدون تردید این امر افق‌های کاملاً نوینی را در برابر ما گشوده است که بهروزی و شگوفانی اقتصاد و فرهنگ کشور را نوید می‌دهد. باید تأکید شود که سیر تکامل بین‌المللی به خوبی صحت اصول سیاست خارجی ما را که بر پایه اصول همبستگی رزمجویانه بین‌المللی، همزیستی مسالمت آمیز و عدم انسلاک بنیان دارد، ثابت نموده است.

اکنون ندای عظیم پشتیبانی از افغانستان انقلابی در سرتاسر حتی جنبش‌های ملی صلح در سراسر جهان از برجسته‌گی خاص برخوردار است. این امر از یکطرف نشان می‌دهد که سیاست ماجراجویانه سیاست پیشه‌گان امپریالیستی و تمام ارگان ارتجاع بین‌المللی در ارتباط با کشور ما به شکست افتضاح آوری مواجه گردیده است و از جانب دیگر این وضع بیانگر آنست که مسئله پشتیبانی از انقلاب افغانستان به وظیفه عمده تمام قدرتهای صلح و ترقی اجتماعی در سراسر جهان مبدل گردیده است.

رفقای گرامی!

نقش و اهمیت جمهوری دموکراتیک آلمان در طی سی و سه سالی که قهرمانته در کار عظیم ساختمان سوسیالیزم مصروف است، در امر تأمین صلح در اروپا و سراسر جهان از اهمیت چشمگیری برخوردار است.

وفاداری به سند نهایی هلسنکی که امپریالیزم امریکا و شرکای ناتوی این کشور آنرا پیوسته نادیده می‌انگارند، دال بر توجه جدی شما به امر صلح و همزیستی مسالمت آمیز در اروپا و جهان است.

باید تأکید کرد که در این مدت زمان از لحاظ تاریخی کوتاه، در نتیجه کار عظیم و خلاقانه صلح‌آمیز دولت جمهوری دموکراتیک آلمان به رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان این نخستین دولت صلح‌دوست که در سرزمین آن، نسلی کاملاً نوین از

حزب ما آموزش ایدئولوژی طبقه کارگر را وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میدانم.

زنان و مردان که تمام انرژی و توان خویش را وقف آرمان‌های ساختمان سوسیالیسم و صلح نموده اند، رشد یافته است.

نابودی هیولای مهیب فاشیسم توسط ارتش قهرمان آزادی بخشی اتحاد شوروی که زحمتکشان کشور ما آنرا به دیده سپاس بیکران می‌نگرند، این امکان عظیم تاریخی را فراهم نمود تا زحمتکشان آلمان دموکراتیک سنگ بنای جامعه سوسیالیستی را که پروسه رشد و تکامل خود را می‌پیماید، نهاده بتوانند.

در تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان، طبقه کارگر آلمان دموکراتیک در اتحاد با دهقانان، روشنفکران مترقی و دیگر زحمتکشان در یک پروسه واحد انقلابی تحولات دموکراتیک ضد فاشیستی را تحقق بخشیده، انقلاب سوسیالیستی را در جمهوری دموکراتیک آلمان به پیروزی رسانید.

در راه پرافتخار ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی و کمونیستی، کنگره دهم حزب سوسیالیست متحده آلمان که پروگرام وسیع ساختمان اقتصادی و اجتماعی را به تصویب رسانیده، ارزش به سزایی دارد.

تاریخ موجودیت سوسیالیسم به مثابه یک سیستم جهانی به صراحت نشان می‌دهد که نقش زحمتکشان آلمان دموکراتیک در کنار کشور بزرگ شوراهای که وزنه اساسی را در امر نابودی فاشیسم به عهده داشت، بزرگ و شایسته است. بشریت صلح‌دوست به این نقش بزرگ تاریخی شما پیوسته به دیده احترام مینگرد. اکنون سیاست خارجی صلح آلمان دموکراتیک و دیگر کشورهای سوسیالیستی، صلحی که تمام جهانیان مساویانه به آن نیاز دارند، از پرستیژ بزرگ برخوردار است.

پیشنهادها و ابتکارات صلح اتحاد شوروی مصوب کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه تأمین صلح در اروپا و جهان مورد تأیید جدی ماست و آنرا یگانه‌ترین تأمین و حفظ صلح جهانی می‌دانیم. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی ما هم‌زمان با ارج نهادن به این سیاست، افتخار دارد که در صف واحد نیروهای صلح و ترقی اجتماعی که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد، در راه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، خلع سلاح، تعمیق دیتانت و کاهش تنش بین‌المللی و علیه جنگ، امپریالیسم، صهیونیسم، استعمار نو، راسیسم و هژمونیسم، قاطعانه می‌رزمند، کشور ما افتخار دارد که نقش خویش را به عنوان یک کشور صلح‌دوست و انقلابی ایفا می‌کند.

رفقای محترم!

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در نگرانی شما و دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای صلح‌دوست جهان به خاطر سیاست ماجراجویانه حکومت واشنگتن و متحدین پیمان تجاوزگر ناتوی آن

شریک است. پروگرام حکومت ریگن مبنی بر تمرکز و جابجا کردن راکت‌های هستوی یا منزل مؤثر متوسط و اسلحه مرگبار کیمیاوی امریکایی در اروپا و رجزخوانی غیرمسئولانه کشورهای غربی از «جنگ محدود هستوی» در اروپا خطری برای صلح جهانی است. ما این برنامه‌های ماجراجویانه را تقبیح می‌کنیم.

باید تأکید کرد که تشکیل قوای ثمر کز سریع بحریه پنجم امریکا، نظامی ساختن بیشتر بحر هند و توسعه شبکه پایگاه‌های نظامی در حوزه خلیج و شاخ افریقا همه و همه حلقه‌های سیاهی از یک زنجیر وسیع توطئه امپریالیستی علیه نیروهای صلح است، باید به این برنامه‌های خطرناک پایان داده شود، جنبش عظیم صلح در اروپا و اعتراضات عظیم مردم آسیا، آفریقا و امریکای لاتین همه بیان مخالفت آشکار مردمان و کشورهای این قاره‌ها در مورد برنامه‌های حکومت و اشنگتن است. به همین گونه تحریکات و مداخلات امپریالیستی در قاره آفریقا و حمایت امپریالیزم بین‌المللی از رژیم نژادپرست پرتوریا، نادیده انگاشتن خواست عادلانه نامیبیا برای تعیین سرنوشت و حمایت از دیکتاتورهای فاشیستی خونین امریکای لاتین و مداخله امریکا در امور داخلی کشورهای امریکای مرکزی و حوزه کارابین، پشتیبانی، سهم‌گیری عملی ایالات متحده امریکا در تجاوزات بیهم صهیونیست‌های اسرائیلی علیه کشور مستقل لبنان و مهاجرین فلسطین، ادامه تسلط رژیم اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی عرب و سنگ اندازی خاینانه در برابر حق تعیین سرنوشت برای مردم فلسطین و تأسیس دولت مستقل دموکراتیک فلسطین، به مبارزه طلبیدن آشکار افکار عامه جهان است که به طور قطع خواستار پایان دادن فوری آن اند.

با تأکید ابراز می‌داریم که باید مداخله امپریالیستی در امور داخلی پولند سوسیالیستی قطع گردد. ما عمیقاً معتقد هستیم که رهبری حزب متحده کارگری پولند و جمهوری مردم پولند توانسته و می‌توانند مشکلات موجود را بر طرف کنند. ما از تمامی اقدامات حزب متحد کارگری پولند و جمهوری مردمی پولند تحت رهبری رفیق گرامی یاروزلسکی قاطعانه پشتیبانی نموده آنرا تأیید می‌داریم.

اوضاع در منطقه جنوب و جنوب غرب آسیا وضع بهتری از سایر نقاط منشعب جهان ندارد.

تسلیح خطرناک رژیم نظامیگر پاکستان که تهدید مستقیم به حاکمیت و استقلال ملی کشورهای همجوار آن است ادامه دارد. جنگ اعلان نشده امپریالیزم بین‌المللی به سرکردگی امپریالیزم ایالات متحده امریکا و هژمونیت‌های چین، ارتجاع عرب و ارتجاع منطقه که از قلمرو پاکستان به مثابه نخته خیز تجاوز و مداخله نظامی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان استفاده می‌کند، وضع را خطرناکتر نموده است. ما یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که ادامه وضع موجود به هیچ صورت با منافع صلح و امنیت در منطقه و جهان سازگار نیست. در زمینه رفع این حالت باید تأکید نماییم که

حزب ما آموزش ایدئولوژی طبقه کارگر را وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میداند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان بر پایه پیشنهادهای مؤرخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست چار اگست ۱۹۸۱ خویش که از محتوای غنی پیشنهادهای واقعینانه مشخص و عملی برخوردار است پروبلم‌ها و قضایای منطقه راحل و فصل می‌کند. بر زمامداران مسؤول کشورهای همسایه است تا به ندای صلح‌جویانه ما پاسخ مشخص و مثبت ارائه دارند.

رفقای محترم!

بازدید از کشور زیبای جمهوری دموکراتیک آلمان، نخستین دولت کارگری دهقانی در سرزمین آلمان و تبادل تجارب و آشنایی با کار عظیم حزب سوسیالیست متحده آلمان ما را در امر ساختمان جامعه نوین فراوان کمک خواهد کرد. پیروزی‌های شما بدون تردید می‌تواند منبع الهام عظیم برای ما باشد. پیروزی‌های عظیم و عظیمتری برای کشور شما تحت رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان و شخص شما رفیق گرامی اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه آرزو می‌نمایم.

زنده باد دوستی خدشه ناپذیر و برادرانه جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان!

زنده باد صلح در سراسر جهان!

بیاتیه هنگام ملاقات با محصلان افغانی مکتب حزبی شهر پوتسدام ج.د. آلمان ۳۰
ثور ۱۳۶۱

حزب ما آموزش ایدیولوژی طبقه کارگر را وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میداند

رفقا و دوستان عزیز!

اجازه بدهید، نخست درودهای گرم خویش و هیات همراهانم را به شما رفقای عزیز که در آینده مسؤولیت‌های بزرگ را در جبهه مبارزه ایدیولوژیک به عهده خواهید داشت، ابراز بدارم.

ما با علاقه و آفری که ناشی از توجه عمیق حزب ما به مسایل ایدیولوژی و پرورش کادرهای آینده در این زمینه می‌باشد، به دیدن این مکتب عالی آموزش اندیشه‌های پیشرو عصر خود آمده ایم.

حزب ما به همان اندازه‌یی که به مسئله تأمین کار، مسکن، نان، لباس و صحت برای مردم عزابند کشور ما اهمیت قایل است، به مسئله کار وسیع فرهنگی و ایدیولوژیک در میان توده‌های مردم و بالنتیجه پرورش آنان با فرهنگ نوین انقلابی که متکی بر ایدیولوژی پیشرو عصر ما باشد، توجه لازم را همواره مبذول داشته در آینده هم از طریق این مأمول عدول نخواهد ورزید.

حزب ما در طول موجودیت خویش به مسئله پرورش کادرهای فعال حزبی که به ایدیولوژی طبقه کارگر مسلط باشد، جداً توجه داشته و در این زمینه به ابتکارات و مساعی لازم نیز متوسل گردیده است. ما حتی در شرایط تسلط رژیم‌های جبار گذشته، تدویر کورس‌های آموزشی اندیشه‌های پیشرو عصر خود را به مثابه وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تلقی نموده ایم.

امروز که حزب ما در جامعه میل به حزب حاکم گردیده خود را موظف می‌دانیم و همچنان در نظر داریم تا کار در زمینه پرورش کادرهای ایدیولوژیک را توسعه دهیم و موجودیت عدیمی از رفقای ما در این مکتب عالی نمونیمی ازین توجه حزب ما می‌باشد. در اینجا لازم میدانم مراتب تشکرات عمیق حزب و مردم ما را از حزب سوسیالیست متحده آلمان و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان به خاطر پذیرش همه ساله رفقای ما در مکاتب عالی آموزشی حزبی ابراز بدارم.

حزب ما در کشور بانی جنبش نوین سیاسی و فرهنگی بوده و امروز با امکانات گسترده‌یی که در اثر پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله

نویس آن در کشور به وجود آمده است این جنبش را وسعت، عنا و تحکیم بیشتر خواهیم بخشید و در کشور ما که راه انقلابی و نوسازی در پیش گرفته شده است، محافل ارتجاعی و باند‌های ضدانقلابی که ممثل اراده و مجری سبایس امپریالیزم و هژمونیزم در زمینه ادامه جنگ اعلان نشده علیه انقلاب و مردم ما می باشند، در برابر تحولات انقلابی دست به مقاومت لجوجانه می‌زنند.

ضدانقلاب که خود فاقد برنامه مشخص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میباشند، به پیروزی از آمال امپریالیزم مبنی بر ایجاد موانع بر سر راه رشد پروسه انقلابی در کشور ما به خرابکاری و دهشت افگنی سیاه کارانه و کور می پردازد.

ضدانقلاب با وحشت و بی‌رحمی خاصی به خرابکاری علیه بهترین مظاهر فرهنگ ملی ما می پردازد. ولی انقلاب ما با اتکاء به نیروی لایزال نوده‌های مردم، زیباترین فراورده‌های فرهنگی را ایجاد نموده عالیترین نوع مناسبات نوین انسانی را در جامعه برقرار می‌سازد. ما به شما رفقا و دوستان اطمینان می‌دهیم که افغانستان انقلابی بیباک و هوشیارانه در راه ساختمان جامعه نوین انسانی که در تاریخ کشور ما سابقه نداشته است، به پیش می‌رود. ما در این راه تجارب غنی کشور های برادر سوسیالیستی منجمله کشور پرافتخار آلمان دموکراتیک را به کار بسته از کمک‌های همه جانبه و بزرگ آنان برخوردار هستیم. در واقع در قبال کشور ما عالیترین نمونه دوستی طراز نوین برادرانه که مبتنی بر انترناسیونالیزم پرولتری می‌باشد از جانب کشورهای برادر سوسیالیستی تبارز نموده است.

به شما کادرهای ایدیولوژیک بهتر معلوم است که امپریالیزم با چه سببیتی و با استفاده از چه امکانات ناجایزی یا در گلوی خلق‌ها می‌گذارد تا منافع مشتی از انحصارات غارتگر را حراست نموده باشد. با در نظر داشت همین واقعیت انکار ناپذیر باید بدانید که اگر کمک به موقع و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به مردم ما جهت طرد و دفع تجاوز ندارک دیده شده ارتجاع و امپریالیزم و هژمونیزم نمی‌بود، امروز افغانستان در قعر بدبختی‌ها و در دامن پلید امپریالیزم امریکا یا هزاران رنج و محنت، با سرنوشت شومی دست و گریبان می‌بود. بیجا نیست که ما نسبت به همه کشورهای برادر سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی بزرگ سپاس بیکرانه در قلب خود داریم.

امروز افغانستان، پیروزمندانه در راه پیشرفت، صلح و همبستگی با تمام خلق‌های جهان با اردوگاه صلح و سوسیالیزم، با جنبش جهانی طبقه کارگر و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به پیش می‌رود و نقش آن به مثابه منبع امید و الهام در قلوب همه زحمتکشان منطقه ما بیشتر از پیش تثبیت و تحکیم گردیده پرستیژ بین‌المللی آن اعتلا می‌یابد.

تدویر کنفرانس سرتاسری حزب ما در این اواخر که راه‌های علمی ساختمان جامعه

حزب ما آموزش ایدئولوژی طبقه کارگر را وظیفه جدی و تأخیر ناپذیر تمام اعضای خود میدانم.

نوبین راطی سال‌های بعدی در کشور ما مطرح می‌سازد؛ نمونه‌یی ازین کوشش مسوولان حزب ما به خاطر مردم می‌باشد. کنفرانس سرتاسری نشان داد که حزب ما به درجه مطلوبی از رشد و پخته‌گی سیاسی و ایدئولوژیک و وحدت صفوف خویش نایل آمده و قادر است با درایت و هوشیاری نقش رهبری کننده خود را در جامعه ایفا نماید.

اما از دیدار دوستانه خویش از کشور پرافتخار آلمان سوسیالیستی و از مهمان‌نوازی های مردم این کشور و سخنان گرم رفیق اریش هو نیکر و سایر رفقا خاطرات نیک و خوش فراوان را با خود می‌پریم دیدار از مکتب عالی حزبی که تحصیل در آن آرزوی همه کادرهای انقلابی واقعی است، خاطرات خوش ما را ازین سفر رنگینتر خواهد ساخت.

رفقا!

اجازه بدهید، برای همه شما موفقیت در کار، تحصیل و زندگی پرافتخار انقلابی تان آرزو نمایم به پیروزی از آن ماست!

بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج.د.آلمان ۲ جوزای ۱۳۶۱

روابط دوستی و برادری میان مردم افغانستان انقلابی و مردم جمهوری دموکراتیک آلمان تحکیم می‌یابد

مردم زحمتکش و نجیب کشور برادر جمهوری دموکراتیک آلمان، رفقا و دوستان! نخست از همه اجازه دهید، دروذهای پرشور و صمیمانه خلق‌های زحمتکش افغانستان انقلابی، تمام اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما تقدیم دارم.

روابط دوستی و برادری خدشه‌ناپذیر میان مردم، کشورها و احزاب ما که با پیروزی انقلاب شور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردید، اکنون در عالیترین سطح کیفی خود بر پایه انترناسیونالیزم پرولتاری ارتقا نموده است که این امر باعث مباهات عظیم ماست. بازدید هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از کشور زیبا و پرافتخار شما، ملاقات‌ها و مذاکرات با رفیق محترم ایش هونیکر و سایر رهبران جمهوری دموکراتیک آلمان، گام مهم و بزرگ در رشد مناسبات دوستی و برادرانه ما بود. امضای قرارداد دوستی و همکاری و سایر اسناد، بنای مستحکم و نیرومند را برای رشد آتی مناسبات به وجود آورد.

مردم زحمتکش افغانستان انقلابی بر تاریخ عنی، جنبش‌های انقلابی و بالاخره کار و مبارزه خستگی‌ناپذیر زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در جهت ایجاد اقتصاد سوسیالیستی که توأم با از بین بردن نشواری‌های عظیم بود، به خوبی آگاهی دارند.

در طی سی و سه سال که از ایجاد جمهوری دموکراتیک آلمان، این نخستین دولت کارگری، دهقانی در سرزمین آلمان میگذرد، نه تنها چرخش اساسی در سرنوشت تاریخی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان پدیدار گردید، بلکه تمام فضای سیاسی را در اروپای مرکزی در جهت صلح و امنیت در اروپا و جهان تغییر داد. در این مدت زمان از لحاظ تاریخی کوتاه، جمهوری دموکراتیک آلمان به کشور نیرومند سوسیالیستی مبدل گردیده است.

ما در ظرف شش روز اقامت در جمهوری دموکراتیک آلمان به رای‌العین دیدیم که مردم جمهوری دموکراتیک آلمان به چه پیروزی‌های بزرگ در عرصه‌های صنعت، زراعت و فرهنگ نایل شده است. ما این واقعیت عینی و انکارناپذیر را در کمیته‌های مؤثر سازی «لودویگر فیلد» در کوپراتیف زراعتی در ایالت ایرفورث و در مرکز تحقیقاتی تاریخی ادبیات کلاسیک آلمان، ضمن بازدید از خانه‌های دهقانی و عبور از جاده‌ها و در استقبال گرم مردم مهمان‌نواز برادر آلمان دموکراتیک از هیات حزبی و دولتی افغانستان مشاهده نمودیم. ما از یک طرف با یکی از آثار تراژیدی بزرگ خلق آلمان یعنی تسلط فاشیسم در برخن و والد آشنا شدیم و از جانب دیگر ایجاد زندگی نوین بر خرابه‌های امپراطوری‌های گذشته را در برلین، پوتسدام و ایرفورث بچشم سر دیدیم. همه اینها شاهد حواث عظیم در تاریخ بشریت است که آینده اروپا و جهان را بعد از جنگ خانمانسوز جهانی دوم تعیین نموده. ما از سرحدات مستحکم صلح و سوسیالیسم بازدید به عمل آوردیم و یک بار دیگر بیش از پیش معتقد شدیم که آلمان دموکراتیک در خط مقدم دفاع از صلح و امنیت در اروپا قرار دارد.

ما معتقدیم که همه پیروزی‌های بزرگ تنها در نتیجه رهبری خردمندانانه حزب سوسیالیست متحده آلمان می‌توانست به دست آید. ما به این دستاوردهای بزرگ کارخلاقانه شما ارج فراوان قایل هستیم. ما برآنیم که این مساعی بزرگ شما با امر تأمین صلح پیوند ناگسستنی دارد زیرا صلح و سوسیالیسم با هم پیوند سرشتی دارند و از هم تفکیک‌ناپذیر اند.

رفقا و دوستان محترم! اوضاع اروپا در نتیجه برنامه‌های حکومت ایالات متحده امریکا به تشنج گراییده است. تصمیم مبنی بر جابجا کردن راکت‌های امریکایی با منزل مؤثر متوسط در قاره اروپا با پروسه صلح در اروپا و جهان به طور قطع در تضاد است و ما قاطعانه آنرا تقبیح می‌نماییم.

مسئله تأمین صلح و امنیت در اروپا و جهان مسئله مبرم و حیاتی است. برای تأمین این امر پیشنهادها و ابتکارات اتحادشوروی را یگانه‌الترناتیف می‌دانیم و از آن قاطعانه پشتیبانی می‌کنیم. نقش جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح در زمینه تأمین صلح، خلع سلاح و تعمیق دینانته بزرگ است.

رفقا و دوستان محترم!

جمهوری دموکراتیک آلمان بر پایه سیاست انترناسیونالیستی پرولتری، از انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن از نظر مادی و معنوی پشتیبانی نموده و مردم زحمتکش افغانستان را در امر غلبه بر مشکلات کمک کرده است. ما به این امر ارج فراوان قایل هستیم و در وجود جمهوری دموکراتیک آلمان دوست و هم‌رزم مطمئن خود را می‌بینیم. با اطمینان می‌توان گفت که این دوستی بزرگ مردمان،

احزاب و کشورهای ما اکنون در عالیترین شکل برادری طراز نوین ارتقا نموده است.

رفقا و دوستان عزیز!

همانگونه که اطلاع دارید، امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم ایالات متحده آمریکا با شرکای بین‌المللی خود هژمونیت‌های چین، ارتجاع عرب و منطقه، جنگ اعلان نشده را، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه می‌دهد. با استفاده از قلمرو پاکستان به مثابه تخته خیر تجاوز و مداخله نظامی و تسلیح و تمویل ضدانقلاب افغانستان، تلاش دارد از یکطرف اوضاع منطقه را در حالت تشنج حفظ کند و از جانب دیگر در برابر رشد عادی پروسه انقلابی کشور ما موانع ایجاد نماید.

در مرکز فعالیت‌های ضدانقلابیون برهم زدن زندگی آرام مردم صلح‌دوست ما، آتش سوزی مؤسسات فرهنگی، مساجد، شفاخانه‌ها، قتل بی‌رحمانه زنان، پیر مردان و اطفال معصوم ما و غارت ثروت‌های علمی و فرهنگی ما و دیگر جنایات و غارتگری‌های ضد انسانی قرار دارد. علت این فعالیت‌های ضد انسانی کاملاً روشن است، زیرا پیروزی انقلاب شور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حاکمیت طبقات استثمارگر را سرنگون ساخت و منافع اربابان امپریالیستی آنها را با خاک یکسان کرد.

انقلاب شور که حلول مرحله نوین در تاریخ کهنسال وطن ماست، امکانات عظیم سهمگیری هموطنان رحمتکش و عذابیده ما را در امر ساختمان جامعه نوین که در متن آن خوشبختی و سعادت آنها قرار دارد فراهم نمود. از بدو پیروزی انقلاب، حزب و دولت انقلابی ما پروگرام وسیع تحولات ملی و دموکراتیک را به منصفه اجرا گذاشت که در نتیجه آن به تسلط مناسبات کهنه فیودالی و ماقبل فیودالی پایان داده شد. پروسه سهمگیری مردم در حیات اجتماعی به صورت دامنه داری گسترش یافته است. مردم ما اکنون از طریق جبهه ملی پدروطن که به مثابه نکیه گاه اجتماعی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان عمل می‌کند، در پروسه تحقق پروگرام‌های حزب و دولت انقلابی مشارکت می‌کنند.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در ماه مارچ سال جاری برگزار شد، مصوبات پر ارزش آن صفحه نوین دیگری را در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما گشوده است. ما اکنون با گام‌های مطمئن و سنجیده و احتراز از هرگونه شتاب در کشاندن پروسه دگرگونی انقلابی جامعه ما به سوی تحقق «برنامه عمل» که کنفرانس سرتاسری حزب ما آنرا تصویب نمود، به پیش می‌رویم.

پیروزی‌های حاصله مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به

درستی نشان می‌دهد که انقلاب ما می‌تواند از خود قاطعانه دفاع کند. این پروسه هر روز نسبت به روز پیش ابعاد دامنه دار تر کسب می‌کند. اما اکنون در شرایطی که با جنگی اعلان نشده امپریالیزم و ارتجاع مواجه هستیم، با کار خستگی‌ناپذیر در جهت ساختمان جامعه نوین که مسئله ارتقای سطح حیات مادی و فرهنگی زحمتکشان وطن ما در مرکز آن قرار دارد، قهرمانان ناهیکار می‌نه‌ایم.

در این مبارزه که از پشتیبانی عظیم توده‌های زحمتکش کشور ما برخورداریم، همبستگی بیکارجویانه بین‌المللی کشور شما جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و در قدم اول اتحاد شوروی، جنبش بین‌المللی طبقه کارگر، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در سه قاره آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را با خود داریم که نقش بزرگ را در تضمین وصیانت دستاوردهای انقلاب ثور ایفا می‌کند.

در خاتمه با استفاده از این فرصت بزرگ درودهای بی‌پایان و سلام‌های صمیمانه مردم زحمتکش افغانستان انقلابی، شخص خود و رفق‌های ما را به شما مردم صلح‌دوست جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم نموده پیروزی‌های بزرگ شما را در امر تکامل جامعه رشد یافته سوسیالیستی، آرزو مینمایم.

مستحکم باد پیوندهای عمیق دوستی میان مردم صلح‌دوست افغانستان انقلابی و آلمان دموکراتیک!

در باره وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها ۵ اسد ۱۳۶۱

گزارش در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفقا!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در ماه حوت سال گذشته دایر گردید، حادثه بس مهم و برجسته در تاریخ حزب، جامعه و دولت ما بود.

در تصامیم کنفرانس، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد مصوبه، تحلیل همه جانبه و عمیق از مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک به عمل آمده، تدابیر لازم جهت سرکوبی ضدانقلاب تعیین گردیده و وظایف عمده رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان، ارتقای سطح زنده‌گی مادی و فرهنگی مردم، تحکیم بیشتر وحدت حزب و افزایش نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت طرح و تدوین شده است. کنفرانس سرتاسری حزب، تجربه فعالیت ایدئولوژیک سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در مرحله نوین انقلاب تعمیم بخشیده، هم جهات مثبت و نیرومند آن و هم نقایص آن را خاطر نشان ساخت.

در طی مدتی که از کنفرانس سپری شده در سازمان‌های حزبی جلسات و گردهمایی‌های متعدد اعضا و فعالین حزبی تشکیل گردیده که در آنها فیصله‌های کنفرانس مورد غور و ارزیابی قرار گرفته است. اعضای حزب نتایج کار کنفرانس را عالی ارزیابی می‌کنند و پیشنهادهای و نظریات خود را جهت تحقق بخشیدن سریع فیصله‌های آن و بهبود کار سیاسی در میان توده‌های مردم به مثابه یکی از شرایط عمده پیشروی موفقانه ما مطرح می‌سازند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با قایل بودن اهمیت در چه یک به این امر، تصمیم گرفت تا در این پلینوم مسئله «وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها» را جهت بررسی، طرح نماید. ضمن باید خاطر نشان ساخت که اتخاذ این تصمیم بر مبنای یک سلسله احکام اصولی تیوری پیشرو انقلابی که رهنمای عمل ماست، تجربه روند انقلابی جهان و واقعیت انقلابی موجود افغانستان استوار است.

بدیهی است که وظیفه جلب توده‌های مردم، پیشبرد کار فعال و دایمی در میان آنها از خصلت حزب واقعاً انقلابی ناشی می‌گردد. زیرا چنین حزبی اراده و خواست توده‌ها و منافع اساسی آنان را به شکل تمرکز یافته منعکس می‌سازد. بنابر همین خصوصیات نیز است که چنین حزبی می‌تواند پیشاهنگ و رهبر سیاسی مردم باشد.

احزاب طراز نوین بنا بر اعتماد، خوشبینی و پشتیبانی فعال توده‌ها، نیرومند و پرتوان اند و همین امر نیز ضامن همه پیروزی‌ها و موفقیت‌های آنها به شمار می‌رود.

آیا تجربه حزب بزرگ کمونیست اتحاد شوروی که بر توده‌های وسیع مردم اتکاء داشت و در پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات تاریخ خویش به برکت پشتیبانی و فداکاری همین توده‌های مردم پیروزی را کسب نمود، مؤید این حرف نیست؟ و آیا مثال حزب کمونیست ویتنام حاکی از حقانیت این نتیجه‌گیری نیست؟

تنها پشتیبانی توده‌ها به این حزب، کمک نمود تا نیروهای به مراتب بزرگتر، نخست فرانسوی‌ها امریکایی‌ها را باشکست کامل مواجه سازد و تا اکنون با موفقیت در برابر سیاست تجاوزگرانه هژمونیست‌های پیکنگ مقاومت نماید. تاریخ و زمان معاصر مثال‌های زیادی از اینگونه را نشان می‌دهد.

اما جانب دیگر پروبلم «حزب و توده‌ها» نیز وجود دارد که باید آن را برای همیشه در نظر داشته باشیم، حرف برسر اینست که اعتماد، خوشبینی و پشتیبانی توده‌ها از حزب انقلابی حاکم به یک بارمگی و برای همیشه به دست نمی‌آید. حزب موظف است تا هر روز سزاوار بودن و شایستگی خود را برای این اعتماد مردم ثابت سازد. اگر حزب خود برای توسعه و تقویت پایه اجتماعی خویش و بهبود هرچه بیشتر کار سازمانی و سیاسی در میان توده‌ها سعی نکند، از پشتیبانی آنان محروم خواهد شد. در آن صورت حزب نمی‌تواند پیروز گردد، رسالت تاریخی خود را انجام دهد و آرزوها و خواست‌های مردم را برآورده سازد.

رفقا!

ناید فراموش کرد که در تاریخ جنبش‌های انقلابی جهان از اینگونه مثال‌ها فراوان وجود دارد. ما باید از آنها نتیجه‌گیری نماییم و همیشه به یاد داشته باشیم که قابلیت و قادر بودن حزب برای کار در میان توده‌ها یکی از مهمترین معیارهای جدی بودن و احساس مسؤلیت حزب و مهمترین شرط پیروزی نهایی آنهاست.

رفقا!

به من اجازه دهید، تا با قوت تمام خاطر نشان سازم که این امر برای ما اعضای حزب و انقلابیون افغانستان اهمیت استثنایی و فوق‌العاده دارد. به ارتباط آنکه چگونه انقلاب ثور پیروز گردید یک بار دیگر حقانیت این حرف‌های رهبر زحمتکشان جهان به اثبات میرسد که میگفت:

«در شرایط معین و در صورت اوضاع و احوال مساعد (چنانکه هفتم ثور در کشور بود) حزب کاملاً کوچک کافی است تا توده‌های مردم را به دنبال خویش بکشاند. در لحظات معین احتیاجی به سازمان‌های بزرگ نیست. اما برای پیروزی هوا داری

توده‌ها را باید با خود داشت.» با عور و تفکر عمیق بر این حرف‌ها ما حوادث گذشته نزدیک خود را بهتر درک می‌نماییم.

به یاد بیاورید که در نخستین روزهای انقلاب، کابل و سراسر کشور چگونه سرشار از شور و هیجان مردم بود. به یاد بیاورید که چه فضای فراموش ناشدنی و پر از سرور و امیدواری در کوچه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و در خانواده‌های انسان ساده هموطن ما حکمفر ما بود.

چنین اوضاع از آن سبب به وجود آمد که مردم ما از دیر زمانی منتظر و خواهان تغییرات بودند و احساس می‌نمودند که مبارزات حزب ما به خاطر این تحولات بوده است.

چنین برخورد مردم باعث پیروزی انقلاب ثور گردید. اما برای اداره کشور و تحقق تحولاتی که مردم از دیر زمان بر حق انتظار آنرا دارند پشتیبانی دایمی، زنده و فعال توده‌های وسیع بر اساس درک اهداف و سیاست ما ضرور است.

ولی این امر، کار پیگیر، مصرانه و دقیق در میان توده‌ها را میطلبد. حزب باید به زحمتکشان باز هم نزدیکتر گردد. باید فعالیت حزب عمیقاً به توده‌ها تفهیم گردد.

تنها در این صورت حزب موکراتیک خلق افغانستان می‌تواند امر پیشرفت بعدی مردم ما را رهبری کند. باز هم به حرف‌های رهبر زحمتکشان جهان مراجعه می‌نماییم که خاطر نشان می‌ساخت:

«حزب انقلابی باید تمام فعالیت خود را در میان توده‌ها پیش ببرد. از میان توده‌ها بلا استثنا بهترین نیروها را جلب نماید و در هر گام با دقت و به طور عینی امتحان نماید که آیا رابطه با توده‌ها حفظ شده و این رابطه زنده است یا خیر؟»

ما نمی‌توانیم هیچ یک از مسائلی را که در برابر ما قرار دارد، چه این مسائل بین‌المللی و نظامی و چه مسائل اقتصادی و اجتماعی و یا فرهنگی باشد، بدون پشتیبانی توده‌ها حل نماییم.

عواملی که تقویت کار سیاسی را در میان توده‌ها ضرور می‌سازد عبارت انداز:

۱ - انقلاب ما در شرایط عقبماندگی شدید رخ داده است و لازم می‌افتند تا در جریان تحولات انقلابی اضافه بر پروبلم‌های عام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و معضلات مذهبی، قومی، قبیله‌ای و غیره نیز حل گردند.

تعدد بیش از حد پروبلم‌ها ضرورت اشتراک وسیع‌تر توده‌های مردم را در حل آنها به وجود می‌آورد. بر علاوه توده‌ها باید از لحاظ سیاسی آگاه و از لحاظ سازمانی تربیت یافته باشند.

۲- جامعه ما از لحاظ اجتماعی غیرمتجانس بوده و در آن مبارزه بسیار حاد طبقاتی در جریان است. این وضع جلب همه رُحمنکشان و توده‌های وسیع مردم را به طرف حزب و انقلاب می‌طلبد.

۳- انقلاب در شرایط پیچیده بین‌المللی و داخلی تکامل می‌یابد. ضدانقلاب، ارنجاج منطقه و امپریالیزم اوضاع متشنج سیاسی و نظامی را در افغانستان و در پیرامون آن ایجاد نموده اند که این وضع خواهان حکیم باز هم بیشتر وحدت ملی و وطنپرستانه و اتحاد تمام مردم به دور حزب است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در فعالیت پراتیک خود همه این اوضاع و احوال را در نظر داشته و مشی آگاهانه تقویت وحدت و هماهنگی فعالیت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و تربیتی و ارتقای مؤثریت تمام جهات مبارزه و کار را پیش می‌برد.

در نظر گرفتن و تعمیم همه جانبه تجارب نوین اجتماعی و تحلیل همیشه‌گی نیازمندی‌های مبرم مادی و معنوی تکامل جامعه، اساس و مبنای کار ایدیولوژیک، نیوریک و کار عملی حزب را تشکیل می‌دهد.

در این امر، تمایل و مساعی حزب برای به کار بستن خلاق تیوری انقلابی در شرایط مشخص کشور و انقلاب ما منعکس می‌گردد.

اکنون برخی از جنبه‌های اوضاع موجود و بیش از همه وضع نظامی و سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

به برکت تدابیری که اتخاذ شده، باندهای بزرگ سرکوب و بسیاری از مناطق کشور از وجود شان پاك گردیده است. در اردوگاه خود دشمنان نیز شکست به مشاهده می‌رسد. تعداد زیادی از سرکردمگان باندها برای مذاکره به نماینده‌گان دولت انقلابی مراجعه نموده و از مخاصمت مسلحانه علیه دولت دست می‌کشند. صدها نفر از اشرار با درک این واقعیت که آنها فریب خورده اند می‌خواهند به آغوش خانواده‌ها و به کار صلح‌آمیز باز گردند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی از تصمیم چنین افراد استقبال می‌نمایند. از همین جهت نیز فرمان عفو چنین افراد نافذ گردید. اما فاکت‌ها نشان می‌دهد که در موارد زیادی محتوای این فرمان به گوش افراد مربوط نرسیده است. آیا ماهمه کارهای لازم را انجام داده ایم تا حقیقت این فرمان و موقف حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این مسئله مهم برای افراد فریب خورده و گمراه که در باندها تعداد شان کم نیست واضح و روشن گردد؟ و آیا کار لازم توضیحی در قراء و دیگر نقاط مسکونی، جایی که وابسته گان و خویشاوندان این عناصر وجود دارند و می‌توانند درباره شرایط دولت انقلابی با آنان صحبت نمایند

صورت گرفته است یا نه؟ از همه این امکانات در محلات باید استفاده وسیع‌تر نمود و کار توضیحی را قوی‌تر و فعالتر به پیش برد.

توده‌ها هر قدر نتایج و ثمرات واقعی این سیاست و مواظبت و توجه حزب و دولت را نسبت به خود سریعتر و زودتر احساس نمایند به همان اندازه سیاست ما را خوبتر و بهتر درک نموده، خواهند پذیرفت.

باید ضربات خود را بر دشمنان تشدید بخشید. موفقیت‌های حاصله را تحکیم و توسعه داد و آن را قطعی و برگشتناپذیر ساخت. همه اینها با تحکیم بیشتر نیروهای مسلح ما، تأمین و اكمال آن از لحاظ تعداد افراد شایسته، ارتقای مورال جنگی و آگاهی سیاسی سربازان، خردضابطان و افسران ارتباط مستقیم و ناگسستنی دارد.

اکنون به بررسی وضع اقتصادی می‌پردازیم. علی‌الرعم دشواری‌های ناشی از فعالیت ضد انقلاب، در رشد اقتصادی کشور نتایج معین مثبت وجود دارد. مثلاً در سال ۱۳۶۰ درآمد تولید شده ملی به اندازه سه اعشاریه چار فیصد نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و رقم نود و چهار اعشاریه سه ملیارد افغانی را تشکیل میداد. مؤسسات و پروژه‌های جدید در ساحة صنایع گاز و موادغذایی و مخابرات، انرژی و صحت عامه به فعالیت آغاز نموده و مؤسسات بزرگ چون فابریکه کود کیمیای مزارشریف، خانه سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، فابریکه‌های نان پزی و غیره بهتر و با ثبات بیشتر کار می‌کنند. تولید انرژی برق، زغال، سمنت، مواد ساختمانی و انواع دیگر محصولات افزایش یافته است.

تحلیل اجرای پلان سال ۱۳۶۰ نشان می‌دهد که جریان کاهش حجم تولید محصول ناخالص ملی که در سال‌های گذشته به مشاهده می‌رسید قطع گردیده است.

باید متذکر شد که تجدید ساختمان ارگان‌های اداره دولتی تحقق می‌پذیرد. سطح رهبری رشته‌های اقتصادی ارتقا می‌یابد.

پلان‌گذاری بهبود حاصل می‌کند. کنترل بر فعالیت وزرات‌ها و ادارات در امر اجرای پلان رشد اقتصادی کشور و تصامیم حزب و حکومت تقویت یافته است. سیاست عمومی اقتصادی حزب در برنامه عمل، توضیح شده است. ما پلان‌های سالانه سنجیده شده و واقعیت‌نمایی برای رشد اقتصاد کشور به‌طور کل داریم و اکنون پلان‌های کمیلکسی برای هر ولایت که تدابیر معینی را در عرص اقتصادی نیز در برمی‌گیرد وجود دارد. به این ترتیب برای همه باید واضح باشد که چه کارهایی را انجام دهند. اکنون وظیفه اینست که تمام میکانیزم اداره دولتی وزرات‌ها، ادارات، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و بالاخره سراسر حزب به‌طور پیگیر، مصمم و استوار در راه تحقق عملی اهداف مطروحه و حصول نتایج لازم سعی و تلاش نمایند. ما همه باید کار را بیاموزیم، در وجود خود تحمل ناپذیری و آشتی ناپذیری نسبت به

مظاهر بیروکراتیزم و پراکنده‌گی، بی انضباطی، اسراف، بی‌تفاوتی و بیکارگی را که مناسبانه هنوز هم دیده می‌شود، پرورش دهیم. گرچه همه این معایب مولود نظام‌های گذشته استعماری می‌باشد، اما بقایای آن هنوز هم در ذهن بخشی از کارمندان قویا زنده است.

سرشت انقلاب، حزب و دولت ما با این امراض سازگار نیست. آن مسؤولیت تاریخی که حزب به عهده گرفته است، برخورد نوین و آهنگ دیگر حرکت را می‌طلبد. تحقق رسالت کبیر ما باید در زمان هرچه کوتاه تر صورت گیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان کارمندان سهل انگار را شدیداً مورد بازپرس قرار خواهند داد. ما حتماً باید به این امر نایل آییم و بدون شك نایل خواهیم آمد که احساس عالی مسؤولیت، دسپلین محکم و سطح بلند مطالبات نسبت به انجام وظایف به صورت پایدار و مستحکم در زندگی حزب و دولت استقرار یابد. تنها درین صورت مشی ما مؤثر و کار ما مشخص خواهد بود و تنها به این ترتیب ما تأثیر و نفوذ واقعی را بر توده‌ها خواهیم داشت.

البته تا هنگام سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب مشکلات زیادی وجود خواهد داشت. بنابراین مردم باید بدانند که: اگر وضع مادی آنان بهبود نیافته است و برعکس، در بعض موارد زندگی شان پیچیده شده ناشی از اعمال جنایتکاران و ضدانقلابی و مزدوران ارنجاج و امپریالیزم است که فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و معادن را صدمه می‌زنند، راه‌ها را تخریب می‌کنند و شفاخانه‌ها، مساجد و مکاتب را به آتش می‌کشند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هر اقدام ممکن را جهت رشد و تحکیم اقتصاد، انجام خواهند داد تا کار صنایع زراعت و تمام رشته‌های تولید اجتماعی و خدمات اجتماعی با ثبات بوده مردم کشور بهتر زندگی نمایند.

رفقا!

قبل از همه وضع حزب، وضع داخلی سازمان آن و درجه رشد وحدت صفوف آن تأثیر قاطع را بالای کار سیاسی در میان توده‌ها دارد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وجود شرایط دشوار مبارزه، رشد و تحکیم می‌یابد. اکنون تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب بیش از هفتاد هزار نفر می‌باشد. ترکیب کیفی حزب بهبود یافته و سهم کارگران و دهقانان در بین اعضای حزب از بیست و سه به بیست و هشت فیصد رسیده است.

بعد از کنفرانس سرتاسری حزب این شاخص در میان اعضای آزمایشی جدیدالشمول

به چهل و هشت فیصد بالا رفته و حتی در بعض ولایات به شصت الی هشتاد فیصد می رسد. روند بهبود کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فوق العاده پراهمیت است.

این پروسه را باید رشد داد و تشویق نمود. کمیته‌های حزبی موظف اند به این جهت کار توجه دائمی و فزاینده داشته باشند.

مسئله تنها بر سر آن نیست که افراد جدیدی به حزب جذب می‌گردند، بلکه اهمیت آن قبل از همه در اینست که آنان مستقیماً نماینده‌گان وسیعترین قشرهای توده‌های زحمتکش می‌باشند.

جلب تعدادی قابل ملاحظه کارگران و دهقانان تا حدودی پدید جدیدی در تاریخ حزب ماست و البته تعدادی از کارمندان حزبی طوری که لازم است همه جهات آن را به خوبی و روشنی درک نمی‌کنند، در واقعیت امر جذب کارگر، دهقان و سرباز به حزب فقط آغاز کار است. جلب آنان به اشتراک فعال در زندگی سازمان‌های حزبی و دولتی، به کار وسیع سیاسی در میان توده‌ها که خود بخشی از آن می‌باشند، ضرورت کاملاً جدی و روشن است. در حالی که آنان روحیه طرز تفکر، آرزوها و امیدهای مردم را بهتر و خوبتر می‌دانند و احساس می‌کنند و برایشان حرف زدن با مردم سهل‌تر است. اعضای کارگر و دهقان حزب امکانات بزرگ برای تأثیر بالای توده‌ها دارند، زیرا مردم به حرف آنان بهتر گوش فرا می‌دهند، در حزب به صورت قطع باید برخورد توأم با ناباوری و عدم اطمینان نسبت به این بخش از اعضای حزب از بین برده شود.

اکنون درباره یک روند مهم دیگر صحبت می‌کنیم و ساختار سازمانی حزب به طور متداول بهبود و توسعه می‌یابد. کمیته‌ها و سازمان‌های جدید منجمله سازمان‌های اولیه که در اعماق مردم فعالیت می‌کنند ایجاد گردد. نسبت به سال ۱۳۶۰ صدها سازمان جدید ایجاد گردیده و این افزایش هنوز هم ادامه دارد. کمیته‌های حزبی باید به افزایش تعداد سازمان‌های حزبی مخصوصاً در ولسوالی‌ها، علاقه داری‌ها، قرا در مؤسسات تعلیمی و بهبود رهبری فعالیت و تحکیم این سازمان‌ها توجه دائمی داشته باشند. به هر اندازه‌یی که تعداد آنها بیشتر باشد و از استحکام بهتر برخوردار گردند، به همان اندازه حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای کار در میان توده‌ها امکانات بیشتری خواهد داشت. به یک جمله رفاقت هر روز باید راه‌ها و طرق جدید بسط و توسعه نفوذ سیاسی حزب را در جامعه جستجو نمود و دریافت.

یک پروبلم دیگر زندگی درون حزبی نیز وجود دارد که باید روی آن صحبت شود و آن عبارت است از پرابلم وحدت. در این مورد بارها و منجمله در پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در کنفرانس سرتاسری حزب صحبت صورت گرفته است.

در این زمینه تغییرات مثبت به وجود آمده است، ولی کافی نمی‌باشد. ما هنوز به این امر توفیق نیافته ایم که در تمام حلقه‌های حزب فضای اعتماد کامل، تقاضای متقابل و صمیمیت کامل و کار مشترک دوستانه به وجود آمده باشد. ما می‌دانیم که عواقب و بقایای ناگوار عدم توافق چندین ساله، رنجش‌های متقابل و بی‌حوصلگی را نمی‌توان فوراً از بین برد. اما نباید گذاشت که این احساس بر معقولیت مسلط گردد. آن چه که دیروز ما را از هم جدا می‌نمود، امروز دیگر وجود ندارد و گذشته هیچگاه باز نمی‌گردد. برای انقلابی اصیل و حزبی واقعی منافع حزب و امر حزب باید بالاتر از همه چیز باشد و این به آن معنی است که امروز ما اعضای حزب باید متحدتر و یکپارچه‌تر از همیشه باشیم. برای اعمال کسانی که به وحدت لطمه وارد می‌کنند هیچگونه توجیه وجود داشته نمی‌تواند. اما هنوز هم چنین افرادی وجود دارند که تلاش می‌ورزند هرگونه واقعیت و حتی فاکت‌های مثبت را به صورت مسخ شده توضیح و تفسیر نمایند تا باعث تشویق احساسات و هیجانات غیرضروری گردیده توجه اعضای حزب را از مسایل عمده برگردانند. بگذار همه بدانند که ما با اصولیت، پیگیری و قاطعیت فیصله کنفرانس سرناسری حزب را در این مورد عملی خواهیم ساخت. یعنی آنانی را که اشتباه می‌نمایند، تربیت خواهیم کرد و آنانی را که نمی‌خواهند از تلقینات و طرز تفکر گذشته امتناع ورزند، مجازات خواهیم نمود.

رفقا!

اکنون بعضی جهات مشخص کار در میان توده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در حال حاضر بعد از انقلاب ثور رابطه متقابل حزب کموکراتیک خلق افغانستان با توده‌های مردم مختصات نوین را کسب نموده و باید رهبری توده‌ها را طور دیگری سازمان داد امروز سعی باید نمود تا امر حزب واقعاً به امر تمام مردم مبدل گردد و توده‌های مردم به طور آگاهانه و در همه جا به کار اعمار افغانستان نوین و شگوفان و دفاع از آن جلب گردند. چنانکه رهبر رحمتکشان جهان خاطر نشان می‌ساخت:

«توجه دایمی به ارتقای مداوم سطح آگاهی و فعالیت توده‌ها پایه و محتوای عمده کار حزبی» می‌باشد.

کار سیاسی حزب در میان توده‌ها باید بیش از همه متوجه توضیح ماهیت و مفهوم سیاست حزب کموکراتیک خلق افغانستان، تبلیغ و ترویج دستاوردهای ما، ضرورت تقویت مبارزه با ضد انقلاب، رفع پراگندگی و استقرار مناسبات دوستی و همکاری میان ملیت‌ها، اقوام و قباایل باشد. اما دشواری‌های موجود را از توده‌ها پنهان نمی‌کنیم و نخواهیم کرد. حقیقت، نیرومندترین سلاح در امر جلب توده‌های مردم است و همیشه چنین خواهد بود، حقیقت همیشه راه خود را در قالب انسان‌ها باز می‌نماید و آنان را در راه انجام اعمال درست و نیک رهنمایی می‌کند.

ما باید هنگام پیشبرد کار سیاسی در میان توده‌ها دقیقاً بدانیم که با چه کسانی مواجه

هستیم؟ خصلت، پسیکولوژی طبقاتی و روحیه آنان چگونه است؟ موفقیت کار تا حد زیادی مربوط به آن نیز است که کدام یک اشکال، میتودها و وسایل برای پیشبرد کار سیاسی در میان توده‌ها انتخاب شده است. باید آموخت که چگونه قابل قبولترین میتودها و اشکال کار برای گروپ‌های اجتماعی مختلف اعم از دهقانان، کارگران و پیشه‌وران روشنفکران و غیره جستجو گردد. این وضع باید بالای نتایج کار تربیت سیاسی و اخلاقی تأثیر به‌سزایی نماید.

یکی از مهمترین اهداف کار سیاسی در میان دهقانان باید کمک به آنان جهت درک منافع اساسی شان در انقلاب روشن شدن مفهوم اصلاحات ارضی و آب برایشان و جلب دهقانان به اشتراك فعال در این اصلاحات باشد. ضرورت است که خود توده‌ها در حل این پرابلم‌ها سهم فعال گیرند. اینکار فعالیت بزرگ سازمانی و سیاسی کمیته‌های ولایتی حزبی و ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی را می‌طلبد. متأسفانه بعضی از مسؤولین کمیته‌های حزبی ولایتی و والیان هنوز چگونگی استفاده از زمین و زمینداری را عمیقاً تحلیل نموده کار سازمان‌های حزبی و دولتی ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها را در این زمینه کنترل درست نمی‌کنند. قرار معلوم بعضی از رفقای ما هنوز اهمیت بزرگ سیاسی و اجتماعی و نقش طبقاتی اصلاحات ارضی و آب را در امر جلب دهقانان به سوی انقلاب و پشتیبانی از سیاست حزب و دولت مردمی به قدر کافی درک نکرده‌اند.

در این موضوع از آن جهت نیز ضروری است که در نتیجه فعالیت‌های ضدانقلاب اصلاحات ارضی در بعض مناطق کشور بطی ویا کاملاً متوقف گردیده است. در بعضی از ولایات تعداد زیادی از خانواده‌های دهقانان تحت تأثیر ترور، تهدید و دروغبافی‌های ضدانقلاب و زمینداران بزرگ از قطعات زمینی که بعد از انقلاب دریافت نموده بودند، محروم شده‌اند. نتیجه‌گیری فقط یکی است. باید به صورت پیگیر و دایمی مناطق اجرای اصلاحات ارضی و آب را توسعه داد و اینکار را طوری سازمان داد تا دهقانان بدانند و بفهمند که حزب و دولت در کنار آنان است و دولت انقلابی دولت خودشان می‌باشد.

رفقا!

نیروی پیگیر انقلابی جامعه ما عبارت است از طبقه کارگر پرافتخار کشور که تعداد آن رو به افزایش می‌باشد. اکنون در افغانستان در سه صد مؤسسه کارگری به تعداد یکصد و پنجاه هزار کارگر وجود دارد. نقش کارگران در تولید اجتماعی و همه عرصه‌های حیات اجتماعی کشور را به افزایش است. سرعت تحولات انقلابی کشور تا حد زیادی مربوط به درجه فعالیت و پخته‌گی سیاسی طبقه کارگر است. این روند خواهان تقویت کار سیاسی حزب در میان کارگران می‌باشد. سطح آگاهی سیاسی و فعالیت کارگران باید مطابق به نقش عینی باشد که آنان بنابر سازمان‌پذیری، روحیه

کار دسته‌جمعی و سنن مبارزه ضد استثمار را دارند. باید به کارگران کمک شود تا امکانات اشتراک خود را در رشد تحولات انقلابی و دفاع از آن بهتر و کاملتر درک کنند.

ما باید به هریک از کارگران تفهیم نماییم که امروز کار وی برای همه کشور اهمیت حیاتی دارد و جبهه اقتصاد اهمیت کمتری از جبهه جنگ ندارد. اکنون باید نسبت به وجایب و تعهدات تولیدی خود و ملکیت اجتماعی برخوردار غیر از دیروز داشت و ثروت عامه را حفظ و نگهداری نمود. همه این وظایف از مسوولین مؤسسات تولیدی و سازمان‌های حزبی، اجتماعی و حرفه‌ای می‌طلبد تا کار سیاسی در میان گروه‌های کارگری را دایماً تقویت بخشند.

پیشوران از لحاظ خصلت کار و موقف خود در جامعه به طبقه کارگر فرایت دارند. در شرایط کشور ما پیشوران نقش قابل ملاحظه‌یی را در اقتصاد ایفا می‌نمایند که آنرا نباید فراموش کرد. بنابراین باید با آنان نیز مانند کارگران کار سیاسی را پیشبرد. اما برین صورت ضرورت است تا از اشکال متداول و سنتی سازماندهی فعالیت پیشوران استفاده بیشتر کرد.

ما باید در این باره فکر کنیم که چگونه این اشکال را بسط و تحکیم بخشیم و از آنها در کار سیاسی با پیشوران استفاده نماییم. در کار سیاسی ما جای مهمی را کار با تاجران کوچک و سرمایه داران ملی دارد، ما متکی بر آن مبنای اصولی هستیم که در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و در تره‌های پلینوم کمیته مرکزی به مناسبت دومین سالگرد انقلابیور انعکاس یافته است. در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان این موقف تأیید و تکمیل گردیده است. به این ترتیب ما در رابطه خود باسکتور خصوصی ملی در تجارت و صنایع از سیاست پیگیر و طولی‌المدت که هم منافع دولت و جامعه و هم منافع این سکتور را مد نظر میگیرد، پیروی می‌کنیم.

کار کمیته‌های حزبی، ارگان‌های دولتی و رسانه‌های گروهی دایم باید متوجه توضیح این سیاست و همکاری شرافتمندانه باشد. نتیجه سیاسی که به دست می‌آید باید افزایش نقش و فعالیت سکتور خصوصی ملی (تاجران، سرمایه داران و صاحبان وسایل ترانسپورتی) در امر عمومی تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه باشد. البته این وضع پاسخگوی منافع اساسی همه جامعه است.

رفقا!

همه ما از نقش بزرگ روشنفکران وطنپرست در زندگی معنوی و فرهنگی جامعه و رشد جریانات مترقی و دموکراتیک در آن بسیار خوب آگاهی داریم. در افغانستان نوین و انقلابی برای روشنفکران امکانات جدید جهت به کار انداختن نیرو و استعداد

خلاق شان فراهم گردیده است. دانش و کار روشنفکران از شناسایی و احترام عالی برخوردار است. اما سوال در اینجا است که سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی ما تا چه حد کار دایمی، هدفمند و عمیق را در میان روشنفکران به پیش می‌برند.

باید ارگان‌های حزبی کار تربیت سیاسی روشنفکران را نظم و ترتیب بهتر دهند. استادان، معلمان، کارمندان، ژورنالیستان، نویسندگان، هنرمندان، متخصصان و دوکتوران و دیگران که مفهوم زندگی و کارشان را خدمت به ترقی جامعه می‌سازد، باید با وضاحت و روشنی ببینند و به خوبی بدانند و درک نمایند که فقط بر اساس سیاست حزب ما این ترقی به طور مطمئن تأمین شده و واقعاً تحقق می‌پذیرد و افغانستان به کشور پیشرفته و شگوفان مبدل می‌گردد.

کمیته‌های حزبی باید با گروه‌های مختلف روشنفکران به طور دقیق، با توجه و مصممانه کار نمایند. پروبلم‌های خاص شان را بدانند و در جهت حل آن کمک کنند. توسعه اشتراک روشنفکران و وطنپرست و سالم را در امر پیشبرد نه تنها کار تنویری و فرهنگی، بلکه فعالیت بسیار ضروری یعنی کار سیاسی و ترویجی مدنظر داشته باشند.

ضرورت است تا کار سیاسی در میان استادان بهبود یابد. به افزایش و فعالیت اجتماعی آنان مساعدت گردد و خودشان با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور تربیت یابند.

رفقا!

کار سیاسی در میان توده‌ها در عین زمان کار در میان جوانان نیز است. جوانان نه تنها پرعدمت‌ترین کنگوری اهالی ما را بلکه فردای مردم ما را می‌سازند. فردای جامعه ما مربوط به آنست که امروز ما چگونه جوانان را تربیت می‌کنیم. بنابراین کار با جوانان بخش ضروری مهم امر عمومی حزب است.

در کار با جوانان ضرورت به مینودها و اشکال خاصی است که با در نظر داشت خصوصیات آنان چون هیجانی بودن، احساساتی بودن و تحمل ناپذیری در برابر بی‌عدالتی و دروغ، سازش ناپذیری، سعی برای تثبیت شخصیت، خون گرم بودن در حرکات و سکنات، کمبود تجربه سیاسی و غیره باید در پیش گرفته شود. اینها فقط بعضی از عوامل عام است که خصوصیات کار با جوانان را معین می‌سازد.

قبل از همه کمیته‌های حزبی موظف اند فعالیت کمیته‌های سازمان دموکراتیک جوانان را در جهت توسعه صفوف آن از کارگران، دهقانان، سربازان و پیشموران در جهت گسترش کار سیاسی با آنان سوق دهند.

شاگردان مکاتب، لیسه‌ها، محصلان تخنیک‌ها و مؤسسات عالی گروه نسبتاً

کثیر العده، جوانان ما را تشکیل می‌دهند. خصوصیت این بخش جوانان در آنست که با داشتن دانش معین و فعالیت اجتماعی قابل ملاحظه ولی نداشتن تجربه سیاسی لازم، زود در دام تمایلات و احساسات خام و انجام اعمال اشتباه آمیز می‌افتند. درین جا برخورد بخصوص و کاملاً سنجیده شده در کار است. باید دلایل و براهین در برابر آنان واضح و عمیق و پاسخ به مسایل مورد نظر شان روشن و صریح باشد و مهمتر از همه نیرو، انرژی و فعالیت آنانرا باید در جهت درست و معقول سوق داد. واقعیت انقلابی ما وسیعترین امکانات را به وجود می‌آورد تا جوانان خود را اشتراک کنندگان بلاواسطه روند انقلابی احساس نمایند و همراه با تمام مردم رشد یابند و پخته‌گی لازم را کسب کنند.

سازمان‌های حزبی و جوانان و مسؤولین مکاتب، لیسه‌ها، تخنیک‌ها و مؤسسات عالی تعلیمی و وزارت‌های مربوط موظف اند تا این امکانات را تحقق بخشند و محتوا و مفردات کار تعلیمی و تربیتی را با مسایل و وظایف مبرم تکامل انقلابی پیوند دهند.

کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید اشتراک وسیع شاگردان و محصلان جوان را در حل و اجرای این مسایل و وظایف تأمین نماید.

رفقا! توضیح و ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی در رابطه با اسلام و کار در میان روحانیون و توده‌های مؤمن باید به موضوع مورد توجه دائمی حزب مبدل گردد.

حزب ما وظیفه خدمت به همه مردم را دارد. فقط همین وظیفه هم به تنهایی خود از ما برخورد احترام کارانه نسبت به عنعنات و سنن مذهبی همه خلق‌ها و ملیت‌های ساکن کشور را می‌طلبد.

در مرحله نوین انقلاب شور در این جهت کار عظیمی صورت گرفته است و اساس‌های قانونی و حقوقی دولت و اصول سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با اسلام و روحانیون افغانستان طرح و تدوین و در عمل پیاده می‌گردد. به تفاهم با بخش دموکراتیک روحانیون و جلب آنان در جهت انقلاب توجه جدی صورت می‌گیرد. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حفظ مساجد، زیارتگاه‌ها و دیگر اماکن مقدس مسلمانان و مساعدت به روحانیون و وطنپرست را از لحاظ مادی و معنوی پشتیبانی می‌کند. در سال ۱۳۶۰ کمک فوق‌العاده به روحانیون و مؤسسات مذهبی، مبلغ بیش از بیست و شش میلیون افغانی را تشکیل میداد و در سال ۱۳۶۱ این رقم افزایش خواهد یافت. دولت انقلابی مصونیت زمین‌های موقوفه را حفظ نموده به ترمیم مساجد تخریب شده به وسیله ضدانقلاب اعمار مساجد جدید توجه زیاد می‌نماید. به این منظور در سال ۱۳۶۰ مبلغ پنجاه و یک میلیون افغانی به مصرف رسید و در بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ پنجاه و سه میلیون تخصیص داده شده است.

شمار این فاکت‌های انکارناپذیر را می‌توان ادامه داد. اما باز هم سوال به میان می‌آید که آیا ما همه مساعی لازم را به خرج می‌دهیم که این فاکت‌ها به گوش همگان برسد؟ آیا مسلمانان مؤمن کشور ما از همه اقدامات که حزب و دولت برای آنان انجام می‌دهد، اطلاع و آگاهی دارند؟ و آیا ما کار کافی را انجام می‌دهیم تا توده‌ها از واقعیت اعمال جنایتکارانه و خونریزی‌های به اصطلاح «مدافعین اسلام» باخبر گردند؟ همین عناصر اند که مساجد و زیارت‌ها را تخریب می‌کنند. همین عناصر بعد از انقلاب ثور بیش از صد نفر روحانی و ملای مورد احترام را به شهادت رسانده اند که در میان آنان می‌توان از مولوی نصرالله گردیزی، شیخ علی حسین نطاق، مولوی اسدالله نصرت و دیگران نام برد. اعمال این جنایتکاران و قاتلان نابخشدنی است. بگذار خشم و نفرت مردم همیشه بر آنان فرود آید!

در رابطه با به اصطلاح «دفاع از اسلام» از جانب آنها ما باید به توده‌های مردم تهمیم نماییم که این شعار فقط روپوش و بهانه برای خفه ساختن انقلاب ماست. در همه این سروصداهای که تبلیغات ضدانقلاب درباره به اصطلاح تعقیب و آزار مؤمنان در افغانستان کنونی به راه انداخته است، ذره‌یی از حقیقت وجود ندارد و سراسر دروغ است.

توده‌ها باید ببینند و بدانند که شعار به اصطلاح «دفاع از اسلام» با دورویی و فریبکاری از جانب همان نیروهای امپریالیستی پخش می‌گردد. اگر صحبت بر سر منافع خودشان باشد فوراً دفاع از اسلام را فراموش می‌کنند. آیا همین ایالات متحده امریکا نیست که تجاوز اسرائیل علیه کشورهای اسلامی را تشویق و ترغیب می‌کند؟ آیا همین‌ها نبودند که علیه انقلاب اسلامی در ایران قرار گرفتند؟ و آیا عین کار را نوکران و اجیران امپریالیزم و ارنجاع در سرزمین ما انجام نمی‌دهند؟

حزب کموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی هیچگاه با تلاش‌هایی سازش نخواهد کرد که از طریق استفاده از دین مقدس اسلام به غرض مجبور ساختن مردم افغانستان به ترک راهی که انتخاب نموده است به عمل می‌آید.

رفقا!

ما باید همراه با گسترش کار سیاسی در میان توده‌ها نقش و اهمیت عوامل ملی و قبیله‌ای را در تاریخ و ساختار اجتماعی موجود جامعه خود به طور کامل مد نظر داشته باشیم. این یک امر بسیار مهم و جدی است و نه فقط به آن سبب که در کشور ما تعداد زیاد ملیت‌ها، اقوام و قبایل زنده‌گی می‌کنند، بلکه مخصوص به خاطر اینکه رژیم‌های استعماری و استبدادی گذشته به منظور اهداف خودخواهانه خویش همیشه در بین آنها دشمنی و مخاصمت ایجاد نموده یکی را علیه دیگر برمی‌انگیختند. اکنون بقایا و میراث این سیاست شوم برای ما باقیمانده است. برخورد اصولی با نسبت به ایجاد مناسبات نوین عادلانه و برابر میان ملیت‌ها، اقوام و قبایل و طن واحد و محبوب

با افغانستان در نخستین اسناد بنیادی مرحله نوین انقلاب ثور یعنی اصول اساسی جدا و تزه‌های قبلاً یادآوری شده انعکاس یافته است.

بعداً ما این موقف را در خطاب به ملیت‌ها و اقوام جمهوری دموکراتیک افغانستان و خطاب به قبایل، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد و مواد کنفرانس سرتاسری حزب و در یک سلسله اقدامات قانون‌گذاری بسط و تکامل بخشیدیم.

اگر بخواهیم ماهیت برخورد خویش را نسبت به این پروبلم به صورت مختصر و فشرده بیان نماییم، می‌توانیم بگوییم که:

۱ - حزب و دولت انقلابی معتقد به این اصل است که همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان در تمام ساحات و منجمله در امر نیل به ترقی اقتصادی، اجتماعی و معنوی و استفاده از دستاوردهای انقلاب ثور و دارای حقوق مساوی میباشند.

ماهیت شریفانه و نجیبانه انقلاب به طور یکسان مربوط به همگان است. این اصل برابری و تساوی حقوق نه تنها رسماً به وسیله حزب و دولت انقلابی اعلام شده است، بلکه به وسیله قوانین کشور و فعالیت عملی حزب و دولت به طور مطمئن نیز تضمین گردیده است.

ما روند تکامل ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور و رسیدن آنها را به ترقی همه جانبه به مثابه روند طولانی، از لحاظ تاریخی دوامدار و کاملاً داوطلبانه می‌شماریم. در این امر مهم و دقیق به شتاب وی حوصله‌گی اجازه داده نخواهد شد و تلاش به غرض تسریع بی‌موجب و تحمیل مقررات و نظم غیرواقعیانه بر انسان‌ها صورت نخواهد گرفت. ارزش‌ها، سنن، عنعنات و عادات تاریخی و معنوی یا اقدامات اداری از بین برده نخواهد شد. برعکس حزب و حکومت انقلابی احترام و برخورد محتاطانه نسبت به این سنن و ارزش‌ها را تضمین می‌نماید.

روند تکامل و ترقی همه جانبه و تدریجی همه ملیت‌ها و اقوام و قبایل کشور متوجه ایجاد و استقرار مناسبات نوین، اعتماد، همکاری، تفاهم متقابل، دوستی و برادری میان آنها و تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه است.

چنانکه می‌بینیم برخورد ما کاملاً روشن است. اکنون می‌بینیم که در رابطه با این موضوع وظایف عمده ارگان‌های حزبی و دولتی کدام اند؟

فکر می‌کنم قبل از همه باید به این هدف نایل آمد که در قریه ما و دهات و در میان قبایل ماهیت و محتوای مشخص سیاست ملی به درستی درک گردد. برای این کار موازی با استفاده وسیع از مطبوعات، رادیو تلویزیون، اوراق تبلیغاتی و سایر وسایل باید به جلب افراد و نماینده‌گان صاحب نفوذ و محترم ملیت‌ها، اقوام و قبایل در وجود

سران و بزرگان قبایل، علما و روحانیون، بزرگان دهات، معلمان و سایر افراد با تجربه و موسیق اهمیت بیشتر داده شود. درینجا نیز مانند دیگر عرصه‌های کار سیاسی حقیقت، مؤثرترین و قویترین سلاح ماست. به همین سبب کار آن کمیته‌های حزبی که با افراد محترم و متنفذ رابطه قایم نموده آنان را برای بحث پیرامون مسایل مبرم و مورد علاقه دعوت می‌کنند به ایشان اطلاعات و مشوره‌های لازم را می‌دهند و به تعمیل تقاضای شان مساعدت می‌نمایند، درست و مورد تأیید است.

بر علاوه در محلات باید سیستم مشخصی از تدابیر جهت ایجاد مناسبات نوین و محو بقایای منفی عدم اعتماد و خصومت به میان آید و کاملاً عملی گردد. باید کار پرحوصله، پیگیر و مصرانه را انجام داد تا در ترکیب سازمان‌های حزبی و دولتی و ارگان‌های رهبری جبهه ملی پدروطن آن ملیت‌ها، اقوام و قبایلی که اکثریت را در مناطق مربوط می‌سازند به ترتیب لازم نمایندگی داشته باشند. هنگامی که انسان‌ها ببینند و در عمل معتقد گردند که حزب و دولت ما در عمل بیانگر منافع اساسی شان بوده و این منافع را به طور کامل در نظر می‌گیرد با نفرت و غضب ادعاهای دروغین ضدانقلاب را رد نموده نمی‌گذارند که این عناصر، مناسبات لازم و عادلانه همه وطنپرستان را از هم بپاشد.

همچنان سیاست ما در رابطه با مسایل ملی باید مشخص و دربرگیرنده همه جهات باشد. در این امر تنها به کار تبلیغی، ترویجی و توضیحی اکتفا نباید کرد. باید اینکار را با تدابیر اقتصادی و اجتماعی مشخصی که امروز می‌توان عملی نمود، پیوند داد. مثلاً به مناطقی که شدیداً نیاز دارند قطارها و کاروان‌های مواد غذایی، البسه و ادویه فرستاده شود. کمک‌های صحی جهت جلوگیری از شیوع اپیدمی و مبارزه با آن صورت گیرد. و به مردم در امر اعمار مجدد راه‌های سرک‌ها، شفاخانه‌ها، مکتب، مساجد و غیره کمک به عمل آید. هنگامی که انسان‌ها نتایج مشخص وزنده سیاست حزب و دولت را در مناطق خویش مشاهده نمایند خوددر اجرای آن خواهند کوشید. به یک کلمه، در این امر نیز باید مانند دیگر مسایل حیاتی و اساسی عمل نمود، جستجو کرد و دریافت، مبارزه نمود و پیروز شد.

حین صحبت درباره تحکیم رابطه با مردم و تقویت کار سیاسی باید ضرورت ارتقای سطح رهبری حزبی سازمان‌های اجتماعی را نیز خاطر نشان نمود. فعالیت اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و سایر سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی باید در مرکز توجه حزب قرار داشته باشد. سازمان‌های اجتماعی هم اکنون در فعالیت خویش موفقیت‌های زیادی را به دست آورده اند و بدون مبالغه می‌توان گفت که این سازمان‌ها به سازمان‌های واقعی توده‌یی مبدل شده اند. حالا لازم است تا این سازمان‌ها بر اساس تضامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر تربیت سیاسی فعال اعضای خود با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب مؤظف

گردند تا آبدیدمگی و پختهگی جنگی، تولیدی و اخلاقی اعضای خود را تقویت بخشند و در بین آنان آمادگی برای فعالیت اجتماعی و تولیدی دفاع از انقلاب و سعی برای کسب دانش و ارزش‌های فرهنگی را پرورش دهند.

در مورد فعالیت جبهه ملی پدروطن تأکید بخصوصی باید نمود. این سیستم سازمان‌های اجتماعی و نودمی که وظیفه دارد مساعی همه وطنپرستان را متحد و هماهنگی سازد روز تا روز قوت بگیرد. در جبهه ملی پدروطن پانزده عضو دسته‌جمعی و صدها هزار عضو انفرادی شامل میباشند. هم اکنون کمیته‌های جبهه ملی پدروطن در بیست و سه ولایت، پانزده ولسوالی و سه شهر وجود دارد و در کابل هفتاد و هشت شورای آن تشکیل گردیده است.

اکنون که ساختار سازمانی جبهه تقریباً شکل گرفته است، باید آنرا از محتوای عملی و مشخص برخوردار ساخت. جبهه باید با پروبلم‌های زمان و مردم، زندگی و پیکار کند. توده‌های اعضای جبهه را باید برای اجرای میرمترین و حادثترین وظایف بسیج نمود. قبل از همه این وظایف باید با استقرار صلح سراسری و همگانی در کشور بر اساس سرکوبی ضدانقلاب مسلح، رابطه داشته باشد. بر علاوه انرژی و نیروی اعضای جبهه باید در جهت عادی ساختن اوضاع در مناطق آزاد شده و کمک به دولت در تأمین مصنونیت و امنیت مطمئن مؤسسات و اهالی سوق داده شود.

بالاخره در چارچوب خود جبهه باید به تفاهم عمیقتر و عمل متقابل بهتر و هماهنگتر بین سازمان‌های اجتماعی عضو نایل آمد. جبهه باید به آنچه که ضرورت است مبدل گردد. جمع میخاتیکی سازمان‌های عضو نه، بلکه سیستم ارگانیک واقعه واحد و یکپارچه و بیانگر و مظهر وحدت ملی و وطنپرستانه در عمل باشد. بنابراین ضرورت شدید احساس می‌گردد که تأثیر و نفوذ حزب همه اعضای سازمان‌های اجتماعی و جبهه را دربر گیرد و آنان درست سمتدهی گردند و به اشتراك فعال در تحقق تحولات انقلابی و دفاع ازین تحولات جلب شوند.

رفقا!

امروز درین پلینوم می‌خواهم درباره یک عده مسایل دیگری مربوط به کار سیاسی در میان توده‌ها نیز صحبت نمایم. از آنجمله درباره آریتاسیون (تبلیغ) سیاسی یعنی صحبت‌ها و گفتگوهای شفاهی و نظایر آن در بعضی از ولایات چنین معمول شده است که در یکی از روزهای معین و بر طبق پلان قبلاً تهیه شده کارمندان حزبی و دولتی و نمایندگان نیروهای مسلح در برابر زحمتکشان و اهالی صحبت و سخنرانی می‌نمایند این تجربه مفید است و آنرا باید در همه جا توسعه بخشید.

کار گروه‌های سیار تبلیغی و ترویجی نیز مثبت است. تجربه کار این گروه‌ها در بلخ، پروان و یک عده دیگر ولایات نشان دهنده مفید و مؤثر بودن کار آنهاست. این

گروه‌ها به ارگان‌های محلی حزبی و دولتی کمک بزرگ می‌نمایند. آنها لکچرها، صحبت‌ها و گفتگوهای نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها و نمایش فلم‌ها را سازمان می‌دهند. ورقه‌های تبلیغاتی و سایر مواد مطبوع را پخش می‌نمایند و همچنان کمک‌های طنی و مادی را به مردم می‌رسانند. ما باید فعالیت و تعداد این گروه‌ها را هرچه بیشتر توسعه و افزایش بخشیم.

می‌خواهم خاطر نشان سازم که میتود آزمایش شده و نیرومند تأثیر بالای توده‌ها عبارتست از صحبت و ملاقات شخصی و گفتگوی مستقیم و رویاروی عضو حزب با آنان.

بنابراین امروز در پلینوم مسئله ضرورت پیش برد کار تربیتی در میان توده‌ها را به وسیله هر عضو حزب بدون در نظر داشت موقف، مقام، نوع فعالیت، شغل و غیره مطرح می‌سازیم. هر سازمان حزبی مکلف است تا شکل و نحوه این کار را برای اعضای خویش معین ساخته به آنان برای پیشبرد کار تبلیغی، ترویجی، توضیحی و دادن لکچرها و غیره وظایف مشخص بسپارد. حتی اگر اعضای حزب وظایف و مسؤولیت‌های دیگر حزبی دارند، باز هم مکلف اند در تماس دائمی با توده‌ها بوده، با آنان ملاقات نمایند. در برابر شان صحبت کنند و اعتقاد و حرف حزب را به آنان برسانند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن دعوت به این امر توجه کمیته‌های حزبی را به تأمین کیفیت عالی کار معطوف می‌نماید. زیرا متأسفانه بعضی فقط به تعداد میتنگ‌ها، صحبت‌های ملاقات‌ها و سایر فعالیت‌ها توجه بی‌مورد و اضافی، می‌گردند. در سخنرانی‌های بعضی از مبلغین و صحبت‌کننده‌گان، فاکت‌ها و مواد ثابت کننده، کمتر و جنبه عام بیشتر به نظر میرسد که این سخنرانی‌ها اغلب شکل اعلامیه و بیانیه عام را دارد بعد از چنین سخنرانی‌ها غالباً سامعین سوالاتی ننموده و به موضوعات مطروحه علاقه‌مندی نشان نمی‌دهند. تأثیر چنین صحبت‌ها و سخنرانی‌ها غالباً ضعیف و زودگذر است.

کمیته‌های حزبی موظف اند، جهت ارتقای سطح تبلیغ سیاسی، تعمیق محتوای آن و بهبود بیشتر اشکال و میتودهای پیشبرد آن تدابیر مؤثر را اتخاذ نمایند. باید به مبلغین و مروچین کمک همه جانبه صورت گیرد و مواد و اطلاعات لازم جهت آماده‌گی برای سخنرانی و صحبت و مشوره‌های میتودیک لازم در اختیارشان گذاشته شود. مفید خواهد بود اگر برای کار سیاسی با توده‌ها، محلات معین و مجهز وجود داشته باشد و برای اینکار از مکاتب، مهمانخانه‌ها، چایخانه‌ها و غیره مؤسسات اجتماعی استفاده گردد. تبلیغ سیاسی شفاهی باید با پخش دائمی ورقه‌های تبلیغی، پلاکات‌ها، سایر مواد مطبوع و مصور، ترتیب ویتترین‌ها، سنندها و غیره تقویت گردند.

شکل مهم دیگر کار را تنویر سیاسی و در درجه اول تنویر سیاسی اعضای اصلی و

آزمایشی حزب می‌سازد. ارتقای مداوم سطح دانش سیاسی، فراگیری نیوری علمی - انقلابی و اسناد حزب، وظیفه هر عضو حزب می‌باشد که در اساسنامه حزب درج گردیده است. این وظیفه را هر عضو حزب باید بدون در نظر داشت سابقه حزبی، سطح آمادگی عمومی، مقام و مسؤولیت انجام دهد.

حزب ما همیشه و حتی در دشوارترین مراحل تاریخ خویش به این امر توجه جدی داشته است. در شرایط کنونی آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت باز هم جدی‌تر کسب می‌نماید. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با درک اهمیت این موضوع یک سلسله مصوبات و منجمله مصوبه ماه سنبله ۱۳۶۰ را درباره آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال تعلیمی ۱۳۶۰-۱۳۶۱ پذیرفته است. این مصوبه تأثیر بزرگ و مثبتی بالای بهبود کار تنویر سیاسی نمود.

در حال حاضر اکثریت اعضای اصلی و آزمایشی حزب در حلقه‌های مختلف سیاسی مسائل مبهم سیاست داخلی و خارجی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. اعضای جوان حزب اساسنامه و اسناد پروگرامی حزب را مطالعه می‌کنند. کمیته‌های حزبی ولایتی، لوی ولسوالی، شهری و ناحیه‌وی، سیمینار نیوریک درباره اساس‌های ساختمان حزب دایر گردیده است.

درس سیاسی در بعضی از قطعات و جزو نام‌های اردو و خاندوی به شکل جالب و دلچسپ پیش برده می‌شود. با در نظر داشت اوضاع پیچیده سیاسی - نظامی کنونی در کشور، در ضمن این درس‌ها مسایل مربوط به خصلت نیروهای محرکه، دورنمای انقلاب ثور، نقش حزب در رهبری جامعه، سیاست اجتماعی - اقتصادی و نظامی حزب و غیره مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت بذل کمک مؤثر و مشخص به کمیته‌های حزبی، گروه‌های تبلیغی و ترویجی را سازمان داده بود که به ولایات کشور سفر مینمودند. اعضای این گروه‌ها جلسات مشورتی، سیمینارها و صحبت‌های توضیحی را با مبلغین و مروجین محل تشکیل داده و در برابر فعالین ایدیولوژیک سخنرانی نموده اند. فکر می‌کنم که چنین شکل مساعدت عملی به سازماندهی کار تبلیغی و ترویجی در محلات باید در آینده نیز ادامه یابد. کمیته‌های حزبی در روشنی مصوبات کمیته مرکزی به کار مبلغین توجه بیشتر را می‌ذول میدارند. در جلسات کمیته‌های حزبی مسایل مربوط به انتخاب مبلغین، سازماندهی آموزش و اطلاعات برای آنان مورد بررسی قرار گرفته و در بسیاری جاها سیمینارهای مبلغین دایر گردیده است.

در سال جاری تعلیمی پایه آموزش میتودیک، سیستم آموزش سیاسی تقویه یافته و تهیه پروگرام‌ها و مفردات برای همه حلقه‌های آموزشی بهبود حاصل نموده است. نخستین

مدد درسی برای مطالعه اساسنامه حزب و همچنان ده رساله در مورد مواد کنفرانس سرناسری حزب تهیه گردیده است. این کار تحت رهنمایی شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی به وسیله جمعی از استادان انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام یافته است.

امروز در آموزش و تعلیمات سیاسی اعضای حزب نکات جدید و مهمی بروز نموده است. در سال‌های اخیر هزاران نفر عضو اصلی و آزمایشی جدید از میان کارگران، دهقانان، پیشموران، سربازان و خردضابطان اردو و خارتندی و نمایندگان روشنفکران انقلابی به صفوف حزب پذیرفته شده اند. این افراد از میان مبارزات گرم و انقلاب البته با اعتقاد عمیق به آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بدرک از سیاست و اهداف آن به سوی ما آمده اند. ولی بنابر شرایط موجود همه آنها نتوانسته اند آماده‌گی لازم تیوریک را منجمله در بخش ساختمان حزبی کسب نمایند. عده‌یی از آنان نتوانسته اند تعلیمات و تحصیلات خود را به پایان رسانند و هنگام سازماندهی آموزش سیاسی این وضع را باید در نظر داشت تا تجربه زندگی این افراد با دانش درباره حزب، درک و فهم مقررات و نورم‌های زندگی درون حزبی و محتوای اسناد اساسی حزب یعنی برنامه عمل و اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان بیوند یابد و همراه گردد.

در باره یک چیز دیگر هم باید صحبت کرد. ضمن سازماندهی آموزش حزبی در حال حاضر باید به فردا و به دورنمای کار نیز فکر کنیم. به نظر ما زمان آن فرارسیده است تا پیشنهاد‌های مربوط جهت بهبود و تکمیل بیشتر تعلیمات و آموزش اساسی‌های تیوری پیشرو انقلابی طرح و تدوین گردند. البته این کار ساده نبوده و برای انجام آن کادرهای ورزیده، مواد درسی و مهد آن ضرور است. اما ما باید در این عرصه به فردا فکر کنیم و آمادگی لازم را اتخاذ نماییم.

کمیته‌های حزبی با مصروفیت در امر ارتقای سطح آگاهی و تنویر سیاسی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان هیچگاه نباید مسایل مربوط به ارتقای سطح تعلیمی، فرهنگی و سیاسی توده‌های مردم را از نظر دور نگهدارند. یکی از وظایف درجه یک، امحای بی‌سوادی است. انقلاب باید به مردم روشنی و نور دانش را بدهد. طور دیگری نمی‌تواند باشد.

در حال حاضر در کشور بیست و هفت هزار کورس و مرکز مبارزه با بی‌سوادی وجود دارد که در آنها ششصد هزار نفر به سوادآموزی مشغول اند. سوادآموزی سربازان اردو و خارتندی فعالانه پیش برده می‌شود. ما در حین سازماندهی این امر مسئله را اینطور طرح می‌نماییم که هر باسواد حداقل سه تا پنج بی‌سواد را مورد آموزش قرار دهد. البته در اینجا نیز حوصله فراخ و رعایت خواست و تمایلات انسان‌ها ضرور و لازمی است و باید از مینودهای اجباری جداً امتناع به عمل آید.

اعضای اصلی و آزمایشی حزب در امر امحای بی‌سوادی نقش بزرگ دارند. ما اشتراك فعال جوانان را نیز در پیشبرد این وظیفه بزرگ مدنظر داریم. فکر می‌کنم که تحقق پلان مشخص مبارزه با بی‌سوادی از طرف سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان سهم بزرگ را در حل این پروبلم خواهد گرفت.

رفقا!

در عین زمان می‌خواستم خاطر نشان نمایم که جنبش امحای بی‌سوادی را نباید محدود به فراگرفتن خواندن و نوشتن نمود. در این جریان باید انسان ما مجموع معینی از دانستنی‌ها و قدرت فهم و درک درست پروسه‌ها و پدیده‌های جاری در کشور و جهان را فراگیرند.

دشمنان از این وضع شدید در هراس افتیده اند. آنها می‌دانند بهر اندازه‌یی که افراد باسواد در کشور بیشتر باشند، به همان اندازه تعداد بیشتر افراد اوضاع را درک نموده و فریب دادن مردم و سپاه را سفید جلوه دادن مشکلتر می‌گردد و آنک مدتی قبل در ولایت ارزگان سه نفر مرد را در آتش سوختند. زنی را سنگ باران نمودند و نوجوانی را کشتند. مقتولان افراد حزبی نبودند و به فعالیت سیاسی هم دست نزده بودند. گناه آنان فقط همین بود که جرأت نمودند خواندن و نوشتن را فراگیرند اما هر چند دشمنان وحشت و دهشت را به راه اندازند قادر نخواهند بود تمایل وسیعی مردم را به سوی دانش و ترقی متوقف سازند.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی یا رسانه‌های گروهی باید نقش بزرگ را در کار سیاسی با توده‌های مردم ایفا نمایند.

در حال حاضر در کشور یازده روزنامه و جریده مرکزی و هجده روزنامه ولایتی و چهل و دو مجله به چاپ میرسد، پروگرام‌های رادیو افغانستان به شمول نشرات برای اقلیت‌های ملی و نشرات خارجی بیست و هفت ساعت را دربر می‌گیرد. تلویزیون جوان افغانستان نیز نیرو می‌گیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان محتوای ایدیولوژیک، سیاسی و سمت فعالیت مطبوعات، رادیو و تلویزیون را معین می‌سازد. در این اواخر نشرات این ارگان‌ها مشخصتر و پرمحتوا و اپراتیفی گردیده است و خصوصیات زبانی، حرفوی و سنن اهالی را بیشتر مدنظر می‌گیرند.

رسانه‌های گروهی در فعالیت خود توجه عمده را به ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی معطوف می‌نماید. جهت مهم کار رسانه‌های گروهی را تربیت وطنپرستانه، نظامی و بسیج مردم به مبارزه باضد

انقلاب، تبلیغ قهرمانی‌های سربازان و عملیات قطعات و جزو نام‌های قوای مسلح تشکیل می‌دهد. در صفحات روزنامه‌ها، در نشرات رادیو تلویزیون درباره کار سازمان‌های حزبی، دولتی، اجتماعی و مؤسسات تولیدی مطالب زیادی وجود دارد.

نشر مواد انتقادی که وضع نامساعد و نادرست بعضی از مؤسسات، ادارات و سازمان‌های حزبی را بر ملا می‌سازد نیز عملی می‌گردد. مثلاً روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» مقالات انتقادی را به نشر سپرده، همچنان رادیو صدای مردم شکایات و انتقادات مردم را پیوسته به اطلاع مقامات حزبی و دولتی می‌رساند. ضرورت ایجاب می‌کند که همه رسانه‌های گروهی با جرأت و شجاعت کمبودها و نقایص قابل ملاحظه را بر ملا سازند و ارگان‌های حزبی و دولتی با سرعت و به موقع تدابیر لازم را جهت رفع آن اتخاذ نمایند.

وسایل تبلیغ، ترویج و اطلاعات ما هنوز به تریبون همه مردم مبدل نگردیده است. علت آن تا حدود زیادی کار غیرقناعت‌بخش هیأت‌های تحریر مسئولین این ارگان‌ها می‌باشد. آنان موظف اند مبارزات مردم ما را به خاطر آرمان‌های انقلاب ثور و موفقیت در امر اعمار جامعه نوین بهتر و روشنتر انعکاس دهند. برای اینکار ژورنالیست‌ها باید زندگی را خوبتر بشناسند و عمیقتر مورد مطالعه قرار دهند. باید حجم اطلاعات از ولایات را افزایش بخشید و تعداد مصاحبه‌ها با افراد ساده و عادی را بیشتر ساخت و مواد نشراتی را با ارائه فاکت‌ها و مثال‌های روشن بیش از پیش قابل فهم برای وسیعترین قشرها ساخت.

سطح نشرات روزنامه‌های ولایتی باید تا حد قابل ملاحظه بالا برده شود و تعداد بیشتر نویسنده‌گان به کار آن جلب گردند. جلب کارمندان حزبی، مسئولین و کارمندان امور اقتصادی، اعضای سازمان‌های جوانان و زنان دیگر سازمان‌های اجتماعی زحمتکشان به کار رسانه‌های گروهی، مؤثریت و قدرت رزمنده‌گی این وسایل را تقویت میبخشد. باید کار تربیت نامه نگاران و خبرنگاران را از میان کارگران و دهقانان و آموزش آنانرا فعالتر و بهتر ساخت.

در کشور ما عملاً هنوز کار چاپ کتب و رسالات، نظم و ترتیب لازم و دائمی نیافته است. طبع آنها به وسیله موسسه «بیهقی» خصوصیت تصادفی و غیرپلان شده دارد، کنترول بالای فعالیت‌های چاپ و نشر کتب و هماهنگ ساختن این امر تقریباً وجود ندارد، زمان آن فرا رسیده است که در این امر مهم نظم و نسق واقعی به میان آید.

زمان آن فرا رسیده است که بالاخره سیستم مطمئن انتقال و توزیع مطبوعات منظم ایجاد گردد. درین ساحه، وضع نهایت خراب است. انتقال مطبوعات مرکزی به ولایاتی چون کندز، بدخشان، بغلان، کندهار، فراه و غیره کاملاً غیرقناعت‌بخش است. وظیفه و هدف آنست که سطح کار مطبوعات، رادیو و تلویزیون ارتقای قابل ملاحظه حاصل نماید و ندای حزب عمر چه نیرومندتر طنین اندازد تا به دور

افتادهمترین نقاط کشور و به گوش هر فرد هموطن ما برسد.

رفقا!

موفقیت کار سیاسی، به طور قطع به کادرهای ایدیولوژیک، انتخاب انتصاب و تربیت آنان وابسته‌گی دارد. امروز اردوی بزرگ کارمندان حزبی، مبلغین، مروجین، لکچر دهندگان و ژورنالیستان حرف حزب را به توده‌های انقلابی می‌رسانند. در مرحله کنونی تکامل روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان سطح توقعات از کادرهای ایدیولوژیک به طور قابل ملاحظه بالا رفته است. شرایط امروز خواهان اعتقاد، شور و شوق و صلاحیت آنان است. کارمندان جنبه ایدیولوژیک باید دارای دانش عمیق باشند و درک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب و زندگی اقتصادی و فرهنگی جامعه تسلط کامل داشته باشند و ترویج اندیشه‌های انقلابی و آرمان‌های انقلاب را با وظایف عملی موفقانه پیوند دهند. آنان همیشه باید پدیده‌های اجتماعی را به درستی روشنی توضیح دهند و از موقف و موضع حزبی ارزیابی و از دستاوردهای انقلابی دفاع نمایند. ناروایی اعمال ضدانقلاب داخلی و خارجی را با پیگیری و به طور مستدل افشا کنند.

بدیهی است که رزمنده پرتجربه سیاسی شدن کار ساده و سهل نیست، چنانکه رهبر زحمتکش جهان می‌آموخت: «چنین کارمندان را باید به طور فوق‌العاده انتخاب نمود، رشد داد، کارشناس ساخت و حفظ نمود.»

حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار معینی را درین جهت به پیش میرد. انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب در کابل به مرکز شناخته شده تربیت کادرهای حزبی مبدل گردیده است. هم اکنون بیش از دوهزار و پنجمصد نفر از اعضای حزب درین انستیتوت آموزش حزبی را فرا گرفته اند. نقشی انستیتوت در این امر مهم باید به طور دایمی افزایش یابد. در این رابطه باید خاطر نشان نمود که کمیته‌های حزبی و ارگان‌های مربوط قوای مسلح موظف اند به امر انتخاب افراد برای انستیتوت علوم اجتماعی و همچنان تقسیم فارغان آن با مسؤولیت بیشتر برخورد نمایند. هر فارغ انستیتوت از دانشی که فر گرفته است برای بهبود کار حزبی در محلات باید به طور کامل استفاده نماید. و این بهبود تنها با کدام بخش علیحده و جداگانه کار ارتباط ندارد. همه جهات فعالیت سازمان‌های حزبی اعم از سیاسی، تربیتی، سازمانی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید در یک نقطه به هم پیوند یابد. یک دیگر را تکمیل نموده غنای کیفی بخشید و منتج به اجرای مجموع وظایفی که در برابر ما قرار دارد، گردد. ما باید چنین برخورد را بیاموزیم و عمیقاً درک نماییم که هر موفقیت و یا ناکامی به طور ناگزیر بالای نتیجه کار در مجموع تأثیر می‌اندازد. به همین سبب بهبود کار سیاسی در میان توده‌ها امر صرف مربوط به کارمندان ایدیولوژیک نیست. این امر مشترک سراسر حزب، هر کمیته حزبی، هر سازمان حزبی و بالاخره هر

عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

رفقا!

ما باید در کار سیاسی خود بر علاوه اوضاع داخلی، وضع منطقه و جهان را نیز مدنظر داشته باشیم.

اوضاع بین‌المللی متشنج باقی مانده است، مداخله مسلحانه از خارج کشور که خصلت جنگ اعلان نشده واقعی را به خود گرفته و همچنان کمپاین خصمانه و دروغین علیه افغانستان انقلابی قطع نگردیده است. امپریالیزم جهانی از تلاش‌های خود به غرض استفاده از به اصطلاح «مسئله افغانستان» جهت تشدید تشنج بین‌المللی صرف نظر نکرده است.

ولی امروز به هر انسان دارای افکار سالم کاملاً واضح است که امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هرژمونیزم چین قادر نیستند انقلاب افغانستان را بدنام و خفه کنند و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در عرصه بین‌المللی تجرید نمایند.

کشور ما هرروز پشتیبانی و شناسایی بیشتر نیروهای مترقی و صلحخواه جهان را کسب می‌نماید. اکنون جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از شصت کشور جهان روابط دیپلوماتیک دارد. مناسبات ما با همسایه بزرگ شمالی اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی مخصوصاً مفید ثمربخش و همه جانبه می‌باشد. بازدید رسمی و دوستانه هیات عالی‌رتبه حزبی و دولتی کشور ما از جمهوری دموکراتیک آلمان که اخیراً صورت گرفت مظهر روشن این مناسبات است.

مناسبات با بسیاری از کشورهای در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک مردم یمن، ایتوپیا، لیبیا و امثال آنها با موفقیت رشد و توسعه می‌یابد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان روابط و همکاری خود را با جنبشی بین‌المللی کارگری، احزاب و سازمان‌های مترقی و دموکراتیک و جنبش آزادی‌بخش ملی با موفقیت رشد و توسعه می‌بخشد.

ما حق داریم بر همه اینها افتخار نماییم مخصوصاً می‌خواهیم اهمیت مجموع مناسبات با اتحاد شوروی را که در همه عرصه‌ها اعم از سیاسی، تجارنی، اقتصادی، علمی، تخنیکی، فرهنگی و غیره با موفقیت بسط و توسعه می‌یابد، خاطر نشان سازیم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اجلاس‌های اسامبله عمومی ملل متحد و سایر جلسات و گردهمایی‌های بین‌المللی همکاری نزدیک داشته اقدامات و گام‌های خود را در ساحه حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان و تحکیم صلح و امنیت در منطقه شرق میانه و جنوب شرق آسیا هماهنگ ساخته توحید می‌بخشند.

روابط رشد یابنده و استحکام پذیرنده میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب کمونیست اتحاد شوروی مهمترین عنصر مناسبات افغان شوروی را تشکیل می‌دهد.

ما به نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام مردم افغانستان از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، حکومت شوروی و از شخص لیونید ایلیچ بریژنف به خاطر کمک‌های همه جانبه و پشتیبانی وسیع از جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز امتنان عمیق و صمیمانه می‌نماییم. خاطره سپاسگزار همه وطنپرستان افغانستان این کمک‌ها را به مثابه مثال درخشان تبارز همبستگی برادرانه و انترناسیونالیستی هیچ‌گامی فراموش نخواهد کرد.

با ارزیابی عالی و ابراز رضایت کامل از سطح مناسبات با اتحاد شوروی و کمک همه جانبه، برادرانه، حیاتی، ضروری و انترناسیونالیستی شوروی به افغانستان، ما باید از جانب خود همه اقدامات مربوط را برای ارتقای مؤثریت هرچه بیشتر همکاری افغان شوروی انجام دهیم وظیفه و وجیبه هر عضو حزب و هر کارمند دستگاه دولت است تا سعی نماید که کمک عظیم اتحاد شوروی کاملاً مورد استفاده قرار گیرد و مردم ما درباره آن همه چیز را بدانند و اهمیت آنرا ارزیابی درست نمایند.

رفقا! ما بارها اظهار نموده ایم و باز هم اعلام می‌داریم که آرزوی ماست تا بر مبنای اراده نیک، تعقل و خردمندی و از طریق مذاکرات سازنده مناسبات متقابل خود را با همسایه‌های شرقی و غربی یعنی پاکستان و ایران عادی و حتی دوستانه سازیم. ما به طور پیگیر و مصمم به مساعی خویش جهت حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همسایه ادامه می‌دهیم.

ما بارها پیشنهادهای سازنده و مفید را که هم منافع کشور ما و هم منافع دیگران را مد نظر داشته است، مطرح ساخته ایم. در مذاکرات اخیر وزرای خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان در ژنیو از طریق نماینده خاص سرمنشی ملل متحد ما با پیشنهادهای مفید اشتراک ورزیدیم. مذاکرات نشان دادند که اساس‌های جهت حصول توافقات قابل قبول برای هر دو طرف در مجموع مسایل مربوط به حل و فصل سیاسی همه جانبه وجود دارد و فقط اراده نیک و حسن تفاهم لازم است تا اختلافات موجود راحل نمود. ما حاضریم تا آنجایی که مربوط به جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌گردد نیمه راه مربوط به خود را به خاطر بهبود اوضاع در منطقه و عادی ساختن مناسبات با پاکستان و ایران طی نماییم.

ما با پیروی از مشی سیاست خارجی خود در برابر مسایل مربوط به شرق نزدیک موقف روشن و صریح داریم. چنانکه معلوم است جهان در چند هفته اخیر شاهد تجاوز جدید و خونین صهیونیست‌ها و الهام دهندگان و کمک کنندگان مستقیم شان

یعنی امپریالیست‌های امریکا علیه لبنان و مردم عرب فلسطین بودند. در عقب تجاوز اخیر اسرائیل طرح‌های استراتژیك تل ابیب و واشنگتن جهت مطیع ساختن کشورهای عربی به تسلط و حکمروایی امپریالیستی یکی بعد از دیگر، تضعیف ویرانگنده‌گی بازهم بیشتر عرب‌ها، خفه ساختن مبارزات رهایی‌بخش ملی خلق‌ها درین منطقه پنهان است.

مردم افغانستان همراه با همه نیروهای مترقی جهان رهزنی و تجاوز بی‌شرمانه اسرائیل را در لبنان و مشی ماجراجویانه ایالات متحده امریکا را در شرق نزدیک شدیداً تقبیح نموده قطع فوری تجاوز و خروج کامل و بدون قید و شرط عساکر اسرائیلی را از خاک لبنان می‌طلبند.

افغانستان انقلابی که خود آماج تجاوز و مداخله مسلحانه نیروهای امپریالیستی و ارنجاعی قرار گرفته است، همبستگی و پشتیبانی کامل خود را با خلق لبنان، نیروهای ملی و وطنپرست آن کشور، جنبش مقاومت فلسطین و دیگر خلق‌های عرب در مبارزه عادلانه شان به خاطر حقوق قانونی خود، علیه امپریالیزم و صهیونیزم اعلام میدارد.

رفقا!

ما با رضایت می‌توانیم خاطر نشان سازیم که کشور ما در حل مثبت پروبلم‌های منطقه و جهان نقش کوچک ولی شایسته خود را ایفا می‌کند این سهم ما تنها در ارائه ابتکارات سیاست خارجی تبارز نمی‌کند، بلکه تحکیم و توسعه دستاوردهای انقلابی ما، تکامل بیشتر انقلاب ثور، استحکام نظام نوین در افغانستان و تأمین برگشت ناپذیری از راهی که انتخاب نموده ایم، عمدترین مظاهر این سهم می‌باشد.

به پیش در این راه پرافتخار و رهایی بخش، بدون تزلزل و هراس!

رفقا ما مسلماً پیروز می‌شویم!

بیانیه در جلسه وسیع هیات سوق و اداره اردوی ج. د افغانستان ۲۱ اسد ۱۳۶۱

بهبود وضع اردو، حل مسایل داغ انقلاب و تحکیم قدرت دولتی با وفاداری افسران به آرمان‌های حزب و مردم و فعالیت فداکارانه و مبارزه پیگیر آنان ارتباط ناگسستنی دارد

رفقای گرامی!

برای من صحبت و ملاقات با جنرالان و افسران اردوی قهرمان و انقلابی همیشه موجب رضایت و خشنودی عمیق می‌گردد. مسرت دارم که در این گردهمایی باشکوه، شادباش‌ها و آرزومندی‌های نیک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان شخص خود را به شما نماینده‌گان اردوی قهرمان و از طریق شما به همه منسوبین قوای مسلح انقلابی می‌رسانم.

بهبود وضع اردو، حل و فصل مسائل داغ انقلاب و تحکیم قدرت دولتی با وفاداری افسران، به آرمان‌های حزب و مردم و فعالیت فداکارانه و مبارزه پیگیر آنان ارتباط ناگسستنی دارد.

رفقا!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بیروی سیاسی آن تدابیر مشخص را جهت تحکیم و توسعه قدرت دولتی اتخاذ نموده به امر تحکیم قدرت دفاعی کشور و تأمین احضارات محاربوی عالی قوای مسلح توجه و مواظبت دایمی معطوف میدارد. خدمت در قوای مسلح، در راه دفاع از انقلاب به حیث کار ضروری اجتماعی تلقی گردید جزء لاینفک امور عمومی دولتی جهت رشد همه جانبه جامعه ما و تأمین امنیت در جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد.

در شرایط کنونی مسایل نظامی یکی از مهمترین بخش‌های فعالیت ما را تشکیل می‌دهد که حل و فصل آن شرایط مساعد را جهت تحقق برنامه اجتماعی و اعمار زندگی نوین در افغانستان فراهم می‌سازد.

رهبری حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به تطبیق تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پلینوم‌های کمیته مرکزی، مشی مبنی بر سرکوبی و محو عناصر ضدانقلاب و بهبود سطح زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم و رشد فرهنگ ملی را ادامه می‌دهد.

نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مسایل مبرم و حیاتی را در رابطه با ارتقای سطح کار سیاسی فعال در میان توده‌ها و بسیج مردم و اردو جهت دفاع از انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین و تکاملی آن مورد غور و بررسی دقیق قرار داد. تدویر پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رویداد عظیم در رندمگی حزب و کشور ما بوده و در نصامیم آن وظایف مبرم کار سیاسی و سازماندهی ارگان‌های حزبی و دولتی، کادرهای قوماندانی و سیاسی قوای مسلح در میان تمام اقشار مردم و منسوبین قوای مسلح کشور ما تعیین شده است.

علی‌الرغم مشکلاتی که از طرف عناصر ضدانقلاب به وجود آمده است، مردم ما به موفقیت‌های انکارناپذیر در انکشاف اقتصاد ملی نایل گردیده اند. در کشور تولید محصولات عمده صنعتی مانند انرژی برق، زغال، سمنت و گاز طبیعی افزایش یافته است.

در سال ۱۳۶۰ کارهای انکشافی جیالوجیکی برای تمدید لین برق و لتاژ بلند از اتحاد شوروی به کابل به پایان رسید. استخراج گاز طبیعی به اندازه دو اعشاریه شش میلیارد متر مکعب بود.

همین اکنون تدابیر ضروری جهت انکشاف زراعت عملی می‌گردد. اصلاحات دموکراتیک ارضی و تقسیم زمین و آب به نفع دهقانان با پیگیری پیش برده می‌شود. بیش از (یکهزار و دوصد) کوپراتیف زراعتی که اضافه از دوصد هزار دهقان را متشکل می‌سازد، به وجود آمده است.

دولت به دهقانان از طریق دادن قرضه‌ها، تهیه وسایط تخنیکی، تخم بذری و کود کیمیایی مساعدت می‌نماید. در سال گذشته در حدود دو اعشاریه پنج ملیون دهقان از دولت قرضه دریافت نموده اند، این امر موجب آن گردید تا محصولات خوب جمع آوری گردیده در ساحه مالداری وضع ثابت حفظ گردد.

در ساحه تجارت تحولات مثبت رونما گردیده است. در این زمینه همکاری با اتحاد شوروی و سایر کشورهای شورای تعاون اقتصادی اهمیت بزرگ داشته و دارد. تنها از مدرک فروش گاز طبیعی به اتحاد شوروی، دولت مبلغ بیش از دوصد و شصت و هشت ملیون دالر مفاد به دست آورده است.

حجم صادرات در سال ۱۳۶۰ افزایش یافته در مجموع معادل ۷۱۷ ملیون دالر را تشکیل می‌دهد. این رقم مبلغ سه صد و ده ملیون دالر بیشتر از اندازه واردات کشور بوده شاخص مهم رشد اقتصادی را می‌سازد.

جای مسرت است که علی‌الرغم تلاش‌ها و خرابکاری‌های دشمنان انقلاب، حیثیت و اعتبار جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین‌المللی ارتقا و استحکام می‌یابد. درین امر روابط مستحکم برادرانه ما با اتحاد شوروی بزرگ و تمام کشورهای

جامعه سوسیالیستی و همبستگی انقلابی خلق‌های جهان با انقلاب ما، زمینه مساعد را ایجاد نموده است.

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر اساس اصول صلح، عدالت و احترام به معیارهای بین‌المللی استوار است. ما در جهت برقراری مناسبات عادی و متقابلاً مفید با کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان سعی می‌ورزیم.

شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ابتکارات مهمی را در عرصه سیاست خارجی به عمل آورده اند. در ارتباط به این موضوع که مداخله مسلحانه در کشور انقلابی ما عمدتاً از خاک پاکستان صورت می‌گیرد، باز هم به دولت پاکستان پیشنهاد شده است که در مورد مسایل مربوط به عادی ساختن مناسبات طرفین مذاکره صورت گیرد. ما پیشنهاد خود را به حکومت ایران جهت پیشبرد مذاکرات به منظور برقراری مناسبات دوستانه بین دو کشور تأیید می‌نماییم.

هدف از این ابتکارات خاتمه دادن به مداخله مسلحانه ارتجاع امپریالیستی در امور داخلی افغانستان و تضمین بین‌المللی امنیت کشور ما می‌باشد.

تحکیم متداوم مواضع داخلی و موقف بین‌المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان، آتش به جان امپریالیزم جنایتکار امریکا، همدستان چینیایی آن و تمام محافل ارتجاع بین‌المللی افکنده است. آنان پیوسته و مذبحخانه تلاش می‌ورزند که با استفاده از تمام وسایل و ذرایع، مانع نوسازی انقلابی وطن باستانی و زنده‌گی اجتماعی ما گردند.

پروژه مترقی رشد و تکامل انقلاب ما مخصوصاً موجب خشم و دیوانه‌گی نیروهای امپریالیستی ایالات متحده امریکا شده و اعمال ارتجاعی امپریالیست‌های امریکایی برضد افغانستان انقلابی به جزء لاینفک سیاست عام و تجاوزکارانه آن کشور مبدل گردیده است.

امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا با زیر پا نمودن حقوق بین‌المللی و نادیده گرفتن همه معیارهای حیات بین‌المللی، با پیش‌روی خاص مناطق مختلف جهان را به نام ساحة منافع حیاتی خویش و خود را به نام مدافعین آزادی اعلان می‌نمایند. اما سیاست تجاوزکارانه را نمی‌توان با اصطلاحات جعلی پنهان کرد.

مردمان جهان به خوبی می‌دانند امپریالیست‌های ایالات متحده امریکا مدافعین رژیم‌های فاشیستی و خونخوار، سازمان دهنده تجاوز علیه کشورهای آزاد شده و الهام دهنده جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشند.

ایالات متحده امریکا در همدستی با هژمونیست‌های چینیایی، خاک پاکستان را به مرکز تربیت عناصر ضدانقلاب مبدل کرده و مانند سابق از طریق سرحدات، انتقال عناصر ضدانقلاب، ارسال اسلحه و مهمات به سرزمین انقلابی ما، سازمان داده

می‌شود. باید دقیقاً درک کنیم که عناصر ضدانقلاب به حمایه وسیع اقتصادی و نظامی ارتجاع بین‌المللی تلاش می‌ورزند تا وضع متشنج را در کشور ما حفظ نمایند، خرابکاری اقتصادی را به طور دوامدار سازمان دهند و تأمین مردم از لحاظ مواد ارتزاقی و کار ترانسپورتی و تجارتي را با مشکلات مواجه سازند.

روی این منظور، دشمن، اعمال تروریستی و خرابکارانه خود را بیشتر از همه متوجه خطوط مواصلاتی و راه‌ها نموده به ایجاد مخفی گاه‌ها و ذخیره نمودن اسلحه و مواد ارتزاقی در مناطق صعب العبور ادامه می‌دهد.

در عین زمان اشرار تلاس می‌ورزند تا از طریق فریب، ایجاد ترس و سوءاستفاده از احساسات مذهبی مسلمانان، بالای اهالی کشور تأثیر وارد نمایند.

بنابراین وضع موجود از ما میطلبد تا بیداری و هوشیاری اردو و مردم را ارتقا بخشیم. مردم ما از ظلم و ستم و چورو چپاول اشرار به سئو آمده و خواهان زندگی صلح‌آمیز هستند تقاضا دارند که باندهای اشرار به سرعت نابود گردند. لذا وظیفه نزدیک و درجه اول ما عبارت از تأمین زندگی آرام، امحای عناصر ضدانقلاب در مناطق مهم حیاتی کشور و دفاع اطمینان بخش از انقلاب است.

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دفاع از انقلاب را به مثابه وظیفه درجه یک حزب و تمام مردم افغانستان و وجیبه پرافتخار و عالی قوای مسلح نامیده است. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اردو را به مثابه نیروی اصلی و منظم در سرکوبی دشمنان و عادی شدن وضع در کشور می‌شمارد.

اردو شمشیر بران انقلابی مردم رحمتکش ماست که دست و پای دشمنان طبقاتی را قطع و سد راه اعمال وحشیانه آنان می‌گردد. جزو نام‌ها و قطعات اردو همراه با جزو نام‌های خاندنوی، خاد و فعالین حزبی نمونه‌های بی شماری از وفاداری به وطن و انقلاب را از خود نشان داده اند.

در رشد قوای مسلح بخصوص در سال جاری موفقیت‌های مهم به دست آمده است. با کمک بیشایبه اتحاد شوروی و مواظبت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، قدرت آنها استحکام یافته و امکانات اوپراتیوی و تکنیکی ارتقا می‌یابد. ساختار تشکیلاتی قوت‌ها و فعالیت سیاسی و محاربوی منسوبین نظامی بهبود می‌یابد.

در مرحله کنونی، وظایف اساسی و شریفانه اردو را دفاع از سرزمین مقدس ما در برابر تجاوز، قطع دسایس و تحریکات مسلحانه عناصر ضدانقلاب و سرکوبی قاطعانه باندهای جنایتکار تشکیل می‌دهد. با رضایت کامل باید اظهار کرد که این وظایف تاریخی با افتخار انجام می‌پذیرد که عملیات مؤثر محاربوی در مناطق مهم حیاتی کشور نمایانگر آنست.

ضرباتی که بالای دشمن در مناطق قندهار، پنجشیر، غزنی و لغمان وارد گردیده، گروه‌های متعدد اشراک را محو و سرکوب ساخته است. با پیروزی قوای مسلح يك تعداد باندها حاضر شده اند تا سلاح خود را بر زمین گذارند و در عین زمان آن نیروها و اقوام که قبلاً جانب بیطرفی را داشتند، فعلاً به طرفداری از انقلاب برخاسته اند. از این جریان باید جهت تأمین تحولات کامل در مبارزه علیه ضدانقلاب استفاده گردد.

ضرورت عینی دفاع از انقلاب به طور قطعی توجه جدی ارگان‌های حزبی و دولتی و کادرهای رهبری کننده نظامی را به امر تحکیم دوامدار قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌طلبد.

تحقق این وظیفه مهم یا حل پرابلم‌های زیاد سیاسی، تشکیلاتی، نظامی، کادرها و غیره ارتباط دارد. می‌خواهم توجه شما را به جهات اصلی و عمومی تحکیم قوای مسلح که عبارت از بلند بردن قدرت محاروبی و فعال بودن پرسونل نظامی است، جلب کنم.

یکی از عمده‌ترین جهات در تحکیم قدرت محاروبی قوای مسلح عبارت از کار فعال سیاسی در میان توده‌های نظامیان و اهالی است. باید خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی کار سیاسی اهمیت قاطع را در بسیج توده‌ها و جهت سرکوبی عناصر ضدانقلاب دارد و مفهوم آن را پرورش مدافعین ثابت قدم انقلاب با روحیه وفاداری به حزب و مردم تشکیل می‌دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد ترتیب و تنظیم عالی کار سیاسی و پرورشی در قطعات و تحکیم روحیه انقلابی سربازان و افسران، اقدامات لازم اتخاذ کرده است. به طور عموم پرسونل قوای مسلح سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی خویش را درست درک کرده در عمل پیاده می‌نمایند. هزاران سرباز، خردصابط و افسر در مبارزه با ضدانقلاب از خود قهرمانی‌ها نشان داده با شجاعت و مردانگی و طیفه وطنپرستانه خویش را در برابر وطن و انقلاب انجام می‌دهند. این امر نتیجه کار بزرگ و برخوردار جدی بسیاری از قوماندانان و کارکنان سیاسی، سازمان‌های حزبی و جوانان، جنرالان و افسران می‌باشد که در این تالار حضور دارند. مگر طوری که در کنفرانس سرتاسری و نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ذکر شده است، محتویات کار سیاسی و مطالبات زمانی عقب مانده است و نیازمند بهبود جدی می‌باشد. در سازماندهی کار سیاسی باید خصوصیات ذیل در نظر گرفته شود:

نخست از همه باید خصلت وقایع داخلی کشور، وحدت مبارزه طبقاتی که قوای مسلح در آن سهم مستقیم دارد، در نظر گرفته شود. همیشه باید به خاطر داشت که دشمن طبقاتی در تلاش نفوذ در اردو و تضعیف قدرت و توانایی و عدم اشتراک آن در دفاع

از انقلاب می‌باشد.

ثانیاً باید عنعنات و رسوم ملی، فرهنگی و مذهبی مردم افغانستان را جداً مدنظر گرفت و بر مبنای این عنعنات می‌توان و باید هم روحیه وطنپرستی و برخورد درست نسبت به انقلاب را پرورش داد و هم تلاش‌های دشمنان را به عرض سوءاستفاده از احساسات مذهبی و ملی و بی‌سوادی سراسری اهالی خنثی نمود.

ثالثاً اینکه پشتیبانی بین‌المللی از انقلاب و کمک برادرانه اتحاد شوروی برای ما اهمیت خاص دارد. اتحاد شوروی یکی از منابع مطمئن تربیت و پرورش مردم با روحیه اعتقاد کامل به پیروزی بر دشمنان و برگشت ناپذیری تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با در نظر داشت خصوصیات فوق، بهبود مذاوم کار سیاسی را تسریع کننده قوی مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب می‌شمارد. این بهبود با حل یک عده مسایل مهم ارتباط دارد.

نخست از همه باید به تشکل آگاهی و شعور انقلابی سربازان، خردضابطان و افسران به مثابه هسته کار سیاسی و تربیتی توجه نمود. محتوای اصلی و عمده آن را پرورش روحیه وفاداری به وطن، نفرت نسبت به دشمنان طبقاتی، در سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اهداف و دورنماهای انقلاب ثور و ضرورت دفاع قاطعانه از آن تشکیل می‌دهد، در ذهن بسیاری از منسوبین عسکری درباره اهداف انقلاب و دشمنان تصور دقیق وجود ندارد. در کشور ما مبارزه حاد طبقاتی در جریان است. اما متأسفانه بعضی شدت اهمیت آن را درک نمی‌کنند.

لذا به کار سیاسی و تربیتی در قوای مسلح باید خصلت تعرضی و رزمی عالی داده شود. باید در نظر گرفت که ایدیولوژی انقلابی ما از لحاظ روحیه، تعرضی می‌باشد. ریاست عمومی امور سیاسی، قوماندانان و کارکنان سیاسی تمام فرقه‌ها و سازمان‌های حزبی باید به افسران، خردضابطان و سربازان حساس بودن وضع کشور و مقاصد پلید اشرار را به طور قناعتبخش تشریح و توضیح نمایند. باید نظامیان را با روحیه نفرت نسبت به دشمنان انقلاب و قاطعیت پرورش نمود تا در هر لحظه برای سرکوبی باندهای ضدانقلاب حاضر باشند.

مسئله دوم عبارت از تقویه نقش و تأثیر سازمان‌های حزبی در حل مسایل نظامی و تحکیم انضباط و دسپلین در قطعات می‌باشد. سازمان‌های حزبی اردو بخش عظیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تشکیل می‌دهند که در صفوف آن بیش از بیست هزار عضو اصلی و آزمایشی موجود است. قوماندانان و کارکنان سیاسی باید از نیرو و اعتبار آنها به طور فعال استفاده نمایند. باید در نظر داشت که برای سازمان‌های حزبی وظیفه اساسی تمام فعالیت‌شان را کار پرورشی تشکیل می‌دهد. از طریق

سازمان‌های حزبی باید آرمان‌های حزبی را بین توده‌ها پخش نموده و همه اعضای حزب و تمام پرسونل قوای مسلح را جهت امحای عناصر ضدانقلاب بسیج نمود.

وحدت و همبستگی صفوف حزب در اردو به منظور تحکیم قوای مسلح و دفاع مطمئن انقلاب ثور اهمیت میرم و عظیم دارد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحکیم مزید وحدت حزب را به حیث پرابلم اساسی و عمده انکشاف موفقانه دولت ما تلقی می‌نماید. قابل یادآوری است که بعد از کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ارگان‌های سیاسی قوای مسلح کار وسیع را جهت تحکیم همبستگی صفوف حزب و تأمین فضای رفیقانه در کلکتیف‌های حزبی به پیش می‌برند. این امر تأثیر مثبت را در تحکیم اعتبار حزب ما داشته نفوذ آنرا در میان توده‌ها گسترش می‌بخشد.

مسئله سوم، قوماندانان و کارکنان سیاسی باید ارتباط مستحکم کار سیاسی را با زندگی و عملیات محاروبی قوت‌ها تأمین نمایند. در امور پرورشی و تربیتی عناصر شکل‌گیری و برخورد سطحی با کار مجاز نیست. ارتباط مستحکم کار سیاسی با وضع کشور و با مجموع فعالیت قطعات و جزو تام‌ها، امکان آن را میسر می‌سازد که مسایل مربوط به تعلیم و تربیه و پرورش، تحکیم دسپلین و قدرت رزمی و طرح پیشنهادهای مشخص در مورد بلند بردن مورال سیاسی و روحی سربازان و افسران برای اشتراک در عملیات محاروبی به شکل بهتر حل گردد.

در تجربه مثبت فرقه هجده پیاده، نتایج ابتکار عمل و تحقق پرنسبپ و ارتباط با اجرای وظایف عملی به خوبی به مشاهده می‌رسد. قوماندانان و آمران سیاسی آن، مناسبات نیک را با ریش سفیدان اقوام برقرار ساخته اغلب با آنان ملاقات می‌نمایند و به خواسته‌های اهالی منطقه جواب قناعت‌بخش می‌دهند. در نتیجه آن، وظایف سیاسی و پرورشی نظامی و مبارزه با باندهای اشرار به صورت بهتر اجرا و پلان داده شده جلب و احضار برای فرقه، تقریباً عملی گردید.

همچنان بسیاری از قطعات و جزواتم‌های قوای مسلح در فراگیری فن محاربه مدرن به نتایج قناعت بخش نایل آمده و در مبارزه با اشرار از خود فعالیت جدی نشان داده و می‌دهند که می‌توان از لوای سی و هفت کوماندو، فرقه‌های یازده و هفده و هجده، لوای بیست و یک میکانیزه، لوای هفت و پانزده زره‌دار، لوای هشتاد و هشت توپچی، غنند چهارصد و چهل و چار کوماندو، غندهای سه صد و پنجاه و پنج و سه صد و شصت و شش هوایی و غیره نام برد. بدون تردید درین موفقیت‌ها قوماندانان، کارکنان سیاسی، تمام کادر افسران، سازمان‌های حزبی و جوانان سهم فعال داشته و دارند. مهمترین جهات تحکیم اردو با بلند بردن سطح احضارات محاروبی و ارتقای فعالیت محاروبی قطعات و جزواتم‌های بزرگ ارتباط دارد.

وضع فعلی قطعات و جزواتامها و فعالیت محاربوی آنها علیه ضدانقلاب نشان می‌دهد که بعضی از جزو تامها، فعالیت محاربوی را به شکل ضعیف پیش برده، اراده خود را بر اشرار تحمیل نکرده و یک محیط غیرقابل تحمل را برای اشرار به وجود نمی‌آورند. این وضع برای اشرار امکان تجمع قوتها را می‌دهد. بعضی از قوماندانان به شیوه‌های مؤثر تکتیکی آشنایی نداشته و معلومات شان درباره دشمن ضعیف و نامکمل بوده و در اثنا فعالیت محاربوی از خود ابتکار نشان نداده، به شکل یکنواخت عمل می‌کنند.

باید خاطر نشان سازم که در امر احضار قوتها برای اجرای عملیات محاربوی یک عده نواقص جدی موجود است. هیات رهبری قوای مسلح، قوماندانان و کارکنان سیاسی نباید سطح احضارات محاربوی را کاهش دهند. پرسونل اردو باید از سلاح خود استفاده ماهرانه نمایند و کادر افسران باید سوق و اداره قطعات و جزواتامها را با هنر عالی انجام دهند.

به برکت کمک‌های برادرانه و بی‌شائبه اتحاد شوروی، قوای مسلح ما اسلحه و تخنیک محاربوی مدرن را که برای دفاع از انقلاب شکوهمند ثور و پیشبرد فعالانه عملیات محاربوی ضروریست، در اختیار دارد.

ولی متأسفانه در بعض موارد، در نگهداری، مراقبت و استعمال اسلحه و تخنیک محاربوی در قطعات و در جریان محاربه برخورد غیرمسئولانه صورت می‌گیرد که غیرقابل عفو بوده نمایانگر عدم توجه قوماندانان، آمرین سیاسی و ضعف کار سازمانی، سیاسی و تربیتی درین مورد می‌باشد.

هیات رهبری اردو و همه جنرالان و افسران باید اولتر از همه کنترول و نظارت جدی را در مورد محاسبه محافظه و مراقبت اسلحه و تخنیک محاربوی در قطعات ترتیب و تنظیم نمایند.

ثانیاً باید سیستم تعلیم و تربیه پرسونل را به خاطر فراگیری معلومات نظامی که جوایگوی مقتضیات زمان باشد تکمیل نمایند و بهبود بخشند. هر سرباز، خردضابط و افسر باید به طور عالی بر سلاح و تخنیک محاربوی دست داشته خویش، مسلط باشد.

ثالثاً باید تبلیغ وسیع و نمایش عملی قدرت و امکانات عالی محاربوی اسلحه و تخنیک محاربوی که در صفوف مختلفه اردو موجود است، سازمان داده شود. کار با کادر افسران یکی از وظایف اساسی کار سیاسی در قوای مسلح و ارتقای قابلیت محاربوی قوتها را تشکیل می‌دهد. ما این مسئله را چندین بار با هیات رهبری، قوماندانان و کارکنان سیاسی مورد بحث و بررسی قرار داده ایم. این مسئله امروز هم بسیار مبرم و عمده است. کادر افسران هسته و حلقه اساسی قوای مسلح می‌باشد. بدون مسئله

تعلیم و تربیه و پرورش سیاسی افسران مسلکی و بلند بردن ابتکارات و حس مسؤولیت شان در برابر وظیفه باید در مرکز توجه قوماندانان، امرین سیاسی و همه سازمان‌های حزبی قرار داشته باشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به افسران توجه دائمی داشته و از وضع آنان مواظبت می‌نمایند. تنها در آستانه چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند شور به ده هزار منسوب عسکری ترفیع داده شد و بیش از سه هزار افسر که در میدان محاربه قهرمانی و شجاعت از خود نشان داده اند، مفتخر به دریافت نشان‌ها و مدال‌های دولتی گردیدند همچنان به تأمینات مادی جنرالان و افسران قوای مسلح توجه زیادی مبذول گردیده است. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برحق می‌تواند که مطالبات زیادی از جنرالان و افسران قوای مسلح داشته باشد. افسران و جنرالان باید حس مسؤولیت شخصی مادونان خود را در مورد بلند بردن سطح احضارات محاربوی و سر نوشت انقلاب ارتقا بخشند.

یکی از نواقص جدی که در فعالیت بعضی از جنرالان و افسران به نظر میرسد اینست که آنان با مادونان و سربازان خود کمتر ملاقات می‌کنند و با آنان پیرامون مسایل مردم مبارزه حیاتی در وطن انقلابی ما صحبت به عمل نمی‌آورند، لازم است که هیات رهبری در کار سیاسی و تربیتی شخصیه اشتراک ورزند. باید به فطعه، جزو تام و نزد سربازان رفت و با کلمات ساده و قابل فهم به طور مستقل مصوبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مغز، شعور قلب هر سرباز رساند به نحوی که خود به صورت داوطلبانه این مصوبات را در عمل پیاده نمایند.

کار سیاسی در قوای مسلح نمی‌تواند از فعالیت عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در میان مردم جدا باشد. وظایف اردو در مرحله کنونی گوناگون و زیاد است. مبارزه اردو علیه باندهای ضدانقلاب و اشتراک در جلب و احضار جوانان به قوای مسلح با تحکیم قدرت دولتی در مناطق آزاد شده و با کار وسیع تبلیغی و ترویجی در میان اهالی توأم می‌باشد.

در اجرای وظایف فوق تحکیم ارتباط بین اردو، خاندوی، خاد، سازمان‌های حزبی و ارگان‌های محلی دولتی اهمیت قابل ملاحظه را داراست.

باید به امر تشکیل و تربیه گروپ‌های مسلح از میان اهالی برای اجرای وظایف محافظه وی در مناطق و قریه های شان کمک و همکاری نمود که در نتیجه آن قوت‌های قابل ملاحظه‌ای از اردو برای مبارزه اکتیف بر علیه اشراغ فارغ می‌گردند.

سازماندهی جلب و احضار جوانان به خدمت مقدس عسکری یکی از جهات عمده تحکیم قابلیت محاربوی قوای مسلح می‌باشد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق

افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای ترتیب و تنظیم جلب و احضار جوانان به قوای مسلح تدابیر معینی اتخاذ نموده اند. ضمایم قانون مکلفیت عمومی عسکری که دارای اهمیت می‌باشد، تصویب شده است.

روند زندگی صحت، حقانیت و به موقع بودن تدابیر مذکور را ثابت کرد، ما موفق شدیم که در سال جاری تعداد عمومی پرسونل قوای مسلح را تدریجاً بالا ببریم.

حل موفقانه مسئله جلب و احضار مستلزم آنست که کار تبلیغ و ترویج میان اهالی و در زون‌ها مسؤولیت جزو نام‌های بزرگ بهبود یابد. درین کار باید از خود ابتکار نشان داد. به ریش سفیدان، روحانیون و وطنپرست و نماینده‌گان تماس‌های نزدیک برقرار کرد. اعتماد مردم را نسبت به حزب و دولت انقلابی خویش جلب نمود. بدون شک این کار باید دوشادوش با نماینده‌گان خارتدوی، خاد و ارگان‌های قدرت دولتی پیش برده شود. زیرا که مسؤولیت آنها در امر جلب و احضار جوانان قوای مسلح وارد و یکسان است. در قطعات و جزو نام‌ها باید نظم و دسپلین عالی نظامی را برقرار نمود و از وضع معیشتی، آب‌تاشه و اعاشه مادونان و سربازان مواظبت دایمی به عمل آورد و تعلیم و تربیه عالی محاربه‌وی و سیاسی آنان را سازمان داد.

رفقای عزیز!

در مرحله کنونی یعنی مرحله دگرگونی‌ها و تحولات عظیم انقلابی در وطن ما، اردو، خارتدوی، خاد و همه نیروهای وطنپرست کشور افتخار بزرگ دارند که سلاح به دست از منافع عادلانه زحمتکشان کشور دفاع می‌نمایند. کادرهای رهبری و هرکسی که وطن و انقلاب برایش گرامی است باید عظمت و وظایف تاریخی را که در برابر حزب، مردم و قوای مسلح پرافتخار ما قرار دارد به خوبی درک نمایند.

شما جنرالان و افسران مسؤولیت بزرگ را در امر تعلیم و تربیه منسوبین و تحکیم قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر حزب و مردم به عهده دارید.

هر قدری که این مسؤولیت را دقیقاً درک کنید هر قدری که فعالانه کار نمایید به همان اندازه وظایف دفاع از انقلاب پیروز‌مندان و موفقانه اجرا می‌شود.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان کامل دارد که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجرای وظایفی که کنفرانس سرناسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر شان مطرح ساخته است، به پیروزی‌های نوین نایل می‌گردند.

فقط کار دوامدار، پیگیر و خستگی‌ناپذیر هر یک از حلقه‌های ارگانیزم حزبی، دولتی و نظامی باعث می‌گردد که ما با غرور و افتخار وظایف وطنپرستانه انقلابی خویش را اجرا کنیم و زندگی صلح‌آمیز و مرفه را برای هموطنان خود تأمین نماییم.

بهبود وضع اردو، حل مسایل داغ، انقلاب و تحکیم قدرت دولتی ...

پیروز باد قوای مسلح قهرمان ما این یاسداران و مدافعین واقعی انقلاب ثور و مرحله
نویں و تکاملی آن!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان این نیروی رهبری کننده و سازمان دهنده
جامعه ما!

به پیش در راه پیروزی نهایی و کامل!

ما مسلماً پیروز می‌شویم!

بیانیه به مناسبت ۶۳ مین سالگرد استرداد استقلال کشور ۳۷ اسد ۱۳۶۱

حماسه قیام رهایی‌بخش مردم افغانستان برای همیشه در خاطره همه وطن پرستان میهن انقلابی ما زنده می‌ماند

هموطنان عزیز، خواهران و برادران!

اجازه دهید، قبل از همه به مناسبت شصت و سومین سالگرد استرداد استقلال کشور، از جنگ امپریالیزم خونخوار انگریز به شما هموطنان عزیز، به شما وطنپرستان کشور شادباش‌ها و تمنیات نیک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و شخص خود را تقدیم دارم و با غرور و افتخار بر تاریخ پر جلال، سرشار از شهامت و مشحون از قهرمانی‌های مردم زحمتکش افغانستان و تمجید از حماسه آفرینی بی‌مانند نیروهای ملی و وطنپرست این مرزوبوم که داغ ننگ بر جبین بزرگترین استعمارگر امپریالیست جهان نهادند، دروهای بی‌پایان و سپاسگراری بیکران را نثار روان پاک همه شهدای راه آزادی وطن نمایم.

هموطنان و خواهران و برادران!

حماسه قیام رهایی‌بخش مردم افغانستان که در زمان خود از حوادث پراهمیت و بی‌نظیر در آسیا و در قلب آن به شمار می‌رفت و منتج به استرداد استقلال سیاسی کشور گردید و بزرگترین امپراطوری استعماری جهان را با برتری غیرقابل مقایسه از لحاظ نیروهای مسلح به زانو درآورد، برای همیشه در خاطر همه وطنپرستان افغانستان زنده و مایه افتخار جاویدانی مردم ما خواهد بود.

پیروزی مردم افغانستان در نبرد نابرابر با امپریالیزم انگلیس که تازه در جنگی غارتگرانه امپریالیستی فاتح گردیده بود، در نتیجه عوامل مساعد ملی و بین‌المللی میسر گردید. قیام گسترده و متحدانه خلق‌های قهرمان و حماسه ساز افغانستان اعم از پشتون‌ها، تاجک‌ها، هزاره‌ها، بلوچ‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، نورستانی‌ها و غیره در یک جبهه ملی که با جانبازی‌ها و از خودگذری‌های فراوان صورت گرفت در نقطه اوج خود، شکست مفتضح را نصیب تجاوزکاران انگلیس نمود و به تسلط آنان خاتمه بخشید. و باید یک بار دیگر تأکید نمود که رمز پیروزی مردم ما را در برابر بزرگترین قدرت استعماری وقت وحدت در راه آزادی کشور و اتحاد همه مردم به خاطر این هدف بزرگ و ملی تشکیل میداد.

باید خاطر نشان نمود که پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تأثیر بزرگ معنوی و عملی را بر جنبش آزادی‌خواهان مردم ما وارد کرد، شکست مداخله گران انگلیسی در ماورای کسپین و بیرون راندن آنان از آسیای میانه به دست اردوی سرخ شوروی و پشتیبانی فاطح جمهوری جوان شوروی از حق استقلال و حاکمیت مردم افغانستان پشتوانه مطمئن مردم افغانستان در مبارزه علیه نیروهای امپریالیستی بود و شرایط مساعد را از لحاظ بین‌المللی تأمین نمود. دولت جوان شوروی از آوان ایجاد خود تحت رهبری دوست بزرگ خلق‌های افغانستان و همه زحمتکشان جهان ولادیمیر ایلیچ لنین، دست نیرومند دوستی و کمک را به مردم آزاد افغانستان دراز نمود که تا امروز عامل قطعی در حفظ حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور در برابر دسائیس و توطئه‌های گوناگون امپریالیزم به شمار می‌رود.

هموطنان گرامی!

درین هنگام تجلیل از شصت و سومین سالگرد استرداد استقلال کشور، مردم افغانستان به حق بر کارنامه‌های تاریخی مبارزان راه آزادی کشور مباحات و فخر می‌نمایند و از نام فرزند وطن غازی امان‌الله که استقلال کشور در زمان وی با بیکار مقدس توده‌های مردم و به قیمت جان‌های شیرین و ارزشمند شهیدان راه آزادی حاصل گردید، با نیکی و تمجید فراوان یادآوری می‌کنند.

این امر که بیکار دلیرانه و موفقانه مردم افغانستان در برابر امپریالیزم انگلیس و استرداد استقلال کشور ضربه محکمی بر زنجیر استعمار وارد نمود و موجب گسترش مبارزات آزادی‌خواهی در کشورهای آسیا گردید، مایه افتخار همیشگی ما بوده و خواهد بود.

خواهران و برادران هموطن!

استقلال افغانستان که باجانبازی و از خودگذری فرزندان برومند وطن و سرسپرده گان راه آزادی و قهرمانی توده‌های مردم به دست آمد، با توطئه‌ها و نسائیس استعمارگران مکار انگلیس به همراهی ارتجاع سیاه داخلی، در معرض خطر نابودی قرار گرفت و تا دیرزمانی آرمان‌های پاک این شهیدان راه استقلال و خواست‌های وطنپرستان بر آورده نگردید.

امپریالیزم انگلیس برای سقوط امان‌الله شاه و به قدرت رساندن چاکران خویش و جلوگیری از رشد مستقل افغانستان آزاد به کمک عمال ننگین خود و با استفاده از عقب‌ماندگی کشور و ایجاد عقب‌ماندگی کشور و ایجاد تفرقه، دامن زدن به تعصبات و خرافات و سوءاستفاده بی‌شرمانه از احساسات مذهبی مردم و نام دین مقدس اسلام و با حیله و نیرنگ‌های گوناگون حقایق و ماهیت نهضت امانی را به توده‌های مردم

وارونه جلوه داده موفق گردید پلان‌های شوم و اسارت بار خود را عملی سازد. به این ترتیب وطن محبوب ما و مردم سلحشور و با شهامت ما برای ده‌ها سال در قید نفوذ و دام نیرنگ نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی حاکمیت جباران، مستبدان، جانب و استثمارگران باقی ماند و جلو رشد مستقل و ملی کشور گرفته شد. اما مبارزات دلیرانه و بی‌کار مقدس مردم ماعلیه وابستگی به امپریالیزم و علیه تسلط دودمان مستبد سلطنتی و اشرافی نادر هیچ‌گاهی متوقف گردید. در فرجام همین مبارزات هستی ساز و دشمن سوز انقلاب ملی و دموکراتیک ثور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید و به حکمروایی محافل ارتجاعی وابسته به ارتجاع و امپریالیزم خاتمه بخشید.

تنها بعد از پیروزی انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین آن زمینه‌های واقعی برای برآورده شدن آرمان‌های شریفانه و انسانی وطنپرستان کشور آماده گردید و اکنون ما با استواری و متانت به سوی اهداف عالی و انسانی، در راه ایجاد جامعه شگوفان و عادلانه و در راه تأمین زندگی شایسته و مرفه برای هموطنان گام بر می‌داریم. البته شرط اساسی تحقق کامل و سریع این آرمان‌ها و اهداف سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب و ایجاد آرامش کامل سراسری و همگانی در کشور می‌باشد که عمدترین جهت فعالیت حزب و دولت انقلابی ما را در وضع کنونی تشکیل می‌دهد.

باید به اطلاع هموطنان گرامی برسانم که علی‌الرغم تلاش‌های مذبحانه ارتجاع و امپریالیزم به سرکردگی امپریالیزم امریکا، علی‌الرغم تشدید توطئه‌ها و فعالیت‌های آنها و جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی، با وجود بسط و گسترش تبلیغات این محافل و دیوانگی و هستری بی‌حد ضدانقلاب، باز هم در طی سال گذشته و سال جاری در عرصه‌های مختلف اعم از نظامی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیروزی‌ها و موفقیت‌های مهم و بزرگ به دست آمده است.

در نتیجه قهرمانی‌ها و رشادت افسران و سربازان قوای مسلح قهرمان ما، ایثار و فداکاری وطنپرستان، اعضای حزب و سازمان‌های اجتماعی، باندهای زیادی از اشرار جنایتکار و وحشی در مناطق مختلف کشور سرکوب شده و زندگی صلح‌آمیز و پر از آرامش به مناطق مذکور باز گشته است.

هر روز تعداد بیشتری از هموطنان ما ماهیت اصلی دشمنان دیرینه سعادت و آزادی خود یعنی نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی به سردمداری امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین را بهتر و بیشتر درک می‌نمایند و به صفوف مدافعین فعال انقلاب می‌پیوندند. تعداد زیادی از هموطنان ما و حتی تعدادی از باندهای مسلح از ضدانقلاب بریده سلاح خویش را بر زمین می‌گذارند. هزاران هموطن فریب خورده ما با درک حقانیت انقلاب مشی دولت انقلابی به خانه، ده و سرزمین خود باز می‌گردند و به کار صلح‌آمیز و شرافتمندانه می‌پردازند. با گذشت هر روز این جریان و

پروسه‌ها تقویت می‌یابد. این وضع نتیجه قانونمند پیروزی‌های قوای مسلح ما در برابر ضدانقلاب و کار خسته‌نگی ناپذیر همه ارگان‌های حزبی و دولتی در جهت توضیح اهداف و آرمان‌های حزب و دولت انقلابی به مردم می‌باشد.

با درک همین امر نیز حزب ما در آخرین پلینوم کمیته مرکزی خویش مسئله تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها را مطرح ساخت و مورد ارزیابی قرارداد و تصامیم مهم و مفید اتخاذ کرد. باید خاطر نشان نمود که حزب ما به مثابه پیشاهنگ سیاسی کارگران و کلیه زحمتکشان کشور معتقد به این اصل است که اجرای وظایف تاریخی ما در امر اعمار جامعه نوین و عادلانه و تحقق اهداف شریفانه و انسانی حزب در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بدون پشتیبانی و اشتراك فعال و مستقیم توده‌های مردم ممکن نیست. روی همین منظور هم توسعه و تشدید کار سیاسی در میان توده‌های مردم به مثابه پیشوایانه مطمئن تحولات انقلابی و وظیفه عمده و درجه یک کنونی ما به شمار می‌رود.

در آینده طبق طرح قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی که به آرای عامه جهت ابراز نظر گذاشته شده است. سیستم جرگه‌ها از قرا تا ولایات به صورت آزاد دموکراتیک و عنعنوی تشکیل خواهد گردید که اشتراك همه جانبه و فعال توده‌های مردم را در امر اداره دولتی و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به بهترین وجه و دموکراتیک‌ترین شکل تأمین خواهد کرد.

در نتیجه اقدامات و تصامیم بموقع و با اهمیت و توجه و مواظبت دایمی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، قوای مسلح قهرمان افغانستان به مثابه پاسدار استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور، مدافع حیثیت و ناموس وطن، آرامش مردم و نیروی اساسی در سرکوبی ضدانقلاب هم از لحاظ وسایل و وسایط حربی مدرن و هم از لحاظ سطح اكمال پرسونل دارای آمادگی کافی نظامی ارشد و تقویت یافته است. این امر موجب شده است که قوای مسلح ما ضربات مرگباری را بر ضدانقلاب وارد سازد و بسیاری از پلان‌های شوم شان را نقش بر آب نماید.

ما قاطعانه تصمیم داریم تا این پروسه تقویت یابد و با تکیه بر توده‌های مردم و پشتیبانی آگاهانه و شعوری آنان و جب و جب خاک مقدس و دامن وطن را از وجود کثیف و آلوده به ننگی و جنایت ضدانقلاب و عمال امپریالیزم و ارتجاع پاک سازیم و وطن عزیز و باستانی خود را شگوفان و آباد نماییم.

همین اکنون به موازات دفاع مسلحانه از انقلاب در امر تحقق تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی با حداکثر استفاده از امکانات موجود گام‌های متین و استوار برداشته می‌شود. کار اصلاحات ارضی و آب در اکثر ولایات کشور طبق پلان‌های مطروحه

ادامه دارد و وضع اقتصادی کشور از استقرار لازم برخوردار است و در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی اقدامات مؤثر و مفید صورت می‌گیرد.

اما طوری که بارها خاطر نشان نموده ایم باز هم تکرار می‌نماییم که اگر فعالیت‌های ضدانقلابی وجود نمی‌داشت، اگر صدور باندهای مسلح ضدانقلاب از آن طرف سرحدات قطع می‌گردید و مداخلات صریح و بی‌شرمانه امپریالیزم در امور داخلی کشور خاتمه می‌یافت گام‌های به مراتب فزاینده در جهت تحقق تحولات و ساختمان جامعه نوین و تأمین رفاه مردم برداشته می‌شد و دستاوردهای ما در این عرصه‌ها وسیع‌تر و عظیم‌تر می‌بود.

ازینرو هدف عمده سیاست خارجی ما را در وضع کنونی نیز، قطع مداخلات در امور داخلی و تأمین شرایط بین‌المللی لازم جهت کار صلح‌آمیز در راه آبادانی کشور می‌سازد. تحقق کامل تحولات انقلابی و اجرای موفقانه همه وظایف مرحله کنونی تکامل کشور ما بدون استقرار صلح و آرامش کامل میسر نیست. بنابراین تأمین صلح دوامدار و پایدار در رأس همه اهداف ما قرار دارد.

به این منظور کشور ما به پیشنهادها و ابتکارات مهمی جهت ساختن اوضاع اطراف افغانستان و تأمین مناسبات نیکو حسن تفاهم میان کشور ما و پاکستان و ایران و حل همه پروبلم‌های موجود از طریق مذاکرات دست زده است. یک بار دیگر موقف اصولی و سازنده خود را تأیید می‌نماییم. اما در مقابل، امپریالیزم جهانی و وابسته‌گان ارتجاعی آن از تلاش‌های خود به غرض استفاده از به اصطلاح "مسئله افغانستان"، باز نینسازد.

ولی اکنون به همگان واضح شده است که امپریالیزم، ارتجاع منطقه و هژمونیزم چین قادر نیستند جلو روند پیشرفت انقلابی را در کشور ما بگیرند درین زمینه همه تلاش‌های شان به غرض خفه ساختن انقلاب و بدنام نمودن جمهوری دموکراتیک افغانستان محکوم به شکست حتمی است.

مواضع بین‌المللی کشور ما هر روز تقویت بیشتر می‌یابد. اکنون جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از شصت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. مناسبات ما با اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی مخصوص مفید، ثمربخش و همه جانبه می‌باشد. مناسبات با بسیاری از کشورهای در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک یمن، ایتوپیا، لیبیا و غیره با موفقیت بسط و توسعه می‌یابد.

با ارزیابی عالی و ابراز رضایت کامل از سطح مناسبات با اتحاد شوروی و کمک همه جانبه، برادرانه حیاتی و ضروری و انترناسیونالیستی آن کشور به افغانستان،

حماسه قیام رهایی‌بخش مردم افغانستان برای همیشه در خاطر همه وطن پرستان میهن انقلابی ما
زنده می‌ماند

ما یک بار دیگر از مردم، حزب و دولت شوروی ابراز امتنان می‌نماییم.

ما با پیروی از مشی اصولی در سیاست خارجی خود در برابر مسایل شرق نزدیک و مخصوصاً در مورد تجاوز بی‌شرمانه و خونین صهیونیست‌ها و الهام دهنده‌گان و کمک کننده‌گان مستقیم شان یعنی امپریالیست‌های امریکا علیه لبنان و مردم عرب فلسطین موقف روشن و صریح داریم. ما این تجاوز رهنانه بر کشور دارای حاکمیت راء، با شدت هرچه تمامتر تفتیح می‌نماییم و قطع فوری تجاوز و خروج کامل و بدون قید و شرط عساکر اسرائیلی را از خاک لبنان می‌طلبیم و پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با خلق لبنان، نیروهای ملی و وطنپرست این کشور، جنبش مقاومت فلسطین و سایر خلق‌های عرب در مبارزه عادلانه شان به خاطر حقوق عادلانه خود علیه امپریالیزم و صهیونیزم اعلام می‌داریم.

با استفاده از فرصت یک بار دیگر همبستگی رزمجویانه مردم و دولت افغانستان انقلابی را با تمام خلق‌های مبارز جهان که به خاطر صلح، دموکراسی، آزادی و استقلال ملی و ترقی اجتماعی پیکار می‌نمایند، ابراز می‌داریم.

در فرجام یک بار دیگر به مناسبت سالروز استرداد استقلال وطن محبوب به همه هموطنان، به همه فرزندان دلیر و عیور وطن، به همه رزمجویان ملی وطنپرست کشور، به همه خواهران و برادران هموطن که در هر گوشه و کنار وطن، در خم و پیچ دره‌ها، در کشتزارها و فابریکه‌ها، مؤسسات دولتی، در مکتب و مدرسه، مسجد و شفاخانه مصروف انجام وظایف انسانی در راه اعمار وطن محبوب اند، درودهای گرم و شادباش‌های قلبی خود را می‌فرستم.

زنده و شگوفان باد وطن انقلابی ما افغانستان!

زنده باد مردم آزاده و شرافتمند افغانستان!

زنده باد صلح و آزادی در سراسر جهان!

درود پرشور و آتشین به روان پاک شهدای راه آزادی و استقلال افغانستان انقلابی و پرافتخار ما!

پیام به هموطنان مقیم در خارج از کشور ۲ سنبله ۱۳۶۱

با پیروزی ششم جدی، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، انقلاب و زحمتکشان ما، از خطر نابودی نجات یافت

برادران!

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور ضربه مرگباری بر تسلط جابرانه فیودال‌ها و بیروکرات‌های فاسد زد که سال‌های متمادی مردم ما را در فقر، مرض و بی‌سوادی نگهداشتند و به شایسته‌گی مردم ما و حقوق حقه آنها هیچگونه اعتنایی نمی‌کردند. انقلاب ثور سر آغاز راه نوین و بزرگ است که مردم ما را به سوی خوشختی، آزادی کامل از قید و بند هر نوع مناسبات ظالمانه فیودالی و ماقبل فیودالی به سوی فرهنگ نوین، صحت، تمدن و پیشرفت میبرد.

با پیروزی انقلاب کسانی که دارای زمین‌های فراوان و سرمایه‌های بزرگ و قدرت بی‌پایان بودند، منافع خود را در خطر دیدند جنگ و کینه جویی علیه انقلاب را به راه انداختند. در این جنگ بی‌رحمانه علیه وطن ما، امپریالیزم جهانی به سرکرده‌گی امپریالیزم ایالات متحده امریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و چین عظمت طلب، مرتجعین و فیودال‌ها و صاحبان سابقه قدرت در کشور ما دست به دست هم داده و از ارتکاب هیچ نوع جنایت و خرابکاری علیه مردم ما دریغ نورزیده‌اند.

از جانب دیگر در درون حزب و دولت انقلابی در اولین روزهای پیروزی انقلاب، امین و باند وی دست به توطئه علیه نیروهای اصولی، سالم، انساندوست و واقعین حزب دموکراتیک خلق افغانستان زدند. آنان بعد از غضب کامل قدرت، بدترین انواع شکنجه، جنایت و آزار را بر مردم ما روا داشتند. این دسیسه، کمکی بود به دشمنان انقلاب که در انتظار چنین اشتباهات مرگباری از جانب ما بودند تا ضديت خود را با انقلاب ما توجیه نمایند.

ولی هموطنان!

شما آگاه باشید، که این جنایات و انحرافات با ماهیت انقلاب ما در مغایرت کامل قرار دارد. امروز ما قانونیت دموکراتیک را به معنی واقعی آن در کشور مستقر ساخته به حقوق و آزادی‌های مردم خود قانونیت خدشه‌ناپذیر بخشیده‌ایم. پیروزی ششم جدی تمام دشمنان کشورها را از منظره و امپریالیزم را به خاک یکسان کرد. آنان در بی‌توطئه‌گری و وسیعی علیه کشور ما برخاستند.

در نتیجه، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی و دستاوردهای انقلابی مردم ما با خطر جدی روبرو گردید. ما به خاطر دفاع از وطن در برابر تجاوز بیگانگان ناگزیر شدیم از دوست دیرینه و واقعی مردم افغانستان یعنی اتحاد شوروی طلب کمک عاجل نماییم.

دشمنان انقلاب که به این ترتیب نقشه‌های شوم خود را مواجه به شکست دیدند، تبلیغات را به راه انداختند و ادعا نمودند که گویا افغانستان تحت اشغال اتحاد شوروی در آمده است. این تهمنی است ناجوانمردانه و بکلی دور از واقعیت. کمک برادرانه اتحاد شوروی موافق با قرارداد دوستی افعال شوروی مورخه ۵ دسامبر ۱۹۷۸ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد صورت گرفته است.

هموطنان!

ما از برادر کشتی، نفاق و کینه در میان مردم خود نفرت داریم. ما همیشه در راه وحدت عمل و تحکیم برادری میان تمام قبایل اقوام و ملیت‌های ساکن کشور محبوب و واحد ما افغانستان مبارزه کرده ایم و در آینده نیز از هیچگونه تلاشی در این راه دریغ نخواهیم ورزید.

در طول دو نیم سالی که از سرنگونی رژیم خونبار امین می گذرد، ما نشان داده ایم که خدمتگزاران واقعی و سرسپرده مردم خود هستیم.

به شما هموطنان اطمینان می‌دهیم که در کشور ما وضع رو به بهبودی است. کسی به خاطر معتقدات مذهبی و تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک خود تا وقتی که دست به توطئه و عملیات خرابکارانه علیه مردم و انقلاب ما نزده است، مورد آزار، پیگرد و بازپرس قرار نمی‌گیرد. حقوق، آزادی‌ها، ملکیت و شخصیت افراد محفوظ است. ما به این امر با گذشت صلح‌جویانه خویش در قبال هموطنانی که فریب خورده اند یا فرمان عفو عمومی مؤرخ ۲۸/۳/۱۳۶۰ هیات رئیسه شورای انقلابی قوت قانونی بخشیده ایم.

شما در غربت و دور از وطن، با زنده‌گی دشوار، بی‌محتوای دور از کانون گرم خانواده گی و در توهین دائمی به سر میرید. در حالی که انقلاب برای شما زمین، امکان کار، تحصیل و سهم‌گیری در سرنوشت جامعه را مهیا می‌سازد.

آیا می‌دانید که امپریالیزم امریکا رژیم‌های پاکستان و چین از شما مانند وسیله آسان و ارزان استفاده به عمل می‌آورد؟

شما از خود هیچ اختیار ندارید. این به اصطلاح رهبران احزاب نام نهاد جمعیت و حرکت اسلامی و غیره است که خود در کاخ‌های مجلل مانند شاهان به سر می‌برند

با پیروزی شش‌جده‌ی تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، انقلاب و زحمتکشان ما، از خطر نابودی نجات یافت.

و شما را مورد معامله قرار می‌دهند. به شما اطمینان می‌دهیم که ما به هر حال امنیت کامل را در کشور برقرار خواهیم ساخت.

انقلاب ما رو به استحکام است و صفوف هرچه وسیع‌تری از مردم به دور آن حلقه می‌زنند.

زندگی نشان می‌دهد که حزب ما روز بروز نیرومندتر و پیوند آن با مردم محکمتر می‌شود و دشمن زبونتر می‌گردد.

به نام تنگ و عبرت افغانی، به نام وطن بیدار شوید و به وطن بر گردید. به وطن تان که در انتظار شماست و برگردن شما دین و حق دارد، برگردید! وطن شما را در آغوش خود می‌پذیرد. هنوز هم دیر نشده است از راهی که به خطا و در اثر فریب دشمن رفته اید، منصرف شوید!

به صدای پر عطف و وطن جواب بدهید و زندگی عادی، انسانی پر غرور و آزاد را در وطن آبایی و پرافتخار خویش از سر بگیرید. درین جهت هیچ مانعی در سر راه شما وجود ندارد. دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای شما شرایط لازم را جهت اشتغال به کار ثمربخش و مفید اجتماعی و زندگی شایسته انسانی تأمین می‌نماید. از این امکان واقعی که می‌تواند سرنوشت شما و کودکان تان را به طور مطلوب و پرافتخار تغییر بدهد استفاده کنید.

بیاوید! با هم وطن زیبای خود را معمور و شگوفان سازیم. وطن به شما ضرورت دارد.

بیانیه هنگام ملاقات با سربازان و افسران فرقه ۱۸ پیاده ۲۵ سنبله ۱۳۹۱

شعور عالی انقلابی و وفاداری به ارمان‌های انقلاب باید به مشخصه خصیلت سربازان و افسران میدل گردد

رفقای محترم!

برای من جای مسرت بزرگ است که با سربازان، خردضابطان و افسران دلیر قوای پرافتخار پیاده بلخ ملاقات می‌کنم. سپاهیان قوای پیاده بلخ مانند تمام منسوبین قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، فعالانه و قهرمانانه در عملیات محاربه‌ی علیه باندهای ضدانقلاب اشتراک ورزیده و با وارد آوردن ضربات قطعی بالای آنها شرایط مساعد را برای تحکیم هرچه بیشتر حکومت مردمی و دفاع اطمینان بخش از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ثور میسر ساخته‌اند. بسیاری از افسران خردضابطان و سربازان غیور شما به پاس شجاعت، دلاوری و از خودگذری که حین مبارزات سخت علیه نیروهای ناپاک اشرار از خود تبارز داده‌اند، به دریافت نشان‌ها و مدال‌های دولتی مفتخر گردیده‌اند.

شک نیست که هر فرد، هر خانواده افغان و تمامی مردم نجیب و غیور افغانستان به قهرمانی‌های بی‌نظیر آنان مباهات می‌کنند.

وفقاً!

اعمار زنده‌گی نوین در جمهوری دموکراتیک افغانستان در شرایط اوضاع متشنج سیاسی و نظامی صورت می‌گیرد. نیروهای اشغالگر امپریالیزم و به نوبه اول امپریالیزم جهانخوار امریکا سعی و تلاش دارند تا مناسبات بین‌المللی را از راه راستین تخفیف تشنجات به راه دامن زدن مناقشات و تضادها و نوسان خطرناک بین جنگ و صلح منحرف سازند.

در حال حاضر نیروی بالقوه جنگی پیمان ناتو افزایش یافته است. جاپان، چین و پاکستان به طور تب‌آلود خود را مسلح می‌سازند.

امپریالیزم بین‌المللی به کوشش‌هایی دست می‌یازد که از به اصطلاح "مسئله افغانستان"، برای تشدید تشنجات بین‌المللی استفاده نماید.

نیروهای امپریالیستی که در رأس آن ایالات متحده امریکا قرار دارد با اتکاء به

دستیاران خویش در بیکنگ و اسلام‌آباد، جنگ اعلان نشده را علیه کشور محبوب ما به راه انداخته‌اند. در خالک افغانستان با پشتیبانی این نیروهای سپاه باندهای اجیران

ضدانقلابی به اعمال غیرانسانی خویش می‌پردازند. آنها مردم شریف ما را ترور نموده اعمال وحشیانه و ضد انسانی را مرتکب میشوند. آنها با ارتکاب جنایات بیشمار چون قتل و قتل مردم بیگناه، اعمال زجر و شکنجه، آتش زدن مساجد و مکاتب، اساس‌های دین مقدس اسلام را پایمال می‌کنند. اکنون به جرم سرکردگان باند‌های ضدانقلابی در سرزمین کشور محبوب ما، خون گرم فرزندان شریف مردم آزادی‌خواه و زحمتکش ما ریخته می‌شود.

اعضای سازمان‌های ضدانقلابی ۱۴۷۹ مکتب را ویران کردند چنانچه مبلغ ۲۱۳ میلیون افغانی خساره وارد آوردند و امکانات تحصیل را برای در حدود ۱۵۰ هزار شاگرد مکاتب از بین بردند. آنها سی شفاخانه را سوختند در حالی که در کشور به وجود شفاخانه‌ها، دکتوران و بهبود صحت عامه ضرورت نهایی احساس می‌گردد.

راهزنان، معلمین را به قتل می‌رسانند، به این گناه که آنان اطفال را با سواد می‌سازند. راهزنان روحانیون را به قتل می‌رسانند گویا گناه آنها این است که به صورت صحیح اهداف انقلاب ثور را درک کرده و طرفدار دولت مردمی شده‌اند.

عناصر ضدانقلاب سعی و تلاش دارند فضای ترور و احساس ترس و وحشت را برقرار کرده دولت و رژیم را سرنگون ساخته و رژیم فیودال‌ها و استثمارگران را باز گردانند.

درین شرایط، کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیگیرانه خطمشی اصولی خود را برای نابودی کامل ضدانقلاب، بهبود مزید شرایط زنده‌گی توده‌های وسیع زحمتکش، بلند بردن سطح کلتوری مردم و انکشاف همه جانبه تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان تعقیب می‌نمایند. تمام مسائل مذکور در برنامه عمل که در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصویب شده، انعکاس یافته است.

پروپاگاندای نضج یافته، ارتقای سطح آگاهی توده‌ها و فعالیت‌های سیاسی شان در امر دفاع از انقلاب ثور و تکامل مزید آن، چندی پیش از طرف نهمین پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا مورد بحث همه جانبه قرار گرفت و تصامیم لازم در مورد اتخاذ گردید.

پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا پدیده مهم در زنده‌گی حزب و کشور بود. در فیصله‌های آن وظایف مبرم فعالیت سیاسی و سازماندهی ارگان‌های دولتی و حزبی، مرکزی و محلی و تمام سازمان‌های اجتماعی افغانستان تعیین شده است. تصامیم پلینوم وظایف صحیح را در برابر کادرهای حزبی، دولتی و نظامی در مورد فعالیت سیاسی میان مردم، ارتقای سطح تولیدات صنعتی، زراعتی و تحکیم مزید قابلیت محاربوی قوای

مسلح مطرح نمود

تمام مردم شرافتمند افغانستان تصامیم حزب را منحیث پروگرام رزمی خویش پذیرفته مصمم اند تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به آرمان قدیمی بهترین نماینده‌گان خود مبنی بر اعمار افغانستان صلح آمیز، آزاد و پرشکوه، جامه عمل بیوشانند.

باوجود دشواری‌ها و مصایبی که از طرف عناصر ضدانقلابی به میان آمده است، کشور ما به موفقیت بلاشک در امر انکشاف اقتصاد ملی نایل می‌آید.

تولید انواع اصلی فرآورده‌های صنعتی یعنی انرژی الکتریک، زغال و گاز افزایش یافته است. تدابیری در خصوص تقویت کشاورزی اتخاذ می‌گردد. اصلاحات ارضی و توزیع آب بر اصل دموکراتیک صورت می‌گیرد که طی آن دهقانان، زمین و ابزار زراعتی و غیره را از دولت دریافت می‌دارند. دگرگونی‌هایی مثبت و ثمربخش در ریشه تجارت به چشم می‌خورد.

ما از این واقعیت مسروریم که علی‌الرغم اعمال خرابکارانه دشمنان انقلاب مواضع و حیثیت جمهوری دموکراتیک افغانستان در صحنه بین‌المللی تحکیم می‌یابد. مناسبات برادرانه محکم با همسایه کبیر ما اتحاد شوروی و کلیه کشورهای سیالیستی، همبستگی و یکپارچگی انقلابی مردمان با مبارزه ما به این امر مساعدت می‌نمایند. توجه خاص را ما جهت تحکیم دوستی افغان- شوروی مبذول می‌داریم. اتحاد شوروی کمک و یاری همه جانبه و بی‌شایبه را برای ما می‌رساند. در اثر این کمک، اقتصاد کشور، علم، فن و فرهنگ به پیش می‌رود و قدرت نظامی و تخنیکی قوای مسلح هرچه بیشتر استحکام می‌پذیرد و امکانات رزمی آنها افزایش حاصل می‌کند.

این دوستی برادرانه، ضامن پیروزی نهایی انقلاب ثور و امنیت بین‌المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعمار زندگی نوین در افغانستان می‌باشد.

رفقا، سربازان، خردضابطان و افسران!

تحکیم قابلیت تدافعی کشور قوای مسلح، یکی از جهات اصلی فعالیت‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و نیروی سیاسی آن را تشکیل می‌دهد و در اثر مواظبت دایمی حزب، حکومت انقلابی و مردم ما، قوای مسلح کشور ما با سربازان و خردضابطان، افسران و جنرالان وفادار به وطن اکمال گردیده است.

آنها با تخنیک و اسلحه معاصر مجهز اند و کلیه وسایل مادی را در اختیار خود دارند و قدرت کوبنده را در برابر دشمنان انقلاب می‌سازند. فرمان شورای انقلابی درباره تغییرات در مدت سپری نمودن دوره مکلفیت و همچنان درباره امتیازات اضافی

برای منسوبین و اشخاص احتیاط، شاهد جدید مواظبت دایمی حزب و حکومت از مدافعین مسلح وطن می‌باشد. همان طوری که شما مستحضردید، مطابق فرمان فوق‌الذکر دوره خدمت در قوای مسلح الی سه سال تمدید گردیده است. این اقدام خصلت موقتی دارد و با آمال و تقاضاهای مردم برای سرکوبی سریع باندهای ضدانقلابی و برقراری زنده‌گی صلح‌آمیز و آرام دارای ارتباط ناگسستگی می‌باشد. در عین زمان حکومت امتیازات متعدد را به دسترسی منسوبین عسکری می‌گذارد.

سربازان قوای مسلح از اقدامات حزب و دولت استقبال و پشتیبانی کردند. آنان در مواظبت حزب و دولت، بی‌دریغانه به نفع پدروطن و مردم زحمتکش و شریف آن خدمت نموده با بذل فداکاری‌ها و قربانی‌ها به خاطر ناموس، آزادی و تمامیت ارضی و استقلال افغانستان پیکار می‌نمایند.

از آنجایی که نیروهای امپریالیزم و ارتجاع سیاه جنگ اعلان نشده را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه می‌دهند و باندهای ضدانقلابی هنوز سلاح خود را به زمین نگذاشته‌اند، تحکیم قدرت دفاعی کشور و ارتقای قابلیت محاروبی جزو نام‌های بزرگ و قطعات اردو، نخستین وجیهه حزب، مردم و قوای مسلح بوده است و خواهد بود.

همان طوری که به شما معلوم است ارتقای قابلیت محاروبی اردو نباید خصلت موقتی و فصلی داشته باشد، قابلیت محاروبی قوت‌ها باید به طور دوامدار ارتقا یابد.

موضوع صحبت ما بر سر این است که باید فعالیت سوق و اداره قوماندانان و قرارگاه‌ها و ارگان‌های سیاسی و کیفیت ملکه و ممارثه اوپراتیفی، تکنیکی و محاروبی قوت‌ها بهبود و مؤثریت عملیات محاروبی ارتقا یابد.

ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی قرارگاه‌ها نقش مهم را در امر مکملتر ساختن قابلیت محاروبی ایفا می‌نمایند.

آنها موظف اند فعال بودن مسؤولیت اعضای حزب را در قرارگاه‌ها و سایر ارگان‌های سوق و اداره و در برابر تعلیم و تربیه افسران و تمام پرسونل بالا ببرند.

حفظ و ارتقای قابلیت محاروبی جزو نام‌های بزرگ قطعات وظیفه مقدس کلیه افسران، اعضای حزب، سازمان جوانان، خردضابطان و سربازان می‌باشد.

آموختن عمیق و استعمال مؤثر سلاح و وسایل دست داشته یکی از مهمترین وظایف عساکر قوای مسلح را تشکیل می‌دهد. اسلحه و تخنیک محاروبی زیربنای مادی قابلیت محاروبی جزو نام‌های بزرگ و قطعات می‌باشد.

این سلاح فقط در آن صورت اثر بخش است که در دست ماهر و با تجربه قرار

شعور عالی انقلابی و وفاداری به آرمان‌های انقلاب باید به مشخصه‌ خصلت سربازان و افسران مبدل گردد

داشته باشد.

به این علت و وظیفه هر عسکر، سرباز، خردضابط و افسر، استفاده ماهرانه از سلاح و تکنیک محاربه‌ی در هرگونه شرایط و در هرگونه وضع می‌باشد.

کارهای افسران نقش مهمی را در امر بالا بردن قابلیت محاربه‌ی قوت‌ها ایفا می‌نمایند.

روبهررفته قوای مسلح ما افسران با تجربه را که قادر هستند مادونان خویش را بیاموزانند و تربیه نمایند در اختیار دارد. اما زنده‌گی و فعالیت محاربه‌ی تقاضای بازهم بالاتر را در برابر کادرهای قوماندانی سیاسی، انجیری و تکنیکی مطرح می‌کند. همه اینها هر افسر را موظف می‌نماید که آگاهی سیاسی، تعلیم و تربیه مسلکی خویش را ارتقا داده مهارت خود را به حیط معلم و مربی تکمیل نماید.

وظیفه اساسی تمام قوماندانان، ارگان‌های سیاسی، سازمان‌های حزبی و جوانان عبارت از آنست که امور ایدیولوژیکی، سیاسی و پرورش را به سویه ایجابات سری و پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقا داده و پرسونل خود را با روحیه وحدت کامل به دور کمیته مرکزی وفاداری بی پایان به حزب، حکومت انقلابی وطن محبوب و مردم زحمتکش کشور خود و داشتن احضارات دایمی برای دفاع مسلحانه از منافع میهن پرورش دهند. این مساعی باید طوری تنظیم گردد که تمام کار سیاسی و پرورش با وظایفی که در برابر جزوات‌ها و قطعات در امر تحکیم دسپلین و انضباط قرار دارند، پیوند ناگسستنی داشته باشد.

منافع دفاع از انقلاب ثور ایجاب می‌نماید تا تمام منسویین اردو با آگاهی سیاسی عالی و جیبیه مقدس عسکری خود را عمیقاً درک نموده و در ارتقای مهارت محاربه‌ی و انضباط و دسپلین خویش بکوشند. شعور انقلابی عالی و اعتماد راسخ به آرمان‌های والای انقلاب، شناخت درست دشمنان طبقاتی و داشتن احساس انزجار و نفرت عمیق نسبت به آنان، باید به خصوصیات فارقه سربازان مامبدل گردد.

برحق می‌گویند که سرباز خود به خود به وجود نیامده هیچ کسی از بدو پیدایش سرباز نمی‌باشد. بلکه از اثر مساعی خستگی‌ناپذیر است که می‌توان سرباز خوب شد. خواص آنرا به نست آورد. این پروسه در صورتی سرعت بیشتر به خود کسب می‌کند که ما، دانش عظیم انقلابی را هرچه عمیقتر بیاموزیم. ما باید اصول ساختمان زنده‌گی نوین و فن نظامی را برای امحای قاطعانه دشمنان فرا گیریم.

رفقا! اجازه بدهید، به نماینده‌گی از کمیته مرکزی ج.د.خ. اظهار امیدواری نمایم که سربازان دلیر قوای پرافتخار پیاده بلخ در آینده نیز وظایف مقدس محوله خود را در برابر وطن انقلابی خویش ادا نموده از دستاوردهای تاریخی انقلاب شکوهمند ثور

شعور عالی انقلابی و وفاداری به آرمان‌های انقلاب باید به مشخصه‌ی خصلت سربازان و افسران
مبدل گردد

با شجاعت و ایستاده‌گی دفاع کرده شرایط اطمینان بخش اعمار جامعه نوین را فراهم
سازند.

زنده باد انقلاب ظفر آفرین ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این نیروی الهامبخش پیروزی‌های ما!

افتخار جاویدان به قوای مسلح قهرمان ما!

طبقه کارگر افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اتحاد با سایر زحمتکشان، انقلاب را به پیش میبرد

رفقا! زنان و مردان کارگر فابریکه کود و برق بلخ باستانی!

کارگران پیشاهنگ خلق افغانستان! از طرف خود و از طرف مقامات رهبری حزب و دولت دروهای آتشین و گرم انقلابی کارگری را به شما تقدیم میدارم.

رفقای کارگر!

حزب شما که به نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان شهرت ملی و بین‌المللی دارد در واقعیت امر حزب شما حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان است.

زهی افتخار و احترام به طبقه کارگر زحمتکش، دلیر، شجاع، انترناسیونالیست و وطنپرست افغانستان. جنبش‌های پرافتخار و عظیم کارگری افغانستان قبل از سرنگونی سلطنت، ثبت صفحات زرین تاریخ نهضت کارگری افغانستان گردیده است. در واقعیت امر قبل از سرنگونی طبقات حاکمه ستمگر و استثمارگر نیروی محرکه همانا نهضت کارگری افغان‌ها بود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب طبقه کارگر افغانستان توانست درفش انقلاب ثور را در اهتزاز آورد و برای نخستین بار و در مدت کوتاهی طبقات حاکمه را سرنگون سازد.

برادران و خواهران کارگر!

امروز جهان ارتجاع، استعمار، استعمار نوین، امپریالیزم، صهیونیسم، فاشیسم و تمام ارتجاع بین‌المللی از نام طبقه کارگر یعنی پرولتاریا، از تمام اعماق جان و روح خود در لرزش است و تب لرزه آنها را فرا گرفته است. زیرا ایدیولوژی طبقه کارگر و آرمان‌های طبقه کارگر برای تمام بشریت، تمام زحمتکشان، تمام خلق‌های جهان نجاتبخش است.

حرف مشهور رهبر کارگران جهان است که شعار داد: «کارگران جهان با هم متحد شوید»؛ در وقت قیام کارگران پاریس در اروپا اعلان کرد که این عمل قهرمانانه مظهر فتح و پیروزی تمام زحمتکشان جهان است، مگر رهبران احزاب طبقه کارگر در اروپا و در غرب در بعضی کشورها مرتکب خیانت گشتند و به استثمارگران تسلیم شدند. تنها و تنها حزب طبقه کارگر تحت رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین در روسیه، درفش پیروزمند تمام کارگران و زحمتکشان جهان را بر افراشت و چهره جهان را

طبقه کارگر افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اتحاد با سایر زحمتکشان، انقلاب را به پیش میبرد.

دگرگون ساخت. این امر به پیشاهنگی طبقه کارگر یعنی پرولتریای روسیه برای جهانیان جنبش‌های آزادی بخشی را مژده داد. به تأسی از آن بود که در سراسر جهان در قاره آسیا آفریقا و امریکای لاتین جنبش‌های آزادی‌بخش ملی آغاز گردید و استقلال افغانستان در اثر تأثیرات انقلاب کبیر اکتوبر و به اراده خود مردم زحمتکش افغانستان حاصل شد.

رفقای کارگر!

اکنون در افغانستان کارگران قهرمان و زحمتکش انقلابی ما به اتحاد میلیون‌ها دهقان کشور ما و سایر زحمتکشان، روشنفکران مرفقی و صاحبان ملکیت کوچک و متوسط ملی و روحانیون، در اتحاد با تمام خلق‌ها، ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور یکجا امر انقلاب ثور را شجاعانه و دلیرانه به پیشاهنگی حزب خود یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش می‌برند.

رفقای کارگر! بدون اتحاد کارگران و دهقانان ایجاد جامعه نوین، آزادی، ترقی، دموکراسی و رفاه ناممکن است. لذا باید این شعار جزء شعار زندگی طبقه کارگر جوان ما باشد، زنده باد اتحاد کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان!

رفقای کارگر!

بدون طبقه کارگر در یک کشور، بدون صنعتی ساختن کشور، امر انقلاب آزادی‌بخش ایجاد جامعه نوین مرفه و جامعه دموکراتیک و عادلانه ناممکن است. با کمال افتخار طبقه کارگر جوان افغانستان متحد و فشرده نقش بزرگ انقلابی خود را هم در جبهه مبارزه علیه ضدانقلاب و هم در جبهه اقتصاد و تولید موفقانه و پیروزمندان به پیش می‌برد. طوری که تجربه انقلاب‌های کارگری جهان، انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی بخصوص تجربه دوست صدیق و برادر تاریخی ما اتحاد شوروی نشان می‌دهد، تنها و تنها طبقه کارگر یک کشور است که می‌تواند در اتحاد با دهقانان، علیه گروه‌های اشرار مبارزه کند. از صنایع و فابریکه خود دفاع نماید. به کمک دهقانان بشتابد، اصلاحات ارضی و توزیع آب را برای دهقانان ادامه دهد و درین زمینه به آنان کمک نماید و عملاً بفهماند که این کارگران اند که واقعاً پیشاهنگی انقلاب می‌باشند و تمام مردم زحمتکش را از چنگال وحشیانه، دمنشانه و شیطانی طبقات جبار، ستمگر و استثمارگر نجات می‌دهند.

این طبقه کارگر افغانستان آزاد و مستقل است که به پیشاهنگی حزب خود، به کمک اتحادیه‌های کارگری خود در یک جبهه ملی پدروطن دوشادوش سایر سازمان‌های اجتماعی، اتحادیه‌های کارگری خود کوپراتیف‌های دهقانی و سایر سازمان‌های اجتماعی، سازمان‌های دموکراتیک جوانان و زنان و روشنفکران در راه تحقق

طبقه کارگر افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اتحاد با سایر زحمتکشان، انقلاب را به پیش میبرد.

بخشیدن و پیاده کردن آرمان‌های انقلاب ثور، آرمان‌های نجات‌بخش حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌تواند که تمام این نیروها را رهبر و پیشاهنگ باشد.

رفقای کارگر!

تاریخ جامعه، وطن و مردم رسالت عظیم و بزرگ تاریخی را به عهده شما طبقه جوان کارگر افغانستان و حزب شما یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان گذاشته است، امروز ارتجاع منطقه، امپریالیزم و در رأس امپریالیزم جهانخوار امریکا و هژمونیزم عظمت طلب چین و متحدین ارتجاعی بین‌المللی آنها یک جنگ اعلان نشده را علیه افغانستان انقلابی، علیه انقلاب ملی و دموکراتیک ضدفئودالی و ضد امپریالیستی، علیه قیام پرشکوه و پر جلال کارگران و زحمتکشان افغانستان در وجود انقلاب ثور و مرحله نوین آن، به پیش می‌برند. نسبت به هر وقت دیگر وظیفه حاد و مبرم ماست. وظیفه جدی ماست که باید تمام مردم افغانستان تحت رهبری طبقه کارگر جوان خود و به پیشاهنگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در یک جنبه ملی پدروطن به مثابه یک مشت آهنین کارگری باهم یکجا، علیه ضدانقلاب و تجاوزات خارجی پیکار آزادی‌بخش و مبارزه بی‌امان را به پیش ببرند.

رفقای کارگر!

آرمان مردم زحمتکش افغانستان و آرمان ایجادیک وطن سر بلند و پرافتخار در وجود کنفرانس سرتاسری حزب ما، در وجود برنامه عمل و در فیصله‌های نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، واضح و علماً تدوین گردیده است. انقلاب ما نقطه توقف ندارد. گام به گام و مرحله به مرحله تحول می‌کند تا طبقه کارگر به اتحاد دهقانان کاملاً حاکمیت سیاسی و اجتماعی خود را در افغانستان تحکیم بخشد.

زنده باد طبقه کارگر افغانستان! زنده باد تمام کارگران جهان، برادران طبقه کارگر
!!

طبقه کارگر افغانستان با اتحاد دهقانان و سایر زحمتکشان و متحدین خود، تمام مردم زحمتکش افغانستان گام به گام و مرحله به مرحله انقلاب ثور را رشد و تکامل می‌دهند و جامعه‌یی را به وجود می‌آورند که در آن کشور شگوفان می‌شود. کشور کاملاً صنعتی می‌گردد. اصلاحات ارضی دموکراتیک و عادلانه کاملاً تطبیق می‌شود انقلاب فرهنگی به انجام می‌رسد. کارگران ما، زحمتکشان ما مرحله به مرحله از یک پیروزی و به پیروزی دیگر بی‌امان، شجاع و دلیر با قدرت و شعور و آگاهی کارگر پرولتری به پیش می‌روند.

زنده باد انقلاب!

تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، ما را در امر ساختن جامعه نوین کمک می‌نماید

رفیق گرامی یانوش کادار منشی اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، رفیق گرامی پال لوشانسی رئیس شورای ریاست جمهوری مردم مجارستان، رفقای محترم!

اجازه دهید، مقدم بر همه به مناسبت دعوت برای بازدید از کشور زیبای مجارستان و به خاطر سخنان رفیقانه و مملو از صمیمیت شما و پذیرایی گرمی که از ما نمایندگان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به عمل آمده، مراتب سپاس عمیق خود و هیات نمایندگی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما رفیق گرامی یانوش کادار منشی اول حزب سوسیالیست کارگری جمهوری مردم مجارستان، همه کمونیست‌ها و زحمتکشان صلح‌دوست، صمیمی و مهمان‌نواز مجارستان سوسیالیستی تقدیم ندارم.

برای ما جای نهایت مسرت است که از کشور زیبای شما بازدید می‌کنیم. ما عمیقاً معتقد هستیم که ملاقات‌های ما با شما و دیگر رهبران کشور شما در جهت بسط و توسعه مناسبات برادرانه طراز عالی ما که با پیروزی انقلاب ثور آغاز یافت و مرحله نوین و تکاملی انقلاب آن را به مرحله عالی تکامل کیفی ارتقا داد، نقش مهمی را ایفا می‌دارد.

رفقای مجاری ما نیز می‌دانند که ما به ابراز همبستگی رزمجویانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اکنون قاطعانه و مصمم، با وجود ادامه جنگ اعلان ناشده امپریالیزم و ارتجاع علیه کشور ما و اقدامات جنایتکارانه نیروهای ضدانقلاب همزمان با تأمین امنیت و قانونیت دموکراتیک پروگرام تحولات ملی و دموکراتیک را به نفع مردم عذاب‌دیده و زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان با قوت و نیرومندی نعمل می‌کند.

سیاست خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس اصول دوستی، همزیستی مسالمت آمیز، انترناسیونالیزم پرولتری و عدم انسلاک استوار است. این سیاست پیوند ارگانیک با ماهیت ساختمان جامعه نوین در کشور ما دارد.

درست بر پایه این سیاست خارجی صلح‌جویانه است که کشور ما دوباره پیشنهادها

تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کابری مجارستان ما را در امر ساختمان جامعه نوین کمک می‌نماید

چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ را در ارتباط با حل معضلات منطقه ما مطرح نمود که تا کنون کشورهای همسایه ما ایران و پاکستان موضع مشخص و سازنده اتخاذ ننموده اند. مساعی ما برای حل پروبلم‌های منطقه ما قاطعانه دوام دارد که مذاکرات اخیر ژنیو می‌تواند نمونه مهم و صریحی در زمینه باشد.

رفقای گرامی!

ما در فعالیت سیاست خارجی خود نه تنها پیشنهادهای صلح اتحاد شوروی مصوب کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی را در زمینه تأمین صلح در اروپا و جهان پشتیبانی و تأیید می‌کنیم، بلکه قاطعانه در راه تحقق آن نیز مبارزه می‌نماییم. باید تأکید بداریم به تطبیق پیشنهادهای پنج فقره‌ی اتحاد شوروی که از طرف رفیق گرامی و دوست بزرگ مردم زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان رفیق لیونید ایلینچ برژنف در پارلمان هند در سال ۱۹۸۰ مطرح گردید، می‌تواند صلح را در آسیا تأمین کند. اما عمیقاً معتقد هستیم که تعمیل درخواست تاریخی ۲۲ فیبروری ۱۹۸۱ اتحاد شوروی به کشورهای آسیا و جنوب شرق آسیا به خاطر تبدیل منطقه به منطقه صلح پیشنهاد مشخص و عملی سه کشور هند و چین، ویتنام، کمپوچیا، لاوس جهت تأمین صلح واقعی در منطقه و پیشنهاد جمهوری مردم مغلستان مبنی بر عقد یک کنوانسیون بین‌المللی عدم تجاوز و عدم استعمال قوه در مناسبات کشورهای آسیایی نقش مهمی را در تأمین صلح و ثبات در آسیا و جهان ایفا می‌دارد.

رفقای محترم!

در این او آخر جلسه سنای حکومت واشنگتن سندی را به تصویب رسانید که به اساس آن امپریالیزم جهانخواار آمریکا صرف سنای انحصارات سرمایه‌داری را برای تجاوز نظامی علیه کیو بای قهرمان نیکاراگوا و دیگر نیروهای صلح و ترقی اجتماعی و امریکای لاتین، مرکزی و حوزه کرابین به دست آورد. اما این اقدام تحریک آمیز مداخله‌گرانه امریکای تجاوزگر را تفتیح می‌کنیم و پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با کیو بای انقلابی و دیگر نیروهای مترقی این قاره اعلام می‌داریم. به همین گونه ما مداخلات امپریالیستی را در قاره اتریکا و اقدامات جنایتکارانه رژیم نژادپرست پرنیوریا را علیه کشور جای جبهه مقدم اتریکا تفتیح نموده پشتیبانی کامل خود را از مبارزه مردم نامیبیا تحت رهبری «سواپو» ابراز می‌کنیم.

جهان اخیر شاهد جنایات فجیع امپریالیزم ایالات متحده امریکا ورژیم خونریز متعصب و فاشیست اسراییل صهیونیست علیه مردم عذاب‌دیده فلسطین و لبنان بود. ما از مبارزه مردم فلسطین تحت رهبری یگانه نماینده قانونی سازمان آزادی‌بخش فلسطین به خاطر تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل دموکراتیک فلسطین و مبارزه مردم لبنان برای دفع و طرد تجاوز اسراییل - امریکا قاطعانه پشتیبانی می‌کنیم.

تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ما را در امر ساختمان جامعه نوین کمک می‌نماید.

ما خواستار اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد و اتخاذ تدابیر تحریری همه جانبه علیه دولت طراز فاشیستی بیگن هستیم.

مسئله صلح و تأمین آن نیازمیرم زمان ماست. عمیقاً معتقد هستیم که نقش کشور شما در مبارزه به خاطر تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و خلع سلاح، تعمیق دینانیت و کاهش تشنج بین‌المللی و علیه جنگ، امپریالیزم، صهیونیزم و هرژمونیزم بیگن، در جبهه جهانی ترقی اجتماعی که در رأس آن اتحاد شوروی قرار دارد بزرگ است.

بدون تردید این نقش از ماهیت نظام سوسیالیستی شما که زحمتکشان کشور شما اکنون در راه ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی گام‌های استوار و بلند بر میدارد، منشا می‌گیرد.

رفقای محترم!

بازدید از کشور زیبای شما و تبادل تجارب و آشنایی با تجارب ارزشمند حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، ما را در امر ساختمان جامعه نوین فراوان کمک نموده است. ما معتقد هستیم که مجارستان سوسیالیستی تحت رهبری خردمندان حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و تطبیق خلافتانه نصابیم دوازدهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان به پیشرفت‌ها و ترقیات مزیدی نایل خواهد آمد.

زنده باد صلح در سراسر جهان!

بیانیه از شبکه سراسری تلویزیون ج. م. مجارستان ۱۳ میزان ۱۳۶۱

مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور مناسبات دوستانه و برادرانه میان مردمان، احزاب و حکومت کشورهای افغانستان و هنگری را به سطح عالی ارتقا بخشید

رفقا و دوستان جمهوری مردم مجارستان!

اجازه بدهید، به نمایندگی از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان، درویدا و شادباش‌های پرشور مردم زحمتکش افغانستان و همه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به شما تقدیم نمایم.

استقبال گرم و صمیمانه‌یی که در جریان بازدید کنونی از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشور زیبای شما صورت گرفت، ما را وامی‌دارد تا مراتب امتنان عمیق خود را به پیشگاه زحمتکشان جمهوری مردم هنگری، کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری هنگری و شخص رفیق یانوش کادار منشی اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیستی کارگری هنگری ابراز نمایم. پیروزی انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن، مناسبات دوستانه و برادرانه میان مردمان، احزاب و حکومت کشورهای ما را وارد مرحله کیفی نوینی مبنی بر همبستگی انقلابی بین‌المللی نموده است که برای ما حایز افتخار و اهمیت عظیم می‌باشد.

مسافرت کنونی هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به جمهوری مردم مجارستان گام بسیار مهم در راه گسترش و تحکیم هرچه بیشتر روابط طراز عالی برادرانه و دوستانه میان کشورهای ما بوده که بدون شك ثمرات بزرگ را به سود خلق‌های زحمتکشی هر دو کشور به بار خواهد آورد.

دوستان گرامی!

بیش از چهارسال از پیروزی انقلاب ثور در افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما میگذرد. انقلاب افغانستان راه دشوار و ناهمواری را پشت سر گذاشته است. اما طی این مدت حزب ما موفق گردیده به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه بر مبنای سیاست علمی و هدفمند، گام‌های استواری به سوی تحکیم دستاوردهای انقلاب و مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب بردارد. حزب ما بخصوص پس از پایان دادن به انحرافات و اشتباهات و وارد نمودن انقلاب به مرحله نوین و تکاملی آن، زمینه‌های وسیعی را جهت ایجاد پایه‌های جامعه نوین و عادلانه در کشور مساعد نموده است.

هم اکنون در کشور ما علی‌الرغم دشواری‌های ناشی از مداخله امپریالیستی در امور داخلی ما، موفقیت‌های عمده در عرصه رشد اقتصادی، اجتماعی، ارتقای سطح زندگی زحمتکشان، دموکراتیزه نمودن زندگی سیاسی و اجتماعی و جلب توجه‌های ملیونی زحمتکشان به سوی انقلاب رونما گردیده است. این موفقیت‌ها به طور عمده پیدایش عناصر مهم نوینی را در ساختمان اقتصادی، اجتماعی کشور نشان می‌دهد.

یکی از پیروزی‌های عمده ما طی سال جاری عبارتست از نابودی مراکز عمده ضدانقلاب در سراسر کشور. قوای مسلح قهرمان ماموق گردید تالانه‌های اساسی دشمنان انقلاب را سرکوب نماید و ضربات سنگینی بر پیکر نماینده‌گان ارتجاع و امپریالیزم وارد آورد. در مجموع با صراحت می‌توان گفت که پس از مرحله نوین انقلاب ثور در نتیجه سیاست اصولی، خلاق و علماً سنجیده شده حزب ما که به طور عمده در اسناد جلسات و پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب و مخصوصاً در تصامیم و فیصله‌های فوق‌العاده مهم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سند اساسی مصوب آن «برنامه عمل» حزب انعکاس یافته روند انقلابی در کشور ما روز تاروز استحکام بیشتر کسب نموده و بیش از پیش نیرومندتر گردیده است. در نتیجه همین اقدامات است که همین حالا صدها هزار تن از هموطنان ما در جبهه ملی‌پروطن این تکیه‌گاه اجتماعی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، متحدانه از انقلاب و آرمان‌های والای آن دفاع می‌نمایند و جواب دندان شکن به دشمنان انقلاب می‌دهند. در یک کلام، سیاست حزب ما میان طبقات و اقشار ملی، دموکراتیک جامعه مورد استقبال گرم قرار گرفته است.

مردم زحمتکش و نجیب مجارستان؛ همانگونه که اطلاع دارید، امپریالیزم بین‌المللی به سرمداری امپریالیزم تجاوز کار ایالات متحده امریکا در تبنانی با ارتجاع منطقه و هژمونیست‌های پیکر، هنوز از مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان دست نکشیده است. جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه دارد.

امپریالیزم تلاش می‌نماید تا با تشدید تشنج در منطقه و تسلیح باندهای ضدانقلاب افغانستان به مداخلات عریان و شرم‌آگین در امور داخلی کشور ما بهای بیشتر بدهد. ستراتیژی مداخله‌گرانه امپریالیزم در کشور ما محکوم به شکست قطعی است. ما در برابر اوضاع پیرامون کشور ما موقف اصولی، صریح و آشکار داریم. سیاست ما در قبال اوضاع منطقه و مناسبات با کشورهای همجوار ایران و پاکستان در پیشنهاد‌های چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ بازتاب همه جانبه دارد. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی نموده تا از طریق این پیشنهاد‌های مبتکرانه با انعطاف همه جانبه خود، زمینه‌های واقعی حل مسایل کشورهای همسایه را از طریق مذاکرات مساعد سازد اما متأسفانه بنابر مداخلات و

تحریرات امپریالیزم تا هنوز تلاش های ما در زمینه حل مسایل از طریق مذاکره و مفاهمه به نتایج لازم نرسیده است.

دوستان محترم! سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم در شرایط کنونی تهدید جدی راعلیه داعیه صلح به وجود آورده است. در این اواخر جهانیان یکی از مظاهر عمده سیاست جنا پتکارانه صهیونیست های فاشیست مشرب اسرائیلی را که از پشتیبانی حکومت ریگن برخوردار اند، مشاهده نمودند و دیدند که چگونه تراژیدی لبنان یک بار دیگر از روی اعمال وحشیانه صهیونیزم و امپریالیزم در مقابله با خلق های قهرمان فلسطین و لبنان پرده برداشت و صهیونیست های اسرائیل در تنائی با امپریالیزم در لبنان یکی از حوادث خونین را در تاریخ معاصر تکرار نمودند. ما سیاست جنایتکارانه امپریالیزم امریکا را که در همدستی با صهیونیست های اسرائیل صورت می گیرد با قاطعیت محکوم نموده معتقدیم که خلق قهرمان فلسطین را نمی توان به زانو در آورد. فلسطینی ها به اتکاء حمایت وسیع نیروهای صلح و ترقی به مبارزه در راه حقوق حقه خود ادامه داده مسلماً پاسخ نندان شکن به توطئه های امپریالیزم خواهند داد. و حزب و دولت ما در اوضاع کنونی بین المللی، تلاش های امپریالیزم را مبنی بر تشدید تشنج در اروپا و فعالیت ها به منظور استقرار انواع سلاح های هستوی در این قاره و سایر نقاط جهان محکوم نموده ابراز عقیده می داریم که در شرایط جاری عمدترین وظیفه همه نیروهای صلحخواه و مترقی را هم پیوستگی هرچه گسترده تر در جهت تشدید مبارزه برای صلح، تشنج زدایی و کاهش مسابقات تسلیحاتی تشکیل می دهد. ما معتقدیم که سیاست میلیتاریستی محافل جنگ طلب امپریالیستی را تنها می توان بر پایه پروگرام صلح کشورهای سوسیالیستی و بخصوص پیشنهادها و ابتکارات صلح آمیز اتحاد شوروی بزرگ این پاسدار واقعی صلح و سوسیالیزم جهانی، لگام زد و از خطر جنگی جلوگیری به عمل آورد. اما به نقش حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و سیاست معقول آن که در مصوبات کنگره دو ازدهم نیز وسیع انعکاس یافت و به نقش دولت مجارستان در راه تحکیم صلح و مقابله با خطر جنگ ارج فراوان قایلیم، مجارستان سوسیالیستی نقش مهمی را به خاطر تقویت داعیه صلح و کاهش تشنجات بین المللی ایفا نموده است ما اطمینان داریم که کشور شما نقش خود را در زمینه به طور شایسته در آینده نیز ایفا خواهد نمود.

رفقا و دوستان!

مردم رحمتکش افغانستان و در پیشاپیش آنان حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خوبی درک می نمایند که رشد پیروزمندانه تحولات انقلابی در افغانستان و تعمیق سمتگیری اجتماعی نوین در کشور ما با مساعدت ها و کمک های پیشاپیه همه نیروهای مترقی جهان و بخصوص کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستنی دارد.

مردم ما به خوبی می‌دانند که نقش کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دفاع از روند انقلابی در کشور ما عظیم و برجسته است. زحمتکشان افغانستان برای همیشه سپاسگزار از مساعدت‌ها و کمک‌های عظیم و بی‌شائبه‌ی هستند که حزب کمونیست و مردم اتحاد شوروی در دشوارترین روزگار زندگی جامعه، به مامبذول داشته اند. افغان‌ها درک می‌نمایند که دوستی افغان-شوروی عامل مهمی در راه مقابله با تجاوزات عریان و شرم آگین امپریالیزم علیه افغانستان انقلابی و ساختمان جامعه نوین می‌باشد. ما به کمک‌های برادرانه و دوستانه حزب سوسیالیست کارگری و مردم قهرمان مجارستان که بر منای انترناسیونالیزم پرولتاری با حزب و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت می‌گیرد، به دیده قدر نگرسته در برابر آن احساس امتنان عمیق خود را ابراز می‌داریم، در جریان مسافرت به مجارستان سوسیالیستی نه تنها تجارب گران‌بهای ساختمان سوسیالیزم را فرا گرفتیم، بلکه در عمل و با چشم سر، یک بار دیگر همبستگی نیرومند و انقلابی حزب و دولت و مردم مجارستان را نسبت به انقلاب در کشور خود احساس نمودیم.

بازدید هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از جمهوری مردم مجارستان گام نوین و تازه در راه رشد مناسبات دوستی و همکاری برادرانه و رفیقانه بین کشورها، مردمان و دول ما بود. صحبت‌ها، ملاقات‌ها و مذاکرات با رفیق گرامی یانوش کادار و دیگر رفقای محترم رهبران حزبی و دولتی مجارستان مناسبات دوجانبه میان کشورهای ما را انکشاف مزید بخشید. آشنایی ما را با مجارستان سوسیالیستی وسیع‌تر و بیشتر ساخت و فرصت لازم را مساعد نمود تا یک بار دیگر اشتراک موضع و وحدت موقف خود را در مسایل عمده بین‌المللی ابراز داریم.

ما یقین کامل داریم که ثمرات این مذاکرات و ملاقات‌ها بسیار مثبت، سودمند و بزرگ خواهد بود و برای مدت طولانی تأثیرات عمیق و مطلوب بر مناسبات دوجانب خواهد داشت.

دوستان محترم!

در پایان می‌خواهم بار دیگر به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم قهرمان افغانستان به مناسبت استقبال گرم و صمیمانه‌ی که از هیات حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشور شما صورت گرفته است، احساس امتنان و تشکرات عمیق خود را ابراز دارم.

زنده باد دوستی خلل ناپذیر میان احزاب، حکومتات و خلق‌های افغانستان و مجارستان!

بیانیه در جلسه سراسری فعالین حزبی ځارندوی ۲۵ میزان ۱۳۶۱

ځارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دارد از حقوق، کرامت و آرامش اتباع ج.د.ا حراست کند

رفقای محترم!

من باریضایت خاطر دعوت برای سخنرانی در برابر شما اعضای حزبی وزارت امور داخله، قوماندانان ځارندوی ولایات و قطعات جزو تام‌های ځارندوی را پذیرفتم.

امروز درینجا بهترین نمایندگان ځارندوی پرافتخار ما که به مثابه بخش قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان سلاح به دست و با اطمینان علیه دشمنان خارجی و داخلی وطن می‌رزمند و از دستاوردهای انقلاب ثور و منافع مردم آزاده ما دفاع می‌کنند، جمع شده‌اند. چنین جلسیهی در تاریخ وزارت امور داخله، برای نخستین بار دایر می‌گردد. ما درین سالون نمایندگان هر ولایت، همه قطعات و جزو تام‌های ځارندوی را می‌بینیم. فکر می‌کنم این جلسه به انگیزه جدید برای بهبود بیشتر کارتان مبدل خواهد شد.

من یقین کامل دارم هنگامی که شما به قطعات تان باز می‌گردید، با رفقای پیکار جوی خویش درباره وظایفی که حزب در برابر ځارندوی ما قرار می‌دهد، صحبت خواهید کرد. البته نه تنها صحبت خواهید نمود بلکه دستورهای حزب و وظایفی را که امروز تعیین می‌گردد، در عمل پیاده خواهید کرد و تحقق خواهید بخشید.

شما رفقای محترم، منسویین ځارندوی نوین، من تأکید مینمایم که ځارندوی نوین ما، ځارندوی امروزی، چگونه نیرویی است و چه چیزی ماهیت آنرا از دستگاه پولیسی و ژاندارمی سابق متفاوت می‌سازد؟

نخست اینکه، ځارندوی کنونی، سازمانی است نوین و مولودا انقلاب ما که از ریشه با پولیس سابق تفاوت دارد. این تفاوت بیش از همه از لحاظ وظایف طبقاتی می‌باشد. قبل از انقلاب ثور پولیس در افغانستان ابزار دفاع از منافع طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر و مشتی از فیودالان و سودخوران طفیلی و اریستوکرات‌ها بود. این سازمان به حیث وسیله ستم بر مردم و انسان‌های ساده وطن ما را بازور و ادار به آن می‌ساخت تا چیزی را که موافق به منافع و خواسته‌های فیودالان و سودخوران و اریستوکرات‌هاست انجام دهند. مردم از پولیس ترس و هراس داشتند، زیرا پولیس عامل حق شکنی و خودسری بود.

خارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دار از حقوق کرامت و آزادی اتباع ج. د. ا. ه. است کند

خارندوی امروزی به حیث مدافع واقعی منافع مردم، وظیفه دارد از امر آزادی، حقوق، کرامت و شایسته‌گی اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان حراست کند. نظم و امنیت اجتماعی شهرها و محلات را تأمین و به امر تحقق تحولات اجتماعی و اقتصادی فعالانه مساعدت نماید و حامل اندیشه‌ها و سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگی رزمنده زحمتکشان کشور باشد.

ثانیاً اینکه، خارندوی امروز از لحاظ ترکیب اجتماعی ساتونکی‌ها، ساتمن‌ها و افسران خود نیز از پولیس سابق متفاوت می‌باشد. در گذشته اکثر فرزندان خانواده‌های منمُول و ثروتمند و نمایندگان محافل حاکم می‌توانستند افسر پولیسی گردند که فقط به خاطر سوجدویی شامل دستگاه پولیس می‌شدند و اکثر در موقعیت و مقام خویش باشیوه‌ها و میتودهای نادرست و غیرمجاز به خاطر ثروتمند شدن شخصی استفاده مینمودند. اختلاس، رشوه‌دستانی و قانون شکنی وسیع وجود داشت. ولی در حال حاضر هستند منسویین سابق که در خارندوی با روح انقلابی، شرافتمندانه کار و پیکار می‌نمایند.

خارندوی امروزی از میان مردم برخاسته، جزء مردم است در خدمت مردم می‌باشد و باید در خدمت مردم باشد. در حال حاضر بخشی اساسی خارندوی را افراد جوانی که به گرمی به امر انقلاب وفادار بوده و از خانواده‌های زحمتکش برخاسته و در گذشته خود ستم و قانون شکنی پولیس را احساس کرده اند، تشکیل می‌دهد.

کادر افسری خارندوی در اکثریت خود متشکل از قوماندانان و کارمندان سیاسی اند که بعد از انقلاب آبدیده‌گی سیاسی و جنگی کسب نموده و تربیت شده اند. بسیاری از آنان از میان سربازان به رتبه افسری ارتقا یافته اند که در گذشته حتی به فکر سرباز ساده نیز خطور نمیکرد. این نسل نوین کادر افسری خارندوی، سیاست حزب را در میان مردم اشاعه داده و مادونان خود را برای اشتراک در تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور فعالانه بسیج می‌سازند. تغییرات در ساختار اجتماعی پرسونل خارندوی به نوبه خود روابط منقابل میان افسران و ساتونکی‌ها را نیز تغییر داد.

آیا در گذشته ممکن بود که سربازان همراه با افسران در زیر یک سقف نشسته و به بحث پیرامون موضوعات مهم، ارتقای قابلیت محاربوی قطعات و جزواتام‌های وزارت امور داخله بپردازند؟ چنین رفاقت رزمی و ایدیولوژیک تنها در نتیجه انقلاب ثور که بنابر اراده و مطابق منافع مردم به وقوع پیوست، ممکن گردید.

ممیزه سوم خارندوی نوین عبارت از اینست که ارگان‌های امور داخله به حیث جزء متشکله قوای مسلح کشور در شرایط جنگ اعلان نشده ارتجاع داخلی و خارجی، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و علیه حاکمیت مردم دارای وظیفه بس پرمسئولیت و مهم دفاع مطمئن از نظام دموکراتیک می‌باشد. اکنون وظیفه اشتراک در عملیات جنگی برای محور سرکوب باندها از اهمیت درجه یک برخوردار است.

خارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دار از حقوق کرامت و آرامش اتباع ج.د.ا. هر است کند

اما مهمترین امر اینست که فعالیت خارندوی امروزی از جانب حزب نموکراتیک خلق افغانستان تنها و تنها از جانب حزب نموکراتیک خلق افغانستان هدایت و رهبری می‌شود. رهبری مداوم خارندوی از جانب حزب منبع نیرو و ضامن پیروزی‌های آنست.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته مرکزی آن و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رشد، تقویت و تحکیم خارندوی، ارتقای سطح قابلیت محاربوی و پختگی سیاسی و رزمی آن توجه دایمی مبذول میدارند. در مدت زمان اخیر کمیته مرکزی حزب دو بار مصوباتی را درباره تکمیل بیشتر کار حزبی، سیاسی و بهبود همه فعالیت ارگان‌های وزارت امور داخله پذیرفته است.

ایجاد ارگان‌های سیاسی خارندوی که وظیفه دارند کار سیاسی و تربیتی را در میان سربازان، ساتمن‌ها و افسران پیش برند، نیز یکی از مظاهر توجه و مواظبت حزب به شمار می‌رود.

شاهد دیگر مواظبت جدی نسبت به رزمندگان خارندوی که وظیفه وطنپرستانه خود را با شجاعت فداکاری انجام می‌دهند، تفویض نشان‌ها و مدال‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان به بیش از هزار نفر ساتونکی، ساتمن و افسر است. بسیاری از شرکت کنندگان جلسه امروزی نیز مفتخر به دریافت نشان‌ها و مدال‌های دولتی و رتبه‌های افسری شده اند.

امروز حزب و حکومت همه تدابیر لازم را اتخاذ می‌نمایند تا خارندوی ما با جدیدترین سلاح‌های خفیه، مهمات، زرهپوش، وسایط ترانسپورتی و دیگر وسایل جنگی مجهز باشد. تأمین مادی سربازان، ساتمنان و افسران و همچنان وضع معیشت پرسونل در داخل قطعات بهبود قابل ملاحظه یافته است. این امر تنها به برکت کمک برادرانه و بی‌شایبه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی ممکن گردیده است. در نتیجه مجموع تدابیر اتخاذ شده از طرف حزب و دولت برای تحکیم و تقویت خارندوی و همچنان کار فعالانه وزارت امور داخله تعداد پرسونل خارندوی به حد قابل ملاحظه افزایش یافته است.

صقوف حزب در خارندوی نیز تقویت یافته است، در تمام قطعات اوپراتیفی و جزواتم‌های ولایات، سازمان‌های حزبی و سازمان جوانان ایجاد شده فعالیت می‌نمایند. بیشتر از دو ثلث ترکیب این سازمان‌ها را سربازان و داوطلبان می‌سازد. رفقا! این نیرو و اتکای بزرگ است.

در فعالیت خارندوی جنبه‌ها و جهات دلچسپی به نظر میرسد که شاهد برخورد قابل توجه نسبت به حل بسیاری از مسایل مربوط به سازماندهی، خدمت به بهبود شرایط زندگی پرسونل است. مثلاً کمیته مرکزی حزب نموکراتیک خلق افغانستان ابتکار

خارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دار از حقوق کرامت و آرامش اتباع ج.د.ا. هر است کند

وزارت داخله را در امر سازماندهی، آموزشی و تربیت سربازان بی‌سواد مفید و ارزشمند ارزیابی می‌کند. طرح این وظیفه کاملاً درست است که هر سرباز بی‌سواد، در جریان مدت خدمت، تعلیمات ابتدایی را فراگیرد تا افرادی که از صفوف خارندوی ترخیص می‌گردند و به سواد، از لحاظ سیاسی آگاه و وفادار به اندیشه‌های انقلاب ثور که مسلماً قوانین جمهوری دموکراتیک افغانستان را می‌دانند، رعایت و احترام می‌کنند، سیاست حزب و دولت را پشتیبانی می‌نمایند و در عمل تحقق می‌بخشند، باشند.

خدمت در صفوف خارندوی باید به مکتب واقعی آموزش و تربیت سیاسی مبدل گردد. درین رابطه باید گفت که کمیسیون‌های سربازان برای کنترول از امور اعاشه و زندگی پرسونل می‌تواند مثال خوب برای تقویت روحیه احساس مسؤلیت در برابر امر سپرده شده و ایجاد فضای رفیقایه در بین پرسونل باشد. این کمیسیون‌ها اعتبار زیاد را کسب نموده و به برکت فعالیت آنها وضع اعاشه ایاتنه و زندگی سربازان بهبود محسوسی یافته است. ما این ابتکار را که در ارگان‌های وزارت امور داخله به وجود آمده است، کاملاً تایید می‌کنیم. باید ابتکارات سربازان را بیشتر رشد داد و آنان را در امر حل مسائل اساسی زندگی و فعالیت قطعات وسیع‌تر جلب نمود.

قطعات و جزوات‌های خارندوی در عملیات نظامی در مناطق مهم حیاتی کشور: غزنی، پغمان و لایات شمال که به اشرار ضربات سنگین وارد شد، سهم فعال گرفتند و به نیروهای ضدانقلاب صدمات قابل ملاحظه وارد نمودند.

اما رفقا! ما باید با وضاحت و صراحت بدانیم که این هنوز کافی نیست. ضدانقلاب داخلی با پشتیبانی دوامدار مالی و نظامی امپریالیزم هنوز هم تلاش می‌ورزد که حالت تشنج را در کشور حفظ نماید و جنگ طولانی را به غرض ورشکست ساختن اقتصاد و ایجاد دشواری‌ها در تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی، کار، ترانسپورت و تجارت ادامه دهد. آنها هنوز هم بالای بخش قابل ملاحظه اهالی کشور از طریق فریب و سوءاستفاده از احساسات مذهبی هموطنان مسلمان ما تأثیر می‌اندازند. مردم ما از جبر، ستم و خودسری باندها به ستوه آمده و خواهان زندگی صلح‌آمیز و سرکوب هرچه سریعتر باندهای ضدانقلاب اند. تأمین زندگی آرام و صلح‌آمیز، سرکوبی ضدانقلاب در مناطق مهم حیاتی کشور و دفاع مطمئن از انقلاب مهمترین و مترترین وظیفه ما را تشکیل می‌دهد. ما معتقدیم که باید خارندوی در آینده نیز قابلیت محاربه‌ی، سعی‌پیگیر و سهم خود را در سرکوب ضدانقلاب ارتقا و افزایش و باز هم ارتقا جامعه برای کار در شئون مختلف اقتصاد ملی تقدیم می‌شوند، و افزایش بخشند.

در خارندوی برای این کار همه امکانات وجود دارد. در قدم اول وزارت امور داخله

موظف است نواقص و کمبودی‌هایی را رفع نماید که ثمربخشی فعالیت خارندوی را کاهش می‌دهد. هنوز هم قطعات و جزوات‌های دارای سطح نازل آمادگی جنگی و استواری سیاسی وجود دارند. در ذهن يك تعداد منسوبین خارندوی هنوز هم تصور دقیق و روشن نسبت به اهداف و وظایف دولت انقلابی وجود ندارد. در کشور مبارزه طبقاتی جریان دارد، اما بخشی از سربازان، سائتمنان و افسران حدت و شدت آنرا درک نمی‌کنند و بعضاً نمی‌دانند که چه کسانی و کی‌ها دشمن واقعی نظام نوین اند؟

این حقیقت و فاکت تلخ تشویش آور است. وزارت امور داخله، ریاست سیاسی آن، قوماندانان و کارکنان سیاسی و سازمان‌های حزبی باید نتیجه‌گیری‌های لازم و جدی را بنمایند. ضرورت است تا کار سیاسی و تربیتی در میان پرسونل خارندوی بهبود قابل ملاحظه یافته و در جهت ارتقای روحیه جنگی و مورال منسوبین، تربیت احساس وطنپرستی، شجاعت و مردانگی در آنان تقویه گردد. لازم است تا به تحکیم تسلیح، وحدت و انضباط نظامی در قطعات توجه بیشتر شود و تمویل دقیق دستورها تأمین گردد. باید سطح مطالبات از قوماندانان در امر تربیت مادونان و وضع انضباط، تسلیح و وحدت در قطعات و جزوات‌ها ارتقا یابد. معیار ارزیابی از فعالیت هر قوماندان باید وضع و قابلیت محاربه وی، روحیه عالی سیاسی و مورال سربازان و ثمربخشی فعالیت جنگی آن باشد.

در اجرای این وظایف مهم ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی خارندوی نیز نقش بزرگ را به عهده دارند. باید از آنها چنین کاری را مطالبه کرد که هر عضو حزب نمونه تسلیح پذیری، وفاداری به اندیشه‌های انقلاب و فداکاری در راه انجام وظیفه انقلابی باشد. اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید در پیشاپیش همه امور دشوار و خطرناک قرار داشته و مثال و نمونه شجاعت و مردانگی باشند. سازمان‌های حزبی باید بر همه جوانب زندهگی و فعالیت خارندوی تأثیر داشته باشند. قوماندانان و امرین باید همیشه به کمک و پشتیبانی سازمان‌های حزبی اتکاء داشته و در حل همه مسایل مربوط نظریات آنها را با دقت شنیده و مدنظر گیرند

قوماندانان و امرین خارندوی باید در ارتباط به قرارگاه‌های ولایات، والی‌ها، نمایندگان خاد، اردو و حزب مطابق قانون و اصول اداری عمل نمایند. از خود سری احتراز کنند و در همکاری و کوردناسیون کامل باشند.

رفقا! باید همه تدابیر ممکن برای تحکیم سازمان‌های حزبی اتخاذ گردد و صفوف حزب به حساب پذیرش بهترین سربازان، سائتمنان و افسران که وفاداری خود را به امر انقلاب ثور ثابت ساخته اند، توسعه یابد. بهبود و تکمیل کار ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی خارندوی تنها و تنها در صورت رابطه محکم آنها با کمیته‌های حزبی محلی ممکن است و بس. باید اظهار داشت که هنوز در همه جا چنین رابطه

خاندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دار از حقوق کرامت و آرامش اتباع ج.د.ا حراست کند

محکم برقرار نشده است، این نقیصه باید به صورت جدی و قاطع رفع گردد. سازمان‌های حزبی، خاندوی و کمیته‌های حزبی ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه داری‌ها وظایف مشترک و واحد را انجام می‌دهند. بنابراین باید با نوسنی دست به دست هم، مشترکاً با کمک همه جانبه کار کرد. رفقا این خواست و دستور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

قابلیت محاروبی خاندوی تنها بر مبنای تکمیل و بهبود کار حزبی سیاسی و تربیتی، تحکیم روابط با کمیته‌های محلی حزبی و ارگان‌های محلی دولتی می‌تواند ارتقا حاصل نماید و این یکی از مهمترین و جدی‌ترین وظایف شماسست. برای اجرای موفقانه آن همچنان ضرورت است تا تدابیری به منظور همبستگی، یکپارچگی و وحدت قطعات و جزو نام‌ها، استقرار نظم و تسهیل استوار نظامی در آنها، بهبود آمادگی رزمی پرسونل، ارتقای مهارت فنی کادرهای قوماندانی اتخاذ گردد.

ما می‌دانیم که قطعات و جزو نام‌های خاندوی در سال جاری نسبت به سال گذشته فعالیت محاروبی را به طور قابل ملاحظه افزایش بخشیده اند. این دستاورد بسی مهمی است اما بیابید ثمر بخشی این فعالیت‌های نظامی را ارزیابی کنیم. در نتیجه واضحاً معلوم می‌شود که هنوز کافی نیست. اوضاع کنونی تقویت بیشتر فعالیت نظامی تمام قوای مسلح و منجمله جزو نام‌های خاندوی را در برابر ضدانقلاب داخلی و خارجی میطلبد. ما اطمینان داریم که سهم خاندوی پرافتخار ما در مبارزه مسلحانه با دشمنان انقلاب افزایش خواهد یافت.

موازی با آن وزارت امور داخله باید توجه زیادی را به کمک و مساعدت فعال در امر استقرار و رشد اقتصاد کشور مبذول دارد. در حال حاضر تعدادی قابل ملاحظه مؤسسات صنعتی و زراعتی به وسیله قطعات خاندوی محافظت می‌شود که با اجرای این وظایف، خاندوی را قابل تقدیر و ستایش می‌دانیم. حفاظت مطمئن مؤسسات بزرگ مجال کار نورمال و ثمر بخش آنها را میسر می‌سازد. به این ترتیب خاندوی در رشد اقتصاد ملی افغانستان سهم میگیرد. این جنبه مهم فعالیت وزارت امور داخله را باید به طور دایمی در مرکز توجه قرار داد. از امر حفاظت مؤسسات همکاری اقتصادی افغان شوروی که بنیاد اقتصادی کشور ما را تشکیل می‌دهد، باید مواظبت بخصوص نمود.

حزب و دولت مساعی بزرگ را در امر تحقق اصلاحات ارضی و آب، این یکی از عمده‌ترین دستاوردهای انقلاب ثور به خرج می‌دهند. کثیرالعدمتربین طبقه کشور ما را دهقانان تشکیل می‌دهند. آنان باید صاحب زمین و آب گردند و به این ترتیب بهبود شرایط زندگی را واقع احساس نمایند. حکومت مردم‌سوی می‌ورزد همه تدابیر لازم را اتخاذ نماید تا دهقانان زندگی مرفه و شایسته داشته باشند. دشمنان ما با هر وسیله‌ای می‌خواهند مانع این هدف انسانی و بزرگ ما شوند. خاندوی باید به ارگان‌های

خارندوی به حیث مدافع منافع مردم وظیفه دار از حقوق، کرامت و آزادی اتباع ج. د. ا. ه. است کند

حزبی و دولتی در امر تحقق اصلاحات ارضی و آب مساعدت فعال نماید و از کار صلح‌آمیز دهقانان به طور مطمئن دفاع کند.

اشترک خارندوی در روزهای او داوطلبانه «حشر» با زحمتکشان و منسوبین اردو، اشترک در پاک‌کاری جوی‌ها، کاریزها، کانال‌ها، تجدید ساختمان مکاتب، شفاخانه‌ها و مساجد که تخریب شده و کمک به اهالی در کار جمع‌آوری محصولات زراعتی دارای اهمیت زیاد سیاسی می‌باشد. این تدابیر باید با کار تبلیغی و ترویجی توأم گردد. لازم است تا از تجربه موجود فعالیت گروه‌های تبلیغاتی و ترویجی مشترک و هماهنگی کمیته‌های محلی حزبی و خارندوی برای توضیح فعال اهداف و وظایف انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت بهبود زندگی مردم، رشد اقتصاد، فرهنگی و حل مسایل ملی استفاده وسیع صورت گیرد. این کار یکی از اشکال مؤثر تحقق فیصله‌های نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که وظایف مهم کار سیاسی در میان توده‌ها را معین ساخت، می‌باشد.

خارندوی باید در امر توسعه و تحکیم قدرت دولتی مردم در محلات از مراکز ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها دفاع مطمئن نماید و به کار هسته‌های سازمانی مساعدت و امنیت و مصونیت کار نورمال مکاتب، شفاخانه‌ها و دیگر موسسات را تأمین کند. مخصوصاً اشترک فعال خارندوی در استقرار و توسعه قدرت مردمی در دهات امری مهم است.

قطعات خارندوی در صف مقدم مبارزه به خاطر نظم نوین قانونی قرار دارند. جلوگیری از جرایم و جنایات، حفظ حقوق و آزادی‌ها، دارایی و مصونیت آنان، مصونیت جاده‌ها و حرکت وسایل ترانسپورت و غیره امور مهم وظایف و مکلفیت‌های مستقیم خارندوی را تشکیل می‌دهند. چه خارندوی موظف است تا موازی با اشترک در عملیات محاروبی علیه ضدانقلاب، این جهات فعالیت خویش را نیز تکمیل کند و بهبود دائمی بخشد. مخصوصاً این که با توسعه و تحکیم قدرت دولتی مردم، این جهان و جوانب همیشه اهمیت بیشتر و بزرگتر کسب می‌نماید.

کارکنان خارندوی در میان توده‌های مردم خدمت می‌نمایند و مردم با مشاهده کار خارندوی تا حدود زیادی درباره همه فعالیت دولت قضاوت می‌کنند در رابطه با این موضوع می‌خواهم به طور خاص خاطر نشان سازم که کارمندان خارندوی باید در کار خود قانونیت انقلابی را به طور بی‌انحراف رعایت نمایند. برخورد خوب، سعی برای کمک به اتباع کشور، در لحظات دشوار دفاع قاطع از آنان در برابر عناصر جنایتکار و ضدانقلاب، آن مواردی را تشکیل می‌دهد که کارمند خارندوی موظف است همه نیرو و انرژی خود را از صمیم قلب و با تمام قهرمانی و فداکاری صرف نماید. درینصورت کارمند خارندوی احترام و خوش بینی زحمتکشان را جلب نموده

څارندوی به حیث مدافع منافع مرد وظیفه دار از حقوق کرامت و آرامش اتباع ج.د.ا هراس کند

در میان آنان، دوستان و دستیاران مطمئن خواهد یافت.

رفقای عزیز!

زهی افتخار، زهی احترام به څارندوی نوین ما که به آن نقطه رشد و تکامل خود برسد که محبوب در قلوب و وجدان فرد فرد مردم افغانستان گردد و محبوبیت عظیم و بزرگ داشته باشد.

رفقای گرامی!

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ابراز اطمینان کامل می‌نماید که څارندوی، څارندوی مبارز ما با عزم بیشتر بر مهارت حرفه‌یی و پخته‌گی ایدیولوژیک و سیاسی و وحدت پرسونل خود خواهد افزود. انضباط آهنین را در سراسر څارندوی تأمین خواهد بخشید تا با هوشیاری دایمی و قاطعیت در همه جا از موضع و موقف دولت انقلابی دفاع نماید.

رفقای عزیز! به همه شما موفقیت‌های بزرگ، افتخارات بزرگ را در این امر آرزو می‌کنم.

رفقا، پیروزی ما حتمی است!

آگاهی سیاسی منسوبین قهرمان اردو و صداقت به وطن، انقلاب و حزب نیرو و قدرت اردوی ما را افزایش می‌بخشد

رفقای عزیز!

جای مسرت است که امروز با شما رزمندگان راه انقلاب ثور، که بر ضد دشمنان سوگند خورده مردم آزادی دوست ما، در راه تحولات زندگی اجتماعی و مبارزه به خاطر آینده درخشان و تابناک وطن محبوب ما قرار گرفته اید و جانبازانه می‌رزمید، ملاقات می‌کنیم.

اجازه دهید تا به نمایندگی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از طرف خود به شما سربازان و خردضابطان و افسران دلاور و وطنپرستان با شجاعت فرقه (هفده) پیاده با رضایت کامل شادباش‌های گرم و انقلابی را تقدیم بدارم. شما مانند سایر منسوبین اردوی پرافتخار جمهوری دموکراتیک جوان ما، به طور فعالانه و قهرمانانه علیه باندهای ضدانقلاب جنگیده و سهم شایان خود را در امر سرکوبی دشمنان داخلی و خارجی حکومت مردمی خویش ادا می‌کنید. بسیاری از افسران، خردضابطان و سربازانی که امروز در این تالار حضور دارند به خاطر شجاعت، مردانگی و از خودگذری که در نبردهای خونین با باندهای ضدانقلاب از خود نشان داده اند، مفتخر به اخذ نشان‌ها و مدال‌های دولتی گردیده اند که این امر حاکی از وفاداری و صداقت منسوبین اردوی ما به میهن و به امر عادلانه انقلاب شکوهمند ثور و آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد.

رفقای محترم!

منسوبین اردوی قهرمان ما مانند سایر اتباع شرافتمند کشور تحت رهبری کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، سعی و تلاش زیادی به خرج داده و می‌دهند تا اوضاع سیاسی و نظامی را در داخل کشور به تدریج عادی سازند و باید تذکر دهیم که اوضاع کنونی رو به عادی شدن است و حوانث اخیر تأییدکننده این ادعای ما می‌باشد.

به طور مثال می‌توان از دفع حملات باندهای بزرگ ضدانقلاب و همچنان حاضر شدن بسیاری از باندهای اشرار جهت مذاکره با نمایندگان حکومت مردمی یادآوری

کرد.

هر روز تعداد بیشتر از کسانی که فریب تبلیغات زهرآگین دشمنان را خورده اند، بیش از پیش درمی یابند که امپریالیزم بین المللی و سرکردهگان ضدانقلاب، آنان را به سوی پرتگاه نیستی، جنگ و برادرکشی میکشانند آنان با درک حقانیت اهداف و وظایف انقلاب ثور، از ضدانقلاب می برند و به زندگی صلح آمیز باز می گردند. گرچه تا کنون این پروسه بطی است ولی به پیش می رود و وسعت می یابد و در آینده نزدیک روزی فرا خواهد رسید که همه مردم رَحمنکش وطن ما به عدالت، امری که به خاطر آن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام اتباع آگاه کشور افغانستان پیکار می کنند، اعتقاد حاصل نموده از سیاست حزب و تدابیر آن جهت بالا بردن سطح زندگی توده های وسیع مردم و رشد اقتصاد و فرهنگ جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی نمایند.

لیکن با وجود نتایج مثبت و معین که در سال جاری به دست آمده است اوضاع سیاسی و نظامی در کشور تا هنوز کاملاً استقرار نیافته است و دسایس امپریالیزم بین المللی مانع اساسی در راه عادی ساختن آن می باشد.

نیروهای تجاوزکار امپریالیزم در رأس آن امپریالیزم امریکا از هیچ تلاش دریغ نمی ورزند تا از پیشرفت توده ها در مسیر رشد اجتماعی جلوگیری نمایند. به این منظور است که آنها مسابقه تسلیحاتی را تشدید می بخشند و می خواهند با زورگویی نظامی، آرزوهای سودجویان و مورد علاقه خویش را بالای مردم گیتی تحمیل نمایند.

وقایع وحشتناک در لبنان جایی که متحدین امپریالیزم امریکا یعنی اشغالگران صهیونیستی سیل خون باشندهگان غیر نظامی و بی گناه شهر بیروت و جنوب لبنان را جاری ساخته اند، شاهد این مطلب است. اشغالگران اسرائیلی می خواهند تا سازمان آزادی بخش فلسطین را محو نموده و مردم رنجدید فلسطین را از تکیه گاه مبارزه به خاطر تعیین سرنوشت خود و تأسیس دولت خویش محروم کنند. آنها جهت به دست آوردن این هدف شوم و ناپاک از مینوهای و اسلوب فاشیست های هتلری کار میگیرند.

امپریالیست ها در افغانستان نیز از تلاش های خود به غرض تغییر جریان حوانث به سود خویش صرف نظر نکرده اند. آنها در صدد وخامت هر چه بیشتر اوضاع متشنج جهانی بوده برای اینکار به اصطلاح پرابلم افغانستان را، به طور دوامدار بهانه قرار می دهند.

نیروهای امپریالیزم جهانی به سرکردگی ایالات متحده امریکا و شرکای جرم آنها در اسلام آباد و پیکن، جنگ اعلان نشده را علیه وطن محبوب ما به راه انداخته اند

و ادامه می‌دهند.

علاوۀ آنها از تبلیغات بی‌شرمانه استفاده نموده اشخاص شریف و ساده را فریب داده تلاش می‌ورزند ایشان را بر ضد حکومت مردمی تحریک کنند. با کمک این نیروهای سیاه فعالیت‌های خرابکارانه باندهای اجیران، اوباشان و قاتلین در سرزمین مقدس افغانستان نوام دارد. این باندها اهالی بیگناه را ترور نموده مکاتب و شفاخانه‌ها را ویران می‌کنند و بنابر ضدیت خود با علم، معرفت و دانش، معلمان و روحانیون شریف و وطنپرست را به قتل می‌رسانند.

نیروهای ارتجاع، لبه تیز اعمال جنایتکارانه خویش را متوجه اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، نمایندگان حکومت، روشنفکران مردمی و منسوبین عسکری ساخته اند. هدف اصلی آنها نگهداشتن مردم در ترس و هراس دائمی، ایجاد بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت ج.د.ا و قابلیت آن برای تأمین شرایط صلح‌آمیز کار برای زحمتکشان و احیای مجدد نظام فئودالی و سیطره استثمارگران می‌باشد. اما تلاش‌های دشمنان انقلاب بیهوده و محکوم به شکست حتمی است. سیاست و فعالیت حزب و دولت انقلابی ما سرعت هر چه بیشتر این روند را تضمین می‌نماید.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، برنامه عمل حزب و مشی مبنی بر سرکوب کامل ضدانقلاب، بهبود شرایط زندگی توده‌های وسیع زحمتکشان، ارتقای سطح فرهنگ مردم و رشد همه جانبه تمام ملیت‌ها و اقوام کشور را تحقق می‌بخشند.

نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف سنگینی را در برابر رزمندگان ما قرار داده است. در فیصله‌های آن وظایف مبرم سازمان‌های حزبی، ارگان‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی بر عرصه کار با کادرهای حزبی، نظامی و مؤسسات دولتی، کار سیاسی و تربیتی در میان توده‌ها، افزایش تولیدات زراعتی و صنعتی و تحکیم قوای مسلح ما تعیین شده است.

در فیصله‌های پلینوم، طرق مشخص تطبیق وظایف فوق‌الذکر نیز تعیین شده است. وطنپرستان کشور فیصله‌های پلینوم را با گرمی استقبال نمودند و هم اکنون به آن جامه عمل می‌پوشانند. علی‌الرغم جنگ اعلان نشده امپریالیزم، اقتصاد ملی کشور ما به رشد خویش ادامه می‌دهد. در سال جاری تولید انواع اساسی محصولات منجمله استخراج گاز و زغال سنگ افزایش یافته است و تدابیر اتخاذ شده باعث افزایش تولید بعضی انواع محصولات زراعتی گردیده است. ناگفته نباید گذاشت که بدون کمک بی‌شائبه و برادرانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، تحکیم بیش از پیش همبستگی انترناسیونالیستی با خلق‌های آن کشورها حصول همه

این موفقیت‌ها ناممکن می‌بود.

در اثر کمک‌های اتحاد شوروی، اقتصاد ملی، علم و تخنیک ما انکشاف نموده، قوای مسلح ما تحکیم و امکانات محاروبی آن ارتقا یافته است. دوستی و همبستگی ما با اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی، ضامن مطمئن آزادی و تمامیت ارضی افغانستان، پیروزی کامل انقلاب ثور و برقراری صلح در میهن ماست که مهمترین شرط پیشرفت و شگوفانی تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل وطن ما را تشکیل می‌دهد. یک بار دیگر سیاست‌گذاری خویش را از کمک‌های بی‌شایبه و همه‌جانبه همسایه بزرگ شمالی خود اتحاد شوروی ابراز می‌نماییم.

رفقا، سربازان، خردضابطان و افسران!

دشمنان نا زماتی سلاح خویش را به زمین نخواهند گذاشت که بیهودمگی مقاومت خود و بزرگ نیروی ما را درک و احساس نکنند. ما هم اکنون این نیرو را داریم. امروز، اردوی منظم، اردوی طراز نوین که قادر است از دستاوردهای انقلاب دفاع مطمئن نماید، در اختیار ماست.

آگاهی سیاسی سربازان و خردضابطان رزمنده و قهرمان همراه با صداقت به وطن، مردم و حزب، وفاداری به خدمت نظامی و آرمان‌های بارز آنان، نیرو و قدرت اردوی ما را بارها افزایش بخشیده است. ازینرو وظیفه قوماندانان، کارکنان سیاسی، سازمان‌های حزبی و جوانان است تا به طور منظم و سیستماتیک کار وسیع‌تر را در جهت ارتقای هرچه بیشتر سطح آگاهی سربازان سازمان دهند و از صرف هیچ نیرو و دقت برای این منظور دریغ نوزند.

وظایف مهم در امر بهبود و تکمیل قابلیت محاروبی قطعات، مطالبات جدی را برای کسب دانش عمومی به وسیله منسوبین قوای مسلح مطرح می‌سازد. اردو باید تنها به مدرسه پخته‌گی سیاسی، بلکه به مکتب امحای بی‌سوادی برای همه سربازان نیز تبدیل گردد. نیروی اردوی ما در موجودیت کادرهای ورزیده افسری که از آبدیده‌گی عالی سیاسی برخوردار اند، می‌باشد. افسرانی که عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان اند، هسته مرکزی و پیکارجوی کادرهای افسری اردوی ما را می‌سازند و بیش از هفتاد و پنج فیصد افسران اردو اعضای اصلی و آزمایشی حزب و یا اعضای سازمان دموکراتیک جوانان اند. با رضایت کامل خاطر نشان می‌سازیم که افسران ما در سال‌های اخیر از برکت مواظبت دایمی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی بهتر رشد نموده و بر مهارت و قابلیت خود به حد قابل ملاحظه افزوده اند.

بسیاری از افسران دارای سطح عالی آمادگی تخنیکی و نظامی بوده و اسلوب و

میتوذهای ترتیب و تنظیم محاربات و سوق و اداره قوت‌های تحت امر خویش و تعلیم و تربیه پرسونل را با مهارت فراگرفته در عمل پیاده می‌کنند. در میان مادونان خود از حیثیت و اعتبار زیاد برخوردار اند. قبلاً در کشور ما چنین کادرهای ورزیده افسری وجود نداشت. با چنین افسران مجرب و دارای مورال عالی، سربازان ما شجاعانه و بی‌هراس به جنگ علیه دشمن می‌روند و پیروزی را به دست می‌آورند. ولی زندهگی و فعالیت‌های محاربوی قطعات و جزواتام‌ها مطالبات و خواست‌های جدید و بیشتر از کادرها، قوماندانان، کارکنان سیاسی، پرسونل انجینیری و تخنیکي دارد. این وضع هر افسر را مکلف می‌سازد تا آنبیدمگی سیاسی، آماده‌گی تیوریک و مهارت آموزشی و تربیوی خویش را بهبود و تکامل بخشد.

نیروی اردوی ما، در داشتن تخنیک، وسایط مدرن و مورال آن است. امروز قطعات و جزواتام‌های ما با وسایط تخنیک و اسلحه عصری مجهز است. این اسلحه پر قدرت زمانی می‌تواند تأثیر مطلوب را بر دشمن وارد کند که در دست‌های توانا و مطمئن قرار داشته باشد. از این رو وظیفه هر سرباز، خردضابط و افسر است که فن استفاده مؤثر از سلاح و وسایط دست داشته خویش را با مهارت فراگیرد و از کلیه امکانات محاربوی آن به نفع دفاع از افغانستان دموکراتیک استفاده نماید.

در شرایطی که اردوی ما بر علیه باندهای ضدانقلاب مبارزه می‌کند باید از نظم عالی، اطاعت کامل و دسپلین آهنین و متین عسکری و حزبی برخوردار باشد. کوچکترین غفلت و لاقیدی، عدم اطاعت از اوامر سیرده شده نتیجه وخیم و مرگباری را با خود دارد.

منافع وطن از هر سرباز مطالبه می‌نماید، تا همه احکام قانون مکلفیت عمومی عسکری، اصول نامه‌ها و تعلیماتنامه‌های عسکری، تحلیف عسکری، اوامر قوماندانان و آمران خویش را دقیقاً رعایت نماید دسپلین مشخصاً وطنپرستی، آگاهی سیاسی و خصلت مردانه‌گی سرباز است.

دوستی خلل ناپذیر و همکاری محاربوی با منسوبین قطعات محدود اتحاد شوروی اردوی ما را به مراتب نیرومندتر ساخته است. این دوستی سمبول درخشان دوستی بزرگ مردمان ما بوده و برای همیشه جاویدان خلق‌های ما را با هم پیوند ناگسستنی داده است. آماده‌گی برای تجلیل از شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زمینه بهتری را جهت گسترش همه جانبه دوستی و برادری بین احزاب، مردم و اردوهای هر دو کشور مساعد می‌سازد.

قوماندانان، ارگان‌های سیاسی، سازمان‌های حزبی، جوانان و تمام کلکتیف‌های عسکری باید مطابق مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به منظور بهبود هرچه بیشتر امر تربیه منسوبین باروحیه عالی

و وطنپرستی، انترناسیونالیستی و روحیه وفاداری بی پایان به دوستی بی‌شایبه افغان شوروی سهم لازم در این تجلیل بزرگ بگیرند.

نیرو و اسنحکام اردوی ما ناشی از اینست که حزب دموکراتیک خلق افغانستان ساختمان نظامی اردو را رهبری می‌نماید و نقش و تأثیر ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی در تمام جوانب زندگی و فعالیت قطعاً ارتقا می‌یابد. این نقش در آنصورت مؤثرتر خواهد بود که وحدت و همبستگی صفوف حزب مستحکمتر باشد. نهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا باز هم با صراحت این مطلب را خاطر نشان ساخته است.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اطمینان دارد که اعضای حزبی فرقه (هفده) پیاده از سربازان تا قوماندانان به طور مصرانه و خستگی‌ناپذیر وحدت حزب را تحکیم بخشیده تمام اقدامات را جهت بلند کردن سپه‌سپین حزبی اتخاذ نموده و سربازان را به سوی موفقیت‌های جدید در پیشبرد تعلیم و تربیه، خدمت عسکری و مبارزه انقلابی به دنبال خویش میکشانند. بگذار تا در عرصه پیکار، در کوه‌ها و میدان‌های تعلیمی این شعار گرم و آتشین حزب که: «اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیش»، بلند و بلند تر طنین اندازد.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا همچنان اعتقاد کامل دارد که تمام منسوبین قهرمان فرقه هفده پیاده به طور صادقانه و فداکارانه به میهن خود خدمت کرده و علیه عناصر ضدانقلاب جاننازانه مبارزه نموده و سهم از زنده در امر پیروزی نهایی انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن به جا گذارند.

زنده باد انقلاب شکوهمند ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان!

افتخار به قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان!

ما می‌خواهیم که تمام شهرها و ولایات میهن انقلابی ما صنعتی، بیشرفته و شگوفان گردد

رفقای هم‌زم انقلابی!

نمایندگان محترم سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنعتی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان!

نمایندگان و باشندگان محترم و وطنپرست شهر و ولایت هرات! ازینکه امکان یافتیم باشما ملاقات نمایم و شادباش‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به شما برسانم، احساس مسرت مینمایم.

در این اواخر کارمندان رهبری کشور، اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اعضای شورای انقلابی و وزیرای جمهوری دموکراتیک افغانستان به دفعات و هرچه بیشتر از گذشته از ولایات، شهرها و ولسوالی‌ها دیدن نموده با مردم ملاقات می‌کنند. این دیدارها، یکی از اشکال تحقق عملی نصابیم کنفرانس سراسری و نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یکی از مظاهر سرشت و ماهیت دموکراتیک دولت انقلابی ماست که هدف عمده آن مواظبت دایمی از رفاه مردم می‌باشد. ما می‌خواهیم که با چشم خود ببینیم که مردم ما چگونه زندگی می‌نمایند و درباره حوادثی که رخ می‌دهد، هرچه عمیقتر و بهتر بدانیم.

البته چنین مسافرت‌ها و ملاقات‌ها با مردم تنها هدف ساده‌اشنایی را ندارد. این دیدارها کمک می‌کنند تا وظایف عملی را انجام دهیم و نواقص را بر طرف سازیم و تدابیری را در جهت پیشرفت هرچه موفقانه در راه اعمار جامعه نوین اتخاذ نماییم. از جانب دیگر هر یک از این ملاقات‌ها شکلی از گزارش دهی حکومت می‌باشد.

زیرا مردم باید بدانند که وضع در کشور چگونه است؟ و حزب و دولت انقلابی برای رفاه افراد زحمتکش به چه اقداماتی دست می‌زنند؟

به همین سبب اکنون من در هرات پرافتخار، شهر پر از سنن بزرگ تاریخی و فرهنگی، در شهری که تا دوردست‌های خارج از کشور ما نیز شهرت دارد، در شهر باستانی با آینده درخشان قرار دارم و هرات باستانی که در طی قرون متمادی جنگها، مصایب و آلام بیشمار بشری را از سر گذرانده است. متأسفانه در سال‌های

بعد از انقلاب ثور نیز مردم هرات متحمل دشواری‌ها و آزمایش‌های سخت شدند. در رابطه با این می‌خواهم خاطر نشان سازم که ما همه، همراه با هم و با مساعی مشترک باید تلاش و ورزش تا دیگر هیچ‌گاهی چیز مشابه آن تکرار نگردد.

رفقای محترم!

انقلاب ثور که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بنابر اراده و خواست مردم و پشتیبانی شان پیروز گردید، اصول برابری و عدالت اجتماعی را اعلام داشت.

به خاطر همین هدف بزرگ و شریفانه ما به تحقق تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی به نفع توده‌های زحمتکش افغانستان پرداختیم و ما می‌خواهیم که وطن مان افغانستان انقلابی کشور نیرومند و شگوفان باشد و مردم ما از نعمات مادی و معنوی ضروری برخوردار باشند تا هیچکس متحمل محرومیت و توهین نشده و عدالت، به قانون بلاتعییر ثابت زندگی جامعه ما مبدل گردد. می‌خواهیم که در شهرهای افغانستان صنایع رشد یابد و در دهات و قرا کشور دهقانان زحمتکش با آرامی و آزادی به کار شریفانه در قطعه زمین مربوط به خود مشغول باشند. هدف ما اینست که هر افغان دارای سرپناه شایسته، زنده‌گی انسانی و همه کس دارای غذا و لباس کافی باشد و نور دانش و فرهنگ، زنده‌گی هر هموطن ما را روشنایی بخشد. ما با احترام و رعایت دین مقدس اسلام ضمن تحقق تحولات انقلابی در عین زمان رسوم و عادات مردم، حقوق و سنن هر ملیت، هر قوم و هر ولایت افغانستان را احترام و رعایت می‌کنیم. من می‌خواهم با صراحت و مسؤولیت بگویم که حزب و حکومت همه اقدامات ممکن را انجام می‌دهند تا زندگی هر تنعه افغانستان بهبود یابد و اگر ما تا کنون در اینجا در هرات و یا در کدام محل دیگر کاملاً به این هدف دست نیافته ایم، گناه آن قبل از همه به دوش دشمنان انقلاب و دشمنان مردم و وطن است.

کسانی علیه سیاست مردمی ما قرار گرفته اند که در گذشته عادت نموده بودند تا مردم را مورد سرکوب و ستم قرار دهند و به حساب استعمار شدید و غیرانسانی زحمتکش افغانستان زنده‌گی نمایند. امپریالیزم، هر مونیزم و ارتجاع منطقه به کمک همین عناصر ضد مردمی جنگ اعلان نشده را علیه مردم و دولت انقلابی افغانستان به راه انداختند. پاسخ امپریالیزم و دست نشانده‌گان آنرا در برابر مساعی مردم ما برای تغییرات و بهبود زندگی شان، سوق سیل سلاح، تخریب سرپناه‌های مردم و مکاتب، شفاخانه‌ها و سایر اعمال کثیف و وحشیانه تشکیل می‌دهد، دشمنان مردم زحمتکش ما همراه با به کار انداختن زور، از فریب نیرنگی و تبلیغات دروغین برای گمراه نمودن مردم ما نیز استفاده کرده و می‌کند اما علی‌الرغم حملات دهنشانه امپریالیزم، هر مونیزم و نوکران آنها دولت مردمی با گذشت هر روز استحکام می‌یابد و اردوی با افتخار افغانستان، ضربات کشنده را بر بقایای باندها که هنوز هم تلاش دارند آرامش و زندگی مردم زحمتکش افغانستان را برهم زنند، وارد می‌سازند.

انقلاب ثور بر اراده مردم افغانستان و کمک و پشتیبانی دوست دیرین و همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و همسنگی و همکاری همه کشورهای مترقی و نیروهای صلح آتکاء دارد و این به آن معنی است که انقلاب ما شکست ناپذیر می‌باشد.

هرچند دشمنان تلاش ورزند جلو پیشرفت ما را بگیرند، ما با قاطعیت می‌دانیم که روزهای عمر شان به پایان رسیده است. البته مبارزه هنوز ادامه دارد و ما ضربات خود را بر ضدانقلاب مسلح و باندهای اجیر امپریالیزم تشدید خواهیم بخشید. اما همین اکنون همه وظایف رشد اقتصادی، نیروهای مولده، افزایش تولید محصولات زراعتی و صنعتی و کالاهای مورد ضرورت مردم با وضاحت و به طور کامل در برابر ما قرار دارد. زیرا این همان مبنایی است که بدون آن بهبود زندگی مردم و اجرای موفقانه وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک ناممکن می‌گردد و من با صراحت باید بگویم که کمک‌های بی‌شایبه و سخاوتمندانه اتحاد شوروی بزرگ برادر دوست مطمئن ما نقش پر ارزش و بی‌نظیر را در رفع دشواری‌های موجود اقتصادی ما ایفا می‌نماید.

اتحاد شوروی به ما کمک می‌نماید تا به وضع اقتصاد خویش سر و سامان دهیم. مؤسسات لازم را اعمار نماییم و شعب مهم اقتصاد ملی یعنی ترانسپورت، صنایع خفیفه، انرژی، آبیاری موادغذایی و دیگر حقوق ضروری را که برای رفاه مردم افغانستان اهمیت بزرگ دارد، ایجاد کنیم.

در سال گذشته افزایش معین محصول ناخالص و درآمد ملی در حدود سه فیصد تأمین گردید. محصول ناخالص زراعت نیز نسبت به قبل، رشد معین حاصل نمود.

در عین زمان بنابر اعمال جنایتکارانه ضد انقلاب، هنوز هم کار بعضی از مؤسسات صنعتی لاین‌های برق و ارتباطات ترانسپورتنی متوقف و یا مختل شده است و کار اعمار مؤسسات جدید با کندی پیش می‌رود. هدف دشمنان روشن است. آنها که نتوانستند بازور سلاح به تفوق نایل گردند، اکنون تلاش می‌ورزند اقتصاد کشور را مختل و تولید، ترانسپورت و تجارت را بینظم سازند تا موجب گرسنگی گردیده و مردم را علیه دولت انقلابی تحریک نمایند. ما وظیفه داریم در برابر این توطئه‌ها و تلاش‌های دشمن، تصمیم قاطع، سازماندهی لازم و پیگیری در تحقق سیاست اقتصادی را قرار دهیم. در برابر دشواری‌های موقت اقتصادی نباید غیرفعال و بی‌تفاوت بود. بر عکس رفع فعالیت آنها، بسیج مردم در مبارزه با آنها، نخستین وظیفه حزبی هر عضو حزب و هر کارمند اداری است. این خواست کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در رابطه با این می‌خواستیم توجه شما را به بعضی از مسایل مربوط به وضع اقتصاد شهر و ولایت هرات که یکی از مهمترین مناطق اقتصادی افغانستان است، معطوف

نمایم صنایع شهر و ولایت متشکل از مؤسسات پروسس پخته، مؤسسات ترانسپورتنی و بافندگی قالی و یک تعداد مؤسسات صنایع غذایی است. آنها به صورت عموم بد کار نمیکنند، اما در تمام مؤسسات هرات وضع چنین نیست. کار ساختمان پروژههای مهم اقتصادی چون بند سلما، فابریکه نساجی و فابریکه سمنت هرات به پایان نرسیده است. زغال در معدن سبزیك استخراج نمیگردد، مسلخ هرات کار نمیکنند. البته علنی برای آن وجود دارد و این علل در هر مورد مختلف است اما بیایید سوال را چنین طرح نمایم:

آیا رهبری حزبی، ولایت و ارگانهای قدرت دولتی توان آنها دارند که تکمیل ساختمان این پروژهها و آغاز کار در همه مؤسسات را تأمین نمایند؟ ما در باره پختگی سیاسی، استعداد سازماندهی و خصوصیات عملی کارمندان رهبری بر اساس اینکه با چه موفقیت و سرعت این دستورالعمل کمیته مرکزی حزب و حکومت را در عمل پیاده می نمایند قضاوت می کنیم علل وضع موجود را در رابطه با هر پروژه با دقت مطالعه کنید.

پلان مشخص کار را ترتیب دهید و تطبیق بلاانحراف آنها تأمین نمایید و مرکز به نوبه خود سعی می کند کمک لازم را مینول دارد و فعالیت شما را تقویت بخشد. من مطمئن هستم که سازمانهای حزبی ولایت و شهر هرات طرح چنین مسئله را پشتیبانی نموده همه آنچه را که مربوط به آنهاست برای اجرای وظیفه انجام خواهند داد.

لازم است چند کلمه هم در مورد تحقق اصلاحات ارضی صحبت شود. ولایت شما همه شرایط لازم را برای رشد موفقانه زراعت به نفع زحمتکشان دارد. اما به نظر ما امور مربوط به پیشبرد اصلاحات ارضی و آب هنوز با کندی پیش می رود و باید آهنگ اجرای تدابیری را که در فیصله های کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان برای ادامه اصلاحات ارضی پیش بینی می کنند، سرعت بخشید. رفقا شرایط و دشواری های عینی را پیش می کشند. واقعاً دشواری ها وجود دارد. اما اگر آنها را رفع نکنیم همینطور باقی میمانند. اگر عمل صورت نگیرد، نتایجی هم وجود نخواهد داشت. رفقا می خواهیم شما را به فعالیت بزرگ و پیگیر قاطع در امر اصلاحات ارضی، یکی از وظایف اساسی انقلاب ما، دعوت نمایم که تحقق و به ثمر رساندن آن وظیفه انقلاب ما و شماست.

می خواهیم روی یکی دیگر از جوانب کار ما در عرصه اقتصاد که با تحکیم رابطه حزب با توده ها ارتباط ناگسستنی دارد صحبت نمایم. در زمان سابق حاکمان افغانستان قرن ها این فکر را در ذهن انسان های ساده نفوذ میدادند که تنها به کار فابریکه و کارخانه و لسوالی، شهر، ولایت و دولت هیچ رابطه یی ندارند. آنها این

اندیشه را اشاعه میدادند که کارگر فقط باید کار خود را انجام دهد. دهقان اگر قطعه زمینی دارد آنرا کشت کند و گرنه برای فیودال عرق بریزد، بیشه ور باید محصولات خود را بسازد، در باره دیگر چیزها حاکمان، سرداران و والیان فکر خواهند کرد و مواظبت نشان خواهند داد. حزب مومکر اتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که تبعه افغانستان باید برای بهبود زندگی در کشور سهم بگیرد. اگر در فابریکه بی‌نظمی است و یا تولید درست سازمان نیافته، سازمان اولیه حزبی و کارگران نباید خاموش باشند و دهقانان نباید بگذارند که دشمنان محصولات شان را آتش زنند. ارگان‌های قدرت، والیان و کمیته‌های حزبی حق ندارند که هنگام مراجعه مردم برای طلب کمک بی‌تفاوت باقی بمانند و عمل نکنند. باید با صراحت اعلام داشت که حزب و دولت در خدمت مردم است و باید هم صادقانه و با تمام فداکاری، تواضع و فروتنی در خدمت مردم باشد.

ما باید به انسان‌ها کمک کنیم تا این حقیقت را درک کنند که صاحب واقعی کشور مردم اند و نه فیودالان، طبقات ممتاز، استثمارگران و اجانب. یعنی لازم است که هر زحمتکش مسؤولیت خود را در برابر آنچه که رخ می‌دهد احساس کند و به دولت مردمی خود هر نوع کمک را مبذول دارد. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی موظف اند تا همه این امور را رهبری کنند. لازم است تا زحمتکشان را به امر تأمین امنیت هرچه وسیع‌تر جلب نمود. اکنون تعداد فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و ودهاتی که در آنها گروه‌های مقاومت وجود دارد، کم نیست. اگر دشمن بخواهد شرایط کار صلح‌آمیز را در این محلات اخلال کند، از جانب زحمتکشان و اهالی با جواب دندان شکن و قاطع رو به رو می‌گردد. به یک کلمه، هنگامی که در برابر باندیت‌ها همه مردم به پا می‌خیزند، ما هرچه سریعتر به عمر آنها خاتمه می‌بخشیم. هیچ نیرویی از خارج نمی‌تواند به آنها کمک کند.

هموطنان گرامی!

هرات در محل تقاطع دو خط مواصلاتی که هر کدام آن به سرحد یکی از دو کشور همسایه می‌انجامد، قرار دارد. هرات در همسایه‌گی با اتحاد شوروی و ایران واقع است.

از جانب اتحاد شوروی برادر، ترکمنستان شوروی با هرات همسرحد است. مردم ترکمنستان شوروی که به سطح عالی رشد رسیده اند مانند سایر خلق‌های اتحاد شوروی کمک انترناسیونالیستی و برادرانه خویش را به افغانستان مبذول میدارند. سرحد با اتحاد شوروی با جمهوری ترکمنستان شوروی، سرحد دوستی، صلح و همکاری برادرانه است و ما مطمئنیم که این همکاری میان کشورهای ما با موفقیت رشد می‌یابد و خواهد یافت.

ما آرزو داریم که با همسایه دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز چنین سرحدی داشته

باشیم. مناسبانه ما با ایران چنان مناسباتی که باید میان دو همسایه وجود داشته باشد، نداریم. البته موجودیت این وضع ناشی از تقصیر ما نیست. شماهراتیان شریف و وطنپرست خوب می‌دانید که مدت‌هاست از این همسایه نه دوستی و نه سعی برای همکاری، بلکه بر خورد خصمانه و عدم شناخت و اقلیت موجود در کشور ما، تبارز می‌یابد. بسیار بد است اما من فکر می‌کنم که این موضوع نمی‌تواند تیر دوام کند زیرا نه تنها با منافع مردم ما، بلکه با منافع مردم ایران نیز مطابقت ندارد. ما متکی بر این واقعیت هستیم که سمتگیری ضدفیو دالی و ضدامپریالیستی انقلاب ایران هماهنگی با منافع انقلاب ماست. البته بین ما تفاوت‌ها نیز وجود دارد که یک امر طبیعی است میان بسیاری از کشورهای همسایه جهان تفاوت‌ها در سیستم‌ها و مشی سیاسی وجود دارد. اما این وضع مانع آن نمی‌شود که مانند دو همسایه نیک زنده‌گی نکنند. ما معتقدیم که در هر حالت میان همسایه‌گان باید همکاری عادی اقتصادی، تماس‌ها و گفتگوهای سیاسی سازنده روی مسایل ذات‌البینی و مسایل مبرم اوضاع در جهان و منطقه وجود داشته باشد. چنین همکاری و تماس و گفتگو هنوز میان ما و ایران وجود ندارد، گرچه منافع مشترک اقتصادی هم داریم و بر علاوه در عده زیادی از مسایل سیاست جهانی مواضع ما مطابقت دارد ما بارها آمادگی خود را برای استقرار مجدد مناسبات نیک با ایران اعلام داشته ایم و آماده ایم باز دیگر آنرا ابراز نمایی، ما با تعمیم سیاست خارجی خود به طور انکارناپذیر به اثبات رسانیده ایم که جمهوری نموکراتیک افغانستان دولت صلح‌دوست، مترقی و غیرمنسلك است. ما در عرصه بین‌المللی و در جنبش عدم انسلاک علیه تهدید جنگ، خواه نرمی و خواه عادی قرار گرفته ایم. اعمال تجاوزکارانه را تقبیح و ابتکارات صلح‌آمیز اتحاد شوروی را که متوجه جلوگیری از نصادمات عمومی یا محلی است پشتیبانی کرده ایم. اکنون هنگامی که جریان حوانث در جهان خصوصیت تشویش را به خود می‌گیرد. ما کاملاً در کنار نیروهای صلح به سرکردگی اتحاد شوروی قرار داریم و در محافل بین‌المللی به پشتیبانی از عدم استفاده از سلاح اتمی، محدود ساختن و بالاخره محو سایر انواع سلاح‌های مرگبار، به خاطر اینکه تخفیف تشنج به عامل تعیین کننده در مناسبات بین‌المللی مبدل گردد، رای می‌دهیم. ما در امور منطقه خود نیز از سیاست صلح‌دوستانه پیروی می‌کنیم. در دو سال اخیر ما دو بار پیشنهادهای مشخص را برای حل و فصل سیاسی اوضاعی که در اطراف افغانستان به وجود آمده است، ارائه نمودیم. راه دیپلو ماتیکی که از آن زمان تا کنون طی شده است پیچیده و دشوار بود. اما زندگی صحت و حقانیت موقف اصولی ما را به اثبات رسانید. چنانکه معلوم است مذاکرات میان نماینده‌گان جمهوری نموکراتیک افغانستان و پاکستان از طریق نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد، آغاز گردیده است. گرچه پیشنهادهای ما گام‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر را در راه حل و فصل مسایل تقاضا می‌کند، ولی باز هم ما آغاز مذاکرات با پاکستان را به حیث گامی در جهت درست نقلی می‌کنیم. مناسبانه رهبری ایران از این تماس‌ها با ما و بحث روی

مسائل مربوط به حل و فصل سیاسی کنار مانده است. باید دانست که جمهوری دموکراتیک افغانستان موجود خیالی و شبح نیست، بلکه واقعیت سیاسی و فزیک می‌باشد که آنرا باید پذیرفت. بدون وابستگی به آن که کسی را خوشش می‌آید و یا نمی‌آید، ما موجود هستیم، رشد می‌یابیم، مبارزه می‌کنیم، پیروز می‌شویم و زنده‌گی نوین را اعمار می‌نماییم. این حق انفکاک ناپذیر مردم ماست. در رابطه به این مساله در اینجا، در هرات باستانی که در بسیاری جهات سمبول قرابت تاریخی و فرهنگی ما با ایران است، من ابراز آرزومندی می‌کنم که مناسبات میان دو کشور ما بازم در راه دوستی و همسایگی نیک قرار گیرد و اطمینان میدهم که افغانستان نصف راه مربوط به خود را به صداقت و صمیمیت طی خواهد کرد.

رفقای محترم!

در اخیر گفتار خویش می‌خواهم درباره یک مسئله دیگر یعنی رشد حزب دموکراتیک خلق افغانستان به منابه نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه ما، پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور صحبت نمایم. اکنون حزب ما دوره رشد سریع و تکمیل صفوف خود را به حساب پذیرش بهترین و اما مهمترین کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران، جوانان محصل، نمایندگان همه اقوام و ملیت‌ها طی می‌کند. آنانی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان شامل می‌گردند که با همه عقل، وجدان و قلب خویش اهداف شریفانه و نجیبانه آنرا می‌پذیرند و آماده اند با کار و پیکار خود اهداف و پلان‌های حزب را تحقق بخشند. این حاکی از اعتبار افزایش یابنده حزب در میان مردم و رابطه هرچه محکمتر آن با توده‌هاست. تحکیم حزب و ارتقای وحدت و یکپارچه‌گی صفوف آن، روند پیچیده و کثیرالجوانب است که اکنون می‌خواهم از میان بسیاری آن یک جنبه را برجسته سازم: مسئله بر سر تحکیم دسپلین، انضباط و ارتقای مسؤلیت هر عضو حزب است.

ما مسؤلیت تاریخی سرنوشت و طن مان افغانستان عزیز، سرنوشت انقلاب ثور و سرنوشت مردم زحمتکش و شرافتمند خود را به عهده گرفتیم. نیروی ما، ضامن موفقیت‌های امروز و فرداهای ما، در دسپلین آهنین، سازماندهی درست و وحدت عمل ماست. ما با اطمینان و خوشبینی به آینده درخشان مینگریم و در پیروزی قطعی و سریع امر عادلانه خود، هیچ تردیدی نداریم.

زنده باد انقلاب ثور!

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

پیروزی از آن ما، از آن مردم با شهامت افغانستان محبوب ماست!

بیانیه در جلسه وسیع کارمندان عالی‌رتبه حزبی و دولتی برای بررسی مسئله کادرها
۸ عقرب ۱۳۶۱

ما موظف هستیم در همه مقامات پر مسؤولیت، افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شما را به این جلسه دعوت نموده است تا مسایل علمی مهم در رابطه با انتخاب، انتصاب و جابجا ساختن کادرها، مورد بحث قرار گیرد و همچنان تدابیر مشخص به منظور بهبود و تنظیم این امر بسیار جدی و مهم اتخاذ گردد. اگرچه امروز فقط مسایل علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد، اما من فکر می‌کنم مفید باشد اگر از احکام اساسی تیوریک در رابطه با مسئله کادرها نیز یادآوری شود.

تیوری علمی انقلابی نقش عمده را در روند تاریخی و ایجاد صورت بندی‌های نوین اجتماعی و اقتصادی مربوط به توده‌های مردم میداند. همراه با آن در تحقق تحولات انقلابی و سازماندهی عملی سیاست، اهمیت فوق‌العاده کار کادرهای رهبری که توده‌ها را سازمان داده فعالیت شان را هدایت می‌نمایند، نیز نفی نمی‌گردند. پراتیک کار و پیکار همه احزاب انقلابی حاکم، بدون استثناء با صراحت و وضاحت کامل این نتیجه‌گیری تیوری علمی - انقلابی را که تحقق موفقانه مشی سیاسی مبنی بر تکامل جامعه، تاحد قطعی مربوط به انتخاب درست و جابجا ساختن درست کادرهاست تأیید می‌کند. این حقیقت را تجربه حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز تأیید می‌نماید.

حزب ما با به پیروزی رساندن انقلاب ثور و قبول مسؤولیت تاریخی سرنوشت وطن و مردم افغانستان، تنها از طریق انسان‌های مورد اعتماد و قادر به اجرای وظایف دشوار می‌تواند سیاست خود را عملی سازد. حکم مشهور رهبر پرولناریاست که می‌گوید: برای تحقق سیاست، انسان‌هایی لازم است که ضرورت این سیاست را درک کنند و بتوانند آنرا در پراتیک اجرا نمایند. هیچ سیاستی را نمی‌توان بدون بیان و تجلی آن در تعیین، انتصاب و تبدیلی کادرها عملی ساخت. به همین سبب انتخاب، انتصاب، تعیین و جابجا ساختن، تبدیل درست، به موقع و معقول کادرها امر حیاتی حزب و یکی از مهمترین و مبرمترین وظایف آنست. حزب این امر مهم را کاملاً به دست می‌گیرد. بنابراین تحقق سیاست کادرها یکی از عمده‌ترین مسایل را در فعالیت بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی و سایر ارگان‌های حزب تشکیل می‌دهد. بدون درک واضح و روشن این موضوع از جانب فعالین حزبی، کارمندان رهبری دستگاه

ما موظف هستیم در همه مقامات بر مسؤولیت، افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند

دولتی، عملی ساختن درست سیاست کادرها نیز ممکن نیست، و به نوبه خود بدون این کار حصول اهداف ما، تکامل انقلاب و دفاع موفقانه از آن نیز، امکان پذیر نیست. به این ترتیب میان سیاست و فعالیت کادرها ارتباط متقابل و وابستگی متقابل محکم و گسست ناپذیر وجود دارد.

در رابطه با این موضوع می‌خواهم درباره فهم تفسیر کلمه یا اصطلاح کادرها در حزب ما صحبت نمایم. همه ما می‌دانیم که در جریان سال‌های متمادی قبل از انقلاب در حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصطلاح «کادرها» به گروه بالنسبه محدود عناصر حرفوی، یعنی اعضا و فعالین حزبی که دارای زیادترین سابقه و سنای حزبی بوده و وظایف پراهمیت و پر مسؤولیت حزب را به دوش داشته و خدمات ارزنده و بارزی را برای حزب انجام داده بودند، اطلاق می‌شد. چنین درک مسئله کاملاً طبیعی و قابل فهم بود. با استفاده از فرصت می‌خواهم تأکید نمایم که خدمات این افراد واقعاً پر ارزش بود و حزب ما هیچگاه آنرا فراموش نخواهد کرد. و امروز نیز بسیاری از این افراد استخوان بندی اساسی و اتکای حزب ما و مایه افتخار بزرگ ما اند.

اما اکنون که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبدل به حزب حاکم شده، هر چه بیشتر خصلت نودمی را به خود می‌گیرد. مسلم که تأثیر و نفوذ آن بر همه عرصه‌های زندگی کشور ما، بر همه طبقات و اقشار جامعه ما گسترش می‌یابد، به تعداد بیشتر کادرها و کارمندان رهبری که سیاست حزب را درست درک نمایند و به طور بلاانحراف تحقق بخشند، ضرورت احساس می‌گردد.

اکنون اصطلاح و مفهوم «کادرها» نیز مملو از محتوای نوین گردیده و توسعه بیشتر یافته است. با اتکاء بر احکام تیوری علمی- انقلابی و تجربه احزاب حاکم انقلابی مفهوم «کادرها» را می‌توان چنین تعریف کرد :

کادرها عبارت از ترکیب اساسی کارمندان دارای آمادگی در کار رهبری در ارگان‌های حزبی، دولتی و اقتصادی هستند که وظیفه دارند امر تحقق مشی سیاسی مطروحه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را سازمان دهند.

با در نظر داشت این تعریف از «کادرها» ما باید سیاست کادری را به حیث عملی ساختن اصول، اشکال و میتودهای انتخاب، جایجا ساختن و تربیت کادرهای رهبری در شرایط مشخص تاریخی فعالیت حزب، درک نماییم.

بیروی سیاسی و دارالاتشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایماً توجه زیادی را به بهبود کار با کادرها در همه سطوح داشته سعی می‌ورزند تا همه اصول مربوط به انتخاب و نصب کادرها جداً رعایت گردد در سال‌های اخیر، حزب یک سلسله تدابیر را به منظور رفع نواقص و تخلفاتی که قبلاً از اصول رهبری

ما موظف هستیم در همه مقامات بر مسؤلیت، افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند

حزبی و منجمله در عملی ساختن سیاست کادرها وجود داشت، اتخاذ نموده است. این مسایل در اسناد پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب و کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان منعکس گردیده و در جلسات بیروی سیاسی و دارالانشا مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شما می‌دانید که بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، فهرست مقاماتی را که در ایارات حزبی، دولتی و سازمان‌های اجتماعی شامل نومنکلاتور کمیته مرکزی یعنی بیروی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی می‌باشد، ترتیب و تصویب نموده است.

بیشتر از یکسال، از زمانی می‌گذرد که مصوبه بیروی سیاسی درباره طرز انتخاب و تعیین کادرهای شامل فهرست مقامات مورد منظوری کمیته مرکزی پذیرفته شده است. بر اساس این مصوبه شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، آمران وزارت‌ها، ادارات و سایر سازمان‌ها موظف اند این طرز العمل را جدأ رعایت نمایند.

امروز باید با صراحت گفت که اجرای سیاست درست در مورد کادرها با دشواری‌های زیادی مواجه می‌گردد. نخست اینکه ما در شرایط کشور عقبمانده کار می‌کنیم. این عقبماندگی میراث سنگین گذشته است که هنوز نتوانسته ایم آنرا رفع نمائیم. بر علاوه ما مجبوریم کار در جهت رفع این عقبماندگی را در شرایط جنگ اعلان نشده که از سوی امپریالیزم و ارتجاع تحمیل گردیده است، پیش ببریم. البته این وضع پیشرفت ما را با کندی و دشواری مواجه می‌سازد.

رفقای محترم!

دشواری‌ها در کار ما وجود داشته و دارد و خواهد داشت. همه انقلابات با درد و رنج پا به عرصه وجود گذاشته و تکامل آنها ساده نبوده است.

انقلابیون اصیل به همین مناسبت هم نیرومند می‌باشند که بر هرگونه دشواری غلبه می‌نمایند. برای ما منبع الهام آموزش و فراگرفتن تجارب وجود دارد. پس بیایید به شکل انقلابی، با برخورد حزبی و با طرز واقعی، نظم و ترتیب لازم را در کار خود و بیش از همه در مورد کادرها ایجاد کنیم. بر دشواری‌ها و مشکلات عینی موجود، نباید عدم سازماندهی خود، پراگندگی و عدم توافق در فعالیت‌ها را علاوه کنیم، ما باید نسبت به خود و رفقا در مطالبات حزبی جدی و سخنگیر باشیم، دایماً انضباط و دسپلین حزبی را تحکیم بخشیم و سطح مسؤلیت در برابر تصامیم و فیصله‌هایی را که خود اتخاذ می‌نماییم ارتقا دهیم. ما موظف هستیم در همه مقامات بر مسؤلیت، افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی

ما موظف هستیم در همه مقامات بر مسئولیت افرادی را انتخاب و تعیین نماییم که در عمل مستحق اعتماد حزب و قادر به عملی ساختن سیاست آن باشند

ساختن سیاست آن باشند.

حزب ما اسناد حزبی پرارزشی را به تصویب رسانید که در آنها احکام اصولی در مورد سیاست کادرها، جهات اساسی آن و میتودهای کار منعکس و معین گردیده است. چندی قبل بیروی سیاسی، مقرره‌یی را در زمینه طرز توافق و منظوری کارمندان که وظایف شان شامل فهرست مقامات مورد منظوری بیروی سیاسی، دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر کمیته‌های حزبی می‌باشد، به تصویب رسانید. در این مقررہ تصامیم کنفرانس سرتاسری حزب در مورد مسایل مربوط به سیاست کادرها در نظر گرفته شده است. این تصویب متوجه بهبود بیشتر کار کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی در زمینه انتخاب و جابجا ساختن کادرهای رهبری کننده می‌باشد.

بیانیه شفاهی هنگام ملاقات با مضمولین سیمینار وسیع تشکیلاتی و تبلیغ، ترویج و آموزش و کنترل حزبی ۱۲ عقرب ۱۳۶۱

بدون درک عمیق ایدیولوژی انقلابی، یک حزب پیشاهنگ موفق به شناخت جامعه، سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

رفقای عزیز!

مسرورم از اینکه با هم ملاقات می‌کنیم، در زمینه کار معین و مشخص با هم تبادل نظر می‌نماییم و از نزدیک از تجارب یکدیگر می‌آموزیم. من مخصوصاً ضرورت آنرا احساس می‌کنم که از حقایق و چگونگی مسایل حزبی مطلع شوم. قراری که به من گزارش دادند، سیمینار شما رفقای اشتراک‌کننده با موفقیت جریان داشت. در این زمینه به شما شادباش و تبریک می‌گویم این يك سنت شایسته است که باید همیشه و پیوسته روابط مقامات رهبری با فعالین و کدرها و از طریق فعالین و کدرها یا توده حزبی تحکیم یابد و آن خود از طریق چنین ملاقات‌ها می‌تواند میسر شود.

موضوع سیمینار شما رفقا، اشتراک‌کنندگان سیمینار، يك مسئله مهم و حیاتی حزبی بود که عبارت از وحدت ایدیولوژیک و سازمانی می‌باشد. در هر مرحله تاریخ نهضت‌های انقلابی و در سیر تاریخ احزاب طبقه کارگر بخصوص مراحل می‌رسد که یکی از وظایف به صورت وظیفه عمده حلقه اساسی به شمار می‌رود. در شرایط موجود مسئله مهم و حیاتی و تعیین‌کننده، مسئله وحدت حزبی است. البته مسئله وحدت حزبی کار همیشه‌گی و دوامدار يك حزب طبقه کارگر به شمار می‌رود. لیکن بنابر عواملی وقتاً فوقتاً مسئله وحدت حزبی به حیث يك اصل عمده تجسم می‌کند. این در شرایطی است که احزاب مترقی و کارگری یعنی حزب طبقه کارگر در پروسه تکامل خود وقتاً فوقتاً به بحران‌های فرکسیون و انشعابی مواجه می‌گردد. این پروسه فرکسیون و انشعابی تقریباً در سرنوشت تمام احزاب برادر کارگری وجود داشته، لیکن آن احزاب چه در وقت اپوزیسیون و چه در هنگامی که حزب حاکم بودند، بنابر برخورد اصولی توانسته اند که بالای عدم وحدت حزبی غلبه کنند. البته جهت عمده وحدت، وحدت ایدیولوژیک و سازمانی است. لیکن به عبارتی دیگر چهار عنصر در وحدت حزب نقش و تأثیر اساسی دارد:

اول وحدت ایدیولوژیک، وحدت ایدیولوژیک یعنی چه؟

یعنی تمام اعضای حزب و سازمان‌ها به صورت یکپارچه آگاهی کامل از ایدیولوژی طبقه کارگر داشته و به آن اعتقاد و ایمان راسخ داشته باشند. از همه اولتر باید سطح

بدون درک عمیق ایدئولوژی انقلابی یک حزب بیشاهنگ موفق به شناخت جامعه سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

آگاهی تمام اعضای حزبی و سازمان‌های حزبی از لحاظ ایدئولوژی، یعنی از لحاظ فراگرفتن تیوری علمی انقلابی به حد لازم و مطلوب رشد و تکامل کند. بدون درک عمیق ایدئولوژی انقلابی هیچگاه یک حزب انقلابی چه در هنگام اپوزیسیون، چه در وقتی که حزب حاکم باشد و چه در شرایط انفجار انقلابی، موفق به شناخت جامعه و سیاست و ایجاد سازمان و یک رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند. ما می‌بینیم، در تاریخ احزاب مرفقی که انحراف از ایدئولوژی به وجود آمده است، در آنجا فرکسیون‌ها و انشعابات به وجود آمده است. هر وقتی که سطح آگاهی ایدئولوژیک یک حزب پایین و یا ناچیز بوده است، بخصوص در وقتی که حزب حاکم بوده، با بحران‌های بزرگ مواجه شده است رهبری اشتباهات کرده، سازمان‌ها پراکنده گردیده و اصل سیاست یعنی ستراتیژی و تاکتیک، درک و تشخیص نشده است.

یکی از عوامل بحران‌ها عام تربیت و پرورش ایدئولوژیک اعضای حزب و سازمان‌های حزبی بوده است. به این مناسبت من یقین دارم که رفقا در این سیمینار با حقایق سرسختی در زمینه درک ایدئولوژیک و ارتقای سطح ایدئولوژی پی‌برده و آموزش گرفته باشند. این امر را در محلات و ولایات و سازمان‌های مربوط بسط و توسعه بدهید و توجه تمام اعضای حزبی و سازمان‌های حزبی را معطوف به امر مهم ایدئولوژی بنمایید. موضوع ایدئولوژیک را نه تنها در بین اعضای حزب، بلکه باید از طریق سازمان‌های اجتماعی و سازمان دموکراتیک جوانان آهسته آهسته با ممانت، به تدریج و هوشیارانه در بین مردم بیاده کنیم. در زمینه از شعارهای چپروانه جلوگیری به عمل آید. باید متن و مفهوم ایدئولوژی با مردم در میان گذاشته شود، مثلاً نقش طبقه کارگر توضیح گردد. نقش اتحاد طبقه کارگر و طبقه دهقان را، اهمیت این مسئله را زیر عنوان زحمتکشان، حاکمیت زحمتکشان و اینگونه مطالب در زندگی، در عمل، در سطح فهم مردم باید تبلیغ و ترویج کرد، تا گام به گام نوده‌های مردم به طرف حزب کشانیده شوند، نه با شعارهای چپروانه. این تجربه را ما در حزب خود بعد از انقلاب ثور داریم. ما باید از این اشتباهات حزب خود و از اشتباهات دیگر احزاب و کشورها بیاموزیم. درینجا من جداً توصیه می‌کنم که رفقا از فرصت‌های خود حد نهایی استفاده کنند. همیشه آثار مرفقی را مطالعه نمایند و به صورت خلاق در شرایط مشخص جامعه افغانستان آنرا مورد تطبیق قرار بدهند. بدون تیوری انقلابی، بدون ایدئولوژی طبقه کارگر، شما نمی‌توانید درست و اصولی در راه پیروزی، انقلاب و ساختمان جامعه نوین موفق باشید، حتی در وقتی که حزب ما در حال اپوزیسیون بود کار ایدئولوژیک و تیوریک در حوزه‌ها خوبتر و بهتر پیشبرده می‌شد. یک عده کدرهایی که امروز در حزب موجود هستند و ستون فقرات حزب را تشکیل می‌دهند، در واقعیت محصول همان دوره‌های اپوزیسیون اند که تا امروز همان ایدئولوژی و تیوری آنها را کمک می‌کند. باز هم با تأکید و جداً به پیشگاه رفقای عزیز خود توصیه می‌کنم که باید از وقت استفاده نهایی شود. فعالین و کدرها

بدون درک عمیق اندیولوژی انقلابی یک حزب پیشاهنگ موفق به شناخت جامعه سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

و مسئولین ایدیولوژیک، بلکه تمام فعالین و مسئولین و اعضای حزب باید خود را با آموزش تیوری انقلابی معتاد سازند. این عنصر تعیین کننده، مهم و اساسی وحدت حزبی است.

نقطه دیگر، وحدت سازمانی است. سازمان‌های پراکنده یا فرکسیون‌های مختلف که از خود محافل و سازمان‌های متفاوت داشته باشند، به صورت علنی، مخفی یا به صورت ارتباط زنجیری تماسی‌های انفرادی داشته باشند، این امر، خیانت صریح به امر وحدت است. رهبر پرولتاریای جهان بخصوص در سال‌های اخیر زنده‌گی خود در راه وحدت حزب از لحاظ سازمانی تأکید بسیار نموده است.

لهذا ستون فقرات حزب ما را وحدت سازمانی تشکیل می‌دهد که البته از بالا تا به پایین، از عالیترین مقام رهبری حزب تا به صفوف، تمام اعضای حزبی مسؤولیت دارند که وحدت سازمانی را استحکام بخشند. همان حرف مشهور رهبر پرولتاریاست که در وقت اپوزیسیون انقلابی می‌گفت که به من یک سازمان یکپارچه بدهید، من جامعه کنونی روس را دگرگون می‌سازم.

مسئله وحدت سازمانی در حزب طراز نوین، در حزب طبقه کارگر و تمام رحمتکشان در افغانستان بخصوص در اوضاع و احوال و شرایط موجود که ما از یک طرف با جنگ اعلان نشده ضد انقلاب، ارتجاع و امپریالیزم مواجه هستیم، از طرف دیگر در شرایطی قرار داریم که ما باید از انقلاب دفاع بکنیم، ما باید صلح و امنیت را در کشور تأمین بکنیم و به موازات آن در راه ساختمان جامعه نوین سعی و مجاهدت ورزیم، یک امر تعیین کننده دیگری در سرنوشت حزب ما، مردم ما، انقلاب ما و وطن ما می‌باشد. این مسئله نه تنها یک مسئله ملی است، بلکه یک مسؤولیت انترناسیونالیستی می‌باشد. برای اینکه امروز در عرصه بین‌المللی دوستان ما در یک جبهه، آرزومند وحدت حزب هستند، و از جانب دیگر دشمنان ما سعی می‌کنند که حزب را از ترون منفجر بسازند. به این جهت امر وحدت سازمانی یک امر جدی است که بخصوص شعبه تشکیلات حزب، تمام شعبات مربوط و تمام اعضای حزب در اینجا مسؤولیت جدی دارند. البته این مسؤولیت تنها مربوط به تشکیلات نیست، بلکه این مسؤولیت دسته‌جمعی تمام شعبات و اعضای حزب، مقامات رهبری، کادرها و صفوف حزب می‌باشد.

در ارتباط به مسئله ایدیولوژیک و سازمانی که موضوع سیمینار شما بود، دو عنصر دیگر را یادآوری می‌کنیم که در وحدت حزب نقشی و تأثیر بسیار مهم دارند. و آن وحدت سیاسی حزب است. وحدت سیاسی یعنی چه؟ وحدت سیاسی مشکل از دو عنصر است، وحدت تاکتیکی و وحدت ستراتیژیک. یعنی وحدت مشی سیاسی به این معنی که حزب چه سیاستی را طرح می‌کند، خواه در وجود برنامه عمل، مصوبات و غیره، در وقت طرح مشی سیاسی تاکتیکی و ستراتیژیک باید در زمینه مسئله

بدون درك عميق اندیولوژی انقلابی يك حزب بیشاهنگ موفق به شناخت جامعه سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

شناخت مراحل انقلاب و جامعه که در کدام شرایط قرار دارد، در زمینه برخورد با افشار و طبقات، در برخورد با ملیت‌ها، اقوام و قباایل و در برخورد با سیاست اقتصادی از لحاظ وظایف نزدیک که این را تاکتیک می‌گوییم و وظایف دور که هدف ستراتیژیک می‌گوییم، باید وحدت نظر عمل در بین رفقا موجود باشد.

عنصر چهارم وحدت که شاید در سیمینار شما مطرح نشده باشد، وحدت رهبری است. اغلب اختلافات، انشعابات، فرکسیون‌بازی‌ها و دیگر انحرافات گوناگونی که رخ می‌دهد، از مقامات بالایی حزبی نشأت می‌کند. یعنی از اعضای کمیته مرکزی و از اعضای بیرونی سیاسی. وقتی که وحدت رهبری می‌گوییم تنها کمیته مرکزی مطرح نیست، البته کمیته مرکزی اصل عمده است که باید در آنجا وحدت نظر و عمل و وحدت همه جانبه موجود باشد. اگر در بالاها انحرافات و اشتباهات به وجود بیاید بنابر رشته‌های معین، بالای کدرها و از کدرها به صفوف تأثیر خود را وارد می‌کند. چه تاریخ دیگر احزاب انقلابی طبقه کارگر، احزاب دموکرات‌های انقلابی، احزاب نشنل دموکرات‌ها که ضد ارتجاع و امپریالیزم می‌رزمند یا رزمیده‌اند، اغلب بنابر اختلافات مقامات عالی رهبری بر آنها انشعاب رخ داده است که آن از عدم درك، عدم شناخت جامعه، فقر تیوری، فقدان شعور سیاسی و آگاهی سیاسی، زشتی کرکتر، خوخواهی‌ها، جاه‌طلبی‌ها و ده‌ها عنصر منفی دیگر سرچشمه می‌گیرد، ارتجاع و امپریالیزم هم، به واسطه دستگاه‌های جاسوسی خود در این احزاب نفوذ می‌کنند و وحدت آنها را برهم می‌زنند و انشعاب را به وجود می‌آورند. چنانچه در حیات حزب ما نیز حادثه تلخ، غم‌انگیز و تراژیک وجود داشت. دشمن در وجود شخص جاه طلب و خوخواه مثل حفیظ الله امین رسوخ می‌کند و آنچه را که عامل بدبختی برای کشور ما، مردم ما و حزب ما است به وجود می‌آورد. اینرا مردم ما و حزب ما به پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند. مسئله وحدت ایدیولوژیک و سازمانی مسئله بی‌است که در مرکز توجه سیمینار شما قرار گرفته، لیکن در زمینه به این دو عنصر دیگر هم شما باید توجه مبذول دارید.

بعضاً ممکن است تفاوت‌ها، یا اختلافات نظر یا اندیشه‌های نامطلوب در مقامات رهبری ظهور کند. هرگاه خود کارگرهای آگاه و باشعور، اعضای حزبی، کادرها به صورت هماهنگ و متحد با رهبری در موضع اصولیت قرار داشته باشند و با آن همکاری و کمک کنند، فحراً اندیشه عنصری که در مقامات رهبری قرار داشته باشد و بخواهد که ذهن را مسموم سازد، به واسطه قدرت دماغی نیرومند و اصولی کادرها، سازمان‌ها و اعضای حزبی، فاقد اثر در میان اعضای حزب می‌گردد. اگر شما زیر تأثیر اندیشه‌های انحرافی این و آن قرار بگیرید، این اندیشه‌ها مثل يك مرض ساری در تمام رگ و پوست و عضلات و اعصاب و دماغ حزب نفوذ می‌کند. وحدت توأم با دسپلین آهنین، اصل اساسی احزاب طرازنویین است یعنی وحدت و دسپلین آهنین با هم ارتباط ناگسستی و دیالکتیکی دارد که بدون دسپلین آهنین يك حزب

اصیل انقلابی نه قادر به انقلاب است، نه قادر به دفاع از انقلاب و نه قادر به ساختمان جامعه نوین.

سوال می‌شود که چرا با این موارد، برخورد قاطع نمی‌کنند؟ رفقا، روزی میرسد که سرانجام مقامات عالی رهبری حزبی و همچنین دولتی، که حزب آنرا رهبری می‌کند، دسپلین آهنین را در حزب و در دولت پیاده کند. مگر ما یک مرحله شکیب، توضیح، تجدید تربیت و یک مرحله انتقالی را بعد از آن چیزی که پس از شش جدی برای ما میراث مانده بود، می‌گذرانیم. ایجاب می‌کرد که ما با یک مهارت بخصوص بایک برخورد درست باید گام به گام دسپلین آهنین را در حزب رشد و تکامل بدهیم. لیکن دسپلین آهنین وظیفه یک فرد یا چند نفر یا دارالانشا یا در بیروی سیاسی، یا در کمیته مرکزی نیست. ایجاد دسپلین آهنین در حزب مربوط به تمام کمیته‌های حزبی، فعالین، کادرها و تمام حزب است. بخصوص وظایف شمار فقااست که شما این دسپلین حزبی را نه خشک، نه با برخوردهای خشن و درشت، بلکه با برخوردهایی به اساس فکت به اساس حقایق، با برخورد اصولی رفیقانه و پاک با مغز سرد، با برخورد کاملاً ابژکتیف و شریفانه، نه ذهنی گرانه، در حزب تأمین کنید. ما وقتی می‌توانیم که وحدت خود را در عرصه ایدئولوژیک و سازمانی و همچنین وحدت سیاسی، خطمشی تاکتیکی و ستراتیژیک و وحدت رهبری را تأمین کنیم که مسئله کادرها را در داخل حزب و دولت صحیح و درست حل و فصل نماییم. چندروز قبل در یک جلسه راجع به کادرها صحبت‌های دقیق صورت گرفت. مسئله سیاست کدري یک اصل سیاسی و عمده دیگری است که ما بدون حل درست آن نمی‌توانیم وظایف بزرگ و پرمسئولیت خود را در برابر حزب، مردم، انقلاب و کشور در عرصه ملی و بین‌المللی تأمین کنیم. سعی فراوان باید مبذول داشت که کادرهای سابقه دار و همچنین کادرهای جوان را صحیح و درست جابجا کنیم. این وظیفه رفقااست که در مسئله جابجا کردن کادرها، در مسئله بیرون کشیدن کادرها، در انتصاب و انتخاب کادرها بسیار دقت کنند. باز هم برخورد شان ابژکتیف باشد. باید بر اساس کفایت، لیاقت، شخصیت، کاردانی، کار فهمی و آگاهی برخورد صورت بگیرد. بزرگترین جرم و نابخشودنیترین جرم این خواهد بود که در انتصاب و انتخاب و جابجا کردن کادرها، مسایل ذهنی و شخصی دخالت پیدا کند. یا مسئله این ولایت و یا آن ولایت، این ملیت و آن ملیت، این قوم و آن قوم یا به اساس رفاقت های شخصی و شناخت‌های خصوصی یا خانواده‌گی در مورد انتصاب و انتخاب کدرها برخورد صورت بگیرد. در این مسئله حزب، کمیته مرکزی جدی است و خواست مردم اینست که کسانی که آنان را رهبری می‌کنند، که در آخرین تحلیل همین کادرها و همین رهبران حزبی و دولتی اند، باید انسان‌های سالم، با کرکتر، با نقوا، خدمتگزار صدیق مردم، متواضع و فروتن باشند. توجه رفقا را در شناخت، انتصاب و انتخاب کدرهای واقعی جداً معطوف میدارم.

بدون درک عمیق اندیالوژی انقلابی یک حزب بیشاهنگ موفق به شناخت جامعه سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

باید مسایل و موضوعات سیمینار را در تمام سازمان‌ها انتقال دهید. از طرف مقامات رهبری حزب، از طرف کمیته مرکزی، بیروی سیاسی و دارالانشا و شخصاً از جانب من مکلف هستید مسایلی را که من خاطر نشان ساختم و چیزهایی را که در سیمینار فراگرفتید واقعاً و از صمیم قلب، با عشق و فروزان در عمل پیاده کنید.

رفقا!

عنصر دیگر، احساس مسؤولیت است. از همین جا باید احساس مسؤولیت را شناخت و آغاز کرد. یکی از عواملی که یک حزب را به فساد و انحراف میکشاند، مسئله ضعف یا عدم احساس مسؤولیت در حزب است و ضعف احساس مسؤولیت در حزب ناشی از عقب‌مانده‌گی کشور یا ناشی از خصلت‌های روشنفکری، ناشی از اندیشه‌های نامطلوب گذشته و ایمان راسخ نداشتن به انقلاب ملی و دموکراتیک، عدم درک ایدیولوژیک و ضعف کرکتر شخصی می‌باشد. اینجا مسئله مهم وجدی این است که ما باید سطح احساس مسؤولیت را در اجرای وظایف محوله، ارتقا بخشیم، ما برای چه حزب را تشکیل دادیم؟ چرا عضو حزب شدیم و چرا انقلاب کردیم؟ چرا حزب ما مسؤولیت بزرگ تاریخ را در برابر جامعه و وطن و مردم به عهده گرفت؟ چرا اعضای حزب پر مسؤولیت‌ترین اشخاص و پرفوق‌ترین اشخاص می‌باشند؟ اینها هرگز برای خود کار نمی‌کنند. اصلاً سطح احساس مسؤولیت در بین اعضای حزب طرازنوین به پیمانیه می‌باشد که بسیاری اوقات حتی خود را فراموش می‌کنند. ما نه تنها در برابر حزب و انقلاب، دولت، جامعه، وطن، مردم و از لحاظ بین‌المللی در برابر سیستم جهانی سوسیالیزم در برابر روابط عمیق افغان شوروی، در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم، استعمار، صهیونیزم، فاشیسم، راسیسم و غیره احساس مسؤولیت داریم، بلکه در برابر اوضاع کنونی جهان، علیه تحریکات جنگ افروزانه امپریالیزم بین‌المللی بخصوصی امپریالیزم ایالات متحده امریکا که جهان را در یک وضع بسیار معلق و پرمخاطره قرار داده، علیه تسلیحات ذرئوی، در دفاع از دیتانت و صلح نیز مسؤولیت داریم.

لهذا توجه رفقا را به ارتقای سطح احساس مسؤولیت، وقف و فداکاری معطوف میدارم و می‌توان گفت که احساس مسؤولیت یک فقره یا دو فقره ندارد، این مسئله ممکن به صدها موضوع ارتباط بگیرد.

رفقا!

مسئله دیگر مسؤولیت کمیته‌های حزبی اعم از ولایتی، شهری، ولسوالی و شما رفقای که به محلات می‌روید، مسئله کار در عرصه اقتصاد است. ما امروز باید به موازات هم، در دو جبهه کار و پیکار کنیم: یکی جبهه‌ی است که در وحدت با مردم، در جلب و جذب مردم به خارتدوی و اردو با اتکاء به مردم، از انقلاب پاسداری

بدون درک عمیق اندیالوژی انقلابی یک حزب بیشاهنگ موفق به شناخت جامعه سیاست و ایجاد سازمان و رهبری مستحکم بوده نمی‌تواند

می‌نماییم. در پهلوی آن ما لحظه‌ی هم نباید کار و مبارزه را در عرصه اقتصاد فراموش کنیم. آخر رفقا هدف ما چیست هدف ما ساختمان حیات نوین اقتصادی و اجتماعی در افغانستان است که جداً و با صراحت اعلام می‌شود که این سمتگیری به طرف جامعه نوین است که در آن استثمار فرد از فرد از بین برده می‌شود و سطح زنده‌گی نوده‌ها ارتقا پیدا می‌کند. چگونه این هدف برآورده می‌شود؟ فقط از طریق رشد سریع، درست و عملی حیات اقتصادی کشور!

رفقا!

وظیفه و مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک مسئله اصلاحات دموکراتیک ارضی است، توأم با جنبش کوپراتیوی. تمام کمیته‌های حزبی همه اعضای حزب در راه تطبیق آن باید توجه معطوف دارند. ما تجربه‌ی را که اعضای سازمان جوانان در معادن رفتند و کار کردند داریم. شما سازمان جوانان را متشکل بسازید، حزب را متشکل بسازید. بروید در میان دهاقین، در فابریکه و در ساختمان‌ها کار داوطلبانه بکنید و مردم را تشویق کنید. بروید در ترمیم مکاتب، سرک‌ها، پلجک‌ها کار نمایید. بیکار در عرصه اقتصاد یک مسئله مرگ و زنده‌گی است.

این بود بعض نکات مهمی که به پیشگاه رفقای عزیز خود، رفقای بیکارجوی خود، رفقای هم‌رزم، رفقای شجاع و دلیر، رفقای که خود را در امر انقلاب و خدمت برای مردم وقف کرده اند، خاطر نشان ساختم. من موفقیت و پیروزی شما را در اجرای خدمات و وظایف محوله تان خواهان هستم شما فرزندان اصیل مردم و وطن مسؤولیت ساختمان جامعه نوین را به عهده دارید و این از لحاظ تاریخی و نسل‌های آینده و فرزندان تان مایه افتخار بزرگ به شماست.

بیانیه در مراسم افتتاح کنفرانس بین‌المللی انکشاف اقتصادی، اجتماعی و علیه خطر جنگ ۲۰ عقرب ۱۳۶۱

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، دگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می‌بود

رفقا و دوستان عزیز! مهمانان گرامی! ما گرد هم آمده ایم تا با قلب‌های پر از عشق و عطوفت نسبت به انسان، به سرنوشت و آینده آن ببیندیشیم. ولی با تأسف عمیق که یکی از بهترین انسان‌های قرن ما، ادامه دهنده صدیق راه لنین، مبارز پرشور و قهرمان راه صلح و امنیت خلق‌ها، خدمتگزار پرعطوفت و خسته‌گی ناپذیر راه سعادت بشریت لیونید ایلچ بریژنف دیگر در میان ما نیست. نام بزرگ لیونید بریژنف برای همیشه در قلوب زحمتکشان و تمام نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌دوست جهان زنده جاوید باقی خواهد ماند. در گذشت لیونید ایلچ بریژنف ضایعه بزرگ است که بشریت ترقی و جنبش جهانی صلح متحمل می‌گردد.

مردم افغانستان با فقدان لیونید ایلچ بریژنف یکی از بهترین و عزیزترین دوستان خود را از دست داد. مردم سیاست‌گزار و قدرشناس افغانستان خاطره گرامی لیونید ایلچ بریژنف را که نقش عظیمی در امر تحکیم و توسعه دوستی بزرگ برادرانه میان خلق‌های شوروی و افغانستان ایفا نموده است، هیچ‌گاهی از یاد نخواهند برد. لیونید ایلچ بریژنف همواره و شخصاً در امر کمک به مردم افغانستان از هیچ‌گونه مواظبت و تلاش دریغ نمی‌ورزید. خاطره گرامی لیونید ایلچ عزیز ما چون مشعل جاویدان همیشه زنده باقی خواهد ماند.

اجازه بدهید، یک بار دیگر عمیق‌ترین مراتب تسلیت مردم و حزب و دولت افغانستان و شخص خود را به حزب کمونیست اتحاد شوروی، مردم و دولت شوروی و بازمانده گان آن دوست گرانمایه مردم افغانستان تقدیم بدارم.

به خاطر بزرگداشت خاطره نجیبانه لیونید ایلچ بریژنف از همه خواهشمندم به پاخاسته و یک دقیقه سکوت کنند.

رفقا و دوستان عزیز! مهمانان عالیقدر!

اجازه بدهید، تشریف آوری همه نمایندگان صلح و انسانیت، این خدمتگزاران واقعی و صدیق بشریت را در کشور انقلابی و صلح‌دوست ما از صمیم قلب خیرمقدم بگویم.

اجازه بدهید، مراتب تشکرات عمیق مردم، حزب و دولت انقلابی کشور خود را به شما پیشاهنگان راه شریفانه صلح به مناسبت انتخاب کشور انقلابی ما جهت تدویر

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می‌بود

کنفرانس حاضر، ابراز بدارم.

مردم ما به این ابتکار بسیار دوستانه رهبری شورای جهانی صلح ارج فراوان قایل می‌باشند.

تدویر کنفرانس شورای جهانی صلح در کشور ما از یک سو يك حادثه بسیار با اهمیت بین‌المللی و برای مردم ما يك حادثه مهم تاریخی و از جانب دیگر با در نظر داشت آرزوهای دیرینه مردم ما مبنی بر صلح‌خواهی، برادری و احترام به حقوق دیگران و تورم‌های معنوی حیات بشری امریست طبیعی، منطبق با واقعیت سیاست کنونی حزب و دولت انقلابی ما.

مردم افغانستان که سابقه دیرینه درخشانی در زمینه مبارزه به خاطر محو بی‌عدالتی، زورگویی، تجاوز، بی‌امنیتی و در يك کلمه، تلاش برای صلح راه، پشت سر گذاشته است اکنون تمام مساعی و ابتکار ما در جهت صلح و آرامش مردم ما، خلق‌های منطقه و جهان معطوف است.

دوستان و رفقای عزیز!

شما در کشوری قدم گذشته اید که راه نگرگونی‌های عمیق و بنیادی به نفع رحمتکشان یعنی اکثریت مطلق افراد جامعه را در پیش گرفته است. ما کار بسیار بزرگ را در جهت نوسازی همه جانبه، واقعی و عمیق جامعه خود آغاز نهادهایم.

رفقا و دوستان عزیز!

شما به خوبی می‌دانید که هدف هر انقلابی، دگرگون ساختن نظم کهنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و ایجاد نظم نوین، پاسخگوی خواست‌ها و نیازمندی‌های مردم، است. اما این پروسه بدون مشکلات و نواقص صورت نمی‌گیرد و کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده است. دشواری‌های درهم شکستن نظم کهنه و استقرار نظم نوین در کشور ما در مقایسه با نگرگونی‌های عظیمی که رخ داده است می‌توانست به مراتب کمتر باشد، اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم و ارتجاع منطقه وجود نمی‌داشت. در ضمن باید یادآور شد که انقلاب ما در شرایط عقمانده اقتصادی و اجتماعی به پیروزی رسید و عدم تجربه کافی و موجودیت ضعف در سطح رهبری سابق حزب، در پهلوی مداخلات امپریالیستی و دشمنی وحشیانه ضدانقلاب که در پاکستان لانه گزیده بود، انقلاب ما را به بیراهه کشاند و موجب عدم اعتماد موقتی مردم گردید. ما به موقع به این جریان نامطلوب و مرگبار خاتمه بخشیدیم و انقلاب ما راه اصولی رشد و تکامل خود را در پیش گرفت.

ما به مثابه انسان‌های با مسئولیت و دارای عاطفه و آزمون شده در برابر

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلاب ما به مراتب بیشتر می‌بود

زحمتکشان، تمام کوشش خود را معطوف بر این امر می‌داریم تا مردم ما در جریان انجام تحولات انقلابی و مقاومت لُجوجانه دشمنان و تخریبات آنان زیاد صدمه نبینند.

بر این امر نیز عمیقاً واقف هستیم که در اثر سیاست‌های ماجراجویانه محافل جنگ طلب امپریالیستی بخصوص اداره ماجراجوی حکومت ریگن، جهان به سوی تشنج و ماجراهای برباد کننده کشانیده می‌شود. در این وضع عمومی جهان است که پیروزی‌های قانونمند مردم ما، خشم و غضب وحشیانه ارنجاج بین‌المللی را برانگیخته و سیله بهانه قرار می‌گیرد. جنگ اعلان نشده بی‌رحمانه‌یی از جانب امپریالیزم، هژمونیزم چین و ارنجاج منطقه علیه مردم ما به راه افتاده است. باندهای ضدانقلابی و آدمکشان مزدور حرفه‌ی صادر شده از خارج با سلاح‌های امریکایی، چینی، مصری، پاکستانی و غیره، مکاتب، مساجد، شفاخانه‌ها، پل‌ها، پایه‌های برق و وسایل ترانسپورتی را تخریب می‌کنند. کودکان، زنان و کهنسالان ما را بی‌رحمانه به قتل می‌رسانند. به زعم خود به شکست انقلاب ما کمر بسته اند. ولی مردم ما هر روز بیشتر از روز قبل به حقانیت و پیروزی اجتناب ناپذیر انقلاب ما معتقد می‌شوند و به دفاع از آن بر می‌خورند. هم اکنون ده‌ها هزار نفر بخصوص دهقانان کشور سلاح به دست از زمین و زندگی خود در برابر تجاوزات باندیت‌ها دفاع می‌کنند.

ما امروز بیشتر از هر وقت دیگر به صلح نیاز داریم. دشمنان انقلاب و با بهانه قرار دادن کمک قانونی و برادرانه اتحادشوروی به کشور ما از یکسو جنگ خونین و بی‌رحمانه را علیه ما به راه انداخته و از جانب دیگر جهت توجیه جنایات خویش کارزار وسیع تبلیغات را علیه ما با ساز و برگ بی سابقه‌یی که بدترین روزگاران و دوران جنگ سرد را به یاد می‌آورد، تشدید بخشیده اند. هم اکنون تبلیغات لجام گسیخته پس از افترا و دروغ علیه واقعیت‌های جامعه ما در مطبوعات رسمی کشورهای امپریالیستی و دارای رژیم‌های ارنجاجی وجود دارد که هدف از آن ایجاد بغض و کینه و نفرت علیه مردم به پا خاسته و انقلاب ماست

در طول هر بیست و چهار ساعت، رادیوهای دشمن بیشتر از نود و پنج ساعت به نشرات به زبان‌های کشور ما می‌پردازند. از «صدای امریکا گرفته تا بی. بی. سی» و «صدای آلمان» و رادیوی اسرائیل و رادیوهای بی‌مایه پاکستان، همه و همه یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن عبارتست از خدشه دار ساختن حقانیت و اعتبار انقلاب ما. ما افتخار داریم که برای اولین بار در تاریخ کشور خود توانستیم قانونیت دموکراتیک را در حیات سیاسی و اجتماعی مردم خود علی‌الرغم مشکلات ناشی از تجاوزات، تحریکات و مداخلات دشمنان در امور داخلی کشور ما و علی‌الرغم تبلیغات دروغین و اغواگرانه آنان، با قاطعیت و حوصله مندی تطبیق کنیم. به موقع و با صداقت شعار صلح سراسری ملی و همه‌گانی را مطرح ساخته در جهت تطبیق آن از هیچ‌گونه کوششی دریغ نورزیده ایم. در کشور کثیرالمله و دارای ساختار

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلاب ما به مراتب بیشتر می‌بود

پیچیده و معلق اجتماعی ما، امروز عده هرچه بیشتری از نمایندگان مردم یا سهم‌گیری در فعالیت‌های وطن‌پرستانه جبهه ملی پدروطن، به تعمیل دموکراسی به نفع توده‌های وسیع مردم می‌پردازند و هرچه بیشتر به عامل انفکاک ناپذیر و اساسی سیستم سیاسی کشور ما مبدل می‌گردند. در کشور ما علی‌الرغم دوام جنگ اعلان نشده امپریالیستی، چنان وضع اقتصادی‌یی وجود دارد که قادر است در برابر تمام ویرانی‌های ناشی از این جنگ بی‌رحمانه مقاومت کند. ما توانسته ایم از قحطی، بلندرفتن غیرقابل تحمل قیمت‌های مواد مورد ضرورت اولیه مردم، رکود ترانسپورت، تقلیل قابل ملاحظه خدمات اجتماعی، جلوگیری کنیم. ما هم اکنون در گرماگرم انجام فعالیت‌های بزرگ اقتصادی قرار داریم. درینجا می‌توان از موارد ذیل ذکر نمود:

تکمیل پروسه اصلاحات ارضی و آب، تسریع فعالیت‌های پروژه بند برق و آبیاری سلما در هرات، ادامه کار معدن مس عینک، ساختمان سیلوی عظیم شهر مزار شریف، پروژه انتقال برق از سرحدات اتحاد شوروی تا کابل، احداث شبکه‌های بزرگ و کوچک آبیاری، ایجاد مؤسسات جدید و مجهز ترانسپورتی دولتی، ورکشاپ‌های تخنیکی، اعمار پل عظیم دوستی بر فراز دریای آمو بین اتحاد شوروی و افغانستان، نصب دستگاه اخذ تلویزیونی و مخابراتی «شمشاد»، ایجاد شبکه‌های وسیع انواع مختلف کوپراتیف‌های دهقانی و مامورین و احداث بیشتر از هشتصد مکتب و نظائر آن.

ما از تطبیق پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی سال گذشته چنین استنباط می‌کنیم که گرایش نزولی که در حجم تولیدات داخلی سال‌های اول انقلاب به صورت طبیعی موجود بود، در سال گذشته مرتفع شده و نه تنها رو به بهبودی نهاده بلکه پدیده‌های مثبتی از قبیل محدود ساختن عوامل منفی در مسیر عادی انکشاف اقتصادی، ضعیف شدن انقلاب خرابکار، سهم‌گیری وسیع‌تر مردم در امر انکشاف اقتصادی و ادامه کمک‌های برادرانه کشورهای سوسیالیستی بخصوص کشور کبیرشوراها را بار آورده است. همچنین زمینه‌های لازم جهت استقرار وضع اقتصادی کشور ما را فراهم ساخته است. جامعه ما بار سنگین عقب‌ماندهگی‌های قرون و عدم رشد آگاهی عمومی را به دوش می‌کشد. ما راه دور و درازی را در جهت ایجاد فرهنگ نوین مبنی بر دستاوردهای همه جانبه علمی و فنی بشریت در پیش رو داریم.

یکی از عوامل اساسی مشکلات موجود در کشور ما عمدتاً ناشی از همین عقب‌ماندهگی فرهنگی متمدنی قرون است.

همچنان قبل از پیروزی مرحله نوین انقلاب در کشور ما در اثر اشتباهات سنگین گذشته، روحیه عدم اعتماد، ترس، بدبینی و نفرت علیه مظاهر تمدن بشری در جامعه ما به صورت غیرطبیعی رشد نموده بود. ما به امر از ریشه کن ساختن بی‌سوادی

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیمه انقلاب ما به مراتب بیشتر می‌بود

آغاز کرده ایم. به جنگ با بی‌تفاوتی در برابر مسایل عام مربوط به همه مردم، بی‌باوری نسبت به آینده خوشبخت، مرفه و شگوفان و سطح نازل شعور سیاسی نوده‌ها برخاسته ایم. هم اکنون جنبش وسیع مبارزه علیه بی‌سوادی در سراسر کشور ما به راه افتاده است.

امروز در سراسر کشور ما بیست و دو هزار کورس محو بی‌سوادی بیست هزار معلم مبارزه با بی‌سوادی و هزاران نفر داوطلب وجود داشته به تدریس یک میلیون نفر می‌پردازند. ما تا کنون توانسته ایم در حدود ششصد هزار نفر را باسواد بسازیم و در طول کمتر از سه سال ما به ایجاد ده‌ها روزنامه، مجله، تیتر، نمایشگاه و غیره مبارزت ورزیده ایم و تغییرات محسوسی را از لحاظ کمی و کیفی در مجموع سیستم اطلاعات جمعی و سیستم تعلیم و تربیه کودکان کشور وارد ساخته ایم. ما به تدریج توانسته ایم باور از دست رفته مردم را نسبت به انقلاب دوباره احیا کنیم و نیروی بزرگ آنان را در جهت رشد انقلاب به کار اندازیم.

ولی همه اینها به این معنی نیست که ما توانسته ایم به حل به مشکلات نایل آییم. برعکس ضدانقلاب داخلی و خارجی موانع عظیمی را بر سر راه رشد عادی و ممکن اقتصادی اجتماعی کشور ما ایجاد نموده است.

یکی از اهداف عمده جنگ اعلان نشده علیه کشور ما را ایجاد موانع بر سر راه پلان‌های انکشافی در جهت بهبود وضع زندهگی زحمتکشان و در نتیجه، بی‌اعتبار ساختن انقلاب ما در زمینه حل مسایل مبرم مطروحه تشکیل می‌دهد. تا کنون یکصد و دوازده مکتب و ده‌ها شفاخانه به وسیله ضدانقلاب تخریب شده است.

صدها پل و پلجک، صدها پایه بزرگ انتقال برق، ده‌ها کتابخانه و عمارات عام‌المنفعه به وسیله باندهای ضدانقلابی تخریب شده است. تا اکنون هزاران نفر از معلمین، داکترها، متخصصین، ملاهای شریف کشور ما از جانب باندهای خرابکار تروریستی به شهادت رسیده اند.

ضد انقلابیون به شیوه راهزنان واقعی، مانع انتقالات و زندهگی عادی روزمره مردم ما می‌گردند. دهقانان کشور ما مجبور شده اند تا تقریباً در سراسر کشور به خاطر دفاع از زمین، کار و خانواده خود، گروه‌های مسلح مدافعین انقلاب را به وجود آورند.

مردم ما از جنگی و عارت ضدانقلابیون به ستوه آمده اند. امروز بیشتر از هر وقت دیگر برای مردم ما مبارزه در راه صلح به معنی مبارزه در راه زندهگی، آرامش و ترقی است. مردم ما در تجربه روزمره خویش دریافته اند که صلح و دیعه گران‌بهای است که فقط از راه وحدت عمل، مبارزه قاطعانه و به کار بست اصول شریفانه

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی علیه انقلاب ما به مراتب بیشتر می‌بود

می‌تواند تأمین گردد. برای مردم ما مبارزه یعنی صلح، صلح یعنی مبارزه است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اتکای اراده مردم و با خدمتگزاری صادقانه به منافع آنان بیانگر آرزوهای آنان بوده و در زمینه تأمین صلح در سطح داخل کشور و سطح بین‌المللی همواره طرح‌های منطق با واقعیت عملی مشخص و قابل قبول را برای همگان در صورت موجودیت نیت صلح طلبانه آنان مطرح ساخته است. ما مدت‌ها قبل به همه هموطنان اعلام داشتیم که خواهان تأمین صلح سراسری میهنی و پایان بخشیدن به وضع درنناک ناشی از جنگ اعلان‌نشده امپریالیستی هستیم و در این راه از اقدامات مقتضی منجمله اعلام عفو عمومی حتی در مورد کسانی که علیه دولت انقلابی به فعالیت‌های خصمانه مسلحانه مبادرت ورزیده بودند دریغ نورزیدیم. ما پایه اساسی مستحکمی را در وجود اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به خاطر تأمین فضای سالم سیاسی و احترام به شخصیت، کرامت، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم به وجود آورده به آن عمیقاً وفادار هستیم.

برای اولین بار در کشور ما سیاست برابری واقعی ملی دفاع از منافع حیاتی زحمتکشان تعمیل می‌گردد، بناء به صورت طبیعی پایه‌های اجتماعی انقلاب به طور رو به تزاید در حال توسعه و تحکیم می‌باشد. راهی را که ما از پیروزی انقلاب بخصوص از پیروزی مرحله نوب تکاملی آن تا کنون پیموده ایم راهی است که ما را نسبت به آینده نوین تکاملی آن تا آینده امیدوار می‌سازد. مردم ما با گوشت و پوست خود اعتقاد پیدا کرده اند که در صورت موجودیت صلح، پیشرفت‌های حاصله به مراتب بیشتر و دردهای مردم ما به صورت غیر قابل مقایسه بی‌کمتر از وضع کنونی می‌بود.

ما بارها کوشیده ایم همسایه‌گان خود به خصوص پاکستان و ایران را متقاعد سازیم که مداخلات غیرقانونی تحریکات و تجاوزات آنان علیه کشور ما نه به نفع خلق‌های منطقه و نه به نفع صلح در جهان می‌باشد. ما پیشنهادهای مشخصی و عملی در زمینه حل مسائل مربوط به اوضاع متشنج کنونی در منطقه خود به موقع و با صراحت ارائه نموده ایم ولی در برابر این اداره صادقانه ما جواب لازم داده نشده است. ما معتقدیم که ابتکار عمل در زمینه تأمین صلح در منطقه ما، در اختیار ما قرار دارد.

شما مبارزین شریف راه صلح از بهانه‌ها و تبلیغات جنون آمیز امپریالیزم و دیگر نیروهای دشمن علیه انقلاب و کشور ما به خوبی واقف هستید. آنان کمک اجتناب ناپذیر انترناسیونالیستی و قانونی اتحاد شوروی را به کشور ما قلب و واقعیت می‌کنند. يك بار دیگر با بانگ رسا از بین تریبیون با اهمیت بین‌المللی اعلام می‌داریم که قطعاً محدود نظامی شوروی که به خاطر طرد و دفع تجاوز تدارک دیده شد؛ دشمنان خارجی انقلاب ما در دشوارترین لحظات تاریخ معاصر کشور ما بنابه دعوت مقامات

اگر مداخلات مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می‌بود

باصلاحیت و قانونی حزبی و دولتی ما به کمک مردم ما شتافته اند، نه تنها منبع تولید خطر به همسایه‌گان ما نیستند، بلکه مانع بزرگ در برابر تبدیل افغانستان به پایگاه تجاوزی امپریالیزم علیه خلق‌های منطقه ما می‌باشد. ما حفظ استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور خویش را در برابر نقشه‌های آزمندانه و ماجراجویانه امپریالیزم امریکا مدیون مردم قهرمان سرزمین انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر می‌دانیم.

ما یک بار دیگر به اتکای پیشنهادهای مشخص مورخه چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ خویش تأکید می‌ورزیم که در صورت ارائه تضمین قابل اعتبار بین‌المللی مبنی بر ختم تجاوزات و مداخلات از سرزمین‌های پاکستان و ایران علیه کشور ما، قطعات محدود نظامی شوروی به کشور صلح‌آمیز خویش عودت خواهند نمود و ما حاضریم به اتفاق هم جداول برگشت آنها را تنظیم کنیم. امر مسلم اینست که از نظر ما پایان بخشیدن به وضع متشنج کنونی در منطقه با ختم تجاوزات از سرزمین‌های پاکستان و ایران علیه کشور ما ارتباط ناگسستگی دارد.

باید علاوه نمایم که ما دارای بیشتر از (۲۴۰۰) کیلومتر سرحد قابل نفوذ یعنی متشکل از کوه‌ها با پاکستان هستیم که این امر تسهیلات غیرقابل تصویری را در برابر نیات مداخله‌گرانه بیگانه‌گان علیه کشور ما فراهم می‌آورد.

جهت اطلاع مزید شما باید تذکر داد که تنها در ناحیه سرحدات کشور ما با پاکستان هم اکنون بیشتر از هشتاد کمپ پرورشی نظامی باندهای ضدانقلابی وجود دارد که به مثابه زراخانه جنگی امپریالیزم و منبع جنگ اعلان نشده علیه کشور ما به تولید بلاوقفه آدمکشان و خرابکاران حرفوی می‌پردازند.

ارتجاع و امپریالیزم با استفاده از نام دین مقدس اسلام به غارت و ویرانی کشور ما می‌پردازند و ما را منهدم به دشمنی با دین اسلام می‌سازند، در حالی که مسلمانان واقعی را در صبرا و شطیلا قتل عام می‌کنند. تا کنون نزدیک به هزار نفر ملا و روحانی شریف و وطنپرست کشور ما حتی در حال اجرای عبادت از جانب ضدانقلاب به شهادت رسیده اند و بسیار مساجد ویران شده است. کتاب مقدس مسلمانان جهان یعنی قرآن کریم به آتش کشیده شده است و باز هم ادعا دارند که به اصطلاح مدافع اسلام هستند. این «اسلام امریکایی» با اسلام واقعی و باروح انساندوستی اسلام در مغایرت کامل قرار دارد. دشمنان ما در زیر نقاب به اصطلاح دفاع از حقوق بشر، دشمنی خود را با ما اعلام می‌دارند در حالی که در السلوادور، در نامیبیا در فلسطین و ده‌ها کشور دیگر بدترین انواع جنایت علیه بشریت را مرتکب می‌شوند. مضحک است که حتی زمامداران نظامی‌گر پاکستان نیز دم از حقوق بشر و دموکراسی می‌زنند در کشوری که اعلام مخالفت با رژیم به اساس قوانین جاری آن کشور، محکومیت به اعدام و در دست داشتن نشرات مخالف رژیم سال‌های

اگر مداخلت مسلحانه امپریالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می‌بود

منمادی زندان، و به اصطلاح شرکت در جرم یعنی عدم ارائه معلومات خصمانه درباره دیگر افراد جامعه نیز، حبس را به همراه داشته باشد، آیا باز هم زمامداران آن حق دارند از حقوق بشر، دموکراسی و امثالهم دم بزنند؟

رفقا و دوستان عزیز!

ما صلح می‌خواهیم. ما علیه هیچ کشوری اعلان جنگ نداده ایم و در امور داخلی آنها مداخله نمی‌کنیم. ما حق داریم در صلح و آرامش مردم خود را خوشبخت، جامعه خود را شگوفان و کشور خود را آباد ساخته پرستیژ آنرا اعتلا بخشیم و به همین جهت ما مبارزه عادلانه و بزرگ را در پیش گرفته ایم. ولی آنانی که با خوشبختی واقعی مردم ما منافع خود را در خطر می‌بینند، ما را راحت نمی‌گذارند. آنان با استفاده از سطح نازل آگاهی توده‌های مردم و با استفاده ناجوانمردانه از معتقدات مذهبی مردم ما، این جنگ غارتگرانه را ادامه می‌دهند. ما حق داریم به خاطر دفاع از وطن و تأمین آینده صلح‌آمیز نسل‌های بعدی کشور، مبارزه همه جانبه بی‌راسزمان دهیم. ما هم اکنون دارای اردوی مجهز، منضبط، آگاه و نیرومندی هستیم که به مثابه مدافع نیرومند دستاوردهای بزرگ انقلاب، به آن افتخار داریم. ما توانسته ایم ده‌ها هزار انسان را در گروپ‌های مدافعین انقلاب تنظیم کنیم. ارگان‌های امنیتی کشور ما به مثابه سپر دفاع از انقلاب، آگاهانه عمل می‌کنند.

رفقا و دوستان عزیز!

امروز جهان در وضع خطرناک و متشنجی به سر می‌برد. سیاست‌های ماجراجویانه و غیرمسئولانه سردمداران واشنگتن و ناتو بشریت را به سوی تباهی ابدی می‌کشاند. خطر جنگی هیچ‌گاهی به اندازه امروز وحشتناک و جدی نبوده است. محافل امپریالیستی به تسلیح جنون‌آمیز نیروهای جنگ طلب و ایجاد انواع جدید سلاح‌های مرگزا می‌پردازند. مصارف سرسام‌آوری که بنابر مسابقات تسلیحاتی از طرف محافل امپریالیستی بر بشریت تحمیل می‌شود، موجب تلف شدن جوهر فراوانی به ضرر پروژه‌های انکشافی می‌گردد.

در نتیجه عدم انکشاف سریعتر اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی ناشی از جنون تسلیحاتی محافل امپریالیستی می‌باشد.

امروز همه بشریت مترقی در برابر وظیفه عظیمی قرار دارند که عبارتست از مبارزه بی‌درنگ و شدید علیه خطر جنگ، مبارزه به خاطر آینده سعادت‌مند نسل‌های بعدی.

ما مردم افغانستان علی‌الرغم اینکه در برابر جنگ اعلان نشده امپریالیستی قرار داریم، لحظه‌ی هم وظایف عظیم خود را در قبال مسئله اساسی دوران کنونی یعنی

اگر مداخلات مسلحانه امیرالیزم بر علیه انقلاب ما وجود نمی‌داشت، نگرگونی عظیم انقلابی ما به مراتب بیشتر می‌بود

مسئله تأمین صلح از یاد نخواهیم برد:

مهمانان محترم!

شما از بهترین دوستان مردم ما هستید. ما خاطره شریفانه شما و این کنفرانس بزرگ بین‌المللی را که هدف از آن پشتیبانی رفیقانه از سیاست صلح‌آمیز و دسناوردانقلابی مردم ماست، از یاد نخواهیم برد. نسل‌های خوشبخت آینده کشور ما، شما را به یاد خواهند داشت.

ما یقین کامل داریم که تدویر این کنفرانس در پایتخت کشور انقلابی ما گام بسیار با اهمیتی در جهت مبارزه در راه صلح خواهد بود. اما امیدواریم صدای رسای صلح را که از ورای این کنفرانس از کشور ما بلند می‌شود، همسایگان غرب و شرق کشور ما با گوش هوش بشنوند. ما یک بار دیگر فرصت یافتیم تا نیات عمیق قلبی خود را مبنی بر جستجوی راه‌های حل برای معضلات کنونی وضع اطراف کشور خود ابراز بداریم. ما همسایگان خود را به صلح فرامی‌خوانیم. شما نمایندگان صلح و انسانیت نیز آنها را به خاتمه بخشیدن به مخاصمات، تجاوزات و مداخلات علیه کشور ما فرا بخوانید.

رفقا، دوستان!

ما یقین کامل داریم که این کنفرانس نتایج جدی خود را بر سر حوادث متشنج منطقه در جهت تفاهم و صلح به بار خواهد آورد. نیروی این کنفرانس، عظیم و انکارناپذیر است و همسایگان مجبور خواهند شد به آواز پرطنین آن گوش بدهند.

به نمایندگی از مردم افغانستان، از تشریف آوری شما در کشور ما صمیمانه تشکر می‌کنم.

زنده باد صلح در سراسر جهان!

بیانیه هنگام ملاقات با مضمولین کنفرانس بین‌المللی انکشاف اقتصادی و علیه خطر جنگ ۲۲ عقرب ۱۳۹۱

یکی از خصوصیات دوران ما، تعرض صلح علیه نیروهای جنگ طلب است

محترم رامش چندرا مبارز راه صلح در جهان و رئیس شورای جهانی صلح، رفقا و دوستان مبارز صلح در سراسر جهان!

یک بار دیگر از جانب حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و مردم صلح‌دوست افغانستان تشریف آوری شما را در افغانستان انقلابی از صمیم قلب شاد باش می‌گویم. همچنین از طرف خود مراتب تشکرات قلبی و عمیق خود را نسبت به شما ابرار میدارم.

دوستان گرامی!

امروز فرصت خوبی به دست آمد تا با دوست محترم رئیس شورای جهانی صلح، رامش چندرا، ساعتی با هم تبادل نظر و صحبتی داشته باشیم و من از نظریات و تجارب شان در عرصه بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای و در عرصه دفاع از صلح استفاده نمایم. نسبت به خدمات اعضای شورای جهانی صلح و نقش آنها، دوست محترم رامش چندرا توضیحات مفصلی دادند و واقعاً نقش شما مبارزین صدیق راه صلح چه در عرصه ملی در کشورهای نان و چه در عرصه منطقه و جهان بسیار با اهمیت است. به شما دوستان معلوم است که امروز بشریت در برابر خطر تهدید جنگ جهانیسوز و جنگ نَباه کن، جنگی که بشریت را کاملاً محو خواهد ساخت، یعنی جنگ ذرّومی قرار دارد که بیشتر از طرف امپریالیزم و اداره ریاست جمهوری ریگن، با روحیه وحشیانه، تحریک می‌شود. امروز جهان سرمایه داران، مواجه با يك بحران عمیق است و کامپلکس صنعتی - نظامی امریکا، امروز خواهان تسلیحات جدی و تهدید بشریت به جنگ بوده حتی بی‌شرمانه اعلان جنگ محدود ذرّومی را می‌نماید. امروز در سراسر نقاط جهان، نقاط بستر داغ تحریکات جنگی وجود دارد که دیروز دوست محترم ما رامش چندرا تماس عمومی در سراسر کره زمین به آن گرفتند و به صورت بسیار عمیق و عملی نیروهای جنگ طلب و ارتجاع بین‌المللی و امپریالیزم را افشا نمودند.

واقعاً اکنون، بشریت در اوضاع و احوالی زندهگی می‌کنند که باید بر اساسی شعار سیاست تعرضی صلح به پیش برویم. صلح مفهوم دفاع را ندارد. حالا در دورانی

زندگی می‌کنیم که باید تعرض صلح را علیه نیروهای جنگ طلب آغاز نماییم به طوری که به همه شما دوستان صدیق صلح و مبارزین صلح معلوم است و شما ماهیت نیروهای جنگ طلب را عمیقاً تشخیص داده‌اید، امروز سه قوه بزرگ جهانی: سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش‌های مترقی و دموکراتیک در کشورهای سرمایه داری، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی در آسیای افریقا و آمریکای لاتین و همچنین تمام نیروهای صلح در یک جبهه وسیع، مانع تحریکات جنگی استعمار، استعمار نوین امپریالیزم، صهیونیسم، فاشیسم، راسیسم و آپارتاید می‌باشد. اگر چه چنین نیرویی که در رأس آن اتحادشوروی بزرگ قرار دارد، بایک نیروی قوی دفاعی به حیث یک قلعه مستحکم، یک دژ مستحکم، علیه تهدید جنگ و علیه تجاوزات امپریالیزم مجهز است، ما نسبت به هر وقت دیگر می‌توانیم قاطعانه بر اساس سیاست تعرضی از صلح از تمدن، از رفاه، از سعادت، از عدالت، آزادی، دموکراسی، استقلال ملی، ترقی اجتماعی و اقتصادی دفاع نماییم. واقعیت امر این است که نسل‌های آینده کرفزمین هم اکنون به ما به نسل کنونی خطاب می‌نمایند که ما را از تهدید جنگ، از خطر جنگ ذره‌وی نجات دهید. وظایف ما تنها برای نجات خود ما نیست، بلکه وظایف و رسالت تاریخی ما در برابر فرزندان ما و نسل‌های آینده کرفزمین است. تمدن بشریت، تمدن کرفزمین با زحمات و رنج‌ها و آلام، طی قرون منمادی تا امروز به وجود آمده است.

از آنجایی که وظیفه اصلی شورای جهانی صلح، دفاع از صلح است، نباید فراموش کنیم که بعد از انقلاب اکتوبر اولین فرمان واقعی صلح در جهان به ابتکار رهبر کارگران جهان صادر گردید. از آن تاریخ تا کنون اتحادشوروی به کمک دوستان و متحدین خود همیشه مدافع صلح بوده است. البته در اینجا نقش صدها میلیون انسان کرفزمین که شجاعانه و دلورانه در دفاع از صلح مبارزه می‌کنند فراموشی ناشدنی است.

دوستان، رفقا و مهم‌انان گرامی!

انکشاف اقتصادی و اجتماعی و از بین بردن فقر و بیماری و بی‌سوادی از جهان، ارتباط نزدیک و ناگسستگی با صلح جهان دارد. امروز ما می‌بینیم که بودجه سرسام‌آوری در راه تسلیحات جنگی به مصرف می‌رسد. اگر این مقادیر منابع طبیعی و انسانی در خدمت بشریت قرار داده شود، هم اکنون می‌تواند که با سرعت مناطق عقیم‌مانده جهان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی رشد و انکشاف نماید. تا جایی که به جمهوری دموکراتیک افغانستان تعلق می‌گیرد، طوری که دیروز ابراز داشتیم، تمام سعی و تلاش ما، سرلوحه مبارزات ما و شعار اساسی مبارزه ما صلح است. صلح چه در شرایط داخل کشور، چه در منطقه، چه در آسیا و چه در جهان؛ البته به موازات این امر، تمام مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در یک جبهه ملی پدر وطن علی‌الرغم جنگ اعلان نشده

یکی از خصوصیات دوران ما، تعرض صلح علیه نیروهای جنگ طلب است

از طرف ارتجاع و امپریالیزم و هرمنویزم چین بخصوص تحریکات امپریالیزم امریکا به حد نهایی سعی می‌کنند. درین نزدیکی‌ها شما شنیده باشید که سنای امریکا يك تصویب ضدانسانی، ضد بشری، ضد صلح، علیه افغانستان اتخاذ نموده بی‌شرمانه اعلام داشتند که از مزدوران اجیر رسیده‌گی و پشتیبانی می‌کنند. یعنی آنها علناً علیه انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان، تمام نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی را در يك جبهه نامقدس، يك جنگ اعلان نشده علیه ما به پیش می‌برند.

رفقا، دوستان گرامی!

ما در این لحظه، رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور خود را فراموش نمی‌کنیم، طوری که سرلوحه کار کنفرانس کنونی بود. البته هرگاه مداخلات و تجاوزات بی‌شرمانه از خارج به داخل کشور ما نمی‌بود، امروز به جرأت گفته می‌توانستیم که طی نزدیک به پنج سال انقلاب ثور، معادل بیست و پنج سال در عرصه رشد اقتصادی و اجتماعی، کلتوری و فرهنگی خود به پیش می‌رفتیم. ما اطمینان داریم که انقلاب ما پیروز می‌گردد و در شرایط عادی ما می‌توانیم بنابر منابع بزرگ طبیعی و انسان‌های شرافتمند و زحمتکش افغانستان راه صد ساله را در پانزده بیست سال از لحاظ رشد اقتصادی، اجتماعی طی کنیم.

دوستان گرامی! نکته‌یی که موضوع تبلیغات دروغین و زهرآگین و بی‌شرمانه ارتجاع و امپریالیزم بین‌المللی است و رسانه‌های گروهی شان به شدت علیه افغانستان انقلابی تبلیغ می‌کنند و در پهلوی بعضی کشورها و نقاط داغ جهان افغانستان را بهانه قرار می‌دهند، عبارت است از موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی؛ این يك بهانه است. ما به صراحت و به بانگ رسا به جهان اعلان داشتیم که اگر کمک قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان بنابر درخواست حکومت قانونی افغانستان صورت نمی‌گرفت، امروز استقلال ملی افغانستان، حاکمیت ملی افغانستان، تمامیت ارضی افغانستان و انقلاب آزادی‌بخش خلق افغانستان بنابر توطئه و پلان امپریالیزم کاملاً نه تنها محو می‌شد، بلکه افغانستان، امروز بر روی نقشه وجود نمی‌داشت. حتی احتمالی جنگ آسیایی، منطقه‌وی و جهانی برده می‌شد. و لیکن بنابه کمک خلاق و اصولی اتحاد شوروی تمام نقشه شوم و خاینانه ارتجاع و امپریالیزم و هرمنویزم نقش بر آب گردید.

رفقا و دوستان!

قطعات محدود اتحاد شوروی در افغانستان تا آن وقت خواهد بود، که عوامل و فاکتورهایی که موجب دعوت قطعات صلح‌دوست اتحاد شوروی گردیده، از بین برود. یعنی تجاوزات، مداخلات و تحریکات از خارج کشور علیه افغانستان انقلابی به صورت کامل قطع گردد و تضمین بین‌المللی دامن بر اینکه دیگر هیچگاه تجاوز و تحریکات در داخل خاک افغانستان صورت نمی‌گیرد. در پهلوی تمام نیروهای

یکی از خصوصیات دوران ما، تعرض صلح علیه نیروها و جنگ طلب است

صلح به حیث یک نیروی بزرگ انقلابی در یک جریان بزرگ انقلابی سراسر جهان نقش خود را و وظیفه خود را طوری که در راه حفظ صلح و امنیت منطقه و بین‌المللی ایفا کردیم باز هم به مثابه یک نیروی انقلابی دوش به دوش در راه صلح، آزادی، ترقی و سعادت بشریت مبارزات پر قدرت تر خواهیم کرد.

گزارش در پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پاره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب

۲۱ فوس ۱۳۶۱

رفقا!

در مدت زمانی که از کنفرانس سرناسری حزب سپری شده در حزب، جامعه و دولت تغییرات معین و مثبتی رخ داده است. نفوذ و اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور متداوم ارتقا و افزایش می‌یابد. بر مبنای «برنامه عمل» و فیصله‌های نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار سیاسی و سازمانی در میان توده‌ها تقویت می‌یابد و عادی شدن اوضاع در کشور ادامه دارد. به نیروهای ضدانقلاب ضربات هرچه قوی‌تر وارد شده است تاگزیری شکست قطعی آنان با وضاحت هرچه تمامتر آشکار می‌گردد. مؤسسات صنعتی، ترانسپورتی و ساختمانی با ثبات بیشتر کار می‌کنند و انتظار می‌رود که سال جاری از لحاظ وضع زراعت با موفقیت انجام یابد. مواضع بین‌المللی کشور ما نیز استحکام می‌پذیرد. علی‌الرغم تلاش‌ها و توطئه‌های نیروهای ارنجاعی، روند حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان آغاز شده است. همه اینها با وضاحت و صراحت حقانیت مشی سیاسی ما را به اثبات می‌رساند. ما به آینده با اطمینان و خوشبینی می‌نگریم.

رفقا!

موفقیت‌ها و دستاوردهای ما و همچنان عدم موفقیت‌ها با جریانات ساختمان حزبی یعنی با این که حزب ما تا چه اندازه سازمان یافته با دسپلین، متحد و یکپارچه است، ارتباط ناگسستگی داشته و دارد. به همین سبب نیز مسئله تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پلنوم حاضر مطرح می‌گردد، ضمناً می‌خواستم نکات اصولی ذیل را خاطر نشان سازم:

نخست اینکه مشی سیاسی، خود به خود نمی‌تواند موفقیت امر را تأمین نماید. برای تحقق آن در عمل اشکال مناسب سازمانی و میتودهای معین فعالیت عملی حزب لازم است. همه زندهگی و کار حزب باید به نحوه لازم و مطابق به شرایط مشخص تاریخی سازمان داده شود.

رهبر کارگران جهان می‌گفت:

«حزب بخش آگاه و پیشرو طبقه و پیشاهنگ آن است، نیروی این پیشاهنگ ده، صد مرتبه و بیش از آن بزرگتر از تعداد آن است.

آیا این ممکن است؟ آیا نیروی صدتن می‌تواند بیشتر از نیروی هزار تن باشد؟ البته می‌تواند و بزرگتر هم می‌تواند باشد، در صورتی که صد تن سازمان یافته باشند. سازمان، نیروی ما را ده برابر می‌سازد.»

می‌خواهم يك قول دیگر از انقلابی کبیر عصر ما را نیز بیان نمایم:

«آگاهی گردان پیشرو بر علاوه سایر موارد در این امر تبارز می‌یابد که توانایی سازمان یافتن را دارد و با سازمان یافتن خود صاحب اراده واحد می‌شود و این اراده واحد صدها، هزاران و میلیون‌ها به اراده طبقه، اراده مردم مبدل می‌گردد.»

گردان پیشرو، پیشاهنگ سیاسی جامعه فقط و فقط به این ترتیب می‌تواند به اهداف مطروحه برسد و ترقی ملی و اجتماعی را تأمین نماید.

وضع دیگری که ارزیابی مسایل استحکام سازمانی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را می‌طلبد عبارتست از تکامل خود حزب و حل پروبلم‌های ناشی از آن.

یک نکته دیگر نیز وجود دارد و آن اینکه سطح عمومی کارسازمانی و سیاسی در حزب ما با ایجابات زمان و اوضاع، مسؤولیت‌ها و جدیت وظایف مطروحه در برابر حزب تطابق ندارد. این سطح به حد کافی بلند نیست و اگر ما وضع را اصلاح نکنیم آنچه را که طرح نموده ایم انجام داده نخواهیم توانست. به یاد داشته باشید که لنین چه می‌گفت:

«در باره احزاب سیاسی نباید بر اساس نام‌ها، اعلامیه‌ها و برنامه‌ها، بلکه باید بر اساس عمل آنها قضاوت نمود.»

اکنون بیابید، به کار و عمل خود رجوع کنیم. من قصد ندارم آنچه را که واقعاً انجام پذیرفته است، نادیده بگیرم و یا کوچک جلوه دهم. اما حقایق نشان می‌دهد که کمتر از آنچه که باید می‌شد عملی گردیده است و آنهم دیرتر از آن وقتی که باید صورت می‌گرفت.

کمیته مرکزی با وضع امور در محلات به خوبی آشناست. در جریان مسافرت‌های اخیر خویش در کشور، من یک بار دیگر معتقد شدم که اوضاع آنقدر بد نیست که تحولات اعلام شده و ضروری برای مردم عملی نگردد و کار در مؤسساتی که قطعاً صدمه ندیده است، جریان نداشته باشد. البته فعالیت ضدانقلاب مسلح و مداخله آشکارا از خارج کشور مانع تحقق کامل پلان‌ها می‌گردد. اما در آن جاهایی که زندگی عادی صلح‌آمیز استقرار یافته و تلاش‌های جداگانه دشمنان نیز به وسیله اهالی و مدافعین دلیر با موفقیت دفع می‌گردد، باز هم مناسفانه ارگان‌های حزبی و دولتی وظایف متعلق به خود را به صورت همیشگی و لازم به طور شاید و باید اجرا نمی‌نمایند.

گزارش در پلنوه دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب

این بود بعضی از ملاحظات دارای خصوصیت اصولی که به نظر بیروی سیاسی باید برخورد ما را نسبت به مسئله مورد بحث یعنی تقویت کار سازمانی سیاسی حزب معین سازد. اکنون اجازه بدهید، به تحلیل پروبلم‌های مشخص زندگی و فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جریان ساختمان حزبی بپردازم.

رفقا!

یکی از مسایل بنیادی تیوری و پراتیک ساختمان حزب را مسئله عضویت در حزب، اصول و طرق تکمیل صفوف حزبی تشکیل می‌دهد.

ما با رضایت می‌توانیم خاطر نشان سازیم که مخصوصاً در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه فعالیت آن که بیانگر منافع اساسی کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان است، امکان داد تا توده‌های وسیع مردم به سوی حزب جلب گردند. این روند با قوت فزاینده ادامه دارد.

اکنون در حزب ما بیش از هشتاد هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارند. تنها در نیمه اول سال جاری بیش از پانزده هزار نفر به عضویت آزمایشی حزب پذیرفته شده اند.

این نتایج خوبی بود و با صراحت شاهد آنست که زحمتکشان افغانستان به حزب ما اعتماد دارند و اندیشه‌ها و سیاست آنرا فعالانه پشتیبانی می‌نمایند و به همین سبب به آن می‌پیوندند.

ما رشد سریع صفوف حزب را به مثابه پدیده مثبت و ارزشمند ارزیابی می‌کنیم که ثابت می‌سازد جریان تکامل اجتماعی در جهت درست سیر می‌نماید. زیرا سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان سالم، درست و اصولی است. ما بعد از این نیز به رشد صفوف حزب توجه جدی مبذول خواهیم داشت. زیرا افزایش تعداد اعضای حزب توسعه و تأثیر و نفوذ آنرا در میان توده‌ها تأمین می‌نماید.

در عین زمان ما نباید به این جریان اهمیت بیش از حد قایل باشیم. برای ما همیشه باید امر عمده، بهبود ترکیب کیفی حزب باشد. در رابطه مصوبه هشتمین کنگره حزب کمونیست سراسری روسیه (بلشویک) که در زمان حیات و ای‌لنین در مورد مسایل سازمانی پذیرفته شده بود بسیار آموزنده است. در قسمتی از مصوبه آمده است که:

«توسعه ترکیب عددی سازمان‌های حزبی به هیچ وجه نباید به‌بهای بدتر شدن ترکیب کیفی تمام گردد.» حزب ما نیز چنین روشی را اتخاذ نموده و کنفرانس سرتاسری نیز بر آن صحه گذاشته است.

برای بهبود ترکیب کیفی حزب به چه چیزی نیاز وجود دارد؟ قبل از همه باید بهبود دائمی و پیگیر ترکیب اجتماعی حزب مد نظر باشد. بنابراین هنگام پذیرش به حزب لازم است تا توجه اساسی به کارگران و دهقانان آگاه و پیشرو و سربازانی که منشاء کارگری و دهقانی دارند صورت گیرد. به همین منظور نیز کنفرانس سرتاسری حزب شرایط جدید را که حاوی یک سلسله سهولت‌ها و امتیازات برای زحمتکشان است به تصویب رسانید.

البته تدابیر حزب نتایج محسوسی را به بار آورد. در ترکیب اعضای آزمایشی که جدیداً در نیمه اول سال ۱۳۶۱ پذیرفته شده است (۴۷/۷) فیصد آن کارگران و دهقانان می باشند و در ولایات بغلان، بدخشان، بلخ، هرات، ننگرهار، تخار و بعض دیگر این نسبت بیشتر از پنجاه فیصد است. در نیروهای مسلح نیز کار پذیرش به حزب فعالانه پیش برده می شود و بیشتر از (چهل و نه) فیصد اعضای آزمایشی جدیدی که پذیرفته شده اند، قبل از خدمت در اردو، خاندوی و خاد، کارگر و یا دهقان بوده اند.

کمیته های حزبی و سازمان های اولیه حزب موظف اند در آینده نیز به برآوردن مطالبات کنفرانس سرتاسری در مورد بهبود ترکیب اجتماعی صفوف حزبی توجه دائمی داشته باشند. در ضمن نباید به افراط گرایید و از ورود بهترین و شایسته ترین نمایندگان روشنفکران و وطنپرست و اقشار اجتماعی دیگر به حزب جلوگیری کرد.

اکنون در باره مسئله بسیار مهم دیگر در رابطه با کار در جهت بهبود ترکیب کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی در باره پذیرش جوانان به عضویت حزب صحبت می نماییم. مشی اصولی ما در این رابطه روشن و بلانحراف است. ما پذیرش جوانان را به حزب به مثابه بیان توالی و توارث نسل ها، روحیه انقلابی حزب و سنن بیکار جویانه آن و همچنان اطمینان به فردای حزب ارزیابی می کنیم. جوانان باید کار انقلابی نسل کنونی را ادامه دهند.

تصمیم در باره آن که جوانان تا سن بیست ساله گی تنها از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب پذیرفته شوند، متوجه آنست تا نیروهای جوانی که به حزب می آیند قبل بر آن مدرسه مبارزه سیاسی و کارسازمانی را در چارچوب سازمان جوانان سپری نمایند.

کمیته های ولایتی حزب و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید در آینده نیز کار آماده ساختن فعالین جوان را برای شمول به صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان با توجه و دقت تحت مواظبت گرفته در جلسات خود طرق بهبود این کار و تدابیر لازم در زمینه را مورد مطالعه قرار دهند.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید کار در جهت پذیرش زنان به حزب را نیز تقویت بخشند.

کار در زمینه پذیرش پیشروترین نماینده‌گان ملیت‌ها، اقوام و قبایل مختلف کشور ما به حزب نیز نیازمند بهبود و توجه بیشتر است. تکمیل صفوف حزب نه تنها بر اساس طبقاتی، بلکه بر مبنای انترناسیونالیستی در کشور کثیر المللیت چون افغانستان نیز، یکی از اصول مهم ساختمان حزبی است. انترناسیونالیزه ساختن حزب وسیله مطمئن تحکیم و توسعه روابط با توده‌های مردم و مظهر مشخص سیاست حزب مبنی بر تساوی، دوستی و برادری خلق‌های وطن محبوب ما افغانستان است. انترناسیونالیزه ساختن حزب به اعتبار آن می‌افزاید و نقش رهبری کننده آنرا در جامعه و دولت تقویت می‌بخشد.

رفقا!

کمیته مرکزی معتقد است که تشدید کار در زمینه پذیرش اعضای جدید به حزب و نتیجه آن یعنی رشد سریعتر صفوف حزبی و وظایف جدی را در برابر حزب، در برابر کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و در برابر هر عضو حزب قرار می‌دهد، که قبلاً با این وسعت و حجم طرح نشده بود.

قبل از همه هنگام پذیرفتن اعضای جدید باید خصوصیات سیاسی، عملی و اخلاقی آنان مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و به نفوذ عناصر غیرآماده و تصادفی و اپورتونیست‌های مقام پرست به حزب اجازه داده نشود. البته سختگیری در انتخاب افراد برای عضویت در حزب همیشه ضرور است و اساسنامه ما نیز آنرا پیشینی می‌نماید.

نخست به این دلیل که هم تاریخ و هم تجربه خود ما نشان می‌دهد معمولاً عناصر بیگانه یعنی افراد مقام طلب و سازشکار و حتی دشمنان تلاش می‌ورزند در حزب حاکم نفوذ نمایند.

دلیل دوم اینست که هنگام زیاد بودن تعداد کسانی که به حزب پذیرفته می‌شوند و احتمال اشتباه ما در ارزیابی خصوصیات آنان افزایش می‌یابد.

برعلاوه، کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه باید سعی همه جانبه ورزند تا نقش و اهمیت دوره عضویت آزمایشی ارتقا یابد. این دوره واقعاً هم باید جدی‌ترین آزمایش و امتحان واقعی خصوصیات عضو آزمایشی باشد، نه اینکه به صورت فورمالینه و شکلی سپری می‌گردد. این مطالب از آن جهت نیز مهم است که برای بخش قابل ملاحظه اعضای آزمایشی دوره عضویت آزمایشی شش ماه تعیین شده است. برای اینکه عضو آزمایشی در ظرف شش ماه آماده شمول به عضویت اصلی حزب گردد،

ضرورت به صرف مساعی پیگیر و هدفمند است. کار را باید طوری تنظیم نمود که عضو آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از نخستین روزهای شمول خویش مدرسه واقعی آبدیدمگی حزبی و سیاسی را سپری نماید. یک وسیله آزمایش شده و مطمئن تربیت اعضای جوان حزب وجود دارد و آن جلب ایشان به کار فعال روزمره حزبی و اجتماعی و امتحان کردنشان در امور عملی و در اجرای وظایف مشخص می‌باشد. رابطه و برخورد با وظیفه حزبی، اجرای مسوولانه و وجدانی آنست که آمادگی افراد را برای عضویت در حزب و مبدل شدن به پیکارجوی واقعی آن، نشان می‌دهد. وظیفه مهم هر سازمان اولیه حزبی اینست که همه اعضای آزمایشی حزب را تحت توجه قرار داده به آنان کمک نماید تا خود را برای عضویت اصلی در حزب آماده سازند.

کمیته مرکزی کار با اعضای آزمایشی و جوان حزب را یکی از مهمترین جهات فعالیت درون حزبی می‌شمارد. توجه همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، باید به این جهت کار متمرکز گردد. البته در این کار نباید با معیارهای سابق برخورد نمود. در هر سازمان اولیه باید فضای بذل توجه و علاقمندی به این امر را ایجاد کرد که عضو آزمایشی چگونه رفتار می‌نماید و چگونه خود را برای کسب عضویت اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آماده می‌سازد.

می‌خواستم يك مطلب دیگر را نیز خاطر نشان سازم و آن اینکه ضرورت است تا به موازات تأثیر دسته‌جمعی سازمان اولیه، مسوولیت هر عضو حزب را نیز در امر رشد و آبدیدمگی سیاسی اعضای جوان حزب ارتقا بخشید. درینجا نقشی معرفی کننده‌گان، مخصوصاً مهم است. تضمین و معرفی هنوز آغاز امر است. می‌توان گفت که معرفی کننده پدرسیاسی، مربی و آموزنده هر عضو جوان حزب است و باید در برابر سرنوشت حزبی وی جداً احساس مسوولیت کند.

اکنون در حزب تعداد زیاد عضو آزمایشی وجود دارد که تقریباً نصف کمیت آنرا می‌سازد. و اعضای آزمایشی حزب تنها در صورتی خواهند توانست و جایب و حقوق خود را به روشنی درک کنند و نام پرافتخار عضو حزب را با شایستگی نگه دارند که هر عضو اصلی به کار فعال برای تربیت آنان پردازد و سهم خود را در این امر مهم ایفا نماید.

چنین است خواست و مطالبه حزب و باید کار به این ترتیب انجام پذیرد. اما ببینیم در عمل چگونه است؟ این مهمترین پروبلم‌ها هنوز هم در فعالیت روزمره بسیاری از کمیته‌های حزبی به طور لازم منعکس نمی‌گردد. مسایل پذیرش در حزب و کار با اعضای آزمایشی در جلسات و گردهمایی‌های سازمان حزبی به ندرت مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد. در آن حالاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، تصامیم اتخاذ شده به حد کافی عمیق و مشخص نمی‌باشد و در نهایت این تصامیم بنابر ضعف

کنترول بر بهبود کار در سازمان‌های اولیه حزبی تأثیر لازم را وارد نمی‌کند چنین وضع بعد از این قابل تحمل نیست. زیرا مسئله بر سر جریان نیروی حیاتی به حزب و منای اولیه رشد و تحکیم آنست.

رفقا!

مسئله رشد شبکه سازمان‌های حزبی، ایجاد سازمان‌های جدید و بهبود رهبری آنها با توسعه کمی حزب و افزایش تعداد اعضای جدید آن نیز ارتباط دارد. ارتقای بیشتر مؤثریت کار حزب و تقویت تأثیر آن در میان توده‌ها با تکمیل و بهبود ساختار سازمانی ارتباط ناگسستگی دارد.

می‌خواهم در رابطه با مطلب بالا توجه را به کرکترستیکی که لنین از مفهوم «حزب» از نظر ساختار آن بیان داشته است، جلب نمایم. لنین می‌نویسد:

«حزب مجموعی از سازمان‌هایی است که با هم پیوند واحد یافته‌اند.» در عین زمان وی توضیح می‌نمود که این «مجموعه، ساده نیست و چون در یک واحد با هم پیوند یافته است به همین سبب نیز حزب خود سازمان واحد و یکپارچه سیاسی است که به شبکه کامل انواع سازمان‌های محلی، اختصاصی، مرکزی و عمومی تقسیم می‌گردد.»

امروز حزب ما یک ارگانیزم بزرگ و دارای شبکه وسیع سازمان‌هاست. در ترکیب آن سی کمیته ولایتی، دو کمیته لوی و لسوالی، هفتاد کمیته شهری و ناحیه‌وی، یکصد و چهل و چار کمیته ولسوالی و علاقه داری و بیش از دوهزار سازمان اولیه وجود دارد. به نظر ما چنین ساختار به طور کلی مطابق به محتوا و خصوصیات مرحله جاری تکامل انقلابی و اوضاع و شرایط مشخص فعالیت حزب است.

اما برائیک اجرا و تحقق وظایفی که کنفرانس سرتاسری حزب طرح نموده است، ضرورت بهبود و تکمیل هرچه بیشتر این ساختار را مسلم می‌سازد امکانات آنرا نیز نشان می‌دهد. این مسئله از همه بیشتر به سازمان‌های ولسوالی و علاقه داری و همچنان سازمان‌های اولیه حزبی ارتباط می‌گیرد.

باید اعتراف نمود که بنابر یک سلسله علل ما تا هنوز نتوانسته ایم توجه لازم را به کمیته‌های حزبی ولسوالی و علاقه داری مبذول داریم. وضع در این بخش کار غیر قناعتبخش است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که حزب به طور جدی و عملی به این امور بپردازد. اهمیت این ارگان‌ها هم از لحاظ کار در ولایات و هم از لحاظ اجرای وظایف مبرم ما بسیار عظیم است.

باید از آغاز این امر را در نظر داشت که این ارگان‌ها در محلات و دهات جایی که اکثریت قاطع اهالی کشور در آن زنده‌گی دارند، تشکیل می‌گردد و فعالیت می‌نماید. این ارگان‌ها نظر به موقعیت و وضع طبیعی خود نسبت به کمیته‌های حزبی سطوح دیگر، به توده‌های مردم نزدیکتر است. آنها فعالیت سازمان‌های اولیه را که در میان انبوه مردم کار می‌کنند، مستقیم رهبری می‌نمایند کمیته‌های حزبی ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها از این جهت نیز حائز اهمیت است که آنها دو بر سه تعداد همه کمیته‌های حزبی منطقه‌ی را می‌سازند.

اکنون درباره سازمان‌های اولیه صحبت می‌کنم، ما بارها، در کنفرانس سرتاسری حزب و در پلنوم‌های کمیته مرکزی درباره اهمیت فوق‌العاده کار سازمان‌های اولیه حزبی اشاره نموده ایم، اما باز هم تأثیرات و فعالیت آنها غیرکافی است. علل زیادی وجود دارد و یکی از آن این وضع است که شبکه سازمان‌های اولیه، همه مناطق و مؤسسات تولیدی لازم را در بر نمی‌گیرد. در نتیجه از امکانات توسعه نفوذ حزب در بین توده‌های مردم استفاده به عمل نمی‌آید. گرچه تعداد عمومی سازمان‌های اولیه افزایش می‌یابد، اما اکنون تقسیم و آرایش درست نیروهای حزبی اهمیت به سزایی دارد تا در بخشی‌های مهم و حیاتی تأثیر و نفوذ حزب تأمین گردد. مثلاً، یکی از مهم‌ترین جهات فعالیت حزب را عرصه اقتصاد تشکیل می‌دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ارگان‌های محلی حزبی وظیفه دارند برای تحکیم سازمانی - سیاسی و ارتقای سطح رزمنده‌گی سازمان‌های اولیه و تکمیل و بهبود شبکه و ساختار آنها تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. باید به سازمان‌های اولیه در تنظیم کار درون حزبی و گسترش فعالیت توده‌یی سیاسی در میان اقشار وسیع زحمتکشان و اهالی کمک صورت گیرد. در رابطه با این موضوع چه وظایف مبرم را باید اجرا کرد؟

نخست اینکه باید امکانات ایجاد سازمان‌های اولیه در بین گروه‌های تولیدی و زحمتکشان به جدی‌ترین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. کار را باید طوری تنظیم نمود که اعضای موجود حزب در يك مؤسسه تولیدی عمدتاً شامل سازمان اولیه حزبی خود باشند. اگر تعداد اعضای حزب برای تشکیل سازمان اولیه کافی نباشد، پس باید کار فعال و هدفمند در جهت جذب بهترین کارمندان مؤسسه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان سازمان داده شود. این کار به حزب امکان خواهد داد تا در آن مؤسسه سازمان اولیه داشته باشد. و اساساً در همین کار هدفمند هم تأثیر تنظیم کننده حزب بالای رشد صفوف آن انعکاس می‌یابد. در ضمن ایجاد سازمان‌های حزبی در قرا و قصبیات نیز باید با عین برخورد صورت گیرد.

تکرار می‌کنم، هر سازمان حزبی که جدیداً ایجاد می‌گردد، توسعه نفوذ حزب و امکانات آنرا برای جلب نشر چه بیشتر مردم در مبارزه به خاطر تحقق آرمان‌های

انقلاب ثور در بر دارد. شعبه تشکیلات کمیته مرکزی موظف است اینکار را تحت کنترل دائمی قرار دهد.

دوم اینکه، باید ترکیب منشی‌های سازمان‌های اولیه تقویت گردد و از تغییرات تبدلات غیرضروری آنان جلوگیری به عمل آید. نا کتون تعداد تغییرات و تبدلات بسیار زیاد است و تقریباً نیمی از منشی‌های سازمان‌ها کسانی اند که مدت اشتغال شان به این وظیفه کمتر از یک سال بوده است.

در چنین وضع افراد موفق نمی‌شوند تجربه لازم را فرا گیرند. بر کارخویش مسلط گردند و اوضاع را مورد مطالعه دقیق قرار دهند. خلاصه اینکه نمی‌توانند به مسؤولین واقعی حزبی مبدل گردند.

سوم اینکه، باید به ارتقای سطح کار درون حزبی جدی‌ترین و دقیق‌ترین توجه صورت گیرد. به این منظور باید سعی ورزید تا کار پیشبرد و جریان جلسات حزبی بهبود قابل ملاحظه حاصل نماید، نا این جلسات به مدرسه واقعی تربیت اعضای حزب مبدل گردد. ضرور است نا اجرای دقیق فیصله‌های اتخاذ شده کنترل جدی بر آن سازمان داده شود. باید این امر را تأمین نمود که همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب به عرصه‌های متنوع کار عملی جلب گردند و قبل از همه از طریق اشتراک فعال در حیات سازمانی خویش، گسترش انتقاد و انتقاد از خود و اشتراک در طرح و تدوین نظر دسته‌جمعی سازمان، تربیت حزبی حاصل نمایند. بالاخره، کمیته‌های حزبی باید رهبری سازمان‌های اولیه را بهبود بخشند. در این رابطه می‌خواهم خاطر نشان سازم که بهبود رهبری سازمان‌های اولیه را نباید به حیت اقدام مهم موقتی تلقی نمود. این روند باید دائمی باشد. زیرا رشد آن با تکمیل و بهبود فعالیت حزب در مجموع ارتباط دارد. کارمندان کمیته‌های حزبی موظف اند از کار و فعالیت سازمان اولیه به خوبی مطلع باشند. به کثرت از آنها دیدن نمایند و در حل پروبلم‌های شان کمک مشخص کنند. در مجموع باید کمیته‌های حزبی با سازمان‌های اولیه ارتباط محکمتر و بهتر داشته باشند و بیشتر بر آنها اتکاء نمایند.

باید با فعالین و مخصوصاً منشی‌های سازمان‌های اولیه کار منظم صورت گیرد. درست خواهد بود که کمیته‌های حزبی در هنگام تعیین این یا آن عضو حزب به مقامات معین، نظر مسؤولان سازمان اولیه را هرچه کاملتر مد نظر داشته باشند.

رفقا!

حزب ما تنها از طریق افراد مورد اعتماد و دارای توانایی واقعی برای انجام وظایف دشوار می‌تواند سیاست خود را در عمل تحقق بخشد. رهنمای ما حکم مشهور است که برای تحقق سیاست انسان‌هایی لازم اند که ضرورت این سیاست را درک کنند و

توانند آنرا با موفقیت در عمل پیاده نمایند. هیچ سیاستی را بدون انعکاس و تجلی آن در تعیین و تبدیل افراد نمی‌توان به پیش برد. به همین سبب نیز انتخاب، جایجا ساختن، تعیین، تقرر و تبدل درست کادرهای رهبری کننده، امر حیاتی حزب و یکی از با اهمیت‌ترین و فوق‌العاده‌ترین وظایف است. به همین سبب نیز تحقق سیاست کادرها یکی از عمده‌ترین مسایل را در فعالیت بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی و سایر ارگان‌های حزبی تشکیل می‌دهد. بدون درک دقیق و روشن این موضوع از جانب فعالین حزبی و کارمندان رهبری دستگاه دولت، عملی ساختن درست سیاست کادرها نیز ممکن نیست. به نوبه خود بدون این امر حصول اهداف ما، تکامل انقلاب و دفاع موفقانه از آن نیز امکان پذیر نیست. به این ترتیب بین سیاست و فعالیت کادرها ارتباط متقابل و وابستگی متقابل محکم و گسست ناپذیر وجود دارد.

همه ما می‌دانیم که در جریان سال‌های متمادی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصطلاح «کادرها»، به گروه بالنسبه محدود اعضا و فعالین حرفه یی دارای زیادترین سابقه عضویت یا سنای حزبی اطلاق می‌شد که وظایف پراهمیت و پرمسئولیت حزب را به دوش داشته خدمات ارزنده بزرگ را برای حزب انجام میدادند. چنین تفسیر از کلمه «کادرها» در آن زمان درست، طبیعی و قابل فهم بود. اما اکنون که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبدل به حزب حاکم شده و هرچه بیشتر خصلت توده‌یی را به خود می‌گیرد، هنگامی که نفوذ و تأثیر آن بر همه عرصه‌های زنده گی جامعه ما، بر همه طبقات و اقشار گسترش می‌یابد، به تعداد هرچه بیشتر کارمندان رهبری که سیاست حزب را درست در نمایند و به طور بلاانحراف در عمل پیاده کنند، ضرورت جدی احساس می‌گردد. اکنون اصطلاح و مفهوم «کادرها» نیز مملو از محتوای نوین گردیده و توسعه بیشتر یافته است. با اتکاء بر احکام تیوری علمی- انقلابی و تجربه عملی احزاب حاکم انقلابی مفهوم «کادرها» را می‌توان چنین تعریف کرد:

کادرها عبارت از ترکیب اساسی کارمندان دارای آمادگی در کار رهبری در ارگان‌های حزبی، دولتی و اقتصادی است که وظیفه دارند تحقق مشی سیاسی مطروحه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را سازمان دهند. به اساس این تعریف ما باید «سیاست کادرها» را به حیث عملی ساختن اصول، اشکال و مینوذهای انتخاب، جایجا ساختن، تعیین و تربیت کادرهای رهبری در شرایط مشخص تاریخی فعالیت حزب درک نماییم.

پیروزی انقلاب ثور و سیاست کادرها که به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح و تدوین شده است، امکانات و شرایط اساساً نوین را برای بالا کشیدن کادرها در کار رهبری و تربیت کادرها به وجود آورد. این امکانات و شرایط چگونه است؟

اکنون نمایندگان همه اقصاء زحمتکشان می‌توانند در همه ارگان‌های رهبری بدون استثنا قرار داشته باشند. اکنون حزب با اتکاء بر برخورد طبقاتی در حل پروبلم‌های مربوط به کادرها به این امر آغاز نموده و باید آنرا با پیگیری ادامه بدهد تا سازمان دهندگان پر استعدادی که از میان توده‌های مردم برخاسته اند، هرچه بیشتر در مقامات رهبری بالا کشیده شوند. اینان نمایندگان طبقه کارگر و دهقانان و روشنفکران اند که آینده‌گی انقلابی حاصل نموده و وفاداری به امر انقلاب و توانایی کار را در خود به هم پیوند داده اند.

اکنون محدودیت‌های قومی و ملی که در گذشته مانع رسیدن نمایندگان تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل و طن ما به مقامات رهبری می‌گردید دیگر وجود ندارد. سیاست ما در این زمینه روشن و مبتنی بر حل پیگیر مسایل کادرها از موقف برابری همه ملیت‌ها و اقوام افغانستان است. حزب این سیاست را به مثابه اساس مطمئن برای متحد شدن تدریجی زحمتکشان ملیت‌های مختلف کشور ارزیابی می‌کند.

اکنون معیارهای عمده برای انتخاب کادرها را خصوصیات سیاسی و عملی افراد تشکیل می‌دهد. حالا این اصل در حزب ما شهرت یافته و در اسناد و دستورالعمل‌های آن درج و اعلام گردیده است. اما مناسفانه مواردی زیادی از عدم رعایت آن نیز وجود دارد و مفهوم «خصوصیات سیاسی و عملی» به طور دلخواه و اکثر نادرست توجیه و تفسیر می‌گردد. پس بیایید، در رابطه با این وضع به یگانه درک درست این مفهوم که وای نئین ضمن طرح و اساسگذاری اصول انقلابی سیاست کادرها، توضیح میدارد، مراجعه کنیم. نئین تحت مفهوم خصوصیات سیاسی، وفاداری به انقلاب و حزب را مد نظر داشت و خصوصیات عملی را عبارت از توانایی سازمان دادن کار دوستانه، رفقانه، صمیمانه و مشترک، داشتن صلاحیت کار و تسلط بر امور میدانست.

تاریخ، مؤثریت و عملی بودن این معیارها را به اثبات رسانیده است و ما حق نداریم یک گام هم از آن عقب رویم، هدف عمدیمی که با سیاست حزب در مورد کادرها تعقیب می‌گردد عبارت از اینست که همه بخش‌های کارحربی، دولتی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی را کسانی رهبری کنند که به حزب و مردم وفادار و به امور مربوط وارد بوده و استعداد لازم را داشته باشند. در مرحله نوین انقلاب در این جهت کار قابل ملاحظه صورت گرفته است.

اپارات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته‌های ولایتی، لوی ولسوالی، شهری، ناحیه‌وی و ولسوالی، ایجاد و با تعدادی از کادرها تکمیل گردیده است. تعداد زیادی از اعضای شایسته حزب برای کار رهبری در ارگان‌های اداره دولت و به سازمان‌های اجتماعی-نودیمی فرستاده شده اند.

اما کار در زمینه ایجاد و رشد ترکیب کیفی لازم کادرهای رهبری کننده به تکمیل و بهبود دائمی و توجه روزمره کمیته مرکزی، کمیته‌های ولایتی و سایر کمیته‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضرورت دارد.

مسئله استقرار کادرها و باقی ماندن آنها در مقام معین برای مدت لازم هنوز هم حل نشده باقی مانده است. هویداست که هر سازمان و مخصوصاً سازمان حزبی و اجتماعی فقط در صورت پایدار ماندن معین ترکیب اساسی کادرهای که با امور سازمان آشنایی داشته با اطمینان به آن می‌پردازند، می‌تواند به طور عادی کار کند. دقت و نظم در کار همه حلقه‌ها یک باره‌گی نه، بلکه با مرور زمان و آشنایی مسوولان به وظایف و به هم جوش خوردن گروه کارمندان و ایجاد رابطه محکم، اعتماد و تفاهم متقابل بین مسوولان و کارمندان به وجود می‌آید.

در رابطه با تغییر و تبدیل کادرها باید گفت اینکه: یا کادرها درست و با عور و بررسی عمیق بر خصوصیات و امکانات شان انتخاب نمی‌شوند یا اینکه در تبدیلی آنان شتابزده گی بی‌موجب صورت می‌گیرد. به این ترتیب به افراد موقع داده نمی‌شود تا به نخستین نتایج کار خود برسند. در نخستین عدم موفقیت به جای اینکه به ایشان کمک صورت گیرد، سعی به عمل می‌آید تا آنرا تبدیل نمایند.

اکثر شنیده می‌شود که دشواری عمده در حل مسایل مربوط به کادرها، عدم کفایت کارمندان دارای آمادگی لازم است. البته از لحاظ عینی چنین دشواری واقعاً هم وجود دارد، ولی ما نباید ضمن جستجوی کادرها به یک گروه محدود افراد اکتفا نماییم. آیا ما افراد جدیدی را که صفوف حزب را تکمیل می‌نمایند، به خوبی می‌شناسیم؟ در حزب ما که اکنون چندین هزار عضو دارد بدون تردید تعدادی قابل ملاحظه سازمان دهنده‌گان با استعداد که می‌توانند بخش‌های از کار را رهبری کنند وجود دارد.

وظیفه شعبات کمیته مرکزی، کمیته‌های ولایتی و سایر کمیته‌های حزبی است تا چنین افراد را جستجو کنند و دریابند و با جسارت و دلیری و مواظبت بیشتر آنانرا رشد دهند و به کار بگمارند.

چنانکه در کنفرانس سررئاسی حزب خاطر نشان گردید ضرورت است تا به منظور تحقق موفقانه سیاست کادرها سیستم منظم آماده ساختن و تجدید آمادگی کادرها طرح گردد. البته هم اکنون این سیستم بوجود می‌آید.

انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب به ایفای نقش هرچه فعالتر در آماده ساختن کادرهای سطوح متوسط ارگان‌های حزبی، ارگان‌های محلی دولتی، سازمان‌های جوانان و زنان و اتحادیه‌های صنفی آغاز نموده است. یک تعدادی قابل

گزارش در پلنوه دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب

ملاحظه کادرها دوره آمادگی را در اتحاد شوروی، بلغاریا، جمهوری نموکراتیک آلمان و چکوسلواکیا و سایر کشورهای سوسیالیستی سپری می‌نمایند. کمیته‌های حزبی موظف اند تا کار انتخاب افراد را برای شمول به مؤسسات تعلیمی حزبی بهبود بخشند. استفاده درست تر و بهتر از قارعان این مؤسسات نیز اهمیت کمتر ندارد. مناسفانه تا کنون به این مسئله توجه لازم صورت نگرفته است.

شعبه تشکیلات کمیته مرکزی موظف است تا همراه با کمیته‌های حزبی مربوط، نظم و ترتیب جدی را در این عرصه برقرار سازد.

قادر بودن به انتخاب درست و تربیت کارمندان جدید مهمترین جهت کار حزبی و شرط حتمی رهبری مؤثر را تشکیل می‌دهد. برخورد دقیق، پر مواظبت و توجه به کادرهای حزب باید همراه با سطح عالی مطالبات خواست جدی نسبت به امر سپرده شده و اجرای تصامیم حزب و دولت باشد.

رفقا!

برای رهبری موفقانه تکامل جامعه و کشور ضرور است تا حزب ما کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و تمام فعالین حزب نسبت سازماندهی فعالیت خود و ارزیابی نتایج آن برخورد جدید و متفاوت از گذشته داشته باشند اشکال، طرق، اسلوب و مینوذهای نوین کار را که امکان حصول موفقیت را به بهترین وجه تأمین می‌نماید، فراگیرند.

مشخصه بارز فعالیت همه حلقه‌های حزبی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا سازمان اولیه را باید نظم و ترتیب در کار، فهم امور، برخورد خلاق و در عین زمان واقعینانه نسبت به حل مسایل حیات اجتماعی-سیاسی، ارتقای دایمی سطح مطالبات نسبت به کادرها و همه اعضای حزب و رشد مداوم سطح کار سازمانی و ایدیولوژیک تربیتی، در بین توده‌ها، تشکیل دهد. این موضوع محتوای عمده و روح شیوه انقلابی کار را که امروز از ما مطالبه می‌گردد، می‌سازد. در شرایط کنونی درین شیوه کار خصوصیات و مشخصاتی چون پیروی بلاانحراف از تیوری انقلابی در برخورد با همه پدیده‌های حیات اجتماعی، فهم امور و احساس مسؤولیت عالی در قبال تحقق سیاست حزب و جلب هرچه بیشتر اعضای حزب در طرح و عملی ساختن تصامیم و فیصله‌های حزبی برجسته‌تر و مبارزتر می‌گردد. منجمله مصوبه دارالانشا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان درباره توسعه ترکیب کمیته‌های حزبی که چندی قبل پذیرفته شد متوجه این هدف است.

انقلاب از ما می‌خواهد که هر عضو حزب حامل خصوصیات عملی نوین و کرکتر نوین باشد. در محیط ما میراث گذشته چون بیروکراتیزم، عدم فعالیت، عدم توجه و

بی تفاوت بودن نسبت به نیازمندی‌ها و توقعات انسان‌های ساده وطن غیر قابل تحمل است.

مسئله تنها بر سر آن نیست که از لحاظ تیوریک ماهیت انقلاب درک و روشن گردد، بلکه باید با پیگیری و توانایی و به طور مصرانه همه مطالبات آنرا در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی اعم از سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی برآورده ساخت.

رفقا!

مسئله وحدت صفوف حزبی را باید به طور خاص خاطر نشان ساخت. این مسئله، اساس تمام کار ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی حزب است. کمیته مرکزی و حزب در مجموع اهمیت در جه یک را به آن قایل بوده می‌توان گفت که همه ما مصروف آن هستیم. این حرف مبالغه نیست. وضع وحدت صفوف ما شاخص سلامت همه حزب و قدرت پیکار جویی آن است.

وحدت صفوف حزب قبل از همه در کار انقلابی مشترک اعضای حزب تحکیم می‌یابد. به همین سبب نیز کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از کسانی که خوب کار نمی‌کنند، و از خود ضعف بسپارند و عدم احساس مسؤلیت در اجرای فیصله‌های حزبی نشان می‌دهند با جدیت تمام و پیگیری لازم باز پرس به عمل خواهد آورد. نه تنها تعداد زیاد فیصله‌های سازمان‌های اولیه و کمیته‌های حزبی و لایتنی بلکه حتی بعضاً مصوبات دارالانشا و بیروی سیاسی کمیته مرکزی نیز مورد اجرا قرار نمی‌گیرد. باید اجرای بلاقید و شرط و حتمی فیصله‌های اتخاذ شده به قانون انحراف ناپذیر برای همه حزب و به نیازمندی درونی هر عضو حزب مبدل گردد.

مظهر دیگر بی انضباطی، انحراف از معیارهای حیات حزبی و تخلف از اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

بسیار درست است که سختگیری و سطح مطالبات نسبت به متخلفین از بسپارن حزبی که با اعمال و رفتار خویش نام عضو حزب را لکه دار می‌سازند، ارتقا می‌یابد. اما این مسئله باید ما را وادارد تا برای بهتر شدن وقایه و کار تربیتی در سازمان‌های حزبی فکر کنیم.

ما باید کار در جهت ارتقای هرچه بیشتر سطح ایدئولوژیک اعضای حزب را گسترش دهیم. توجه به مطالعه و آموزش آثار کلاسیک‌های تیوری علمی انقلابی و پروبلم‌های مبرم تیوری انقلابی را تقویت بخشیم و اجرای نصابیم نهمین پلنوم کمیته مرکزی را تأمین نماییم.

شعبه تبلیغ، ترویج آموزشی کمیته مرکزی وظیفه دارد وضع این کار را در سازمان‌های اولیه به طور منظم کنترل نماید و به کمیته‌های حزبی کمک لازم میتودیک را مبدول دارد.

از نظر تأمین وحدت عمل در حزب لازم است تا فعالیت توده‌های حزبی تقویت یابد. کمیته مرکزی حزب ضرور می‌شمارد که در کار کمیته‌های حزبی باید گزارشدهی منظم از فعالیت خویش به سازمان حزبی معمول گردد. این کار یک نوع بازرسی از آنست که کمیته‌های حزبی منشی‌های سازمان‌های حزبی چگونه کار خود را مطابق فیصله‌های کنفرانس حزبی، پلنوم‌ها و جلسات فعالین پیش برده و تا چه حد در فعالیت خویش نظرات اعضای حزب را مد نظر می‌گیرند. این گزارشدهی به فعال شدن توده‌های حزبی و توسعه دموکراسی درون حزبی مساعدت خواهد کرد.

اما مطلع ساختن به موقع اعضای حزب از ماهیت و انگیزه های فیصله‌های اتخاذ شده، یقین حاصل کردن به آنکه این فیصله‌ها درست درک و پذیرفته شده به آن معنی است که به موقع و در عمل از انواع شایعات، او ازه‌ها، تعبیرات و تفسیرات ذهنی گرانه و غیرمسئولانه جلوگیری می‌شود که در غیر آن ممکن است وحدت سازمان مربوطه، توافق و اراده و عمل مشترک اعضای آن تضعیف گردد.

در عین زمان باید گفت که لنین بزرگ خاطر نشان می‌نمود و هم تجربه به اثبات می‌رساند که بدون بررسی حزبی و علنی مسایل وحدت حزبی آگاهانه در عمل تأمین شده نمی‌تواند. لنین مسئله را چگونه مطرح می‌نمود؟ او می‌آموخت که قبل از همه باید مسئله مورد بررسی عمیق و همه‌جانبه قرار گیرد. نظرات مختلف بیان و شنیده شود. نظر اکثریت اعضای حزب روشن گردد. و این نظر در تصمیم عمومی بیان گردد این فیصله از روی وجدان و با مسؤولیت اجرا شود. لنین نتیجه‌گیری می‌کرد:

«اینست آنچه که همه جا در جهان، در میان انسان‌های معقول به نام وحدت یاد می‌شود. همه اینها برای ما نیز ضرور است و اهمیت حیاتی دارد تا بتوانیم وحدت حرف و عمل را تأمین نماییم. و وظیفه تمام کار ایدیولوژیک تربیتی و سازمانی سیاسی ما امروز در آنست که این حقیقت‌های بزرگ و ساده به طور ارگانیک داخل زندگی حزبی ماگردند و به شیوه بلاانحراف کار حزبی ما مبدل شود.

ما باز هم به این مسئله بر میگردیم که مبارزه به خاطر یکپارچه‌گی ایدیولوژیک و سازمانی حزب بر مبنای اصول تیوری انقلابی یکی از مهمترین قانونمندی‌های تکامل حزب بوده و باقی خواهند ماند. اما باز هم به این مسئله بر می‌گردیم. زیرا حزب با سعی در جهت استحکام هرچه بیشتر صفوف خود امکان می‌یابد تا اهمیت و سطح همه فعالیت خویش را ارتقا بخشد. بیابید مطالباتی را که زمان و مردم ما

مطرح می‌سازند در عالیترین سطح ممکن بر آورده سازیم.

رفقا!

امروز ما درین باره به خاطر تکرار صحبت نمی‌کنیم. بلکه قصد ما تقویت فعالیت عملی درین جهت است.

تربیت اعضای حزب با استواری ایدیولوژیک، جلب همه اعضای اصلی و آزمایشی به امور عملی سازمان‌های حزبی خودشان، باز پرس از رعایت مطالبات اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان وسایل آزمایش شده‌ای است که با استفاده از آنها حزب ما می‌تواند صفوف خود را به خاطر پیروزی آرمان‌های انقلاب شور هرچه بیشتر مستحکم و یکپارچه سازد.

رفقا!

مسائل استحکام سازمانی حزب ما از لحاظ اهمیت خویش تنها در چارچوب مسایل ساختمان حزبی باقی نمی‌ماند. تحکیم سراسر نظام انقلابی ما و تکامل هرچه بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک شور نیز با حل مثبت و درست این مسایل ارتباط دارد.

اما این مسایل برای حل پروبلم‌هایی که راساً و مستقیماً در برابر ما قرار دارد نیز حائز اهمیت حیاتی است. تقویت فعالیت سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی در محلات و بالنسبه تقویت عمومی نفوذ حزب نیز به آنها بستگی دارد. فعال شدن بیشتر گروه‌های دفاع از انقلاب، گروه‌های مقاومت و دفاع خودی و جلب هرچه بیشتر توده‌های وسیع برای اشتراک در امور عاجل و مرم چون کمک به قطعاعات اردو، خاوندوی و مساعدت به ارگان‌های محلی قدرت انقلابی در اعصار مجدد سرک‌ها، پل‌ها، مکاتب، مساجد، پروژه‌های تولیدی و غیره نیز به مسایل استحکام سازمانی حزب بستگی دارد. بهبود کار سازمان‌های محلی جبهه ملی پدروطن، همه سازمان‌های اجتماعی-توده‌ای عضو آن نیز به این مسایل ارتباط می‌گیرد. بالاخره تقویت کار سازمانی حزب و استحکام سازمانی آن موجب ارتقای مؤثریت فعالیت سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی در وزارت‌ها و ادارات، در ارگان‌های مرکزی و محلی دولتی، در اردو، خاوندوی و خاد می‌گردد. خلاصه همه حلقه‌های سیستم سیاسی، نیرو و انگیزه مهم برای اجرای موفقانه تر و سریعتر وظایف مطروحه می‌یابند.

صریح حرف می‌زنیم. ما می‌توانیم و باید هم این وظایف را هرچه سریعتر و هرچه بهتر عملی سازیم. فراموش نکنید که در تعداد زیاد و سؤالی‌ها، علاقه داری‌ها، قرا و قصابات تا هنوز مردم اهمیت پیروزی انقلاب شور و مزیت‌های نظام انقلابی را احساس ننموده اند. آنان هنوز آزادی از قید باندهای ضد انقلاب، استقرار پایدار قدرت انقلابی و تحقق تحولات ضرور به نفع زحمتکشانش را انتظار دارند. به مفهوم وسیع

کلمه، این موضوع نه تنها مربوط به ساحات و مناطقی می‌شود که در آن امحای باندهای ضدانقلاب صورت می‌گیرد، بلکه مناطق وسیعتر کشور را که ما هنوز فرصت نیافته ایم مجموع تحولات ذکر شده در بالا را در آنجاها عملی سازیم و تحکیم بخشیم، نیز در بر می‌گیرد. البته ما تصمیم اداره ریگن را برای توسعه بیشتر مداخله امریکا در امور داخلی کشور و امور منطقه نیز فراموش نمی‌کنیم و برای لحظی هم نادیده نمی‌گیریم.

همه این اوضاع چنان تدابیر سازمانی و سیاسی را خواهان است که نظام ملی و دموکراتیک را دفاع و تضمین نماید و امکان تحقق برنامه اعلام شده تحولات را تأمین کند. ما اکنون بیش از هر وقت دیگر به وحدت، یکپارچگی و قاطعیت ضرورت داریم. ما به وحدت استوار، مؤثر و پایدار صفوف حزبی، اقدامات متحدانه و توافق یافته همه حلقه‌های دستگاه دولت و وحدت خلل ناپذیر ملی و وطنپرستانه بر اساس اصول تکامل ملی و دموکراتیک نیازمند می‌باشیم. دوست بزرگ و فراموش ناشدنی ما لیونید ایلینچ بریژنف می‌گفت:

«برای انقلابیون نه تنها هنگامی که انقلاب را آماده می‌سازند نه تنها هنگامی که توده‌ها را برای یورش به نظام کهنه اجتماعی رهنمایی می‌کنند وحدت ضرور است، بلکه در روند ساختمان حیات نوین ضرورت وحدت کمتر از آن نمی‌باشد.»

رفقا!

اجازه بدهید، ابراز اطمینان نمایم که کار و نصایم دهمین پلنوم کمیته حزب دموکراتیک خلق افغانستان سهم جدی و عملی در تحکیم وحدت صفوف حزبی و وحدت ملی و وطنپرستانه مردم ما در مجموع خواهد بود. همچنان ابراز اطمینان نمایم که ساختمان بعدی و تکامل حزب ما با مطالبات زنده‌گی و تکامل اجتماعی-سیاسی کشور ما در مجموع مطابقت هرچه بیشتر خواهد داشت و بالاخره ابراز اطمینان و اعتقاد راسخ نمایم که با استحکام هرچه بیشتر حزب از لحاظ سازمانی و سیاسی ما وظایف مطروحه و رسالت تاریخی خود را در عالیترین سطح و به صورت کامل انجام خواهیم داد.

رفقا!

یک بار دیگر اعلام می‌داریم که ما با قاطعیت انقلابی در سنگر عظیم صلح، آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی، در سنگر استوار و در همبستگی بین‌المللی با کشورهای جامعه سوسیالیستی، جنبش‌های مترقی و کارگری و آزادی‌بخش ملی و اجتماعی، در مبارزه علیه ارنجاج، استعمار و امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا دلیرانه و بی‌هراس قرار داریم و به انترناسیونالیزم پرولتری و به

گزارش در پلنوه دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب

تیوری علمی انقلابی وفادار باقی خواهیم ماند.

رفقا!

در فرجام اجازه بدهید، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه حزب ما، عمیق‌ترین و صمیمانه‌ترین امتنان و سپاسگزاری را به حزب کمونیست اتحاد شوروی و حکومت شوروی به خاطر کمک و پشتیبانی بی‌نظیر و همه جانبه انترناسیونالیستی که به ما در مبارزه به خاطر ترقی ملی و اجتماعی نیرو و الهام می‌بخشد، ابراز نمایم.

ما در آینده نیز به سنن خلل ناپذیر دوستی افغان- شوروی بایند و وفادار بوده سعی خواهیم ورزید آنرا به مثا به ثروت بی‌نظیر و گران‌بها حفظ و هرچه بیشتر تقویت نماییم.

پیروزی از آن آرمان‌های ملی و دموکراتیک انقلاب ثور است.

رفقا! در جهت هدف به پیش

مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسة تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

خانمها، آقایان، ژورنالیستان، رفقا و دوستان!

مسرورم از اینکه در آغاز کنفرانس مطبوعاتی هیات های کشورهای خارجی که به مناسبت تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مسکو گردهم جمع آمده اند، باشما صحبت می‌نمایم.

تأسیس اتحاد شوروی سوسیالیستی در جهان يك امر بی سابقه و عظیم به شمار می‌رود. برای نخستین بار يك کشور کثیر الملت به صورت واحد و یکپارچه با ایجاد حاکمیت زحمتکش در کر فزمین تأسیس گردید. به این مناسبت، سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را نه تنها مردم کبیر اتحاد شوروی تجلیل می‌نمایند، بلکه در سراسر جهان تمام نیروهای مترقی و صلح دوست از آن تجلیل به عمل می‌آورند.

در این تجلیل ما یکجا با تمام بشریت مترقی و صلح دوست به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد شوروی یکجا، با یک صدا هماهنگی درودهای گرم، شادباش های فراوان به خلق قهرمان اتحاد شوروی تقدیم می‌داریم.

در این کنفرانس مطبوعاتی یقین دارم که سوال هایی در مورد افغانستان مطرح می‌گردد. لذا متحیت مقدمه و به صورت عمومی برای پاسخ به سوال های ژورنالیستان محترم يك سلسله مسایل را ارائه می‌نمایم.

در واقعیت امر با انقلاب ثور در افغانستان انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی مردم افغانستان آغاز یافت. اکنون روند انقلابی در افغانستان رشد، بسط و توسعه می‌یابد و تکامل می‌نماید. تغییرات و تحولات در تمام شئون و عرصه های زندگی مردم افغانستان انقلابی، مردم آزاد قهرمان افغانستان در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کلتوری و غیره رشد می‌یابد. اگر در ساحت اقتصادی چند رقم را ارائه کنیم معلوم می‌شود که علی الرعم جنگ اعلان نشده از طرف امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا، سبوتاژ و مداخلات، باز هم پروسه اقتصاد ما به پیش می‌رود.

یکی از وظایف عمده و اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک ما عبارت است از اصلاحات عادلانه ارضی و آب که امروز در افغانستان به یک حقیقت سرسخت تبدیل شده است.

بعد از مرحله نوین انقلاب نور، اصلاحات ارضی و آب وارد مرحله منکاملتر خود گشته است. اسناد منکیت به دهقانان توزیع گردیده است. اصلاحات آب صورت میگیرد. جنبش کوپراتیوی در سراسر کشور به پیش می‌رود. ستیجش های میکانیزه ایجاد می‌گردد. کود، تخم بذری، ماشین آلات زراعتی توزیع می‌شود و دیگر سببایدی ها و کمک‌ها به دهقانان از طرف دولت صورت می‌گیرد.

طوری که قبلاً یادآوری شد، علی‌الرغم تمام تخریب‌ها، سبوتاژ، مداخلات خارجی و تجاوزات از خارج کشور با پشتیبانی و کمک امپریالیست‌ها در رأس امپریالیزم امریکای، می‌بینیم که نه تنها پروسه پیشرفت ما در عرصه اقتصاد به عقب نمی‌رود، بلکه به پیش می‌رود و سال به سال تغییرات رشد و تکامل آن هویدا می‌گردد.

منحیث نمونه افزایش ساحه تحت کشت در شش ماه اول امسال نسبت به سال گذشته صفراعشاریه پنج فیصد بوده است. افزایش کمک به دهقانان منجمله توزیع کود کیمیای، تخم بذری، ماشین آلات و اعطای قرضه های دولتی به دهقانان پنج فیصد افزایش یافته، در توسعه خدمات و انرژی سی و شش فیصد و توزیع ادویه ضد آفات نباتی هفتاد فیصد افزایش رونما گردیده است.

تولید گندم یکصد و پنج اعشاریه چهار فیصد پلان و با افزایش پنج اعشاریه یک فیصد نسبت به سال گذشته همراه بوده است.

رشد مجموعی زراعت و مالداری در شش ماه اول امسال نسبت به همین مدت سال گذشته سه فیصد بیاشد. در ساحه معادن و صنایع و انرژی در مجموع افزایش سه اعشاریه هفت فیصد نسبت به شش ماه اول سال گذشته و یا تطبیق یکصد و سه اعشاریه سه فیصد پلان امسال را نشان می‌دهد. افزایش تولید زغال سنگ نسبت به شش ماه اول سال گذشته هشت فیصد، سمنت یکصد و چهل و دو فیصد پلان، کود کیمیای یکصد و چهار اعشاریه هفت فیصد، بخته یکصد و سه فیصد بوده است.

تمام مؤسساتی که در اثر تخریب با ندیب‌های صادر شده از خارج کشور به خصوص از ساحه پاکستان تخریب شده بودند دوباره به کار تولیدی آغاز نمودند. در سال گذشته ترده اعشاریه دو فیصد رشد قیم موجود بوده ولی افزایش دستمزد کارگران از بیست و شش الی پنجاه فیصد و قیم ثابت شکر، پترول، آرد و غیره مواد مورد ضرورت اولیه در نتیجه سببایدی دولت صورت گرفته است. قیم مواد خوراکیه با مقایسه با کشورهای منطقه و سه بار کمتر از ایران و حد اقل دو بار کمتر از پاکستان

مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند.

حفظ شده است.

افزایش تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال قبل، یک اعشاریه پنج فیصد و افزایش تولید عاید ملی در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال قبل دو اعشار به چهار فیصد بود.

مردم افغانستان، مردم انقلابی و زحمتکش افغانستان همه با هم یکجا در راه ایجاد جامعه ملی و دموکراتیک به پیش می‌روند.

در تمام سیر تاریخ افغانستان برای نخستین بار دموکراسی واقعی در افغانستان تحقق می‌یابد. مظهر زنده آن ایجاد بیش از پانزده سازمان اجتماعی و توده‌یی در سراسر کشور می‌باشد.

اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه‌های کوپر ایتف‌های دهقانی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و اتحادیه‌های هنرمندان، نویسندگان، ژورنالیستان شورای اقتصادی مرکب از تشیقات خصوصی، مختلط و دولتی، شورای روحانیون و علماء، شورای جرگه عالی قبایل، سازمان صلح همبستگی و دوستی و نظائر آن.

تمام این سازمان‌ها به شمول حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب حاکم، حزب زحمتکشان افغانستان، در جبهه ملی پدروطن شرکت دارند.

امروز به شمول سازمان‌های اجتماعی، توده‌یی و افراد، بیش از نیم میلیون نفر در جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالانه شرکت دارند.

برای نخستین بار در تاریخ کشور حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه حزب حاکم و رهبری کننده، نقش عظیم و بزرگ انقلابی را در راه خدمت به وطن ایفا می‌نماید.

طی چندسال اخیر تعداد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان چهار چند افزایش یافته است.

حزب در جبهه ملی پدروطن دوش به دوش، متحدانه با سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی از دستاوردهای انقلاب، از کشور، از آزادی و استقلال کشور از تمامیت ارضی کشور دفاع می‌کند و در راه ساختمان جامعه نوین، دموکراتیک و عادلانه شجاعانه می‌رزمند.

اجازه دهید، چند حقیقت راجع به حل مسئله ملی در افغانستان ابراز نظر کنم:

افغانستان یک کشور کثیرالملیت است. در حدود بیست ملیت و قوم در افغانستان زندگی می‌نمایند که عمدترین ملیت‌های آن پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک، ترکمن،

مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

بلوچ، نورستانی و غیره می‌باشد. در سابق رژیم‌های ستمگر و استثمارگر جبار و ظالم که همیشه میان ملیت‌ها و اقوام وطن واحد مان افغانستان تفرقه ایجاد می‌کردند تبعیض و حشیانه را در افغانستان تطبیق می‌نمودند.

برای نخستین بار تساوی واقعی حقوق، و اصل برابری و برادری و اتحاد تمام ملیت‌های افغانستان بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین آن مورد تطبیق قرار گرفت. زبان، کلتور، عنعنات، رسوم و تمام حقوق دموکراتیک تمام ملیت‌های افغانستان مورد رعایت و احترام جدی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌باشد.

تمام نماینده‌گان ملیت‌های اقلیت در تمام دستگاه اداری دولت، حزب، جبهه و سازمان‌های اجتماعی سهم مشترک و مساویانه دارند.

همچنین یکی از پرابلم‌های مهم افغانستان مسئله قبایل بود که میراث حکومت‌های مستبد سابق افغانستان بود. طی سال‌های اخیر بیش از دوصد جرگه قبایل در افغانستان ایجاد شده است که بر اساس رسوم عنعنه وی، خود جرگه‌های قبایل، مسایل خود را حل و فصل می‌کنند.

چند نکته راجع به مسئله روحانیون، علماء و دین اسلام در افغانستان ارائه مینمایم:

امروز در جهان دو نوع اسلام وجود دارد: یکی اسلام امریکایی دیگر اسلام واقعی، همان اسلام امریکایی که در سرزمین اعراب علیه مسلمانان فلسطین و لبنان با تحریک صهیونیزم و حشیانه‌ترین اعمال را مرتکب میشوند. امروز آقای ریگن و اداره ریاست جمهوری وی، کانگرس و مجلس سنای آن و محافل حاکم امریکا و انحصارات کمپلکس اقتصادی، صنعتی- نظامی امریکا و امپریالیزم عموماً و کشورهای وابسته به آن، مدافع اسلام در افغانستان شده اند.

بباید، حقایق را بشنویم و حقایق را انتشار دهیم. در اینجا هدف و مقصد من آقایان و خانم‌ها ژورنالیستان کشورهای غربی هستند. با وصف اینکه چند نفر ژورنالیست از کشورهای امریکا و اروپای عربی و اعضای ناتو به یکی از سفرای ما در یکی از کشورها رجوع کرده طالب ویزه بودند که به افغانستان بیایند و وضع را مطالعه کنند. از ژورنالیست‌ها سوال شده است که شما در افغانستان برای چه می‌روید گفتند: در باره افغانستان چیزی مینویسم. سفیر به ایشان گفته است اکنون هم می‌نویسید، همان دروغی را که حالا می‌نویسید اگر به افغانستان هم بروید عین دروغ را می‌نویسید. لیکن کسانی که در این محفل قرار دارند، من امیدوار هستم که حقایق را به جهانیان انعکاس دهند.

از ساحه خاک پاکستان و قسمت ایران، بخصوص پاکستان در هر ماه هزاران پانديت

مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند.

که از طرف مریبون امریکایی تعلیم و تربیت مخصوص میگیرند و می‌آموزند که چطور در افغانستان هزاران مکتب، مسجد، شفاخانه و پل را منفجر سازند و هزاران کارگر و دهقان را باید به قتل برسانند، صدها و هزارها معلم و بخصوص روحانیون را که از جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع می‌کنند، در وقت عبادت به شکل فجیع، از میان ببرند و چطور از سلاح کیمیایی و از انواع مختلف سلاح‌های ضد تانک ضد هوا و از سلاح‌های اتومات استفاده کنند، به کشور ما صادر میشوند.

آنها زیر نام به اصطلاح مجاهدین مدافع اسلام برای ترور و وحشت داخل افغانستان می‌شوند در حالی که جمهوری دموکراتیک افغانستان در سطح اصول اساسی، دفاع، احترام و رعایت از دین اسلام را تضمین نموده است. زیرا خلق زحمتکش افغانستان، مردم زحمتکش و مسلمان میباشند.

چند نکته راجع به سیاست خارجی افغانستان خاطر نشان می‌شود:

افغانستان سیاست اصولی و صلح‌جویانه را از صمیم قلب تعقیب می‌نماید. زیرا این اراده مردم افغانستان است، ما می‌خواهیم با همه کشورهای جهان بخصوص با کشورهای همسایه و همجوار خود بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز روابط دوستانه داشته باشیم.

این اراده مردم افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اعلامیه چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چار اگست ۱۹۸۱ به صراحت و روشنی واضح گردیده است.

ما در این مورد نیم راه خود را طی کرده ایم، حالا مسئله به درک سلیم و حسن نیت مقامات حاکمه پاکستان و ایران مربوط است که نیم راه خود را به خاطر صلح و مذاکرات سیاسی و حل موضوعات اطراف افغانستان ببینند. ما باید بالای یک میز بنشینیم و مسایل راحل و فصل نماییم. لیکن باید توجه داشت که امپریالیزم امریکا نمی‌خواهد که در مناطق مختلف جهان صلح، امنیت، ثبات و دیتانت تأمین گردد. طبعاً پاکستان بدون اجازه و دستور اداره ریاست جمهوری امریکا از خود ابتکار اقدامی تاکنون نکرده است.

خاتم‌ها، آقایان، ژورنالیستان، رفقا و دوستان!

اکنون دریک فضای کاملاً آزاد و دموکراتیک هرگونه سوالی اگر داشته باشید من حاضر هستم به آن پاسخ بدهم.

سوال نماینده فرانسیرس:

مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

آیا هیات نمایندگی شما با نمایندگان حکومت شوروی در باره مسئله اطراف افغانستان ملاقات خواهد کرد یا نه؟ و شما راجع به اطلاعاتی که از اسلام آباد راجع به پلان الحاق افغانستان به اتحاد شوروی، می‌رسد، چه گفته می‌توانید؟

جواب :

این سوالی است که اول انسان باید به آن بخندد و بعد به آن پاسخ بدهد.

باز هم ما می‌بینیم که چه نیاتی در این سوال نهفته است و این خود يك جنبه تبلیغاتی دارد. حقیقت امر اینست که هیچگاه و هرگز از طرف مقامات عالیه حزبی و دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی چنین موضعی راجع به اصل مسئله الحاق افغانستان آزاد و مستقل و غیرمتعهد صورت نگرفته است.

اگر هم کدام دیوانه یی در افغانستان پیدا شود که مخالف اراده مردم افغانستان عمل کند و چنین پیشنهادی را به اتحاد شوروی بنماید اتحاد شوروی آنرا محکوم خواهد ساخت و آنرا از بیخ و بن رد خواهد مقامات رهبری حزبی و دولتی اتحاد شوروی همیشه با مقامات رهبری حزبی و دولتی افغانستان به کرات تأکید و تکرار کرده اند که افغانستان به پای خود ایستاده می‌شود، افغانستان یک کشور آزاد، مستقل و افغانستان یک کشور غیرمتعهد بوده است و خواهد بود.

روابط افغان شوروی روابط دوستانه و برادرانه و توأم با احترام به حاکمیت و استقلال یکدیگر است. فراموش نکنیم که این روابط بر مبنای سیاست لنینی استوار است و بنیادگذار این دوستی و لادیمیر ایلیچ لنین است که هرگز اتحاد شوروی مخالف این روابط افغان- شوروی اصلاً اندیشه‌یی نمی‌کند. گمان می‌کنم که کافی باشد.

سوال خبرنگار شوروی از روزنامه هیات زراعتی: لظفاً چند کلمه راجع به حل مسئله ملی در افغانستان بگوئید؟

جواب :

با وصف این که در مقدمه کنفرانس مطبوعاتی راجع به حل مسئله ملی در افغانستان خاطر نشان گردید، معهداً بار دیگر تکرار می‌شود که بعد از انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که رهبری کننده جامعه افغانستان می‌باشد و همچنان دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بر حسب اصول مردمی خود و خطمشی تغییر ناپذیر سیاست داخلی خود، در راه حل مسئله ملی مبارزات سرسخت کرده و این پروسه جریان دارد که مسئله ملی در افغانستان به طرز دموکراتیک و عادلانه از بیخ و بن حل و فصل گردد. منحیت نمونه، یکی از ملیت‌ها و اقوام اصیل افغانستان به نام هزاره یاد می‌شود که قیافه

مردم افغانستان تحت رهبري حزب دموکراتيک خلق افغانستان پروسه تغييرات و تحولات انقلابي کشور را پيگيراته، استوار و گام به گام به پيش مي برند

مغولي دارند و اين قوم در طول تاريخ افغانستان بخصوص طی صد سال اخير در تحت بی شرمانه ترين و وحشیانه ترين ستم ملی قرار داشت. این ها حق نداشتند که در وزارت دفاع به حيث افسر کار کنند و یا در وزارت خارجه و دستگاه حکومت به حيث عضو باشند و یا در خارج کشور به حيث نماینده سياسي و ديپلوماتيک ایفای وظیفه کنند و غيره و غيره.

ليکن امروز صدراعظم جمهوری دموکراتيک افغانستان یعنی رئيس شورای وزیران جمهوری دموکراتيک افغانستان سلطانعلي کشمند یکی از هموطنان هزاره افغانستان می باشد.

فکر می کنم که این نمونه کافی باشد.

سوال نماینده ای. پی. آن:

ارزیابی شما از فیصله نامه بی که چندی پیش از طرف هیات کمیسیون امور خارجی سنای امریکا تصویب شده است و اداره حکومت امریکا را دعوت می کند که کمک خود را به ضدانقلابيون افغانستان توسعه بدهد چیست؟ این قطعنامه در سپتمبر سال جاری در کنگره نیز مطرح شده بود.

جواب :

خوب، این همان حقیقت را ارائه می کند که ما می گوئیم جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی از طرف امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا به راه انداخته شده است چنانچه اکنون هم جریان دارد. خود همین مسئله مبین و ثابت کننده این حقیقت است که امپریالیزم امریکا و اداره ریگس و کانگرس امریکا بی شرمانه و با وضاحت در امور داخلی افغانستان مداخله می کنند و در هر نقطه جهان منجمله در افغانستان سیاست تجاوزکارانه و جنگ افروزانه ضد صلح را تعقیب می نماید.

ما باید سیاست جنگ طلبانه و تسلیحاتی امریکا را از روی این نمونه ها تشخیص بدهیم که چه در شرق نزدیک، چه در شرق میانه، چه در جنگ بین ایران و عراق و چه در منطقه از مصر تا پاکستان، تعقیب می کند.

برای سیاست تجاوزکارانه در برابر افغانستان انقلابی، پاکستان را سراپا مسلح می سازد اینها همه و همه بیانگر حقیقت سیاست ضد صلح و جنگ طلبانه امریکا می باشد. فیصله سنای امریکا خود یک نمونه مشهود و زنده از مداخله و جنگها اعلان نشده علیه افغانستان است.

سوال نماینده روزنامه بلژیک:

مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

آیا شما دارای کدام معلومات راجع به استعمال اسلحه کیمیاوی توسط شوروی در افغانستان میباشید و مخصوصاً اخباری که در وسایل نشراتی کشورهای غربی به چاپ میرسد و آیا این اطلاعات مطابق به حقیقت است یا نه؟

جواب: در این شک نیست که در این اواخر جهان امپریالیستی و محافل حاکمه ایالات متحده امریکا سر و صدای بسیار دروغین و بی‌شرمانه را راجع به استعمال سلاح کیمیاوی، علیه اتحاد شوروی به راه انداخته اند.

این ناشی از کجاست؟ از لحاظ سایکالوژیکی، چون ایالات متحده امریکا خود مرتکب جنایات استعمال سلاح کیمیاوی در بعض قسمت‌ها بخصوص در ویتنام و جهان گردیده، حالا این مطلب به شکل یک کمپلکس تبلیغات زهر آگین علیه اتحاد شوروی استعمال می‌گردند.

فکر می‌کنم که قرارداد سال ۱۹۲۵ ژنیو بود که تا سال ۷۵ امریکا حاضر نشد در قرارداد منع سلاح ذرئوی تعهد بسپرد و امضا کند. در افغانستان به صورت قطع و قطع اصلاً مسئله استعمال سلاح کیمیاوی از طرف اتحاد شوروی یا افغان‌ها علیه باندیت‌های اشرار و مزدوران اجیر شده از خارج، مطرح نیست و لیکن سلاح‌های کیمیاوی استعمال شده است از طرف کی؟ از طرف مزدوران اجیر امپریالیزم امریکا که به سرزمین ما صادر می‌گردند و در مکاتب اطفال، پسران، دختران و شاگردان را مسموم می‌سازند. در هرات و بعض مناطق کشور ما آنها سلاح کیمیاوی را استعمال کرده اند گرفتار شده اند. این جنایتکاران به محاکمه سپرده شده اند و خود در محاکمه اعتراف نموده اند. بر حسب تصادف يك عکس آن نزد من هست.

سوال یکی از ژورنالیستان غربی: آقای رئیس جمهور، طبق بعض معلومات حاصله، سی هزار عسکر شوروی از سال ۱۹۷۹ به این طرف در افغانستان از بین رفته اند، آیا شما به این سوال جواب داده می‌توانید که آیا این حقیقت دارد و نظر عمومی شما در باره جنبه نظامی موجودیت قطعات نظامی اتحاد شوروی در افغانستان چگونه میباشد؟

جواب :

اول سوال را با سوال پاسخ می‌دهیم که شما این رقم را از کجا پیدا کرده اید یا همان مراجعی که تبلیغ می‌کنند، این رقم را چطور در افغانستان به دست آورده اند، و شمرده اند که سی هزار عسکر شوروی در افغانستان تلف شده اند؟

واقعیت امر این است که اکنون ما با غرور و سربلندی ابراز می‌داریم که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان قادر است که در برابر باندیت‌ها، اشرار و تروریست‌ها مبارزه کند. قطعات محدود اتحاد شوروی که بر اساس معاهده دوستی،

مردم افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند.

همکاری و همسایگی نیک دسمبر ۱۹۷۸ افغان - شوروی، بر اساس ماده (۵۱) منشور ملل متحد که حق دفاع جمعی را به هر کشور داده است، بر اساس دعوت حکومت قانونی افغانستان بر ضد تجاوزات و جنگ اعلان نشده که از طرف ارتجاع و امپریالیزم علیه کشور ما به نقطه اوج خود رسیده بود، صورت گرفته و این دعوت از طرف اتحاد شوروی سرانجام پذیرفته شد. باید یاددهانی کرد که تقریباً چهارده بار از طرف حکومت افغانستان بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از واقعه هرات در جون ۱۹۷۹ دعوت به عمل آمد که باید اتحاد شوروی کمک‌های اقتصادی و نظامی خود را به افغانستان ارسال دارد. مقامات رهبری حزبی و دولتی اتحاد شوروی بارها و به کرات به جانب افغانی خاطر نشان ساختند که شما خود و با قدرت خود در برابر تجاوزات باندیت‌ها و اشرار مبارزه کنید و از انقلاب دفاع نمایید و لیکن این موضوع سرانجام منجر به این شد که حفیظ الله امین، نورمحمد تره کی فقید را به قتل برساند و قدرت را غضب کند او می خواست در ثبانی نیروهای مرتجع ضدانقلاب فراری افغانستان از جمله «حکمتیار» باهم متحدانه از قوای امریکا و کوماندوهای امریکایی دعوت به عمل آورد که به افغانستان داخل شوند بعد از آن روی این ملاحظات انجام کمک نظامی مقدور گشت.

سوال یکتن از ژورنالیستان:

ارزیابی شما از دورنمای مذاکرات افغانستان و پاکستان چطور می‌باشد و موقف شما در مورد دولت مستقل فلسطین که در رأس آن سازمان آزادیبخش فلسطین می‌باشد، چه گونه است؟

جواب: قسمت اخیر را اول پاسخ میدهم: حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جبهه ملی پیروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام مردم افغانستان از ابتدای امر به وجود آمدن سازمان آزادیبخش فلسطین همیشه پشتیبانی عام و تام خود را اعلام داشته اند و تا اخیر از جنبش آزادیبخش فلسطین در وجود سازمان آزادیبخش فلسطین پشتیبانی می‌کنند و خواهند کرد و همچنین افغانستان از ایجاد دولت مستقل فلسطینی پشتیبانی می‌نماید.

در باره مذاکرات نماینده جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان باید خاطر نشان ساخت و تکرار کرد که افغانستان همیشه با آغوش باز برای مذاکرات مستقیم بین افغانستان و پاکستان نه تنها حاضر و آماده است، بلکه یک سیاست سالم و سلیم و پر از انعطاف را با عقل سلیم تعقیب می‌نماید. برای مذاکرات مستقیم سیاسی جهت حل و فصل موضوع اطراف افغانستان در دو اعلامیه ما به صراحت تذکر داده شده است که قبلاً ابراز داشتیم اعلامیه می ۱۹۸۰ و اعلامیه اگست ۱۹۸۱ طوری که قبلاً تذکر دادیم، متأسفانه پاکستان یا بگویم حکومت نظامی پاکستان از خود استقلال و تصمیم و اراده‌یی ندارد بدون تجویز، اشاره و اجازه ایالات متحده امریکا، نمی‌تواند که در

مردم افغانستان تحت رهبري حزب دموکراتيک خلق افغانستان پروسه تغييرات و تحولات انقلابي کشور را پيگيرانه، استوار و گام به گام به پيش مي برند

اين زمينه براي مذاکرات مستقيم با افغانستان انقلابي گام بردارد. اينجا منافع تسليحاتي و سياست جنگي امريکا مطرح است و اين که بايد یک بهانه عليه اتحاد شوروي و افغانستان داشته باشد، سعی مي کند که بحران اطراف افغانستان را در جهان دامن بزند. با وصف آن در نتيجه سياست انعطاف پذير جمهوری دموکراتيک افغانستان و مساعي سرمنشي ملل متحد نماينده آن آقاي کوردو وزير که به اسلام آباد و کابل آمدند، راه مذاکرات غير مستقيم باز گرديد.

ما اين گام را يك آغاز خوب ميشماريم. ما اميدواريم که اين پروسه ديالوگ غيرمستقيم، سرانجام به مذاکرات مستقيم تبديل شود. ما حوصله داريم و شناسي نداريم، زمان مسائيل را حل مي کند.

سوال مجله تايمز:

آيا امکان آن موجود است که از سال ۱۹۸۳ به بعد گام به گام اخراج عساکر شوروي از خاک افغانستان شروع شود و اين گام در تحت چه شرايطي ميسر مي باشد؟

سوال نيوزويک:

عساکر شوروي چقدر دير در افغانستان مانده مي توانند؟

جواب:

از اين نقطه ساده ولي پرمفهوم شروع مي کنيم: قطعات محدود نظامي اتحاد شوروي آن وقت به کشور صلح دوست خود عودت خواهند کرد که امپرياليزم امريکا تصميم بگيرد. اما امپرياليزم امريکا آرزو ندارد و نمی خواهد چنانچه موانع عظيمي ايجاد مي کند که قطعات محدود نظامي اتحاد شوروي به کشور صلح دوست خود عودت نمايد.

طوري که قبلاً گفتم و ما اطلاعات دقيق داريم که امريکا بالای پاکستان فشار جدی وارد مي نمايد که نبايد افغانستان و پاکستان بالای ميز مذاکرات سياسي باهم بنشينند و موضوعات اطراف افغانستان را حل نمايند.

واقعييت امر اين است که همان فکتور و علتی که موجب دعوت قطعات نظامي اتحاد شوروي به افغانستان انقلابي شده است، تا از بين نرود، آنهم به موافقه جمهوری دموکراتيک افغانستان، قطعات محدود اتحاد شوروي در افغانستان باقی خواهد ماند. يعني تا وقتی که تضمينات جدی و قوی به وجود نيابد که ديگر تجاوزات و مداخلات ارجاع و امپرياليزم عليه افغانستان صورت نمی گيرد يا تجاوزات به صورت کامل قطع نگردد، قطعات محدود اتحاد شوروي در افغانستان باقی خواهند بود.

توجه بفرمایید، طوری که به یکی از سوال‌های سابق پاسخ صورت گرفت و به دستور ایالات متحده امریکا در دفاع از اشرار، از اجیران مزدور ضدانقلاب افغانستان هم اکنون بیش از هشتاد پایگاه ضدانقلاب برای پرورش و تربیت نظامی اشرار در خاک پاکستان موجود است و هزاران نفر در آنجا تربیت می‌شوند که تعداد آنها تا کتون طی چندسال اخیر به بیش از صد هزار می‌رسد که به افغانستان صادر شده‌اند. تا که چنین پایگاه‌های تجاوز و چنین تحریکاتی از طرف ارتجاع پاکستان و امریکا موجود باشد، ما برای حفظ استقلال خود برای تمامیت ارضی کشور خود و حاکمیت ملی کشور خود حق داریم که از دوست دیرینه و تاریخی کشور خود اتحاد شوروی بزرگ کمک بخوایم و کمک نظامی داشته باشیم.

سوال مبصر ای. دی. ان: چه ضررهایی توسط باندهای خرابکار متوجه جمهوری دموکراتیک افغانستان شده و به چه مقدار بالغ می‌گردد؟

جواب :

مزدوران اجیر خارجی و ضدانقلاب افغانستان با سلاح‌های ثقیل، متوسط و خفیف به شمول سلاح کیمیاوی و توپ بی‌س لگد، ده شکه، ماشیندار ثقیل و خفیف، هاوان و سلاح‌ها و مین‌های ضد پرسونل، مین‌های ضد تانک که در سرک‌ها فرش می‌نماید و همچنان سلاح‌های ضد هوایی، زمینی و انواع سلاح‌های امریکایی مجهز هستند و همچنان به اصطلاح سلاح غنیمت گرفته مصر که ساخت اتحاد شوروی است نیز به اینها تحویل داده می‌شود و داخل افغانستان می‌گردد.

اینهاروسناها، مزارع و کشتزارها را طعمه حریق می‌سازند. دهاقین را که به کار صلح‌آمیز بالای زمین خود مشغول اند ترور می‌نمایند. زنان و اطفال را اختطاف می‌کنند. جاده‌ها را مین گذاری می‌کنند و در نتیجه موترهای حامل افراد معصوم ملکی را که از یک منطقه به منطقه دیگر می‌روند منفجر می‌سازند. پل‌ها و پلچک‌ها را از میان می‌برند. آنها شفاخانه‌ها، مساجد و مکاتب را تخریب و منفجر می‌سازند و روحانیون، معلمان، کارگران و دیگر کسانی را که مدافع دولت می‌باشند به صورت ترور انفرادی چه در مسجد، چه در راه، چه در جاده، همچون کاتگسترها، به شهادت می‌رسانند. سعی می‌کنند سیم‌های برق را قطع نمایند. سعی می‌کنند که به بندها و زراعت و آبیاری صدمات وارد نمایند و همچنین سعی می‌نمایند که صنایع را فلج کنند. ضرری که به افغانستان متوجه شده به ملیاردها میرسد. از طرف دیگر این در واقعیت امر دفاع ایالات متحده امریکا و کشورهای ناتوی وابسته به آن در زیر عنوان دفاع از آزادی‌خواهان و مجاهدین و استقلال افغانستان و آزادی افغانستان صورت می‌گیرد. بالعکس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پل‌ها را می‌سازد. شفاخانه‌ها اعمار می‌کند. صدها شفاخانه و مکتب را به وجود می‌آورد. فابریکه‌ها را به دوران می‌اندازد. صدها پروژه را ایجاد می‌کند و به کار می‌اندازد. همچنین

طوری که در مقدمه تذکر دادم روز به روز پایه‌های اجتماعی و انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، حزب، جبهه ملی پدروطن و انقلاب ما در سراسر کشور استحکام می‌یابد. علی‌الوصف تمام تخریب، سبوتاز و ضررهایی که متحمل می‌شویم به کمک مردم افغانستان، به کمک دوستان بین‌المللی خود بخصوص اتحاد شوروی بزرگ ما در راه ساختمان جامعه نوین، علی‌الرغم تخریب و سبوتاز قاجاره انگیز به پیش می‌رویم و انقلاب ما دیگر انقلاب شکست ناپذیر شده است.

سوال خبرنگار نیویارک تایمز:

بسیاری از ادعاهای اخیر حاکی از این است که مشکلات جنگی در داخل افغانستان علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اثبات می‌رسند که باید یک سازش سیاسی با شورشیان صورت گیرد. آیا این به نظر شما همین طور است و یا حکومت افغانستان کماکان اصرار می‌کند که با شرط قبلی که به رسمیت شناخته شود و بعد از آن حل و فصل سیاسی صورت گیرد.

جواب:

در برابر مزدوران اجیر و اشرار سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان کاملاً روشن است. ما کسانی که آله و افزار و وسیله کشورهای خارجی ارتجاعی و امپریالیزم هستند، هیچگاه با رهبران آنها سر سازش نداریم و لیکن تا جایی که به داخل کشور تعلق می‌گیرد:

تا کنون ما موفق شده ایم که با صدها باند کوچک و متوسط مذاکره کنیم. آنها ندامت می‌کشند و اعتراف می‌کنند که به کشور خود، به مردم خود مرتکب جنایت شده‌اند. سلاح را به زمین می‌گذارند و به دولت تسلیم می‌شوند که در آن صورت بر اساس فرمان عفو عمومی آنها به زندگی خود مانند سایر افراد کشور ادامه می‌دهند و حتی خود آنها از محلات خود دفاع می‌نمایند و علیه اشرار و باندها مبارزه می‌کنند. این شیوه به مفهوم سازش با اشرار و یاسران اشرار نیست، بلکه ما سعی می‌کنیم از راه مذاکره و جرگه، صلح و آرامش سراسری ملی خود را تأمین کنیم. افغانستان عادت ندارد که با کاندسترها سازش کند، این باید در امریکا معمول باشد.

سوال روزنامه ایزویستیا:

شایعه پخش می‌شود که در جمهوری دموکراتیک افغانستان اسلام در خطر است، آیا شما می‌توانید بر وضعیت حقیقی دین اسلام در افغانستان روشنی بیندازید؟

جواب: طوری که قبلاً ابراز داشتیم مردم افغانستان مردم زحمتکش و مسلمان‌اند. بعد از تأمین حاکمیت زحمتکشان، بعد از انقلاب ثور بخصوص بعد از مرحله نوین

و تکاملی آن، رعایت و احترام به دین اسلام در سطح اصول اساسی تضمین گردیده است. نه تنها رعایت و احترام دین اسلام تضمین گردیده، بلکه در سطح قانون هر گاه شخصی یا گروهی ضد اسلام به تخریب، یا ضد روحانیون و علماً به بی احترامی می پردازد، در پیشگاه قانون مورد مواخذه قرار می گیرد، لذا رفیق سوال کننده ما مطمئن باشند که در افغانستان اسلام محفوظ است و حفظ می‌گردد. این تبلیغات دشمنان انقلاب و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی این تبلیغات ارتجاع و امپریالیزم است که می‌گویند در افغانستان اسلام در خطر است. ما نباید در پی حرف دشمنان خود برویم. ما مثالی بسیار عامیانه وطنی داریم که کسی می‌گوید که بینی ات را پشک برد اول دست را به بینی ات ببر که بینی ات است یا نه، بعد از آن پشت پشک برو امروز ده‌ها هزار روحانی و ملا از انقلاب، از جمهوری دموکراتیک افغانستان، از حزب و جبهه ملی پدروطن دفاع می‌نمایند. برای نخستین بار در طول سیر تاریخ افغانستان ریاست عمومی شئون اسلامی افغانستان در چارچوب شورای وزیران و شورای علما و روحانیون در جبهه ملی پدروطن تأسیس گردیده فعالانه در حیات سیاسی- اجتماعی کشور شرکت می‌ورزند. به همین مناسبت ضدانقلاب که ماسک اسلام را به چهره سیاه خود زده است تا کنون بیش از صد تن از بهترین علمای روحانی ما را ترور کرده‌اند. صدها مسجد را منفجر نموده‌اند. حتی کتاب آسمانی یعنی قرآن را مورد حریق قرار داده‌اند. لیکن حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت از منافع و مصالح روحانیون و علماً و دین اسلام دفاع کرده و می‌نمایند.

سوال نماینده مجله پولی نگلی از یوگوسلاویا:

آیا شما فکر میکنید که در آینده نزدیک مردم افغانستان به یک موافقه ملی یا مصالحه ملی برسند، و خود مردم افغانستان از تغییرات و تحولات داخلی که بعد از انقلاب به وجود آمده، دفاع کنند؟

سوال نماینده ای. بی. سی نیوز یوگوسلاویا: آیا شما به قدرت می‌مانید؟ آیا مسئله افغانستان را به طور دایمی حل کرده می‌توانید؟

جواب:

در قسمت به اصطلاح مصالحه ملی باید خاطر نشان ساخت که در افغانستان مصالحه ملی در داخل کشور مطرح نیست. در افغانستان يك انقلاب ملی و دموکراتیک در اپریل ۱۹۷۸ رخ داد که مورد پشتیبانی عام و تام و قاطع مردم افغانستان و جهان مترقی و اغلب کشورها قرار گرفت. این سوال کننده که خود از یوگوسلاویاست و پروسه انقلاب را گذرانده‌اند، این قانونمندی انقلاب یا قانون اساسی انقلاب را باید دانسته باشند که بعد از هر یک انقلاب اجتماعی، ملی و طبقاتی، نیروهای ضدانقلاب

مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

از لحاظ داخلی، منطقه‌وی و بین‌المللی به وجود می‌آید لذا در افغانستان اکنون طی دو سه سال تحولات اخیر، طوری که قبلاً تذکر دادم پایه‌های اجتماعی انقلاب در اعماق توده‌های مردم بسط و توسعه و استحکام پیدا می‌کند و پیدا کرده است. لذا در افغانستان به موازات مبارزه علیه اشرار و ضدانقلاب صادر شده از خارج، خود مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به کمک دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پروسه انقلاب را پروسه تغییرات و تحولات را پیگیرانه، دایمی، دوامدار، استوار و گام به گام به پیش می‌برند.

اینجا سوال شده که هرگاه این جانب در قدرت باشم ثبات را در کشور تأمین کرده می‌توانم یا نه؟ اصلاً بر اساس اصول ایدیولوژیک ما چنین سوالی مطرح شده نمی‌تواند چه اینجانب مثل فلان به همان حاکم نظامی در اثر یک توطئه و کودتای ارنجایی و امپریالیستی روی کار نیامده ام.

اینجا یک حزب بود، یک حزب است و یک حزب خواهد بود. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، انقلابی صورت گرفت. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و به کمک قوای مسلح افغانستان به اساس اراده دیرینه تاریخی و خواست و اراده مردم افغانستان انقلاب صورت گرفت و اکنون در افغانستان یک نظام جمهوری دموکراتیک مستقر است حاکمیت زحمتکشان در افغانستان مستقر و مستحکم است و در آنجا اساس دموکراتیک رهبری دسته‌جمعی حکومت می‌شود که عبارت از شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در رأس آن کمیته مرکزی حزب، بیروی سیاسی و دارالانشا قرار دارد. در کشور ما رهبری دسته‌جمعی است. این به اراده این یا آن فریاد این جانب تعلق نمی‌گیرد. من از خطمشی حزب و دولت و اراده مردم افغانستان اطاعت می‌کنم لذا خود مردم افغانستان، حزب، سازمان‌های اجتماعی در یک جبهه ملی پدروطن ثبات را در افغانستان تأمین نموده، پروسه آن را طی می‌کند و اکنون اثبات نسبی به وجود آمده است و به صورت قطع ثبات را خود مردم افغانستان تحت رهبری حزب به وجود می‌آورند.

چنین پاسخ داده می‌شود، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را رهبری می‌نماید به حیث یک نیروی زنده، دینامیک، ارگانیک و واقعی و به حیث یک حقیقت سرسخت در افغانستان وجود دارد. در رسم و تیپ انقلابیون منرقی که مسلح با ایدیولوژی زحمتکشان اند به مثابه انقلابیون اصیل با احساس مسؤولیت تاریخی در پیشگاه مردم و وطن خود در برابر حزب و دولت خود یک گام از راه انقلابی که اتخاذ کرده به عقب نمی‌روند، بلکه به اساس خطمشی

مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پروسه تغییرات و تحولات انقلابی کشور را پیگیرانه، استوار و گام به گام به پیش می‌برند

حزب خود و اراده مردم خود وظایف انقلابی خود را ایفا می‌کنند.

سوال:

سوال خبرنگار در مجله چکوسلواکیا ملادوفونت و سمیره: آیا شما مثال‌ها آورده می‌توانید، که جوانان افغانستان در اعمار جمهوری نوین چه کمک می‌کنند؟

جواب :

جوانان در هر کشور، مردان آینده کشور اند و همچنین در وضع موجود و چه برای آینده، جوانان در واقعیت امر سازنده گان کشور می‌باشند و سازنده گان جامعه نوین در افغانستان جوانان در تحت رهبری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، متشکل اند. اکنون تعداد اعضای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان تقریباً به صد هزار نفر میرسد. جوانان از یک طرف دانش و درس می‌آموزند درس می‌گیرند و از جانب دیگر در سنگرها علیه قطاع‌الطریقان، دزدان و تروریست‌ها می‌رزمند و از فابریکه‌ها، صنایع، از مزارع، از پروژه‌های آبیاری از مکاتب، مناطق حیاتی اقتصادی، مسلحانه دفاع می‌نمایند و از طرف دیگر خود داوطلبانه در فابریکه‌ها و مزارع یکجا با کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان خلافت‌کار می‌نمایند. با ابراز تشکر از خانم‌ها و آقایان ژورنالیست‌ها، رفقا و دوستان دیگر به تأکید خاطر نشان می‌نمایم که پروسه انقلاب افغانستان با اصولیت و متانت، با احساس انسانی و بشردوستی و با میتود و شیوه‌های دموکراتیک گام به گام به پیش می‌رود و انقلاب ما شکست ناپذیر است. چون مردم افغانستان از انقلاب ملی و دموکراتیک خود همه جانبه دفاع می‌نمایند و هم افغانستان تنها نیست، دوستان ما، کشور های سوسیالیستی در رأس دوست بزرگ ما اتحاد شوروی و تمام نیروهای مترقی صلح‌دوست جهان، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اجتماعی، جنبش‌های کارگری، نیروهای صلح‌دوست و همچنین کشورهای مترقی و پیشقدم و دوستان بسیار صمیمی و تاریخی چون هندوستان کشورهای مترقی عربی، افریقا، امریکای لاتین، آسیای، با ما و با انقلاب ما هستند لذا انقلاب ما شکست ناپذیر است.

بگذار، امپریالیست‌ها با همانقدر نبوغ شیطانی که در تبلیغات دروغین و زهر آگین دارند، علیه انقلاب افغانستان، علیه دوستی خدشه ناپذیر جاودان و برادران اتحاد شوروی و افغانستان و دیگر کشورهای دوست تلاش کنند. بگذار آنها تبلیغ زهر آگین کنند. ما استوار راه خود را، راه اصولی خود را تعقیب می‌نماییم.

بیانیه به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس دولت شوروی، کرملین اول جدی ۱۳۶۱

تاریخ اتحاد شوروی، تقویم کارنامه‌های بزرگ و پرشکوه و شاهد روشن نیروی حیاتی و پیروزی سیاست لنینی ح.ک.ا.ش است

رفقا و دوستان گرامی!

برای ما جای افتخار است که در این روزهای پر جلال در کشور شوراهای همراه با مردم کبیرشوروی هستیم. شصتمین سالگرد ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مردمان کشورهای برادر و دوست، مردمان کشورهای از بند رسته و همه بشریت مترقی، به پیمان‌ه وسیع و پرشکوه تجلیل می‌نمایند. این سالگرد در وطن ما در سراسر افغانستان انقلابی نیز تجلیل می‌گردد. در مرکز، ولایات و ولسوالی‌های کشور ما، کارگران و دهقانان و همه اقشار زحمتکش و وطنپرست نسبت به حادثه عظیم تاریخی یعنی تأسیس نخستین دولت طراز نوین و عالی کثیرالملت و واحد زحمتکشان در تاریخ، که آرزوهای دیرین بشریت درباره آزادی، برابری، برادری و سعادت را تحقق بخشیده، ادای احترام می‌کنند.

اجازه دهید، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب همه زحمتکشان کشور کثیرالملت و از جانب خود به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تبریکات قلبی مملو از صمیمانه‌ترین و عمیق‌ترین احساسات دوستی و همبستگی را ابراز بدارم و به حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی و به همه مردم کبیر قهرمان شوروی دروذهای گرم و برادرانه را برسانم.

حزب بلشو يك تحت رهبری لنین بزرگ در ادامه امر اکتوبر کبیر شصت سال قبل از امروز سنگ بنای اتحاد خلل ناپذیر خلق‌های برادر و آزادی را که در سرزمین خویش حاکمیت شوراهای برقرار ساخته بودند، گذاشت. در آن هنگام وضع اتحاد شوروی سهل و ساده نبود. اما اندیشه‌های کبیر لنینی در مورد خانواده خلق‌های زحمتکش که روی هدف عالی اعمار جامعه سوسیالیستی متحد شده اند، مردم شوروی را الهام بخشیده، امکان داد تا در کوتاه‌ترین مدت زمان تاریخی که در سیاره ما سابقه نداشت، به موفقیت معمای عظیم‌الشان در همه عرصه‌های زندگی نایل آیند. در تمام سیرتاریخ بشریت تأسیس نظام طراز نوین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تشکل و اتحاد نیرومند و خرابین بیش از یکصد ملت و قوم یکی از اکتشافات

خلق لنینی در حل مسئله فوق‌العاده بعرج و مشکل در جهان یعنی مسئله ملی می‌باشد. تاریخ اتحاد شوروی تقویم کارنامه‌های بزرگی، پرشکوه و شاهد روشن نیروی حیاتی و پیروزی سیاست لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی است. ما می‌دانیم که مردم شوروی بر مبنای قوانین تساوی کامل حقوق برادری و دوستی خلق‌ها و توجه و مواظبت از شگوفانی وطن واحد سوسیالیستی خویش با اطمینان جاوداتی زنده‌گی می‌نمایند. کارنامه‌های مردم شوروی مثال الهام‌بخش برای همه مال و خلق‌های جهان است.

رفقای گرامی!

اتحاد شوروی تکیه‌گاه استوار و نیرومند برای همه مال و خلق‌هایی است که به خاطر استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی و اقتصادی به نفع زحمتکشان مبارزه می‌کنند. مطهر درخشان این گفتار کمک برادرانه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک در افغانستان در اپریل ۱۹۷۸ مناسبات بین کشورهای ما به سطح دوستی و برادرانه، همکاری همه‌جانبه و همبستگی انقلابی انترناسیونالیستی ارتقا یافت. هنگامی که نیروهای امپریالیزم و ارتجاع جنگ اعلان‌ناشده را علیه مردم افغانستان و انقلاب آن به راه انداختند، اتحاد شوروی قاطعانه در پشتیبانی از استقلال و آزادی افغانستان در دفاع از حق آن برای انتخاب آزادانه راه رشد قرار گرفت. اکنون مردم قهرمان افغانستان به مبارزه خود به خاطر آینده روشن و نابناک ادامه می‌دهند. آزمایش دشواری نصیب ما شده است. ما مجبوریم هم‌پیکار کنیم و هم‌حیات نوین را اعمار نماییم. در این مبارزه، حزب دموکراتیک خلق افغانستان از لحاظ سیاسی و سازمانی، استحکام می‌پذیرد، صفوف آن رشد می‌یابد و ارتباط آن با توده‌ها هرچه محکمتر می‌گردد.

مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان همه دشواری‌ها و آزمایش‌ها را پشت سر گذاشته به طور قطع پیروز خواهند شد.

ما به این امر اعتقاد راسخ داریم زیرا ما دوستان مطمئن داریم، زیرا ما اتحاد شوروی بزرگ را با خود داریم. جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر مشی ضد انسانی نیروهای امپریالیستی و دستیاران آن در جهت تشدید تشنج بین‌المللی سیاست شرافتمندانه صلح، همسایگی نیک و حسن نیت و عقل سلیم را قرار داده است. در رابطه با منطقه باید گفت که زمان با وضاحت تمام انعطاف‌پذیری و سازنده بودن پیشنهادهای ما را در مورد حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان نشان داد. هیچ پروبلمی وجود ندارد که از طریق صلح‌آمیز و به وسیله مذاکرات حل نگردد.

ما از حل و فصل شر اقمندانه، و اقعینتته و عادلانه طرفداری می‌نماییم، چنین است
موقف اصولی ما. چندی قبل رفیق یوری ولادیمیریچ اندرویوف منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلینوم ماه نوامبر کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشتند که همبستگی با خلق‌هایی که از استقلال
خویش دفاع می‌نمایند یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی اتحاد شوروی بوده و
باقی می‌ماند.

این سخنان به ما الهام می‌بخشد و در مبارزه به خاطر به سر رسانیدن سرکوبی
نیروهای ضدانقلاب و ارتجاع، به خاطر تحقق برنامه تحولات بنیادی، اجتماعی و
اقتصادی به نفع خلق‌های زحمتکش افغانستان و ساختمان جامعه نوین که در آن
استثمار فرد از فرد محو خواهد شد نیرو و قوت شکست ناپذیر می‌دهد. می‌خواهم از
این تربیون عالی صمیمانه‌ترین سپاسگزاری و امنتان قلبی را به حزب کمونیست
پرافتخار اتحاد شوروی، حزب لنین، حکومت شوروی و مردمان شوروی به خاطر
کم و پشیمانی همه جانیه و کمک اقتصادی بزرگ شان ابراز نمایم. ما هیچگاه این
مظهر درخشان همبستگی واقعی انترناسیونالیستی را فراموش نخواهیم کرد

فرخنده باد شصتمین سالگرد تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، این نخستین
دولت کثیر الملت و احد زحمتکشان در جهان!

زنده باد دوستی خلل ناپذیر برادرانه میان خلق‌های افغانستان و اتحاد شوروی!

بگذار دوستی، همبستگی و همکاری میان خلق‌های سراسر جهان استحکام یابد.

زنده باد صلح، آزادی و ترقی اجتماعی!

برافراشته باد درفش گلگون انترناسیونالیزم پرولتری که اتحاد شوروی عالیترین
مظهر تحقق آن است!

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب ثور علی‌الرغم افزایش مداخلات ارتجاع و امپریالیزم قاطعانه دفاع نماید

سوال:

به اساس گزارش‌های اخیر، سه گروه اشراز حرکت اسلامی، جهاد اسلامی و محاذ اسلامی که علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت می‌کنند، از حل صلح‌آمیز مسئله جانبداری می‌کنند، آیا این نشانه آن نیست که حداقل بخشی از اشراز اعتقادشان را نسبت به حل نظامی از دست می‌دهند؟ در این زمینه شما چگونه تصمیم اخیر سنای ایالات متحده امریکا را در ارتباط با افزایش کمک نظامی به شورشیان ارزیابی می‌کنید؟

پروسه انقلابی در کشور ما پیروزمندانه رشد می‌یابد و دستاوردهای مهمی را به سود همه زحمتکشان افغانستان به بار می‌آورد. مشخصات عمده مرحله کنونی رشد پروسه انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت است از درهم شکستن مقاومت‌های عمده دشمنان انقلاب و مردم، نابودی مراکز اساسی ضدانقلابی، تضعیف روحیه ضدانقلاب مسلح در مقابل قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و مدافعین انقلاب، پیوستن هرچه گسترده‌تر افراد فریب‌خورده به دولت انقلابی، روی آوری کنگله‌های وسیع مردم به آغوش نظام نوین، تحکیم پایه‌های اقتصاد ملی و نظم نوین ملی و دموکراتیک، احیا و تقویت اعتماد مردم به حزب و دولت، تأمین سهم‌گیری توده‌ها در زنده‌گی سیاسی و اجتماعی و تعمیل قانونیت دموکراتیک در کلیه عرصه‌های زنده‌گی اجتماعی. من فکر می‌کنم که اگر هر کسی عاقلانه بیندیشد می‌تواند حقیقت انکارناپذیر رشد پیروزمندانه انقلاب ما را درک نماید. تجربه خصوصی سه سال اخیر انقلاب ما علی‌الرغم دشواری‌های آن نشان داد که تنها راه حل مسایل اطراف افغانستان عبارت از حل صلح‌آمیز آن در پرتو پیشنهاد‌های صلح‌جویانه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و سیاست اصولی مادرین زمینه. این واقعیتی است که همه‌گان، بخصوص همسایه‌گان جمهوری دموکراتیک، افغانستان باید آن را بدانند.

بر پایه همین واقعیت است که اشراز و افرادی که فریب دشمنان انقلاب را خورده اند روز‌تاروز به گفته شما، اعتقادشان را نسبت به ادامه تلاش‌های مسلحانه علیه قدرت انقلابی در کشور ما از دست می‌دهند. بر علاوه حکومت جمهوری دموکراتیک

افغانستان فرمان عفو عمومی را در مورد آن افرادی که فریب دشمنان را خورده و علیه دولت انقلابی به فعالیت‌های خصمانه پرداخته اند، صادر نموده که نقش مهمی را در عرصه پیوستن آنان به آغوش نظام انقلابی ایفا می‌نماید. ما در این زمینه نمونه‌های مهمی در اختیار داریم و می‌توان از آخرین مثال‌های عمده، یعنی پیوستن دو هزار و پنجصد نفر از افراد فریب‌خورده در میرپنج کوه، پیوستن هزاران تن از این افراد در دره صوف، هرات، بلخ، ننگرهار، پکتیا و غیره، اعلام آمادگی ریش سفیدان سپین بولدک جهت تسلیح ده هزار جوان به کمک دولت به خاطر دفاع از سرحدات مربوطه و غیره یادآوری کرد. به طور مجموعی بیست و یک هزار تن از افراد فریب‌خورده که قبلاً به فعالیت ضدانقلابی می‌پرداختند، همراه با مقادیر بزرگ سلاح‌های مختلف النوع خود را به مقامات دولتی تسلیم نموده اند. ارزیابی ما در این زمینه عمدتاً متکی بر دو نکته می‌باشد

یکی اینکه سیاست انسان دوستانه انعطاف پذیر ما بعد از ششم جدی ۱۳۵۸ نتایج منطقی خود را به بار آورده و دیگر اینکه در نتیجه توسعه پشتیبانی توده‌ها از سیاست انسان دوستانه ما باعث تقویت نیروی لازمی انقلاب و در نتیجه تضعیف دشمن گردیده است. ما یقین داریم که امروز دیگر افسانه‌های رنگین جلوگیری از پروسه انقلابی و به قدرت رسیدن باندهای ضدانقلابی در کشور ما رنگ و رخ خود را بیشتر از پیش باخته و کمتر خریدار دارد. رهبران باندهای ضدانقلابی قادر نیستند دیگر به این بهانه‌ها آن‌ده مردم فریب خورده ما را که در دور و پیش آنها قرار دارند، امیدوار نگه دارند.

در زمینه پرسش شما در مورد تصویب اخیر مجلس سنای ایالات متحده آمریکا مبنی بر تشدید کمک‌ها به ضدانقلاب افغانستان می‌خواهم تصریح نمایم که افغانستان از آغاز دهه پنجاه آماج توطئه‌ها، دسایس و مداخلات امپریالیزم قرار گرفت. تلاش امپریالیزم در این جهت متمرکز بود تا افغانستان را از مسیر غیرمنسلك منحرف گردانیده و آنرا به بلاک‌های تجاوزگر نظامی بکشانند. این مداخله امپریالیزم آمریکا در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان درست از زمانی وارد مرحله فعال و جدیدی گردید که انقلاب شور به پیروزی رسید و منافع طبقات حاکم، ستمگر را در کشور ما مورد ضربت قطعی قرار داد. امپریالیزم در آغاز کوشید با ترکیب تجاوز خارجی و منفجر ساختن درونی انقلاب و به بیراهه کشاندن آن، مانع انجام تحولات عمیق بنیادی در کشور ما گردد. امپریالیزم در رأس امپریالیزم ایالات متحده در چارچوب استراتژیک مقابله با انقلاب افغانستان مدت هاست که ضدانقلاب افغانستان را تسلیح، اکمال و تربیه نموده تحت نظر مربیان خاص به کشور ما صادر می‌نماید. امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده سهم اساسی را در زمینه مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان داشته است. عمده‌ترین بخش کمک‌ها به ضدانقلاب افغانستان همواره از جانب ایالات متحده آمریکا تأمین شده است. فیصله اخیر مجلس

سنا بیاتگر تشدید سیاست تجاوزکارانه اداره ریگن و تبدیل سیاست رهبری ضدانقلاب افغانستان توسط امریکا به سطح سیاست دولتی آنکشور و برداشتن آخرین پرده‌ها از روی نیات تجاوزکارانه و آشنگتن در قبال انقلاب و مردم ما می‌باشد. این امر به معنی آنست که اداره ریگن می‌خواهد جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان را علناً ادامه دهد و سیاست ضد انسانی، ضد بشری و ضد صلح را در منطقه ابعاد وسیعتری بخشد.

فیصله مجلس سنای ایالات متحده با منافع مردم افغانستان، با منافع خلق‌های منطقه و امر صلح در منطقه و جهان معاشرت دارد. مردم در حالی که می‌خواهند دست‌های مداخله گران از کشور انقلابی ما کوتاه گردد، عمیقاً اعتقاد دارند که انقلاب افغانستان برگشت‌ناپذیر است و از میان همه دشواری‌ها راه خود را به پیش هرچه بیشتر خواهد گشود.

سوال:

با تصمیم اخیر سنای ایالات متحده امریکا تشنج در افغانستان و اطراف افغانستان می‌تواند بیشتر تسریع گردد و این امر می‌تواند نفوذ قابل ملاحظه بر ادامه موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان بگذارد. اما در عین زمان موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان مستقیماً با اکتساب قدرت کافی جمهوری دموکراتیک افغانستان ارتباط دارد که آنرا قادر خواهد کرد تا از کشور و دستاوردهای انقلاب ثور بدون موجودیت قریکی عساکر اتحاد شوروی دفاع کند. آیا حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تا کدام حد در جهت این هدف پیش رفته و دورنمای حداقل رجعت مرحله‌یی عساکر شوروی در آینده نزدیک چیست؟

جواب: تصمیم مجلس سنای ایالات متحده امریکا به تاریخ نهم میزان ۱۳۶۱ توسط «بال سنگر» عضو مجلس سنا در فاصله نسبتاً زمانی با یکی از پیروزی‌های بزرگ اردوی قهرمان و نیروهای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان در یکی از مناطقی که دشمن آنرا دژ شکست ناپذیر میدانست، اعلام گردید که این خود به نظر ما یازتاب مستقیم شکست نمایی است که عناصر فروخته شده امپریالیزم جهانی، ارتجاع بین‌المللی و هژمونیزم از جانب نیروهای نوآمنده مردم افغانستان متحمل میشوند. در همه موارد این تصادفی نیست که وقتی ضدانقلاب ضربتی هولناکی می‌خورد، فریاد آن از واشنگتن یا مراکز دیگر بلند می‌شود. ما این فیصله را در عین حال اذعان غیرمستقیم مراکز امپریالیزم جهانی می‌دانیم که باگذشت بیش از چار سال نتوانستند با به اصطلاح کمک‌های دزدانه خود ضدانقلاب را در برابر سیلاب خروشان انقلابی روی پایش نگه دارند و اعترافی تلقی می‌کنیم که امپریالیست‌ها موفق نشدند پوششی را که روی مداخلات صریح خود در امور داخلی افغانستان گسترده بودند، در برابر نتدبایدی از افتضاح و رسوایی بین‌المللی به جایش نگه دارند.

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد؛ که از دستاوردهای انقلاب شور علی‌الرغم افزایش
مداخلات ارتجاع و امریالیزم قاطعانه دفاع نماید

امپریالیزم جهانی در رأس امپریالیزم امریکا این همه نقاب‌ها را از چهره کریمه
مداخلات و قبحانه در امور داخلی ما به دور کرده است و به نظر ما این تصمیم یک
پیامد طبیعی تثبیت روزافزون وضع در داخل کشور ما و ثبات استقرار و تحکیم
حاکمیت دولتی در دورافتاده‌ترین نقاط قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان
می‌باشد.

ما بارها گفته ایم که وظیفه مبارزه و جنگ رویاروی با ضدانقلاب داخلی کاملاً به
دوش توانای اردوی مسلح، نیروهای امنیتی و مدافعین راستین انقلابی و در حساب
کمی مردم آزاده و قهرمان ماست و قطعات محدود نظامی اتحادشوروی که بر اساس
درخواست حکومت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان و مطابق معاهده دوستی،
همکاری و حسن همجواری منعقد پنجم دسامبر ۱۹۷۸ و طبق ماده (۵۱) منشور ملل
متحد بر اساس وظیفه انترناسیونالیستی خود به کشور ما آمده‌اند، صرف یک نیروی
ذخیره و ضمانت محکمی است در مجادله فعلی ما با تجاوزات پی‌در پی از خارج
و هم در برابر نقشه‌های خطرناک آتش افروزان امپریالیستی و متحدین آنها که
میخواستند و تا هنوز می‌خواهند که تمامی منطقه آسیای جنوبی و نیم‌قاره را در آتش
یک جنگی منطقه‌وی و احتمالاً برخورد وسیع‌تر از ابعاد منطقه‌وی بسوزانند.

بنابراین به جواب سوال شما باید گفت که نقش اردوی قهرمان و نیروهای امنیتی
افغانستان که عبارت از تحکیم حاکمیت دولتی، مبارزه با اشرار، دفاع از
دستاوردهای انقلاب خلق ماست، با نقش قطعات محدود نظامی دوست بزرگ ما
اتحاد شوروی که یک نیروی ذخیره و ضمانت‌کننده حفظ حاکمیت ملی و استقلال و
آزادی کشور ما از هرگونه تجاوز نظامی نیروهای امپریالیستی و حافظ صلح و ثبات
منطقه‌وی است، فرق دارد. موجودیت سربازان اتحاد شوروی آن طوری که در
سوال مطرح شده است با اکتساب قدرت کافی جمهوری دموکراتیک افغانستان رابطه
ندارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان امروز قدرت آنرا دارد که از انقلاب و
دستاوردهای انقلابی آن علی‌الرغم کمک‌های مداخله‌گرانه امپریالیزم، ارتجاع
و هژمونیزم قاطعانه و مؤثرانه دفاع نماید.

قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در جمهوری دموکراتیک افغانستان بر اساس
فکتورها و دلایل دیگری دعوت شده‌اند و تاحال وجود دارند و تا زمانی در کشور ما
باقی خواهند ماند که عواملی که موجب درخواست ما برای این کمک انترناسیونالیستی
گردیده، باقی باشد.

ما در پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ خود
صریحاً برنامه وسیع و مشخص حل و فصل قضایای اطراف افغانستان را اعلان
کردیم و گفتیم که حاضریم در مذاکرات صلح‌آمیز با کشورهای همجوار خود پاکستان
و ایران این مسایل را مطرح نموده و در صورت حصول تضمینات بین‌المللی مبنی

بر عدم تکرار تجاوزات و مداخلات یا جوانب نیدخل، جدول عودت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی را به سرزمین صلح‌آمیز شان ترتیب بدهیم ولی شما می بینید که این امریالیست‌ها اند که نمی‌خواهند در چارچوب يك حل همه جانبه مذاکرات دو همه جانبه عواملی که منجر به دعوت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان شده، از بین برود. فیصله جون سال گذشته مجلس سنای ایالات متحده امریکا یکی از نشانه‌های واضح این نیت آتش افروزانه آنهاست که به عوض آنکه در فکر چارچوبی برای ختم تنشج در گوشه‌یی از جهان باشند، به تاسی از خصلت ماجراجویانه خود متوجه آن هستند تا چگونه پهنای بی ثباتی و تنشج را گسترش بخشند. بنابر آن دورنمای رجعت مرحله‌یی عساکر اتحاد شوروی را باید از دریچه نیات آنها دید نه ازین زاویه که ما چه قدرتی در دفاع از دستاوردهای انقلاب خود کسب کرده ایم که يك امر بلامنازع است. آن طوری که در بیانیه در شهر هرات نیز گفتیم تا جایی که مربوط به ماست، ما نیمه راه خود را در جاده صلح رفته ایم، فعالیت سیاست اصولی خارجی ما در زمینه مبین موضع ماست. درو ازه مذاکرات را باز می‌گذاریم و راه مقابله را مردود می‌دانیم.

سوال:

زمان که من در چارم فیروزي ۱۹۸۰ با شما مصاحبه کردم شما به نیت حکومت خود مبنی بر آغاز پروسه آشتی ملی تأکید نمودید، آیا چه پیشرفت‌های در این زمینه انجام یافته است، و تا کدام اندازه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پایه‌های پشتیبانی خویش را از ۱۹۸۰ به این طرف توسعه داده است؟

جواب :

مسئله تأمین صلح سراسری ملی یکی از مهمترین جهات سیاست داخلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان را تشکیل می‌دهد. اکنون مسئله تأمین صلح سراسری در سرلوحه وظایف کلیه ارگان‌های حزبی و دولتی در سرتاسر کشور قرار دارد.

ما صلح پایدار سراسری ملی و همه‌گانی را برای ایجاد فضای آرامش کامل برای آنکه هموطنان ما بتوانند آزادانه به نفع جامعه و وطن خدمت نمایند، برای آنکه دیگر مردم ما همه مشکلات و مسایل شان را از طریق همکاری و تفاهم، نه از طریق استفاده از سلاح حل نمایند، مطرح نموده ایم که مورد استقبال اکثریت مطلق هموطنان ما قرار گرفته است. مسئله تأمین صلح سراسری ملی یک شعار تبلیغی سیاسی محض نبوده، بلکه یکی از ضروریات اجتناب ناپذیر جامعه ما را تشکیل می‌دهد. این مسئله با اهداف انسان دوستانه و صلح‌جویانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز مطابقت کامل دارد.

در این زمینه فاکت‌های روشن و انکارناپذیر وجود دارد که به خوبی نمایانگر اعتماد واقعی مردم به حقانیت سیاسی حزب و دولت می‌باشد. مدتی است که در دوردست‌ترین نقاط کشور ما جرگه‌های مشورتی محلی، این عتقنه مثبت پذیرفته شده جامعه با محتوای نوین به خاطر مسایل از طریق مباحثه و مفاهمه و اعاده نظم و آرامش در کشور به عامل نیرومندی در راه تحکیم روند صلح سراسری ملی مبدل گردیده است. طبق آمارهای ابتدایی، تنها در ظرف سه سال اخیر بیش از چارصد جرگه محلی در تمام مناطق کشور به اشتراک نمایندگان حزبی و دولتی مشتمل بر جرگه‌های اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، نورستانی، پشه‌یی و غیره دایر گردیده که طی آنها اقوام مختلف کشور حمایت و پشتیبانی شان را از اهداف انقلاب و حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلان نموده اند. در نتیجه رشد موفقانه پروسه صلح سراسری ملی و تطبیق دیگرگونی‌های انقلابی پایه‌های اجتماعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان وسیع گسترش کسب نموده است. فعلاً در کشور ما هزاران تن از زحمتکشان افغانستان تحت درفش واحد ملی در جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان متحد گردیده اند.

جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه نکیه گاه قدرت حاکمه انقلابی نیروهای وسیعی مشتمل بر اتحادیه‌های صنفی جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از یکصد و شصت هزار عضو، کوپراتیف‌های دهقانی با بیش از یکصد و چهل هزار عضو، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان با نودهزار عضو، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با بیش از چهارده هزار عضو و هزاران تن از اعضای اتحادیه‌های روشنفکران منتکر مشتمل بر اتحادیه نویسندگان و شعرا، اتحادیه هنرمندان، اتحادیه ژورنالیستان، شورای علما و روحانیون و اتحادیه‌های تاجران ملی و وطنپرست، جرگه‌ها و دیگر سازمان‌ها و افراد را تحت رهبری احتوا می‌نماید و می‌خواهم با صراحت ابراز نمایم که سهمگیری اقشار وسیع زحمتکشان در زندگی سیاسی و اجتماعی و در روند تحولات انقلابی در طول تاریخ کشور ما بی‌سابقه است. دولت‌های گذشته افغانستان بنابر ماهیت ضد مردمی و همه جانبه شان، دارای حداقل نفوذ میان مردم نبوده اند و به اتکای سیاست ضربه شمشیر، عمل کرده اند. اما امروز مردم زحمتکش ما بنابر ماهیت اصولی و مردمی سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در شرایط دشوار ناشی از جنگ اعلان نشده ارتجاع و امریالیزم سرنوشت خود را با سرنوشت انقلاب پیوند می‌دهند و از آرمان‌های انقلاب قاطعانه دفاع می‌نمایند.

سوال:

شما چگونه مذاکرات ژنیو بین افغانستان و پاکستان را با موجودیت نماینده سازمان ملل متحد ارزیابی می‌کنید؟ شما برای مدت طولانی مذاکرات مستقیم با پاکستان را

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد؛ که از دستاوردهای انقلاب شور علی‌الرغم افراطیست.
مداخلات ارتجاع و امپریالیزم قاطعانه نفاذ نماید

رجحان میدادید در حالی که کشور اخیرالذکر با چنین مذاکرات مخالف است. آیا امیدوارند که پیشرفت‌های محسوس در جهت دایر کردن مذاکرات مستقیم سیاسی بین افغانستان و پاکستان به دست آید؟

جواب :

مذاکرات ژنیو بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان از طریق نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد آقای نیگو کوردو ویز که در جون ۱۹۸۲ صورت گرفت مطابق آرزوی ما بود. چنانکه همه می‌دانند جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروی از سیاست صلح‌جویانه خود همیشه طرفدار آن بوده که اختلافات بین افغانستان و همسایه‌گانش از طریق مذاکره و به صورت مسالمت آمیز حل گردد. از این رو طی پیشنهادهای مورخ چهارده می ۱۹۸۰ و بیست و چهار اگست ۱۹۸۱ ما از پاکستان و ایران خواستیم که به مذاکرات مستقیم با ما بنشینند تا برای رفع اختلافات راه حل سیاسی مناسب دریا بیم.

این مذاکرات که طی آن هیات نمایندگی ما از خود انعطاف پذیری لازم نشان داده، به نظر ما مفید و سازنده بوده می‌توان آنرا قدمی به پیش خواند. باید گفت که ما در هر موقع طرفدار مذاکرات مستقیم بوده و هستیم چه به نظر ما این نوع مذاکرات بیشتر جدی و مؤثر بوده ازین طریق می‌توان زودتر به نتیجه رسید. ما امیدواریم که نماینده سرمنشی ملل متحد در اثر مساعی اش بتواند زمینه را برای مذاکرات مستقیم کشورهای نینفع آماده سازد. هرگاه جوانب دیگر مذاکره با واقعینی و حسن نیت لازم برای یافتن راه حل سیاسی موضوع از خود آمادگی نشان دهند، می‌توان اظهار امید کرد که مذاکرات مستقیم و جدی اثرات ثمربخش و مثبت را به بار خواهد آورد.

سوال:

اندازه مداخله خارجی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان تاچه حد است آیا این درست است که شورشیان توسط مشاورین اسرائیلی آموزش می‌بینند؟ آیا در این اواخر پشتیبانی مادی چین به شورشیان تغییر نموده است؟

در جواب سوال شما به صورت موجز و فورمولبندی شده باید تذکر دهم که حدود پیمان‌های کمک‌های نظامی، پولی و مالی ایالات متحده امریکا در رهبری ارتجاع بین‌المللی، در جنگ اعلان نشده؛ این قدرت‌های شیطانی علیه کشور ما جمهوری دموکراتیک افغانستان ابعاد وسیعی کسب نموده است، کافیسیت به آخرین بنیانه رونالد ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا که در هفته اخیر ماه دسامبر ۱۹۸۲ از طریق رادیوی رسوا و بدنام صدای امریکا این ماشین پروپاگاندی ولجن پراگتی درندمگان وسیع انحصارات امریکایی پخش گردید، توجه شما را جلب کنم، رونالد

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب شور علی‌الرغم افزایش
مداخلات ارتجاع و امپریالیزم قاطعانه دفاع نماید

ریگن گستاخانه تذکر داد که حکومت واشنگتن از حمایت ضد انقلابیون افغانستان
فرسوده نگردد آنرا ترک نخواهد کرد.

از نظر ریگن، توجه کنید، ریگن به عنوان فرد مسؤول درجه اول در ایالات
متحده امریکا، سال ۱۹۸۲ سالی تعیین گردیده که مردم افغانستان که راه رشد مستقل
ملی را انتخاب نموده اند، در آتش و خون عرق گردند و بالآخر آن بر طبق برنامه
شیدانه امریکا و متحدینش موقعیتش را در کشورهای آزاد جهانی که مسلماً منظور
ریگن جهان به اصطلاح آزاد، جهانی که خیلی بنوچت، دیکتاتوری خونین
السوادور، صهیونیسم تجاوزگر اسرائیلی و دیگر ارکان ارتجاع جهانی از
سرسپردگان آن اند، احراز نماید. کشورهای امپریالیستی دخالت و گستاخی را به
حدی رسانده اند که آنان آشکارا در جلسه سی و هفتمین اسامبله عمومی ملل از ارسال
کمک به اشرار ضدانقلابی سخن گفتند. توجه کنید ایالات متحده امریکا تا به حال به
ضدانقلاب (دو صد و هجده) میلیون دالر کمک نموده و در سال ۱۹۸۲ (یکصد و پنج)
میلیون دالر کمک دیگر را به باندیت‌ها تخصیص داده است.

آلمان فدرال شصت میلیون مارک و انگلستان هجده میلیون پوند سترلینگ به ضدانقلاب
افغانستان کمک نموده اند.

موضع هژمونیت‌های چین را به ساده گی می‌توان در سرمقاله ژین زیباو مورخ
۲۷ دسامبر ۱۹۸۲ ملاحظه کرد که طی آن نوشته شده است که دولت چین ارسال
کمک مادی و معنوی را به ضدانقلاب افغانستان ادامه می‌دهند.

کمک ارتجاع بین‌المللی به رهبری ایالات متحده امریکا به نیروهای ضدانقلابی در
سطح جهانی امر تازه نیست، امریکا و متحدین رنگارنگش از هژمونیت‌های چین
تا اتحادیه اروپای غرب به سازمان‌های تروریستی ضدانقلابی مانند باند‌های ضد
انقلابی افغانستان و اونیتا و فنلا و بازمانده‌های دیکتاتوری سرنگون شده ساموزا
پلوت، ینگگی ساری و صهیونیسم اسرائیلی و دیکتاتوری نظامیگر پاکستان و غیره
و غیره وسیع کمک‌های نظامی و پولی را ارسال می‌دارند.

ایالات متحده امریکا و متحدین آن از اعضای پیمان تجاوزگر ناتو تا هژمونیت‌های
چین، اسرائیل صهیونیست، پترودالر و رژیم‌های ارتجاعی حرف شنو منطقی آن
در این کارزار نامقدس علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به درجات گوناگون
سهیم اند.

باید تذکر دهیم که جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان بخشی از
تهاجم وسیع امپریالیزم و ارتجاع علیه نیروهای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی
است. کمیته انسجام وزرای خارجه کشورهای غیرمنسلك اخیر، در ماناگوا مرکز

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب شور علی‌الرغم افزایش
مداخلات ارتجاع و امریالیزم قاطعانه دفاع نماید

نیکاراگوا انعقاد یافت که کمک‌های وسیع نظامی امریکا و اسراییل را به نیروهای
ارتجاعی و ضدانقلابی در امریکای لاتین به شدت محکوم نمودند و آن را زنگی
خطر برای حاکمیت و استقلال ملی کشورهای امریکای مرکزی و لاتین و کاراییب
اعلام داشتند.

افزایش در پیمانہ کمک‌های ارتجاع بین‌المللی به رهبری امریالیزم ایالات متحده
امریکا به باندهای ضدانقلابی افغانستان از یکطرف، دال بر نیرومندی و مقاومت
مردم افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک
خلق افغانستان در برابر این جنگ اعلان نشده و از جانب دیگر این امر مظهر
تشدید سیاست تشنج بین‌المللی، گرایش سریع به احیای جنگ سرد، مسابقه تسلیحاتی
مقابلہ نظامی و پامال نمودن دستاوردهای دینانت در نتیجه مبارزه عظیم کشورهای
صلح‌دوست جهان و در پیشاپیش آن اتحاد شوروی حصول گردیده است، می‌باشد.

تجربه نشان می‌دهد که علی‌الرغم تمام دسایس جنایتکارانه ضدانقلاب و حامیان
بین‌المللی آن، پروس انقلابی در کشور ما دامنه وسیع‌تر کسب نموده و به پیروزی‌های
نویں دست یافته است.

سوال:

پروپاگند غرب مدعی است که عساکر اتحاد شوروی بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱
چهل و هفت مرتبه اسلحه کیمیاوی را در افغانستان استعمال نموده اند که در آن
سه هزار نفر به قتل رسیده است، شما در این خصوص چه می‌گویید؟

جواب :

این یک دروغ محض است. دستگاه‌های تبلیغاتی کشورهای امریالیستی و بخصوص
وسایل ارتباط جمعی ایالات متحده امریکا سال‌هاست که شایعاتی را در مورد این که
گویا اتحاد شوروی در لاوس، کمبوچیا و بعد در جمهوری دموکراتیک افغانستان
اسلحه کیمیاوی استعمال نموده است، پخش می‌کنند. در این کارزار تبلیغاتی علاوه
بر وسایل ارتباط جمعی، اعضای کانگرس ایالات متحده و مامورین عالی‌رتبه
کشورهای ناتو نیز سهم دارند.

همه این سر و صداها به خاطری به راه انداخته شده که اذهان عامه جهان از پروگرام
وسیع تسلیحات پنتاگون، از تسریع تولیدات و افزایش مرمی‌های کیمیاوی به پنج
ملیون واحد و از تخصیص دو اعشاریه پنج میلیارد دالر برای تولید چنین سلاحی طی
پنج سال آینده منحرف و تدارک جنگ کیمیاوی پنتاگون توجیه گردد. آنها از جانب
دیگر می‌خواهند این واقعیت را پنهان کنند که ایالات متحده امریکا پنجاه سال تمام
از پیوستن به کنوانسیون ژنیو سال ۱۹۲۰ درباره منع استعمال و ذخیره و امحای

کامل اسلحه‌کیمیای احتراز کرده و از مذاکرات و امضای تعهد‌نامه در این مورد امتناع ورزیده است. این ایالات متحده امریکا بود که در سال‌های جنگی تجاوزگرانه علیه خلق‌های هندوچین، تنها در شمال ویتنام یکصد هزار تن مواد کیمیای را استعمال کرد که اثرات وحشتناک این جنایت تا کنون بر تولیدات و محیط زیست در جمهوری سوسیالیستی ویتنام باقی است. همین اکنون نظامیان دیکتاتوری سلوادر علیه وطنپرستان آنکشور از اسلحه کیمیای ساخت امریکا استفاده می‌کنند. به یافشاری ایالات متحده امریکا، سازمان ملل متحد هیاتی از متخصصین را به پاکستان فرستاد تا موضوع را مورد بررسی قرار دهد، آنان کوچکترین برگمی که دلالت بر استعمال اسلحه کیمیای از جانب قطعات محدود اتحاد شوروی کند در دست ندارند.

برعکس ما مدارک انکارناپذیر در مورد استفاده از سلاح، از جانب مزدوران امپریالیزم امریکا در کشور خود ارائه کردیم و افرادی را که ازین بم‌ها استفاده میکردند با بم‌های تست داشته‌شان در برابر مطبوعات بین‌المللی قرار دادیم و استعمال سلاح کیمیای از طرف دشمنان ما یک واقعیت انکارناپذیر است، اما ادعای آنها پوچ و بی‌پایه است.

سوال:

شما تست اندر کار مبارزه برای ساختمان مجدد ملی و ایجاد نگرگونی اقتصادی و اجتماعی جامعه افغانی مبتنی بر رسوم، فرهنگ و ارزش‌های مذهبی آن هستید، آیا تاجه پیمانانه همکاری هند - افغان به مساعی انکشافی شما کمک خواهد بود، آیا چه گفتنی‌یی درباره احیای کمیسیون مشترک هند افغان و افزایش اخیر در تعداد متخصصین هند که در افغانستان کار می‌کنند دارید؟ آیا درجه ساحات رشد همکاری هند افغان را متصور می‌دانید؟

جواب :

اهداف و مقاصد ما روشن و صریح است ما آن چیزی را می‌خواهیم که اکثریت قاطع مردم ما تقاضا دارند، یعنی ما حفظ آزادی و استقلال کشور و ترقی و شگوفانی وطن محبوب خود را آرزو داریم. ما به احساسات مذهبی هموطنان خود احترام می‌گذاریم و با تمام وسایل و امکانات سعی خواهیم کرد شرایطی تأمین گردد که در آنها هر فرد زحمتکش کشور بتواند آزادانه و سعادتمند زنده‌گی و کار کنند، نان، لباسی و سرپناه داشته باشد و از صلح در کشور و خوشبختی خانواده خود مستفید شود. اما در امر تحقق تحولات ملی و دموکراتیک علی‌الرغم ادامه جنگ اعلان نشده که از جانب امپریالیزم و ارتجاع منطقه علیه کشور ما آغاز گردیده است، پلان‌های کوتاه مدت و طویل‌المدت اعمار جامعه نوین را در کشور خود داریم. امر طبیعی است که ما برای نجات مردم خود از این عقب‌ماندگی که در نتیجه حاکمیت رژیم‌های ضد

مردمی و ارتجاعی و اثرات شوم تسلط طولانی استعمار و اداره استعماری به فضای صلح، وقت و نیروی کافی مادی و معنوی احتیاج داریم.

برای این منظور ما از همکاری‌های دوستان و کمک‌های بی‌شایبه و بدون قید و شرط خارجی جهت پیشرفت جامعه خود کار خواهیم گرفت. مناسبات دوستانه و عنعنوی که با کشور هندوستان، داریم به ما امیدواری آنرا می‌دهد که به منظور انکشاف جامعه خود در ساحات گوناگون از آنها یاری بخوایم و ساحه همکاری‌های موجود را توسعه بخشیم

چنانچه از تاریخ ۱۴-۱۷ ماه می ۱۹۸۲ ششمین کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، تجاری و تخنیکی افغان هند در کابل دایر گردیده و نتایج کار آن سودمند بوده است. جانب افغانی پیشنهادهای مشخص در تمام ساحات از قبیل صحت عامه، صنایع، برق، زراعت، انکشاف دهات، تسهیلات ترانزیتی، حجم صادرات و واردات به دوستان هندی ارائه داشته اند. پیشنهادهای معینه جهت توسعه لازم و ممکن پروژه‌های مورد بحث قرار گرفته و دوستان هندی در پرنسیب پذیرفته اند. باید خاطر نشان سازم که از نتایج پراهمیت مذاکرات اخیر بین کشور ما و هند، عقد پروتوکول ۲۵ ثور ۱۳۶۱ در ساحات همکاری‌های اقتصادی، تجاری و تخنیکی و عقد پروتوکول یازده قوس ۱۳۶۱ در زمینه همکاری طبی در کابل است افق‌های وسیع و نوین همکاری‌های متقابل سودمند در پیش روی ما گسترده است. ما با گام‌های استوار در جهت گسترش این همکاری‌ها به پیش می‌رویم. باید به یک نکته با اهمیت دیگر تأکید نمایم که تحکیم روابط بین کشور‌های ما عنصر بسیار حیاتی برای حفظ صلح و امنیت در منطقه ما و جهان است.

سوال:

رهبان غرب درباره اعاده موقف عدم انسلاک افغانستان سخن می‌گویند و به این طریق می‌پندارند که با موجودیت عساکر اتحاد شوروی در افغانستان این کشور موقف عدم انسلاک خود را از دست داده است، پاسخ شما در ارتباط به این چیست؟

جواب:

اظهارات و پندار برخی از رهبان غرب به کلی بی‌اساس و عاری از حقیقت است. چه افغانستان نه تنها عضو جنبش عدم انسلاک، بلکه از جمله مؤسسين آن نیز است. جمهوری دموکراتیک افغانستان عضو فعال این جنبش بوده است و خواهد بود. موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان هیچگاه به موقف عدم انسلاک ما لطمه وارد نمی‌کند. همین حالا در بعضی کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک قوای خارجی وجود دارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس یک

معاهده معتبر با اتحاد شوروی که در سازمان ملل متحد نیز مسجل شده است قطعاً محدود آن کشور را دعوت کرده تا مردم، قوای مسلح و قوای امنیتی افغانستان را در دفع و طرد تجاوز مسلحانه از خارج یاری رسانند. این اقدام جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق ماده پنجاه و یک منشور ملل متحد نیز است که دفاع دسته‌جمعی را جایز می‌شمارد. رهبران یادشده غربی با هر عملی که آن را ضد منافع خود تشخیص دهند، هر چند قانونی هم باشد، با آن مخالفت می‌ورزند. مخالف انعقاد معاهده دوستی و همکاری یک عده کشورهای آسیایی و افریقایی با اتحاد شوروی بوده اند. اما اگر امریکا حق خود میداند که با کشورهای موافقتنامه نظامی انعقاد کند و هر نوع سلاح پیشرفته در اختیار آنها قرار بدهد و پایگاه نظامی نیز در آن کشورها داشته باشد، اما نمی‌گویند که این امر مغایر موقف عدم انسلاک کشورهاست، در واقع این رهبران غربی مخالف سم‌نگیری مترقی جنبش عدم انسلاک اند، ازین لحاظ می‌خواهند در داخل جنبش تفرقه و دو دستگی ایجاد کنند و آن را از دوستان واقعی آن دور سازند تا جنبش را ازین طریق تضعیف کرده وحدت آن را منززل سازند و از آن به نفع خود بهره برداری کنند، اینست واقعیت اندیشه و پندار بعض رهبران غرب.

سوال

انتظار شما از هند در جنبش غیرانسلاک که اکنون دهلی نوبه مئیه محل هفتمین کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلاک انتخاب گردیده و خانم اندرا گاندی به عنوان رئیس حکومت هند به عوض رئیس جمهور کیوبا فیدل کاسترو رئیس دوره سه سال بعدی این جنبش خواهد گردید، چیست؟ آیا شما می‌خواهید که در جلسه سران این کشورها که در اوایل مارچ دایر می‌گردد شرکت کنید؟ آیا شما علاقمندید که خانم اندرا گاندی برای حفظ وحدت و هم پیوسته گی غیرمنسلاک در برابر فشار خارجی، پیرامون موضوعاتی از قبیل مسئله افغانستان، این جنبش را تخریب کند، چه نقش را ایفا بنماید؟

جواب :

جمهوری دموکراتیک افغانستان به حیث عضو فعال و مؤسس جنبش عدم انسلاک و دوست دیرین و صمیمی هند نهایت مسرور است که دهلی جدید محل هفتمین کنفرانس سران دول و یا حکومت کشورهای غیرمتعهد تعیین شده است. این امر به خوشی ما می‌افزاید که خانم اندرا گاندی صدراعظم هند و دوست صمیمی افغانستان برای یک دوره سه سال، ریاست جنبش را به جای یک دوست صمیمی دیگر افغانستان رقیق فیدل کاسترو رئیس دولت کیوبا عهده دار می‌گردد.

آرزوی صلح‌خواهی و در صلح و صفایستن و عدم تشدد در سرنوشت مردم بزرگ هند نهفته است. این خصالت حتی هنگام مبارزات آزادی و استقلال هند از یوغ

اسنعمار، مشی سیاسی مهاتماگاندی و دیگر رهبران هند را تشکیل می‌داد، پندت جواهر لعل نهرو صدراعظم سابق هند و شخصیت ممتاز بین‌المللی و یکی از مؤسسين نهضت در تمام مراحل تأسیس آن سهم فعال و بارز داشته است. خانم اندرا گاندی دختر صدیق نهرو و سیاستمدار برجسته بین‌المللی که مساعیش در راه حفظ صلح و استقرار و رفع تشنج در منطقه و جهان مشهود است به یقین از انجام این عهد سنگین به شایسته‌گی بدر خواهد شد.

برای ما جای خوشی است که خانم اندراگاندی از وضع منطقه و انکشافات آن و عوامل ایجاد تشنج در آن به خوبی آگاه است. سیاست معقول و واقعینانه هند در قبال اوضاع منطقه موجب رضایت خاطر ماست.

مسئله صلح و جنگ همیشه توجه جهانیان را به خود معطوف داشته است. نهضت عدم انسلاک که یکی از عوامل عمده در راه برقراری صلح پایدار در جهان محسوب می‌شود، باید در راه حفظ صلح سعی لازم به خرج داده به فعالیت حلقه‌های جنگ طلب مجال ندهد. جمهوری دموکراتیک افغانستان و هند هر دو از سیاست صلح و اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم تجاوز به هر اسم و رسمی که باشد، عدم استعمال قوه در حل منازعات بین‌المللی و همسایه‌گی نیک و غیره پیروی می‌کنند. اینها همه از اصول قبول شده جنبش عدم تعهد اند. من یقین کامل دارم که خانم اندرا گاندی با تعقیب مشی اصولی سیاست کشور خود در جنبش عدم انسلاک خدمت ارزنده در راه تقویت این جنبش انجام داده و برای حفظ وحدت و هم پیوسته‌گی آن مساعی لازم به خرج دهد.

تا جایی که به ما مر بوط است از هر نوع همکاری با خانم اندراگاندی در انجام وظایفش در جنبش دریغ نخواهیم کرد. ما خیلی مسرور خواهیم بود که در کنفرانس آینده سران دول و یا حکومت کشورهای غیرمتعهد در دهلی جدید اشتراک کرده در امر تحکیم وحدت این جنبش در مقابل دسایس امپریالیست‌ها سهم فعالی داشته باشیم.

سوال:

کشورهای غیرمنسلك توقع دارند که همسایه‌گان غیرمنسلك در صلح و توافق زنده‌گی کنند. جای بسیار تأسف است که در کشور غیرمنسلك ایران و عراق از مدت طولانی با هم می‌جنگند به صورت مساویانه تأسف آور است که خصوصیت بین سه کشور غیرمنسلك ایران، افغانستان و پاکستان به صورت ناگواری صلح و ثبات را در این بخش جهان متأثر نموده است. آیا هند می‌تواند به مثابه عضو عمده جنبش غیرمنسلك و همچنان کشوری که مناسبات حسنه با هر دو کشور ایران و افغانستان دارد و می‌کوشد با پاکستان روابطش را بهبود بخشد، نقش مفید در اعاده موافقت بین ایران، افغانستان و پاکستان ایفا کند و هم‌زمان به تقویت صلح منطقه‌وی کمک نماید؟

جواب :

ما عقیده داریم که ادامه جنگ بین کشورهای ایران و عراق فقط به سود امپریالیزم
به سرکردگی امپریالیزم ایالات متحده امریکا در منطقه تمام خواهد شد.

ما از همان آغاز این جنگ بر این باور بوده و هستیم که ادامه جنگ به زیان و
تضعیف نیروهای بالقوه ضدامپریالیستی منطقه و منحرف ساختن ذهن مردمان منطقه
از چپاول ثروت‌های این بخش از جهان به وسیله انحصارات غارتگر امپریالیستی و
در نتیجه سرکوبی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی منطقه مشتمل گردیده است.

ما عقیده‌مندیم که این بیهوده برادرکشی که موجب تقویت مواضع امپریالیزم و
صهیونیزم در منطقه می‌شود باید هرچه زودتر پایان یابد و هر دو کشور اختلافات
را از طریق مذاکره حل نمایند.

من با شما موافقم که اوضاعی که در نتیجه مداخلات امپریالیستی و جنگ اعلان
ناشده امپریالیزم علیه کشور ما در اطراف جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد
شده به شمول عوامل دیگری نظیر تسلیح بی‌سابقه پاکستان توسط ایالات متحده
امریکا، تلاش‌های امپریالیزم ایالات متحده برای افزایش حضور نظامیش در این
منطقه از جهان و بحر هند، تلاش دیوانه وار امپریالیزم ایالات متحده امریکا برای
ایجاد پایگاه‌های نظامی در نزدیکی سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان و هند،
صلح و ثبات را نه تنها در منطقه بلکه در تمام جهان شدیداً به مخاطره افکنده است.

امپریالیزم امریکا بعد از سرنگونی رژیم شاه در ایران در صدد است جانشینی برای
ژاندارم منطقه پیدا کند و اکنون این جانشین را که از منافع انحصارات غارتگر
امپریالیستی در منطقه حمایت کند و در خدمت ستراتیژی جهانی ایالات متحده امریکا
قرار داشته باشد سعی و کوشش می‌نماید تا رژیم نظامی حاکم بر پاکستان را به حیث
تکیه گاه تدارکات نظامی خود و پاسدار منافع امپریالیستی مبدل کند.

تمام این اوضاع و احوال کشورهای صلح‌دوست منطقه از جمله افغانستان و هند را
و امیدارد تا در برابر این تهدیدات خطرناک بی‌تفاوت نباشد.

ما مساعی کشور دوست هند را در مورد حل قضایای منطقه و رفع بحران در این
بخش مهم جهان به دیده قدر نگرسته و از آن حمایت می‌کنیم.

ما عقیده داریم که سیاست امپریالیزم در منطقه تنها بر ضد جمهوری دموکراتیک
افغانستان نه، بلکه بر ضد جمهوری هند که از سیاست خارجی مستقل صلح‌جویانه
پیروی می‌کند، نیز می‌باشد.

هدف امپریالیزم همچنان ایجاد تحریکات از بیرون و دامن زدن تخریبات در درون

جمهوری دموکراتیک افغانستان قدرت آنرا دارد که از دستاوردهای انقلاب شور علی‌الرغم افزایش مداخلات ارتجاع و امریالیزه قاطعانه دفاع نماید

هند می‌باشد.

ما عقیده داریم که تأمین صلح به نفع تمام کشورهای منطقه ماست، هند صرف نظر از سیاست صادقانه و صلح‌جویانه اش به خاطر امنیت خود نیز قویا مایل به حل مسایل منطقه می‌باشد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان حل و اقعینانه قضایای منطقه و از جمله قضایای اطراف افغانستان است.

بیانیه شفاهی هنگام پذیرش سرکردمگان گروه‌های مسلح پیوسته به دولت جمهوری
دموکراتیک افغانستان ۲۲ حوت ۱۳۶۱

ضدانقلاب افغانستان زیر نام دفاع از آزادی و استقلال عملاً برضد آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و برضد منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌جنگد

برادران هموطن! اولتر از همه ورود شما را به کابل به پایتخت جمهوری
دموکراتیک افغانستان انقلابی از صمیم قلب خوش آمدید می‌گویم. از طرف حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، جبهه ملی پدروطن، از طرف شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان و هیات رئیسه آن و حکومت باارهم بنابر اینکه برادران
هموطن به دولت خود، به آغوش پدروطن خود، به آغوش مردم خود، به حزب و
انقلاب، به جبهه ملی پدروطن پیوسته اند و بخصوص از طرف خود، از صمیم قلب
شاد باشی می‌گویم.

برادران هموطن!

طی چند روزی که در کابل تشریف داشتید، شما از تمام حقایق تلخ و واقعی، مردم
افغانستان و دوستان ما را، بسیار عمیق آگاه نمودید، من تمام گزارش‌ها را تعقیب
کرده ام.

انسان‌های شریف و نجیب وقتی که به حقایق پی می‌برند، هیچگاه دیگر خون را با
خون نمی‌شویند و همچنین بر اساس سنن و عنعنات ملی افغان‌ها وقتی که دو مخالف
و دو دشمن سنگ دوستی را با هم می‌گذارند، از دشمنی خود می‌گذارند البته این
امر در روابط اشخاص است. در رابطه بین ملت و دولت، يك دولتی که خدمتگزار
مردم باشد، یک دولت ملی، يك دولت دموکراتیک هیچگاه در برابر مردم خود، ملت
خود، از سلاح استفاده به عمل نمی‌آورد.

به اساس اراده مردم افغانستان و به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به
کمک قوای مسلح قهرمان افغانستان، انقلاب ثور رخ داد. ما در همان آغاز انقلاب
ثور اعلام داشتیم که انقلاب ما ملی و دموکراتیک است و به دین مقدس اسلام نه تنها
احترام می‌گذارد، بلکه اصول و اساس‌های آن را رعایت می‌کند. در همان بدو انقلاب
ثور ابراز داشتیم که افغانستان کشوریست آزاد، مستقل و در جهان از خود بی‌برق
مستقل در حال اهتزاز دارد. مردم شرافتمند و زحمتکش و مسلمان افغانستان و دولت
جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ نیروی شیطانی در جهان اجازه نمی‌دهند که

ضد انقلاب افغانستان زیر نه دفاع از آزادی و استقلال عملاً برضه آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و برضه منافع زحمتکشان جمهور و دموکراتیک افغانستان می جنگد

به ما درس اسلامیت بدهند، بلکه این افغان‌ها بودند که دیگران را در راه اسلام هدایت کردند. تمام تاریخ شاهد این قضیه است که در اطراف و اکناف ما، امروز کسانی که داد از اسلام می‌زنند، توسط افغان‌ها به دین اسلام مشرف شده اند.

پس برادران هموطن!

امروز يك عده کسانی که در کشور بر اثر تحریکات دشمنان دیرین افغانستان، دشمنان پدروطن افغانستان زیر ماسک دروغین اسلام علیه اسلام، زیر نام آزادی افغانستان علیه آزادی افغانستان می‌رزمنند، در طول تاریخ دشمنان افغانستان بوده اند. امروز ما مصمم هستیم که از اسلام واقعی و حقیقی صیانت کنیم.

برادران هموطن!

از همان بدو پیدایش دین اسلام دو نوع اسلام بود: یکی اسلام واقعی و حقیقی، دیگری اسلام منافقین که آن وقت هم وجود داشت. از آن تاریخ تا کنون همیشه این دو سیر در اسلام وجود داشته است.

امروز یک نوع اسلام به نام اسلام امریکایی و امپریالیستی و چینایی و دست نشانده‌گان آن و مرتجعین در جهان و دیگر اسلام واقعی و حقیقی است که افغانستان در سنگر مقدس آن قرار دارد. ما از بدو امر، وقتی که حزب ما تأسیس می‌گردید تا به امروز تعهد سپرده ایم که به چیزی که معتقد هستیم آن را خواهیم گفت و آن را عمل خواهیم کرد. آن عبارت از چیست؟ عبارت از حقیقت است. ما در راه حقیقت، حق و عدالت در کشور خود مبارزه کردیم، مبارزه می‌کنیم و تا اخیر مبارزه خواهیم کرد. ما به مردم خود، مردم شرافتمند و نجیب، دلیر و شجاع و زحمتکش خود اعتقاد راسخ داریم که مردم ما در پیوند با دولت مردمی خود، افغانستان را دفاع می‌کنند، آزادی و استقلال افغانستان را پاس می‌دارند و یک افغانستان متمدنی، شگوفان، سربلند و آزاد و باز هم پیشرفته‌تر و متمدنی‌تر ایجاد می‌نمایند. از جمله آرمان‌های انقلاب ثور به چند نکته بازهم تماس خواهیم گرفت و آن عبارت از این است که انقلاب برای خدمت به مردم زحمتکش به وجود آمد تا قدرت‌های جبار، ظالم، ستمگر و استثمارگر را از کشور محو بسازد و توده‌های عظیم مردم از یوغ استبداد نجات پیدا کنند و بتوانند به کمال آزادی به عبادت خود، به کار و زحمت در ساختمان جامعه، به رفاهیت خانواده، به تربیت کودک، حفظ ناموس، شرف و افتخارات خود کار و بیکار نمایند. از بدو پیدایش جوامع بشری همیشه در کشورها، در جوامع بشری، در میان ملل، انقلاب‌هایی رخ داده است.

در افغانستان هم چنین جهش‌های انقلابی رخ داده است. انقلاب ما از نوع انقلاب مردمی‌یی بود که برای تأمین سعادت، رفاه و عدالت در کشور به وجود آمد و لیکن

ضد انقلاب افغانستان زیر نه دفاع از آزادی و استقلال عملاً برضه آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و برضه منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می جنگد

از انقلاب مردمی افغانستان، از انقلاب ملی و دموکراتیک مردم زحمتکش مسلمان افغانستان، تبلرزه به جان دشمنان افتاد، دشمنان داخلی، سلاطین مستبد، والاحضرت ها سردارها، شاهزاده‌ها، اعیان، اشراف، سودخوران، قاجاقبران، افراد ظالم و ستمگر در سراسر افغانستان از یک سو و دشمنان خارجی، ارتجاع و امپریالیزم به کمک دشمنان دیرین ما محافل حاکمه پاکستان که ما بین این دو باید فرق قایل باشیم به ایجاد یک جبهه متحد نامقدس را علیه انقلاب افغانستان، انقلاب ثور آغاز کردند و با کمال تأسف طوری که همه شما به تفصیل توضیح دادید در آنجا یکی از نمایندگان خود را، یا یک گروه از نمایندگان خود را در داخل حزب ما، انقلاب و دولت ما نفوذ دادند تا حزب، دولت و انقلاب که باید در خدمت مردم قرار می گرفت، شیوه انحرافی و کجروی را اتخاذ نماید و ضد مردم قرار گیرد. به اراده فرزندان خود تان، فرزندان مردم افغانستان تحول شش جدی یا مرحله نوین انقلاب ثور ظهور کرد. مرحله جدید در بدو امر، در اولین اعلامیه‌یی که صادر کرد از جمله عفو عمومی زندانیان را اعلام داشت، بدون فرق اندیشه و مقبوره و اینکه به کدام حزب یا جمعیت یا قوم یا ملیت یا مذهب تعلق داشته باشد، بلا استثنا همه آزاد گردیدند. البته هموطنانی که از تیغ خونین امین جلاد زنده باقی مانده بودند. مگر ببینید، دشمنان قسم خورده مردم افغانستان به مجردی که از زندان آزاد شدند، به پاکستان فرار کردند و در آنجا به کمک دشمنان دوباره ضد مرحله نوین، مردم، دولت ما، حزب، انقلاب و وطن ما به تحریکات و تخریبات آغاز کردند. همچنین بنابر تحریکات ارتجاع و امپریالیزم بخصوص وقتی که انقلاب آزادی بخش مردم افغانستان به پیروزی رسید تا یک افغانستان قوی، مقتدر، نیرومند، غنی و پیشرفته ایجاد گردد. در این وقت محافل حاکم و دشمنان از ترس انقلاب آزادی بخش افغانستان، علیه افغانستان قرار گرفتند.

یکت از شما مسئله بسیار مهم تاریخ را برملا ساخت و گفت: اگر شش جدی، مرحله جدید ظهور نمیکرد، برای ما اطلاع رسیده بود که در هشت جدی گلبدین به کمک حفیظ الله امین قدرت دولتی را می گیرند، یا به عباره دیگر به کمک پاکستان، امریکا، و چین قدرت را در افغانستان تصرف می نمایند.

ما اطلاعات خاص داشتیم که سرنوشت افغانستان را به جایی کشانده بودند که هستی و نیستی مردم افغانستان مطرح بحث بود. پلان طوری بود که در افغانستان تا قسمت های هندوکش تحت نفوذ پاکستان قرار گیرد، یک قسمت تحت نفوذ کشورهای غربی قرار گیرد، یک قسمت (بدخشان، تخار و غیره) تحت نفوذ چین قرار بگیرد و در کابل، در مرکز به واسطه حفیظ الله امین و متحدین او مثل گلبدین و غیره و غیره یک حکومت دست نشانده سی، آی، ای امریکا به وجود آید، این بود یک پلان. پلان دیگر این بود که اصلاً به نام افغانستان دیگر در کره زمین، در روی نقشه دنیا کشوری وجود نداشته باشد. فقط این پلان چند روزه بود که باید اجرا می شد. اینجا

بحث دفاع از انقلاب، دفاع از مردم، یک طرف قضیه، مسئله شرف ما، وطن ما، آزادی ما، استقلال ملی ما، حاکمیت ملی ما، تمامیت ارضی افغانستان، وطن، ناموس و شرف ما در طرف دیگر قضیه مطرح بحث بود، به این نسبت فرزندان صدیق مردم افغانستان وقتی که حفیظ الله امین را تشخیص دادند و درک کردند و دیدند که زیر عنوان انقلاب به کدام جهت و طرف می رود، شروع کردند به فعالیت های مخفی که در شش جدی حفظ الله امین سرنگون گردید.

امریکا چه پلان داشت؟ در تبتانی با امین و باند او و یا به اصطلاح سران و رهبران و امیران خودساخته امریکا که در پاکستان هستند با کوماندوها، (گروپ های مخصوص تربیه شده امریکایی) با طیارات، همه آمادگی خود را گرفته بودند که در افغانستان از راه زمین از خاک پاکستان و از هوا به وسیله پراشوت داخل شوند.

خوب، سابقاً هم شورای انقلابی (بعد از قرارداد دوستی که با اتحاد شوروی عقد شد و در ملل متحد ثبت گردید و بر اساس ماده (۵۱) منشور ملل متحد یعنی قوانین بین المللی چندین بار (در حدود چهارده بار) قبل از شش جدی) از اتحاد شوروی دعوت به عمل آورده بود که بنابر خطر ارتجاع و امپریالیزم از طریق خاک پاکستان و چین و غیره باید به نجات خاک افغانستان بشتابند. لیکن اتحاد شوروی همیشه این پاسخ را داده بود که شما کوشش کنید که با مردم افغانستان مسایل را حل و فصل کنید. خود مردم افغانستان می توانند از خاک و کشور خود دفاع نمایند. مگر افسوس که در آن وقت مردمان ما و هموطنان ما در کوهها پناه برده بودند، هیچگونه وسیله و واسطه بی وجود نداشت که ما یک جرگه بزرگ وطنی را دایر میکردیم. ما بعد از شش جدی به همان خواسته تاکید کردیم برای اینکه در همان شب و روز اگر این اقدام صورت نمی گرفت یعنی کمک به وجود می آمد، بلکه شرف و حیثیت و آزادی و استقلال افغانستان نیز از بین می رفت. این یک پهلوی قضیه پهلوی دیگر قضیه این که جنگی در داخل منطقه و حتی در جهان به وجود می آمد. در این جاست که نکته مهم دیگری را به پیشگاه برادران هموطن خود خاطر نشان می سازم که امپریالیست های امریکایی مثل دوران فاشیسم هتلری همیشه تحریکات جنگی می کنند، کوشش می نمایند در هر نقطه جهان تشنج را به وجود بیاورند، در شرق میانه اسرائیل را تحریک می کنند، همینطور در امریکای لاتین، در افریقا و در آسیا که یکی از این نقاط افغانستان است. هدف آنها به راه انداختن جنگی تباه کن تمام بشریت است که دیگر انسان در کره زمین وجود نمی داشته باشد. این جنگی اتمی است، دو بم خورد اتمی در جاپان استعمال شد، دو صد تاسه صد هزار نفر را آنرا از بین برد.

برادران هموطن!

وقتی که یک دولت ایجاد شد و انقلاب صورت گرفت، دولت هم از خود و ظایفی دارد. آرزوی ماست که حکومت های محلی مردمی ما در سراسر افغانستان به وجود بیایند، یعنی در هر قریه و ده، علاقه داری و ولسوالی و ولایت خود مردم گردهم جمع شوند. بر اساس جرگه های وطنی ما، مشوره های وطنی ما و جلسات وطنی، مسایل خود را حل و فصل کنند و حتی از میان خود همان هوشیارترین، فهمیده ترین و عادل ترین شخص را پیدا کنند به حیث ولسوال یا به حیث هیات رئیسه ده، پانزده، بیست نفر را انتخاب نمایند که مسایل داخل محل خود را حل و فصل کنند. این از آرمان های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جبهه ملی پدروطن افغانستان است. البته این داوطلبانه است، به زور و فشار نیست. آرمان انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور این است که وقتی دولت مردمی می گوئیم، خود مردم دولت خود را اداره کنند و ما بتوانیم که لویه جرگه یا یک شورای بزرگ از نمایندگان سراسر افغانستان را بدون تبعیض و تمایز، از تمام اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان اعم از پشتون، تاجک، ازبیک، هزاره، ترکمن، نورستانی، بلوچ و غیره و غیره به وجود آوریم و نمایندگان، درین شورای بزرگ شرکت کنند و حکومت خود را تشکیل دهند یا به نام هیات رئیسه یا رئیس جمهور خوششان دولت و حکومت خود را به وجود بیاورند. در چوکات جبهه ملی پدروطن به کمک و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که خدمتگزار شماسست و باید باشد، یکجا همه در یک فضای صلح، برادری و برابری، آشتی و هموطنی و مسلمانی، همه در آغوش وطن خود جمع شویم و شروع کنیم به ساختمان یک وطن جدید، یک وطن آباد، یک وطن مرفه.

ما در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در قوانین و سیاست خود اعلام داشتیم که هر کسی که در افغانستان ضد دین اسلام تبلیغ نماید سخت ترین جزا به اساس قانون به وی داده خواهد شد. خوب باز یک تأکید:

آرمان انقلاب ما چه است؟ چند مطلب را بر می شمارم، در این جا، آزاد و بسیار آزاد مثل یک جرگه وطنی کسی که با من مخالف باشد به جرأت برخیزد و بگوید من با تو مخالف هستم، دلایل ارائه کند من هم دلایل ارائه می کنم، باز به رأی گیری می پردازیم هر فیصله ای که شما می کنید من هم حاضر هستم.

خوب، آرمان ما چیست؟ ما می خواهیم که هر فرد دهقان و خانواده دهقان افغانستان صاحب زمین خود باشد و خودش بالای زمین خود کار کند و دولت برای دهقان کودکیاوی، تخم بذری، آب و غیره احتیاجاتی که دارد و تراکتور آماده بسازد و به او بدهد، برایش پول پیشگی بدهد حاصلاتش را وقتی که از احتیاجاتش زیاد است بخرد، به قیمت مناسب به قیمت خوب، بازار برای حاصلات زمینش پیدا بکند. در

افغانستان در حدود دو صد میلیون جریب زمین بلکه بیشتر، زمینی داریم که با یک سرمایه گذاری چه از دریای آمو یا کوکچه یا هلمند یا دیگر دریاهاى خود اگر آب بکشیم، کانالها بکشیم و این زمینهای بایر و بکر خود را آبیاری بکنیم می توانیم زندگی دهقانان بیچاره و بدبخت خود را که نه لباس دارند و نه خوراک درست و به شما معلوم است که اولادشان به مکتب رفته نمی توانند خانه یی که در آن زندگی می کنند ما نند يك مغازه است که انسان در آن زندگی کرده نمی تواند. اکثریت شما در مناطق هزاره جات، در بدخشان و غیره نقاط کشور دیده باشید، خوشبخت و مرفه سازیم.

حالا يك سوال ساده:

این، مخالف دین اسلام است؟ کجایش کفر است؟ اینجا مولوی ها هستند، مولوی های دیگر نیز ما داریم. بیایید يك جرگه بزرگ مولوی ها را به وجود آوریم. البته از داخل خود افغانستان، نی که گوش ما به طرف ایران و پاکستان باشد که چه میگویند، خود ما روحانیون داریم، دانشمندان داریم، مولوی ها داریم، ملاها داریم ما فتوای کشورهای خارجی را چرا بپذیریم، مگر از همین افغانستان بزرگترین علما و دانشمندان اسلام ظهور نکرده اند؟

خوب، ما برای دهقان خود می خواهیم در نزدیک ده قریه اش يك مکتب باشد که از اموردینی، دنیایی و مسایل جهان اطلاع حاصل کند، صاحب فهم، صاحب دانش باشد یعنی خط نوشته بتواند سواد داشته باشد، آیا این مخالف اسلام است، که مکتب وجود داشته باشد؟ ما می خواهیم برای ده خود شفاخانه بسازیم، در همان نزدیکی های ده يك ولسوالی، بند برق ساخته شود، برای کارگران باید کار پیدا شود، فابریکه باید ساخته شود، منابع زیرزمینی خود را باید استخراج کنیم، کوه های ما پر از منابع است باید آنها را به واسطه کارگران خود، به واسطه بازوان مردم خود بیرون بکشیم، ما ملیناردها ملیناردها ذخیره طبیعی داریم، چرا ما اینها را بیرون نکشیم، کشور خود را آباد نسازیم؟ ما سرک های بسیار خوب نداشته باشیم؟ ما دهات و خانه های خوب نداشته باشیم؟ لباس خوب برای مردم خود نداشته باشیم؟ کشور خود را صنعتی نسازیم؟ برق در تمام دهات خود ندریم؟ برق چیزی بد است؟

مثلاً کوپراتیف ها ساخته می شود. کوپراتیف چه است؟ چارنفر می نشینند میگویند بیایید ما و شما انداز می کنیم، یکجا می شویم یا همدیگر کمک می کنیم به این ترتیب آنکه زحمت میکشد چار چند حاصل می گیرد. ما ملکیت را از بین نمی بریم هر کسی که گفته ملکیت را در افغانستان کسی از بین می برد او خاین به خلق افغانستان است. میراث حق مردم افغانستان است. مقدس نگهداشتن و احترام به خانواده از وظایف انسانی و مقدس ماست.

ضد انقلاب افغانستان زیر نه دفاع از آزادی و استقلال عملاً برضه آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت
ارضي کشور و برضه منافع زحمتکشان جمهوري دموکراتیک افغانستان می جنگد

خوب، اگر ما شهرهای خوب داشته باشیم، خطوط آهن داشته باشیم که از کابل به
هرات، از بلخ به جلال آباد پکتیا و دیگر مناطق امتداد یابد، چه بدی دارد؟

برادران هموطن!

دولت افغانستان دولت ضعیف نیست. ما يك قوای مسلح نیرومند و قوی داریم این
درست است که قبلاً ما ضعیف بودیم، دولت ضعیف بود ولی حالا به واسطه قوای
مسلح خود ما می توانیم که در برابر دشمنان افغانستان مبارزه کنیم.

اگر ما به برادران هموطن خود که از دست ظلم و ستم امین و تحریکات دشمن به
کوهها آواره شده اند، امروز دست صاف و صادقانه اسلامی، انسانی، افغانی پیش
می کنیم این از ضعف نیست، هیچ قدرت اکنون در جهان نمی تواند از راهی که
اکثریت مردم افغانستان از راه انقلابی که ما انتخاب کرده ایم ما را بگرداند.

اکنون به پاکستان، نه امریکا با قدرت بزرگ بین المللی خود، دیگر جرأت این را
ندارد که به اندازه يك وجب چشم سوء به خاک مقدس افغانستان داشته باشند. افغانستان
از نظر ملی، منطقه ای و بین المللی موقف بلند و پراعتماد دارد. هم اکنون صدر
اعظم کشور و زیر خارجه ما از دهلی، از کنفرانسی کشورهای غیرمنسلك به کابل
آمدند. گزارشی که به من دادند نشان می دهد که موقف افغانستان در بین کنفرانس بسیار
آبرومندانه و موفقیت آمیز بود.

برادران محترم هموطن!

قبلاً عرض کردم که يك دولت واقعی خدمتگزار مردم همیشه هدفش اینست که اتحاد
برادرانه سراسر کشور خود را و مردم خود را تأمین بکند، بدون تبعیض و تفاوت،
و از اتحاد و اتفاق آنها صلح و برادری و آشتی را در سراسر وطن برقرار سازد.
یکی از وظایف مهمی که اکنون شما به کابل تشریف آورده اید و بیوند تانرا با دولت
تان اعلام داشته اند، این است که به تبلیغات بزرگ در سراسر افغانستان دست بزنند
و به مردم ابلاغ کنید. به یک اعلامیه باید اکتفا نشود، باید با قبول قربانی و قبول
وقف جان خود به ده، به قریه، به قشلاق، به کوه، به دره بروید، برای مردم حقیقت
را برسانید که هموطنان! تفنگ های تانرا برای حفظ ناموس تان نگه دارید، در برابر
اشرار، در برابر اجیران مزدوری که از خارج تربیه و فرستاده میشوند، به کار
برید. برای آنها پیام ها بفرستید، تبلیغ کنید که هرچه زود تر صلح سراسری در
افغانستان به وجود بیاید و برادرکشی از افغانستان کاملاً و برای همیشه محو گردد.

هموطنان محترم و گرامی!

بعد از تحول شش جدی ما هزارها هیأت خود را به سراسر افغانستان فرستادیم و به

ضد انقلاب افغانستان زیر نه دفاع از آزادی و استقلال عملاً بر ضد آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و بر ضد منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می جنگد

اساس عقو عمومی که از طرف هیات رئیسه شورای انقلابی توضیح شده دعوت کردیم که برادران بیابید، مسایل را دور یک میز مذاکره حل و فصل کنیم، ببینیم بین ما و شما چه اختلاف است. ما اطلاع حاصل کردیم که در فلان قریه و ده و فشلاق اشرار وجود دارد و جای شان هم معلوم است، لیکن ما علیه شان اقدام نکردیم از توپ، تفنگ و طیاره استفاده نکردیم برای اینکه می فهمیدیم که آنجا اگر پنج نفر شریر و قطاع الطریق و دزد از بین می رود صدها نفر طفل معصوم ما، مادران ما، پدران ما از بین می روند. اکنون وقت آن رسیده که بر اساس مذاکرات، جلسات و جرگه ها با هم یک مشت آهنین افغانی شویم.

برادران هموطن!

ما صلح و برادری سراسری تمام مردم افغانستان انقلابی، افغانستان آزاد، مستقل و سربلند را خواهانیم. سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان از آنجایی که ماهیتاً مردم افغانستان مردم صلح دوست اند، سیاست صلح آمیز است. ما می خواهیم که روابط نیک سیاسی بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستانه با تمام خلق های جهان بخصوص خلق های مسلمان جهان داشته باشیم.

خلق پاکستان و خلق ایران برادران خلق افغانستان می باشند ما می خواهیم مردم ما به حیث همسایه گان نیک برادرانه و دوستانه با این خلق ها زندگی کنند.

ما دو اعلامیه صادر کردیم، در دو اعلامیه دولت خوانده باشید یا شنیده باشید من از شما خواهش می کنم که، عین همان متن ها را ببینید اگر بتوانید به دسترس دیگر برادران ما هم بگذارید به حکومت های پاکستان و ایران پیشنهاد کردیم که بیابید، بفرمایید باهم پشت میز مذاکره بنشینیم، برادرانه بنشینیم که چه مورد اختلاف است؟ بر اساس مذاکرات سیاسی و مسالمت آمیز ما می توانیم تمام مسایل را بدون استتنا حل و فصل کنیم، روابط را درست بسازیم مسئله مهاجرین است خوب خود شما توضیحات بسیار وسیع دادید که این خود پاکستان است که مانع آمدن آن عده هموطنان ما از پاکستان می شود. بگذارید که هموطنان ما دوباره به وطن خود بیایند و میگویند که « انسانی زنده نیست که بی وطن است » هیچ انسان بی وطن بوده نمی تواند.

دشمنان انقلاب تبلیغات دروغین پخش می کنند، هر روز در رادیو ها دروغ می گویند، پیش ما اعتماد آنها سلب است. اینجا باید يك ضمانت داده شود، یک تضمین بین المللی وجود داشته باشد. قرارداد امضا شود که دیگر علیه افغانستان مداخله و تحریک صورت نمی گیرد و هیچگاه علیه یکدیگر تجاوز نمی کنیم.

ما هیچ وقت ایرانی ها را علیه ایران، پاکستانی را علیه پاکستان تحریک نمی کنیم و حکومت پاکستان هم هیچ افغانی شرافتمند و رنجکشیده ما را که اکثریت شان از

ضد انقلاب افغانستان زیر نه دفاع از آزادی و استقلال عملاً بر ضد آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و بر ضد منافع زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان می جنگد

سواد محروم هستند و هنوز حقایق را نمی فهمند علیه وطنش، مردمش، برادرانش استعمال نکنند، همینطور ایرانی‌ها هیچوقت افغان‌ها را علیه افغان‌ها استعمال نکنند این سیاست، سیاست استعماری قدیم انگریز و امپریالیست‌ها در رأس امپریالیزم امریکاست که در داخل یک کشور يك هموطن را علیه هموطن دیگر استعمال کند تا دولت را از بین ببرد و دولت دست نشاندۀ خود را به وجود بیاورد. باز هم می گویم که ما با تمام مردم جهان بخصوص مسلمانان جهان و خاصیت مسلمانان پاکستان و ایران می‌خواهیم در فضای دوستی، همسایه‌گی نیک و برادری زندگی کنیم.

نتیجه آخری این است که اتحاد شوروی طوری که خود شما در بیانیه‌های نان توضیح کردید، يك دوست صدیق و بی‌شایبه است.

هموطنان!

يك افغان بنابر خصوصیت و کرکتر خاصی که دارد هیچوقت با کسی دست نمی دهد که دستش صادقانه نباشد.

وقتی که تضمین بین‌المللی به وجود آمد، مناسبات ما طوری با همسایه‌گان ما نیک شد که دیگر تجاوزات از بین رفت، آزادی، استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی ما تضمین گردید، دیگر بالای افغان‌ها تجاوز خارجی صورت نگرفت در آن وقت قطعات محدود اتحاد شوروی با اطمینان، به کشور صلح‌آمیز خود پس عودت می‌کنند.

برادران محترم هموطن!

اجازه دهید، در اخیر بگویم که:

پاینده باد صلح و برادری و آرامش در سراسر افغانستان!

گزارش در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره وظایف تأخیر ناپذیر حزب در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی مطروحه در برنامه عمل ح.د.خ.ا.

۲۸ حوت ۱۳۶۱

رفقا!

مسئله‌ای که امروز در پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطرح می‌گردد، برای کشور و حزب ما اهمیت عظیم و حتی می‌توان گفت حیاتی دارد. من می‌خواهم فقط بر بعضی از جوانب اصولی قضیه و در گام نخست مستقیماً بر فعالیت حزب در عرصه اقتصاد و کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در این ساحه صحبت نمایم.

مسائل اقتصادی مبرم انقلاب ما، سیاست حزب در عرصه اقتصاد، در کنفرانس سرناسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور جدی، همه جانبه، دقیق و مشخص مورد بررسی قرار گرفت. این موضوع در اسناد کنفرانس و قبل از همه در سند اساسی آن یعنی برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافته است. در پلینوم‌های نهم و دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید که تشدید کار اقتصادی حزب، تحقق پیگیر و بی‌انحراف تدابیری در جهت بهبود زندگی مردم، به مثابه عامل ضروری توسعه پایه اجتماعی رژیم انقلابی و تجرید اجتماعی و سیاسی نیروهای ضدانقلابی به شمار می‌رود. به این ترتیب واضح است که ما ساحه مهم و پرمسئولیتی چون اقتصاد و کار اقتصادی حزب را هیچگاه از نظر دور نداشته‌ایم.

چرا بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مسئله تقویت و رشد اقتصاد کشور و ارتقای نقش حزب را در فعالیت اقتصادی عرض بررسی به یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی پیشنهاد می‌نماید؟ زیرا، وضع اقتصاد برای ما به هیچوجه قناعت‌بخش نیست و همچنین وضع کنونی اقتصاد نیازمندی‌های دولت و مردم را از لحاظ محصولات زراعتی و صنعتی و عواید مالی به اندازه لازم مرفوع نمی‌سازد. البته، در طی پنجسال بعد از انقلاب کارهای زیاد صورت گرفته است. اما بدون تقویت، توسعه و رشد بیشتر اقتصاد یعنی پایه مادی جامعه ما، چون هر جامعه مترقی دیگر، که انقلاب می‌کند، بدون رشد تولید زراعتی و صنعتی و تجارت، ترانسپورت، امور ساختمانی و استخراجی و غیره، ایجاد زندگی نوین و بهتر از گذشته برای مردم امکان پذیر نیست.

آیا ممکن است مردم از خوراک و پوشاک بیشتر و ارزاتر مستفید گردند در حالی که حاصلات گندم، و سایر حیوانات کچالو، سبزیجات، میوه جات، پنبه و غیره تعداد حیوانات کمتر گردد؟

آیا دولت می‌تواند دستمزد زحمتکشانش را افزایش بخشد فابریکه‌ها و کارخانه‌ها، سرک‌ها و جاده‌های جدید اعمار نماید و تعداد مکاتب و شفاخانه‌ها را بیشتر سازد، در حالی که عواید مالی دولت و حجم تجارت خارجی کاهش یابد؟ جواب روشن است: در صورت کاهش تولید در کشور، وضع زندگی مردم خرابتر می‌گردد. اینست دلایلی که بنابر آن اقتصاد باید به حیث وظیفه مبرم در مرکز توجه همیشگی حزب و حکومت قرار گیرد. عطف توجه و مواظبت نسبت به ترقی اقتصادی در عین حال توجه و مواظبت نسبت به سرنوشت انقلاب، توسعه پایه اجتماعی آن، توجه و مواظبت نسبت به مردم و فردای آنست. این امر باید جداً کار هر روز و هر لحظه سراسر حزب، همه کمیته‌ها و سازمان‌های آنرا تشکیل دهد.

بعضاً ما به نکته و اصلی مواجه می‌گردیم که می‌گویند اکنون سرکوبی ضدانقلاب امر عمده است، به اقتصاد بعد از امحای باندها می‌پردازیم. چنین طرح مسئله یعنی موکول ساختن وظایف اقتصادی به سرکوبی کامل ضدانقلاب از ریشه نادرست است. این کار انقسام مصنوعی دو وظیفه متقابلاً به هم مرتبط و ناگسستگی یعنی سرکوبی ضدانقلاب و رشد اقتصاد است که هر دو پیوند ضروری و ارگانیک با هم دارند.

زیرا مبارزه با ضدانقلاب خواهان بسیج نه تنها نیروهای بشری، بلکه منابع اقتصادی و مادی نیز است. به این مفهوم هر دستاورد اقتصادی ما نیز ضربه‌ای است به دشمن که در بسیاری حالات اهمیت کمتری از عملیات موفقانه نظامی ندارد. در نظر اول چنین معلوم می‌شود که همه چیز روشن و واضح است. لیکن ما باید صریح و نقادانه اعتراف نماییم که هنوز کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی شعبات آپارات حزبی و قبل از همه شعبات اقتصادی و بالاخره همه حزب طوری که شاید و باید به امور اقتصادی نمی‌پردازند و نقش و مسؤولیت خود را در تحقق سیاست اقتصادی و این امر که باید در زمینه توجه و مساعی لازم معطوف گردند، درست و به صورت انقلابی درک نمی‌کنند. رفقای ما هنوز عادت نگرفته اند که به فعالیت اقتصادی بپردازند. اهمیت واقعی حیاتی آنرا برای حزب و انقلاب به صورت علمی و عملی تشخیص نمی‌دهند و نمی‌دانند چگونه با این مسایل بر خورداصولی شود و باصلاحیت حل و فصل گردد. جداً باید گفت که این پدیده در حزب و حکومت ما بسیار و بسیار منفی است و از ریشه نادرست است. عضو حزب، با گذشت پنجسال از انقلاب ثور که هنوز هم نداند و یا نخواهد بداند که پیروزی ما بدون حل و فصل درست، پیگیر و هرچه کاملتر پروبلم‌های حاد اقتصادی که مستقیماً با منافع میلیون‌ها زحمتکش ارتباط دارد، امکان پذیر نیست، چنین عضو حزب مخصوصاً اگر به وی مقام پر مسؤولیت اعتماد شده باشد، باید تحت مؤاخذة و بازخواست جدی قرار گیرد. متوجه ساختن فکر و

عمل همه اعضای حزب به سوی اقتصاد به معنی منوجه ساختن همه حزب به مردم و نیازمندی‌ها و آرزوهای اساسی آنها در عمل است و نه در حرف.

تیورسین و سازمانده بزرگ انقلابی و رهبر پرولتاریای جهان می‌آموخت که اقتصاد، بهره دهی کار، تأمین رشد همه جانبه نیروهای مولده در آخرین تحلیل، مهمترین و عمدمترین مسئله برای پیروزی نظام اجتماعی نوین و پیشرو، برای محو عقبماندهگی و رسیدن به ترقی همه جانبه به شمار می‌رود. به اقتصاد، نقش و اهمیت فعالیت اقتصادی باید اینطور نگریم، و من صریحاً می‌گویم: اگر ما قبل از انقلاب شور نتوانستیم کادرهای خود را با شیوه درست تفکر برمسائل اقتصادی و برخورد سالم نسبت به مسوولیت اقتصادی حزب برای بعد از پیروزی انقلاب مجهز سازیم، اکنون دیگر این وضع غیرقابل تحمل است.

منجمله باید گفت که در کار سازمان‌ها و کمیته‌های حزب هنوز هم مسایل اقتصادی مقام لازم را اشغال نکرده است. نتایج بررسی نشان داده است که در مجموع مسایل مورد بررسی در سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزب مسایل اقتصادی فقط شش فیصد را تشکیل می‌دهد.

رفقا!

منشی‌های کمیته‌های حزبی ولایتی توجه شان جدا به این امر معطوف می‌گردد و کمیته‌های ولایتی لوگر، پروان، غور، وردک، پکنیا، ننگرهار، بغلان، بدخشان یا اینکه یک یا دو مسئله اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و یا اینکه هیچ مسئله اقتصادی را مطرح نساخته‌اند. در صورت چنین وضع معلوم می‌شود که کمیته‌های حزبی نمی‌توانند مسایل مهم مربوط به بهبود شرایط زندگی زحمتکشان را حل نمایند. درین صورت وظیفه مقامات رهبری حزبی است که در زمینه، تصمیم لازم در مورد چنین اشخاص و کمیته‌ها اتخاذ نماید.

در رابطه با این موضوع بجاست تذکرات رهبر پرولتاریای جهان را یادآوری کرد. هنگامی که وی اطلاع یافت که در جلسات ارگان‌های حزبی و دولتی اکثریت مسایل مورد بررسی را صرفاً مسایل سیاسی و تبلیغاتی می‌سازد گفت: «باید برعکس، باشد. واقعاً هم مسایل اقتصادی در کار کمیته‌های حزبی مقام پایینتر از آنچه را که در زندگی مردم دارد نباید داشته باشد. در غیر آن مردم ما، حزبی‌ها را درک نخواهند کرد. در رابطه با این موضوع صریحاً باید گفت که کار شعبات اقتصادی حزب به بهبود قطعی ضرورت دارد. این شعبات هنوز به قرارگاه‌های رزمی حزب در امر تحقق سیاست اقتصادی آن در محلات، به مراکز کار در جهت بسیج مردم برای باز سازی مؤسسات، سرک‌ها، پل‌ها، افزایش تولید، بهبودی تأمین احتیاجات مردم و حفظ آنچه که تولید می‌شود و انتقال می‌یابد، مبدل نشده‌اند. درینجا تجدید نظر قطعی در

امر برخورد رفقای مسؤول و کارمندان شعبات اقتصادی کمیته‌های حزبی نسبت به امور مربوط و نسبت به وظایف شان در برابر حزب و مردم ضروری است.

و بالاخره از کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی جداً خواسته می‌شود که در برخورد خود نسبت به سازماندهی و تحقق کنترول بر اجرای تصامیم اتخاذ شده تجدید نظر قطعی نموده تغییر ریشه‌یی وارد سازند. این سخن که بسیاری از تصامیم اتخاذ شده تحقق نمی‌پذیرد يك واقعت دردناك است. عدم موجودیت کنترول مؤثر بر اجرای تصامیم اتخاذ شده در فعالیت اقتصادی ما پدیده کاملاً غیر قابل تحمل است. این پدیده نشانه ضعف کار اپارات حزبی و دولتی می‌باشد. فقط با مبارزه آشنی ناپذیر با این پدیده و برخورد جدی و قاطع با آن می‌توانیم این نقص بزرگ و مرگ آور را رفع نماییم.

اینك تذکری درباره یک موضوع دیگر: بعد ازین کار ایدیولوژیک باید مجدانه و به مراتب بیشتر از گذشته با حیات اقتصادی و فعالیت حزب و دولت در عرصه اقتصاد، ارتباط داشته باشد. سیاست حزب باید برای توده‌های وسیع مردم قابل فهم باشد و به جلب آنان در امر احیا و رشد اقتصاد مساعدت کند. تجارب سازمان‌های حزبی پیشرو، ابتکارات و دستاوردها در عرصه کار باید دایماً از طریق رسانه‌های گروهی پخش و معرفی گردد. زمان آن فرارسیده است که آموزش منظم و پلان شده مبادی دانش اقتصادی هم از لحاظ تیوریک و هم از لحاظ عملی مشخص برای کادرهای حزبی سازمان داده شود. شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موظف است همه این مسائل را بررسی و مجموعی از تدابیر را در زمینه طرح نماید.

رفقا!

به يك سوال جدی برمی‌خوریم، باید به صراحت لهجه گفت که موضع ما از لحاظ اقتصادی موضع انقلابی است، طوری که در دیگر شئون حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اداری، حقوقی، فلسفی و غیره و غیره منحيث يك سیستم جامعه به آن معتقدیم و لیکن با کمال تأسف باید اعلان بدارم که عده‌یی از رفقا هستند که هنوز با آموزش اقتصادی تیوری علمی انقلابی بیگانه هستند. تا ما این آموزش را عمیقاً فرا نگیریم، نمی‌توانیم وظایف جدی و انقلابی خود را از لحاظ تیوری و پراکتیک در اوضاع و احوال و شرایط بخصوص جامعه افغانستان و کشور ما و بخصوص در وضع مبرم روز درک و تشخیص نماییم. وقتی که ما وظایف مبرم اقتصادی را درست درک و تشخیص ندهیم و بخصوص کرکترستیک و خصوصیات جامعه خود را درست درک نکنیم، چگونه می‌توانیم اهداف ستراتیژیک اقتصادی حزب و انقلاب را درک کنیم و به آن تحقق ببخشیم.

رفقا!

همه می‌دانند که اعمار اقتصادی جامعه ما در شرایط پیچیده و دشوار جریان دارد. باندهای مسلح ضدانقلاب با کمک و پشتیبانی وسیع و همه جانبه امپریالیزم و ارتجاع منطقه به سیامکاری‌های خویشتی ادامه می‌دهند. این نیروها تلاش می‌ورزند بی‌نظمی اقتصادی را به میان آورند. تولید و تأمین کالاها را مختل سازند. گرسنگی را ایجاد نمایند، یا به اختصار بگوییم می‌خواهند به قیمت بدترساختن شرایط زندگی مردم، اعتماد آنانرا نسبت به حاکمیت انقلابی زحمتکشان و توانایی این حاکمیت را برای عادی ساختن اوضاع، تضعیف نمایند.

خساراتی که به وسیله ضدانقلاب مسلح وارد شده است بالغ بر بیست و چار میلیارد افغانی می‌گردد و شاید هم بیشتر به این خسارات حتماً تأثیرات منفی را بر پلان‌های ما وارد آورده، پیشرفت را کند نموده و مردم را از حصول آنچه که پیش‌بینی شده بود، محروم ساخته است. همه اینها واضح است. اما، اگر وضع را از لحاظ محاسبات کلی و عمومی نظامی سیاسی امپریالیزم بررسی کنیم، با اطمینان می‌توان گفت که این محاسبات و پلان‌های آنان نقش بر آب شده است. ما یقین داریم که تاکتیک باندیتیزم اقتصادی خرابکاری نیز با شکست مواجه خواهد شد. آنان موفق نشدند تولید رر اعی و صنعتی و کار ترانسپورت و مواصلات را فلج و جریان زندگی اقتصادی کشور را مختل سازند. ما توانایی آنها را داریم که وظایف جدی را در عرصه اقتصاد مطرح سازیم و به اجرای موفقانه آن نایل آییم.

امروز در پلنوم ما، یعنی در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه بازسازی صنایع و زراعت را به مثابه وظیفه عمده سال‌های نزدیک مطرح می‌سازد تا در جریان سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۴ در رشته‌های اساسی اقتصاد به پیشرفت‌هایی نایل آییم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همه اعضای حزب، تمام وطنپرستان و همه زحمتکشانشان کشور دعوت به عمل می‌آورد که نیرو و انرژی خود را صرف حصول این هدف شریفانه و انقلابی سازند.

اتحاد شوروی بزرگ و نیرومند، کمک اقتصادی عظیم و گران‌بهایی به کشور ما مبذول میدارد. دشمنان ما مذبحانه سر و صداهایی را درباره موجودیت قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در کشور ما به راه می‌اندازند. آنان گلوی خویش را پاره خواهند کرد، ولی موفق نخواهند شد حقایق را بپوشانند. کمک اقتصادی و علمی-تخنیکی اتحاد شوروی به کشور ما تأثیرات مثبت و مفید را بر عادی ساختن اوضاع و حل پروبلم‌های حاد اقتصادی بجا می‌گذارد.

من از این امکان استفاده نموده، سپاسگزاری و امتنان عمیق قلبی خود را به دوست بزرگ ما رفیق یوری ولادیمیر ویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر کمک و اقع حیاتی و مهم به افغانستان ابراز میدارم. مردم افغانستان و نسل‌های آینده جمهوری دموکراتیک افغانستان و فرزندان مردم

زحمتهای افغانستان هیچگاه این کمک و همکاری را فراموش نخواهند کرد. وظیفه و وجیبه ماست تا این کمک شریفانه و بی‌شایبه و برادرانه به طور کامل و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

من در این باره برای آنانی صحبت می‌نمایم که در نزد بعضی‌شان چنین تصویری وجود دارد که گویا کمک‌های اتحاد شوروی خود به خود همه پروبلم‌های ما را حل می‌نماید این موضوع نادرست است. آری، اتحاد شوروی به ما در امر دفاع از حاکمیت ملی و استقلال کشور کمک همه جانبه می‌داند. از لحاظ اقتصادی پشتیبانی حیاتی و مهم می‌نماید و تجارب پیشرفته و مهم را در عرصه کار حزبی و دولتی در اختیار ما می‌گذارد، لیکن باز هم کمک دوستان تنها می‌تواند به رشد انقلاب مساعدت کند. وسیله عمده مساعی و کار خود ما و شما است. ما خود باید در مورد حل مسایل رشد اقتصادی تصمیم بگیریم و مسؤلیت این تصمیم نیز به عهده خود ماست. کمک دوستان مسؤلیت ما را سبکتر نمی‌سازد، بلکه برعکس افزایش می‌دهد. بنابراین هر عضو اصلی و آزمایشی حزب باید این مسؤلیت را واقع احساس و عمیقاً درک نماید و چنان کار کند که شایستگی خود را برای این اعتماد دوستان ما ثابت سازد.

به همین سبب، رفقا یک بار دیگر از شما و از طریق شما از همه حزب دعوت به عمل می‌آید تا در حل پروبلم‌های اقتصادی از خود فعالیت ابتکار، خلاقیت شجاعانه و حتی از جان‌گذاری نشان بدهید.

رفقا! مسایل اقتصادی حل نشده ما بسیار است و همه آنها حاد و مبرم بوده و تمام زحمتهای و نوده‌های وسیع مردم حل درست و به موقع آنها را انتظار دارند. اما توجهی که از جانب کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، دستگاه دولتی، وزارت‌ها و ادارات و سازمان‌های اقتصادی به این پروبلم‌ها صورت می‌گیرد، واضحاً غیرکافی است. در نتیجه ما موفق به حل یک سلسله پروبلم‌های حاد اقتصادی نمی‌گردیم. منحیث مثال مسئله بازسازی و فعال ساختن مؤسسات اقتصادی تخریب شده یعنی فابریکه‌ها، کارخانه‌ها، دستگاه‌های تولید و لاین‌های انتقال برق، خطوط مخابراتی، تأسیسات آبیاری و غیره را منکر می‌شویم. من خودم در جریان مسافرت‌ها به نواحی مختلف کشور و دیدار بازحمتکشان متیقن شدم که آنان آماده اند سهم خود را در امر مبرم و نزدیک به خودشان ایفا نمایند و هم در محلات امکانات لازم وجود دارد. در عین زمان بازسازی و فعال ساختن مؤسسات تخریب شده و یا متوقف شده به طور غیرقابل تحمل بطی و در مقیاس محدود صورت می‌گیرد. بازسازی بسیاری از مؤسسات مذکور تحت آتش دشمن صورت می‌گیرد و این مسئله را نمی‌توان نادیده گرفت. اما تعداد زیاد این مؤسسات در مناطقی غیر فعال اند که در آنجا هیچ باندی وجود ندارد و ضمن این وضع منت مدیدی است ادامه دارد. یکی از علل این وضع عدم احساس مسؤلیت انقلابی و وطنپرستانه، عدم نظم و ابتکار، بی‌تفاوتی و سهل

انگاری، تنبلی و بی‌علاقگی، عدم توانایی و یا نداشتن روحیه انقلابی و آرزو برای کار به شکل شاید و باید است. من فکر می‌کنم اعضای کمیته مرکزی توافق دارند که چنین کارمندانی را نمی‌توان دیگر مجازات نکرد. بگذار دیگر هیچ کسی امیدوار نباشد که با ناکامی در یک عرصه کار به عرصه دیگر با حفظ امتیازات و یا حتی ارتقای مقام و افزایش معاش تبدیل می‌گردد. چنانچه متأسفانه تا کنون موارد زیادی از این قبیل به نظر می‌رسد، اما بعد از این دیگر چنین نخواهد بود.

دیگر اینکه تقویت فعالیت اقتصادی در محلات باید همراه با تحکیم دفاع خودی و جلب زحمتکشان به آن صورت گیرد. تا هنوز نتوانسته ایم این حقیقت ساده را در عمل پیاده نماییم. دهقانی که به کشت عله و چوبانی که به تربیه حیوانات می‌پردازد، ضرورت دارند که غله حیوانات و محصولات حیوانی شان از شر باندیت‌ها و دزدان مصنوع باشد و به صورت محفوظ به بازار عرضه گردد. کسانی که به تولید محصولات می‌پردازند، خواه کارگر، خواه دهقان و یا چوپان باشد، در حفظ آن عمیقاً ذی‌نفع اند. هر قدر هم درینجا نقش اردو و خارندوی بزرگ باشد، باز هم منصور نیست که هر کشتزار و هر رمه حیوانات فقط به وسیله نیروهای مسلح نظامی حفظ گردد. وظیفه ارگان‌های حزبی، دولتی و نظامی است که به زحمتکشان در این امر مهم کمک نموده گروه‌ها و گروپ‌های دفاع خودی را وسیع‌تر و با شجاعت تنظیم کنند و مولدین را برای دفاع از آنچه که خود تولید می‌کنند، سازمان دهند. این کار هم بالای تولید و هم بالای تأمین اهالی از لحاظ محصولات اثر مفید و مثبت می‌گذارد. این وظایف تنها اهمیت اقتصادی ندارد و اجرای آن به نفع انقلاب به طور عموم نیز است.

رفقا!

اکنون درباره بعضی از پروبلم‌های مشخص اقتصاد کشور و وظایف حزب و دولت در این عرصه صحبت می‌کنیم.

در این رابطه قبل از همه درباره وظایف مردم در ساحه تولید صنعتی مطالبی بیان می‌داریم. اگر تولید انرژی برق، گاز، نفت، سمنت، محصولات صنایع سبک و خوراکی را افزایش نبخشیم، ما به رشد اقتصادی نایل نخواهیم شد. همه این محصولات را سکتور دولتی تهیه می‌دارد که ما برای رشد آن اهمیت بخصوص را قایل هستیم. آینده اقتصاد ما به طور کاملاً گسست‌ناپذیر با این سکتور ارتباط دارد. حزب این وظیفه را مطرح می‌سازد که به تأمین رشد فزاینده، تقویه و پیشرفت سکتور دولتی رجحان داده شود و ساختار آن، بهبودی حاصل نماید. در این جهت منابع مالی و مادی ضروری و کمک‌های سخاوتمندانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر تخصیص داده می‌شود.

رفقا!

مسئله سکتور دولتی یکی از مسایل جدی، مبرم، اصولی، تیوریک و پراتیک ماست. مسئله تقویه سکتور دولتی یکی از وظایف عمده و اساسی ما طوری که قبلاً گفتیم، اساس مادی و فنی بزرگ تحولات اجتماعی را بعد از به پیروزی رساندن انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی تشکیل می‌دهد. حزب ما ارتقای سطح و رشد بیشتر و پلان شده سکتور دولتی را در ساحه اقتصاد ملی و سیله قاطع برای ارتقای سطح رفاه مادی و رشد ثروت اجتماعی به طور کل می‌شمارد. همه این وظایف خواهان آنست که کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و ارگان‌های دولتی با آن اهمیتی که سکتور دولتی در حال حاضر و در آینده دارد، مطابقت نماید. و این کار البته قبل از همه وابسته به توانایی و استعداد ما و صلاحیت ما در پیشبرد امور و حل پروبلم‌های سکتور دولتی است. ما باید بیاموزیم که چگونه پیشبرد امور اقتصادی را مطابق به منافع مردم، با تأمین صرفه جویی در منابع دولتی، حفظ ثروت دولتی و تحکیم دسپلین حزبی و دولتی انجام دهیم. برای کمیته‌های حزبی این امر در عمل به معنی آنست که از وضع تولید باخبر باشند، علل نشواری‌هایی را که به وجود میاید، درک نمایند و حزب و همه رحمتکشان را برای رفع آن بسیج سازند. توجه بخصوصی باید به تقویت رهبری اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان و سایر سازمان‌های اجتماعی مبذول گردد تا نقش آنها در تأمین کار بلاوقفه موسسات ارتقا حاصل نماید. بدیهی است که همه این مسایل باید در رابطه محکم و نزدیک و همکاری با اداره حل گردد. کار مؤسسات مربوط سکتور دولتی، اشتراک سازمان‌های حزبی و اجتماعی این مؤسسات در امور تولیدی باید همیشه مورد توجه جدی کمیته‌های حزبی قرار داشته باشد. در این زمینه تأکید می‌نمایم که مورد توجه جدی و دائمی قرار داشته باشد. مناسفانه تا کنون اینطور نیست. خود قضاوت نمایید: از یکصد و ده مسئله اقتصادی که در طی سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزبی مورد بررسی قرار گرفته، بیشتر از ده موضوع آن مربوط فعالیت مؤسسات سکتور دولتی نبوده و باوجود آن یک بار هم مورد کنترول و بازرسی مجدد بر آنها صورت نگرفته است.

درباره یک مسئله دیگر می‌خواستم صحبت کنم. مناسفانه در نزد بسیاری از رفقا نسبت به سکتور دولتی برخوردی وجود دارد که بنا بر آن سکتور دولتی منبعی است که از آن همه نعمات را می‌توان حاصل نمود ولی به صرف نیرو، توانایی و تجربه نمی‌ارزد. این برخورد و طرز تلقی از ریشه نادرست است. سراسر حزب باید بداند که رشد مؤفقاته سکتور دولتی فقط در صورت اشتراک فعالانه و علاقه‌مندی وسیع آنها امکان پذیر است.

با مسایل مربوط به تولید صنعتی در سکتور مختلط و خصوصی نیز نمی‌توان تماس نگرفت. یادآوری می‌کنم که در رابطه با آنها در اسناد حزب سیاست دقیق و واقعینانه‌یی طرح ریزی شده است. با پیروی از این سیاست، کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی باید مواظب آن باشند تا سطح تولید در این سکتور ها کاهش نپذیرد

و آنها محصولات ضروری کشور و مردم را تأمین نمایند. از جانب دیگر این ارگان‌ها، وظیفه دارند اجازه ندهند که به منافع جامعه و دولت لطمه وارد گردد و از هرگونه سوءاستفاده صاحبان و مسؤولین این سکتورها جلوگیری به عمل آید. همکاری اقتصادی باید و به صورت واقعی متقابلاً مفید باشد.

اکنون درباره پلان‌گذاری اقتصادی: روشن است که پلان‌گذاری کار پیچیده و دشوار است و ما هم تا کنون تجربه زیادی در این عرصه نداریم و بر علاوه دشواری‌های عینی موانع زیادی را به وجود می‌آورد.

اما باید با صراحت اعتراف نمود که ما هنوز به طور واقعی نیاموخته ایم که چگونه پلان‌گذاری نمود و حتی آینده نزدیک را پیشبینی کرد. همچنان توانایی کنترل بر جریان اجرای پلان‌ها را نیز نداشته ایم. رفقاً! ضرورت است که هرچه زودتر و هرچه جدی‌تر این امور را بیاموزیم. نواقص ما در ساحة پلان‌گذاری و امور مالی و اجرای پلان‌های پیشبینی شده را مختل می‌سازد و از پیشرفت جلوگیری می‌کند. ما اشد ضرورت به پلان‌گذاری معقول و واقعینانه داریم. اما برخورد نسبت به آن همیشه این طور نیست. امران و روسای بعضی از وزارت‌ها و ادارات اجرای پلان را تأمین نموده نمی‌توانند، در عین زمان خوش دارند از دولت تقاضاهای اضافی و بیش از حد کنند.

رفقاً!

ما به نام مردم افغانستان، بنابر اراده آنان و به خاطر منافع شان انقلاب نموده ایم تا زندگی مردم بهتر گردد. نمی‌توان در برابر صعود قیام، وقفه‌ها و اختلالات در تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و بعض محصولات صنعتی و مواد سوخت و غیره بی‌تفاوت باقی ماند.

البته در شرایط پیچیده مبارزه با ضدانقلاب هنگامی که روابط اقتصادی عادی بین مناطق مختل شده است، يك اندازه صعود قیام از لحاظ اقتصادی ناگزیر و قابل توجیه و توضیح است. اما آیا همین يك علت وجود دارد؟ روشن است که فعالیت ما، کنترل ما در این ساحة کاملاً غیرکافی می‌باشد. نباید فراموش کرد که زحمتکشان عمدتاً یا در نظر داشت مشخصاتی چون سطح قیام و تأمینات درباره حکومت ما قضاوت می‌نمایند. مسئله قیام نه تنها در کشور ما بلکه در تمام کشورهای جهان در رابطه با زندگی مردم یکی از مسایل عمده و اساسی است. موجودیت خردترین نوسان در قیمت‌ها بخصوص در کشورهایی که انقلاب‌ها به پیروزی رسیده باشد و از آن جمله در کشور ما سبب نارضایتی‌های بزرگ مردم می‌گردد. وظیفه ما است که از همه امکانات و منابع استفاده نماییم تا وضع آنانرا سهولت بخشیم. کمیته‌های حزبی ولایتی و شهری، سازمان‌های اولیه، ارگان‌های دولتی در مرکز و محلات همه باید مستقیماً و به طور مشخص به این مسئله بپردازند.

ضمناً باید یادآور شد که در این عرصه باید سیستم تکاملی از تدابیر که برای امروز و آینده مدنظر گرفته شده باشد، طرح و عملی گردد، زیرا در کشور ما امکانات کافی برای تأمین مردم از لحاظ کالاهای داخلی منسوجات و پاپوش، غله و میومجات و خوراکی‌های کانسرو شده، شکر و نمک و وسایل کارآمد روزمره وجود دارد. ما باید منابع مواد غذایی، انرژی و سوخت، ترانسپورت و مواصلات و غیره را بسیج نماییم و در صورت لزوم برای بهبود تأمینات و استقرار قیمت از تدابیر اداری استفاده کنیم.

از اشکال و انواع تأمین خودی استفاده ضعیف صورت می‌گیرد و تجربه آن خوب گسترش نمی‌یابد، در حالی که در بعضی از مؤسسات نتایج خوبی را به بار آورده است. چندی قبل، هنگامی که من از کارخانه جنگلک دیدن نمودم از کارگران شنیدم که در آن کارخانه مغازه فروش مواد غذایی ایجاد شده است. مواد غذایی برای مغازه قبلاً به طور مستقیم از محلات زراعتی و اکنون از طریق اتحادیه کوپراتیف‌های دهقانی جمهوری دموکراتیک افغانستان خریداری می‌شود و به کارگران به قیمت نازلتر از بازار عرضه می‌گردد. این تجربه قابل عطف توجه جدی و پشتیبانی است. خوب است که این ابتکار در محیط کارگری صورت گرفته است.

ضروری است که در باره یک سلسله ابتکارات از جانب حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز فکر شود. مثلاً درباره ایجاد ذخایر مخصوص حکومتی که به کمک آن می‌توان بر سطح قیمت بعضی از کالاهای مورد ضرورت اولیه تأثیر بیشتر و بهتر وارد نمود. ضروری است تا تدابیر جدی جهت تنظیم مصارف اسعاری و خریداری تجهیزات، مواد و کالاهای خارجی اتخاذ گردد. مسایل مربوط به رشد منابع انرژی کشور نیز نیازمند توجه جدی است. عقب‌مانده‌گی صنایع سبک و صنایع غذایی را ازین بیشتر نمی‌توان تحمل نمود. همه این تدابیر و تدابیر دیگری باید به طور عاجل و فوری طرح و تنظیم گردد و بدون عقب ماندن از وضع موجود اقتصادی به شکل اپراتیفی با اشتراک وسیع و فعال ارگان‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی و توده‌های وسیع زحمتکشان تحقق یابد.

اکنون درباره ترانسپورت: به مثابه رشته حیاتی و مهم اقتصاد ما صحبت می‌کنیم. من درینجا درباره پروبلم‌ها و دشواری‌های خالص تکنیکی حرف نمی‌زنم. فقط خاطر نشان می‌سازم که اکنون موفق شده ایم کار بزرگ دارای اهمیت حیاتی برای تأمین صنایع و مردم و برای همه اقتصاد کشور را آغاز نماییم. برای نخستین بار در کشور سکتور دولتی در ترانسپورت موثر ایجاد شده است. به برکت کمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا، جمهوری مردم بلغاریا و سایر کشورهای برادر سوسیالیستی چند هزار عراده موثر باربری قوی، تانکر تیل و سایر وسایل ترانسپورتی به کار انتقالات بارها و اموال ضروری آغاز نموده اند. اما سهم موثرهای سکتور دولتی در مجموع انتقالات اموال و بارها هنوز بسیار پایین بوده و مؤثریت کار آن باید به مراتب بهبود حاصل نماید. و بر علاوه همه

اینها کمیته‌های حزبی، شعبات اقتصادی آنها، ارگان‌های دولتی هم در مرکز و هم مخصوص در ولایات هنوز به این امر مهم، نو و ضروری مواظبت و توجه لازم مبدول نمی‌دارند، در حالی که وظیفه این ارگان‌هاست که باید علاقه‌مندی بخصوصی را نسبت به ایجاد شرایط برای کار بلاوقفه ترانسپورت دولتی نشان دهند.

رفقا!

اکنون درباره وضع اصلاحات ارضی و آب صحبت می‌نمایم: این اصلاحات از لحاظ ماهیت خود بیان و تجلی تراکم یافته سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و قدرت انقلابی نسبت به دهقانان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک است. ما همه اسناد حزبی مربوط به اصلاحات ارضی و آب را بر مبنای چنین درک مسئله طرح و تدوین نموده ایم و همه فعالیت عملی ارگان‌های حزبی و دولتی در تحقق سیاست حزب نیز باید بر درک این مسئله استوار باشد.

ولی ناگزیر باید اعتراف نمود که هنوز چنین نیست. اصلاحات ارضی و آب در ولایات بسیار بطی و کاملاً غیرقناعت‌بخش، بیش می‌رود. هنوز نه ارگان‌های دولتی چون وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و وزارت آبیاری و نه کمیته‌های حزبی هیچکدام در محلات به طور واقعی در پیشبرد اصلاحات سهم نگرفته‌اند. گرچه اینها اند که باید الهام دهندگان و رهبران سازمانده اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب باشند. اما ببینید که دهقانان از ما انتظار زمین و آب و انتظار کمک را دارند و وظیفه مقدس ماست تا آنچه را که وعده نموده ایم به آنان بدهیم.

چه چیزی مانع آن می‌گردد که ما وعده‌های خود را به طور کامل برآورده سازیم؟ به چه چیزی باید در درجه اول توجه نمود؟

یک - باید پراگندگی، عدم هماهنگی و عدم توافق بین ادارات مختلف سهیم در این امر، به طور قطع از میان برداشته شود. بر علاوه باید آنها در تماس نزدیک با ارگان‌های حزبی کار نمایند. تا کنون چنین به نظر می‌رسد که علاقه‌مندی واقعی به تحقق اصلاحات ارضی و آب وجود ندارد.

دو - به صراحت دیده می‌شود که در این عرصه کار پیگیر، پایداری و حالت تعرضی کافی وجود ندارد. حتی کارهای تخنیکی و مقدماتی چون مطالعه اسناد، بررسی وضع در محلات بدون دلایل موجه با کندی و تنبلی بسیار زیاد و در مقیاس بسیار کوچک پیش می‌رود.

سه - پیشبرد و تحکیم موفقانه اصلاحات ارضی و آب مستقیم با استحکام ارگان‌های قدرت محلی ارتباط دارد. پایداری و اتوریتته این ارگان‌ها نه تنها به پیشبرد عملیه اصلاحات مساعدت می‌کند، بلکه اعتماد دهقانان به برگشت

نایدیری اصلاحات را تأمین و به جلب توده‌های دهقانی در رشد بعدی و تعمیق اصلاحات و دفاع از نتایج آن نیز کمک می‌نماید.

چهار- هنوز هم کار توضیح اهداف و محتوای اصلاحات به طور ضعیف پیش برده می‌شود. به این مسئله که اقدامات و تدابیر درستی چون اصلاحات باید درست درک گردد کمتر اهمیت داده می‌شود. در حالی که این امر برای پیروزی و موفقیت حتمی می‌باشد.

در شرایط ما نه تنها عواقب نادرست گذشته، تلقینات و بی‌سوادی توده‌های اساسی باشندگان دهات، بلکه تبلیغات خصمانه و پلان شده دشمن نیز موانع ی را بر سر راه درک درست مسایل ایجاد می‌کند. در آنجایی که مستقیماً و عملاً سرنوشت اصلاحات ارضی و آب مطرح است، ما باید با تمام قوت ندای حقیقت و ندای حزب را بلند کنیم و همه و طایفی را که نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش کشیده است، انجام دهیم.

پنج- هنوز هم اصلاحات ارضی و آب عمدتاً بر اساس اصل «از بالا به پایین» صورت می‌گیرد. جلب توده‌های وسیع دهقانان در اینکار هنوز کافی نیست. روشن است که نمی‌توان اصلاحات را فقط با میتوذهای اداری پیش برد. از این جا هم وظیفه دیگر نشأت می‌کند: با تمام وسایل موجود و تدابیر ممکن باید دهقانان را به اشتراک در تحقق مستقیم اصلاحات جلب نمود. اجرای این وظیفه به معنی فیصله سرنوشت و مقدرات مجموع کار اصلاحات است.

در ارتباط با این موضوع به تحلیل مسایلی که در جلسات کمیته‌های حزبی ولایتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، باز می‌گردیم. باید گفت که وضع اصلاحات ارضی تقریباً در همه جا مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است. این واقعیت خود به خود بد نیست، ولی متأسفانه باید اعتراف و انتقاد نمود که تاکنون نتایج بحث و ارزیابی رضایتبخش نبوده است.

رفقا!

هر مسئله اقتصادی را که مطرح نمایم، کلید حل آنرا کادرها می‌سازند، زیرا آنان باید سیاست اقتصادی حزب را در عمل پیاده نمایند. همه چیز مربوط به آماده‌گی حرفه‌وی و پخته‌گی سیاسی آنان است. البته ما با کمبود کارگران، تخنیکران و انجینیران ماهر و کارشناسان ماهر زراعت و ورنزری مواجه هستیم. اما، باید اعتراف نمود که از امکانات موجود نیز استفاده کافی و معقول صورت نمی‌گیرد.

منجمله این وضع در مورد تربیت کادرها در خارج از کشور، قبل از همه در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی صدق می‌نماید. درینجا چند پروبلم وجود دارد. بعضاً در انتخاب آنها به قدر کافی فکر نمی‌شود و بدون در نظر داشت ضرورت

و نیازمندی به این یا آن رشته صورت می گیرد. بعضاً کسانی برای آموزش به خارج فرستاده می شوند که توانایی آنها ندارند و فقط در نتیجه تصادف و یا بر اساس روابط شخصی و خویشاوندی و دیگر عوامل غیر مفید انتخاب می گردند. وزارت ها و ادارات مربوط برای جذب و به کار انداختن مؤثر متخصصانی که بعد از فراغت از تحصیل باز می گردند، آمادگی ندارند.

بعضاً امکان استفاده از آنان در اقتصاد ملی وجود ندارد. به این وضع باید خاتمه بخشید. دولت باید پلان دقیق تربیت و تقسیمات متخصصان را داشته باشد و آنها را پیگیری عملی سازد. ارگان های حزبی هم نباید از این کار به دور مانند.

در رابطه با تربیت کارگران و متخصصان دارای سطح متوسط و عالی تعلیمات در داخل کشور نیز پروبلم های مبرم و حل نشده کم نیست.

فکر می کنم که باید وزارت تحصیلات عالی و مسلکی و وزارت تعلیم و تربیه همراه با سایر وزارت های ذی علاقه پیشنهاد های خود را در زمینه حل این مسایل طرح و به شورای وزیران تقدیم نمایند.

درباره یک مسئله دیگر باید صحبت نمود، من در جریان ملاقات ها و صحبت ها با کارگران دریافتم و متیقن شدم که مسایل مربوط به تکمیل قوانین کار سخت مورد نیاز و دلچسپی و علاقمندی شان قرار دارد و حتی ازین رهگذر تشویش ها و پریشانی هایی دارند. علاقمندی آنان کاملاً قابل درک است. طرح و تدوین مسوده های این قوانین جریان دارد و حتماً در آنها بر خورد و رابطه نوین نسبت به انسان زحمتکش افغانستان انعکاس خواهد یافت. باید کار طرح و تدوین قوانین مذکور را سرعت بخشید. جانب دیگر این پروبلم نیز وجود دارد. برخی از قوانین غیر عادلانه و مقررات که از گذشته، از زمان پیش از انقلاب باقی مانده با اینکه در تضاد با واقعیت موجود قرار گرفته و کهنه شده باز هم نافذ است. زمان آن فرا رسیده است که همه سیستم قانونی و قانون گذاری کشور را مطابق به نیازمندی های مردم و واقعیت انقلابی و باز هم با در نظر داشت شرایط موجود در کشور عیار ساخت.

رفقا!

تنها داشتن ستراتیژی اقتصادی درست و کمک سخاوتمندانه دوستان و برادران ما کافی نیست. برای پیروزی در جبهه اقتصادی باید میکانیزم جدید، مؤثر و واحد اقتصادی داشت.

وزارت ها، ادارات، سازمان های اقتصادی هنوز میکانیزم واحد نیست، این مهمترین اجزای آنست. همه ما می بینیم و می دانیم که این اجزا هنوز با عدم توافق، پراکنده و جدا از هم به وسیله موانع اداری، زیر بار سنگین بیروکراتیسم و میراث گذشته کار می نمایند.

ارتقای سطح مسؤولیت و تسپلین در ارگان‌های دولتی باید به قانون بلا انحراف فعالیت آنها مبدل گردد. ضرورت است تأثیر و رهبری حزبی بالای آنها تقویت گردد. تنها اراده حزب می‌تواند این اجزای مشکله موجود را در یک سیستم واحد در آورد و با هم پیوند محکم دهد تا به طور مؤثر و با نظم و اتفاق کار نمایند. سیاست کادرهای حزب نقش بزرگ را در این امر ایفا می‌نماید. حزب باید به طور دائمی امور را به طرف ایجاد چنین میکانیزم اقتصادی انقلابی در افغانستان هدایت کند. چه چیزی برای اینکار لازم است؟ چه کاری باید همین امروز صورت گیرد؟

اجازه بدهید، با صراحت کامل یک بار دیگر خاطر نشان سازم که حزب باید نقش خود را در زندگی اقتصادی کشور درست و انقلابی ایفا نماید. اگر يك وزارت یا اداره تنها پاسخگوی کار در عرصه و جهت خود و در حدود وظایف و خصوصیات مربوط به خود است، کمیته‌های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی و علاقه داری در امر حل درست و به موقع مسایل اقتصادی در محلات مربوط به خود، در امر تحقق درست سیاست اقتصادی حزب در این محلات، در امر حفظ و حراست منافع زحمتکشان و ارضای به موقع و هرچه بیشتر و کاملتر نیازمندی‌های آنان در حدود امکانات موجود مسؤولیت دارند.

چنانچه همیشه خاطر نشان ساخته ایم ارگان‌های حزبی نباید اداره را تعویض نمایند و نباید مستقیماً «اداره» تولید را به دست گیرند. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی وظیفه دارند در ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و مؤسسات تولیدی به بهبود همه جانبه حیات اقتصادی مساعدت نمایند و نقش تعیین کننده را در تأمین رشد اقتصادی از لحاظ سیاسی، تربیتی، تبلیغاتی و سازمانی ایفا کنند.

رفقا!

آموزش، طرز تفکر و عمل در امور اقتصادی باید بدون قطع و همراه با مبارزه اصولی ما به خاطر تحکیم وحدت حزب، به خاطر تحقق کامل و پیگیر سیاست آن در عمل، به خاطر تحقق مشی عمومی آن که در اسناد کنفرانس سرتاسری حزبی، پلینوم‌های نهم و دهم آن بیان شده است، صورت گیرد. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دقت جریان اجرای تصامیم حزب را تعقیب نموده و رشد حیات درون حزبی را به طور عمیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده و می‌دهد.

حزب ما روز تاروز قوت می‌گیرد. استحکام سازمانی، تجربه و آماده‌گی ایدیولوژیک آن رشد می‌یابد. اکنون ما می‌توانیم به حل پروبلم‌های بزرگ بپردازیم و همه مقدمات ضروری برای حل موفقانه آنها وجود دارد. ما در مبارزه، در کار و بیکار انقلابی خود تنها نیستیم، اتحادشوروی بزرگی، سایر کشورهای برادر، دول دوست و نیروهای مترقی بشریت با ما اند. خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار

کارنامه‌های بزرگ و قهرمانانه را دارند، زیرا این مردم زحمتکش افغانستان است که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان، این حزب قهرمانان و شهیدان پس از سیزده سال تأسیس خود علی‌الرغم شرایط عقب‌مانده کشور توانست بیرق انقلاب آزادی‌بخش خلق را در افغانستان برافرازد. لذا تکرار می‌کنیم خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار کارنامه‌های بزرگ و قهرمانانه را دارند و ما باید این خواست آنان را که بر اساس اراده آنان انقلاب کرده ایم، برآورده سازیم. حتماً برآورده سازیم و حتماً برآورده خواهیم ساخت!

